

وَرِيدَانِ يَمْنَيْنِ رُصَعْفُوا الْأَرْضَ وَجَعَلُوا الْوَارِثِينَ
عَلَى الْأَرْضِ فِي نَجْمَيْهِمْ



باصر نيزاد

البيعة لله

مؤلف: فریده گل محمدی آرمان

مرکز انتشارات دارالنشر اسلام قم

زمستان ۱۳۷۶

مرکز انتشارات دارالنشر اسلام - قم

نام کتاب: البيعة لله

مؤلف: فریده گل محمدی آرمان

چاپ اول: زمستان ۱۳۷۶

تیراژ: ۲۰۰۰ جلد

گرافيست: ناصر بهزادی

حروف نگار: خدمات کامپیوتری شباهنک

لیتوگرافی: واصف

چاپ: چاپخانه اسلام - قم تلفن: ۷۴۱۰۶۱

«حق چاپ و تکثیر فقط برای مؤلف محفوظ است»

فهرست

۹	پیش‌گفتار
۱۳	مقدمه

فصل اول

۴۱	اجداد حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۵۵	نام‌ها و لقب‌های حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۵۵	نهی از بردن نام حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۵۷	ادیان در آخرالزمان
۵۷	آیین زردشتی
۵۸	آیین هندویی
۶۰	آیین بودایی
۶۰	آیین یهودی
۶۱	آیین مسیحیت
۶۲	آیین اسلام

۶۵	سیمای ملکوتی حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۷۳	راز طول عمر شریف حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۷۷	شبهات حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> به پیامبران
۷۷	شبهات به حضرت آدم <small>علیه السلام</small>
۷۸	شبهات به حضرت نوح <small>علیه السلام</small>
۷۸	شبهات به حضرت هود <small>علیه السلام</small>
۷۹	شبهات به حضرت ابراهیم <small>علیه السلام</small>
۸۰	شبهات به حضرت لوط <small>علیه السلام</small>
۸۰	شبهات به حضرت یوسف <small>علیه السلام</small>
۸۱	شبهات به حضرت خضر <small>علیه السلام</small>
۸۲	شبهات به حضرت شعیب <small>علیه السلام</small>
۸۳	شبهات به حضرت موسی <small>علیه السلام</small>
۸۵	شبهات به حضرت یوشع <small>علیه السلام</small>
۸۶	شبهات به حضرت داوود <small>علیه السلام</small>
۸۸	شبهات به حضرت سلیمان <small>علیه السلام</small>
۸۸	شبهات به حضرت ایوب <small>علیه السلام</small>
۹۲	شبهات به حضرت عیسی <small>علیه السلام</small>
۹۵	شبهات به حضرت خاتم الانبیاء <small>صلی الله علیه و آله</small>
۹۶	مواریث انبیاء
۱۰۰	مدت حکومت حضرت ولی عصر <small>علیه السلام</small>
۱۰۵	موقعیت علمی حضرت ولی عصر <small>علیه السلام</small>
۱۱۱	اقامتگاه حضرت ولی عصر <small>علیه السلام</small>
۱۱۳	تشریف

فصل دوم

۱۲۱	ضرورت وجود امام
۱۲۶	دوران زندگی حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۱۲۷	حکمت غیبت
۱۳۴	نواب اربعه
۱۳۶	غیبت کبری
۱۴۱	رجعت در رستاخیز صفری
۱۴۵	رجعت حضرت رسول اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small>
۱۴۸	رجعت حضرت علی <small>علیه السلام</small>
۱۵۱	رجعت حضرت حسین <small>علیه السلام</small>

فصل سوم

۱۶۷	نشانه‌های ظهور حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۲۱۸	قیام سفیانی
۲۳۱	قیام عوف سلمی
۲۳۳	قیام یمانی
۲۳۵	قیام نفس زکیه
۲۳۸	قیام سید هاشمی
۲۳۹	قیام سید خراسانی
۲۴۲	بانگ آسمانی

فصل چهارم

۲۵۳	یاران حضرت ولی عصر <small>علیه السلام</small>
۲۶۳	وقوع رستاخیز صفری
۳۱۱	رجعت حضرت عیسی <small>علیه السلام</small>



۳۲۹	فهرست آیات
۳۳۷	فهرست احادیث و روایات
۳۵۵	فهرست موضوعی کتاب
۳۵۹	منابع

بیش گفتار

«حَسْبُنَا اللَّهُ نِعْمَ الْوَكِيلُ نِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ.»

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَإِلَيْهِ مَا اخْتَلَفَ الْمَلَوَانِ وَتَغَاقَبَ الْعَصْرَانِ وَكَرَّ الْجَدِيدَانِ وَاسْتَقْبَلَ الْفَرَقْدَانِ وَبَلَغَ رُوحَهُ وَأَزْوَاحَ أَهْلِ بَيْتِهِ مِنِّي الشَّجِيَّةَ وَالسَّلَامَ.»

«بار خدایا! رحمت فرست بر سید و پیامبر ما، محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و آتش تا مادامی که کشتی رانان رفت و آمد می کنند و زمانها در پشت یکدیگر می آیند و شب و روز تکرار می شود و ستارگان روی می آورند (بارالها) از طرف من به روح پیامبر و روح خاندانش تحیت و درود فرست.»

تحیت بر آنان، تا آن زمان که سلطنت خدا برقرار است، تحیت بر آنان که همچون آیات رحمت فرمان و پیام حق تعالی را به بندگان خدا ارسال داشته و آنان را به فلاح و رستگاری رهنمون هستند، بالاخص سلام و تحیت بر حضرت خاتم الاوصیاء حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام یگانه زمامدار عدل و عدالت که مظلومان و محرومان عالم در انتظار ظهورش لحظه لحظه های پرطیش حیات را پشت سر می گذارند و به امید آن روز زنده اند که او بیاید، آری او بیاید و منتظران راهش ان شاء الله با اشک چشمانشان جای پای آقایشان را بشویند و با اشک چشمانشان خاک پای آن سرور را توتیای چشمان خسته و گریانیشان نمایند. حال ای شیعیان علی بن ابی طالب و ای

دوستان اهل بیت عصمت و طهارت و ای منتظران یگانه حجت یزدان بنگرید و به آنچه که در اطراف شما می‌گذرد توجه کنید و نسبت به هیچ یک از پدیده‌های عصر حاضر بی تفاوت نبوده و از همه مهمتر برای آخرین برگه که نتیجه آزمایشات الهی است حساس باشیم؛ زیرا روزی می‌رسد که نتیجه آزمایشات یک عمر عملکرد ما مشخص شود و در آن روز به حساب تک تک ما رسیدگی خواهد شد و اگر امروز با دید باز و با افکاری سالم و با اعمالی شایسته حافظ دین و اهداف مقدس خود نباشیم و اگر به جهان آشفته که از سر تا پایش فتنه و آتش می‌بارد توجه نکنیم ضرر و زیان آن را خواهیم دید، در واقع وضع نابسامان جهان به ما هشدار می‌دهد که بیدار و هوشیار باشیم و از این روزگار نگون بخت که در سراسیمی عمر خود قرار دارد و شب ظلمانی را پشت سر می‌گذارد بهره کافی برده و برای فردا توشه لازم را جمع آوری نماییم و باید باور کرد که عالمیان در مقابل یک سری ناملایمات، هجوم مشکلات، ناامنی و فقر و حوادث غیر مترقبه قرار گرفته‌اند و از طرفی طبق علایم و شواهد باید باور کنیم که با آن روزهای خوش و خوشبختی فاصله‌ای نداریم، اگر چه در حال حاضر ما مردم در دنیای تاریکی همچون یک تونل مخوف سرگردانیم و باید برای رسیدن به آن سمت تونل که عین روشنایی و سرسبزی است تلاش کنیم و از هیچ گونه ایثار و تلاش روی گردان نبوده و در سایه تطهیر جسم و روح به همراه عبادت و اطاعتی بیشتر از گذشته به استقبال فردا برویم، فردایی که بسیار درخشان و پرامید است و آرزوهای بشر ان شاء الله به سر منزل مقصود می‌رسد و اما هدف از نگارش کتاب مزبور برای پیش برد اهداف مقدسی است که باید در رأس همه امور قرار گیرد، اموری که تا حدی در سایه معرفت نسبت به امام حی و حاضر و شناخت واقعیت‌های موجود و مطالعه کتابهایی در راستای احادیث و روایات کسب می‌شود که از جانب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام صادر شده است و همان‌طور که می‌دانیم فرهنگ مقدس دین مبین اسلام از کتاب آغاز شده و اولین سوگندی که در کلام وحی بر لسان مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شد سوگند به قلم است، قلم و دیعه‌ای الهی و یکی از بزرگترین نعمت‌های باری تعالی در جهت ابلاغ و تبلیغ وحی محسوب می‌شود، معجزه مکتب امید بخش اسلام به کتاب و قلم وابسته است، قرآن

کتاب آسمانی است و جهان کتاب گشوده پروردگار و قلم برای نوشتن و وسیله‌ای برای خروج از مرتبه ادنی و جهان سفلی و رسیدن به مرتبه تعالی و تکامل می‌باشد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرموده‌اند:

«الْمُؤْمِنُ إِذَا مَاتَ وَ تَرَكَ وَرَقَةً وَاحِدَةً عَلَيْهَا عِلْمٌ تَكُونُ تِلْكَ الْوَرَقَةُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ سِتْرًا فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ النَّارِ...»^۱

هر گاه مؤمن از جهان رخت بر بندد و تنها یک برگ کاغذ از خود به ارث گذارد که دانشی بر آن نوشته باشد، همان یک برگ پرده‌ای میان او و آتش دوزخ خواهد بود.» رسول اکرم صلی الله علیه و آله در حدیث دیگر فرموده‌اند:

«مَنْ كَتَبَ عَنِّي عِلْمًا أَوْ حَدِيثًا لَمْ يَزَلْ يُكْتَبُ لَهُ الْأَجْرُ مَا بَقِيَ ذَلِكَ الْعِلْمُ وَ الْحَدِيثُ.»^۲

«کسی که از من دانش و یا حدیثی را بنگارد تا زمانی که آن دانش و حدیث پایدار است پاداش بر او نوشته می‌شود.»

به راستی کدام حدیث زیباتر و شکوهش افزون‌تر از حدیث «مهدی» یگانه برگ زرین خامس آل عباس است؟

بیان کدام حدیث گویاتر از وجود مقدس یگانه طلایه دار دین محمدی است؟ آری، بیان کدام حدیث والاتر از عظمت و صولت آن یگانه منتقم خون سالار شهیدان است؟

همان یگانه سفیر کبیر خداوند که با ظهورش هستی جان مجدد می‌گیرد و با آمدنش آسایش و آرامش بر کل هستی حاکم می‌شود و در عصر حکومت مبارکش جهان آشفته و نابسامان ما به سامان می‌رسد و دردمندان و رنجدیدگان جهان، خوشبختی را لمس کرده و سعادت را تجربه خواهند کرد.

پس تو ای درفش همیشه به اهتزاز درآمده هدایت، ای عصاره عالم خلقت، ای قبله هر قافله، ندای عاشقانت، منتظرانت، همه آنانی که هر صبح و شام تو را می‌خوانند و از خدا تو را طلب می‌کنند صلاده که آنان در لحظه لحظه‌های زمان سعی دارند رو به سوی تو آرند، سر بر آستان تو ساینند و چنگ بر ریسمان تو زنند.

ای مهدی! ای گل سر سبد گلشن هستی بیا، ای تنها محور کائنات بیا، بیا بر بلندای

کعبه بیايست و با بانگ تکبیرت همه را فراخوان و به آنان بشارت دیدار ده، بشارت به آن بندگان صالح خدا که برای رسیدن به اهداف عالیة اسلام تلاش و ایثار بی‌امان داشته و اصالت گوهربار اسلام محمدی را حافظ هستند.

به راستی مژده باد بر عاشقان کوی مهدی که در روز موعود سوار بر مرکب عشق شده و با نسیم آزادی حرکت نوینی را آغاز خواهند کرد، همانان که با یک دنیا شور و اشتیاق تا بیکران هستی، زمان را پشت سر خواهند گذاشت.

حال تو ای بنده خدا، امت محمد، شیعه علی و یاور مهدی برخیز و مددی ده، مددی تا صبح پیروزی، تا همان روزی که یگانه اختر تابناک چشم به راهان بر آسمان جهان درخشیدن گیرد و با طلوعش دنیای تیره و تاریک ما منور شود.

آری، تا همان روزی که دعای رهبر کبیر انقلاب، امام راحل علیه السلام به سر منزل مقصود رسد که فرمودند: «خداوندا! بر ما منت بنه و انقلاب اسلامی ما را مقدمه فرو ریختن کاخهای ستم جباران و افول ستاره عمر متجاوزان در سراسر جهان گردان و همه ملت‌ها را از برکات و وراثت و امامت مستضعفان و پابرهنگان برخوردار فرما.»

ما نیز همین دعا را از دل و جان بر زبان جاری کرده و نابودی دشمنان اسلام و انسان را خواهانیم و پیروزی و بهروزی را برای دوستان و پیروان مکتب افتخار آفرین اسلام ناب محمدی آرزو می‌کنیم. امید است با برقراری اتحاد و انسجام کمر همت بر بندیم و در کنار هم اهرمی قوی باشیم و در سنگر جهاد سینه‌ها را سپر امواج پر خروش بلا نموده و در مقابل دشمنان منحرفی همچون معاویه و یزید بیايستیم و به امید آن که هر چه سریع‌تر زمینه آن انقلاب سرنوشت ساز مهیا شود مگر نه این که هر حادثه‌ای در جهان مژده دیدار وصی احمد، آن گل سرسبد آل الله را می‌دهد، حوادثی تلخ که در نهایت نوید و بشارت دیداری مبارک را به همراه دارد.

باشد به اذن خدای سبحان و در سایه الطاف الهی و در پرتو حکومت عدل و داد، عزت و آسایش از آن مستضعفان عالم شود و همچنین ذلت و گمراهی مداوم مرکب ظالمانی باشد که تا آخرین لحظه اصرار بر ظلم و تعدی داشته و حاضر به پذیرفتن حق نبوده و نیستند، آری به امید آن روز خجسته که عاقبت خوبان عالم؛ ختم به خیر و سعادت گردد و ملکوت باری تعالی بسان آسمان‌ها در زمین متجلی شود.

ان شاء الله ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم.

مقدمه

ستایش مخصوص خداوندی که آفریننده خلق و آغازگر عالم آفرینش است و عالم در برابر عظمتش خوار و ذلیل و جمیع اهل آسمانها و زمینها به خداوندیش معترف اند و تمام مخلوقان به توحید و یگانگی او اقرار و ایمان دارند، ایمان به پروردگاری که بر عرش و فرش احاطه دارد و به همه غیب و شهود عالم آگاه است.

﴿فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾^۱

«باری ستایش و سپاس مخصوص پروردگار است، پروردگار آسمانها و پروردگار زمین، پروردگار جهانیان.»

﴿تَبَارَكَ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَعِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ﴾^۲

«خجسته است کسی که فرمانروایی آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است از آن اوست و علم قیامت پیش اوست.»

حمد و سپاس خدای دو جهان را سزااست که هیچ معبودی جز او نیست او فرمانروای هستی است، فرمانروایی که به انسان بیش از هر مخلوق دیگری بها داده و او را به عنوان هسته مرکزی جهان آفرینش و جهان واپسین و سرآمد تمامی

۱ - سورة جاثیه (۴۵) آیه ۳۶.

۲ - سورة زخرف (۴۳) آیه ۸۵.

مخلوقات معرفی کرده است و انسان از جانب پروردگار که خیر محض است با بی نهایت نیروی نهفته در درون، متکامل آفریده شد و او نیز باید مظهر نیکی ها و خیرات باشد تا سبب خشنودی خداوند شود؛ زیرا در هنگامه آفرینش آمده است:

﴿إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾^۱

«چون پروردگار تو به فرشتگان گفت: من در زمین جانشین خواهم گماشت، گفتند: آیا در روی زمین آن کس را که فساد می کند و خون می ریزد قرار می دهی؟ حال آن که ما تسبیح تو می گوئیم و تقدیس تو می نماییم. خداوند فرمود: می دانم آنچه را که شما نمی دانید.»

قرآن درباره علم آدم می فرماید:

﴿عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾^۲

«خداوند به آدم تمامی نام ها را آموخت و سپس آن ها را بر فرشتگان عرضه کرد و فرمود: اگر راست می گوئید از اسامی این ها به من خبر دهید.»
فرشتگان در مقام عذر خواهی عرض کردند:

﴿سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ﴾^۳

«منزهی تو! جز آنچه (خود) به ما آموخته ای، هیچ دانشی نیست، تویی دانای حکیم.»

سپس خداوند فرمود:

﴿يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ الْغَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ﴾^۴

«ای آدم! ایشان را از اسامی آنان خبر ده و چون (آدم) ایشان را از اسماشان

۱ - سوره بقره (۲) آیه ۳۰.

۲ - همان، آیه ۳۱.

۳ - همان، آیه ۳۲.

۴ - همان، آیه ۳۳.

خبر داد، فرمود: آیا به شما نگفتم که من نهفته آسمان‌ها و زمین را می‌دانم و می‌دانم آنچه را آشکار می‌کنید و آنچه را پنهان می‌داشتید.»
 ﴿إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ﴾^۱

«چون فرشتگان را فرمودیم برای آدم سجده کنید، پس به جز ابلیس که سر باز زد و کبر ورزید و از کافران شد (همه) به سجده درافتادند.»

پس آدم به خواست خداوند و با صفات ملکوتی به تمام حقایق راه یافت و با عنایت خدای سبحان برتری خود را اعلام کرد تا آنجا که فرشتگان در برابر او تعظیم کردند.

تعظیم در مقابل انسانی که می‌تواند به سوی رشد و کمال حرکت کند تا مظهر خوبی‌ها، زیبایی‌ها و خیرات و نشانگر رحمت و رأفت باری تعالی باشد و در صراط حق پایداری کند و با اعمال نیک مالک نفس مطمئنه شود و در جوار قرب رحمت الهی پناه گیرد، در روزی که هول و هراس و اضطراب شامل حال آدمیان می‌شود، همان روزی که خداوند منان با یک دنیا لطف و محبت بنده حقیر خود را مخاطب قرار داده و می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ، ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً، فَادْخُلِي فِي عِبَادِي، وَأَدْخُلِي جَنَّتِي﴾^۲

«ای نفس قدسی مطمئن و دل آرام به یاد خدا، امروز به حضور پروردگارت باز آی که تو خوشنود (به نعمت‌های ابدی او) و او راضی از تو است، باز آی و در صف بندگان خاص من در آی و در بهشت من داخل شو.»

به راستی خوشا به حال آنان که با فرمان برداری از خالق یکتا، سبب خشنودی آفریدگار گشته و به هدف عالی که همان رستگاری است دست می‌یابند، مگر نه این که ما از خداییم و بازگشت ما به سوی خداست، خدایی که برای بشر ذلت و پستی را نمی‌خواهد و انسان را مخاطب قرار داده و می‌فرماید:

۱ - سوره بقره (۲) آیه ۳۴.

۲ - سوره فجر (۸۹) آیه ۲۷ - ۳۰.

﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾^۱

«در حقیقت، پروردگار شما آن خدایی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید؛ سپس بر عرش استیلا یافت، روز را به شب پوشاند که ستارگان آن را می‌طلبد، و (نیز) خورشید و ماه و ستارگان را (پدید آورد) که به فرمان او رام شده‌اند، ای بندگان آگاه باشید که مُلک آفرینش از آن اوست؛ که منزّه و فرخنده خدایی است پروردگار جهانیان.»

﴿اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا﴾^۲

«خداوند آسمان‌ها را با ستون‌هایی برافراشت که شما نمی‌بینید.»

﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾^۳

«همان (خدایی) که زمین را برای شما فرشی (گسترده) و آسمان را بنایی (افراشته) قرارداد و از آسمان آبی فرود آورد و بدان از میوه‌ها رزقی برای شما خارج کرد؛ پس برای خدا همتایانی قرار ندهید، درحالی‌که خود می‌دانید.»

﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ قَدْ فَضَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾^۴

«اوست کسی که ستارگان را برای شما قرار داده تا به وسیله آن‌ها در تاریکی‌های خشکی و دریا راه یابید، به یقین ما دلایل (خود) را برای گروهی که می‌دانند به روشنی بیان کرده‌ایم.»

۱ - سورة اعراف (۷) آیه ۵۴

۲ - سورة رعد (۱۳) آیه ۲

۳ - سورة بقره (۲) آیه ۲۲

۴ - سورة انعام (۶) آیه ۹۷

﴿ أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا
وَجَعَلَ الشَّمْسُ سِرَاجًا ﴾^۱

«آیا ندیدید که خدا چگونه هفت آسمان را به طبقاتی (محکم) خلق کرد و در آن آسمان‌ها، ماه شب را فروغی تابان و خورشید روز را چراغی فروزان ساخت.»

﴿ الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ
مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ
وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ ﴾^۲

«اوست دانای نهان و آشکار، که شکوهمند مهربان است، همان کسی که هر چیزی را نیکو آفریده و آفرینش انسان را از گِل آغاز کرد؛ سپس (تداوم) نسل او را از چکیدهٔ آبی پست مقرر فرمود، آنگاه او را درست اندام کرد و از روح (قدسی) خویش در او دمید و برای شما گوش و دیدگان و دل‌ها قرار داد؛ چه اندک سپاس می‌گزارید.»

خداوند سبحان بندگان خود را مخاطب قرار داده و این چنین می‌فرماید:

﴿ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ
لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ﴾^۳

«ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید، در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست. و خدا (بر نیک و بد و ظاهر و باطن خلق) کاملاً آگاه است.»

﴿ سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا، مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا
لَا يَعْلَمُونَ ﴾^۴

«پاک و منزّه است خداوندی که همهٔ ممکنات عالم را جفت آفریده؛ چه

۱ - سوره نوح (۷۱) آیه ۱۵ - ۱۶.

۲ - سوره سجده (۳۲) آیه ۶ - ۹.

۳ - سوره حجرات (۴۹) آیه ۱۳.

۴ - سوره بس (۳۶) آیه ۳۶.

از نباتات (و حیوانات) و چه از نفوس بشر (و دیگر مخلوقات) که شما از آنان آگه نیستید.

﴿ مِنْ آيَاتِهِ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافَ السِّنِّتِكُمْ وَالْوَالِدَاتِ كَيْفَ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِلْعَالَمِينَ ﴾^۱

«از آیات و نشانه‌های قدرت و علم خدا، آفرینش آسمان‌ها و زمین است و اختلاف زبان‌ها و رنگ‌های شما، البته در آن آیات و نشانه‌های فراوانی برای دانشمندان است.»

﴿ هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئاً مَّذْكُوراً إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُّطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعاً بَصِيراً ﴾^۲

«آیا بر انسان روزگارانی نگذشت که چیزی نبود و نامی از او نمی‌بردند؟ ما انسان را از نطفه‌ای آمیخته آفریدیم تا او را بیازماییم؛ پس او را شنوا و بینا ساختیم.»

﴿ أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَإِنَّ كَثِيراً مِّنَ النَّاسِ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ ﴾^۳

«آیا با خود نمی‌اندیشند (که) خدا آسمان‌ها و زمین و آنچه را که میان آن دو است، نیافرید مگر به حق و تا وقت معین و بی‌شک بسیاری از مردم به دیدار پروردگارشان کافرند.»

در همین رابطه خداوند می‌فرماید:

﴿ إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِراً وَإِمَّا كَفُوراً ﴾^۴

«ما به حقیقت راه را به انسان نمودیم، خواه سپاسگزار باشد (و شکر این نعمت گوید) و خواه ناسپاسی کند (و کفران نعمت نماید).»

باشد به عظمت و قدرت خدای مقتدر پی برده و فرمانبردار او باشیم که سفیران خود را با کتاب‌های آسمانی به مدد مخلوق خود فرستاد تا آنان را در

۲ - سورة انسان (۷۶) آیه ۲ - ۱.

۱ - سورة روم (۳۰) آیه ۲۲.

۴ - سورة انسان (۷۶) آیه ۳.

۳ - سورة روم (۳۰) آیه ۸.

لحظه لحظه‌های زندگی هدایت فرمایند و به سوی نفع و کمال سوق دهند، مخلوقی که به خواست خداوند مختار آفریده شد، همراه با قدرت تشخیص و انتخاب و همچنین او قادر است تا با اختیار هر آنچه را که نظرش است اعلام نماید اگر چه گاهی انسان در این آزادی انتخاب، دچار اشتباه شده و می‌شود. به طور مثال می‌توان عالم قبل از این عالم را به عنوان یک گذرگاه مطرح کرد که همگی ما از آنجا عبور کرده‌ایم و در آن مکان طرح سؤال از جانب خدای لم یزل مطرح شد و انسان، خلق شده خداوند با داشتن عقل سالم و فطرتی ملکوتی قادر به جوابگویی شد و در مقام پاسخ اعلام موجودیت کرد از جمله در سوره شریفه اعراف می‌خوانیم:

﴿ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا ۗ ۱﴾

«هنگامی که پروردگارت از پشت فرزندان آدم، ذریه آنان را برگرفت و ایشان را بر خودش گواه ساخت که آیا (من) پروردگار شما نیستم؟ گفتند: بلی گواهی می‌دهیم.»

در واقع، انسان این عهد را در فطرت و ذات خویش درک کرده و همراه با عقل و تصمیم شخصی به عرضه آن پرداخته است و باید گفت: با درک و شناخت اولیه است که انسان به سوی خالق جذب می‌شود، پس اگر انسان خودش را بشناسد به شناخت خالق خویش موفق می‌شود و به اوج همه معارف و دانش‌ها می‌رسد. در همین رابطه از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله سؤال کردند:

«كَيْفَ الطَّرِيقُ إِلَى مَعْرِفَةِ الْحَقِّ»^۲

«راه رسیدن به شناخت پروردگار چگونه است.»

حضرت فرمودند: «مَعْرِفَةُ النَّفْسِ»؛ «خودشناسی.»

بدون تردید کسی که خود را شناخت پروردگارش را شناخته است.

۱ - سوره اعراف (۷) آیه ۱۷۲.

۲ - بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۷۲، ح ۲۳.

مولی الموحدین حضرت امیر المؤمنین علیه السلام می فرماید:

«أَفْضَلُ الْمَعْرِفَةِ مَعْرِفَةُ الْإِنْسَانِ نَفْسَهُ»^۱

«بهترین راه شناخت، شناخت انسان نسبت به خودش است.»

انسانی که ذاتاً ﴿فِطَرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا﴾^۲ است.

«با همان فطرتی که خداوند مردم را بر آن سرشته است.»

حضرت علی علیه السلام در این باره می فرماید:

«أَصْلُ الْإِنْسَانِ لُبُّهُ وَعَقْلُهُ دِينُهُ وَمَرْوَتُهُ حَيْثُ يَجْعَلُ لِنَفْسِهِ»^۳

«جوهر انسان خود اوست و خود او دین و مروّت اوست.»

همچنین آن حضرت می فرماید:

«قِيَمَةُ كُلِّ أَمْرٍ مَا يُحْسِنُهُ»^۴

«قیمت و ارزش هرکس به اندازه کاری است که به خوبی می تواند انجام دهد.»

در واقع انسان در روز ازل پس از شناخت خویش و یک مواجهه حضوری با

خالق یکتا توانست به موجود بودن خود پی ببرد و به قدرت تصمیم خود واقف

باشد، در این میان عده ای لبیک گوی ندایی شدند که در مقام سؤال برآمده بود و

عده ای هم بلی گفتند، ولی تنها با زبان نه از روی حقیقت، غافل از این که هدف

خداوند از گرفتن این عهد و پیمان برای آن بود که روز قیامت نگویند ما نا آگاه

بودیم و خبر نداشتیم و یا این و آن ما را به غیر تو دعوت کرده اند.

چنان که در سوره شریفه اعراف می خوانیم:

﴿أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ﴾^۵

«تا مبادا روز قیامت بگویید ما از این (امر) غافل بودیم.»

۱ - این حدیث در بحارالانوار چنین است: «... وأفضل العقل معرفة الانسان نفسه...» بحارالانوار، ج ۷۸،

ص ۳۵۲ و ۳۵۵، ح ۹ - ۲ - سوره روم (۳۰) آیه ۳۰.

۳ - بحارالانوار، ج ۱، ص ۸۲، ح ۲ - ۴ - نهج البلاغه، حکمت ۸۱.

۵ - سوره اعراف (۷) آیه ۱۷۲.

پس اگر این اقرار و گواهی بندگان خدا بر یکتایی خالق نبود، آنان می توانستند مشرک بودن خود را حق و استحقاق عذاب آتش را از خود دفع کنند ولی همین پیمان، خود گواهی است بر آن که هیچ کس قادر به این ترفند نبوده و راه بر همه بسته است مگر این که تسلیم امر خدا باشند و بندگی به معنای واقعی اجرا شود که در نهایت رستگاری و سعادت ابدی از آن بندگان مؤمن خدا خواهد بود.

از جمله این پیمان به حدی مهم است که عبیدالله حلبی از امام باقر و امام صادق علیهما السلام چنین روایت می کند:

اولین سالی که عمر در عهد خلافتش اعمال حج را انجام داد، مهاجران و انصار هم اعمال حج را انجام دادند، حضرت علی علیه السلام هم به همراه امام حسن و امام حسین علیهما السلام و عبدالله بن جعفر اعمال حج را انجام می دادند، عبدالله موقع احرام پوشیدن، لباس احرامی را که با گِل قرمز رنگ شده بود، پوشیده و در حالی که لبیک می گفت در کنار حضرت علی علیه السلام حرکت می کرد، عمر از پشت سر گفت: این چه بدعتی است که در حرم رواداشته ای؟! حضرت علی به او رو کرده و فرمودند: کسی نمی تواند سنت پیامبر را به ما بیاموزد! عمر گفت: یا ابا الحسن! راست گفتمی نمی دانستم شما بید!

راوی می گوید: این یک واقعه نادری بود که در آن سفر روی داد، سپس زائران داخل مکه شدند و خانه خدا را طواف کردند؛ عمر حجر الاسود را دست زد و گفت: به خدا قسم می دانم تو سنگی بیش نیستی که نه سود می رسانی و نه زیان؛ اگر این نبود که پیامبر تو را دست زد، به تو دست نمی زدم، حضرت علی علیه السلام خطاب به عمر فرمودند: خاموش باش؛ رسول خدا بی جهت به این سنگ دست نزد، اگر قرآن خوانده بودی و آنچه از تأویلش را که همه جز تو آن را می دانند، می دانستی هر آینه می فهمیدی که هم زیان می زند و هم سود می رساند و دو چشم و دلب و زبانی گویا و رسا دارد و گواهی می دهد به وفاداری کسی که وفا کرده، عمر گفت: آیه مربوطه را به من نشان بده. حضرت علی فرمود، خداوند فرموده است:

﴿إِذْ أَخَذْنَاكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ
أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا﴾^۱

«هنگامی که خدای تو از پشت فرزندان آدم ذریه آنان را برگرفت و آنان را بر خود گواه ساخت که آیا من پروردگار شما نیستم؟ همه گفتند: آری ما به خدایی تو گواهی می‌دهیم.»

پس موقعی که بنی آدم به اطاعت اقرار کردند و به این که او پروردگار و آنان بندگانند، از آنان برای حج بیت الله الحرام پیمان گرفته شد، خداوند سپس صفحه نازکی لطیف‌تر از آب آفرید و به قلم فرمان داد وفاداری خلقم را به خانه‌ام بنویس، پس قلم هم وفاداری بنی آدم را در آن صفحه نوشت، سپس به حجر گفته شد: دهانت را باز کن، آنگاه آن صفحه را در دهانش فرو کرده و به حجر فرمود: نگه‌دار و برای بندگانم به وفاداری گواهی بده، حجر هم مطیعانه فرود آمد. ای عمر! مگر نه این که حجر را دست می‌زنی و می‌گویی: «امانت‌م را ادا نمودم و به پیمانم وفا کردم تا گواهی به وفاداری من بدهی؟ عمر گفت: به خدا قسم آری، آنگاه حضرت علی علیه السلام فرمودند: «ایمان بیاور به آنچه گفتم.»^۲

علی بن معمر از پدرش روایت می‌کند که از امام صادق علیه السلام درباره فرموده خدای عزوجل: ﴿هَذَا نَذِيرٌ مِنَ النُّذُرِ الْأُولَى﴾^۳؛ «او بیم دهنده‌ای از بیم دهندگان پیشین است» سؤال کرد؟ حضرت فرمود:

«هنگامی که خدای تبارک و تعالی، اولین بار خلق را در عالم ذر آفرید و آنان را در مقابل خود به صف کرد، حضرت محمد صلی الله علیه و آله را برانگیخت؛ آنگاه گروهی به او ایمان آورده و گروه دیگر او را انکار کردند، خداوند فرمود: «او بیم دهنده‌ای از بیم دهندگان پیشین است.» در واقع، حضرت محمد است که بار اول آنان را در عالم ذر بیم داد.^۴

نعیم صحاف از امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند که فرموده‌اند:

۱ - سورة اعراف (۷) آیه ۱۷۲.

۲ - بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۲۲۷.

۳ - مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۴۸.

۴ - بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۲۳۴.

﴿فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ مُؤْمِنٌ﴾؛^۱ «برخی از شما کافرند و برخی مؤمن» سؤال کردم، حضرت فرمود:

«خدای تعالی معیار ایمان آنان را ولایت ما و معیار کفر آنان را انکار ولایت ما قرار داد و آن روزی که مردم به صورت ذراتی در پشت آدم علیه السلام بودند، خداوند از آنان پیمان گرفت.»^۲

ابن مسکان نیز از امام صادق علیه السلام درباره قول خداوند: ﴿وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ...﴾ سؤال کرد که آیا این مطلب به صورت بصری و قابل دید بوده است؟ حضرت فرمود: «آری، شناخت در قلب آنان تثبیت شد ولی آنان، آن موقعیت را فراموش کردند و بعد یادشان خواهد آمد و اگر چنین نبود، هیچ کس آفریدگار و روزی دهنده خود را نمی شناخت و بعضی در عالم ذر به زبان اقرار نمودند ولی در دل ایمان نداشتند.»^۳

خداوند در مورد آنان فرمود:

﴿فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ﴾^۴

«ایمان نمی آورند به آنچه قبلاً تکذیب کرده اند.»

اصولاً کمال و ارزش واقعی هر انسان به میزان معرفت و عرفان او نسبت به پروردگار متعال بستگی دارد و همین معرفت و شناخت اوست که به انسان ارزش می بخشد. در واقع شناخت انسان هر چقدر باشد کمالش نیز به همان اندازه است و انسان در این حرکت مقدس به سر منزل مقصود نمی رسد مگر این که همان طریقی را طی کند که مؤمنان در گذشته دنبال کردند، همان مؤمنانی که پیام پیامبران عصر خود را با گوش جان شنیدند و با ندای دل پاسخ گفتند و صداقت کلامشان را در باور خود گنجانند و به سبب همین باورها بود که نام مؤمن بر آنان اطلاق شد و همان بس که مؤمنان وارث این آیه شریفه باشند که خطاب به همه آن بندگان صالح خدا گفته شده است:

۱ - سورة تغابن (۶۴) آیه ۲.

۲ - بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۲۳۴.

۳ - همان، ج ۵، ص ۲۳۷، ح ۱۴.

۴ - سورة بونس (۱۰) آیه ۷۴.

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ ﴾^۱

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر خدا را یاری کنید یاریتان می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد.»

همه می‌دانیم که خداوند به یاری بشر نیاز ندارد بلکه این یاری و مساعدت نسبت به دین و آیین و حاملان آن می‌باشد، همانان که از جانب خداوند برگزیده شده و برای هدایت بشر به سوی بندگان خدا فرستاده شده‌اند، آنان هادیان و شافعان بشر هستند که یکی پس از دیگری رسالت خویش را با مشقتی طاقت فرسا به پایان رساندند، به امید آن‌که بشر متمرّد از روز ازل را از تاریکی و جهل نجات داده و آنان را در سایهٔ ایمان و عمل صالح به سوی بهشت روانه کنند و حال از میان صد و بیست و چهار هزار پیامبر و دوازده امام و پیشوایی که همگی از جانب خداوند و مبدأ هستی انتخاب شده‌اند یک بزرگوار بیشتر برای انجام این رسالت خطیر باقی نمانده و دنیا در حال حاضر به یمن وجود شریف ایشان برقرار است، اگر چه بندگان خدا نسبت به یگانه سرمایهٔ هستی که تنها حجت جهان می‌باشد بیگانه هستند و او را نمی‌شناسند و همین عدم شناخت باعث شده تا فاصله‌ای طولانی از گذشته‌های دور تا به حال بین آن وجود شریف و بندگان خدا به وجود آید و گویا در عصر حاضر اهل عالم متوجه تحول دگرگون کننده‌ای شده‌اند که در کل جهان حاکم است از جمله حوادثی مانند جنگ، قحطی، آتشفشان، سیل، زلزله، طوفان، مرگ و بیماری، قتل و غارت و دیگر گرفتاری‌ها که هریک حساس بودن زمان را گوشزد می‌کنند، تا آنجا که انسان عصر تمدن و شگفتی‌ها به خود آمده که شاید امروز همان روزی باشد که خداوند زمین را پس از مرگش زندگی می‌بخشد. همان‌طور که در سورهٔ حدید می‌خوانیم:

﴿ اَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ﴾^۲

«بدانید که خدا زمین را پس از مرگش زنده می‌کند.»

سلام بن مستنیر از امام محمد باقر علیه السلام در مورد تفسیر این آیه سؤال کرد و حضرت فرمودند:

«يَعْنِي بِمَوْتِهَا كُفْرَ أَهْلِهَا؛ وَالْكَافِرُ مَيِّتٌ يُخَيِّبُهَا اللَّهُ بِالْقَائِمِ عليه السلام فَيُعْدِلُ فِيهَا فَتُخَيَّرُ الْأَرْضُ وَيُخَيَّرُ أَهْلُهَا بَعْدَ مَوْتِهِمْ»^۱

«مرگ در این آیه به معنی کفر است و کافر در واقع مرده است؛ خداوند زمین را به واسطه قائم علیه السلام زنده می‌کند و عدل را در سرتاسر آن جریان می‌دهد، پس زمین و اهل آن زنده می‌شوند.»

شیخ صدوق در کتاب خود (کمال الدین) از حضرت باقر علیه السلام درباره آیه شریفه ﴿اعلموا أن الله يحيى الأرض بعد موتها﴾^۲ فرمود:

«خداوند زمین را به قائم آل محمد صلوات الله عليهم اصلاح فرماید، یعنی پس از جور و ستم اهل زمین.»

حافظ قندوزی حنفی گوید: از سلام بن مستنیر، از امام محمد باقر علیه السلام درباره قول خداوند متعال: ﴿اعلموا أن الله يحيى الأرض بعد موتها﴾ روایت شده است که فرمود:

«خداوند آن را توسط (قائم) زنده می‌سازد، پس در آن عدالت می‌کند و زمین را توسط عدل، پس از مردنش به واسطه ظلم، زنده می‌کند.»^۳

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام درباره آیه ﴿يحيى الأرض بعد موتها﴾ فرمود: «نه به وسیله باران بلکه خداوند عزوجل مردانی بر می‌انگیزد پس زمین زنده می‌شود به سبب برپایی و زنده شدن عدالت و اقامه حد در آن که از چهل روز باران سودمندتر است.»^۴

سدیر روایت می‌کند که امام باقر علیه السلام فرمود: «یک حد در زمین بر پا می‌شود که پاکیزه‌تر از چهل شب و روز باران است.»^۵

۱ - تفسر برهان، ج ۴، ص ۲۹۱؛ بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۳۲۵، ح ۳۹.

۲ - مکیال المکارم، ج ۱، ص ۱۰۹. ۳ - ينابيع الموده، ص ۵۱۴.

۴ - المحجة البيضاء، ص ۷۵۲. ۵ - مکیال المکارم، ج ۱، ص ۱۰۹.

خداوند به انبیا دستور داده است تا مؤمنان را بر اساس ایمان و داشتن عمل صالح تربیت کنند، مؤمنی که در دل جامعه خدمتگزار باشد و از درد و غم دیگران آگاه و برای برطرف کردن مشکلات و حوایج بندگان خدا قدم خیر بردارد، مؤمنی که برای پیشبرد اهداف مقدس و آیین محمدی اهتمام ورزد که این‌ها همگی خشنودی خدای بزرگ و رضایت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام را به همراه دارد.

چنان‌که در قرآن می‌خوانیم:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ ﴾^۱

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید خدا و رسول را اطاعت کنید، هر گاه شما را فرا خوانند بدانچه شما را زنده می‌کند.»

﴿ إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ ﴾^۲

«اگر خدا را یاری کنید او هم شما را یاری خواهد کرد و گام‌هایتان را استوار می‌دارد.»

بی‌تردید خداوند تبارک و تعالی به یاری احدی از خلائق نیازی ندارد پس مراد به یاری و نصرتی که امر فرموده آن است که اولیای او را یاری کنند و به تحقیق امروز بهترین روز از روزگاران است که هر مؤمن خداجویی می‌تواند لبیک گوی آن ندای ملکوتی باشد که بندگان خوب خدا را به سوی خویش فرا می‌خواند در واقع از دیر زمان آرزوی هر مؤمن و مؤمنه بود که اگر می‌بودیم به ندای غریبانه حسین بن علی علیه السلام لبیک می‌گفتیم و حال که نبوده‌ایم چه افتخاری بالاتر از آن‌که در این دوران غیبت و غربت لبیک گوی ندایی باشیم که ما را با این کلام ملکوتی «هل من ناصر ینصرون»^۳ به سوی خویش دعوت می‌نماید، آن‌هم برای استقرار حکومت الهی که در جهان مورد ظلم و ستم قرار گرفته و در حال حاضر هم هجوم دیوسیرتان بی‌دین را شاهدیم که اصرار دارند

۱ - سورة انفال (۸) آیه ۲۴.

۲ - سورة محمد (۴۷) آیه ۷.

۳ - کجاست یاری کننده‌ای که یاریم کند.

تا بر غربت این دین مقدس افزوده شود در همین رابطه روایت شده است:

«إِنَّ الْإِسْلَامَ بَدَأَ غَرِيبًا، وَسَيَعُودُ غَرِيبًا كَمَا بَدَأَ فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ.»^۱

«اسلام در آغاز غریب بود و در پایان نیز غریب می‌شود، خوشا به حال آن غریبان.»

آری خوشا به حال غریبان، غریبانی که در اوج غربت چشم انتظار وصل و پیروزی‌اند، از یک سو امام و پیشوای مسلمین جهان در انتظار اذن ظهور از جانب خدای لایزال است تا پس از استقرار حق و عدالت، ستمدیدگان عالم را از آن همه غربت ورنج و اندوه و گرفتاری‌های بخشد و از سوی دیگر بینوایان عالم، منتظرین و عاشقان راه آن حضرت نیز برای دیدار سرورشان لحظه شماری می‌کنند، شاید چنین سؤالی پیش آید که آیا آقا امام زمان، فقط پیشوا و سرور بینوایان و نجات دهنده منتظران و عاشقان است و آیا بقیه نقشی ندارند؟ باید گفت: بسیاری از اقشار جوامع کنونی در جهان، هر یک به علتی مظلوم واقع شده و در مقام یک بینوا و ضعیف شده مطرح می‌باشند، مظلومانی که در لحظه لحظه‌های روزگار در انتظار منجی خود به سر می‌برند به امید آن‌که او بیاید و حق آنان را از ظالمان بستاند و اگر این مردم مورد ستم واقع شده می‌دانستند تنها نجات دهنده بشر درمانده در عصر تاریکی همان یگانه گوهر گیتی، آخرین فرزند خاتم الانبیاء حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله می‌باشند بدون شک دست به دامان او شده و بارها آن سرور کون و مکان را از خداوند طلب می‌کردند ولی واحسرتا که به آنان آدرس صحیح داده نشده تا آنان به سراغ آن طبیبی بروند که دوی درد همه در نزد ایشان است ولی یک مسلمان معتقد به قرآن و عترت اطمینان دارد نجات دهنده بشر تنها ولی عصر و زمان، حضرت مهدی می‌باشد و یک مسلمان منتظر در عصر غیبت خود را بینواترین بینوایان می‌داند؛ زیرا او در این عصر که دنیا زیر چتر و چکمه ستمکاران عالم قرار گرفته است انتظار دارد ضعف و زبونی او با وجود مقدس آقا امام زمان به پایان رسد و اگر شما برادر و

خواهر مسلمان خود را بینوا می‌دانید و اگر شما علاقمند به کسی هستید که با آمدنش جهان آشفته ما سامان گیرد، پس لبیک گوی ندایی باشید که بارها بندگان خدا را فرا خوانده است همان‌طور که جد مطهر آن حضرت، سالار شهیدان حضرت حسین بن علی علیه السلام در مسیر مکه به سوی کوفه ندای هل من ناصر ینصرنی او را هر کس و نا کسی شنید که می‌فرمود: آیا یاری کننده‌ای هست که مرا یاری دهد، البته این ندا بیشتر جنبه آزمایش داشت تا حُسن ظن و لیاقت افراد شناسایی شود که به راستی چه کسی توفیق و لیاقت دارد تا بنده و برگزیده خدا را یاری رساند و چه کسی لیاقت دارد تا میانجی بین خدا و خلق خدا شود و در میان این عده افراد قلیلی بودند که به ندای مظلومانه آن حضرت لبیک گفتند که برای احقاق حق و احیای دین حرکت آغاز کرده بود.

حال ای ابا عبدالله الحسین و تو ای خونین کفن دشت کربلا، که دوستان نهایت گذاشتند و دشمنان تو را در حیطة ستم و آزار و شکنجه قرار دادند و با تو به مکر و حيله پرداختند تا آن‌که برایت یار و یآوری باقی نگذاشتند ولی تو ای پیشوای دین، دشمنانت را موعظه فرمودی و به طاعت و عبادت پروردگار واداشتی و از جنایت و طغیان نهی فرمودی ولی آنان با تو به جنگ اصرار ورزیدند و تو را همچنان به پیکار مجبور کردند و در نهایت تو را از چهار طرف محاصره کرده و بین تو و خاندانت حایل شدند با آن که خسته و مجروح روی خاک کربلا افتاده بودی باز هم خیل دشمن به سوی تو حمله کرده و طاغیان و یاغیان اطراف تو را گرفتند تو خود در همان حال با خدایت مشغول راز و نیاز بودی که اسب بی صاحب خون آلود با زین و ازگون، مهمه کنان، اشک ریزان به سوی خیامت بازگشته و چون زنان و فرزندان او را دیدند که با موهای ژولیده و یال پر خون برگشته بر سر و صورت خود زدند و گریبان‌ها دریدند و چادر عزا به سر بستند و به صدای بلند «وا حسینا» و «وامحمدا» و «واعلیا» گفتند و پابرنه به سوی قتلگاه تو شتافتند و چون به تو رسیدند شمر - لعنة الله علیه - را دیدند که بر سینه تو نشسته و خنجر بر کف گرفته و رگ‌های گردن تو را می‌برد. انا لله و انا الیه راجعون.

الهی! سلام ما را بر آن حسین سلحشور برسان که در آخرین نفس که می کشید این چنین فرمود: «بسم الله و بالله و فی سبیل الله و علی ملة رسول الله» سلام بر حسین بنده شایسته خدا و سلام بر او و پدران بزرگوارش که برای دفاع از توحید و حریم مکتب امید بخش اسلام قیام کردند و با دشمنان خدا جهاد نمودند، سلام بر تو ای شهید مظلوم، پدر و مادرم فدای تو باد که عمری به سعادت زندگی کردی و مظلوم کشته شدی و به مقام رفیع شهادت نایل گشتی.

پروردگارا! بر محمد و آل محمد درود فرست و از ما امت پریشان بر آن ارواح پاک، بهترین سلام و تحیت را برسان و از آن بزرگواران هم به ما پاسخ سلامان را بازگردان البته با اذن ظهور فرزند برومند این خاندان شریف که تو خدای مهربان می دانی فقط با ظهور آن عزیز است که قلب شریف اهل بیت عصمت و طهارت به شادی و سرور وصل شده و غم و اندوه طولانی آنان به نشاط و خوشحالی مبدل خواهد شد، آری ای خدای مهربان دعای همه بینوایان عالم را به اجابت رسان و به تنها حجت هستی مدد ده که هر صبح و شام خطاب به جد مطهرش ابا عبدالله الحسین می فرماید: یا جداه چه کنم که دنیا بین من و تو جدایی انداخت و من از یاری رساندن به تو دور ماندم و از این که نبودم تا با دشمنانت جنگ کنم و با بدخواهان تو پیکار نمایم بسیار غمگینم و اشک هجران می ریزم و به جای اشک در مصیبت تو خون از دیده می بارم و آه سرد از دل پر درد بر این فاجعه می کشم.

الهی! باشد که به غربت این خاندان پایان بخشی و به آن دل پردردی که از غم و دوری ناله اش بلند است شادی هدیه کنی.

الهی! ای مظهر لطف و صفا، تو را قسم به آن چشمان مبارکی که خون از آن جاری است دیگر به ندای آقایمان مهدی جوابی ده و دعای همه آن انسان های رنج دیده و بینوایت را بشنو که تو را می خوانند و از تو یاری می جویند و تقاضای ظهور آقا و سرورشان را دارند.

آری، ای خدای مهربان با اذن ظهور فرزند برومند ابا عبدالله الحسین بر دل های خسته مرحم بگذار و غم و اندوه فرزند خانم زهرا علیها السلام را که از قدیم

الایام درد غربت بوده است به سرور مبدل کن و خط بطلان بر دار غربت بکش که به راستی درد غربت عجب دردی است که داروی آن فقط وصل است، وصلی که تا به حال انجام نشده، تا آنجا که امام زمان و پیشوای میلیاردها نفوس مانند جدش سالار شهیدان از غربت شکوه کرده و می فرماید: «اگر دیروز اهل کوفه جدم حسین بن علی را تنها گذاشتند، امروز اهل کوفه زمین مرا تنها گذاشته اند، در واقع درد تنهایی و غربت از گذشته های دور حاکم بر سرنوشت امامان بزرگواری بوده که اثر سوء آن تا این لحظه باقی است به راستی چه غربتی بالاتر از آن که خداوند، امیرمؤمنان و یازده فرزند برومند ایشان را به ولایت بر مؤمنان و جانشینی رسول اکرم صلی الله علیه و آله اختصاص داد و در عالم ذر از تمام مخلوقات حتی پیامبران بر ولایت و اطاعت رسول گرامی اسلام و جانشینان آن حضرت پیمان گرفته شد و پیامبر اسلام در غدیر خم پیشوای مسلمین را به مردم معرفی کرده و درباره عظمت علی بن ابی طالب نخستین شاه ولایت به عنوان آغاز و حضرت بقیه الله الاعظم به عنوان پادشاه غایب جهان آگاه گردانید که نهمین فرزند سالار شهیدان حضرت امام حسین علیه السلام است و همچنین اطاعت آنان را برای تأمین اهداف متعالی بر بندگان خدا واجب شمرده و بر عصمت و ولایتشان تأکید فرموده اند و با خلق خدا عهد بستند که بر محبت و اطاعت این دودمان پاک استوار باشند و آنان را ولی به نفس خویش بدانند و رسالت آنان را دنبال کنند، ولی و اسفا بر خائنان جاه طلبی که راه را بر حجت تعیین شده از جانب خداوند بسته و به حریم مقدس آن بزرگوار تجاوز کردند و بذر غم و اندوه بی پایان را بر قلوب پاک خاندان عصمت و طهارت پاشیدند تا آنجا که رسول گرامی در واپسین لحظات عمر شریفشان خطاب به مولایمان حضرت علی علیه السلام فرمودند: ای علی تو در امان نیستی از کینه هایی که از تو در سینه خود حبس کرده و ظاهر نخواهند کرد مگر بعد از مرگ تو، پس خدا لعنت کرد آنان را^۱ و لعنت می کنند آنان را لعنت کنندگان.

۱ - ما نیز لعن می کنیم لعن شدگان را که در خانه خدا می نشستند و بلا تشبیه حجت برگزیده پروردگار

پس نبی مکرم گریست، اصحاب گفتند: یا رسول الله چرا می گریی؟
 آن حضرت فرمودند: جبرائیل مرا خبر داد که اصحاب من بر او ظلم خواهند
 کرد و حق او را مانع خواهند شد و با او جنگ کرده و آزارش می نمایند.^۱
 نقل شده: رسول گرامی در حالی که این جمله را می فرمودند، غم تمام وجود
 شریف ایشان را احاطه کرده بود.

آری، آن حضرت غمگین بودند برای یاور دین خدا که از حریم
 رسول اکرم ﷺ نگهبانی کرده و در راه خدا و رسولش خیرخواه و ایثارگر و برای
 اهل ایمان پدری مهربان و دلسوز و در دفاع از حق و مبارزه با دشمنان، شجاع و
 فداکار و در برابر مشرکان، گشنده‌ای خشمگین و تحمل ناپذیر بودند.
 به راستی چه خوب بود قول جورج جورداق، نویسنده لبنانی به واقعیت
 می پیوست که گفت:

«ای جهان چه می شد اگر هر چه قدرت و قوت داری به کار می بردی و در هر
 زمان، یک علی با آن عقلش، با آن قلبش، با آن زبانش، با آن ذوالفقارش به عالم
 می بخشیدی.»^۲

آری، ای خدای مهربان ببخش کسی را که همچون علی است مگر نه این که
 ما شیعیان در عصر حاضر در انتظار «مهدی» آئینه تمام نمای سرورمان مولا
 علی علیه السلام هستیم؟

همان علی که در عصر و زمان خودش در میان مردمی می زیست که دل به
 رأی دنیا و مفاخر دنیا بسته، عهد شکن، کوردل و کژاندیش بودند و در زمان

عالمیان را «لعن» می کردند و این عمل به منزله عبادت آنان بود که عبادت شیاطین (بنی امیه و پیروانش)
 بهتر از این نیست و نخواهد بود پس ما نیز تا روز موعود تا لحظه‌ای که زنده هستیم لعن بر دشمنان خاندان
 رسالت و هدایت را فراموش نخواهیم کرد تا شاید با این حرکت سبب خشنودی قلب پاک خاندان عصمت
 و طهارت علیهم السلام شویم. ان شاء الله

۱ - قسمتی از خطبه رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در غدیر خم.

۲ - کتاب صوت العدالة الانسانیة.

حکومت الهی، حق مسلم حجت و برگزیده خدا را غصب کردند، آزارش نموده و بر او افتراء بستند.

افتراء به امامی بستند که دارای اخلاق فاضله و صفات پسندیده بود، امامی که بنده و سفیر خاص خدا، امیر اهل ایمان، حافظ و ناطق قرآن بود.

واحسرتا بر اهل باطل، همان مردمی که خیانت کردند و در بیابان جهل و حیرت، تحت رهبری شیطان به سر بردند و در آن عصر ستم خبیز و ظلمانی راه را بر حجت خدا بستند که نمونه بارز انسان کامل، انسانی که پیکره توحید و نمونه آشکاری از زهد، تقوی، عرفان و قهرمانی بی مانند بوده است.

به تحقیق مردم آن عصر، اهداف مقدس آن بزرگوار را نادیده گرفته و ایشان را به مدتی طولانی خانه نشین کردند، او را که فریاد پروردگار عالمیان و مظهر حق و حق پرستی بود به سکوت دعوت نمودند؛ او نیز در لحظه لحظه های غربت از جنای مردم نادان و ستمگر شکوه ها داشت و هر روز را با غم و اندوه فراوان سپری می کرد و در انتظار غروب خورشید بود تا در دل تاریکی به نخلستان ها پناه برد، سر درچاه کرده و از غم ها و دردهایش و از رنج ها و سکوتش گوید و آیا به راستی علی چه می گفت که امروز ما همه بی خبریم، بی خبریم از همان آیت الهی که تنهاترین مردزمانش بود، همان علی که در میان امتش بیگانه و غریب بود، غریب بود چون او را و حقیقت مقام و قدر او را نمی شناختند و نمی دانستند او کیست، همان طور که امروز جماعتی «مهدی» رانمی شناسند و نمی دانند او کیست.

همانی که به یمن وجود شریفش حیات برقرار و عرشیان به وجود مقدسش سرفرازند و اگر او نباشد زمین و آسمان باقی نخواهد ماند، او که در عصر حاضر با وجود دشمنان بیشمار در میان دوستان هم غریب است به راستی چه غریبی که یک هزار و یکصد و شصت سال و اندی است که در پشت پرده غیبت و در اوج غربت به سر می برد، چرا که شیعیان و دوستان آن حضرت برای رهایی آن محبوب در پس پرده غیبت مانده تلاش نکرده و نمی کنند مگر دل باختگانی که جز به او و اهدافش نمی اندیشند و غیر از نجات و رفاه او آرزوی دیگری ندارند و حتی حاضرند جان خود را برای ایشان و در راه ایشان فدا کنند، به این امید که

ظهور آن یگانه منجی عالم بشریت هر چه زودتر محقق گردد.
 حال ای تنها بازمانده الهی و ای نقطه اوج دین و ای موعود عدالت آفرین!
 کاش محبین و دوستدارانت می‌مردند و هیچ وقت خبر غربت تو را نمی‌شنیدند،
 همان محبانی که برای مظلومیت امامان خویش حسرت خورده و می‌گیرند،
 همان‌هایی که آبشان، اشک چشمانشان شده و خوراکشان غم و اندوه و جدایی
 از توست و آنان همچنان خواهند گریست و در میان اشک‌های غلطیده از
 هجران که بر دشت خشکیده‌گونه‌هایشان جاری است تو را می‌جویند و با هر
 فریاد که در سینه‌شان حبس شده تو را طلب می‌کنند، تو را که قادر به نجات بشر
 در کره‌خاکی هستی، همان بشری که از فرط فتنه و مشکلات زمانه به ستوه آمده
 و تنها امیدش به تو یاور همیشه زنده دوخته شده است به تو که بیایی و او را از
 این قفس‌رهایی بخشی.

آری، آنان در همیشه روزگار منتظر تو هستند و منتظرت خواهند بود، آنان
 چشم امید به نویدهایی دوخته‌اند که از جانب خدا، پیامبران و خاندان عصمت
 و طهارت علیهم‌السلام شنیده و دل خوش دارند به پیام‌های آنان و نویدهای شیرین و
 بسیار دلنشین شما که فرمودید: «خواهم آمد، خواهم آمد تا پدر یتیمان باشم،
 خواهم آمد تا پسر مادران باشم، خواهم آمد تا یاور ستمدیدگان باشم، خواهم
 آمد تا همه کس من شماها باشید و همه کس شماها من باشم، آری بیا، بیا و
 قدم‌های مبارکت را بر روی چشمان خسته و گریان ما بگذار و تو باش همه کس
 ما؛ بیا، بیا و بیش از این فراق را بر ما روا مدار و تو ای قلب تپنده عالم بیا که قلب
 ما دیگر یارای این همه انتظار را ندارد.

حال ای خدای مهدی! تو را قسم به جان پاک مهدی برخاندان محمد
 پیامبرت و علی وصی پیامبرت و به همسر علی زهرای اطهر و یازده فرزند
 برومندش درود فرست و آنان را فرج و گشایشی بس عظیم عطا فرما و به سبب
 آن بزرگواران غم‌ها و محنت‌ها را بر طرف کن و زمین را به وجود آن عزیزان پر از
 عدل و عدالت نما همچنان که از ظلم و جور پر شده است و آنچه به ایشان وعده
 فرموده‌ای با ظهور یگانه پرچمدار حق و حقیقت تحقق بخش و دعای سپه

سالار شهیدان حسین بن علی علیه السلام را به اجابت رسان که فرمودند:
 «بارالها، ردای فرج را بر تن مهدی آل محمد بپوشان تا قیام کرده و انتقام خون‌های به ناحق ریخته شده ما را بگیرد.»

پروردگارا، ای خالق هستی ما نیز از تو خدای خوب می‌خواهیم تا آنچه از دین تو محو شده توسط آن فاتح بزرگ گیتی تجدید فرمایی و برای حضرت حسین بن علی و یاران باوفایش خونخواهی کنی و آن فراخی و خوشحالی را با ظهورش به ما بنمایانی، آری ای خدای بزرگ اذن ظهور آقای ما مهدی را صادر فرما تا با او و تحت فرمانروایی او سوار بر کشتی نجات شده و به همراه او به سرزمین خوشبختی‌ها قدم گذاریم همان‌طور که خود وعده داده‌ای:

«سَيَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ، وَيَمْلِكُ مَنْ هُوَ بَيْنَهُمْ غَرِيبًا. يَمْلِكُ بِإِلَادَةِ الْمُسْلِمِينَ بِأَمَانٍ وَيَضْفُو لَهُ الزَّمَانَ، وَيُطِيعُهُ الشُّيُوخُ وَالْفِثْيَانِ، وَتَغْمُرُ الْأَرْضُ وَتَضْفُو، وَتَزْهُو بِمَهْدِيَّهَا، وَتَعْدِمُ الْفِتَنَ وَيَكْثُرُ الْخَيْرُ وَالْبَرَكَاتُ.»^۱

«خداوند قومی را می‌آورد که آنان را دوست می‌دارد و آنان نیز او را دوست می‌دارند، کسی که در میان آنان غریب است، بر آنان حکومت می‌کند، همه ممالک اسلامی را با امنیت و آسایش تحت سیطره خود اداره می‌نماید، روزگار با او سازگار می‌شود، پیر و جوان از او فرمان می‌برند، زمین آباد می‌شود و به وسیله مهدی سرسبز و خرم می‌گردد، فتنه‌ها از بین می‌رود، خیر و برکت فراوان می‌شود.»
 آری با آمدن اوست که عدالت، امنیت، خوشبختی، سعادت، آزادی، رفاه و... شامل حال بندگان خداوند سبحان خواهد شد.

به راستی ای عزیز طه و ای یوسف کنعان و ای نوح زمان، آیا بر ما فرصتی هست که گذشته را جبران کنیم؟ گذشته‌ای که با عدم شناخت امام حی و حاضر سپری شده، آیا ما را عمری هست که از خجالت برآییم؟ ما نیز امید به عنایت خدای لایزال داریم که یاریمان دهد تا با جبران آن خسران‌ها و بی‌محبتی‌ها و... قلب پاک امام زمانمان را شاد کنیم و از خدای سبحان می‌خواهیم عنایت فرماید

و توفیقمان دهد تا برای مدد رساندن به آن یار مظلومان قد علم کنیم و ما نیز در هر لحظه از زندگی پر از نشیب و فراز خود می‌گوییم: ای خدای بزرگ و ای ایزد یکتا، عنایتی کن و صدایی ده تا فریادش زنیم، چشمی ده که او را استقبال کننده باشیم و لیاقتی ده تا میزبانش شده و در خدمتش از سر و جان بگذریم و سرورمان حضرت مهدی و یارانش را تا مرز پیروزی و بهروزی یاری رسانیم، یاری به همه آن انسان‌های درمانده‌ای که به مساعدت هم نوع خود نیاز دارند و امروز بهترین یاری رساندن آن است که همدیگر را به سوی مقدسات فرا خوانده و برای فردایی بهتر تلاش داشته باشیم و در این حرکت روحانی و مقدس، بندگان خدا را برای تجدید بیعت با تنها احیاء کننده دین خدا دعوت کنیم؛ زیرا طبق علایم و شواهد موجود به نظر می‌رسد وقت برای هر یک از ما بندگان خدا بسیار تنگ است.

در همین رابطه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با علم به آینده، وضع مردمان را در نسل‌های مختلف مورد توجه قرار داده و آهی از اعماق دل کشیده و فرمودند:

«به خداوند شکایت می‌کنم از کسانی که مرا در موضوع حضرت مهدی تکذیب کرده و گفتار مرا در حق او انکار می‌کنند و امت مرا از راه او منحرف می‌سازند در حالی که همه پیامبران و سفیران الهی به عنوان جزئی از رسالت خود به مردم وعده یک مصلح غیبی را داده‌اند که در آخر الزمان ظهور می‌کند و پیامبران اولوالعزم از شش هزار سال پیش خبر داده‌اند که همه باید ویژگی این تنها رهبر را بدانند و آگاه به علایم ظهور بوده و برای آن دیدار با شکوه آمادگی لازم را به دست آورند.»

ما نیز باید باور کنیم آمادگی برای چنین هدف والایی کار سهلی نیست بلکه باید در مورد آن حساس و دقیق بوده و از غفلت و بی‌محبتی اجتناب شود و به وسعت عمق و عظمت آن تحول واقف و با عشق و انس، خواهان آن سعادت وعده داده شده باشیم.

حال ای امام زمان و ای سرلوحه شرف و عظمت الهی! مردم دنیا چه بخواهند و چه نخواهند تو همچون خورشیدی فروزان، بر محور چرخ گردون

خواهی تابید، ولی چه بهتر ما مسلمانان جهان در بیداری به سر بریم که در آن روز که روز دیدار است شرمنده شما نباشیم و این سخن شیوا از گفته‌های شماست که فرمودید: «این مردم چه باور کنند و چه باور نکنند من دیگر خواهم آمد و از این که می بینم عده‌ای برای دیدار من لحظه شماری می کنند خوشحالم و همین عده ما را بس.»

و این وعده دلنشین و کلام زیبا از شماست که فرمودید: «من آنقدر ناگهانی خواهم آمد که بسیاری از دوستانان هم از دیدارم تعجب خواهند کرد.»
 تو ای جلوه یزدان و ای محبوب منتظران از خداوند منان بخواه که آن لحظه مبارک هر چه زودتر فرا رسد، ما نیز امید داریم انتظار در عصر تاریکی پایان یابد و ان شاء الله دوستانان شما بیش از گذشته نسبت به یگانه گوهر هستی حساس باشند و از خود بپرسند، ما او را چقدر می شناسیم و برای رسیدن به سر منزل مقصود چقدر تلاش کرده ایم و اگر ظهور پر میمنت آن حضرت در عصر ما تحقق پذیرد آیا ما همچون پروانه به دور شمع وجودش اجتماع خواهیم کرد، سلامش کرده و جواب را خواهیم شنید؟ و آیا ما منتظر ظهورش هستیم که بیاید تا مسیر راهش را بوسه باران کرده و با اشک چشمانمان غبار راهش را بشویم؟
 به راستی او کیست؟

﴿وَيَسْتَنبِئُونَكَ أَحَقُّ هُوَ؟ قُلْ: إِي وَرَبِّي إِنَّهُ لَحَقٌّ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ﴾^۱

ای محمد! از تو می پرسند آیا آن حق است؟! بگو: آری به پروردگرم سوگند که به راستی آن حق است و شما هرگز راه فراری ندارید.»

نبی مکرم ﷺ در این باره می فرماید:

«لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَقُومَ قَائِمٌ لِلْحَقِّ مِنَّا، وَذَلِكَ حِينَ يَأْذُنُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ. وَمَنْ تَبِعَهُ نَجَا، وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُ هَلَكَ. اللَّهُ أَلَّهُ عِبَادَ اللَّهِ، فَأَتَوْهُ وَلَوْ حَبْوًا عَلَى الثَّلْجِ، فَإِنَّهُ خَلِيفَةُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَخَلِيفَتِي.»^۲

«قیامت بر پا نمی‌شود جز هنگامی که قائمی از ما بر حق قیام کند و این هنگامی است که خداوند اذن ظهورش دهد؛ کسی که از او پیروی کند نجات می‌یابد و کسی که از او تخلف کند هلاک می‌شود، ای بندگان خدا بترسید، هر کجا باشید او را دریابید، اگرچه مجبور شوید که از روی برف‌ها سینه خیز عبور کنید، که او خلیفه‌ی خدای تبارک و تعالی و جانشین من است.»

«مَوْ مِنْ وُلْدِي وَوَلَدَةُ يَزْدَجِرْدُ بْنُ شَهْرِيَّارٍ»^۱

«او از نسل من و از تبار یزدجرد بن شهریار است.»

«الْمَهْدِيُّ مِنْ عِثْرَتِي مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ يُقَاتِلُ عَلِيَّ سُنَّتِي كَمَا قَاتَلْتُ أَنَا عَلِيَّ الْوَحْيِي»^۲

«مهدی از عترت من و از فرزندان فاطمه است، او بر اساس سنت من پیکار کند چنان که من بر اساس وحی پیکار نمودم.»

در همین رابطه نقل شده است: رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در آخرین روزهای حیات خویش، با دست مبارک به شانه‌ی امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام زد و خطاب به حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام فرمود:

«مِنْ هَذَا مَهْدِيٌّ هَذِهِ الْأُمَّةُ... لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَقُومَ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مَلَأْتُ ظُلْمًا وَجَوْرًا»^۳

«مهدی امت از نسل اوست؛ دنیا سپری نمی‌شود جز این که مردی از اولاد حسین به پا خیزد و جهان را پر از عدل کند، چنان که پر از ظلم و ستم شده باشد.»
بار دیگر آن حضرت با دست مبارکش به سوی امام حسن و امام حسین عَلَيْهِمَا السَّلَام اشاره کرده و فرمودند:

«مِنْهُمَا مَهْدِيٌّ هَذِهِ الْأُمَّةُ»^۴

«مهدی امت از آنان است.»

در این رابطه نقل شده است دختر امام حسن مجتبی عَلَيْهِ السَّلَام مادر امام محمد باقر عَلَيْهِ السَّلَام است از این رهگذر امامان بعدی را حسنی و حسینی گویند،

۱ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۶۴.

۲ - البیان، ص ۶۳.

۳ - البیان، ص ۸۰.

۴ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۸.

حضرت مهدی نیز نوه پسرى امام حسين ونوه دختری امام حسن علیهما السلام می باشد.^۱
 حضرت رسول یکبار دیگر به امام حسن و امام حسین نگاه کرده و فرمودند:
 «وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ، إِنَّ مِنْهُمَا مَهْدِي هَذِهِ الْأُمَّةِ إِذَا ضَارَتِ الدُّنْيَا هَرْجاً مَرْجاً،
 وَتَظَاهَرَتِ الْفِتْنُ، وَتَقَطَّعَتِ السُّبُلُ، وَأَغَارَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ فَلَا كَبِيرَ يَرْحَمُ صَغِيرًا، وَلَا
 صَغِيرَ يُوقِرُ كَبِيرًا. يَبْعَثُ اللَّهُ عِنْدَ ذَلِكَ مِنْهُمَا مَنْ يَفْتَحُ حُصُونِ الضَّلَالَةِ، وَقُلُوبًا غُلْفًا. يَقُومُ
 بِالَّذِينَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ كَمَا قُنْتُ فِي أَوَّلِ الزَّمَانِ.»^۲

«قسم به پروردگاری که مرا به حق مبعوث کرد، مهدی امت از اینهاست، هنگامی که دنیا هرج و مرج شد و فتنه ها آشکار گشت و راه ها نا امن شد و مردم از چپاول یکدیگر در امان نبودند و بزرگترها بر کوچکترها رحم نکرده و کوچکترها احترام بزرگترها را رعایت نکردند، خداوند در چنین زمانی از نسل این دو (امام حسن و امام حسین) کسی را بر می انگیزد که قلعه های ضلالت را به تسخیر خود در می آورد و دل های نفوذ ناپذیر را تحت سیطره خود قرار می دهد، (او) برای احیای شریعت در آخر الزمان قیام می کند، آن چنان که من در اول زمان قیام کردم.»
 به امید پیروزی حق بر باطل و نابودی باطل برای همیشه ان شاء الله.

«اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ وَاجْعَلْ فَرَجَنَا مَعَ فَرَجِهِمْ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.»^۳
 «خدا یا فرج و گشایش آمر (حکومت) ولیت و فرزند ولیت را زودتر برسان و گشایش وضع ما را با فرج ایشان قرار ده، ای مهربانترین مهربانان.»
 بارالها! سلام و درود بی پایان ما بندگان نثار رسولان الهی، بالأخص بر عصاره برگزیدگان و خاتم پیامبران و سرچشمه زلال نور و هدایت حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله که قلب مبارکش تجلیگاه و محل نزول آیات رحمت بوده است و سلام گرم و صمیمانه شیعیان و آن انسان های دریند عالم بر مهدی یگانه فاتح گیتی، سلام بر دارنده آن شمشیر بُرّان و کوبنده برفرق ستمکاران که با قیام شکوهمندش به رسالت تمامی انبیا و اولیا علیهم السلام حیات دوباره خواهد بخشید، او که تحقق بخش وعده های همه انبیای الهی از آدم ابوالبشر تا پیامبر آخر الزمان حضرت ابوالقاسم احمد صلی الله علیه و آله است. ان شاء الله

۲ - منتخب الاثر، ص ۸۵

۱ - نور الانوار، ص ۱۴۳.

۳ - مکبال المکارم، ج ۲، ص ۸۶.

فصل اول

اجداد حضرت مهدی علیه السلام

نام‌ها و لقب‌های حضرت مهدی علیه السلام

نهی از بردن نام حضرت مهدی علیه السلام

ادیان در آخرالزمان

سیمای ملکوتی حضرت مهدی علیه السلام

راز طول عمر شریف حضرت مهدی علیه السلام

شبهت حضرت مهدی علیه السلام به پیامبران

مواریث انبیا

مدت حکومت حضرت مهدی علیه السلام

موقعیت علمی حضرت مهدی علیه السلام

اقامتگاه حضرت مهدی علیه السلام

تشریف

اجداد حضرت مهدی علیه السلام

حجت بن الحسن المهدی علیه السلام دوازدهمین ستاره آسمان ولایت است که نام مقدسش (م ح م د) است. نام مبارکی که شیعیان تا زمان ظهور نباید آن حضرت را با این نام در محافل یاد کنند.

پدر و اجداد آن حضرت عبارتند از: الحسن العسکری، بن علی الهادی، بن محمد الجواد، بن علی الرضا، بن موسی الکاظم، بن جعفر الصادق، بن محمد الباقر، بن علی زین العابدین، بن الحسین الشهید، بن علی بن ابی طالب امیرالمؤمنین علیه السلام.

مادر آن حضرت، خانم حضرت نرجس علیها السلام دختر یسوعا پسر امپراتور و فرمانروای مقتدر روم و لقب او ملیکاست. آن حضرت به سوسن، صیقل، ریحانه، خمط و حکیمه نیز ملقب شده است.

مادر امام زمان علیه السلام زندگی خود را اینگونه بیان می کنند:

من ملیکا دختر یسوعا فرزند امپراتور روم هستم، مادرم از فرزندان شمعون وصی حضرت عیسی مسیح است، هنگامی که سیزده ساله بودم جدم خواست مرا به عقد برادرزاده خود درآورد، دستور داد تا کشیشان و راهبان را جمع کرده و سیصد نفر از میان آنان انتخاب کردند و هفت صد نفر هم از امرای لشکر و صاحب منصبان کشور و چهار هزار نفر از معتمدان و اشراف و اعیان را حاضر

کرده و تختی از خزانه قصر بیرون آوردند که به انواع جواهرات تزیین شده بود و در میان کاخ امپراتوری خویش بر روی پایه‌هایی استوار ساخته، بت‌ها و چلیپاهای (صلیب) خود را بر بلندی‌ها قرار داده و آنگاه امپراتور برادرزاده خود را بر روی تخت نشانند، خدم و حشم کمرها به خدمت بسته لباس رسمی پوشیده، راهبان کتاب آسمانی انجیل را باز کرده خواستند قرائت کنند و خطبه عقد را بخوانند که ناگهان کاخ به لرزه درآمد بت‌ها و چلیپاها سرنگون شده و به زمین افتادند و پایه‌های تخت از جای خود به در رفته و برادرزاده امپراتور از بالای تخت به زیر افتاد و بی‌هوش شد، در این لحظه رنگ از روی کشیشان پریده، لرزه بر اندام همگی سایه افکند و رئیس کشیشان رو به امپراتور کرده و گفت: قیصر به سلامت باشد ما را از مشاهده این اوضاع منحوس بیم فراگرفته، از امپراتور روم تقاضا می‌شود ما را از انجام این عقد معاف فرمایند؛ زیرا نحوست‌ها روی آورده که نشان دهنده زوال کیش مسیحیت و علامت انقراض سلسله قیصری است.

پس جدم این امر را فال‌بد دانست و به کشیشان فرمود: این تخت را بار دیگر برپا کنید و چلیپاها را بر جای خود قرار دهید و حاضر گردانید و برادر دیگر را بیاورید تا دختر را به او تزویج کنیم، باشد با این وصلت نحوست‌ها برطرف شود. امپراتور در آن روز برادرزاده دیگرش را بر تخت نشانید که مرا به عقد او درآورد و امید داشت که نحوست برطرف شود و این بار نیز تخت از لرزه قصر سرنگون شد و هول و هراس برپا گردید که همه میهمانان متفرق شدند، به همین دلیل جدم با اندوه فراوان به حرمسرا بازگشت و از این قضیه به تفکر فرو رفت و من هم محزون و غمگین در گوشه‌ای پنهان شدم تا شب شد و به خواب رفتم و در عالم خواب دیدم حضرت مسیح و حضرت شمعون و جمعی از یاران مسیح در قصر جدم جمع شده‌اند و منبری از نور به جای تختی که جدم گذاشته بود نصب کرده که از رفعت به آسمان سربلندی می‌نمود.

آنگاه حضرت رسالت پناه را دیدم که با وصی و دامادش علی بن ابی طالب و جمعی از امامان بزرگوار آن قصر را به نور قدوم خویش منور ساختند، پس

حضرت مسیح از روی تعظیم و اجلال به استقبال خاتم الانبیاء شتافته و دست در گردن مبارک آن جناب درآورد، در همین بین آن حضرت فرمودند: یا روح الله آمده‌ام ملیکا فرزند وصی تو شمعون را برای فرزند سعادت‌مند خود امام حسن عسکری خواستگاری کنم.

پس حضرت عیسی مسیح نظر به سوی شمعون افکند و سپس فرمود: ای شمعون شرف دو جهان به تو روی آورده پیوند کن و با این وصلت با میمنت موافقت نما، پس شمعون عرض کرد: موافقم.

سپس حضرت رسالت پناه بالای منبر رفته و خطبه عقد را خواندند و مرا به ابی محمد تزویج کرده و حضرت مسیح و یارانش را گواه گرفتند. چون از خواب برخاستم از بیم جان، خواب خود را برای خانواده و جدم نقل نکردم و همواره آن سر آسمانی را در دل نگاهداشته و با هیچ کس در میان نگذاشتم و مطمئن بودم که روزی خواب من تعبیر خواهد شد، ولی نمی دانستم چگونه این جریان به وقوع می پیوندد، بعد از آن شب، چنان قلبم از محبت ابی محمد امام حسن عسکری موج می زد که از خوردن و آشامیدن باز ماندم و کم کم لاغر و رنجور گشته و سخت بیمار شدم، در همین رابطه جدم سراغ تمامی طبیبان رفت به گونه ای که طبیبی در شهر روم نماند مگر این که او را برای معالجه من حاضر کرد و از دواي درد من از او سؤال نمود و معالجه هیچ یک از آنان نتیجه نداشت و چون جدم از زندگی من نا امید شده بود، گفت: ای فرزند دلبندم، ای نور چشم من آیا خواهشی داری که بگویی تا در انجام آن بکوشم؛ آیا در خاطر آرزویی هست تا به عمل آورم؟

گفتم: ای پدر جان، من که درهای فرج را به روی خود بسته می بینم ولی اگر شکنجه و آزار را از اسیران مسلمان برداری و آنان را از قید و بند و زندان آزاد گردانی، امید است حضرت مسیح و مریم مقدس مرا شفا دهند.

سپس قیصر روم پدر بزرگم جمعی از زندانیان مسلمان را که در آن زمان جنگ میان روم و کشور آنان برپا شده بود آزاد ساخت و برخی را از کیفر تخفیف داد و من نیز به ظاهر اظهار بهبودی کردم و کمی غذا خوردم، پس جدم از این واقعه

خشنود گردید و سعی در رعایت حال اسیران مسلمان و احترام آنان نمود. بار دیگر بعد از چهارده شب در خواب دیدم که حضرت فاطمه زهرا همراه حضرت مریم که هزارکنیز از حوران بهشتی به همراهشان بود به عیادت من آمدند. حضرت مریم روی به من نمود و فرمود: بنگر این اسوه بانوان جهان که مادر شوهر تو است، پس به دامن مبارکش افتادم و گریستم و شکایت کردم که حضرت ابی محمد به من جفا می کند و به دیدن من نمی آید. آن حضرت فرمودند: فرزند من چگونه به دیدن تو آید و حال آن که به خدا شرک می آوری و پیرو مذهب نصاری هستی و این خواهر من مریم است که از دین تو به خداوند پناه می برد و اگر رضای خدا و مسیح را می خواهی باید اسلام اختیار کنی تا به زیارت ابی محمد نایل شوی. گفتم: از جان و دل حاضرم، در همین بین صدای بانویم را شنیدم که فرمودند بگو:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ.»

چون این کلمات طیبه را تلفظ کردم حضرت سیده النساء مرا مورد لطف و عنایت خویش قرار داده و فرمودند: دلخوش دار که به زودی به دیدار ابو محمد موفق شوی و من همچنان آن کلمات طیبه را می گفتم که از خواب بیدار شدم، بیشتر شوق دیدار او مرا به گریه انداخت باز خواب مرا فرا گرفت که حضرت امام عسکری را خواب دیدم در حالی که از گذشته شکوه می نمودم و خطاب به آن بزرگوار عرضه داشتم که ای محبوب من، شما که دلم را به محبت خویش فریفتی و اسیر خود گردانیدی حال چرا جفا می کنی؟

آنگاه امام حسن عسکری فرمودند: تأخیر من از دیدار، شرک تو بود و این که تو در آیین مسیحیت بودی اکنون که مسلمان شده ای هر شب به ملاقات تو می آیم تا روزی که حق تعالی فراق ما را مبدل به وصال گرداند، بدین ترتیب شبی نبود که وجود نازنینش را به خواب نبینم تا این که شبی ابو محمد به من فرمود: جد تو به زودی لشکری را به جنگ مسلمانان خواهد فرستاد و خود نیز فرماندهی لشکر را به عهده خواهد گرفت و ما هم از تو می خواهیم با لباس

خدمتکاران به همراه عده‌ای از کنیزان از فلان راه به آنان ملحق شده و از پی جد خود روانه شوی و از فلان راه رفته تا ما به تو رسیدیم؛ پس چنان کردم که دستور فرموده بودند که ناگاه طلیعه لشکر مسلمانان به ما برخوردند و ما را اسیر کرده و آخر کار من این بود که به عنوان غنیمت نصیب برده فروش پیری به نام عمر بن زید شدم که او نام مرا پرسید و من گفتم: نام من نرجس^۱ است و او گفت: این نام که نام کنیزان است! من صحبت را ادامه نداده که یکدفعه متوجه شدم کشتی ما برکناره پل فرات پهلو گرفت، درحالی که غم و ضعف و اضطراب مرا در برگرفته بود و من نیز در گوشه‌ای انتظار قاصد را می‌کشیدم تا بیاید و مرا که در قفس سرنوشت اسیر بودم آزاد کند، بالاخره انتظار به پایان رسید و بعد از مدت‌ها چشم انتظاری، صدای مردی را شنیدم که به برده فروش می‌گفت: آیا به جز این کنیزان، کنیز دیگری هم داری؟

برده فروش گفت: آری، کنیزی دارم که بیمار است و در گوشه‌ای آرمیده بار دیگر صدای آن قاصد را شنیدم که گفت: می‌خواهم آن کنیز را ببینم، من که پیام حق را شنیده بودم سراسیمه از جا برخاسته و خود را به آنان رساندم و قاصد مهربان، بشر بن سلیمان را دیدم که نامه محبوب مرا به همراه کیسه زری به دست داشت و سر آن با خاتم مبارک مهر شده بود و من با دیدن آن نامه که به خط و زبان رومی بود به برده فروش گفتم: یا مرا به همین مرد می‌فروشی و یا در غیر این صورت خود را هلاک خواهم کرد. پس از مدتی گفتگو، قاصد مرا به قیمت دویست و بیست اشرفی که حضرت امام علی النقی فرستاده بود از برده فروش خرید و سپس من به همراه آن مرد راه افتادم درحالی که نامه بهترین عزیزان را در دست داشتم که خداوند بخت و طالع مرا با سرنوشت او عجین کرده بود، همان عزیزی که در فراقش روز و شب را به تلخی سپری کرده و حال من بوی عزیزانم را به وسیله آن نامه استشمام می‌کردم، درحالی که گریه امانم نمی‌داد و از طرفی قاصد که تعجب کرده بود، رو به من کرده و گفت: می‌بینم نامه‌ای را

۱ - نرجس از اسم‌های رایج در میان کنیزان بود.

می بویی و می بوسی که صاحبش را نمی شناسی! من به آن قاصد گفتم: عجب است که شما صاحب خود را نمی شناسی و من او را بهتر از شما می شناسم و می دانم او کیست.

قاصد بار دیگر گفت: تعجب دارم از این که رومی الاصل هستید ولی زبان عربی را به این فصاحت می دانید!

گفتم: جدم مرا بسیار دوست می داشت و علاقه مند بود من زبان های مختلف را بدانم به همین دلیل معلمانی را برای من استخدام کرد و آنان مرا به زبان عربی هم آشنا ساختند، سپس من خود را به آن مرد معرفی کرده و گفتم: من ملیکا دختر یسوعا فرزند قیصر پادشاه روم هستم و مادرم از فرزندان شمعون بن صفا وصی حضرت عیسی بن مریم است و داستانی بسیار عجیب دارم که با انتظاری غم انگیز توأم بوده و من به آن قاصد گفتم آنچه را که باید می گفتم و او هم مرا متواضعانه همراهی کرد تا این که به خانه امید، به خانه خوشبختی، به خانه پدر شوهرم حضرت امام علی النقی رسیدیم و آن سرور انتظار مرا می کشید. در بدو ورود، آن حضرت فرمودند: دخترم عزت اسلام و ذلت نصاری و شرف خاندان پیامبر را چگونه دیدی؟

گفتم: درباره چیزی که شما از من دانایتر می باشید چه عرض کنم. آنگاه آن حضرت فرمودند: می خواهم تو را گرامی دارم به ده هزار اشرفی و یا بشارتی به شرف ابدی، هر کدام را که بهتر می دانی انتخاب کن و من گفتم: به مال نیازی نیست، بلکه بشارت شرف می خواهم. آن حضرت فرمودند: پس بشارت باد تو را به فرزندگی که پادشاه مشرق و مغرب عالم شود و زمین را پر از عدل و داد نماید بعد از آن که پر از ظلم و جور شده باشد.

آنگاه من پرسیدم این فرزند از آن چه کسی است؟ آن حضرت فرمودند: از آن کسی که پیغمبر اسلام در فلان شب و فلان ماه و فلان سال رومی تو را برای او خواستگاری کرد و خطبه عقد را جاری ساخت. من گفتم: آیا به فرزند دلبنده شما؟

ایشان فرمودند: او را می شناسی؟

عرض کردم: از شبی که به دست بزرگ بانوی دو جهان حضرت فاطمه زهرا که سلام بر او باد اسلام آورده‌ام، شبی نبود که او به دیدن من نیامده باشد. سپس آن حضرت، خادم خود کافور را طلبید و فرمود: برو حکیمه خاتون خواهرم را بگو نزد من بیاید.

چون آن بانوی محترمه آمد، حضرت فرمودند: ای خواهر عزیز این است آن مکرمه‌ای که در انتظار دیدار او بودی و آنگاه آن بانوی بزرگوار مرا در آغوش گرفت و نوازش کرد و مورد محبت قرار داده و تبریک گفت.

بار دیگر آن حضرت خطاب به حکیمه خاتون فرمودند: ای دختر رسول خدا! او را به خانه خود ببر و واجبات و سنت‌ها را به او بیاموز که او همسر حضرت امام حسن عسکری علیه السلام و مادر خاتم اوصیاء، مهدی قائم آل محمد خواهد بود. حکیمه خاتون می فرماید: من طبق دستور برادرم آن شاهزاده خانم رومی را به خانه خود بردم و برای این که جاسوسان حکومت از شخصیت واقعی دختر پادشاه روم اطلاع پیدا نکنند همواره سعی می کردم مشخصات ایشان آشکار نشده و هویت اصلی آن عزیز پنهان بماند. به همین دلیل او را با نام‌های متعدد از جمله: ریحانه، سوسن، نرجس و صیقل صدا می زدم؛ زیرا آینده پر اهمیت ایشان باعث می شد تا در هر شرایطی برای حفظ جان و موقعیت ایشان احساس مسؤلیت کنم، بالاخره زمان سپری شد تا این که روزی از روزها امام عسکری علیه السلام به خانه ما آمدند و نرجس را در میان کنیزان دیدند و نظری طولانی همراه با تعجب به او دوخته و خطاب به من فرمودند: ای عمه او همان کنیزی است که فرزند من مهدی را به دنیا خواهد آورد و آن مولود نزد پروردگار جهان بسیار عزیز است، همان عزیزی که خداوند به وسیله او زمین را سرشار از حق و عدالت می نماید، چنان که مالا مال از ظلم و جنایت شده باشد.

من که از علاقه آن دو به یکدیگر با اطلاع بودم عرض کردم: یا بن رسول الله! اگر شما را خواهش اوست به خدمت شما فرستم.

آن حضرت فرمودند: ای عمه! در این خصوص از پدرم رخصت بطلب. پس

از این گفتگو من خود را آماده کرده و راهی منزل حضرت امام علی النقی علیه السلام شده و هنگامی که به محضر آن حضرت شرفیاب شدم، سلام کرده و نشستم بی آن که سخنی بگویم؛ حضرت از باب اعجاز ابتدا سخن آغاز کرده و فرمودند: خواهرم حکیمه، نرجس را نزد فرزندم بفرست، عرض کردم: آقا من هم برای همین مطلب نزد شما آمده‌ام.

حضرت فرمودند: خداوند می خواهد تو را در این ثواب شریک گرداند، پس تو وظیفه داری این امر را در خفا به انجام رسانی.

آنگاه بی درنگ برخاسته و به خانه برگشتم و نرجس را زینت کرده و او را تحت عنوان کنیزی که نزد من زندگی می کرد به ابی محمد بخشیدم تا همسر آن حضرت شود و من نیز افتخار خدمتگزاری به آن عزیزان را داشتم، بعد از چند روز آن بانوی بزرگوار را به خانه شمس انور و آن والد اطهر بردم و زمانی نگذشته بود که وجود همچون خورشید برادر بزرگوارم حضرت امام علی النقی علیه السلام غروب کرد و ماه برج ولایت امام حسن عسکری علیه السلام در امامت جانشین وی گشت و من پیوسته به عادت مقرر زمان پدرشان به خدمت امام زمانم حضرت امام عسکری می رسیدم و از آنان دلجویی می کردم و هر بار نرجس با مهربانی از من استقبال می کرد و هر وقت خدمت امام مشرف می شدم دعا می کردم که خداوند فرزندی به وی موهبت فرماید.

پس یک روز چون دست به دعا برداشتم، حضرت فرمودند: عمه آنچه که از خدا می خواهستی به من روزی کند امشب متولد می شود تا به اذن حق تعالی زمین را بعد از آن که به شیوع کفر و ظلم و ضلالت مرده باشد به علم و ایمان و هدایت زنده کند. من که از شنیدن این خبر مسرت بخش بسیار شاد شده بودم به نرجس نگریستم که در حال خدمت کردن به من بود، برخاستم و نزد او رفتم و دست‌هایش را بوسیدم و او را از خدمت کردن باز داشتم، او مرا بانوی خود خواند و من نیز او را بانوی خویش خواندم، او به من گفت: فدای شما شوم و من به او گفتم: من و همه دنیا فدای تو شویم، در این لحظه با یک دنیا محبت او را نظاره کردم و سپس خطاب به او گفتم: ای نرجس! بدان محبوبتر از تو نزد من

کسی نیست و من با شوق به وی گفتم: تبریک می‌گویم برای چنین شبی که خداوند به تو عنایت می‌فرماید، تا مولودی پا به عرصه دنیا گذارد که دیدارش آرزوی اهل ایمان است، او از سخن من شرم کرد و من نیز بار دیگر بر وی نظر کردم، اثری از حاملگی ندیدم، به همین جهت به امام حسن عسکری عرض کردم: یا بن رسول الله! فدایت شوم من که اثری از بارداری در وی نمی‌بینم.

حضرت تبسمی کرد و فرمود: عمه، مثل نرجس مثل مادر هوسی است که تا موقع تولد مولود، هیچ کس اطلاع نداشت و ما ائمه نیز در شکم‌ها نیستیم بلکه در پهلوهای مادران می‌باشیم و از راه رحم بیرون نمی‌آیم بلکه از ران راست مادران خارج می‌شویم؛ زیرا ما نور خداییم که پلیدی‌ها آن‌را نمی‌آلاید.

بار دیگر عرض کردم: آقاچه وقت آن مولود عزیز چشم‌به جهان خواهد گشود؟ آن حضرت فرمودند: موقع طلوع فجر، سپس آن امام همام از من تقاضا کردند که آن شب را در کنار آنان بمانم و من با افتخار آن شب را در کنار نرجس خوابیدم و نزدیک صبح که از خواب بیدار شدم، او را نظاره کردم، اما اثری در نرجس نیافتم، نزدیک بود شکی در من عارض شود که ناگاه صدای امام را از حجره خودش شنیدم که فرمودند: عمه شک مکن وقتش نزدیک شده و بدین ترتیب مقارن صبح صادق متوجه شدم حالت اضطراب در نرجس ظاهر شده است، بی‌درنگ برخاسته او را در برگرفتم آنگاه صدای ابو محمد امام حسن عسکری را شنیدم که خطاب به من فرمودند: سوره انا انزلنا را بر او بخوان، من به فرمان امام شروع به خواندن سوره مبارکه قدر کردم و در آن حال صدای فرزند حضرت نرجس را شنیدم که در شکم مادر در خواندن آن سوره شریفه مرا همراهی می‌کرد و سپس به من سلام کرد که با شنیدن صدای او دچار وحشت شدم در همین بین امام عسکری فرمودند: عمه از کار خداوند تعجب مکن؛ زیرا باری تعالی ما را از کوچکی به حکمت گویا و در روی زمین حجت خود می‌گرداند. من از آنچه در دلم نسبت به حضرت خطور کرده بود حیا داشتم ناچار به اتاق برگشتم در حالی که پیش خود خجل بودم، شروع به خواندن سوره «الم سجده ویس» کردم. در این بین نرجس نیز سر سجاده در حال نماز بود من

متوجه او شدم که از درد شدید به خود می پیچد، پس او را در برگرفته و گفتم: پدر و مادرم فدایت آیا زمان تولد فرخنده او فرا رسیده؟ نرجس گفت: آری، امر سختی را احساس می کنم که ناگهان او از نظرم غایب شد، گویا پرده ای میان من و او جایل گشت، به همین دلیل نزد امام رفتم و فریاد کنان به عرض ایشان رساندم، امام در جواب فرمودند: عمه برگرد، او را در جای خود خواهی یافت چون مراجعت کردم پرده گشوده شد و نرجس را در هاله ای از نور مشاهده کردم که دیده ام را خیره ساخت؛ مولود عزیز حضرت صاحب الامر علیه السلام را دیدم که رو به قبله به سجده افتاده و خداوند را به عظمت و شکوهش یاد می کند و بعد آن حضرت را دیدم به روی زانو نشسته و انگشتان سبابه را به آسمان بلند کرده و فرمودند:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ وَأَنَّ أَبِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَلِيُّ اللَّهِ وَوَصِيَّ

رَسُولِهِ.»

«گواهی می دهم معبودی جز الله نیست او یکتا و بی همتاست و شریکی ندارد، شهادت می دهم جدم محمد فرستاده خداست و به درستی که پدرم امیرمؤمنان ولی خدا و جانشین رسول است.»

سپس آن حضرت امامان را یکی پس از دیگری برشمردند و چون به نام پدر بزرگوارشان رسیدند دیدگان مبارک را گشوده و سلام کردند درحالی که انگشت مبارک به سوی آسمان داشتند، آنگاه عطسه ای کرده و فرمودند:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ.»

آنگاه مولود فرمودند: ستمگران پنداشته اند که حجت خدا از میان رفته است، اگر به ما اجازه سخن گفتن می دادند هرگونه تردیدی برطرف می شد. بار دیگر آن مولود فرمودند:

«اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي وَعْدِي وَأْتِمِّمْ لِي أَمْرِي وَثَبِّتْ وَطْأَتِي وَأَمْلَأْ الْأَرْضَ بِي عَدْلًا وَقِسْطًا.»^۱
«خداوندا! وعده ام را تحقق بخش و امر (قیامم) را تمام گردان و گامم را

استوار ساز و زمین را به (ظهور) من پر از عدل و داد کن. حکیمه خاتون می فرماید: در آن روز باشکوه افتخار نصیب من شد تا به عنوان اولین نفر شاهد تولد و وجود مطهر و ملکوتی آن حضرت باشم. در این لحظه دیدم نوری از دامان گوهریاب نرجس ساطع گشت و به آفاق آسمان پهن شد و مرغان سفید را دیدم که از آسمان به زمین آمدند در این هنگام امام حسن عسکری علیه السلام به من فرمودند: فرزندم را در برگیر و به نزد من آور، چون او را در برگرفتم ختنه کرده و ناف بریده، طاهر و پاکیزه یافتم و روی بازوی مبارکش را دیدم با نور نوشته شده بود.

﴿جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾

«حق آمد و باطل نابود شد، به درستی که باطل نابود شدنی است.»

پس من او را که شاهکار آفرینش بود با شادمانی در پارچه‌ای پیچیدم و نزد امام حسن عسکری بردم و همین که آن مولود نظرش بر پدر افتاد سلام کرد و پدر او را با شادی در برگرفت و دست مبارکش را بر سر آن سرور کشید و بر کف دست چپ نشانید و با دست راست بر پشت و گوش و بندهایش کشیده و فرمود: فرزندم به قدرت الهی سخن بگو، حضرت پس از سلام و صلوات بر حضرت رسالت پناه و حضرت امیرالمؤمنین و جمیع امامان و پدر بزرگوار خویش علیه السلام استعاذه فرموده و بیان داشتند:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَنَمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ﴾^۱

«به نام خداوند بخشنده مهربان، می خواهیم منت گذاریم بر جماعتی که ایشان را ستمکاران در زمین ضعیف گردانیده‌اند و بگردانیم ایشان را پیشوایان دین و بگردانیم ایشان را وارثان زمین و تمکین و استیلا بخشیم ایشان را در زمین و بنماییم به فرعون و هامان و لشکرهای ایشان از آنچه که حذر می‌کردند.»

آنگاه آن حضرت برای دوستان و افراد مضطر دعا کردند و از خداوند خواستند که فرجشان را نزدیک گرداند.

سپس امام عسکری علیه السلام فرمودند: ای عمه! او را نزد مادرش ببر، تا به وی سلام کند و چشمان مادرش به نور او روشن شود و بداند که وعده خداوند جل جلاله حق است و لکن بیشتر مردم نمی دانند.

پس آن منجی آسمانی را به سوی مادرش برگرداندم، زمانی که فجر دوم رؤیت شده بود بار دیگر او را بعد از دیدار مادر به نزد پدر بزرگوارش آوردم، ناگهان متوجه مرغانی شدم که دور سر آن مولود جمع شده و بال خود را بر سر آن سرور گسترانیدند در این بین حضرت امام عسکری یکی از آن مرغان را فرا خوانده و فرمودند: این طفل را بردار و نیکو محافظت کن و در هر چهل روز او را به ما برگردان.

مرغ آن مولود را برداشت و به سوی آسمان پرواز کرد و سایر مرغان نیز به دنبال او به پرواز درآمدند، در این لحظه امام عسکری فرمودند:

«تو را به خدایی می سپارم که مادر موسی فرزند خود را به او سپرد.»

پس حضرت نرجس خاتون گریان شد.

امام فرمودند: آرام باش و بدان تغذیه او از شیرۀ جان تو خواهد بود و به زودی او را نزد تو می آورند، همان طور که موسی را به مادرش برگرداندند.

بار دیگر از برادرزاده ام سؤال کردم آن مرغ چه پرنده ای بود و آن مرغان دیگر چه نقشی دارند که صاحب الامر را به آنان سپردی؟ حضرت فرمودند: آن موجودی که به شکل پرنده، مولود را در بر گرفت فرشته درگاه الهی جبرائیل است که مراقب ائمه می باشد و به امر خداوند آنان را با علم و معرفت الهی پرورش می دهد و آن پرندگان دیگر فرشته رحمت اند که به اذن پروردگار او را برای عرض ادب نزد حق تعالی بردند و آنان نیز در زمان ظهور از یاوران فرزندان مهدی خواهند بود.

آنگاه حضرت امام عسکری نام مولود را (م ح م د) گذارد و خبر طلوع

دوازدهمین اختر ولایت را که روز جمعه نیمه شعبان سال ۲۵۵ هـ ق بر جهانیان پرتو افکن گردیده بود، بر عده‌ای از اصحاب خود نوید داد و فرمود: بعد از من این کودک امام و پیشوای شما و جانشینم خواهد بود و بدانید و با خبر باشید او همان «قائم آل محمد» است که مردم برای ظهورش انتظارها می‌کشند و وقتی دنیا پر از ظلم و بی‌عدالتی شود ظاهر می‌شود و جهان را پر از عدل و داد می‌کند. سپس حضرت امام عسکری به میمنت تولد فرزند عزیزشان حضرت (محمّد) مهدی چهارگوسفند به همراه نامه‌ای برای یکی از اصحاب به نام ابراهیم فرستادند که مضمون نامه این است:

﴿بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ﴾

ابراهیم این گوسفندان را برای فرزندم مهدی عقیقه کن و باگوارایی خود و هر کس از شیعیان ما که یافتی بخورید و همچنین خبر و بشارت تولد حضرت مهدی را به دوستان و شیعیان قابل اعتماد برسان و آنان را به کتمان وجود آن بزرگوار ترغیب بنما.

حضرت امام عسکری در همین رابطه وکیل^۱ خود را فرا خواند و دستور عقیقه کردن سیصد گوسفند برای فرزند بزرگوارشان را صادر کرده و دستور داد تا ده هزار رطل نان و ده هزار رطل گوشت در راه خدا انفاق گردد.

حکیمه خاتون گوید: چون روز چهارم شد به حضور امام حسن عسکری علیه السلام شرفیاب شدم، کودکی دو ساله را در خانه دیدم راه می‌رود، کودکی که چهره‌ای زیباتر از رخسار او و زیبایی فصیح‌تر از گفتار او نیافتم، او را نشناختم به همین دلیل برادر زاده‌ام فرمود: عمه! بدان این مولود پیش خدا بسیار عزیز است و من که از رشد غیر طبیعی او متعجب شده بودم با شادمانی او را نظاره کردم.

امام عسکری در این بین فرمودند: عمه جان آیا نمی‌دانی که رشد یک روزه ما ائمه برابر رشد یک ساله دیگران است، پس من برخاستم و سر آن سرور را

بوسیدم. بار دیگر امام عسکری فرمودند: عمه جان! فرشتگان فرزندم را به سراپرده عرش رحمانی بردند؛ پس حق تعالی به او خطاب کرد مرحبا به تو ای بنده من، به ذات اقدس خود قسم یاد می‌کنم که به طاعت تو ثواب دهم و به نافرمانی تو عقاب کنم و به سبب شفاعت تو بندگان را خواهم آمرزید.

خداوند وعده داده است او را در پناه و حفظ و حمایت خود از شر دشمنان حراست و محافظت نماید و حق را به وجود او به پا داشته و باطل را به او سرنگون سازد تا دین حق بر تمام جهان حاکم گردد.

بدین ترتیب من نیز طبق معمول هر چهل روز آن طفل نازنین را می‌دیدم تا آن که چند روز پیش از شهادت پدر گرامیش او را به شکل مردی جوان دیدم و نشناختم، لذا از امام پرسیدم او کیست؟

آن حضرت فرمودند: او پسر نرجس است که جانشین بعد از من خواهد بود؛ زیرا من بیش از چند روز دیگر در میان شما نخواهم ماند و می‌خواهم بعد از من از وی فرمانبرداری کنید.

بارالها! سلام و تحیت ما را شاهد باش که خطاب به زوج بزرگواری عرض می‌کنیم که فرزند عزیزشان اشرف خلق عالم است، سلام بر والد و والده امام عصر و سلام بر آن نفوس قدسی و با تقوا که خداوند از آنان راضی و خشنود و آنان نیز از باری تعالی رضایت دارند.

سلام بر جسم و جان پاک آن دویزرگوار که خداوند کفالت آخرین حجت خود آقا امام زمان را به ایشان سپرده و آنان نیز در حفظ و حراست حجت خدا صبر و رنج فراوانی را تحمل کرده‌اند.

پروردگارا! درود فراوان فرست بر محمد و آل محمد و ما را از شفاعت پدر و مادر ولی عصر، سلطان انس و جان منتفع فرما و فرزند گرامیشان حضرت حجت بن الحسن را در اموری که به او محول شده پیروز و فتح نهایی را از آن ایشان گردان، به امید موفقیت آن امام همام در دوران حیات پر از نور و معنویتشان. ان شاء الله

نام‌ها و لقب‌های حضرت مهدی علیه السلام

برخی از لقب‌های حضرت مهدی عبارتند از: حجت خدا، خاتم اوصیاء، منتظر، وارث، باعث، خلف صالح، قائم به حق، مظهر دین، دادگستر، بقیة الله، صاحب الزمان، صاحب شمشیر، منصور، تالی، نائب، خالص، منتقم، صاحب الامر، سید، جابر، ثائر، خازن، باسط، برهان، مضطر، احسان، ناطق، هادی، سدرۃ المنتهی، خلیفة الله، مدبر، عین، غایب، منعم، محسن، حامد، مهدی و...

او را «مهدی» گویند؛ چون خداوند به امری پوشیده هدایتش کرده است.

او را «قائم» نامند؛ زیرا پس از فراموش شدن نامش از خاطره‌ها قیام کند.

او را «منتظر» خوانند؛ زیرا برای مدت‌های طولانی غیبت می‌کند و علاقه‌مندان به آن حضرت نیز منتظر ظهورش خواهند بود.

او را «منصور» گویند؛ از این جهت که نصرت از آن ایشان خواهد شد.

او را «صاحب الامر» خوانند؛ زیرا امر الهی و استقرار عدل در عالم به دست مبارک آن حضرت انجام می‌پذیرد.

نام‌های آن حضرت در سایر ادیان از قبیل تورات، انجیل و متون آیین‌های هندو و کتاب‌های فرنگی عبارتند از: اوقیدمو، لندیطارا، ماشع، شماطیل، مهمیذاآخر، واقید، فیذمو، مسیح الزمان، خداشناس.

پیامبر اکرم و امامان معصوم علیهم السلام اسامی دیگری بر آن حضرت اطلاق نموده‌اند؛ از جمله: امیرامیران، قاتل تبهکاران، آقای دو جهان و...^۱

نهی از بردن نام حضرت مهدی علیه السلام

حضرت مهدی درباره نهی از بردن نام خود «م ح م د» می‌فرمایند:

«مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ سَمَّانِي فِي مَجْمَعٍ مِنَ النَّاسِ بِاسْمِي»^۲

«کسی که مرا در اجتماع مردم نام ببرد، ملعون و از رحمت خدا به دور است.»

امام هادی علیه السلام می فرماید:

«الْخَلْفُ مِنْ بَعْدِي ابْنِي الْحَسَنِ. فَكَيْفَ بِكُمْ بِالْخَلْفِ بَعْدَ الْخَلْفِ؟» قِيلَ: وَلِمَ جُعِلْنَا فِدَاكَ؟ قَالَ: لِأَنَّكُمْ لَا تَرَوْنَ شَخْصَهُ وَلَا يَجِلُّ لَكُمْ ذِكْرُ اسْمِهِ، فَقِيلَ لَهُ: كَيْفَ نَذْكُرُهُ قَالَ: قُولُوا: الْحُجَّةُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ.^۱

«خلف بعد از من پسر من حسن می باشد ولیکن چگونه است حال شما در مورد خلف بعد از او؟!»

گفته شد: از چه نظر؟ جان ما فدای تو باد! (حضرت) فرمود: زیرا شخص او را نخواهید دید و بازگو کردن نام او بر شما روا نخواهد بود، گفتند: پس چگونه از او یاد کنیم؟ حضرت فرمود: بگوئید: حجت خدا از آل محمد.

مرحوم کلینی رحمته الله به سند خود از علی بن محمد از ابو عبدالله صالحی رضی الله عنه نقل می کند که گفت: پیش از درگذشت امام حسن عسکری علیه السلام اصحاب از من خواستند تا من اسم و مکان حضرت مهدی علیه السلام را سؤال کنم پس از سؤال، جواب آمد:

«إِنْ دَلَّتْهُمْ عَلَى الْإِسْمِ أَدَاعَوْهُ وَإِنْ عَرَفُوا الْمَكَانَ دَلُّوا عَلَيْهِ.»^۲

«اگر آنان را به اسم او (حضرت مهدی) آگاه سازید آن را ظاهر سازند اگر مکانش را بشناسند بر ضد او اقدام کنند.»

محدث بزرگ شیخ حرّ عاملی رحمته الله پس از نقل این حدیث می گوید: این حدیث دلالت دارد که نهی ائمه اطهار علیهم السلام از نام بردن حضرت مهدی علیه السلام مخصوص مواردی است که خوف از شر و بروز فساد باشد. در همین رابطه علمای بزرگ اسلام تصریح کرده اند به سبب رعایت ادب، مؤمنان نباید اسم آن حضرت را در مجالس خود ببرند بلکه باید به القابی همچون بقیه الله، صاحب الزمان، صاحب الامر و یا مهدی یاد کنند.

کنیه شریف آن حضرت ابوالقاسم، ابو عبدالله، ابوجعفر و ابوصالح نیز معروف است.

محل ولادت آن حضرت شهر مقدس سامراء است.

ساعت ولادت مولود موقع طلوع فجر.
روز ولادت مولود روز جمعه.
ماه ولادت مولود پانزدهم ماه مبارک شعبان.
سال ولادت مولود ۲۵۵ یا ۲۵۶ ه.ق.

ادیان در آخرالزمان

همه ادیان معتقدند در عصر آخرالزمان بشر فطرتاً در اخلاق و امور معنوی در سیر نزولی به سر می‌برد و خود به تنهایی نمی‌تواند به این انحطاط پایان بخشد مگر این‌که یک شخصیت آسمانی بلند پایه که از مبدأ وحی سرچشمه می‌گیرد ظهور کند و جهان را از جهل، تاریکی، ظلم و ستم‌رهایی بخشد. از روزگاران کهن داستان ظهور مصلح در آخرالزمان مبنای اصولی داشته و انبیای الهی آن را متذکر شده‌اند، از جمله: زردشتیان او را «سوشیانس»، هندوها «برهمن کلا»، یهودیان «یوشع»، مسیحیان «مسیح و پسر انسان» و بالاخره مسلمانان نجات دهنده خویش را قائم «قیام کننده» و مهدی «هدایت شده» می‌نامند.

آیین زردشت

در دین زردشت موعودهایی معرفی شده که آنان را سوشیانس می‌نامند، این موعودها سه تن بوده‌اند از جمله: مهمترین آنان، آخرین ایشان است که او را سوشیانس پیروزگر می‌خوانند.^۱

سوشیانس پیروزگر به منزله کریشنای برهمنان، بودای پنجم بوداییان، مسیح یهودیان، فارقلیط عیسویان و مهدی مسلمانان است.

سوشیانس پیروزگر موعود زردشتیان است؛ چنان‌که گفته‌اند:

«سوشیانس (نجات دهنده بزرگ) پس از ظهور، دین را به جهان رواج خواهد داد، فقر و تنگدستی را ریشه کن کرده و ایزدان^۲ را از دست اهریمن نجات داده و

۱ - جاماسب نامه، ص ۱۲۱.

۲ - منظور از کلمه ایزدان در آیین زردشتی فرشتگان درجه دوم هستند.

مردم جهان را هم فکر و هم گفتار و هم کردار می گردانند.»
 در کتاب جاماسب نامه، شاگرد زردشت می گوید:
 «مردی از زمین تازیان و از فرزندان هاشم بیرون آید مردی بزرگ سر و بزرگ
 تن و بزرگ ساق و به دین جد خویش بُود و زمین را پردازد کند.»^۱

آیین هندویی

آیین هندویی در حدود ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح بنیاد نهاده شد که یکی از پرطرفدارترین دین های جهان است در دین هندویی، فرقه های متعددی وجود دارند از جمله: دو فرقه اصلی خدایانی چون «ویشنو» خدای خالق و «شیوا» خدای منهدم کننده را می پرستند و حداقل ۵۹ فرقه فرعی نیز نوعی خدای شخصی را می پرستند و بت پرستی در سرتاسر هند به اشکال مختلف وجود دارد.

در آیین هندو از نجات دهنده و موعودی به نام آواتارا سخن به میان آمده است و در منابع هندوها در کتاب اوپانیشاد^۲ مطرح شده است: «مظهر ویشنو (مظهر دهم) در انقضای کلی یا عصر آهن سوار بر اسب سفید ظاهر می شود، درحالی که شمشیر برهنه درخشانی به صورت ستاره دنباله دار در دست دارد و شیران را تماماً هلاک می سازد و خلقت را از نو تجدید و پاکی را رجعت خواهد داد، این مظهر دهم در انقضای عالم ظهور خواهد کرد.»^۳

در همین رابطه، شاکمونی که از اعظم کفره هند است در کتاب مذهبی خود می گوید:

«پادشاهی دولت دنیا به فرزند سید خلاق دو جهان «کشن»^۴ بزرگوار تمام شده و او کسی باشد که بر کوه های مشرق و مغرب دنیا حکم براند و بر ابرها

۱ - ادیان و مهدویت، ص ۱۹.

۲ - کتاب اوپانیشاد، ص ۷۳۷.

۳ - معارف اسلامی در جهان معاصر، ص ۲۴۵.

۴ - کشن به لغت هندی نام پیامبر اسلام است که در بشارت فوق فرزند برومندش را به نام ایستاده و

خدانشناس نامیده چنان که شیعیان او را قائم می خوانند.

سوار شود و فرشتگان کارکنان او باشند و جن و انس در خدمت او درآیند، دین خدا یک دین شود و دین خدا زنده گردد و نام او ایستاده و خداشناس باشد.^۱ در کتاب باسک که از کتاب‌های آسمانی هندیان به شمار می‌رود، آمده است: «دور دنیا به پادشاه عادل در آخرالزمان تمام شود که پیشوای ملائکه و پریان و آدمیان باشد، حق و راستی با او همراه است و آنچه در دریاها، زمین‌ها و کوه‌ها پنهان شده باشد همه را به دست می‌آورد و از آسمان‌ها و زمین آنچه باشد خبر دهد و از او کسی بزرگتر به دنیا نیاید.»^۲

در کتاب پاتیکل که از بزرگان هندوان و به زعم آنان صاحب کتاب آسمانی است راجع به دولت با سعادت حضرت مهدی علیه السلام این‌گونه آمده است: «چون مدت روز تمام شود و دنیای کهنه، نو و زنده گردد، صاحب مُلک تازه از فرزندان دو پیشوای جهان یکی ناموس آخرالزمان^۳ و دیگری صدیق اکبر پیدا شود، یعنی وصی بزرگتر وی که پشن نام دارد^۴ و نام آن صاحب مُلک تازه، راهنماست^۵ به حق پادشاه شود و خلیفهٔ رَام^۶ باشد و حکم براند و او را معجزه بسیار است، هر که پناه به او برد و دین پدران او اختیار کند در نزد رَام سرخ روی باشد و دولت او بسیار کشیده شود و عمر او از فرزندان ناموس اکبر زیاد باشد و آخر دنیا به او تمام شود.»^۷

۱ - ادیان و مهدویت، ص ۱۸.

۲ - ادیان و مهدویت، ص ۱۹.

۳ - مقصود از ناموس آخرالزمان، ناموس اعظم حضرت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) است.

۴ - پشن نام هندی علی بن ابیطالب (علیه السلام) است.

۵ - راهنما نام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است و همچنین نام هادی، مهدی و قائم بالحق از آن اوست.

۶ - رَام به لغت سانسکریتی نام خدای سبحان است.

۷ - ادیان و مهدویت، ص ۱۹.

آیین بودایی

آیین بودایی اولین دین جهان بود که قدرت بین المللی به خود گرفت، ولی همواره با این امر که تفکر بودایی به عنوان یک دین شناخته شود مخالفت شده است.

دین بودا ۵۶۰ سال پیش از میلاد حضرت مسیح به وجود آمد. در آیین بودایی مسأله انتظار مطرح است و شخصیت مورد انتظار در این آیین، بودای پنجم است.^۱

آیین یهودی

آیین یهود خود را پیروان حضرت موسی کلیم عليه السلام می دانند. در آیین یهود و در بین آثار دینی آنان موعود نیز به چشم می خورد و با تأمل در مجموع آنچه در آثار مقدس یهود آمده چهره سه موعود ترسیم می شود: حضرت مسیح عليه السلام، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و حضرت مهدی عليه السلام.

به هر حال، چون یهودیان به حضرت مسیح ایمان نیاورده اند بالطبع موعود آنان هنوز ظهور نکرده است با این حساب انتظار در یهودیت کیفیتی ویژه می یابد؛ چون این قوم به حضرت مسیح و حضرت محمد صلی الله علیه و آله نگرویدند، پس مسأله انتظار باید برای آنان حساس و نگران کننده باشد.

در همین رابطه اشعیا نبی^۲ در تورات نقل کرده است:

«نهالی از تنه یسی^۳ بیرون آمده، شاخه‌ای از ریشه‌هایش خواهد شکفت تا روح خدا بر او قرار گیرد که مسکینان را به عدالت داوری کند و مظلومان زمین را به راستی حکم راند و گرگ با بره سکونت کرده و پلنگ با بزغاله خوابد و گوساله و شیرپروری با هم و طفل کوچک آن‌ها را خواهد راند، پس در تمامی کوه مقدس من، ضرر و فساد دیده نشود؛ زیرا که جهان از معرفت خداوند پر خواهد شد.»

۲ - اشعیا نبی فصل ۱۱، بندهای ۱-۱۰.

۱ - بشارات عهدین.

۳ - یسی به معنی قوی نام پدر حضرت داوود (علیه السلام) است.

همچنین در کتاب اشعیا نبی نقل شده است:

«کمر بند کمرش (عدالت) خواهد بود و کمر بند میانش (امانت) گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر پرواری با هم و طفل کوچک آن‌ها را خواهد راند.»^۱

آیین مسیحیت

در آیین مسیحیت نیز درباره ظهور موعود در آخرالزمان اشاراتی در انجیل متی، لوقا، مرقس، برنابا و مکاشفات یوحنا آمده است که در انتظار حضرت عیسی مسیح علیه السلام به سر می‌برند.

به طور مثال در انجیل متی آمده است:

«توبه کنید؛ زیرا ملکوت آسمان نزدیک است.»^۲

در انجیل لوقا نقل شده است:

«کمرهای خود را بسته، چراغ‌های خود را فروخته بدارید و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می‌کشند که چه وقت از عروسی مراجعت کند، تا هر وقت آید و در را بکوبد، بی‌درنگ برای او باز کنند، خوشا به حال آن غلامان که آقا و مولای ایشان چون آید، ایشان را بیدار یابد، پس شما نیز مستعد باشید؛ زیرا در ساعتی که گمان نمی‌برید پسر انسان می‌آید.»^۳

در انجیل مرقس می‌خوانیم:

«پس بیدار باشید؛ زیرا نمی‌دانید در چه وقت صاحب‌خانه می‌آید، در شام، یا نیمه شب، یا بانگ خروس، یا صبح مبادا ناگهان آمده، شما را خفته یابد.»^۴

در یوحنای لاهوتی نیز می‌خوانیم:

«هر که غالب آید و اعمال مرا تا انجام نگاه دارد او را بر امت‌ها قدرت خواهیم بخشید.»^۵

۱ - اشعیا نبی، آیات ۵ تا ۸.

۲ - انجیل متی، بند ۱.

۳ - انجیل لوقا، فصل ۱۲، بند ۳۵ و ۳۶.

۴ - انجیل مرقس، بند ۳۵ تا ۳۷.

۵ - یوحنای لاهوتی، بند ۲۶.

آيين اسلام

در مکتب اميد بخش اسلام، مسلمانان جهان نیز در انتظار موعود و سرورشان حضرت بقیة الله الاعظم ارواحنا له الفداء می باشند و مسأله موعود در این مکتب از مسایل بدیهی و مسلم بوده و هر مسلمانی و یا حداقل هر شیعه‌ای ایمان راسخ دارد.

چنان که در قرآن می خوانیم:

﴿ وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ الْوَارِثِينَ ﴾^۱

«ما اراده کرده ایم بر آنان که روی زمین به ضعف و زبونی کشیده شده اند منت نهاده و آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم.»

در همین رابطه امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید:

«دنیا پس از چموشی به ما روی می آورد آن چنان که شتر بدخو به بچه اش روی می برد.»

سپس آن حضرت این آیه را تلاوت فرمودند: ﴿ وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ... ﴾^۲

«السَّلَامُ عَلَى مَهْدِيِّ الْأُمَّمِ وَجَامِعِ الْكَلِمِ.»

«سلام بر حضرت مهدی که امت ها از او سخن گفته اند.»

سلام بر مهدی با تمام جوانب و مراتب سلام، تحیت و درود خداوند بر او و پدران بزرگوارش که تجلی انوار الهی هستند، سلام بر او و پدران طاهرین ایشان که عالم به یمن وجود آن عزیزان برقرار است.

پروردگارا! ای خالق لم یزل، ما را به دوستی آن بزرگواران منتفع گردان و در زمره اصحاب ایشان محشور ساز و دعای ما را از کرمات مستجاب گردان که تویی خدای بخشنده و مهربان.

همچنین قرآن مجید به مؤمنان این گونه وعده می دهد:

﴿لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾^۱

«در حقیقت، در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد.»

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾^۲

«خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین (خود) قرار دهد؛ همان‌گونه کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین (خود) قرار داد و آن دینی را که بر ایشان پسندیده است به سودشان مستقر و بایشان را به ایمنی مبدل گرداند، (تا) مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند و هر کس پس از آن به کفر گراید؛ آنانند که نافرمانند.»

قرآن مجید در مورد دیگر ادیان نوید داده و می‌فرماید:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾^۳

«او خداوندی است که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان پیروز گرداند، اگر چه مشرکان آن را خوش ندارند.»

این‌ها چند نمونه از نویدهایی بود که قرآن مجید و پیامبران از آینده‌ای درخشان و آمدن مصلح جهانی در آخرالزمان خبر داده‌اند و حال که می‌بینیم رسولان الهی بذرا امید و حیات را در دل مردم خود می‌پاشند و در این رهگذر جوامع بشری هم آرزو دارند تا به آن روز دست یابند، ما نیز با آن همه بشاراتی که در قرآن دیدیم و با آن همه اخبار و روایاتی که از ائمه هدی علیهم‌السلام شنیدیم باید

۱ - سوره انبیا (۲۱) آیه ۱۰۵.

۲ - سوره نور (۲۴) آیه ۵۵.

۳ - سوره توبه (۹) آیه ۳۳.

احساس مسؤولیت کرده و وسعت آن هدف والا را دریابیم و همگی در امر فرج یگانه مصلح هستی و رسیدن به آن روز با شکوه تلاش کنیم.

پیامبر اسلام ﷺ در این باره فرموده اند:

«الْمَهْدِيُّ مِنَّا أَهْلُ الْبَيْتِ يُصْلِحُهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي لَيْلَةٍ»^۱

«مهدی از ما خاندان است و خداوند عزوجل کار قیام او را در یک شب اصلاح می کند.»

به راستی اگر زمان امر فرج بدین کوتاهی باشد، پس از دست دادن وقت جایز نیست، در حالی که طبق شواهد و مدارک، ما مسلمانان جهان عقیده داریم موعود همه امت ها همان «مهدی» است که ظهور می کند و با قیام شکوهمندش بزرگترین رستاخیز آزادی بخش تحقق می پذیرد و جهان آلوده به شرک و گناه، ظلم و ستم و... را پاک می سازد و مظلومان جهان را زیر چتر و سایه خود زندگی دوباره می بخشد، همچنان که در یکی از زیارت های حضرت حجت بن الحسن علیه السلام می خوانیم: «السَّلَامُ عَلَى الْمَهْدِيِّ الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ الْأُمَّمَ أَنْ يَجْمَعَ بِهِ الْكَلِمَ وَيَلْمَ بِهِ الشُّعْثَ وَيَمْلَأَ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا وَيُمْكِّنَ لَهُ وَيُنْجِزَ بِهِ وَعَدَ الْمُؤْمِنِينَ»^۲

«سلام بر مهدی، آن کس که خدای عزوجل آمدنش را به امت ها نوید داده تا به وجودش خلق های پراکنده را یکی کرده و جهان را کران تا کران از داد و دادگری پر نماید و بدین سان وعده مؤمنان را جامه عمل پوشاند.»

به امید آن روز که همه اقوام و افکار متحد شده و زیر سایه آن آقای بزرگوار قرار گیرند، آقایی که سال های متمادی در انتظار اذن ظهور است و عمر گرانمایه خویش را در آرزوی رسیدن به فتح و ظفرنهایی پشت سر می گذارد، به امید آن روز و لحظه که آن حضرت بتواند مستی بر سر ظالم زند و دست نوازشی بر سر مظلوم کشد و حق را زنده کند و باطل را نابود گرداند. آری، مهدی تنها سرداری است که در عصر ظهور و حضور چتر ستم ظالمان را بر سر خودشان ویران

۱ - بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۶۹، ح ۲۳۳.

۲ - مفاتیح الجنان، قسمتی از زیارت حضرت صاحب الامر.

خواهد کرد و چتر الطاف بیکران الهی را بر سر مظلومان عالم برافراشته و آنان را حیاتی دوباره خواهد بخشید، حال بارالها! درود فراوان فرست بر محمد و آل محمد و دیدار آخرین حجت از این خاندان شریف را بر ما ارزانی دار تا با رؤیت آن سیمای ملکوتی جان دوباره گیریم. ان شاء الله

سیمای ملکوتی حضرت مهدی علیه السلام

در بسیاری از روایات وارد شده که امام زمان علیه السلام شبیه‌ترین مردم به رسول اکرم صلی الله علیه و آله است و جمال و حسن صورت و سیرت آن حضرت به گونه‌ای است که قلم از نوشتن و زبان از بیانش عاجز می‌باشد و آنان که به فیض دیدار آن سرور نایل شده و فروغ چهره تابناکش را دیده‌اند، همگی گفته‌اند: هیچ کس رابا آن خوش قامتی و درخشندگی جمال مشاهده نکرده‌اند.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:

«الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي، وَجْهَهُ كَالْقَمَرِ الدَّرِّيِّ، أَلْوَنُ لَوْنِ عَرَبِيٍّ...»^۱

«مهدی از نسل من است، سیمایش چون ماه تابان، چهره‌اش گرد و درخشان،

رنگش عربی است...»

«فِي شَفْرِهِ قَطْطٌ أَفْرَقُ الثَّنَائِيَا، أَبْلَجُهَا، وَاضِحُ الْجَبِينِ.»^۲

«موهایش پر پشت، دندان‌های ثنایایش براق و از هم جدا، پیشانی مبارکش

باز و درخشان است.»

«الْمَهْدِيُّ أَقْبَلُ أَجْعَدُ، هُوَ ضَاحِبُ الْوَجْهِ الْأَقْمَرِ، وَالْجَبِينِ الْأَزْهَرِ، ضَاحِبُ الشَّامَةِ

وَالْعَلَامَةِ. الْعَالِمُ الْقِيُورُ الْمَعْلَمُ الْمُخْبِرُ بِالْأَنْوَارِ.»^۳

«مهدی دیدگانی مشکمی، موهایی پر پشت، چهره‌ای چون ماه تابان، پیشانی

باز و درخشان، خالی (بر گونه راست) و نشانی (چون مهر نبوت در میان دو

کتف) دارد.»

«الْمَهْدِيُّ طَاوُؤُسُ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَجْهَهُ كَالْقَمَرِ الدَّرِّيِّ عَلَيْهِ جَلَابِيبُ الثُّورِ عَلَيْهِ جُيُوبُ الثُّورِ

۱ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۹۱، ح ۳۸.

۲ - منتخب الاثر، ص ۱۶۵.

۳ - بشارة الاسلام، ص ۲۲۰.

تَتَوَقَّدُ بِشُعَاعِ ضِيَاءِ الْقُدْسِ لَيْسَ بِالطُّوِيلِ الشَّامِخِ وَلَا بِالْقَصِيرِ اللَّازِقِ بَلْ مَرْبُوعُ الْقَامَةِ مُدَوَّرُ
الْهَامَةِ عَلَى خَدِّهِ الْأَيْمَنِ خَالَ كَأَنَّهُ فَتَاةٌ مِشْكٌ عَلَى رَضْرَاضَةٍ عَنَبِرٍ لَهُ سَمْتُ مَارَاتِ الْعُيُونِ
أَقْصَدَ مِنْهُ.^۱

«مهدی طاووس اهل بهشت است، چهره اش مانند ماه می درخشد، بر بدن
مبارکش جامه هایی از نور است، بر او چنان جامه های نورانی است که به وسیله
شعاع نور حق، پرتو افشانی می کند، قامتش نه زیاد بلند و نه کوتاه، بلکه متوسط
است و سر مبارکش گرد و برگونه راستش خال سیاهی است چون پاره ای از
مُشک بر زمینه ای عنبرین، برای حضرتش هیاتی است که هیچ چشمی متعادل تر
از آن ندیده است.»

محمد بن عبدالله از اهل قم وقتی ماجرای تشریفش را به محضر حضرت
صاحب الزمان علیه السلام نقل می کند، می گوید:

«لَمْ أَزُقْ فِي حُسْنِ صُورَتِهِ وَاعْتِدَالِ قَامَتِهِ.»^۲

«هرگز بسان او در زیبایی صورت و اعتدال قامت ندیدم.»

امام رضا علیه السلام می فرماید:

«هُوَ شَبِيهِ وَشَبِيهُ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عليه السلام عَلَيْهِ جَلَابِيبُ النُّورِ تَتَوَقَّدُ بِشُعَاعِ الْقُدْسِ.

مُوصُوفٍ بِاعْتِدَالِ الْخَلْقِ وَنَضَارَةِ اللَّوْنِ. يَشَبُّهُ رَسُولَ اللَّهِ فِي الْخُلُقِ.»^۳

«سیمای او شبیه من و شبیه موسی بن عمران است، هاله ای از نور او را احاطه
کرده و نور الهی از چهره اش ساطع است، با خلقت معتدل و درخشش چهره
شناخته می شود، اخلاق حمیده او چون جدش رسول اکرم است.»

«عَلَامَتُهُ أَنْ يَكُونَ شَيْخَ السَّنِّ، شَابَّ الْمُنْظَرِ، حَتَّى أَنْ النَّاطِرَ إِلَيْهِ لِيَحْسَبَهُ ابْنَ أَرْبَعِينَ سَنَةً

أَوْ دُونَهَا. وَإِنَّ مِنْ عَلَامَتِهِ أَنْ لَا يَهْرَمَ بِمُرُورِ الْأَيَّامِ وَاللَّيَالِي عَلَيْهِ حَتَّى يَأْتِيَ أَجَلُهُ.»^۴

«از نشانه های او سیمای جوانی او در سن کهولت است هر کس او را ببیند، او
را چهل ساله یا کمتر تصور می کند و از نشانه های او این است که گذشت زمان در

۱ - منتهی الآمال، ج ۲، ۴۲۷ - ص ۴۲۸.

۲ - کتاب الغيبة، ص ۱۵۳.

۳ - منتخب الاثر، ص ۴۲۲.

۴ - اعلام البوری، ص ۴۳۵.

او اثر نکند و تا فرا رسیدن اجلش آثار پیری در او ظاهر نشود.»
 حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام نیز در این باره می فرماید:
 «مهدی ما زمانی که قیام کند در سنین کهولت است ولی سیمایی جوان دارد و
 آن چنان نیرومند است که اگر کهن سالترین درختان را دست زند آن را از جای بر
 کند و اگر در میان کوه های بزرگ فریاد برآورد، همه را دچار طنین صدای خویش
 گرداند، خداوند او را از نظرها تا بخواند دور نگه می دارد، پس از آن جلوه او را
 آشکار کرده و زمین را پر از عدل و داد می سازد.»^۱
 یکی دیگر از مسایلی که درباره آن بحث هایی شده موضوع رفتاری است. از
 جمله نقل شده حضرت مهدی علیه السلام در برابر عظمت و جلال الهی خاشع و
 فروتن است.

امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

«الْمَهْدِيُّ خَاشِعٌ لِلَّهِ كَخُشُوعِ النَّسْرِ لِجَنَاحِهِ.»^۲

«مهدی در برابر خدا خاشع است، همچون خشوع کرکس در مقابل بالش.»
 روش آن حضرت نیز نسبت به آحاد مردم بسیار کریمانه و قاطع است؛
 مردمانی که از زندگی پر رنج و درد به تنگ آمده و ظلم و ستم آنان را خسته و
 درمانده کرده است، آنان که به دنبال نجات می گردند و چون حضرتش قیام کند،
 به دنبال او خواهند رفت و آن حضرت زمین را پر از قسط و عدل و نور خواهد
 کرد پس از آن که پر از ظلم و جور و تاریکی شده باشد.

امام رضا علیه السلام نیز درباره آن حضرت فرموده اند:

«يَكُونُ أَوْلَىٰ بِالنَّاسِ مِنْ أَنْفُسِهِمْ، وَأَشْفَقَ عَلَيْهِمْ مِنْ آبَائِهِمْ وَأُمَّهَاتِهِمْ وَيَكُونُ أَشَدَّ النَّاسِ
 تَوَاضُعًا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَيَكُونُ أَخَذَ النَّاسِ بِمَا يَأْمُرُ بِهِ وَأَكْفَىٰ النَّاسِ عَمَّا يَنْهَىٰ عَنْهُ.»^۳

«او برای مردم از خودشان اولی تر و از پدر و مادرشان مهربان تر و در برابر خدا
 از همه متواضع تر است، آنچه به مردم فرمان دهد خود بیش از دیگران به آن عمل

۱ - غیبت نعمانی، ص ۱۱۳.

۲ - الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۴۷.

۳ - بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۱۶، ح ۱.

می کند و آنچه مردم را از آن نهی کند خود بیش از همگان از آن پرهیز می نماید.»
حضرت رضا علیه السلام در حدیث دیگر می فرماید:

«يَكُونُ أَعْلَمَ النَّاسِ، وَأَحْكَمَ النَّاسِ، وَأَتْقَى النَّاسِ، وَأَحْلَمَ النَّاسِ، وَأَسْخَى النَّاسِ، وَأَعْبَدَ النَّاسِ... وَيَرَى مَنْ خَلَقَهُ كَمَا يَرَى مَنْ بَيْنَ يَدَيْهِ، وَلَا يَكُونُ لَهُ ظِلٌّ... وَتَنَامُ عَيْنَاهُ وَلَا يَنَامُ قَلْبُهُ، وَيَكُونُ مُحَدَّثًا.. وَتَكُونُ زَائِحَتُهُ أَطْيَبَ مِنْ زَائِحَةِ الْمِسْكِ... وَيَكُونُ دُعَاؤُهُ مُسْتَجَابًا حَتَّى أَنَّهُ دَعَا عَلَى صَخْرَةٍ لَأَنْشَقَّتْ بَيْنَ صَفَيْنِ.»^۱

«او داناترین مردمان، حکیم ترین آنان، پرهیزگارترین انسان، بردبارترین مردمان، سخی ترین آنان و عابدترین همگان است که از پشت سر چون پیش رو می بیند، او را سایه نباشد، دیدگانش در خواب فرو می رود ولی دلش همیشه بیدار است، فرشتگان او را حدیث گویند، عطر وجودش از هر مشکى معطرتر است، دعایش همواره به اجابت می رسد، اگر در مورد سنگی دعا کند از وسط به دو نیم می شود.»

در همین رابطه شیخ طوسی از علاء بن محمد روایت می کند که گفت از حضرت باقر علیه السلام پرسیدم: قائم در میان مردم چگونه رفتار می کند؟
«فَقَالَ يَسِيرُ بِسِيرَةِ مَا سَارَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَتَّى يُظْهَرَ الْأِسْلَامَ قُلْتُ وَمَا كَانَتْ سِيرَةُ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ: أَبْطَلَ مَا كَانَتْ فِي الْجَاهِلِيَّةِ وَأَسْتَقْبَلَ النَّاسَ بِالْعَدْلِ وَكَذَلِكَ الْقَائِمُ إِذَا قَامَ يَبْطُلُ مَا كَانَ فِي الْهُدْنَةِ مِمَّا كَانَ فِي أَيْدِي النَّاسِ وَيَسْتَقْبِلُ لَهُمُ الْعَدْلَ.»^۲

«فرمود: به روش رسول الله عمل می کند تا آن که اسلام را آشکار می سازد، عرض کردم: روش رسول الله چگونه بود؟ فرمود: رسول الله آثار کفر جاهلیت را از میان برد و با مردم به عدالت رفتار کرد، قائم موقعی که قیام می کند هر اعمال نامشروع و بدعتی را که هنگام صلح و سازش با بیگانگان در میان مسلمانان مرسوم گشته از میان می برد و مردم را به عدالت گستری رهبری می نماید.»

همچنین حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در وصف زهد حضرت بقیه الله می فرماید:
«يَكُونُ مِنَ اللَّهِ عَلَى حَذْوٍ، لَا يَفْتَرُ بِقَرَابَةِ وَلَا يَضَعُ حَجْرًا عَلَى حَجْرٍ وَلَا يَقْرَعُ أَحَدًا فِي

وَلَا يَتَّبِعُهُ بِسَوْطٍ إِلَّا فِي حَدِّ، يَمْخُو اللَّهُ بِهِ الْبِدْعَ كُلَّهَا وَيُمِيتُ الْفِتْنَ. ^۱

«همواره از خدا فرمان می برد، هرگز فریب خویشاوندی را نمی خورد، سنگی روی سنگ نمی گذارد، در تمام دوران حکومتش جز به هنگام اجرای حدود الهی، کسی را مورد ضرب قرار نمی دهد، خداوند همه بدعت ها را به وسیله او نابود می سازد و همه فتنه ها را به دست او از میان بر می دارد.»

«يَبْلُغُ رَدُّ الْمَهْدِيِّ الْمَظَالِمَ حَتَّىٰ وَلَوْ كَانَ تَحْتَ ضَرْبِ إِنْسَانٍ شَيْءٌ أَنْتَزَعَهُ حَتَّىٰ يَرُدَّهُ.» ^۲

«مهدی آن چنان رفع ستم از ستم دیدگان می کند که اگر حق کسی زیر دندان کسی باشد، آن را باز می ستاند و به صاحب حق برمی گرداند.»

حضرت امام حسین علیه السلام می فرماید:

«تَعْرِفُونَ الْمَهْدِيَّ بِالسَّكِينَةِ وَالْوَقَارِ وَيَمْفِرِقَةُ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ وَيُحَاجَّةُ النَّاسِ إِلَيْهِ وَلَا يَحْتَاجُ إِلَىٰ أَحَدٍ.» ^۳

«مهدی را با سکینه و وقار، شناخت حلال و حرام، نیاز همگان به او و بی نیازی او از همه خواهید شناخت.»

امام جعفر صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

«الْمَهْدِيُّ سَمِيحٌ بِالْمَالِ، شَدِيدٌ عَلَى الْعَمَالِ رَحِيمٌ بِالْمَسَاكِينِ.» ^۴

«مهدی بخشنده ای است که مال را به وفور می بخشد، بر مسوولان کشوری بسیار سخت می گیرد و بر بینوایان بسیار مهربان است.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وضع مردم را در عصر حضور چنین تشریح می کند:

«يَطْلُبُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ: مَنْ يَصِلُهُ بِمَالِهِ وَيَأْخُذُ مِنْ زَكَاتِهِ لَا يُوجَدُ أَحَدٌ يَقْبَلُ مِنْهُ؛ اسْتَغْنَى النَّاسُ بِمَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ.» ^۵

«مردم دنبال کسی می گردند که از آنان هدیه ای بپذیرد، زکات مالشان را جدا می کنند و کسی را نمی یابند که آن را بپذیرد؛ زیرا همه مردم از فضل خدا بی نیاز می شوند.»

۱ - الملاحم والفتن، ص ۶۶.

۲ - منتخب الاثر، ص ۳۰۸.

۳ - غیبت نعمانی، ص ۱۲۷.

۴ - الملاحم والفتن، ص ۱۳۷.

۵ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷، ح ۷۷.

«يَأْوِي إِلَى الْمَهْدِيِّ أُمَّتُهُ كَمَا تَأْوِي النَّخْلُ إِلَى يَغْسُوبِهَا، وَيُسَيِّطِرُ الْعَدْلُ حَتَّى يَكُونَ النَّاسُ عَلَى مِثْلِ أَمْرِهِمُ الْأَوَّلِ، لَا يُوقِظُ نَائِمًا وَلَا يُهْرِيقُ دَمًا.»^۱

«امت اسلامی به مهدی مهر می ورزند و به سویش پناه می برند، آن چنان که زنبوران عسل به سوی ملکه خود پناه می برند، عدالت را در پهنه گیتی می گستراند، صفا و صمیمیت صدر اسلام را به آنان باز می گرداند، خفته‌ای را بیدار نمی کند (کسی مزاحم آسایش کسی نمی شود) و خونی را (به ناحق) نمی ریزد.»
امام هادی علیه السلام می فرماید:

«هُوَ الَّذِي يَجْمَعُ الْكَلِمَ وَيَبِيْمُ النَّعَمَ، وَيُحِقُّ اللَّهُ بِهِ الْحَقَّ وَيُزْهِقُ الْبَاطِلَ، وَهُوَ مَهْدِيكُمْ الْمُنْتَظَرُ. ثُمَّ قَرَأَ: بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ، وَقَالَ: هُوَ وَاللَّهُ بَقِيَّةُ اللَّهِ.»^۲

«او کسی است که وحدت کلمه ایجاد می کند، نعمت‌ها را کامل می سازد، خداوند حق را به دست او تحقق می بخشد و باطل را نابود می سازد، او مهدی منتظر شماست، آنگاه این آیه را تلاوت کرد: ﴿بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ﴾ سپس فرمود: به خدا سوگند بقیه الله (تنها بازمانده از حجت‌های الهی) اوست.»

همچنین روایت شده است:

«فَعِيْنَدَ ذَلِكَ تَفْرَحُ الطُّيُوْرُ فِي أَوْكَارِهَا وَالْحَيْثَانَ فِي بَجَارِهَا وَتَفِيْضُ الْعِيُوْنُ وَتُنْبِتُ الْأَرْضُ ضِيْفًا أَكْلِهَا.»^۳

«در آن هنگام پرندگان در آشیانه‌های خود شادمان می شوند و ماهیان در قعر دریاها شادمانی می کنند و چشمه سارها سرازیر می شوند و زمین چندین برابر محصول خود می رویاند.»

در واقع همه موجودات بالاخص همه آن انسان‌های دریندی که طعم تلخ دوران سرگردانی، فقر، نا امنی، گرفتاری و... را در زندگی چشیده‌اند، در دوران سلطنت آن سرور، خوشبختی را به معنای واقعی تجربه خواهند کرد حتی اهل آن دنیا نیز از ظهور آن یگانه جلوه یزدان شاد خواهند شد، چنان که نقل شده است:

۱ - منتخب الاثر، ص ۴۷۸. ۲ - الزام الناصب، ص ۵۷.

۳ - بنایع المودة، ج ۳، ص ۱۳۶.

«وَلَا يَبْقَى مُؤْمِنٌ مِّتًّا إِلَّا دَخَلَتْ عَلَيْهِ تِلْكَ الْفَرَحَةُ فِي قَبْرِهِ»^۱

«هیچ مؤمنی از مؤمنان درگذشته نمی ماند جز این که شادی و فرح در داخل قبر به او رسیده او را شادمان سازد.»

«وَلَا يَكُونُ مَلِكٌ إِلَّا لِلْإِسْلَامِ وَتَكُونُ الْأَرْضُ كَفَأْتُورِ الْفِضَّةِ»^۲

«در آن روز حکومتی جز حکومت اسلامی نخواهد بود و سراسر زمین همانند ورق نقره از هرگونه تیرگی پیراسته خواهد گشت.»

روایت شده پس از ظهور پر میمنت آن حضرت دنیا تحت حکومت واحد جهانی قرار می گیرد و طبق دستور ایشان به مدت سه روز با خلق جهان اتمام حجت می شود، اگر چه آن حضرت ابتدا به همه مردم حتی یهود و نصاری و صابئین و زنادقه و کفار که در شرق و غرب عالم جای دارند رأفت و مهربانی روا داشته و نخست به آنان پیشنهاد اسلام را می نماید، اگر پذیرفتند آنان را به نماز و زکات و سایر اموری که بر مسلمانانها واجب است سفارش کرده و آنان را برای رضای خدا دوست می دارد و اگر نپذیرفتند آنان را به سزای نافرمانی خود می رساند تا در روی زمین کسی نباشد مگر آن که به وحدانیت خدا اقرار کند.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این باره می فرماید:

«الْقَائِمُ مِنْ وَلَدِي إِسْمُهُ إِسْمِي وَكُنْيَتُهُ كُنْيَتِي وَشِمَائِلُهُ شِمَائِلِي وَسُنَّتُهُ سُنَّتِي يُقِيمُ النَّاسَ عَلَى مِلَّتِي وَشَرِيعَتِي وَيَدْعُوهُمْ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَنْ أَطَاعَهُ أَطَاعَنِي وَمَنْ عَصَاهُ عَصَانِي وَمَنْ أَنْكَرَهُ فِي غَيْبَتِهِ فَقَدْ أَنْكَرَنِي وَمَنْ كَذَّبَهُ فَقَدْ كَذَّبَنِي وَمَنْ صَدَّقَهُ فَقَدْ صَدَّقَنِي إِلَى اللَّهِ أَشْكُو الْمُكَذِّبِينَ لِي فِي أَمْرِهِ وَالْجَائِدِينَ لِقَوْلِي فِي شَأْنِهِ وَالْمُضِلِّينَ لِأُمَّتِي عَنْ طَرِيقَتِي وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ»^۳

«قائم از فرزندان من، نامش نام من و کنیه اش کنیه من و خوی او خوی من و رفتار او رفتار من است، مردم را به کیش و آیین من وادار کرده، به کتاب خدا

۲ - الملاحم والفتن، ص ۶۶.

۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۸، ح ۴۸.

۳ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۳.

دعوت می‌کند، هر کس از او اطاعت کند، از من اطاعت کرده و هر کس از وی نافرمانی کند، از من نافرمانی کرده است، هر کس در زمان غیبت، منکر او بشود، مرا انکار کرده و هر کس او را تکذیب کند، مرا تکذیب کرده و هر کس او را تصدیق کند، مرا تصدیق کرده است، از تکذیب کنندگان او و کسانی که گفتار مرا درباره وی انکار نمایند و امتم را گمراه کنند، نزد خدا شکایت خواهم کرد و ستمگران به زودی عاقبت کار خویش را مشاهده خواهند نمود.»

حضرت امام رضا علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَيُضْلِحُ أَمْرَهُ فِي أَمْرَةٍ فِي لَيْلَةٍ وَاحِدَةٍ، كَمَا أَضْلَحَ أَمْرَ كَلِيمِهِ مُوسَى إِذْ ذَهَبَ لِيَقْتَبِسَ لِأَهْلِهِ نَارًا فَرَجَعَ إِلَيْهِمْ وَهُوَ رَسُولٌ، نَبِيٌّ.»^۱

«خداوند کار او را در یک شب فراهم می‌کند، چنان‌که کار موسی کلیم را در یک شب فراهم کرد، هنگامی که رفت تا برای خانواده‌اش آتش بیاورد پس با رسالت برگشت و به مقام پیامبری رسید.»

پس چه خوش روزگاری است، صبح آشکار شدن آن خورشید پنهان که به اذن خدای سبحان مقدمات ظهورش در یک شب مهیا می‌شود و به مدت سه روز اتمام حجت کرده و در شش روز تسلط پیدا می‌کند و هشت ماه به مبارزه بی‌امان می‌پردازد و بعد از آن عدل و داد برقرار و زندگی شیرینی که در خیال‌ها و آرزوها حیات داشت به همراه پادشاهی عادل آغاز خواهد شد، در همان روزی که مرزها برداشته شده و احکام اسلام پیاده می‌شود و حق به صاحبش برمی‌گردد، قضاوت و داوری بر جامعه حکمفرما شده و دولت حقه، آزادی، امنیت، سعادت، خوشبختی، رفاه و... بر جهان حاکم می‌شود.

امید است هر چه زودتر خورشید وجودش از افق کعبه طالع گردد و تجلی آیه ﴿نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ﴾^۲ تحقق پذیرد. ان شاء الله

۱ - بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۴۲، ح ۹.

۲ - «روشنی بر روشنی است، خدا هر که را بخواهد با نور خویش هدایت می‌کند.» سوره نور، آیه ۳۵.

راز طول عمر شریف حضرت مهدی علیه السلام

در مورد عمر طولانی آن حضرت باید گفت: تنها مشیت الهی بر این امر تحقق پذیرفته است چنانکه در مورد حضرات نوح، خضر، یونس، ادریس، الیاس علیهم السلام نیز خواست خداوند چنین تعلق گرفته که دارای عمر طولانی باشند. شیعیان همگی به امر غیبت و طول عمر حضرت مهدی علیه السلام واقفاند و به این موضوع ایمان دارند. از اعتقادات اهل سنت نیز زنده بودن حضرت خضر، عیسی، ادریس، الیاس مطرح شده و این را همگی می دانیم که این بزرگواران قبل از تولد حضرت مهدی بوده اند و آخرین آنان حضرت عیسی است که نزدیک به دو هزار سال از عمر شریف ایشان می گذرد و یا عمر شریف حضرت خضر که شش هزار سال می باشد، پس باید در نزد کسانی که به زنده بودن این افراد اعتقاد دارند مسأله عمر حضرت مهدی که ۱۱۶۳ سال می باشد امری عادی و طبیعی به نظر رسد و در پاسخ ماتریالیست ها که معتقد به قوانین طبیعی می باشند، مسأله طول عمر نیز ثابت و آشکار شده و در کتاب های بسیاری در این باره اشاره شده است و در مکتب شیعه هم دلایل بسیار در این زمینه وجود دارد، به طور مثال در مورد یکی از پیامبران به نام حضرت یونس علیه السلام می خوانیم:

﴿ فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ، لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴾^۱

«اگر او در زمره تسبیح کنندگان نبود، قطعاً تا روزی که برانگیخته

می شد در شکم آن (ماهی) می ماند.»

از نظر قرآن مجید که از هر سندی معتبرتر می باشد، عمر طولانی بلکه عمر جاویدان نیز امکان پذیر است و لازمه آن فقط خواست خداوند می باشد.

قرآن کریم حکایت حضرت عزیر علیه السلام را چنین بیان می فرماید:

﴿ أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ

اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ، قَالَ كَمْ لَبِثْتُ قَالَ يَوْمًا

أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَل لَّيْسَتْ بِأُمَّةٍ غَامٍ فَاَنْظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ
 وَأَنْظُرْ إِلَى حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِلنَّاسِ وَأَنْظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا
 ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ، قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١﴾
 دیا چون آن کس به شهری که بام‌هایش یکسر فرو ریخته بود، عبور
 کرد، (و با خود) می‌گفت: چگونه خداوند (اهل) این (ویرانکده) را پس
 از مرگشان زنده می‌کند؟ پس خداوند او را (به مدت) صد سال میراند
 آنگاه او را برانگیخت و به او گفت: چقدر درنگ کردی؟ گفت: یک روز
 یا پاره‌ای از روز را درنگ کردم، گفت: نه، بلکه صد سال درنگ کردی
 به خوراک و نوشیدنی خود بنگر (که طعم و رنگ آن) تغییر نکرده است
 و به درازگوش خود نگاه کن (که چگونه متلاشی شده است، این ماجرا
 برای آن است که هم به تو پاسخ گوئیم)، هم تو را در مورد معاد
 نشانه‌ای برای مردم قرار دهیم و به (این) استخوان‌ها بنگر چگونه آن‌ها
 را برداشته به هم پیوند می‌دهیم، سپس گوشت بر آن می‌پوشانیم، پس
 هنگامی که (چگونگی زنده ساختن مرده) برای او آشکار شد، گفت:
 (اکنون) می‌دانم که خداوند بر هر چیزی تواناست.»

در این حکایت خداوند جهت اتمام حجت، عزیر پیامبر را به مدت صد سال
 میراند و سپس او را زنده کرد. عزیر هنگامی که دیده بازگشود مرکبش را مرده
 یافت و به اذن خدای باری تعالی در برابر دیدگانش زنده شد تا ماجرای رستاخیز
 را خود به چشم ببیند ولی خوراک و نوشابه‌اش را بعد از گذشت صد سال
 صحیح و سالم یافت که هیچ‌گونه تغییری در آن‌ها به وجود نیامده بود. در مورد
 این داستان باید گفت: آیا بقای خوراک در طول یک صد سال شگفت‌آورتر است
 یا بقای یک موجود زنده؟ او عزیر، غایب مرده بعد از یک قرن بازگشت، پس
 چرا غایب زنده باز نگردد؟

علاوه بر قرآن، در ۳۱۸ حدیث از کتب احادیث معتبره، مسأله بقای حضرت مهدی تا به عصر حاضر بیان شده است.

امام صادق علیه السلام یکی از اصحاب را مشاهده کرد که از طول غیبت حضرت ولی عصر علیه السلام دچار شگفت شده است، چنین فرمود:

«... إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَدَارَ فِي الْقَائِمِ مِثْلًا ثَلَاثَةً أَدَارَهَا لِثَلَاثَةٍ مِنَ الرُّسُلِ: قَدَّرَ مَوْلَدَهُ تَقْدِيرَ مَوْلِدِ مُوسَى، وَقَدَّرَ غَيْبَتَهُ تَقْدِيرَ غَيْبَةِ عِيسَى، وَقَدَّرَ إِبْطَاءَهُ تَقْدِيرَ إِبْطَاءِ نُوحٍ وَجَعَلَ لَهُ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عُمَرَ الْعَبْدِ الصَّالِحِ دَلِيلًا عَلَى عُمُرِهِ.»^۱

«...خدای تبارک و تعالی سه ویژگی سه تن از پیامبران را در قائم ما جاری ساخته است: ولادت او را همچون ولادت حضرت موسی قرار داده و غیبت او را همانند غیبت حضرت عیسی و عمر طولانی او را چون عمر طولانی حضرت نوح مقرر فرموده است، آنگاه به بنده صالح خود حضرت خضر عمر طولانی داده تا دلیل عمر طولانی او باشد.»

سعید بن جبیر می گوید از حضرت علی بن الحسین علیه السلام شنیدم که می فرمود:

«فِي الْقَائِمِ مِثْلًا سُنَنٍ مِنْ سُنَنِ الْأَنْبِيَاءِ... فَأَمَّا مِنْ آدَمَ وَمِنْ نُوحٍ فَطُولُ الْعُمُرِ.»^۲

«در قائم ما سنت هایی از انبیای پیشین نهاده شده که در این میان از آدم و نوح طول عمر در حضرتش به یادگار مانده است.»

در روایت است که امام صادق علیه السلام می فرماید:

«إِنَّ وَلِيَّ اللَّهِ يُعَمَّرُ: عُمَرَ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ عِشْرِينَ وَمِائَةَ سَنَةٍ، وَكَانَ يَظْهَرُ فِي صُورَةِ فَتَى مُؤَقَّتِي ابْنِ ثَلَاثِينَ سَنَةً. لَوْ خَرَجَ الْقَائِمُ أَنْكَرَهُ النَّاسُ، يَرْجِعُ شَابًا مُؤَقَّتًا.»^۳

«ولی خدا از عمر طولانی برخوردار خواهد بود، حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام ۱۲۰ سال عمر کرد ولی به شکل جوان نیرومند ۳۰ ساله در میان مردم ظاهر می شد، قائم ما نیز به صورت جوانی نیرومند ظهور می کند که مردمان او را انکار خواهند کرد.»

۲ - همان، ص ۲۱۷، ح ۴.

۱ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۲۰، ح ۹.

۳ - همان، ج ۵۲، ص ۲۸۷، ح ۲۲.

اهل بيت عصمت و طهارت منكران آن حضرت را کافر می دانند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرموده اند:

«مَنْ كَذَّبَ بِالْمَهْدِيِّ فَقَدْ كَفَرَ.»^۱

«هر کس مهدی را انکار کند به راستی کافر است.»

در واقع، انکار وجود شریف آن حضرت و عدم باور بر ظهور قریب الوقوع آن بزرگوار می تواند زیان جبران ناپذیری را به دنبال داشته باشد؛ زیرا کسانی که به عنایت های باری تعالی و محبت خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام واقف نبوده و این همه علایم و شواهد را نادیده می گیرند و علیه مقدسات قد علم کرده و به هدف والایی همچون پیروزی اسلام و استقرار حق در جهان بی اعتنا هستند غضب و نفرین ایزد منان شامل حالشان می شود؛ چنان که در قرآن می خوانیم:

«مرگ بر هر زورگویی ستیزه جویی که حق را باور نکرد و تا روز قیامت لعنت خدای سبحان بدرقه راه آنان گردید.»

﴿أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ﴾^۲

«مگر صبح نزدیک نیست؟»

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

﴿يَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ قُلْ عَسَى أَنْ يَكُونَ رَدِفَ لَكُمْ

بَعْضُ الَّذِي تَسْتَعْجِلُونَ﴾^۳

[ای رسول ما] «می گویند: این وعده کی باشد، اگر راست گویانید؟ بگو:

شاید برای شما نزدیک باشد، برخی از آنچه که بدان شتاب می کنید.»

﴿مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ قُلْ لَكُمْ مِيعَادُ يَوْمٍ لَا

تَسْتَأْخِرُونَ عَنْهُ سَاعَةً وَلَا تَسْتَقْدِمُونَ﴾^۴

«ما تو را جز (به سمت) بشارتگر و هشدار دهنده برای تمام مردم

۱ - عقد الدرر، ص ۱۵۷.

۲ - سورة هود (۱۱) آیه ۸۱.

۳ - سورة نمل (۲۷) آیه ۷۱ - ۷۲.

۴ - سورة سبا (۳۴) آیه ۲۸ - ۳۰.

نفرستادیم؛ لیکن بیشتر مردم نمی دانند و گویند: این وعده (قیامت) کی خواهد بود، اگر راستگویانید؟ بگو: شما را میعاد روزی (معین) است که نه ساعتی از آن دیرتر مانید و نه آن را زودتر دریابید.

به امید ظهور آن یگانه سرور کائنات که به عنایت و اذن خدای لایزال و دعا و استغاثه انسان‌های مؤمن و چشم انتظار تحقق خواهد پذیرفت. به راستی سر سبز باد مزرعه انتظار منتظران آقا امام زمان، بیا ای تنها امید بیچارگان، بیا و رسالت جد بزرگوارت حضرت محمد بن عبدالله ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله را به سر منزل مقصود رسان، بیا دین خدا و سنت پیامبر را زنده کن، بیا تا با آمدنت حق به جلوه‌گری پردازد و فراق منتظرانت به وصال انجامد، بیا تا با دیدارت دیدگان بی فروغ چشم‌براهانت روشنی گیرد؛ بیا، بیا آمدنت مبارک.

شباهت حضرت مهدی علیه السلام به پیامبران

در مورد شباهت نیز باید گفت: حضرت مهدی تنها بازمانده از انبیا و اولیاء علیهم السلام می باشند و هر آنچه که آن بزرگواران دارا بوده‌اند از علم، قدرت، معجزه و غیره همگی در حال حاضر در اختیار حضرت ولی عصر می باشد.

شباهت به حضرت آدم علیه السلام

خداوند متعال حضرت آدم را خلیفه خود در تمام زمین قرار داد و در قرآن مجید چنین فرموده است:

﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾^۱

«من در زمین جانشینی خواهم گماشت.»

همچنین خداوند امام زمان را نیز خلیفه خود در روی زمین قرار خواهند داد، چنان‌که در قرآن کریم آمده است:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾^۲

«خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین (خود) قرار دهد.»
 امام صادق علیه السلام فرمود: او قائم آل محمد است و هنگام ظهورش در مکه معظمه دست بر صورت می‌کشد و می‌گوید:

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَّهُ، وَأَوْزَنَنَا الْأَرْضَ تَتَّبِعُوا مِنْ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ،
 فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ﴾^۱

«تمامی حمد مخصوص خداوندی است که وعده‌اش را در حق ما تحقق بخشید و ما را وارث زمین گردانید، از (بهشت) هر کجا بخواهیم مسکن می‌گزینیم، که پاداش عمل‌کنندگان چقدر نیکوست.»

شبهت به حضرت نوح علیه السلام

از امام جعفر صادق و امام هادی علیهما السلام روایت شده است که حضرت نوح ۲۵۰۰ سال عمر کرد به همین دلیل او را شیخ الانبیاء می‌نامند.

بنا به روایت‌های مزبور امام زمان در نیمه شعبان سال ۲۵۵ هـ. ق متولد شد و اکنون عمر شریف ایشان ۱۶۳ سال می‌باشد و او نیز شیخ الاوصیاء نام گرفته است.

شبهت به حضرت هود علیه السلام

روایت شده که خداوند امت حضرت هود را با باد عقیم هلاک کرد:

﴿فِي عَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحَ الْعَقِيمَ﴾^۲

«در (ماجرای) عاد چون بر (سر) آنان باد مهلک را فرستادیم.»

در مورد آقا امام زمان نیز چنان است که خداوند به وجود او جمعی از کافران

را با باد سیاهی نابود می‌کند.^۳

۲ - سورة الذاریات (۵۱) آیه ۴۱.

۱ - سورة زمر (۳۹) آیه ۷۴.

۳ - مکیال المکارم، ج ۱، ص ۲۰۳.

شبهات به حضرت ابراهیم علیه السلام

روایت است دوران حمل و ولادت حضرت ابراهیم مخفیانه بود، امام زمان نیز حمل و ولادتش مخفی بوده است.

حضرت ابراهیم دو غیبت داشت، امام زمان هم دارای دو غیبت است. حضرت ابراهیم از مردم زمان خود عزلت گزید، حضرت مهدی نیز از مردم دوری می جوید.

حضرت ابراهیم هنگامی که در آتش افکنده شد، جبرائیل برایش جامه‌ای از بهشت آورد و خداوند ابراهیم را از آتش نجات داد، همچنان که در قرآن می خوانیم:

﴿ قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ ﴾^۱

«گفتیم: ای آتش برای ابراهیم سرد و بی آسیب باش.»

حضرت قائم نیز هنگامی که قیام کند همان جامه را خواهد پوشید. امام صادق علیه السلام در این باره فرموده‌اند:

هنگامی که قائم خروج کند، شخصی از اصفهان نزد آن حضرت می آید و معجزه حضرت ابراهیم خلیل الرحمان را تقاضا می کند؛ پس آن جناب دستور می دهد که آتش عظیمی برافروزند و این آیه را می خوانند:

﴿ فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴾^۲

«پس پاک و منزّه خدایی که ملک و ملکوت هر موجود به دست قدرت او و بازگشت شما همه خلایق به سوی اوست.»

سپس آن حضرت داخل آتش می شود و به سلامت از آن بیرون می آید، آن مرد این معجزه را انکار می کند و می گوید: این سحر است، پس آن حضرت به آتش دستورگرفتن او را می دهد و آتش او را می گیرد و می سوزاند، حضرت می فرماید: این جزای کسی است که صاحب الزمان و حجت الرحمان را انکار نماید.^۳

۱ - سورة انبياء (۲۱) آیه ۶۹.

۲ - سورة يس (۳۶) آیه ۸۳.

۳ - مکیال المکارم، ج ۱، ص ۲۰۵ - ۲۰۸.

شبهات به حضرت لوط عليه السلام

فرشتگان برای یاری حضرت لوط آمدند.

﴿قَالُوا يَا لُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ يَصِلُوا إِلَيْكَ﴾^۱

«گفتند ای لوط! همانا ما فرستادگان پروردگارت هستیم، هرگز دست

آزار آنان به تو نمی‌رسد.»

فرشتگان نیز برای یاری به آقا امام زمان فرود خواهند آمد.

حضرت نرجس عليها السلام هنگام تولد مولود، نور درخشنده‌ای مشاهده کرد که از آن حضرت آشکار شده و تا افق آسمان پراکنده و آنگاه پرنندگان سفیدی را دید که از آسمان فرود می‌آیند و بال‌های خود را بر سر و صورت و بدن آن بزرگوار می‌کشند و سپس پرواز می‌کنند، وقتی آن بانوی مکرمه از حضرت ابو محمد (امام عسکری عليه السلام) در مورد مشاهده خود سؤال کردند، حضرت ابتدا تبسمی کرده و سپس فرمودند:

«این‌ها فرشتگانی هستند، فرود آمده‌اند تا به این مولود تبرک جویند و این‌ها

یاران او خواهند بود هنگامی که خروج می‌کند.»^۲

شبهات به حضرت یوسف عليه السلام

حضرت یوسف زیباترین اهل زمان خود بود، امام زمان نیز زیباترین اهل زمان خود است.

خداوند امر حضرت یوسف را در یک شب اصلاح فرمود که پادشاه مصر شد، خداوند نیز امر آقا امام زمان را در یک شب اصلاح می‌فرماید.^۳ پس در آن شب یاران آن حضرت از دورترین نقاط جهان به دور او جمع شده و آن حضرت بر جهان سلطه خواهند یافت.

۱ - سورة هود (۱۱) آیه ۸۱

۲ - کمال الدین، ج ۲، ص ۴۳۱.

۳ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۱، ح ۲۴.

شبهات به حضرت خضر علیها السلام

خداوند متعال عمر حضرت خضر را طولانی کرده است، آقا امام زمان نیز عمرش طولانی است و حکمت این که عمر حضرت خضر طولانی شده دلیلی بر طول عمر آن بزرگوار است.

«وَأَمَّا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الْخَضِرُ، فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مَا طَوَّلَ عُمُرَهُ لِنُبُوءَةٍ قَدَّرَ هَالَهُ وَلَا لِكِتَابٍ يُنَزَّلُ عَلَيْهِ، وَلَا لِشَرِيعَةٍ يَنْسَخُ بِهَا شَرِيعَةَ مَنْ كَانَ قَبْلَهُ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ، وَلَا لِإِمَامَةٍ يُلْزِمُ عِبَادَةَ الْأَقْتِدَاءِ بِهَا، وَلَا لِطَاعَةٍ يَفْرِضُهَا لَهُ، بَلْ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمَّا كَانَ فِي سَابِقِ عَلَيْهِ أَنْ يَقْدَرَ فِي عُمُرِ الْقَائِمِ فِي أَيَّامِ غَيْبَتِهِ، وَعَلِمَ مِنْ إِنْكَارِ عِبَادِهِ لِمُقَدَّارِ ذَلِكَ الْعُمُرِ فِي الطُّوْلِ، طَوَّلَ عُمُرَ الْعَبْدِ الصَّالِحِ مِنْ غَيْرِ سَبَبٍ. فَمَا أَوْجَبَ ذَلِكَ إِلَّا لِعِلَّةِ الْأَسْتِدْلَالِ عَلَى عُمُرِ الْقَائِمِ، وَلِيَقْطَعَ بِذَلِكَ حُجَّةَ الْمُعَانِدِينَ، لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ.»^۱

«اما بنده صالح، حضرت خضر که خدای تبارک و تعالی برای او عمر طولانی داده است، برای این نیست که در آینده به پیامبری برگزیده شود، یا کتابی بر او نازل گردد، یا شریعتی برای او تشریح شود تا به وسیله آن ادیان پیشین نسخ گردد، یا رهبری امتی به او اعطا شود و اطاعتش واجب گردد، بلکه فقط برای این است که در علم ازلی خدای تبارک و تعالی مقدر بود که عمر قائم ما در زمان غیبت بسیار طولانی باشد و می دانست که بسیاری از مردمان، این عمر بسیار طولانی را انکار خواهند نمود، خدایش او را عمر بسیار طولانی داد، بدون این که سبب دیگری داشته باشد، بلکه فقط برای این که با عمر طولانی او به عمر طولانی حضرت قائم استدلال گردد و بدین وسیله حجت بر دشمنان لجوج تمام شود تا مردمان را در پیشگاه خدا حجتی نباشد.»

همچنین از امام رضا علیها السلام روایت شده که فرمودند:

«حضرت خضر از آب حیات آشامید، پس او زنده است و نمی میرد تا در صور دمیده شود، البته او نزد ما می آید و بر ما سلام می کند، صدایش شنیده

می شود ولی خودش دیده نمی شود و او هر جا که نامش به میان آید حاضر می شود، پس هر که از شما او را یاد کرد بر او سلام کند، او هر سال در مراسم حج حاضر است، تمام مناسک را انجام می دهد و در عرفه توقف می کند، بر دعای مؤمنان آمین می گوید، خداوند وحشت قائم ما را در هنگام غیبتش به او به انس مبدل می سازد و تنهائیش را با او برطرف می نماید.^۱

«نام حضرت خضر، بلیاست^۲ و علت این که خضر نامیده شده این است که بر چوب خشکی نمی نشست مگر این که سبز می شد و نیز گفته شده هرگاه نماز می گذاشت اطرافش سبز می شد و گفته اند برای این که او در سرزمین سفیدی بود که به یکباره تکان خورده و سبز شد.»^۳

همچنین روایت شده است «حضرت قائم نیز از هر سرزمینی بگذرد سبز و پر گیاه می شود و آب از آنجا می جوشد و چون از آنجا برود آب هم فرو می رود و زمین به حال خود بر می گردد.»^۴

شبهت به حضرت شعیب عليه السلام

حضرت شعیب در میان قوم خود گفت:

﴿بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾^۵

«اگر مؤمن باشید، باقیمانده (حلال) خدا برای شما بهتر است.»

امام زمان نیز هنگامی که خروج می کند به کعبه تکیه می زند و ۳۱۳ مرد به نزدش حاضر می شوند، پس اولین سخنی که به زبان می آورد این آیه است: ﴿بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ من بقیة الله در زمین و خلیفه خدا و حجت او بر شما هستم، پس هیچ مسلمانی بر او سلام نمی کند، مگر این که چنین می گوید: «السلام عليك يا بقية الله في ارضه.»^۶

۱ - بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۲۹۹، ح ۱۷.

۲ - همان، ص ۲۸۳، ح ۱.

۳ - کمال الدین، ج ۲، ص ۳۹۱.

۴ - نجم الثاقب، ص ۸۴.

۵ - سوره هود (۱۱) آیه ۸۶.

۶ - مکیال المکارم، ج ۱، ص ۲۲۵.

همچنین روایت است: تکذیب کنندگان حضرت شعیب به آتش ابری سوختند که بر آنان سایه افکنده بود. چنانکه خداوند عزوجل می فرماید:

﴿ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمْ عَذَابٌ يَوْمَ الظُّلَّةِ إِنَّهُ كَانَ عَذَابٌ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴾^۱

«باز او را تکذیب کردند و به عذاب سخت روز سایبان گرفتار شدند که عذاب آن روز بسیار دشوار بود.»

در عصر ظهور حضرت قائم نیز تمام بت‌ها و معبودهای غیر خدا خواهند سوخت.^۲

شباهت به حضرت موسی عليه السلام

در روایت آمده است دوران حمل حضرت موسی مخفی بود و ولادتش مخفیانه صورت گرفت، دوران حمل و ولادت آقا امام زمان نیز به همین ترتیب مخفیانه انجام شد.

حضرت موسی دو غیبت داشت که یکی از دیگری طولانی تر بود، غیبت اول از مصر بود که ۲۸ سال طول کشید، غیبت دوم هنگامی که به سوی میقات پروردگارش رفت، چهل روز به طول انجامید چنانکه خداوند متعال می فرماید:

﴿ وَاعْذِنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَثَمْنَاَهَا بِعَشْرِ فِتْمِ مِيقَاتٍ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ﴾^۳

«با موسی، سی شب وعده گذاشتیم و آن را با ده شب دیگر تمام کردیم تا آنکه وقت معین پروردگارش در چهل شب به سر آمد.»

امام زمان نیز دو غیبت دارد، غیبت صغری و غیبت کبری.

حضرت موسی وقتی غایب شد، قومش در منتهای رنج، مشقت و ذلت واقع شدند، که دشمنانشان پسران آنان را می کشتند و زنانشان را زنده می گذاشتند، شیعیان و دوستان حضرت قائم نیز در زمان غیبت آن حضرت در نهایت سختی و فشار و ذلت می افتند، البته این سختی‌ها و مشکلات برای آن است که امتحان شوند تا بین خوب‌ها و بد‌ها فاصله افتد.

۱ - سوره شعراء (۲۶) آیه ۱۸۹.

۲ - مکیال المکارم، ص ۲۲۵.

۳ - سوره اعراف (۷) آیه ۱۴۲.

در همین رابطه در قرآن می خوانیم:

﴿لِيَمَّحَصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ﴾^۱

«تا کسانی را که ایمان آورده اند خالص گرداند و کافران را (به تدریج) نابود سازد.»

حدیثی در این باره از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمود:
«بر شیعیان روزی می گذرد که مانند بُز باشند که شیر درنده نداند روی کدام یک از آنان دست بگذارد، عزت آنان از دست رفته و احترامی برایشان نمانده و تکیه گاهی نداشته باشند.»^۲

در واقع این سرنوشت از آن مردمی است که از مسؤولیت خود سرباز زده و نسبت به مقدسات بی تفاوت و بی محبت می باشند و در عصر حاضر بسیاری از افراد در این شرایط به سر می برند و قرآن کریم این نوع افراد را مخاطب قرار داده و می فرماید:

﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾^۳

«این دستاورد خود مردم بود که موجب ظهور فساد در خشکی و دریا شد، تا نتیجه برخی از کارهای خود را بچشند، باشد که (از راهی که می روند) باز گردند.»

در همین رابطه افراد باید به خود آیند و در مورد سرنوشت خویش حساس بوده و از خدای منان تقاضای فرج داشته باشند فرج و گشایش در تمامی امور که به آنان مربوط است؛ زیرا خداوند می فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾^۴

«همانا، مادام که مردمی خود، خویشان را دگرگون نکنند، خدا در وضع آنان تغییری ایجاد نمی کند.»

۱ - سورة آل عمران (۳) آیه ۱۴۱.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۴.

۳ - سورة روم (۱۱) آیه ۴۱.

۴ - سورة رعد (۱۳) آیه ۱۱.

در حقیقت، تغییر و تحول در عملکردهای منفی و مثبت هر دو به خود افراد بر می‌گردد و پیامد و نتیجه ذره‌ای عمل نیک و عمل شرّ در سرنوشت افراد دخالت مستقیم دارد و به تحقیق خداست که افراد را طبق اعمالشان عزت و اقتدار می‌بخشد و یا آنان را خوار و ذلیل می‌گرداند، چنان‌که در قرآن می‌خوانیم: ﴿وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ﴾^۱ باشد در سایه تقوی و اعمال نیک عزت و شرف ابدی از آن همگی ما گردد که فرجام انسان و سرانجام آفرینش، رفتن به سوی خداست: ﴿أَنَّ إِلَى رَبِّكَ الْمُتَّبِعِينَ﴾^۲

خداوند متعال درباره حضرت موسی علیه السلام می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَأَخْتَلَفَ فِيهِ﴾^۳

«ما به موسی کتاب را دادیم پس در آن اختلاف شد.»

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: این امت در کتابی^۴ که با حضرت قائم است اختلاف خواهند کرد تا جایی که بسیاری از مردم آن را منکر خواهند شد، به همین دلیل حضرت مهدی آنان را پیش می‌کشد و گردنشان را می‌زند.^۵

شباهت به حضرت یوشع علیه السلام

پس از وفات حضرت موسی، منافقان امت آن حضرت با حضرت یوشع جنگ کردند. منافقان امت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز با آقا امام زمان جنگ خواهند کرد. خورشید برای حضرت یوشع بازگشت،^۶ حضرت ولی عصر نیز با خورشید و ماه سخن می‌گوید و آن‌ها به او پاسخ می‌دهند.^۷

۱ - سوره آل عمران (۳) آیه ۲۶.

۲ - سوره نجم (۵۳) آیه ۴۲.

۳ - سوره هود (۱۱) آیه ۱۱۰.

۴ - منظور کتاب آسمانی قرآن می‌باشد که به دست مبارک حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) تدوین

یافته و در حال حاضر نزد حضرت مهدی (علیه السلام) است.

۵ - بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۱۸۹، ح ۲۲.

۶ - مکیال المکارم، ج ۱، ص ۲۲۹.

۷ - مکیال المکارم، ج ۱، ص ۲۳۵.

شبهات به حضرت داوود علیہ السلام

خداوند متعال خلافت زمین را به حضرت داوود سپرد و خطاب به او فرمود:

﴿ يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ ﴾^۱

«ای داوود! ما تو را در زمین خلیفه (و جانشین) گردانیدیم پس میان

مردم به حق داوری کن.»

خداوند مهربان نیز آقا امام زمان را در روی زمین خلیفه قرار داده و خطاب به

ایشان فرمودند.

﴿ أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ

عَالَةً مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ ﴾^۲

«آیا آن کیست که دعای بیچارگان مضطر را به اجابت می‌رساند و رنج

و غم و اندوه آنان را برطرف می‌سازد و شما مسلمانان را جانشینان اهل

زمین قرار می‌دهد؟ آیا با وجود خدای یکتا خدایی هست (هرگز

نیست) لیکن اندک مردمی متذکر این حقیقت هستند.»

پروردگارا! ای پاینده ابدی، همان اندک مردمی که متذکر این حقیقت والا

هستند از تو خدای مهربان می‌پرسند پس کی می‌رسد آن زمان که رنج‌ها و غم‌ها

به پایان رسد تا عالمیان طبق وعده تو خدای بزرگ از نجات یافتگان باشند

در حالی که مدت زمان مدیدی است که آنان تقاضای ظهور سرورشان حضرت

مهدی را دارند و این سؤال هر منتظری است که به راستی او کجاست؟

﴿ أَيْنَ الْمُضْطَرُّ الَّذِي يُجَابُ إِذَا دَعَى ﴾^۳

«کجاست آن جان به لب رسیده از اضطراری که سرانجام، درخواستش به

هدف اجابت در رسد.»

کجاست امیر انسان‌های رنج‌دیده عالم که ناله و فغانشان به درگاه تو خدای

رثوف بلند است؟

۲ - سوره نمل (۲۷) آیه ۶۲.

۱ - سوره ص (۳۸) آیه ۲۶.

۳ - قسمتی از دعای ندبه.

کجاست امیر شایستگان و پرهیزگاران که او را به یاری خویش طلب می‌کنند، اگر چه همه امیدها و آرزوهای ما در یک جمله خلاصه شده و آن نویدی است که هر مؤمنی به برادر و خوار مؤمن خود بشارت می‌دهد که به تحقیق خداوند خلف وعده نمی‌کند و اوست که از امور همگی ما باخبر است و می‌داند که ما بندگان حقیرش در نهایت بینوایی و بی‌کسی زمان را پشت سر می‌گذاریم آن هم در سایه امیدی که پایان ندارد.

آری، ای خدای والا و بزرگ! هر لحظه زیر چتر امید انتظار می‌کشیم تا آن روز که اذن ظهور مولایمان را فرمان دهی که نجات همگی ما به ظهور پریمیمنت ایشان بستگی دارد و ما از تو خدای بخشنده می‌خواهیم دعای ما را به اجابت رسانی و این ماییم که می‌گوییم:

الهی! تو را قسم به خوبان عالم، تو را قسم به جان پاک آن کسی که نام مقدسش مضطر می‌باشد دیگر دعایش را مستجاب فرما و او را از بند این انتظار جانکاه آزاد کن و با اذن ظهور آن بزرگوار، دین محمدی را در پهنه گیتی شادابی و طراوت بخش و با حضور او که امید همه دردمندان است خوشبختی و سعادت را به هر صاحب غمی هدیه نما.

آری، ای خدای مهربان! با وجود او دین اسلام را بر فراز هستی بنشان و حق را با وجود او جلوه واقعی ببخش. به امید آن روز که این واقعه خجسته تحقق پیدا کند. ان شاء الله

روایت است سنگ با حضرت داوود سخن گفت و ندا سر داد: ای داوود! مرا بگیر و با من جالوت را به قتل برسان، در مورد حضرت مهدی نیز نقل شده علم و شمشیر آن سرور او را صدا می‌کنند و می‌گویند: ای ولی خدا! خروج کن و دشمنان خدا را به قتل برسان.^۱

شبهات به حضرت سلیمان عليه السلام

حضرت داوود حضرت سلیمان را به جانشینی خود برگزید در حالی که آن حضرت به سن بلوغ نرسیده بود، آقا امام زمان نیز زمانی به خلافت رسید که کودک بود.

خداوند باد را مسخر حضرت سلیمان نمود، در همین رابطه قرآن مجید می فرماید:

﴿فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَابَ﴾^۱

پس باد را در اختیار او قرار دادیم که هر جا تصمیم می گرفت، به فرمان او نرم و روان می شد.

خداوند سبحان باد را در خدمت امام زمان قرار می دهد چنان که در حدیثی از امام جعفر صادق عليه السلام می خوانیم: پس خداوند تبارک و تعالی بادی برانگیزد^۲ که در هر بیابان ندا کند: این مهدی است که به قضاوت داوود و سلیمان داوری می کند و بینه نمی خواهد.^۳

سلیمان حِشمة الله بود. قائم نیز حِشمة الله است.^۴

شبهات به حضرت ایوب عليه السلام

حضرت ایوب هفت سال بر بلا صبر کرد.^۵

نقل شده حضرت ایوب از جهت ثروت و مقام در میان خلق محبوبیتی داشت. او دارای هفت پسر و هفت دختر بود و از هر جهت در آسایش و آرامش به سر می برد و شب و روزش به ستایش پروردگار می گذشت. روزی شیطان به پیشگاه احدیت عرضه داشت، سپاس و ستایش حضرت ایوب از این جهت

۱ - سورة ص (۳۸) آیه ۳۶.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۶، ح ۱۹، باب ۲۶.

۳ - کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۱.

۴ - مکمال المکارم، ج ۱، ص ۲۴۲.

۵ - بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۳۴۷.

است که همه نعمت‌ها را بر او تکمیل کرده‌ای، اگر این مال و منال و اولاد را از او بگیری هرگز زبان به شکر و ستایش باز نمی‌کند، خداوند فرمود: اختیار ثروت و اولاد او را به تو سپردم، پس شیطان محل سکونت و همه مزارع او را طعمه حریق ساخت و سقف خانه‌اش را بر سر اولادش فرو ریخت، حضرت ایوب شکیبایی را پیشه خود ساخت و روز و شب به ستایش حضرت پروردگار سپری نمود.

روزی شیطان گفت: خدایا اگر نعمت سلامتی را از او بگیری دیگر شکر و سپاس نمی‌گوید، خدای تبارک و تعالی برای این که مقام والای حضرت ایوب آشکار شود، فرمود: تو را بر جان او مسلط ساختم ولی هرگز به قلب او راه نیابی که مالا مال از ایمان و عرفان است، شیطان شب و روز به آزار او پرداخت و او را بیمار و رنجور ساخت ولی او هرگز زبان به شکایت نگشود و تمام اوقات شبانه‌روز به سپاس و ستایش حق تعالی مشغول بود. هفت سال بدین منوال گذشت تا برخی زبان به شماتت گشوده و گفتند: ای ایوب نمی‌دانیم میان تو و خدا چه گناهی گذشته که خداوند این چنین تو را مبتلا ساخته است، حضرت ایوب دست‌ها را به سوی خدا برافراشت و عرضه داشت: پروردگارا! ما را گزندی رسیده است و تو هم بخشاینده‌ترین بخشایندگانی. در این دعا حضرت ایوب به گرفتاری‌هایش اشاره کرد ولی خداوند حاجتش را برآورد، سلامتی را به او بازگردانید و به تعداد فرزندانی که به اجل طبیعی درگذشته بودند به او فرزند عطا کرد.^۱

آقا امام زمان از هنگام وفات پدرش تا کنون صبر کرده است.^۲
روایت است: به اذن خداوند چشمه‌آبی برای ایوب از زمین جوشید.
در همین رابطه در قرآن می‌خوانیم:

﴿أَرْكُضْ بِرِجْلِكَ هَذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ﴾^۳

۱ - المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۷، ص ۲۱۲. ۲ - مکیال المکارم، ج ۱، ص ۲۴۳.

۳ - سوره ص (۳۸) آیه ۴۲.

«به او گفتیم: با پای خود (به زمین) بکوب، اینک این چشمه ساری
سرد و آشامیدنی است.»

برای حضرت قائم نیز چشمه‌ای از زمین جوشید. در همین رابطه شیخ
طوسی به سند خود از ابو سوره روایت کرده که او حضرت مهدی را هنگام
مراجعت از زیارت کربلا ملاقات کرده است. ابو سوره می‌گوید: آن شب راه
رفتیم ناگاه به قبرهای مسجد سهله رسیدیم، آقا فرمود: این منزل من است،
سپس فرمود: تو به نزد ابن‌الرازی علی بن یحیی می‌روی و می‌گویی آن مالی که
چنین و چنان علامت دارد و در... قرار دارد و با... پوشانده شده به تو بدهد،
عرض کردم: تو کیستی؟ فرمود: من محمد بن الحسن هستم، سپس راه رفتیم تا
هنگام سحر به نوایس رسیدیم، آنگاه آقا نشسته و با دست زمین را کردند ناگاه
آب بیرون آمد، وضو گرفته و سیزده رکعت نماز خواندند.

پس من به نزد ابن‌الرازی رفتم در را کوبیدم، گفت: تو کیستی؟ گفتم: ابو سوره
هستم، شنیدم با خود می‌گفت: مرا با ابو سوره چه کار؟ وقتی بیرون آمد جریان
را برایش گفتم، با من مصافحه کرد و سپس صورتم را بوسید و دستم را بر
صورتش کشید، آنگاه مرا داخل خانه برد و از پایین تخت کیسه را بیرون آورد...،
ابو سوره این چنین حق را شناخت و بعد از این جریان شیعه دوازده امامی شد،
زیرا او زیدی بود.^۱

خداوند عزوجل مردگان را برای ایوب زنده کرد چنان‌که در قرآن می‌خوانیم:
﴿فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَأَتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ
عِنْدِنَا وَذِكْرَى لِلْعَابِدِينَ﴾^۲

«پس (دعای) او را اجابت کردیم و آسیب وارده بر او را برطرف
نمودیم و کسان او و نظیرشان را همراه با آنان (مجدداً) به وی عطا
کردیم (تا) رحمتی از جانب ما و عبرتی برای عبادت‌کنندگان
(باشد).»

خداوند نیز برای حضرت قائم علیه السلام مردگان را زنده می‌کند و از جمله اصحاب کهف در نخستین روز ظهور آن حضرت رجعت می‌کنند و در اولین روز اعلام ظهور با آن بزرگوار بیعت می‌نمایند. نام آنان بارها در میان ۳۱۳ تن از یاران حضرت مهدی یاد شده است^۱ و در دولت حقه به امر آن حضرت اصحاب کهف فرمانروایان روی زمین خواهند بود.^۲

همچنین جمعی از اصحاب باوفای حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله رجعت می‌کنند، همانان که در طریق ولایت ثابت قدم ماندند و هرگز منحرف نشدند. اسامی تعدادی از یاران امام زمان در احادیث آمده و به برخی از آنان اشاره می‌شود از جمله: سلمان فارسی، مقداد، جابر بن عبدالله انصاری، مالک اشتر، ابودجانة انصاری، مفضل بن عمر، حمران بن اعین، یوشع بن نوح، مؤمن آل فرعون و... در مورد مؤمن آل فرعون آمده است:

هنگامی که در جلسه مشورتی، فرعون به کشتن حضرت موسی و همه مردانی که به او ایمان آورده‌اند رأی داد، مردی از آل فرعون که ایمان محکم و پابرجایی به حضرت موسی علیه السلام داشت و ایمان خود را مکتوم نگه می‌داشت مطلب بسیار حکیمانه‌ای گفت که به کلی رأی حاضران در مجلس را دگرگون ساخت. خداوند متعال مطالب حکیمانه او را در سوره مؤمن چنین بیان کرده است:

﴿ قَالَ رَجُلٌ مُّؤْمِنٌ مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ وَإِنْ يَكُ كَاذِبًا فَعَلَيْهِ كَذِبُهُ وَإِنْ يَكُ صَادِقًا يُصِيبْكُمْ بَعْضُ الَّذِي يَعِدُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ ﴾^۳

«مردی مؤمن از خاندان فرعون که ایمان خود را نهان می‌داشت، گفت: آیا مردی را می‌کشید که می‌گوید: پروردگار من خداست؟ و مسلماً برای شما از جانب پروردگارتان دلایل آشکاری آورده و اگر دروغگو باشد دروغش به زیان اوست و اگر راستگو باشد برخی از آنچه به شما وعده می‌دهد به شما خواهد رسید، چون خدا کسی را که افراط کار دروغ‌زن باشد هدایت نمی‌کند.»

۱ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۹۱.

۲ - المحجة البيضاء، ص ۷۶.

۳ - سوره غافر (۴۰) آیه ۲۸.

﴿ فَسْتَذَكِّرُونَ مَا أَقُولُ لَكُمْ وَأَفْوِضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ، فَوْقَاءَ اللَّهِ سَيِّئَاتٍ مَا مَكَرُوا وَخَاقٍ بِأَلٍ فِزَعُونَ سُوءَ الْعَذَابِ ﴾^۱

«پس به زودی آنچه را به شما می‌گویم به یاد خواهید آورد و (من) کارم را به خدا می‌سپارم؛ خداست که به حال بندگان خود بیناست. پس خدا او را از عواقب سوء آنچه نیرنگ می‌کردند حمایت فرمود و فرعونیان را عذاب سخت فرو گرفت.»

شبهات به حضرت عیسی علیه السلام

خداوند حضرت عیسی را به سوی خود بالا برد و او در کودکی در گهواره سخن گفت.

امام زمان نیز در کودکی در گهواره سخن گفت و خداوند او را به سوی خویش به آسمان‌ها برد.^۲

حضرت عیسی فرزند بهترین زنان زمانش می‌باشد، حضرت قائم نیز فرزند بهترین زنان زمانش می‌باشد.

خداوند حکمت و ویژگی‌های نبوت را در کودکی به حضرت عیسی عنایت کرد. خداوند حکمت و ویژگی‌های امامت را نیز در کودکی به حضرت قائم عنایت کرد.

امام صادق علیه السلام در بیان شبهات حضرت حجت به حضرت عیسی فرمود: یهود و نصاریٰ اتفاق کردند بر این که عیسی کشته شد ولی خداوند عزوجل آنان را تکذیب کرد و فرمود:

﴿ مَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ ﴾^۳

«او را نکشتند و به دار نیاویختند ولی امر بر آنان مشتبه شد.»

۲ - مکیال المکارم، ج ۱، ص ۲۴۶.

۱ - سوره غافر (۴۰) آیه ۴۴ - ۴۵.

۳ - سوره نساء (۴) آیه ۱۵۷.

غیبت قائم نیز همین طور است، عاقبت این امت او را انکار خواهند کرد به سبب طولانی شدن آن، بعضی هدایت نشده خواهند گفت: اصلاً متولد نشده و بعضی دیگر خواهند گفت: متولد شد و مُرد و کسانی کفر می‌ورزند چون می‌گویند: یازدهمین نفر از ما عقیم بوده و برخی سرکش خواهند شد به این‌که امامت را به سیزده نفر و بیشتر سرایت دهند، سپس خدای عزوجل را معصیت کنند و بگویند روح قائم در کالبد دیگری وارد شده و او از زبان آن حضرت سخن می‌گوید.^۱

حضرت عیسی به اذن باری تعالی مرده زنده می‌کرد، به همین دلیل خداوند خطاب به آن حضرت فرمودند:

﴿وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِي﴾^۲

«ای عیسی به یاد آر هنگامی که مردگان را به اذن من از قبر بیرون

آوردی.»

در همین رابطه شیخ بهاء الدین (بهایی) حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود:^۳

«حضرت عیسی بن مریم علیه السلام بر روستایی گذشت که اهالی و چهار پایان و پرندگان آن همه یکجا مرده بودند، حضرت فرمود: جز این نیست که این‌ها به غضب و خشم الهی مرده‌اند، اگر به‌طور پراکنده مرده بودند یکدیگر را دفن می‌کردند، یارانش گفتند:

ای روح و کلمه پروردگارا دعا کن تا خداوند آنان را برای ما زنده کند تا به ما خبر دهند که کارهایشان چه بوده تا از آنان دوری کنیم. پس حضرت عیسی به درگاه پروردگارش دعا کرد، آنگاه از جانب آسمان ندا شنید: آنان را صدا کن، شب هنگام حضرت عیسی بر زمین بلندی بالا رفت و گفت: ای اهل این قریه! یکی از میان آنان پاسخ داد: «لَيْتِكَ يَا رُوحَ اللَّهِ وَكَلِمَتَهُ.» فرمود: وای بر شما،

۱ - مکیال المکارم، ص ۲۴۷.

۲ - سورة مائده (۵) آیه ۱۱۰.

۳ - بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۱۰، ح ۳.

کارهایتان چه بوده؟ گفت: عبادت طاغوت و محبت دنیا، با ترسی اندک و آرزویی دراز و بی خبری در بازی و سرگرمی، حضرت فرمود: محبت شما نسبت به دنیا چگونه بود؟ گفت: مانند محبت بچه نسبت به مادرش، هر وقت به ما روی می آورد خوشحال و مسرور می شدیم و وقتی از ما روی می گرداند گریه می کردیم و اندوهگین می شدیم؛ حضرت عیسی فرمود: عبادت شما نسبت به طاغوت چگونه بود؟ گفت: اطاعت از اهل معصیت، حضرت فرمود: آخر کارتان چگونه شد؟ گفت: شبی با عافیت آرمیدیم و در هاویه^۱ صبح کردیم.

حضرت فرمود: هاویه چیست؟ گفت: سجین. فرمود: سجین کدام است؟ عرض کرد: کوه‌هایی از آتش سرخ که تا روز قیامت ما را می‌گذازد، حضرت فرمود: چه گفتید و به شما چه گفته شد؟ عرض کرد: گفتیم ما را به دنیا باز گردانید که در آن زهد خواهیم کرد، به ما گفته شد: دروغ می‌گویید، حضرت فرمود: وای بر تو چگونه است که کسی غیر از تو با من حرف نزد؟ عرضه داشت: ای روح الله، آنان با لجام‌های آتشین به دست فرشتگان غلاظ شداد^۲ دهانشان بسته شده و من نیز در میان آنان بودم ولی از خودشان نبودم، هنگامی که عذاب نازل گشت مرا هم شامل شد، من بر کنار جهنم به یک تار موی آویزان هستم، نمی‌دانم در آن خواهم افتاد یا نجات خواهم یافت؟

پس از این گفتگو حضرت عیسی به یارانش فرمود: ای اولیای خدا! خوردن نان خشک با نمک زیر و خوابیدن در زباله‌دان‌ها با عافیت در دنیا و آخرت بسیار خوب است.

در همین رابطه روایت شده حضرت قائم علیه السلام نیز مردگان را به اذن خدای تعالی زنده می‌کند.

۱ - چون آیه ﴿وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ﴾ نازل گردید رسول خدا به جبرائیل فرمود: احوال جهنم را برای من وصف نمای. جبرائیل عرض کرد: از هر در تا در دیگر هفتاد سال راه هست و هر دری در گرمی هفتاد برابر گرمی دارد و اولین در هاویه است و آن جای منافقان و کفار می‌باشد.

(سورة الحجر (۱۵) آیه ۴۳ - ۴۴)

۲ - به فرشتگان درشتخو، سنگدل و سخت‌گیر گویند.

به طور مثال در قرآن کریم می خوانیم:

﴿فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ، قُلُوبُهُمْ مُنْكَرَةٌ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ﴾^۱

«آنان که به آخرت ایمان نمی آورند، دل هایشان منکر است و آنان کبر ورزندگاند.»

امام محمد باقر علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود:

﴿وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ، بَلَى وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا، وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾^۲

«با سخت ترین سوگندها، به خدا سوگند یاد کردند که خداوند کسی را که بمیرد دیگر بر نمی انگیزد، بلکه وعده حتمی خداوند است، لکن بیشتر مردمان نمی دانند.»

به امید دیدار آن امام بزرگواری که به اذن خداوند قیام خجسته ایشان تحقق می پذیرد و در پایان این حرکت مقدس به فتح و ظفری بی مانند دست می یابد. ان شاء الله

شبهات به حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله

رسول خدا فرمود:

«الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي إِسْمُهُ إِسْمِي وَكُنْيَتُهُ كُنْيَتِي؛ أَشْبَهُ النَّاسِ بِي خُلُقًا وَخُلُقًا...»^۳

«مهدی از فرزندان من است، اسم او اسم من و کنیه اش کنیه من، از نظر خلق و خلق شبیه ترین مردم به من است...»

«السَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا رَسُولِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ السَّلَامُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَعَلَى مَجَالِسِهِ وَمَشَاهِدِهِ وَمَقَامِ حِكْمَتِهِ وَأَثَارِ آبَائِهِ آدَمَ وَنُوحَ وَإِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ...»^۴

«سلام بر آقای ما رسول خدا محمد بن عبدالله و بر آل پاکیزه او، سلام بر

۱ - سورة نحل (۱۶) آیه ۲۲.

۲ - سورة نحل (۱۶) آیه ۳۸.

۳ - بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۰۹، ح ۱۴۸.

۴ - همان، ج ۱۰۰، ص ۴۰۹، ح ۶۷.

امیر مؤمنان علی بن ابی طالب و رحمت و برکات او بر ایشان باد و بر مجالس و جایگاه‌های حضور او و مقام حکمتش و آثار پدرانش آدم و نوح و ابراهیم و اسماعیل...»

پروردگارا! درود فرست بر محمد و آل محمد و طبق وعده‌ات آخرین حجت از این خاندان شریف را با موارث انبیا نصرت بخش و او را به حکومت در جهان آفرینش گرامی بدار و خروجش را آسان نما، به درستی که تو شنوای اجابت کننده هستی به امید رحمتت ای مهربانترین مهربانان.

مواریث انبیا

مواریث انبیا یکی از ابزارهای مهم تشکیل حکومت جهانی است که آخرین مصلح آسمانی از آن‌ها به عنوان سلاح مبارزه و وسیله‌ای جهت اتمام حجت استفاده می‌کند.

امام محمد باقر علیه السلام در این مورد می‌فرماید:

«أَوَّلُ مَا يَبْدَأُ الْقَائِمُ عليه السلام بِأَنْطَاكِيَّةَ، فَيَسْتَخْرِجُ مِنْهَا التُّورَةَ مِنْ غَارٍ فِيهِ عَصَا مُوسَى وَخَاتَمُ

سُلَيْمَانَ.»^۱

«نخستین کاری که قائم علیه السلام در انطاکیه انجام می‌دهد این است که تورات را از

غار بیرون می‌آورد که عصای موسی و انگشتر سلیمان در آن است.»

در مورد انگشتر حضرت سلیمان علیه السلام روایت است که سلطه آن حضرت بر

تمام موجودات کره زمین با یک رمز مشخص می‌شد و آن رمز هم در انگشتر

ایشان نهفته بود. روایت شده که حضرت مهدی تنها وارث آن انگشتر است.

در مورد عصای حضرت موسی علیه السلام روایت است که آن حضرت عصای

خود را به رود نیل زد و رود به دو نیم شد و بدین ترتیب امت آن حضرت نجات

یافتند و همان رود به هم پیوست و باعث مرگ دشمنان شد. آن عصا در عصر

ظهور در اختیار حضرت مهدی قرار خواهد گرفت.

در مورد تورات نیز باید گفت: یکی از کتاب‌های آسمانی است که حضرت مهدی به وسیله آن کتاب مقدس با یهودیان اتمام حجت خواهد کرد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:

«يَطْهَرُ عَلَى يَدَيْهِ ثَابُوتُ السَّكِينَةِ مِنْ بُحَيْرَةِ طَبْرِيةَ، يُحْمَلُ فَيُوضَعُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِبَيْتِ الْمَقْدِسِ، فَإِذَا نَظَرَتْ إِلَيْهِ الْيَهُودُ أَسْلَمَتْ إِلَّا قَلِيلاً مِنْهُمْ»^۱

«تابوت سکینه به دست او از دریاچه طبریه (در فلسطین) بیرون آورده می‌شود و همراه آن حضرت حمل شده، در بیت المقدس در برابرش گذاشته می‌شود، هنگامی که یهودیان آن را ببینند همگی به شرف اسلام مشرف می‌شوند به جز تعدادی اندک.»

تابوت سکینه، همان ده فرمان حضرت موسی علیه السلام است که در دو لوح قرار گرفته و یکی از اسرار الهی است و در عصر ظهور به عنوان سلاح در اختیار حضرت مهدی قرار می‌گیرد. درباره این سلاح گفته‌اند در صورت نیاز، آن را به هر شهری که بفرستند آن دیار را تماماً طعمه حریق می‌سازد و چیزی جز خاکستر باقی نمی‌گذارد و بدون شک بمب‌های اتمی در مقابل تابوت سکینه تاب مقاومت نداشته و قدرت خدای لایزال در آن روزهای مبارک به نمایش درخواهد آمد و عالمیان به نتیجه خواهند رسید که قدرت مطلق، متعلق به پروردگار آسمان‌ها و زمین است و وظیفه هر موجود زنده اطاعت بدون قید و شرط می‌باشد و بس.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«إِنَّ الْمَهْدِيَّ يَسْتَخْرِجُ كُتُباً مِنْ غَارِ أَنْطَاكِيَّةَ، وَيَسْتَخْرِجُ الزَّبُورَ مِنْ بُحَيْرَةِ طَبْرِيةَ، فِيهَا مِمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَى وَآلُ هَارُونَ تَحْمِيلَةَ الْمَلَائِكَةِ، وَفِيهَا الْأَلْوَاخُ وَعَصَا مُوسَى»^۲

«مهدی کتاب‌هایی را از غار انطاکیه و زبور را از دریاچه طبریه (فلسطین) بیرون می‌آورد، که از میراث‌های آل موسی و آل هارون است، آن‌ها را فرشتگان حمل می‌کنند و الواح و عصای موسی در آنجاست.»

«كَانَتْ عَصَا مُوسَى قَضِيبَ آسٍ مِنْ: الْجَنَّةِ، أَتَاهُ بِهِ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدْيَنَ... وَهِيَ وَتَابُوتُ آدَمَ فِي بُحَيْرَةِ طَبْرِيةَ، وَلَنْ يَبْلَيَا وَلَنْ يَتَغَيَّرَا حَتَّى يُخْرِجَهُمَا الْقَائِمُ إِذَا قَامَ.»^۱

«عصای موسی از چوب آس، از درختان بهستی است که جبرائیل به هنگام عزیمت به سوی مدین... آنرا به او داده بود، عصای موسی و تابوت آدم در دریاچه طبریه می باشد، آنها پوسیده نمی شوند و رنگشان تغییر نمی یابد تا به دست قائم به هنگام ظهورش بیرون آورده شوند.»

امام محمد باقر علیه السلام در این باره می فرماید:

«كَانَتْ عَصَا مُوسَى لِآدَمَ، فَضَارَتْ إِلَى شُعَيْبٍ، ثُمَّ ضَارَتْ إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ، وَإِنَّهَا لَعِنْدُنَا. وَإِنَّ عَهْدِي بِهَا خَضْرَاءَ كَهَيْئَتِهَا حِينَ انْتَرَعْتَ مِنْ شَجَرِهَا. وَإِنَّهَا لَتَنْطِقُ إِذَا اسْتَنْطَقْتَ. أَعِدْتُ لِقَائِمِنَا يَصْنَعُ كَمَا كَانَ يَصْنَعُ مُوسَى بِهَا... وَإِنَّهَا لَتَرْوَعُ وَتَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ. وَإِنَّهَا لَتَصْنَعُ مَا تُؤَمِّرُ. تَفْتَحُ لَهَا شُعْبَتَانِ: إِحْدَاهُمَا فِي الْأَرْضِ وَالْأُخْرَى فِي السَّقْفِ، تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ بِلِسَانِهَا.»^۲

«عصای موسی نخست در دست آدم بود، سپس به دست شعیب و سرانجام به دست موسی بن عمران رسید و هم اکنون در دست ماست آن نیز اکنون در دست من سبز است، همانند روزی که از درخت بریده شد. با این عصا هر وقت سخن بگوئیم سخن می گوید، این عصا برای قائم ما آماده شده که همچون موسی بن عمران آنرا به کار برد! این عصا اهل باطل را می ترساند و هر چه بیندازند می بلعد و آنچه (حجت خدا) فرمان دهد اطاعت می کند، چون دهان بگشاید فاصله دوفک آن از زمین تا سقف می باشد که هر چه بیندازند با زبانش می بلعد.»

امیر مؤمنان در حدیث دیگری می فرماید:

«رَأَيْتُهُ مِرْطٌ مُخْمَلَةٌ سَوْدَاءَ، مُرَبَّعَةٌ فِيهَا جَمَمٌ، لَمْ تُنْشَرْ مُنْذُ تُوْفِّي رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَلَا تُنْشَرْ حَتَّى يَخْرُجَ الْمَهْدِيُّ. يُمِدُّهُ اللَّهُ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ يَضْرِبُونَ وُجُوهُ أَعْدَائِهِ وَأَذْبَارَهُمْ.»^۳

۱ - غیبت نعمانی، ص ۱۲۵؛ رک: بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۲۲.

۲ - اصول کافی، ج ۱، ص ۲۳۱؛ بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۴۵، ح ۱۱.

۳ - الزام الناصب، ص ۲۵۹.

«پرچم او مخمل مشکی چهارگوش کرک داری است که درازی آن کمی بیشتر از پهنای آن است، از روزی که رسول اکرم وفات کرده، این پرچم باز نشده و باز نخواهد شد تا روزی که مهدی ظهور کند، خدایش او را با سه هزار فرشته یاری می کند که به سر و صورت دشمنانش می زنند.»

«إِنَّ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ زَايَةً، مَنْ تَقَدَّمَهَا سُرِقَ، وَمَنْ تَأَخَّرَ عَنْهَا زَهَقَ، وَمَنْ تَبِعَهَا لَحِقَ. يَكُونُ مَكْتُوبًا فِي زَايَتِهِ.»^۱

«برای ما اهل بیت پرچمی هست که هر کس بر آن پیشی گیرد دزدیده می شود، هر کس از آن عقب ماند هلاک می گردد و هر کس از آن پیروی کند به آن می پیوندد، روی آن پرچم نوشته می شود: «البيعة لله»^۲ بیعت مخصوص خدا است.»

«فَإِذَا هَزَّ زَايَتُهُ أَضَاءَ لَهَا مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ، وَوَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَلَا يَبْقَى مُؤْمِنٌ إِلَّا ضَارَ قَلْبُهُ أَشَدَّ مِنْ زُبْرِ الْحَدِيدِ، وَأُعْطِيَ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا.»^۳

«چون پرچم او به اهتزاز درآید، میان مشرق و مغرب با نور آن روشن می شود و خداوند دستش را بر سر بندگان می گذارد، دیگر مؤمنی روی زمین نمی ماند جز این که قلبش از آهن پاره سخت تر و نیرومندتر می شود و هر مؤمنی نیروی چهل مرد پیدا می کند.»

به فرموده امام جعفر صادق علیه السلام اولیای خدا وارث، مورث انبیا هستند که پس از دست به دست گشتن بالاخره به دست مبارک حضرت مهدی علیه السلام می رسد. امام جعفر صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

«إِنَّهُ يَخْرُجُ مَوْتُورًا غَضْبَانَ أَسِفًا لِقَضِبِ اللَّهِ عَلَى هَذَا الْخَلْقِ، عَلَيْهِ قَمِيصُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الَّذِي كَانَ عَلَيْهِ يَوْمَ أُحُدٍ، وَعِمَامَتُهُ السَّحَابُ، وَدِرْعُ رَسُولِ اللَّهِ السَّابِقَةِ، وَسَيْفُ

۱ - منتخب الاثر، ص ۳۱۹ علاوه بر این رک: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۰، ح ۳۰.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۰، ح ۳۰.

۳ - منتخب الاثر، ص ۱۸۶؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۵، ح ۵.

رَسُولِ اللَّهِ ذُو الْفَقَارِ. يُجَرِّدُ السَّيْفَ عَلَى عَاتِقِهِ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ، يَقْتُلُ هَرَجَاءً.^۱
 «آن دست انتقام الهی به جهت خشم خداوند، خشمگین ظهور می کند، پیراهن پیامبر ﷺ را که در روز (احد) پوشیده بود به تن می کند و عمامه سحابش را بر سر می گذارد، زره فراخ پیامبر را می پوشد و ذوالفقار را که شمشیر پیامبر است به دست می گیرد، هشت ماه شمشیر کشیده و دشمنان خدا را بی مهابا می کشد.»
 «(وَيَسْتَخْرِجُ) جَلِيَّةَ بَيْتِ الْمَقْدِسِ، وَالتَّابُوتَ الَّذِي فِيهِ السَّكِينَةُ، وَمَائِدَةَ بَنِي إِسْرَائِيلَ، وَرُضَاضَةَ الْأَلْوَاخِ، وَقَصَا مُوسَى، وَمِنْبَرَ سُلَيْمَانَ، وَقَفِيزًا مِنْ الْمَنْ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَشَدَّ بَيَاضًا مِنَ اللَّبَنِ.»^۲

«زیورهای بیت المقدس را بیرون می آورد، تابوت سکینه، مائده بنی اسرائیل، بقایای الواح، عصای موسی و منبر سلیمان را بیرون می آورد، همچنین یک قفیز (واحد وزن ۹۰ رطل عراقی) از «مَنْ» که به بنی اسرائیل فرود آمده بود بیرون می آورد درحالی که از شیر سفیدتر باشد.»

امیر مؤمنان عليه السلام نیز در این باره می فرماید:

«يَسْتَخْرِجُ الْكَنْوُزَ، وَيَفْتَحُ مَدَائِنَ الشُّرُكِ.»^۳

«گنج ها را بیرون می آورد و شهرهای شرک را فتح می کند.»

به امید پیروزی حق بر باطل و برقراری حکومت آخرین حجت. ان شاء الله

مدت حکومت حضرت ولی عصر عليه السلام

در مورد مدت حکومت آقا امام زمان احادیث و روایات متعددی مطرح شده است به همین دلیل مدت دقیق آن مشخص نیست. سید بن طاووس از کتاب جعفر بن محمد کوفی با اسناد خود از حمران نقل کرده است:

«اگر عمر دنیا صد هزار سال است از این مدت بیست هزار سال سهم دیگران

۱ - الزام الناصب، ص ۱۸۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۰، ح ۱۲۹.

۲ - الزام الناصب، ص ۲۲۷.

۳ - بشارة الاسلام، ص ۲۸۳؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۰، ح ۳۷.

و هشتاد هزار سال سهم آل محمد علیهم السلام می باشد.^۱
همچنین مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام می پرسد، مدت حکومت آن حضرت چقدر خواهد بود؟ آن حضرت فرمودند:

«بَلْ هُوَ دَائِمٌ أَبَدًا وَمُلْكٌ لَا يَنْفَدُ وَحُكْمٌ لَا يَنْقَطِعُ وَأَمْرٌ لَا يَنْتَهِي إِلَّا بِأَخْتَارِ اللَّهِ وَمَشِيئِهِ وَإِزَادَتِهِ، الَّتِي لَا يَغْلِبُهَا إِلَّا هُوَ، ثُمَّ الْقِيَامَةُ.»^۲

«بلکه آن حکومت دایمی و جاوید است که هرگز سقوط نمی کند، فرمانروایی ابدی است که جز با اراده و مشیت حضرت احدیت پایان نپذیرد و مدت آن را جز خدای تبارک و تعالی نمی داند.»

در روایت دیگری آمده است:

«يَمُكْتُ عَلَى ذَلِكَ سَبْعَ سِنِينَ. تَطُولُ لَهُ الْأَيَّامُ وَاللَّيَالِي حَتَّى تَكُونَ السَّنَةُ مِنْ سِنِيهِ عَشْرَ سِنِينَ مِنْ سِنِيكُمْ هَذِهِ، فَيَكُونُ سِنِي مُلْكِهِ سَبْعِينَ سَنَةً مِنْ سِنِيكُمْ هَذِهِ، ثُمَّ يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ.»^۳
«هفت سال بدین منوال می گذرد، ولی شبها و روزهایش طولانی می شود و هر سال آن با ده سال از سالهای شما برابری می کند و بدین گونه مدت حکومت او با هفتاد سال از سالهای شما برابر می باشد و آنگاه خداوند هر چه اراده کند انجام می دهد.»

حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«يَكُونُ فِي أُمَّتِي الْمَهْدِيُّ، إِنْ طَالَ عُمُرُهُ أَوْ قَصُرَ، مَلِكٌ سَبْعَ سِنِينَ، أَوْ ثَمَانَ سِنِينَ، أَوْ تِسْعَ سِنِينَ.»^۴

«مهدی در امت من به طور قطع خواهد بود، خواه عمرش کوتاه و یا بلند باشد، مدت حکومتش: هفت، هشت یا نه سال به طول خواهد انجامید.»

«يَمْلِكُ سَبْعًا وَعَشْرًا وَالسَّنَةُ مِنْ سِنِيهِ تَكُونُ بِقَدَارِ عَشْرِ سِنِينَ.»^۵

«هفده سال حکومت می کند، که هر سال آن معادل ده سال از دیگر سالها است.»

۱ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۱۶، ح ۲۲. ۲ - همان، ص ۳۴، ح ۱.

۳ - ارشاد مفید، ص ۳۴۲. ۴ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۸، ح ۳۸.

۵ - بشارة الاسلام، ص ۱۹۴؛ علاوه بر این ر.ک: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۷، ح ۷۷.

«يَمْلِكُ الْقَائِمُ تِسْعَ عَشْرَةَ سَنَةً وَأَشْهُرًا.»^۱

«قائم نوزده سال و چند ماه حکومت می کند.»

«يَمْلِكُ الْمَهْدِيُّ فِيهِمْ تِسْعًا وَثَلَاثِينَ سَنَةً، يَقُولُ الصَّغِيرُ: يَا لَيْتَنِي كَبُرْتُ! وَيَقُولُ الْكَبِيرُ:

يَا لَيْتَنِي كُنْتُ صَغِيرًا.»^۲

«مهدی سی و نه سال در میان آنان خواهد بود، کودکان در عهد او آرزو

می کنند که ای کاش بزرگسال بودند و بزرگسالان آرزو می کنند که ای کاش

خردسال بودند.»

«فَيَمْلِكُ فِي الْأَرْضِ أَرْبَعِينَ سَنَةً...»^۳

«چهل سال در روی زمین فرمانروایی می کند.»

«يَمْلِكُ سَبْعِينَ سَنَةً.»^۴

«هفتاد سال حکومت می کند.»

«إِنَّ الْقَائِمَ يَمْلِكُ ثَلَاثِينَ وَتِسْعَ سِنِينَ، كَمَا لَبِثَ أَهْلُ الْكَهْفِ فِي كَهْفِهِمْ... وَيَقْتُلُ النَّاسَ

حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ إِلَّا دِينُ مُحَمَّدٍ ﷺ.»^۵

«قائم مدت سیصد و نه سال حکومت می کند، به تعداد سال هایی که اصحاب

کهف در کهف درنگ کردند، آنگاه کسانی را که از پذیرفتن آیین حق امتناع کنند،

می کشد تا در روی زمین جز آیین محمد ﷺ آیینی نمی ماند.»

از امام جعفر صادق عليه السلام پرسیدند: سال ها چگونه طولانی می شود؟

آن حضرت فرمودند:

«يَأْمُرُ اللَّهُ تَعَالَى الْفَلَكَ بِاللُّبُوثِ وَقِلَّةِ الْحَرَكَاتِ، فَتَطُولُ الْأَيَّامُ لِذَلِكَ وَالسَّنُونَ.»^۶

«خداوند تبارک و تعالی به فلک دستور می دهد که آرامتر گردش کند، با کند

شدن گردش چرخ گردون، روزها، ماهها و سالها طولانی می شود.»

۱ - غیبت نعمانی، ص ۱۸۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۹، ح ۶۲.

۲ - الملاحم والفتن، ص ۵۶ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۳، ح ۱۹۳.

۳ - ارشاد مفید، ص ۳۴۵ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۱، ح ۳۴.

۴ - بحار الانوار، ج ۵۸، ص ۹۱، ح ۱۱.

مدت حکومت حضرت ولی عصر (عج) ۱۰۳

عرض کردند: دانشمندان می گویند اگر گردش فلک تغییر یابد زمین تباه می شود! آن حضرت فرمود: آن سخن ملحدان است، اما مسلمانان راهی به این حرف هاندارند، خداوند برای رسول گرامیش ماه را شکافت (شق القمر) و پیش از او برای یوشع بن نون خورشید را برگردانید (ردّ الشمس) و خداوند از دراز شدن روزهای قیامت خبر داد که هر روزش به مقدار هزار سال از سال های دنیا است. پیامبر اکرم در مورد آن واقعه خجسته می فرماید:

«لَا يَخْرُجُ الْقَائِمُ إِلَّا فِي وَتْرِ مِنَ السَّنِينَ. سَنَةَ إِخْدَى أَوْ ثَلَاثٍ، أَوْ خَمْسٍ، أَوْ سَبْعٍ، أَوْ تِسْعٍ.»^۱
«قائم منحصرأ در سال های فرد، چون یک، سه، پنج، هفت و نه ظاهر می شود.»
«وَتُشْرِقُ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا، وَيَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ.»^۲
«زمین با نور پروردگارش منور می شود و سلطنت او همه شرق و غرب جهان را در بر می گیرد.»

روزی از روزها، امام صادق عليه السلام در نقطه ای در پشت کوفه دو رکعت نماز گزارد و به یار باوفایش ابان بن تغلب فرمود:
«هَذَا مَوْضِعُ مَنَزِلِ الْقَائِمِ.»^۳
«اینجا محل سکونت قائم است.»

«دَارُ مَلِكِهِ الْكُوفَةُ، وَمَجْلِسُ حُكْمِهِ جَامِعُهَا، وَيَبِيتُ سَكْنِهِ، وَيَبِيتُ مَالِهِ، وَمَقَسَمُ غَنَائِمِ الْمُسْلِمِينَ: مَسْجِدُ السَّهْلَةِ وَمَوْضِعُ خَلَوَاتِهِ: الدَّكَّوَاتُ الْبَيْضُ مِنَ الْغَرِيثِينَ.»^۴
«مرکز سلطنت او کوفه است، مرکز قضاوت او مسجد اعظم کوفه است، محل زندگی و مرکز بیت المال و محل تقسیم غنائم جنگی، مسجد سهله است و محل خلوت او تپه های سفید و نورانی نجف اشرف می باشد.»
«دَوْلَتُهُ آخِرُ الدُّوَلِ، وَخَيْرُ الدُّوَلِ، تَغْقَبُ جَمِيعَ الْمُلُوكِ، بِحَيْثُ لَمْ يَبْقَ أَهْلٌ يَبِيتُ لَهُمْ دَوْلَةٌ إِلَّا مَلَكَوْا قَبْلَهُ، لَثَلَا يَقُولُوا إِذَا رَأَوْا سِيرَتَهُ: إِذَا مَلَكَانَا سِرْنَا بِسِيرَةِ هَؤُلَاءِ، وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ.»^۵

۱ - کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۹۷.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۱، ح ۳۶.

۳ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۱، ح ۱.

۴ - اصول کافی، ج ۴، ص ۵۷۶.

۵ - ارشاد مفید، ص ۳۴۴.

«دولت او آخرین و بهترین دولت هاست، پس از پایان همه دولت ها می آید، هیچ خاندانی نیست که حکومتی برای آن مقدر باشد، جز این که پیش از او به حکومت می رسد تا هنگامی که ما به قدرت رسیدیم کسی نگوید اگر ما نیز به قدرت می رسیدیم، این چنین رفتار می کردیم و این است معنای کلام خدا که فرموده: ﴿وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾؛ عاقبت از آن پرهیزکاران است.»

﴿فَإِذَا تَمَّ الْأَمْرُ أَتَى الْحُجَّةَ الْمَوْتُ، فَقَتَلَتْهُ امْرَأَةٌ مِنْ بَنِي تَمِيمٍ إِسْمُهَا سَعِيدَةُ لَهَا لِحْيَةٌ وَيَسْبَالُ مِثْلَ الرِّجَالِ، يَجُزِّنُ مِنْ صَخْرٍ تَقْدِفُهُ بِهِ مِنْ فَوْقِ سَطْحٍ وَهُوَ مَسْجُورٌ فِي الطَّرِيقِ.﴾^۱
 «چون دولت حقه مدتش به سر آید، شهادت حضرت حجت فرا می رسد، او را زنی از بنی تمیم به شهادت می رساند، که نام او سعیده است و همانند مردان ریش و شارب دارد، او به هنگام عبور حضرت بقیه الله الاعظم سنگ آسیابی را از پشت بام به سوی او پرتاب می کند و او را به شهادت می رساند.»

﴿إِنْتِهَاءٌ مُلْكِهِ مِنْ أَشْرَاطِ السَّاعَةِ، إِذْ جَاءَ فِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ: (وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِلسَّاعَةِ): أَيِ إِنْدَاؤِ بِهَا، وَإِشَارَةِ إِلَيْهَا.﴾^۲

«پایان یافتن سلطنت او از نشانه های رستاخیز است، چنان که در قرآن کریم می فرماید: ﴿وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِلسَّاعَةِ﴾؛^۳ «او هشدار و نشانه رستاخیز (کبری) می باشد.»
 امام محمد باقر علیه السلام نیز در تفسیر آیه ﴿وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِلسَّاعَةِ﴾ می فرماید:
 ﴿هُوَ الْمَهْدِيُّ، يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَيَبْعَثُ خُرُوجِهِ يَكُونُ قِيَامُ السَّاعَةِ وَإِمَارَاتُهَا وَدِلَالَتُهَا وَقِيَامُهَا.﴾^۴

«او مهدی است که در آخر الزمان ظاهر می شود و پس از ظهور او، زمان قیام قیامت می رسد و نشانه ها و برهان های آن آشکار می شود.»
 «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّ أَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَالْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ.»^۵

«پروردگارا! درود فرست بر ولی امرت که امید مردم و عدل منتظر است و

۱ - الزام الناصب، ص ۱۹۰.

۲ - بنایع الموده، ج ۳، ص ۱۳۶.

۳ - سورة زخرف (۴۳) آیه ۶۱.

۴ - منتخب الاثر، ص ۱۴۹.

۵ - مکبالمکارم، ص ۱۴۸.

همچنین ما را در سایه علم و دانش آن حضرت حیات مجدد ببخش؛ زیرا می دانیم امام هر عصری وارث علوم نبی مکرم ﷺ است و نبی مکرم وارث علوم انبیا می باشند، به امید دیدار آن حضرت در آن دوران مبارک. ان شاء الله

موقعیت علمی حضرت مهدی علیه السلام

روایت است: حضرت ولی عصر همچون اجداد بزرگوارشان دارای علم لدنی هستند و وارث علوم انبیا و اولیا علیهم السلام می باشند.

امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

«نَحْنُ وَوَلَاةُ أَمْرِ اللَّهِ وَخَزَائِنُهُ عِلْمُ اللَّهِ وَعَيْبَةُ وَخِي اللَّهِ»^۱

«ما فرمانروایان از طرف خداوند هستیم، ما خزانه داران علوم الهی هستیم،

ما مرکز اسرار الهی هستیم.»

امام محمد باقر علیه السلام می فرماید:

«وَاللَّهِ إِنَّا لَخُزَّانُ اللَّهِ فِي سَمَائِهِ وَأَرْضِهِ لَا عَلَى ذَهَبٍ وَلَا عَلَى فِضَّةٍ إِلَّا عَلَى عِلْمِهِ»^۲

«به خدا سوگند ما خزانه داران خداوند در آسمان ها و زمین هستیم، البته نه

بر طلا و نقره بلکه بر علم او.»

همچنین آن حضرت می فرماید:

«إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤُسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَّلَتْ بِهَا أَحْلَامَهُمْ»^۳

پهلوهای آنها را تکمیل می نماید.»

«هنگامی که قائم ما قیام کند دستش را بر سر بندگان می گذارد و عقل های

آنان کامل و افکارشان را پرورش داده تکمیل می نماید.»

در مورد علم حضرت ولی عصر و جهش فکری و فرهنگی جهانیان در عصر

حکومت آن حضرت از امام جعفر صادق علیه السلام این گونه روایت شده است:

«الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَعَشْرُونَ حَرْفًا فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرَّسُلُ حَرْفَانِ، فَلَمْ يَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى

۱ - بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۱۰۶، ح ۹.

۲ - همان، ص ۱۰۵، ح ۱.

۳ - همان، ج ۵۲، ص ۳۲۸، ح ۴۷.

اليوم غَيْرَ الحَرْفَيْنِ، فاذا قامَ قَائِمُنَا أَخْرَجَ الخَمْسَةَ وَالْعَشْرِينَ حَرْفًا؛ فَبَثَّهَا فِي النَّاسِ وَضَمَّ إِلَيْهَا الحَرْفَيْنِ حَتَّى يَبُثَّهَا سَبْعَةَ وَعَشْرِينَ حَرْفًا.^۱

«علم بیست و هفت حرف است، تمام آنچه پیامبران الهی برای مردم آوردند دو حرف بیش نبود و مردم تا کنون جز آن دو حرف را نشناخته‌اند، اما هنگامی که قائم ما قیام کند بیست و پنج حرف دیگر را آشکار می‌سازد و در میان مردم منتشر می‌گرداند و دو حرف دیگر را به آن ضمیمه می‌کند تا بیست و هفت حرف کامل شود.»

ابی بصیر از حضرت باقر علیه السلام در مورد علم رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌پرسد، آن حضرت می‌فرماید:

«سُئِلَ عَلِيُّ عليه السلام عَنْ عِلْمِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله فَقَالَ: عِلْمُ النَّبِيِّ عِلْمُ جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَعِلْمُ مَا كَانَ وَمَا هُوَ كَائِنٌ إِلَى قِيَامِ السَّاعَةِ ثُمَّ قَالَ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنِّي لَأَعْلَمُ عِلْمَ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله وَعِلْمَ مَا كَانَ وَمَا هُوَ كَائِنٌ فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَ قِيَامِ السَّاعَةِ.»^۲

«از علی علیه السلام در مورد علم پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال شد (آن حضرت) فرمود: علم پیامبر یعنی علم همه انبیاست و پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله عالم به ما کان و ما یکون است (در واقع واقف است به آنچه که در گذشته، حال و آینده انجام می‌گیرد) تا روز قیامت.»

در همین رابطه حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

«قسم به خداوندی که جانم در کف قدرت اوست که من (علی) همه دانش‌های رسول را می‌دانم و از آنچه که در گذشته در دنیا رخ داده و هر چه که اکنون در دست اقدام است و اموری که در آینده عملی خواهد شد عالم هستم.» در این باره باید گفت: اولیاء الله وارث علم پیامبر اکرم هستند و در حال حاضر آن همه علم در اختیار امام حی و حاضر است و آن حضرت علم به گذشته، حال و آینده دارند و به خواست خداوند از تقدیرات امور و جاری بر عالم مطلع می‌باشند از جمله در حدیث فوق می‌خوانیم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«آمِنُوا بِلَيْلَةِ الْقَدْرِ، فَإِنَّهُ يُنَزَّلُ فِيهَا أَمْرُ السَّنَةِ. وَإِنَّ لِدَلِّكَ وَلَاهَ مِنْ بَعْدِي: عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَأَحَدَ عَشَرَ مِنْ وُلْدِهِ.»^۱

«شب قدر را باور بدارید! در این شب تقدیر امور سال فرستاده می شود، این شب را پس از من نیز صاحبانی است، صاحبان این شب پس از من، علی و یازده فرزند اویند.»

امام جواد علیه السلام نیز در این مورد فرمودند:

«يَا مَعْشَرَ الشَّيْعَةِ! خَاصِمُوا بِسُورَةِ ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ تَفَلُّجُوا، فَوَاللَّهِ إِنَّهَا لَحُجَّةٌ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى الْخَلْقِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَأَنَّهَا لَسَيِّدَةُ دِينِكُمْ، وَأَنَّهَا لَغَايَةُ عَلِمِنَا. يَا مَعْشَرَ الشَّيْعَةِ! خَاصِمُوا حَمَّ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ، إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ فَإِنَّهَا لِيُؤَاةِ الْأَمْرِ، خَاصَّةً، بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله.»^۲

«ای پیروان تشیع! با مخالفان امامت، به سوره ﴿انا انزلناه﴾ استدلال کنید، تا پیروز گردید به خدا سوگند، این سوره پس از درگذشت پیامبر حجت خدای متعال بر خلق است، این سوره نقطه اوج دین شماست، این سوره نشانه ابعاد علم ماست. ای شیعیان! همچنین به سوره حم دخان، که در آن آیه ﴿انا انزلناه فی لیلۃ مبارکة﴾ آمده است، استدلال کنید! این سوره (و این مقام) پس از رسول خدا، خاص ولی امر (حجت زمان) در هر عصر است.»

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این باره خطاب به حضرت علی علیه السلام فرموده اند:

«... وَلَهَا نُورٌ سَاطِعٌ، فِي قَلْبِكَ وَقَلُوبِ أَوْصِيَائِكَ، إِلَى مَطْلَعِ فَجْرِ الْقَائِمِ.»^۳

«... این سوره در قلب تو و در قلب اوصیای تو همواره نوری تابناک خواهد افشاند، تا به هنگام طلوع سپیده دمان ظهور قائم.»

با توجه به احادیث فوق، باید بدانیم که وجود مقدس ائمه اطهار علیهم السلام به علم الهی واقف بوده و آن بزرگواران با علم به آینده می دانند چه حوادثی در

پیش است و اگر امام زمان از ظهور قریب الوقوع خود با اطلاع باشد امر غریب و بعیدی رخ نداده است.

در همین رابطه امام محمد باقر علیه السلام می فرماید:

«لَوْ كَانَ لِأَلْسِنَتِكُمْ أَوْكِيَةٌ لَخَدَّثَ كُلُّ امْرِيءٍ بِمَا لَهُ وَعَلَيْهِ»^۱

«اگر مالک زبان خود بودید و می توانستید رازدار باشید، هر آینه به شما خبر می دادم از آنچه به زبان و نفع شماست.»

همچنین روایت است یک روز یاران پیامبر خدمت آن حضرت شرفیاب شده و عرض کردند: ای رسول خدا! بر تو از آسمان وحی می شود و ما را از امور آگاه می فرماید؛ اگر خدای ناکرده اجل شما فرا رسد چه کسی به ما آگاهی خواهد داد؟

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«بَعْدَ وَفَاتِي يَنْقَطِعُ الْوَحْيُ وَلَا يَنْقَطِعُ الْمُبَشِّرَاتُ.»

«پس از درگذشت من وحی منقطع می شود ولی مبشرات منقطع نمی شود.»
عرض کردند مبشرات چیست؟ حضرت فرمودند:

«الرُّؤْيَا الصَّالِحَةُ يَرَاهَا الْمَرْءُ الصَّالِحُ أَوْ يَرَاهَا لَهُ»^۲

«خواب صحیح و درست که مرد درستکار می بیند یا دیگری برای او می بیند.»
به طور مثال رؤیای رسول اکرم صلی الله علیه و آله را در قرآن می خوانیم:

﴿لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ

اللَّهُ آمِنِينَ مُخَلِّقِينَ زُؤُوسَكُمْ وَ مَقْصُرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا

فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا﴾^۳

«حقاً خدا رؤیای پیامبر خود را تحقق بخشید که دیده بود: شما بدون شک، به خواست خدا در حالی که سر تراشیده و موی و ناخن کوتاه کرده اید، با خاطری آسوده در مسجد الحرام در خواهید آمد. خدا آنچه را که نمی دانستید دانست و غیر از این، پیروزی نزدیکی برای شما قرار داد.»

۱ - ر.ک: بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۱۴۹، ح ۳۴. ۲ - کامل التعبیر، ص ۲۹.

۳ - سورة فتح (۴۸) آیه ۲۷.

محققان مسلمان همچون سایر ادیان خواب را نوعی پیام الهی می دانند و به عقیده آنان رؤیای صادقه حاکی از وقوع واقعه‌ای در آینده است که هنوز ظرفیت پیدا نکرده و در این باره نقل شده است:

رؤیای صادقه یا بشارت است و یا بیم، در واقع رؤیای صادقه تقدیری است مقدر شده که در لوح محفوظ ثبت است تا آن زمان که خواست خداوند تعلق گیرد و خبر مذبور توسط فرشته مقرب به فرد و یا افراد برسد. همچنین روایت است خدای متعال فرشته‌ای با عنوان ملک الرؤیا را بر لوح محفوظ گماشته است تا آن فرشته آنچه بر سر آدمی می آید از لوح به او نشان دهد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید:

«الرُّؤْيَا الصَّالِحَةُ جُزْءٌ مِنْ سِتَّةٍ وَأَرْبَعِينَ جُزْءًا مِنَ النَّبُوءَةِ»^۱

«رؤیا و خواب درست و صحیح یک قسمت از چهل و شش قسمت پیامبری

است.»

آن حضرت نیز در یک حدیث دیگر فرموده‌اند:

«إِنَّ الرُّؤْيَا الصَّادِقَةَ جُزْءٌ سَبْعِينَ جُزْءًا مِنَ النَّبُوءَةِ»^۲

«رؤیای صادقه بخشی از بخش‌های هفتادگانه نبوت است.»

در قرآن کریم نمونه‌هایی از خواب‌های صحیح به صورت بشارت یا بیم

نقل شده است؛ به عنوان نمونه: پادشاه مصر خوابی را دید که قرآن آن را

حکایت می‌کند:

﴿إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَسَبْعٌ سُنبُلَاتٍ خُضْرٍ

وَأُخْرَى يَابِسَاتٍ﴾^۳

«من در خواب هفت گاو فربه دیدم که هفت گاو لاغر آن‌ها را می‌خوردند

و هفت خوشه سبز را دیدم که هفت خوشه خشک را نابود کرد.»

پادشاه آن خواب را به معبران باز گفت و تعبیر آن را پرسید، چنان‌که قرآن

حکایت می‌کند:

۲ - بحار الانوار، ج ۶۱، ص ۱۶۷، ح ۱۹.

۱ - بحار الانوار، ج ۶۱، ص ۱۷۸، ح ۴۰.

۳ - سورة يوسف (۱۲) آیه ۴۳ - ۴۴.

﴿ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي رُؤْيَايَ إِنْ كُنْتُمْ لِلرُّؤْيَا تَعْبُرُونَ ﴾^۱

«ای بزرگان نظر تان را در مورد خواب من بگویید اگر تعبیر خواب می دانید.»

آنان گفتند:

﴿ أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ وَمَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَحْلَامِ بِعَالَمِينَ ﴾^۲

«از خواب های آشفته است وما به تعبیر این گونه خواب های آشفته

آگاهی نداریم.»

پادشاه مصر تعبیر این خواب را از حضرت یوسف عليه السلام پرسید، آن بزرگوار چنان که قرآن شرح داده است قضیه هفت سال قحطی^۳ و تعبیر صحیح آن خواب را بیان کرد.

بنابراین؛ خوابی که حق باشد هر چند جاهلان آن را تعبیر کنند باطل نمی شود و خواب باطل، حق نمی شود چنان که تعبیر درست آن بود که حضرت یوسف فرمود، نه آن معبران که خواب را از خواب های آشفته و «اضغاث احلام» پنداشتند.

در همین رابطه امیرمؤمنان فرموده است:

یکی از شگفتی هایی که خداوند جهان آفریده خواب است و آنچه آدمی از خیر و شر در خواب می بیند و این که بعد از آن فرمان الهی به ما می رسد و سپس وقوع می یابد.^۴

ابن سیرین می گوید: از جمله شگفتی های خواب آن است که شخصی در خواب خیر و راحتی، یا شر و آفتی می بیند و در بیداری عیناً همان خیر و راحت

۱ - سوره یوسف (۱۲) آیه ۴۳ - ۴۴.

۲ - سوره یوسف (۱۲) آیه ۴۳ - ۴۴.

۳ - حضرت یوسف در تعبیر خواب گفت: باید هفت سال متوالی زراعت کنید و هر خرمن را که درو کردید جز کمی که قوت خود می سازید همه را با خوشه در انبار ذخیره کنید که چون این هفت سال بگذرد هفت سال قحطی پیش آید که ذخیره شما به مصرف قوت مردم برسد که گرسنه نمیرند جز اندکی که برای تخم کاشتن در انبار نگه دارید. (سوره یوسف (۱۲) آیه ۴۷)

۴ - سوره یوسف (۱۲) آیه ۴۷.

و یا شرّ و آفت را مشاهده می‌کند.^۱

امید است رؤیاهای صادقی که مردم عصر حاضر می‌بینند نویدهایش به واقعیت پیوندد و بیم‌هایش از ما دفع گردد و ان‌شاءالله با وقوع رستاخیز صغری نهال آرزوهایمان به بار نشیند و انتظار منتظران با ظهور آقا امام زمان به پایان رسد، تا در حضور ایشان پایان اسارت مظلومین عالم را جشن گیریم و شکفتن شکوفه‌های پیروزی را تماشا کنیم و استقرار و شوکت دولت منصور را شاهد باشیم. ان‌شاءالله

اقامتگاه حضرت ولی عصر علیه السلام

در روایات آمده است محل زندگی آقا امام زمان در دوران کودکی همچون محل زندگی حضرت موسی علیه السلام مخفی بود تا از گزند طاغوتیان زمان محفوظ گردد. در مورد اقامتگاه حضرت حجت باید گفت: دلیل قاطعی بر اقامت آن بزرگوار در مکان معین وجود ندارد چنان‌که در برخی از احادیث نیز وارد شده است از جمله: هنگامی که از امام حسن عسکری علیه السلام می‌پرسند، اگر حادثه‌ای برای شما روی دهد کجا از فرزند گرامی شما سراغ بگیریم؟ حضرت فرمودند: در مدینه. روایت است: عده معدودی از اقامتگاه ایشان با خبرند.

امام زین العابدین علیه السلام می‌فرماید:

«لَا يَطَّلِعُ عَلَى مَوْضِعِهِ أَحَدٌ مِنْ وَلِيِّ وَلَا غَيْرِهِ، إِلَّا الَّذِي يَلِي أَمْرَهُ.»^۲

«هیچ کس از دوستان و دیگران از اقامتگاه او مطلع نمی‌شود، به جز کسی که

متصدی خدمتگزاری اوست.»

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«لَا بَدَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ عَزَلَةٍ، وَلَا بَدَّ فِي عَزَلَتِهِ مِنْ قُوَّةٍ، وَمَا بِثَلَاثِينَ مِنْ وَخْشَةٍ، وَنِعْمَ

الْمَنْزُولُ طَيِّبَةً.»^۳

۲ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۳، ح ۵.

۱ - کامل التعبیر، ص ۳۴.

۳ - همان، ص ۱۵۳، ح ۶.

«برای صاحب این امر دوران عزلتی هست و در ایام عزلت نیرو و قدرتی لازم است، با سی نفر وحشتی نیست و چه جایگاه خوبی است مدینه!»
 در روایت آمده است همواره سی نفر از یاران نزدیک و خدمتگزاران صدیق در حضور آن حضرت می باشند که هرگاه یکی از آنان از دنیا برود، یکی دیگر از او تاد^۱ به جای او انتخاب می شود تا حجت خدا احساس غربت نکنند و همواره رقم سی نفر محفوظ می ماند و آنان نیز بر پوشیده داشتن راز الهی و افشا نکردن سرّ خدایی توانا هستند و در خدمت آن سرور و مولا می باشند تا روز موعود فرا رسد.
 «إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ بَيْتًا، يُقَالُ لَهُ: بَيْتُ الْحَمْدِ، فِيهِ سِرَاجٌ يُزْهِرُ مُنْذُ يَوْمٍ وُلِدَ إِلَى أَنْ يَقُومَ بِالسَّيْفِ، لَا يُطْفِئُ.»^۲

«برای صاحب این امر خانه ای است که به آن بیت الحمد گفته می شود و در آنجا چراغی هست که از روز ولادت آن حضرت روشن می باشد، این چراغ هرگز خاموش نمی شود، تا روزی که حجت خدا با شمشیر قیام کند.»
 امام صادق علیه السلام می فرماید:

«كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا بَقِيتُمْ بِإِمامِ هُدًى وَلَا عَلمِ يَرى...؟»^۳

«چگونه می شود حال شما، هنگامی که دستتان به امامتان نرسد و نشان آشکاری نیابید...؟»

«إِلْتِقَائِمِ غَيْبَتَانِ: إِخْذَاهُمَا صَغِيرَةً وَالْأُخْرَى طَوِيلَةً. فَالْأُولَى لَا يَغْلَمُ بِمَكَانِهِ فِيهَا إِلَّا خَاصَّةُ شِيعَتِهِ، وَالْأُخْرَى لَا يَغْلَمُ بِمَكَانِهِ فِيهَا إِلَّا خَاصَّةُ مَوَالِيهِ فِي دِينِهِ.»^۴

«برای قائم ما دو غیبت است: یکی از آن ها کوتاه و دیگری طولانی است، در غیبت کوتاه تنها شیعیان خاص از جایگاه او مطلع می شوند و در دومی به جز خدمتگزاران ملازم او، کسی از اقامتگاهش آگاه نخواهد بود.»

روایت شده ابراهیم بن مهزیار توسط فرستاده حضرت ولی عصر به پیشگاه آن سرور فرا خوانده شد؛ او از طائف گذشته و به دشت حجاز که «عوالی» نامیده

۱ - او تاد به افرادی گفته می شود که در پارسایی و خداپرستی بسیار ثابت قدم و استوار باشند.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۸، ح ۲۱. ۳ - همان، ج ۵۱، ص ۱۱۱، ح ۵.

۴ - همان، ج ۵۲، ص ۱۵۵، ح ۱۱.

می شود هدایت شده؛ در آنجا به خدمت کعبه مقصود مشرف می شود.
 در این دیدار امام مهدی علیه السلام به پسر مهزیار می فرماید: پدرم با من پیمان بسته
 است که در مخفی ترین و دورترین سرزمین ها مسکن گزینم تا از تیر رس اهل
 ضلالت در امان باشم، این پیمان مرا به این ریگزارهای عوالی (دشت حجاز از
 نجد تا تهامه) انداخته است.

آنگاه آن حضرت دعایی را که در دوران غیبت فرموده اند، بار دیگر تلاوت
 کردند: «اللَّهُمَّ احْجُبْنِي عَنْ عِيُونِ أَعْدَائِي وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَوْلِيَائِي»^۱ «بار خدایا، مرا از
 دیدگان دشمنانم پوشیده نگهدار و بین من و دوستانم اجتماع حاصل کن.»

تشریف

روایت است: حضرت مهدی علیه السلام نیز همه ساله در موسم حج به زیارت خانه
 خدا مشرف شده و در مراسم حج شرکت می کنند و در عرفات می ایستند و به
 دعای مؤمنان آمین می گویند ولی انبوه حجاج او را نمی بینند و یا می بینند و او را
 نمی شناسند و عده ای از عاشقان کوی آن حضرت در مراسم حج به جستجویش
 می پردازند و چه بسیار نیک بختانی که توفیق تشریف به پیشگاه آن والامقام را در
 کنار خانه خدا و یا در دیگر نقاط کره زمین یافته و می یابند، به طور مثال روایت
 است: بسیاری از افراد مؤمن و خداپرست به دیدار آن حضرت نایل شده و چشم
 آنان چهره ملکوتی و زیبای آن بزرگوار را مشاهده کرده است، از جمله: یکی از
 دانشمندان، مشتاق زیارت حضرت ولی عصر علیه السلام بود و از عدم توفیق رنج
 می برد؛ مدت ها ریاضت کشید و چهل شب، چهارشنبه ها به طور مرتب به
 مسجد سهله رفت، لیکن اثری از مقصود نیافت. سپس به علم جفر^۲ و اسرار
 حروف و اعداد متوسل شد و چله ها به ریاضت نشست، اما فایده ای نداشت.
 البته از آنجا که شب ها بیدار بود و در سحرها ناله ها داشت صفا و نورانیتی پیدا

۱ - بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۳۷۸، ح ۱.

۲ - علم جفر: علمی که صاحبان آن مدعی هستند به وسیله آن می توان به حوادث آینده آگاهی پیدا کرد و
 به آن علم، علم حروف هم می گویند.

کرده گاهی نوری نمایان می شد لطف و بارقه عنایت بدرقه راه وی می گشت و گاهی حالت خلسه و جذبه به او دست می داد و حقایقی می دید و دقایقی می شنید، در یکی از این حالات به او گفتند: به خدمت امام زمان شرفیاب نمی شوی، مگر آن که به فلان شهر سفر کنی، با این که برایش مشکل بود، به راه افتاد و پس از چند روز بدان شهر رسید و در آنجا نیز به ریاضت مشغول شد و چله گرفت، روز سی و هفتم، یا سی و هشتم به او گفتند: «حضرت بقية الله امام زمان عليه السلام الآن در بازار آهنگران در دکان پیرمردی قفل ساز نشسته است، برخیز و شرفیاب شو، با سرعت خود را آماده ساخت و حرکت کرد، تا به دکان پیرمرد رسید، چشمش به دیدار حضرت ولی عصر آقا امام زمان عليه السلام منور شد که آنجا نشسته اند و با آن پیرمرد سخنان محبت آمیز می فرمایند. وی می گوید: چون سلام کردم حضرت جواب داد و به سکوت امر کرده و فرمودند: اکنون تماشا کن، در این حال پیرزنی ناتوان و قد خمیده را دیدم که عصا زنان آمد و با دست لرزان قفلی را نشان داد و گفت: اگر ممکن است برای خدا این قفل را به مبلغ سه شاهی از من خریداری کن؛ زیرا من به سه شاهی پول احتیاج دارم، پیرمرد قفل را نگاه کرد و آن را بدون عیب و نقص یافت، به همین دلیل گفت: این قفل هشت شاهی ارزش دارد، اگر پول کلید را بدهی که بیش از دو شاهی نیست، من کلید این قفل را می سازم، آن وقت این قفل با کلیدش ده شاهی می ارزد، پیرزن گفت: نه من نیازی به قفل ندارم، به پول آن نیازمندم، شما این قفل را سه شاهی از من بخرید، من به شما دعا می کنم.

پیرمرد با کمال سادگی گفت: خواهرم! تو مسلمانی، من هم ادعای مسلمانی دارم، چرا مال مسلمان را ارزان بخرم و حق کسی را پایمال کنم، این قفل اکنون هم هشت شاهی ارزش دارد، من اگر بخواهم سود ببرم، به هفت شاهی خریداری می کنم، اگر می خواهی بفروشی، من هفت شاهی می خرم و باز تکرار می کنم که قیمت واقعی آن هشت شاهی است و من چون کاسب هستم و باید سود ببرم، یک شاهی ارزان می خرم.

پیرزن گفت: من خودم می گویم هیچ کس به این مبلغ راضی نشد و التماس کردم که سه شاهی بخرند اما نخریدند، در این هنگام پیرمرد هفت شاهی پول درآورد

و به آن زن داد و قفل را خرید، چون پیرزن بازگشت، آن حضرت به من فرمودند: آقای عزیز دیدی! این طور باشید تا ما به سراغ شماها بیاییم، چله نشینی و به سفر دور رفتن نیازی نیست، به جفر متوسل شدن سودی ندارد، بلکه با عمل صالح نشان دهید و مسلمان باشید تا من بتوانم با شما همکاری کنم، از تمام این شهر، من این پیرمرد را انتخاب کرده‌ام؛ زیرا این مرد دین دارد و خدا را می‌شناسد، این هم امتحانی که داد. در واقع این پیرزن از اول بازار عرض حاجت کرد و چون او را نیازمند دیدند همه در مقام آن بودند که ارزان بخرند و هیچ کس قفل او را حتی سه شاهی هم خریداری نکرد و این پیرمرد به هفت شاهی خرید، پس هفته‌ای بر او نمی‌گذرد، مگر آن‌که من به سراغ او می‌آیم و از او دلجویی می‌کنم.^۱

همچنین عیسی بن مهدی جواهری می‌گوید:

به پیشگاه کعبه مقصود و قبله موعود شرفیاب شدم، آن‌چنان از شوق دیدار مدهوش شده که پنداشتم عقل از سرم پریده است، حضرت ولی عصر علیه السلام فرمودند:

«... یا عیسی ما کانَ لَکَ أَنْ تَرَانِی لَوْلَا الْمُکَذَّبُونَ الْقَائِلُونَ بِأَیْنِ هُوَ؟ وَمَتَى کَانَ؟ وَآیْنَ وُلْدَ وَمَنْ رَأَهُ؟ وَمَا الَّذِی خَرَجَ إِلَیْکُمْ مِنْهُ؟ وَبِأَیِّ شَیْءٍ نَبَّأَکُمْ؟ وَآیُّ مُعْجِزٍ أَنَا کُمْ؟... یا عیسی فَخَبِّرْ ۲ أَوْلِیَاءَنَا مَا رَأَیْتَ، وَإِیَّاكَ أَنْ تُخَبِّرَ عَدُوَّنَا فَتُسَلَبَهُ...»^۲

«... ای عیسی! اگر تکذیب منکران نبود به تو افتخار دیدار نمی‌دادیم، که می‌گویند: کجاست، از کی هست، کجا متولد شده، چه کسی او را دیده، چه نشانه‌هایی از او دیده‌اید، چه خبرهایی از او به شما رسیده، چه معجزاتی از او سر زده است؟ ای عیسی! آنچه دیدی به دوستان ما بازگو کن، ولی هرگز به دشمنان ما مگو، که از این کرامت‌ها محروم گردی.»

زُهری می‌گوید:

حضرت بقیه الله الاعظم را دیدم که جمال دل‌آرای او نیکوترین صورت‌ها،

۱ - ر.ک: به کتاب سرمایه سخن، ج ۱، ص ۶۱۱.

۲ - منتخب الاثر، ص ۳۷۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۶۹، ح ۵۴.

و عطر ساطع از وجود شریفش خوشبوترین عطر در جهان بود؛ جز این جملات کوتاه با من سخن نگفت، فقط فرمود:

«مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنَ أَخْرَ الْعِشَاءَ حَتَّى تَشْتَبِكَ النُّجُومُ! مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنَ أَخْرَ الْغَدَاةَ إِلَى أَنْ تَنْقُضِيَ النُّجُومُ...»^۱

«ملعون است، ملعون است کسی که نماز عشا را به قدری تأخیر بیندازد که ستاره‌ها درهم فرو روند. ملعون است، ملعون است کسی که نماز صبح را به قدری تأخیر بیندازد که ستاره‌ها کاملاً ناپدید شوند...»

محمد بن عثمان در مورد تشرف خود می‌گوید:

دومین سفیر حضرت ولی عصر علیه السلام محمد بن عثمان درباره آخرین دیدارش با حضرت مهدی چنین شرح می‌دهد: آن مهر تابان را در کنار بیت الله الحرام دیدم که عرضه می‌دارد:

«اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي»^۲

«بار خدایا! آنچه به من وعده کرده‌ای، انجام ده.»

همچنین آن حضرت را در «المستجار» دیدم که از استار کعبه گرفته و عرضه می‌دارند:

«اللَّهُمَّ انْتَقِمْ مِنِّي مِنْ أَعْدَائِي»^۳

«بار خدایا! انتقام مرا با دست خودم از دشمنانم بگیر.»

حال پروردگارا! ما نیز با دلی سوزان و اشکی ریزان از تو خدای خوب می‌خواهیم دعای آن دادگسترنده گیتی را به اجابت رسانی و دشمنانش را خوار و نابود فرمایی تا راه بسته سرورمان آقا امام زمان گشوده شود، به امید آن‌که به برکت وجود شریف آن حضرت آنچه از دین تو محو شده توسط آن منادی حق زنده شود و جوامع بشری با وجود آن بزرگوار به آرامش و امنیت دست یابند و تو ای مظهر دین و ای نجات بخش خلق زمین و آسمان بدان که ما مسلمانان جهان هر صبح و شام در انتظاریم و چشم بر بلندای کعبه دوخته و در هر طلوع

۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵، ح ۱۳.

۲ - همان، ج ۵۱، ص ۳۵۱، ح ۳.

۳ - همان، ص ۳۵۱، ح ۳.

خورشید قلب‌هایمان تا روز ظهور، تا روز حضور در آرزوی دیدار تو می‌تپد که تنها گوهر گیتی هستی و به تحقیق خوشحالی و سرور چشم براهانت در سایه آن دیدار با شکوه تجلی خواهد یافت.

آری، ای دوازدهمین اختر ولایت طلوع کن و با طلوعت جهان تاریک ما را روشنی بخش و بشکن این سکوت دایمی را که بسیار غم انگیز است و بنگر عاشقان و منتظرانت را که برای شستن راحت از خون پاکشان دریغ نمی‌کنند و بنگر مقاومت بی‌پایان مسلمانان مظلوم بوسنی و هرزگوین را و نظری افکن به جوانان غیور لبنان و فلسطین که چسان در برابر کلیه شدائد و مصائب شکیبایی خود را از دست نداده و همچون کوهی استوار در مقابل هجوم دشمن دون ایستاده‌اند و بنگر چشمان سرشار از تمنای انسان‌های درد کشیده را که با نگاه لبریز از صداقتشان چشم به ظهورت دوخته‌اند تا ان‌شاءالله بیایی و آنان را نجات دهی و تو ای یگانه منجی عالم بشریت، بنگر همه انسان‌های دریند را که در جای جای این کره خاکی خون دل می‌خورند و در انتظار روزی هستند که نجات دهنده ایشان از دروازه شهرشان وارد شده و همه آنان را نجات دهد و آیا به راستی در حیطة بزرگواری، مهربانی و عطوفت تو می‌گنجد که این همه تلخی انتظار را بر این بینوایان آواره روا داشته که چشم به راه تو هستند؟ اگر چه می‌دانیم این طور نیست، بلکه ما بندگان خدا هستیم که با بی‌توجهی و عدم شناخت و آمادگی لازم باعث این همه دوری و فراق شده‌ایم.

باشد که بیایی و جهان را از دست فتنه‌های بی‌امان نجات دهی و محرومان جهان را گرد هم آوری و شادی را در میان آنان استقرار بخشی و تو ای گل همیشه بهار بیا، بیا که بی‌گل روی تو بهار نیست، بیا با پیام عدل و عدالت، بیا با کوله‌باری از ایثار و رشادت، بیا با قدم‌های مبارکت این هجران و فراق‌گشونده را برای همیشه زیر پاله کن و نشاط و شادمانی همیشگی را ارزانی دار و گرمی را به محفل سرد و یخ زده ما بیچارگان آواره هدیه نما، بیا اسیران را از سیاه چال‌های بغداد و... نجات ده، بیا به خاطر آن انسان‌های درد کشیده‌ای که منتظرت هستند، بیا به گرسنگان رحمی کن و به تشنگان عدالت عنایتی نما، ما که پیوسته باور داریم روزی انتظار به سر خواهد رسید و تو همچون خورشید طلوع خواهی کرد

و به دنیای تاریک ما نور خواهی بخشید و با ندای ملکوتی خود خطبه‌رهایی انسان را فریاد خواهی زد و بیچارگان و ستم دیدگان عالم را زیر بال خود خواهی گرفت و یاور کوخ نشینان جهان خواهی شد.

ما نیز باور داریم بالاخره آن روز موعود و مبارک خواهد رسید، روز حضور و روز ظهورت که همچون روز تولدت بر همه عالمیان مبارک است؛ زیرا پروردگار مهربان در آن روز فرخنده، بزرگترین هدیه را به عالم هستی عنایت کرد، هدیه‌ای به نام «مهدی صاحب زمان» هدیه‌ای که امید همه انسان‌های دریند به اوست و ما خدا را به آن لحظه مقدس قسم می‌دهیم که دعاهايمان را به اجابت رساند و به میمنت خجسته زاد روز ولی عصر و زمان ما را زیر چتر و سایه آن حضرت حیات بخشد و اینک به یاد همان روز مبارک با شادی و سرور آواز سر می‌دهیم و می‌گوییم: بارالها تو شاهد باش ما شیفتگان درگاهش و کاروانیان سرگشته کویش در لحظه لحظه‌های زندگی خود، در انتظار آخرین وارث احمد، قائم آل محمد و تنها غنچه گلشن نرجس همسر گرامی امام حسن عسکری، یازدهمین گوهر خاندان رسالت هستیم، به راستی تولدش، قدومش بر همه مبارک باد که هستی در سایه تولد خجسته‌اش جان گرفت ما نیز تا لحظه‌ای که زنده هستیم برای این تولد باشکوه شادی کرده و در همیشه زمان‌ها تولد پرشکوهشان را جشن می‌گیریم و این تولد میمون و مبارک را به جد بزرگوارشان حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و مادر گرامیشان حضرت صدیقه کبری علیها السلام تبریک عرض می‌کنیم و از مادر عزیزشان شاهزاده ملیکا نیز می‌خواهیم تبریک صمیمانه ما شیعیان را بپذیرند و در این شادی باشکوه ما را با خود همگام بدانند.

به امید دیدار یگانه حجت زمان و تنها فرزند خانم حضرت نرجس علیها السلام که جهان به یمن وجود شریف ایشان برقرار است.

بارالها! بر محمد و آل محمد درود فرست و بر آن بزرگواران خیر و گشایش عطا فرما و به سبب آن پیشوایان، محنتها و غمها را از مؤمنان برطرف ساز و جهان را به وجود ولی و حجت به پاخاسته در آفریدگانت پر از عدل و داد کن همچنان که از ظلم و جور پر شده است و آنچه را که به ایشان وعده فرموده‌ای به اجابت رسان به درستی که تو خلف وعده نمی‌کنی. ان شاء الله

فصل دوم

ضرورت وجود امام

دوران زندگی حضرت مهدی علیه السلام

حکمت غیبت

نواب اربعه

غیبت کبری

رجعت در رستاخیز صغری

رجعت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله

رجعت حضرت علی علیه السلام

رجعت حضرت حسین علیه السلام

ضرورت وجود امام

امام محمد باقر علیه السلام درباره ضرورت وجود امام می فرماید:

«لَوْ أَنَّ الْإِمَامَ رُفِعَ مِنَ الْأَرْضِ سَاعَةً لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا وَمَا جِثَ كَمَا يَمْوجُ الْبَحْرُ بِأَهْلِهِ»^۱
«اگر لحظه‌ای امام در زمین نباشد، زمین اهلس را فرو می برد، همچون امواج دریایی طوفانی که با تمامی مسافران خویش دگرگون می شود.»

در حدیث دیگر می خوانیم:

«وَإِنِّي لَأَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ»^۲
«آن سان که ستارگان موجب امان آسمانیان است امام نیز ایمنی بخش زمینیان می باشد.»

«بِبَقَائِهِ بَقِيَتِ الدُّنْيَا وَرَزَقَ الْوَرَى وَيُجُودِهِ ثَبَّتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ»^۳

«استواری جهان، بهره‌مندی موجودات و ثبات زمین و آسمان همه و همه درگرو وجود آن امام (همام) است.»

در واقع معتقدان به قرآن و عترت می دانند، زمین را یارای آن نیست که

۱ - غیبت نعمانی، ص ۱۳۹.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۸۳.

۳ - مفاتیح الجنان، دعای عدیله.

لحظه‌ای بدون وجود حجت الهی بر نظم جاری استوار باشد که اگر پای حجت حق از آن برداشته شود همگان را به کام خود فرو خواهد برد.
حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در حضور اصحاب خطاب به امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمودند:

«إِنَّ خُلَفَائِي وَأَوْصِيَاءِي وَحُجَجَ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ بَعْدِي، الْأَثْنَا عَشَرَ أَوْلَاهُمْ عَلِيٌّ وَأَخِرُهُمُ الْمَهْدِيُّ»^۱

«خلفا و اوصیای من و حجت‌های خدا بر مردمان، بعد از من دوازده نفرند که اول آنان علی و آخر آنان مهدی است.»
همچنین آن حضرت فرمودند:

«الْمُقَرَّبِينَ مَوِّمِينَ وَالْمُنْكَرُ لَهُمْ كَافِرُونَ»^۲

«معتبران به حق آنان (دوازده امام) مؤمن و منکران حق آنان کافرند.»
نقل شده رسول اکرم خطاب به جابر بن عبدالله انصاری فرمودند:
«إِنَّ هَذَا أَمْرٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ. وَسِرٌّ مِنْ سِرِّ اللَّهِ. عَلْتُهُ مَطْوِيَّةٌ عَنْ عِبَادِ اللَّهِ. فَإِيَّاكَ وَالشَّكَّ فِي أَمْرِ اللَّهِ كُفْرًا»^۳

«این امر، از امور خدا و رازی از اسرار الهی است، حکمت آن از بندگان پوشیده است، هرگز در این باره شک و تردید به خود راه مده، که شک در امر الهی کفر است.»

روایت شده جابر بن عبدالله روزی به محضر حضرت زهرا علیها السلام شرفیاب شد، در برابر آن حضرت لوحی را مشاهده کرد که در آن اسامی شریفه امامان از نسل آن حضرت نوشته شده بود، جابر می‌گوید: من آنان را شمردم دوازده تن بودند که آخرین آنان حضرت قائم بود و متوجه شدم که این امر از حتمیات است، از جمله مطالبی که جابر در آن لوح خوانده بود، این است:

«قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: وَأَعْطَيْتُكَ يَا مُحَمَّدٌ مَنْ أَخْرَجَ مِنْ صُلْبِهِ (يعني علياً) أَحَدَ عَشَرَ

۲ - الزام الناصب، ص ۶۴.

۱ - بنایع الموده، ج ۳، ص ۱۰۸.

۳ - اعلام الوری، ص ۳۹۹.

مَهْدِيًا كُلُّ هُمْ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ، مِنَ الْبِكْرِ الْبَتُولِ. آخِرُ رَجُلٍ مِنْهُمْ أَنْجِي بِهِ مِنَ الْهَلَكَةِ، وَأَهْدِي بِهِ مِنَ الضَّلَالَةِ، وَأُبْرِئُ بِهِ مِنَ الْعَمَى، وَأَشْفِي بِهِ الْمَرِيضَ، وَأُطَهِّرَنَّ الْأَرْضَ بِآخِرِهِمْ مِنَ أَعْدَائِي، وَأُملِكَنَّ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا، وَأُسَخِّرَنَّ لَهُ الرِّيَّاحَ، وَأُرَكِّضَنَّ لَهُ السَّحَابَ، وَأُرَقِّبَنَّ فِي الْأَنْبَابِ، وَأُنصِرَّهُ بِجُنْدِي، وَأُمِدَّنَّهُ بِمَلَائِكَتِي، حَتَّى يُغْلِبَنَّ دَعْوَتِي، وَيَجْمَعَ الْخَلْقَ عَلَى تَوْحِيدِي.^۱

«خدای تبارک و تعالی فرمود: ای محمد! به تو کسی را عطا کردم (علی) که یازده راهنما از نسل او خارج خواهد شد، همگی از نسل تو و از زهرای بتول است، آخرین آنان مردی است که به دست او از هلاکت نجات می‌بخشم و به وسیله او از گمراهی هدایت می‌نمایم و به دست او کور را بینا و بیمار را شفا می‌دهم و زمین را به وسیله او از دشمنانم پاک می‌سازم، شرق و غرب جهان را به او می‌سپارم، بادها را به تسخیر او درآورده، ابرها را زیر پای او قرار می‌دهم، برترین ابزارها را در اختیار او گذاشته، با سپاه خود او را یاری نموده، با فرشتگانم او را تأیید می‌نمایم، تا دعوت مرا آشکار سازد و همه مخلوقات را بر توحید من گرد آورد.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مسأله حضرت مهدی را در رأس دعوت خود قرار داده و حتمی بودن آن را چنین اعلام می‌دارد:

«لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ. لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ، حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، تَجْرِي الْمَلَاحِمُ عَلَى يَدَيْهِ، وَيَظْهَرُ الْإِسْلَامُ، وَاللَّهُ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ.»^۲

«اگر از دنیا جز یک روز باقی نباشد، خداوند آن روز را به قدری طولانی می‌سازد که مردی از اهل بیت من جهان را مالک شود، معجزات به دست او آشکار و اسلام به وسیله او ظاهر می‌گردد، خداوند هرگز در وعده خود خلف نمی‌ورزد.»

یک روز رسول اکرم صلی الله علیه و آله با علمی که از پیشگاه حضرت احدیت به او افاضه شده بود، وضع مردمان را در نسل‌های مختلف مورد توجه قرار داده، آهی از اعماق دل کشیده و فرمودند:

«إِلَى اللَّهِ أَشْكُوا الْمُكَذِّبِينَ لِي فِي أَمْرِهِ، وَالْجَاهِدِينَ لِقَوْلِي فِي شَأْنِهِ، وَالْمُضِلِّينَ لِأُمَّتِي عَنْ طَرِيقِهِ». يُبَايِعُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ وَيَفْتَحُ فُتُوحاً فَلَا يَبْقَى عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ يَقُولُ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»^۱

«به خدا شکایت می‌کنم از کسانی که مرا در موضوع او (حضرت مهدی) تکذیب کنند و گفتار مرا در حق او انکار نمایند و امت مرا از راه او منحرف سازند، (در کنار خانه خدا) در میان رکن و مقام با او بیعت می‌شود و فتوحات فراوانی به دست او انجام می‌یابد که در روی زمین کسی نمی‌ماند جز این که به یکتایی خدا اعتراف کرده، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بگوید.»

آنگاه آن حضرت با هشدار شدید اللحنی چنین فرمودند:

«مَنْ أَنْكَرَ خُرُوجَ الْمَهْدِيِّ فَقَدْ كَفَرَ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا»^۲

«هر کس ظهور مهدی را انکار کند به آنچه محمد آورده کافر شده است.»

«مَنْ أَنْكَرَ الْقَائِمَ مِنْ وُلْدِي أَثْنَاءَ غَيْبَتِي، مَاتَ مِتَّةَ جَاهِلِيَّةٍ»^۳

«هر کس قائم از اولاد من را در دوران غیبتش انکار کند، به عهد جاهلیت مرده است.»

«مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ فَلَيْمَتْ إِنْ شَاءَ يَهُودِيًّا وَإِنْ شَاءَ نَصْرَانِيًّا»^۴

«هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناخته باشد، پس باید بمیرد اگرخواست یهودی و اگرخواست نصرانی.»

امام محمد باقر علیه السلام نیز می‌فرماید:

«مَنْ أَصْبَحَ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ لَا إِمَامَ لَهُ مِنَ اللَّهِ، أَصْبَحَ تَائِباً مُتَّحِيراً ضَالًّا، وَإِنْ مَاتَ عَلَيَّ هَذِهِ الْحَالِ مَاتَ مِتَّةَ كُفْرٍ وَنِفَاقٍ»^۵

«کسی که صبح کند درحالی که امام تعیین شده از سوی خدا نداشته باشد،

۱ - اعلام الوری، ص ۴۰۰.

۲ - بنایع الموده، ج ۳، ص ۱۰۸ و ۱۶۲.

۳ - منتخب الاثر، ص ۴۹۲.

۴ - رسالة المسائل الخمسون، فخر رازی، مسألة ۴۷.

۵ - وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۵۶۵، ح ۳۷.

حیران و گمراه و سرگردان است و اگر به همین حالت از دنیا برود، در حال کفر و نفاق از دنیا رفته است.»

«وَمَنْ أَبْغَضَنَا وَرَدَّنَا أَوْرَدَ وَاحِدًا مِنَّا، فَهُوَ كَافِرٌ بِاللَّهِ وَبِآيَاتِهِ.»^۱

«هر کس ما را دشمن بدارد، ما را رد کند، یا یکی از ما را رد کند، او به خدا و آیات خدا کافر شده است.»

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«مِنَ الْمُخْتَوِّمِ الَّذِي حَتَمَهُ اللَّهُ، قِيَامُ قَائِمِنَا. فَمَنْ شَكَّ فِيْنَا أَقْوَلُ، لَقِيَ اللَّهَ وَهُوَ بِهِ كَافِرٌ، وَلَهُ جُاجِدٌ.»^۲

«از وعده های حتمی خدا قیام قائم ماست، هر کس در این گفتار شک و تردید به خود راه دهد، خدا را به حال کفر و انکار ملاقات می کند.»

از امام محمد باقر علیه السلام پرسیدند آیا شناخت امام بر خلق واجب است؟ آن حضرت فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ بَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَى النَّاسِ أَجْمَعِينَ رَسُولًا لِلَّهِ وَحُجَّةً عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ فِي أَرْضِهِ. فَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ، وَاتَّبَعَهُ وَصَدَّقَهُ، فَإِنَّ مَعْرِفَةَ الْإِمَامِ مِنَّا وَاجِبَةٌ عَلَيْهِ؛ وَمَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَلَمْ يَتَّبِعْهُ وَلَمْ يُصَدِّقْهُ، وَيَعْرِفْ حَقَّهُمَا، فَكَيْفَ يَجِبُ عَلَيْهِ مَعْرِفَةُ الْإِمَامِ وَهُوَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَيَعْرِفُ حَقَّهُمَا؟ لَا وَاللَّهِ، مَا أَلْهَمَ الْمُؤْمِنِينَ حَقَّنَا إِلَّا اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ.»^۳

«خدای عزوجل، حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را به پیامبری به سوی همه جهانیان برانگیخت، هر کس به خدا و محمد ایمان بیاورد و او را پیامبر خدا بداند و از او پیروی کند، بر او واجب است که امام را بشناسد، ولی اگر کسی به خدا و پیامبر خدا ایمان نیاورده باشد، چگونه ممکن است پیش از شناخت خدا و رسول، شناخت امام بر او واجب باشد؟ به خدا سوگند، خداوند حقوق ما را به مؤمنان الهام کرده است.»

۲ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۰.

۱ - وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۵۶۵، ح ۳۷.

۳ - اصول کافی، ج ۱، ص ۱۸۱ و ۴۲۹.

در این باره روایت است:

حضرت مهدی علیه السلام در پاسخ یکی از سفیران خود که در مورد منکران آن حضرت پرسیده بود، چنین فرمودند: کسی که مرا انکار نماید از من نیست راه او راه فرزند حضرت نوح علیه السلام است.^۱

در واقع فرزند حضرت نوح به عنوان یکی از معاندان و منکران حق در تاریخ بشر مطرح شده است. او در عصر پدر خویش که یکی از پیامبران اولولعزم بود رسالت ایشان را انکار کرد و به عاقبت دردناکی دچار شد. اگر چه نقل شده است پدر تا آخرین لحظه نگران فرزندش بود و به دفعات او را به حکم غریزه ندا سرداد به امید آن که ندایش در گوش دل او نفوذ کند و به ایمان گراید ولی و اسفا او گرفتار غرور و کفر شده بود و تا آخرین لحظه بر کفر و لجابت خود پافشاری کرد در حالی که اگر همین انسان در سایه رحمت الهی همراه با ایمان که از الطاف بیکران خداوند است و عمل صالح همراه با تقوی که همان تطهیر نفوس و تهذیب اخلاق و افکار است زمان را پشت سر گذارد قادر خواهد بود تا از پل رستگاری عبور کرده و به شهر سعادت قدم گذارد. ان شاء الله

دوران زندگی حضرت مهدی علیه السلام

در روایت آمده است زندگی قلب عالم امکان شامل سه دوره است:

- ۱ - دوران کودکی از سال ۲۵۵ تا سال ۲۶۰ ه. ق.
- ۲ - دوران غیبت صغری از سال ۲۶۰ تا سال ۳۲۹ ه. ق.
- ۳ - غیبت کبری از سال ۳۲۹ ه. ق شروع و تا وقتی که فرمان ظهور آن جلوه یزدان داده شود، ادامه خواهد داشت.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در همین رابطه می فرماید:

«لَا بُدَّ لِلْغُلَامِ مِنْ غَيْبَةٍ... يُخَافُ فِيهَا الْقَتْلَ»^۲

«به ناگزیر او باید غایب شود... که در آن مدت ترس از قتل هست.»

همچنین امام کاظم علیه السلام می فرماید:

«لَهُ غَيْبَةٌ يَطْوُلُ أَمَدُهَا، خَوْفًا عَلَى نَفْسِهِ مِنَ الْقَتْلِ، يَزْتَدُّ فِيهَا قَوْمٌ وَيَثْبُتُ آخَرُونَ.»^۱

«برای او از ترس کشته شدن غیبتی هست که مدتش بس دراز خواهد بود، در دوران غیبت او قومی به ارتداد گراییده، گروهی دیگر پابرجای می مانند.»

در احادیث یاد شده واژه ترس به معنای واقعی خود تعبیر نمی شود بلکه منظور از ترس تقیه از دشمنان برای حفظ جان است آن هم به سبب مسؤولیت خطیری که آن حضرت در مقابل دین اسلام و مظلومان عالم دارند و از همه مهمتر برقراری عدل و عدالت که از اهداف آن حضرت می باشد؛ اگر چه برای بندگان خوب خدا شهادت یک آرزو محسوب می شود.

«لَيَغَيَّبَنَّ عَنْهُمْ حَتَّى يَقُولَ الْجَاهِلُ: مَا لِلَّهِ فِي آلِ مُحَمَّدٍ حَاجَةٌ»^۲

«به خدا سوگند در پشت پرده غیبت نهان می شود تا نادانانها بگویند: خدا به

آل محمد نیازی ندارد!»

حکمت غیبت

باید بدانیم غیبت حضرت ولی عصر طبق تقدیری است که از جانب خدای سبحان مقدر شده و حکمت‌هایی دارد، شاید یکی از علت‌ها مساعد نبودن موقعیت زمانی باشد، همان‌طور که پیامبران برای ارشاد امت خود قیام کرده ولی به علت جهالت آنان با خطرهای جدی مواجه شدند و بالا جبار از امت خویش دوری گزیدند؛ مانند حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله که از ترس جان خود، مدتی را در شعب ابوطالب عموی بزرگوارشان گذراندند.^۳

حضرت ادریس علیه السلام نیز مدت بیست سال از ترس امت گمراه خود که دعوت او را رد کرده بودند غیبت کردند.^۴

حضرت موسی علیه السلام هم مدتی را دور از امت خویش سپری کردند به امید این که

۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۰، ح ۱.

۲ - همان، ج ۵۲، ص ۱۰۱، ح ۱.

۳ - همان، ج ۱۹، ص ۱۶، ص ۸.

۴ - الزام الناصب، ص ۸۲.

فرصتی پیش آید تا ایشان بتوانند حق را احقاق کرده و باطل را ریشه کن نمایند.^۱ اصولاً انبیا و اولیا هدفشان به اجرا گذاشتن قانون الهی بوده است به همین دلیل برای حفظ جان خود سعی می‌کردند تا در زمان مناسب به اهداف خود دست پیدا کرده و سپس تسلیم سرنوشت شوند.

خداوند متعال نیز حضرت مهدی را برای ریشه کن کردن هر نوع ظلم و ستم حاکم در جهان ذخیره کرده، تا فرا رسیدن اجل حتمی، آن حضرت را از بلا محفوظ خواهند داشت و بر خلاف گذشته، ستمگران کوچک و بزرگ فرصتی نخواهند یافت تا خدشه‌ای به وجود یگانه نازنین حجت عالم وارد سازند.

دلیل دیگری که می‌توان برای غیبت ایشان قایل شد کثرت گناه و عدم اتحاد و انسجام در میان مسلمانان جهان است و دیگر عدم شناخت و نداشتن اطلاعات لازم در مورد آن سرور است که سبب تأخیر در ظهور می‌شود و علت دیگری که می‌توان در مورد غیبت قایل شد عدم شایستگی و توبه افراد و طلب نکردن آن حضرت از جانب خدای منان است. در واقع هر حرکت سویی سبب تأخیر در ظهور می‌شود و هر چه غیبت به تأخیر افتد مصیبت و گرفتاری‌های مردم جهان بیشتر خواهد شد.

علت دیگر برای غیبت حضرت مهدی آزمایش همگان است که خداوند برای دوست و دشمن قایل شده و بدون شک غیبت آن حضرت تا پایان آزمایشات الهی و احقاق نتیجه باقی خواهد ماند.

در غیبت نعمانی از محمد بن خلاد روایت می‌کند که گفت: از حضرت موسی کاظم علیه السلام شنیدم که فرمود:

﴿أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يَشْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾^۲

«آیا مردم گمان کردند که (خداوند) آنان را به حال خود می‌گذارد که بگویند ایمان آوردیم و امتحانی هم ندهند؟»

سپس (حضرت از من در مورد این آیه شریفه پرسید) مقصود چه امتحانی

است؟ عرض کردم: قربانت گردم به نظر ما مقصود آزمایش در امر دین است. حضرت فرمود:

«مانند طلا امتحان می شوند؛ همچون طلا خالص می گردند.»^۱

روایت است: خداوند مرگ و حیات را قرار داده تا مردم را امتحان کند و معلوم شود کدام یک از بندگان از حیث عمل بهتر هستند. باید توجه کرد که بر سر دوراهی ها و تردیدها، آن که مخالف هوای نفس و نزدیک به رضای الهی است انتخاب شود؛ زیرا امتحان سنت الهی است و همه در دنیا امتحان می شوند حتی بندگان خوب خدا.

حضرت امام محمد باقر علیه السلام در این مورد می فرماید:

«وَاللّٰهُ لَتُمَيِّزُنَّ، وَاللّٰهُ لَتَمَحَّصُنَّ، وَاللّٰهُ لَتَعْرَبُلُنَّ كَمَا يُعْرَبُلُ الزُّوَانُ مِنَ الْقَمِيحِ.»^۲

«سوگند به خدا، آزمون می شوید، امتحان می شوید، غربال می شوید، آن سان که گندم غربال می شود و از شلمک جدا می گردد.»

«وَاللّٰهُ لَتُكْسَرُنَّ كَسْرَ الزُّجَاجِ. وَإِنَّ الزُّجَاجَ يُعَادُ فَيَعُودُ كَمَا كَانَ. وَاللّٰهُ لَتُكْسَرُنَّ كَسْرَ الْقَخَّارِ، وَإِنَّ الْقَخَّارَ لَا يَعُودُ كَمَا كَانَ...»^۳

«به خدا سوگند شکسته می شوید همچون شکسته شدن شیشه، با این تفاوت که شیشه شکسته شده به حالت اول بر می گردد، ولی شما شکسته می شوید همانند شکسته شدن سفال که دیگر به حالت اولیه بر نمی گردد...»
حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید:

«وَحَتَّى لَا يَبْقَى مِنْكُمْ إِلَّا كَالْكُحْلِ فِي الْعَيْنِ! هَيْهَاتَ، هَيْهَاتَ، لَا يَكُونُ فَرَجُنَا حَتَّى يَذْهَبَ الْكِدْرُ وَيَبْقَى الصَّفْوُ.»^۴

«تا از شما باقی نباشد جز به مقدار سرمه در چشم!، هیهات، هیهات که فرج ما واقع نمی شود مگر بعد از آن که تیره ها از بین بروند و فقط صاف ها بمانند.»

۱ - بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۸۸۲ (طبع قدیم) ۲ - همان، ج ۵۲، ص ۱۴، ح ۳۲.

۳ - همان، ص ۱۰۱، ح ۳. ۴ - ر.ک: همان، ص ۱۱۵، ح ۳۷.

در همین رابطه نقل شده: مقصود حکومت واحد جهانی و اعتقاد به تنها دین الهی و قانون آسمانی، یعنی دین مقدس اسلام است که در دولت عالمگیر حضرت بقیه الله الاعظم تحقق خواهد یافت و معنی ﴿ان الدين عند الله الاسلام﴾ مصداق پیدا می کند.

در همین رابطه در قرآن می خوانیم:

﴿وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ﴾^۱

«به تحقیق پیشینیان را آزمایش کردیم، آنان را نیز می آزمایم تا در این رهگذر، راستگویان از دروغگویان مجزا و مشخص گردند.»

هنگامی که جابر بن عبدالله انصاری پرسید: یا رسول الله! آیا برای قائم از نسل تو، غیبتی هست؟ آن حضرت فرمود:

﴿إِي وَرَبِّي: «وَلَيَمَّخَصَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمَّخَقَ الْكَافِرِينَ»﴾^۲

«آری، سوگند به پروردگارم «تا خداوند مؤمنان را بیازماید و کافران را نابود سازد.»

﴿وَلَيَبْعَثَنَّ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ وَدِيِّ يَطَالِبُ بِدِمَائِنَا، وَلَيَغِيْبَنَّ عَنْهُمْ تَمِيْزًا لِأَهْلِ الضَّلَاةِ...﴾^۳

«البته خداوند مردی را از نسل من بر می انگیزد که خون ما را مطالبه کند و انتقام ما را بگیرد، او از دیده ها پنهان خواهد شد تا گمراهان شناخته شوند...» پیامبر اکرم در این باره نیز می فرماید:

﴿وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا، إِنَّ الثَّابِتِينَ عَلَى الْقَوْلِ بِهِ زَمَانَ غَيْبَتِهِ لَأَعَزُّ مِنَ الْكِبْرِيَّتِ الْأَحْمَرِ﴾^۴

«سوگند به خداوندی که مرا به حق برانگیخت، آنان که در عهد غیبت بر ایمان و اعتقاد به او ثابت می مانند از کبریت احمر کمتر خواهند بود.»

۱ - سورة عنكبوت (۲۹) آیه ۳.

۲ - سورة آل عمران (۳) آیه ۱۴۱.

۳ - الامام المهدي، ص ۱۸۰ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۲، ح ۷.

۴ - اعلام الوری، ص ۱۳۹۹ بحار الانوار، ج ۳۸، ص ۱۲۶، ح ۷۶.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً لَا بَدَّ مِنْهَا يَرْتَابُ فِيهَا كُلُّ مُبْطِلٍ...»^۱

«برای صاحب این امر [امام مهدی] غیبتی خواهد بود که هر اهل باطلی در

آن زمان دچار تردید خواهد شد...»

امام جواد علیه السلام می فرماید:

«إِنَّ الْإِمَامَ بَعْدِي ابْنِي، أَمْرُهُ أَمْرِي، وَقَوْلُهُ قَوْلِي، وَطَاعَتُهُ طَاعَتِي. وَالْإِمَامُ بَعْدَهُ ابْنَةُ

الْحَسَنِ، أَمْرُهُ أَمْرُ أَبِيهِ، وَقَوْلُهُ قَوْلُ أَبِيهِ، وَطَاعَتُهُ طَاعَةُ أَبِيهِ ثُمَّ سَكَتَ فَقُلْتُ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ

اللَّهِ، وَمَنِ الْإِمَامُ بَعْدَ الْحَسَنِ؟ فَبَكَى بُكَاءً شَدِيداً، ثُمَّ قَالَ: إِنَّ مِنْ بَعْدِ الْحَسَنِ ابْنَةَ الْقَائِمِ

بِالْحَقِّ، الْمُنْتَظَرِ، فَقُلْتُ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، وَلِمَ سُمِّيَ بِالْقَائِمِ؟ قَالَ: لِأَنَّهُ يَقُومُ بَعْدَ مَوْتِ

ذِكْرِهِ، وَازْتِدَادِ أَكْثَرِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ. فَقُلْتُ لَهُ: وَلِمَ سُمِّيَ بِالْمُنْتَظَرِ؟ قَالَ: لِأَنَّ لَهُ غَيْبَةً تَكْثُرُ

أَيَامَهَا وَ يَطْوُلُ أَمْدُهَا فَيُنْتَظَرُ خُرُوجُهُ الْمُخْلِصُونَ، وَيُنْكِرُهُ الْمُزْتَابُونَ، وَيَسْتَهْزِئُ بِذِكْرِهِ

الْجَاهِدُونَ، وَ يَكْثُرُ فِيهَا الْوَقَاتُونَ، وَيَهْلِكُ فِيهَا الْمُسْتَعْجِلُونَ، وَيَنْجُو فِيهِ الْمُسْلِمُونَ.»^۲

«امام بعد از من، پسر من (امام هادی) است که امر او، امر من و گفته او، گفته من

و اطاعت او، اطاعت من است و امام بعد از او پسرش حسن (عسکری) است،

که امر او، امر پدرش، گفته او، گفته پدرش و اطاعت او، اطاعت پدرش می باشد،

(آنگاه امام جواد علیه السلام سکوت کردند) عرضه شد: ای فرزند رسول خدا! امام بعد

از حسن کیست؟ (امام جواد) به شدت گریست و فرمود: بعد از حسن، پسر او

قائم به حق و منتظر است.

گفته شد: چرا به او «قائم» گفته می شود؟ فرمود: زیرا او بعد از آن که یادش از

بین می رود، قیام می کند و پس از آن که بیشتر قایلان به امامتش از اعتقاد خود

بازگردند او ظهور می کند.

گفته شد: چرا به او «منتظر» می گویند؟ فرمود: زیرا برای او غیبتی طولانی

هست که مؤمنان مخلص ظهور او را انتظار می کشند و صاحبان شک او را انکار

۱ - بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۹۱، ح ۴.

۲ - منتخب الاثر، ص ۲۲۳؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۰، ح ۴.

می کنند و منکران نام و یاد او را مسخره می نمایند (بدانید) هر کس وقت تعیین کند دروغ می گوید، هر کس شتاب کند هلاک می شود، هر کس تسلیم اراده خدا شود نجات می یابد.»

در حدیث دیگر نقل شده است:

«فِي الْقَائِمِ مِثْلُ سُنَنِ مِنْ سِنَنِ الْأَنْبِيَاءِ سَنَةٌ مِنْ آدَمَ سُنَّةٌ مِنْ نُوحٍ، وَسُنَّةٌ مِنْ إِبْرَاهِيمَ، وَسُنَّةٌ مِنْ مُوسَى، وَسُنَّةٌ مِنْ عِيسَى، وَسُنَّةٌ مِنْ أَيُّوبَ، وَسُنَّةٌ مِنْ مُحَمَّدٍ ﷺ. فَأَمَّا مِنْ آدَمَ وَمِنْ نُوحٍ فَطَوُّلُ الْعُمُرِ. وَأَمَّا مِنْ إِبْرَاهِيمَ فَخِفَاءُ الْوَلَادَةِ وَاعْتِزَالِ النَّاسِ، وَأَمَّا مِنْ مُوسَى فَالْخَوْفُ وَالْغَيْبَةُ وَأَمَّا مِنْ عِيسَى فَاخْتِلَافُ النَّاسِ فِيهِ وَأَمَّا مِنْ أَيُّوبَ فَالْفَرَجُ بَعْدَ الْبَلْوَى. وَأَمَّا مِنْ مُحَمَّدٍ ﷺ فَالْخُرُوجُ بِالسَّيْفِ.»^۱

«در قائم ما شش نشانه از شش پیامبر است: نشانه ای از حضرت نوح، نشانه ای از حضرت ابراهیم، نشانه ای از حضرت موسی، نشانه ای از حضرت عیسی، نشانه ای از حضرت ایوب و نشانه ای از حضرت محمد ﷺ. نشانه اش از حضرت نوح طول عمر اوست.

نشانه اش از حضرت ابراهیم، تولد پنهان و گوشه گیری او از مردمان است. نشانه اش از حضرت موسی، مخفی بودن ولادت و غیبت اوست. نشانه اش از حضرت عیسی، اختلاف مردم در حق اوست. نشانه اش از حضرت ایوب، فرج بعد از شدت و گشایش بعد از گرفتاری است. اما نشانه اش از حضرت محمد ﷺ، خروج او با شمشیر است.»
حضرت ولی عصر علیه السلام در نامه ای به سفیرش محمد بن عثمان این چنین می نویسد:

«وَأَمَّا عَلَةُ مَا وَقَعَ مِنَ الْغَيْبَةِ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنَ أَشْيَاءٍ إِنْ تُبَدِّلَكُمُ تَسْأَلُكُمْ...) إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ مِنْ آبَائِي إِلَّا وَقَعَتْ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لِبَطَاغِيَةِ زَمَانِهِ. وَإِنِّي أَخْرُجُ حِينَ أَخْرُجُ وَلَا بَيْعَةَ لِأَحَدٍ الطَّوَاعِيَةِ فِي عُنُقِي. وَأَمَّا وَجْهُ الْإِتِّقَاعِ بِي فِي غَيْبَتِي،

فَكَأَلَيْتَ بِالسَّمْسِ إِذَا غَبَّتْهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ. وَإِنِّي لَأَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ
النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ.

فَأغْلِقُوا بَابَ السُّؤَالِ عَمَّا لَا يَغْنِيكُمْ، وَلَا تَتَكَلَّفُوا مَا كُنْتُمْ، وَأَكْثِرُوا مِنَ الدُّعَاءِ بِتَعْجِيلِ
الْفَرَجِ، فَإِنَّ فِي ذَلِكَ فَرْجَكُمْ، وَالسَّلَامَ عَلَيَّ مِنَ اتَّبِعِ الْهُدَى.^۱

اما در مورد علت غیبت، خدای تبارک و تعالی می فرماید: ای کسانی که ایمان آورده اید! هرگز نپرسید از مسایلی که اگر فاش شود شما را اندوهگین سازد...^۲ هر یک از پدران من، بیعتی از طاغوت های زمان به گردن داشتند ولی به هنگامی ظهور خواهم نمود که بیعت احدی از طاغوت ها به گردنم نباشد. اما کیفیت انتفاع مردم از وجود من در زمان غیبت همانند انتفاع آنان از خورشید است هنگامی که ابرهای تیره آن را بپوشاند، من امان برای اهل زمین هستم، همان طور که ستارگان امان برای اهل آسمان است، در مورد مسایلی که به شما سودی نخواهد داشت پرسش نکنید و در مورد آنچه برای شما بیان شده، خود را به زحمت نیندازید و در رابطه با تعجیل فرج، بسیار دعا کنید که فرج شما نیز به آن بسته است و سلام بر کسی که از هدایت پیروی کند.

از فرمایشات پیغمبر و معصومان عليهم السلام چنین استنباط می شود که حضرت مهدی عليه السلام دارای دو غیبت یکی کوتاه تر (صغری) و دیگری طولانی تر (کبری) است.

غیبت صغری از پنج سالگی حضرت تا سال ۳۲۹ هـ. ق یعنی ۶۹ سال طول کشیده است و در این دوران چهار عالم و مجتهد به امر الهی و دستور امام، به نام سفیر و یا نایب خاص به وکالت از طرف امام زمان عليه السلام عهده دار امامت و رهبری شیعیان بوده اند که مسایل و مشکلات مسلمانان را با امام در میان گذاشته و جواب دریافت می داشتند و سپس به اطلاع مردم می رسانیدند و آن چهار نایب بزرگوار به نواب اربعه مشهور شدند.

۲ - سورة مائده (۵) آیه ۱۰۱.

۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۲، ح ۷.

نواب اربعه

چهار نایب خاص آن حضرت عبارتند از: عثمان بن سعید، محمد بن عثمان، حسین بن روح و علی بن محمد سمّری.

اولین سفیر امام، عثمان بن سعید مورد توجه امام هادی و امام عسکری علیهما السلام بوده و در زمان وکالت برای آنکه پوششی روی فعالیت خود بگذارد، شغل روغن فروشی را پیشه خود ساخته بود و اغلب وجوهات و حقوق الهی را که از طرف مردم به عنوان سهم امام دریافت می‌کرد در داخل مشگ روغن کرده تا از مصادره و ضبط اموال توسط حکام و امرای دولتی جلوگیری شود. عثمان بن سعید به مدت ۵ سال طبق فرمان حضرت مهدی علیه السلام انجام وظیفه کرد و در سال ۲۶۵ ه. ق دار دنیا را به درود گفت.

پس از عثمان طبق دستور حضرت ولی عصر نیابت خاص به فرزند آن نایب برحق محمد بن عثمان واگذار گردید. مردم نیز مشکلات و مسایل خود را با او در میان می‌گذاشتند تا به عرض امام برساند و وفات محمد بن عثمان در سال ۳۰۵ ه. ق در بغداد به وقوع پیوست و مدت نیابت ایشان ۴۰ سال بود.

سومین نایب خاص امام زمان ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی از شیوخ و مردان مورد اعتماد محمد بن عثمان بود و ایشان نیز پس از مدتی انجام وظیفه و خدمت به سرور کائنات در سال ۳۲۶ ه. ق در بغداد فوت کرد مدت نیابت وی ۲۱ سال بود.

آخرین سفیر خاص آقا امام زمان، شیخ بزرگوار علی بن محمد سمّری بود که به امر امام و معرفی حسین بن روح انتخاب گردید. پس از آنکه مدت عمر او به سر آمد و در بستر بیماری افتاد، شیعیان از وی خواستند جانشین بعد از خود را معرفی کند، ولی او در جواب گفت امام زمان فرموده‌اند: غیبت کبری فرا رسیده و به امر خداوند نایب خاص از این پس نخواهد بود و مردم می‌توانند به نواب عام و علمای زمان خود مراجعه کنند. البته این علما باید کسانی باشند که به علم خود عمل کرده و حافظ دین خدا و اسلام و پیرو مکتب واقعی قرآن و رسالت

پیغمبر و ائمه اطهار علیهم السلام بوده و نیز مبارز و مخالف با اعمال شیطانی و هوس های نفسانی باشند، دوران نیابت آن سفیر الهی ۳ سال طول کشید و آن نایب خاص در سال ۳۲۹ ه. ق دارفانی را بدرود گفت.

در توقیعی که از ناحیه مقدسه امام زمان در آخرین روزهای عمر سمری صادر شد در مورد آغاز غیبت کبری چنین آمده است.

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

ای علی بن محمد سمری! خداوند در مصیبت درگذشت تو به برادران دینی ات پاداش عظیم عنایت فرماید؛ تا شش روز دیگر از دنیا خواهی رفت. بنابراین، امور زندگی خود را تمام کن و هیچ کس را وصی و جانشین خویش قرار مده؛ زیرا دوران غیبت کبری آغاز شده است و امر ظهور موكول به اجازه خداوند می باشد که آن هم پس از غیبتی بس طولانی و قساوت دل های مردم و دوری آنان از حقایق و فراگیر شدن ظلم و جور در دنیا به وقوع خواهد پیوست. به زودی افرادی به سوی شیعیان من آمده ادعای مشاهده مرا خواهند کرد، آگاه باشید هر کس قبل از خروج سفیانی و شنیدن صیحه آسمانی ادعای مشاهده^۱

۱ - منظور از مشاهده، ادعای نیابت خاصه است؛ مانند سید میرزا علی محمد شیرازی که ادعای نیابت کرد، سید علی محمد شیرازی پسر سید محمد رضای بزاز است که به سال ۱۲۳۵ ه. ق. در روز اول محرم در شهر شیراز متولد شد، پدرش در کودکی وفات یافت و او تحت سرپرستی دایی خود، حاج میرزا سید علی به شغل پدر مشغول گردید، اما چون مایل به مسایل دینی بود، عده ای را به سوی خود جلب کرد و پس از مدتی توقف در بوشهر و ریاضت های زیاد به شیراز بازگشت و تجارت را رها ساخته و راهی کربلا شد و چند سال در درس سید کاظم رشتی، رئیس فرقه شیخیه حاضر شد و مورد توجه سید قرار گرفت و پس از فوت سید در سن ۲۵ سالگی (۱۲۶۰) تحولی در افکار وی ایجاد شد که نخست دعوی باب بودن کرده و سپس ادعای مهدی بودن کرد، وی به همین دلیل در روز دوشنبه ۲۷ شعبان سال ۱۲۶۶ در تبریز به دار مجازات آویخته شد و اعدام گردید و به فتوای علمای تبریز او را تبر باران کرده و جسدش را در میان خندق شهر انداختند. «فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ، إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْمُجْرِمُونَ.» «پس کیست ستمکارتر از آن کس که دروغی بر خدای بندد یا آیات او را تکذیب کند؟ به راستی مجرمان رستگار نمی شوند.» (سوره بونس (۱۰) آیه ۱۷)

کند دروغگو است و بر خدا و رسول او افترا می‌بندد و تمام قدرت‌ها و نیروها از آن خداوند است. «وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»
 بدین ترتیب غیبت صغری با پایان یافتن نیابت خاصه در سال ۳۲۹ هـ.ق. به پایان رسید و غیبت کبری شروع شد.

غیبت کبری

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره غیبت حضرت مهدی علیه السلام فرموده‌اند:
 «الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي إِسْمُهُ إِسْمِي وَكُنْيَتُهُ كُنْيَتِي؛ أَشْبَهُ النَّاسِ بِي خَلْقًا وَخُلُقًا، تَكُونُ لَهُ غَيْبَةٌ وَحَيْرَةٌ تَضِلُّ فِيهِ الْأُمَّمُ ثُمَّ يُقْبَلُ كَالشَّهَابِ الثَّاقِبِ فَيَمْلَأُهَا عَدْلًا وَيَقْسَطُ كَمَا مِلْتُمْ ظُلْمًا وَجَوْرًا»^۱

«مهدی از فرزندان من، اسم او، اسم من و کنیه او، کنیه من است، شبیه‌ترین مردم از جهت آفرینش و اخلاق به من است، برای او غیبت و حیرتی است که گروه‌هایی در آن زمان گمراه می‌شوند و می‌رسد روزی که فرزندم مهدی همانند ستاره‌ای فروزان آشکار گردد و زمین را به عدل و داد پر کند آن چنان که به جور و ستم پر شده است.»

در قرآن کریم راجع به مسأله غیبت حضرت حجت علیه السلام سخن بسیار رفته است از جمله:

﴿وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾^۲

«قرارداد آن را سخنی باقی و استوار و در پشت نسلش که امید است برگردد.»

حضرت امیر علیه السلام در شرح این آیه فرمود: «این آیه درباره ما نازل شده که خداوند امامت را در پشت و نسل (حسین) تا روز قیامت قرار داد، با دو غیبت

۱ - بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۲۸۳.

۲ - سورة زخرف (۴۳) آیه ۲۸.

که یکی از دیگری طولانی تر است.^۱
چنان که در سوره تکویر آمده است:

﴿فَلَا أَقْسِمُ بِالْخُنَّسِ، الْجَوَارِ الْكُنَّسِ﴾^۲

«نه، نه! سوگند به اختران گردان، (کز دیده) پنهان شوند و از نو آیند.»
امام محمد باقر علیه السلام در مورد قول خدای تعالی در آیه ﴿اقسم بالخنس...﴾^۳ فرموده است: «خُنَّس امامی است که در سال ۲۶۰ از حال ظهور به غیبت پنهان گشت و سپس مانند شهاب درخشنده آشکار شود.»

خُنَّس به معنی پنهان است و تاویل آیه در مورد امام مهدی علیه السلام است که خداوند وقتی فرمان دهد پنهان شود و چون فرمان ظهورش دهد مانند ستاره‌ای فروزان در تاریکی شب آشکار گردد و هر کس آن زمان را درک کند چشمش روشن خواهد شد.

امام محمد باقر درباره آیه ﴿فلا اقسام بالخنس، الجوار الكنس﴾؛ «سوگند به ستارگان بازگردنده که به گردش درآیند و در جای خود رخ پنهان سازند.» می‌فرماید:

«این مولودی است در آخر الزمان، او مهدی از این عترت است که برای او حیرت و غیبتی خواهد بود که گروهی در آن گمراه و گروهی هدایت می‌شوند.»^۴
غیبت به معنای ناشناس بودن و پنهان زیستن است، در واقع امکان دیدن حضرت هست ولی شخصیت حقیقی، عنوان و نام واقعی‌شان پنهان است.
در همین رابطه آن حضرت فرمودند: «اگر شیعیان ما در وفا به پیمان‌شان همدل و هم داستان بودند میمنت و ملاقات ما از ایشان به تأخیر نمی‌افتاد و به زودی به دیدار ما سعادت می‌یافتند.»

دلیل دیگر غیبت امتحان و اختیار مردمان است همان‌گونه که می‌دانیم خدای

۲ - سوره تکویر (۸۱) آیه ۱۵ - ۱۶.

۱ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۳، ح ۳۶.

۴ - همان، ج ۵۲، ص ۳۷۹، ح ۱۸۷.

۳ - بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۷۸، ح ۱۸.

مهربان برای هر فردی از افراد بشر امتحانات و اختیاراتی را معین فرموده است:
 «إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً، فَلْيَسْتَقِ اللَّهَ عَبْدًا، وَلْيَتَمَسَّكَ بِدِينِهِ! إِذَا بَلَغَكُمْ عَنْ صَاحِبِكُمْ
 غَيْبَةً فَلَا تُنْكِرُوهَا. إِذَا أَدِنَ اللَّهُ فِي الْخُرُوجِ خَرَجًا»^۱

«برای صاحب این امر غیبتی هست، پس هر بنده‌ای از خدای خود تقوا پیشه کند و به دین خدا چنگ بزند، هنگامی که به شما گفته شود امامتان غایب شده تکذیب نکنید، هنگامی که خدا اجازه ظهور دهد ظاهر خواهد شد.»

امیر مؤمنان علیه السلام فرموده‌اند: خوشا به حال کسانی که در زمان پر آشوب بر صراط مستقیم ثابت قدم و در طول زمان دچار شک و تردید نشوند؛ زیرا «قائم» قیام نمی‌کند مگر پس از ترس شدید، اضطراب‌ها، نگرانی‌ها، فتنه‌ها و بلاهایی که بر مردم وارد می‌شود و آنان از خدای سبحان هر صبح و شام مرگ خویش را درخواست می‌کنند، پس از یک چنین یأس و نومیدی او ظاهر می‌شود، پس خوشا به حال کسی که او را درک کند و به یاری او برخیزد و وای به حال کسی که با او مخالفت کند و اوامر او را نپذیرد و با او به دشمنی پردازد.

چه نیکو گفته است خدای مهربان «منتظر باشید که من نیز با شما از منتظرانم»^۲ پس صبر و شکیبایی را پیشه خود سازید که فرج بعد از یأس و نومیدی خواهد بود. در واقع یأس از وضع موجود در جهان که آمادگی را برای یک انقلاب همه جانبه بر اساس ارزش‌های جدید به وجود می‌آورد و نیز مصائب و مشکلات آخر الزمان همچون تازیانه، پیکر همگان را می‌نوازد تا تشنه عدالت شوند و به دنبال منادی عدل گام بردارند، چرا که اگر انسان تلخی دوران را نچشیده باشد، طعم دلنشین و جانفزای عدالت را تشخیص نخواهد داد. در این دوران تاریک و طوفان زده آن عده از بندگان خدا نجات پیدا می‌کنند که پیوسته به یاد امام خویش بوده و برای قرب ظهور آن سرور دعا نمایند، چنان‌که حضرت صادق علیه السلام می‌فرماید.

۲ - سورة بونس (۱۰) آیه ۲۰ و ۱۰۲.

۱ - بحار الانوار، ج ۵۱ ص ۱۲۵، ح ۱۳.

«لَا يَنْجُوا مِنْهَا إِلَّا مَنْ دَعَا دُعَاءَ الْغَرِيقِ»^۱

«در زمان غیبت امام، نجات پیدا نمی‌کند مگر کسی که همچون شخصی غریق، پیوسته دعا کند.»

همچنین آن حضرت در حدیثی دیگر می‌فرماید: به زودی شبهه‌ای به شما خواهد رسید، پس بدون نشانه و بدون امام راهنمایی (یعنی در ظاهر) خواهید ماند و از آن شبهه نجات نمی‌یابد مگر کسی که دعای غریق را بخواند.

راوی پرسید: دعای غریق چگونه است؟ حضرت فرمود بخوانید:

«يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ.»

«ای خدا ای بخشنده بخشایشگر! ای دگرگون کننده دل‌ها، دل مرا بر دینت

پایدار ساز.»

آری، ای خدای رحمان دل ما را بر دینت پایدار ساز، همان دل و دل‌هایی که در اوج سرگردانی مرکب چند صد ساله انتظار شده‌اند، انتظاری بس مقدس و والا، انتظاری با دل شکستگی و غربت، انتظاری طاقت فرسا و طولانی، به راستی آنانی که طعم تلخ انتظار را چشیده‌اند باور دارند که انتظار همچون کوهی بر شانه منتظر سنگینی می‌کند اگرچه خود انتظار بسیار شکوه‌مند است، انتظاری همراه با مسؤولیتی مقدس برای برقراری اسلام ناب محمدی و اما انتظار فرج، واژه‌ای آشناست که تجلی یکی از بزرگترین دگرگونی‌ها را به همراه دارد، دگرگونی برای جوامع بشری که بی‌صبرانه در اقیانوس متلاطم زندگی، کشتی نجات را می‌طلبند تا با تنها ناخدای کشتی حق و عدالت به سرزمین خوشبختی‌ها قدم گذارند، در همان سرزمینی که صلح و صفا، برابری و برادری، امنیت و رفاه و... حاکم باشد، در واقع افرادی می‌توانند مسافران کشتی نجات و ساکن آن سرزمین باشند که در اصلاح نفس و تهذیب اخلاق خود سعی کرده و به آن شایستگی لازم دست یافته باشند تا افتخار مصاحبت و همنشینی با آن وجود مقدس و مبارک را پیدا کنند و انسان منتظر پس از اصلاح خود، باید به

تهیه مقدمات و شرایطی پردازد که در سایه‌اش بتوان بر دشمنان غلبه داشت و اصولاً هر منتظری که در این انتظار به سر می‌برد باید از یأس و ناامیدی پرهیز کرده و به شوق دیدار آن حضرت سعی کند و همچنین بودن در رکاب امام عصر علیه السلام برایش افتخاری بس عظیم باشد. در چنین شرایطی باید تلاش و فعالیت داشت و در مقابل نابسامانی‌ها مقاومت کرد؛ زیرا انتظار مراحل مختلفی را می‌طلبد از جمله: انتظار فرج، یعنی عمل به تعالیم الهی و پیروی کامل از دستورات دین خدا و ایجاد آمادگی لازم برای آن انقلاب آسمانی و برافراشتن پرچم اسلام در سرتاسر جهان.

انتظار فرج، یعنی مقاومت در مقابل مشکلات و گرفتاری‌ها و حرکت به سوی کمال و آماده شدن برای ظهور آقا امام زمان.

انتظار فرج، یعنی تهیه بذر انقلاب برای اجرای حق و عدالت و همچنین از میان بردن ظلم و نابرابری و مبارزه با دشمنان اسلام.

انتظار فرج، یعنی منتظر وعده الهی بودن و سعی و تلاش در مهیا ساختن روح و جسم خود برای روزی که با طلوع خورشید عالم‌تاب حضرت مهدی گشایشی در کلیه شؤون زندگی بشر پدید آید، در همان روزی که با تشکیل حکومت جهانی آخرین سفیر کبیر الهی و برقراری دولت حق آل محمد صلی الله علیه و آله تمام ناکامی‌ها، نابسامانی‌ها، فقر و تنگدستی، بالاخره کفر، ظلم، کینه، نفاق و کلیه مصائب از جهان ما رخت بر بسته و حکومت حیات بخش محمدی بر عالم هستی حاکم شود.

انتظار فرج، یعنی امید داشتن به فردایی روشن؛ زیرا خداوند وعده یک رهبر عادل را داده‌اند تا به بشر در مانده عصر به اصطلاح تمدن پیشرفته و تکنولوژی مترقی و ... سعادت کامل عنایت شود، به راستی چه سعادت‌تری بالاتر از آن‌که مؤمنان پس از ظهور آقایان حضرت مهدی علیه السلام افتخار حضور می‌یابند و به دیدار یگانه سفیر کبیر خداوند مهربان نایل می‌شوند و چه سعادت‌تری زیباتر از آن‌که رجعتی باشکوه تحقق می‌یابد برای مؤمنانی که از دنیا رفته‌اند و آنان از دنیای باقی به دنیای فانی هجرت می‌کنند و به زندگی پر از شادی و معنویت

ادامه داده و برای دین پاک محمدی مفید واقع می‌شوند و به تحقیق این دیدار سرشار از خوشبختی، برای همه آنان بسیار مبارک است. ان شاء الله

رجعت در رستاخیز صغری

رجعت در لغت به معنی برگشتن به سوی دنیا و در اصطلاح به معنی بازگشتن روح به بدن است.

در متون اسلامی، رستاخیز را به صغری و کبری تقسیم کرده‌اند: رستاخیز کبری همان قیامت بزرگ است که پس از تمام شدن دنیا روی خواهد داد و تمامی خلایق زنده می‌شوند تا در پیشگاه خدا به اعمال آنان رسیدگی گردد.

رستاخیز صغری ظهور پرمیمنت حضرت بقیة الله الاعظم ارواحنا له الفداء است، در رستاخیز صغری، رجعت پیامبران و ائمه معصومان علیهم السلام محقق خواهد شد و دیگر رجعت برخی از مؤمنان خالص و کافران منافق تحقق خواهد پذیرفت به طور مثال: مؤمنان بر می‌گردند، همانان که در تمام عمر بندگی خداوند را کرده و آرزوی درک دولت حقه را در دل می‌پروراندند، آنان با بازگشت خویش امام زمان را در انتقام گرفتن از دشمنان خدا یاری می‌کنند و بازگشت کافران فاجر برای تنبیه شدن و انتقام پس دادن است، همانان که در طول عمر خویش در برابر حق صف‌آرایی کرده و مانع پیشرفت منادیان حق شدند، منادیانی که به اذن خداوند، خلق خدا را بیم و بشارت داده و آنان را نسبت به مسؤولیتشان آگاه می‌کردند.

چنان‌که در قرآن می‌خوانیم:

﴿حَمِّمَ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ﴾^۱

«حَمِّمَ» (قسم به حمید و مجید دو نام مقدس الهی)، قسم به قرآن حکمت بیان، ما آن قرآن را در شب مبارک (قدر) فرستادیم تا خلق را از عذاب قیامت آگاه کنیم و بترسانیم.»

قرآن عصاره صدواندی کتاب آسمانی و کلامش حق و آیات آن از جانب خدای دو جهان برای هدایت خلق نازل شده است، اگرچه عده‌ای سرکشی کرده و با کلام مقدس خدا هدایت نیافته و در تاریکی سیر کردند تا آنجا که در سایه شک و شبهه و ناباوری کفر پیشه آنان گشته است، همانان که هر چه دیدند و شنیدند به مسخره گرفته و با پوزخندهای زهراگین خود آتش به قلب پاک پیامبران افکندند، پیامبرانی که پیامشان را در سایه بشارت‌ها و انذارها بیان کرده و هدفشان ایجاد معرفت و مسؤولیت در میان آدمیان بوده است.

قرآن مجید در معرفی سرکشان معاند می‌فرماید:

﴿بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ يَلْعَبُونَ﴾^۱

«کافران (را به خدا و قیامت ایمان نیست بلکه) با شک و استهزا به

بازیچه دنیا مشغول‌اند.»

در همین رابطه خداوند خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

﴿فَازْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ يَغْشى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ
رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ﴾^۲

ای رسول «منتظر باش روزی خواهد آمد که آسمان دودی آشکار می‌آورد، آن دود آسمانی مردم را احاطه کند که عذابی دردناک است (و کافران فریاد برآرند که) پروردگارا! این عذاب از ما بر طرف ساز ما البته ایمان می‌آوریم.»

به تحقیق اینها همان منکران سرسختی هستند که با تأخیر در عذاب به کفر خود اصرار ورزیده و عذاب الهی را به جان خریده و می‌خرند، در واقع این نوع افراد در هر عصری وجود داشته و دارند، آنان در نهایت خودخواهی و با پیروی از هوای نفس، عقل خود را ملاک قرار داده و برای رد پیام‌های آسمانی قد علم کرده و می‌کنند، درحالی‌که پیام‌های خدای سبحان در هر کتابی از کتاب‌های آسمانی حق بوده و تا پایان زمان حق خواهد بود، ولی این سرکشان بدون منطق

بدانند که حرکتشان فاقد ارزش است و طغیانشان سبب نکبتشان شده و کفرشان خشم خالق هستی را برانگیخته و برمی‌انگیزد.

در روایت آمده است این واقعه به هنگامی است که مردم در رجعت از قبرها بیرون آمده و به دنیا باز می‌گردند و تاریکی همه مردم را فرا می‌گیرد و خلائق می‌گویند: ﴿رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ﴾^۱ «خدایا این عذاب را از ما برطرف کن، ما ایمان می‌آوریم.»

خداوند در کتاب آسمانی قرآن می‌فرماید:

﴿لَئِن أَخْرَجْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ لَّيَقُولُنَّ مَا يَخْبِئُهُ آلَا يَوْمٍ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ﴾^۲

«اگر عذاب را تا چندگاهی از آنان به تأخیر افکنیم، (از روی استهزا) حتماً خواهند گفت: چه چیز مانع آن شده؟ آگاه باشید، روزی که (عذاب) به آنان برسد از ایشان بازگشتنی نیست و آنچه را که مسخره می‌کردند آنان را فرو خواهد گرفت.»

در همین رابطه در قرآن کریم آمده است.

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِن دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ﴾^۳

«آیا از (حال) کسانی که از بیم مرگ از خانه‌های خود خارج شدند و هزاران تن بودند، خبر نیافتی پس خداوند به آنان گفت: (تن به مرگ بسپارید) آنگاه آنان را زنده ساخت، آری خداوند نسبت به مردم صاحب بخشش است، ولی بیشتر مردم سپاسگزاری نمی‌کنند.»

چنان‌که در قرآن می‌خوانیم:

﴿وَ حَرَامٌ عَلَىٰ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ﴾^۴

۱ - سوره دخان (۴۴) آیه ۱۰.

۲ - سوره هود (۱۱) آیه ۸.

۳ - سوره بقره (۲) آیه ۲۴۳.

۴ - سوره انبیاء (۲۱) آیه ۹۵.

«و بر (مردم) شهری که آنان را هلاک کرده‌ایم، بازگشتشان (به دنیا) حرام است.»

در واقع هر قومی که به عذاب قهر خداوند گرفتار شده‌اند، حق بازگشت به دنیا را ندارند؛ زیرا آنان ظرفیت و استعدادشان برای کمال از دست رفته است که هلاک شده‌اند و کسانی حق بازگشت دارند که استعداد کمالی آنان باقی باشد و به دست هلاکت الهی محو نشده باشند.^۱

در روایت آمده است: رجعت دورنمایی از رستاخیز است، خداوند هزاران انسان را که از قرن‌ها پیش در زیر خاک‌ها مدفون شده‌اند با یک فرمان جان می‌بخشد و در محکمه عدل الهی پیش از رستاخیز عمومی شرکت می‌دهد تا خود شاهد گرفتن حق مظلوم از ظالم باشند.

امام محمد باقر علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«أَيَّامُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ثَلَاثَةٌ يَوْمٌ يَقُومُ الْقَائِمُ وَيَوْمُ الْكُرَّةِ وَيَوْمُ الْقِيَامَةِ.»^۲

«روزهای خدای تبارک و تعالی سه روز است. روز قیام قائم، روز رجعت، روز

قیامت.»

قیامت صغری، روز قیام شکوهمند قائم آل محمد صلی الله علیه و آله به عنوان اولین یوم‌الله مطرح شده است که در آن روز توسط یگانه منجی عالم بشریت حکومت عدل و داد برقرار می‌شود و قرآن و احکام حیاتبخش آن احیاء می‌گردد و بساط ظلم و استبداد برچیده شده و قدرت‌های اهریمنی نابود می‌شوند و عالم آماده برقراری حکومتی می‌گردد که انبیا و اولیا بخاطرش خون دل خورده‌اند و شکی نیست با برقراری حق و نابودی باطل اهل زمین و آسمان و هرکس که در بین آن است خوشحال و مسرور می‌گردد و به راستی چه شادی و سروری بالاتر از آن که با وقوع رستاخیز صغری برای حضرت ختمی مرتبت رجعتی تحقق پذیرد که بزرگترین حرکت جهانی را به دنبال دارد و بار دیگر خاتم

۱ - کتاب منتقم حقیقی، ص ۴۸۲.

۲ - بحار الانوار، ج ۷، ص ۶۱، ح ۱۳.

الانبياء حضرت محمد مصطفی ﷺ بشارت‌ها و انذارهای خود را به گوش جهانیان خواهند رساند.

رجعت حضرت رسول اکرم ﷺ

در قرآن کریم آمده است:

﴿إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ﴾^۱

«خداوندی که قرآن را بر تو واجب کرد تو را به بازگشتگاه برمی‌گرداند.»

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود: رسول اکرم صلی الله علیه و آله به سوی شما بر می‌گردد.^۲

در محضر امام محمد باقر علیه السلام از جابر بن عبدالله انصاری گفتگو شد، امام باقر فرمود: «خداوند جابر را رحمت کند، او از فقیهان ما بود، دانشش تا به آنجا رسیده بود که می‌دانست آیه ﴿ان الذي فرض...﴾ مربوط به رجعت است.»^۳
از امام صادق علیه السلام تفسیر این آیه را پرسیدند، حضرت فرمود:
«به خدا سوگند، دنیا سپری نمی‌شود تا رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امیر مؤمنان علیه السلام در ثبوة^۴ همدیگر را ملاقات کنند و در آنجا مسجدی بسازند که دوازده هزار در داشته باشد.»^۵

در همین رابطه در قرآن می‌خوانیم:

﴿مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا﴾^۶

«تو را نفرستادیم جز نوید بخش و بیم دهنده برای همه مردمان.»

امام محمد باقر علیه السلام فرمودند:

۱ - سورة فصص (۲۸) ص ۸۵

۲ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۵۶، ح ۳۳.

۳ - همان، ج ۵۳، ص ۶۱، ح ۵۱

۴ - (ثبوة) نام سرزمینی در نواحی کوفه است، که قبر ابوموسی اشعری آنجاست.

۵ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۱۴، ح ۱۳۸. ۶ - سورة سباء (۳۴) آیه ۲۸.

این آیه در رجعت تحقق می یابد.^۱

خداوند در قرآن خطاب به رسول اکرم می فرماید:

﴿ يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ، قُمْ فَأَنْذِرْ ﴾^۲

«ای جامه به خود پیچیده! برخیز و انذار کن.»

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود:

«منظور از این آیه، رجعت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و بیم دادن آن حضرت در رجعت

است.»^۳

قرآن کریم در سوره والشمس می فرماید:

﴿ وَالشَّمْسِ وَضُحِيِّهَا، وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَيَّهَا، وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّىهَا ﴾^۴

«سوگند به آفتاب و روشنائی آن، سوگند به ماه چون از پی آن درآید،

سوگند به روز هنگامی که جهان را روشن سازد.»

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود:

«منظور از آفتاب در این سوره، رسول اکرم صلی الله علیه و آله و منظور از ماه امیر مؤمنان علیه السلام

و منظور از روز امامان اهل بیت علیهم السلام هستند که در آخرالزمان مالک روی زمین

می شوند و آن را پر از عدالت می کنند.»^۵

قرآن کریم در این باره می فرماید:

﴿ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ، لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ

كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ﴾^۶

«اوست خدایی که رسول خود (محمد مصطفی صلی الله علیه و آله) را با دین حق به

هدایت خلق فرستاد تا بر همه ادیان عالم تسلط و برتری دهد هر چند

۱ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۲.

۲ - سوره مدثر (۷۴) آیه ۲ - ۱.

۳ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۲، ح ۱۱.

۴ - سوره الشمس (۹۱) آیه ۱ - ۳.

۵ - تفسیر بصائر، ج ۵۶، ص ۹۳؛ علاوه بر این رک: بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۸۹، ح ۱۷.

۶ - سوره توبه (۹) آیه ۳۳.

مشرکان و کافران ناراضی و مخالف باشند.»

امام جعفر صادق علیه السلام درباره آیه ﴿هُوَ الَّذِي...﴾ می فرماید:
 «وَاللَّهِ مَا نَزَلَ تَأْوِيلُهَا بَعْدَ، وَلَا يَنْزِلُ تَأْوِيلُهَا حَتَّى يَخْرُجَ الْقَائِمُ عليه السلام، فَإِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ لَمْ يَبْقَ كَافِرٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَلَا مُشْرِكٌ بِالْإِمَامِ إِلَّا كَرِهَ خُرُوجَهُ، حَتَّى لَوْ كَانَ كَافِرًا أَوْ مُشْرِكًا فِي بَطْنِ صَخْرَةٍ لَقَالَتْ: يَا مُؤْمِنُ فِي بَطْنِي كَافِرٌ فَأَقْتُلْهُ!»^۱

«به خدا سوگند، این آیه تحقق نیافته و تحقق نمی یابد تا روزی که قائم ظهور کند، چون او ظهور کند هیچ کافرو یا مشرکی ظهور او را خوش نخواهد داشت؛ زیرا اگر کافرو یا مشرکی در دل سنگی باشد، آن سنگ خواهد گفت: ای مؤمن! در دل من کافری هست، آن را به قتل برسان.»

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود:

«حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به سوی شما بر می گردد.»^۲

امام محمد باقر علیه السلام نیز می فرماید:

«این آیه در رجعت تحقق خواهد یافت.»^۳

در قرآن مجید آمده است:

﴿يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا﴾^۴

«روزی که در صور دمیده می شود، گروه گروه می آید.»

روز رجعت روز بازگشت محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله است، روزی که بزرگ مظلوم عالم حضرت علی علیه السلام بر می گردد تا به دور از فتنه های دشمنان کج فهمی همچون ناکثین، قاسطین، مارقین^۵ بر سراسر گیتی فرمانروایی کند.

۱ - منتخب الاثر، ص ۲۹۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۴، ح ۳۶.

۲ - تفسیر برهان، ج ۳، ص ۲۳۹. ۳ - تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۸۷.

۴ - سوره نبا (۷۸) آیه ۱۸.

۵ - حضرت علی (علیه السلام) در دوران خلافتش سه دسته را از خود طرد کرد و با آنان به پیکار برخاست از جمله: ناکثین پیمان شکنان مرتد، همان اصحاب جمل بودند که از لحاظ روحیه طرفدار تبعیض و به ثروت علاقمند بوده و سخنان حضرت علی (علیه السلام) بیشتر درباره عدل و مساوات متوجه این جمعیت

رجعت امير مؤمنان عليه السلام

﴿ حَتَّىٰ إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ إِذْأَنَّهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ ﴾^۱

«هنگامی که بر ایشان دری همراه با عذابی سخت بگشودیم ناگهان در

آن حیران و نومیدند.»

امام محمد باقر عليه السلام در تفسیر این آیه فرمود:

«منظور، عالم رجعت است.»^۲

«رجعت امیر مؤمنان علی بن ابی طالب عليه السلام، هنگامی که به این جهان باز

می‌گردد.»^۳

در احادیث بی شماری از امیر مؤمنان عليه السلام روایت شده که فرمودند:

«من صاحب عصایم، من صاحب میسم.»^۴

﴿ سَنَسِيئَةٌ عَلَىٰ الْحَرْطُومِ ﴾^۵

«زود است که بر روی بینی اش داغ بزنیم.»

در تفسیر قمی آمده است:

«این آیه مربوط به رجعت است، هنگامی که حضرت علی عليه السلام رجعت کند

بر پیشانی دشمنانش داغ می‌نهد تا شناخته شوند.»^۶

بود. اخلاص کنندگان در میان این گروه طلحه و زبیر و یارانشان بودند که همان آتش افروزان جنگ جمل می‌باشند. قاسطین ستمگران سلطه جو، همان اصحاب صفین هستند که روح سیاست و تقلب و نفاق در میانشان حاکم بود، آنان می‌کوشیدند تا زمامداری حضرت علی (علیه السلام) را درهم فرو ریزند. نماینده این گروه معاویه و پیروانش بود. مارقین منافقان جنایتکار، همان اصحاب نهروان (خوارج) هستند که با تعصبی خاص سرکشی کرده و جهالت‌های خطرناک داشتند، از جمله: شقی‌ترین شقی‌ها از این گروه سبب شهادت مولای متقیان حضرت علی (علیه السلام) شد و از این پس سلسلهٔ پلید بنی‌امیه روی کار آمد.

۲ - مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۱۴.

۱ - سوره مؤمنون (۲۳) آیه ۷۷.

۴ - اصول کافی، ج ۱، ص ۱۹۷.

۳ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۴.

۶ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۳.

۵ - کتاب رجعت، ص ۱۸۴.

در قرآن کریم آمده است:

﴿إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْيُنُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ﴾^۱

«اگر بخواهیم برای آنان از آسمان آیتی فرو فرستیم، تا گردن‌هایشان در

برابر آن خاضع شود.»

امیرمؤمنان در ضمن حدیث مفصلی می‌فرماید:

«برای من رجعتی پس از رجعتی و بازگشتی پس از بازگشتی است، برای من

رجعت‌هاست، برای من بازگشت‌هاست، برای من جنبش‌ها و انتقام‌هاست،

برای من حکومت‌های عجیب و غریب است. من دابة الارض^۲ هستم، من

صاحب عصا و میسم هستم.»^۳

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«حضرت علی علیه السلام یکبار با امام حسین علیه السلام بر می‌گردد و برای او از بنی‌امیه

انتقام می‌گیرد. یکبار با رسول اکرم صلی الله علیه و آله بر می‌گردد و در روی زمین خلافت

می‌کند و امامان علیهم السلام والیان او می‌باشند.»^۴

روایت است خدای تبارک و تعالی در شب معراج خطاب به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

فرمود: «ای محمد! علی اولین امامی است که پیمان مرا پذیرفته است او آخرین

امامی خواهد بود که روحش را قبض می‌کنم، او همان دابة الارض است که با

مردم سخن می‌گوید.»^۵

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:

«دابة الارض سه بار ظاهر می‌شود.»^۶

در احادیث اهل سنت نیز آمده است:

۱ - سورة شعراء، (۲۶) آیه ۴.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۱۷، ح ۱۴۶.

۳ - ایفاظ، ص ۳۷۵.

۴ - تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۰۸.

۵ - بحار الانوار، ج ۴۰، ص ۳۸.

۶ - مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۳۴.

«دابة الارض سه بار خارج خواهد شد.»^۱
 با خروج دابة الارض وحشت دشمنان آشکار می شود، چنان که قرآن کریم
 می فرماید:

﴿وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ﴾^۲

«هرکسی که ستم کرده آرزو می کند آنچه در زمین است، از آن او باشد تا
 همه را بدهد و خود را برهاند.»

در واقع، در ایام رجعت تکلیف دشمنان مشخص می شود. قرآن کریم
 می فرماید کسانی که از حق پیروی کرده و همچنان در یاری دین مبین اسلام
 کوشا بوده اند به یاری خود ادامه دهند:

﴿وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ
 رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ﴾^۳

«به یاد آور هنگامی که خداوند از پیامبران پیمان گرفت که هر گاه به
 شما کتاب و حکمت عطا کردیم و آنگاه پیامبری آمد که تصدیق کننده
 (بود) آنچه با شماست، البته به او ایمان آورید و یاری اش کنید.»

امام صادق عليه السلام در تفسیر این آیه فرمودند:

«یعنی به رسول اکرم صلی الله علیه و آله ایمان بیاورند و امیر مؤمنان عليه السلام را یاری نمایند.»^۴
 ابن ابی شیبہ پرسید، امیر مؤمنان را یاری نمایند؟ فرمود:

«آری! به خدا سوگند، خداوند از آدم تا خاتم، پیامبری نفرستاده جز این که او
 را باز می گرداند تا در برابر علی بن ابی طالب عليه السلام شمشیر بزنند.»^۵

امام صادق عليه السلام در تفسیر همین آیه فرمودند:

«این آیه هنوز تحقق نیافته است.»

سلام بن مستنیر پرسید: جانم به فدای شما، این آیه کی تحقق می یابد؟

۱ - بحار الانوار، ج ۶، ص ۳۰۰.

۲ - سوره بونس (۱۰) آیه ۵۴.

۳ - سوره آل عمران (۳) آیه ۸۱.

۴ - بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۲۶۸، ح ۲.

۵ - تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۱.

حضرت فرمود:

«این آیه هنگامی تحقق می‌یابد که خداوند همه پیامبران و مؤمنان را برای نصرت امیر مؤمنان گرد آورده و پرچم رسول اکرم صلی الله علیه و آله به دست امیر مؤمنان داده شود، آن حضرت در آن روز امیر همه مخلوقات شده و همگی در زیر پرچم او قرار می‌گیرند و او بر همه امیر می‌باشد، این است تأویل این آیه.»^۱

﴿وَلَئِنْ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ﴾^۲

«اگر در راه خدا کشته شوید و یا بمیرید، رحمت و مغفرت خدا بهتر است از آنچه گرد می‌آورند.»

امام محمد باقر علیه السلام در پیرامون این آیه از جابر پرسید:

ای جابر! آیا می‌دانی که معنای «سبیل الله» چیست؟

جابر گفت: نه به خدا سوگند، جز این که از شما بشنوم، حضرت فرمود:

«سبیل الله راه علی و راه اولاد علی است، هر کس با ولایت او کشته شود، در راه خدا کشته شده است و هر کس با ولایت او بمیرد، در راه خدا مرده است، هیچ مؤمنی از این امت نیست جز این که برای او قتل و مرگی هست، هر کدام از آنان کشته شود یکبار دیگر بر می‌گردد تا بمیرد و هر کدام از آنان بمیرد بر می‌گردد تا کشته شود.»^۳

رجعت حضرت حسین علیه السلام

در روایت آمده است: «امام حسین علیه السلام روز عاشورا پیش از شهادتش به تفصیل در مورد رجعت خود سخن گفته که در ضمن آن می‌فرماید: من اولین کسی خواهم بود که زمین شکافته می‌شود و سپس رجعت می‌کنم.»^۴

در حدیث دیگر آمده است:

۲ - سورة آل عمران (۳) آیه ۱۵۷.

۱ - تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۹۵.

۴ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۲.

۳ - تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۲.

«نخستین کسی که سر از خاک برمی دارد، حسین بن علی است که با هفتاد و پنج هزار نفر از شیعیان رجعت می کند.»^۱

«اولین کسی که به دنیا باز می گردد حسین بن علی است که با اصحابش رجعت می کند و یزید بن معاویه با اصحابش بر می گردد، آنگاه امام حسین برای هر ضربتی یک ضربت می زند و همه آنان را می کشد.»^۲
از امام صادق علیه السلام روایت شده است:

«گروهی از فرشتگان از خدای تبارک و تعالی اجازه گرفتند که برای یاری امام حسین علیه السلام نازل شوند، چون به سرزمین کربلا رسیدند امام حسین به شهادت رسیده بود، به آنان خطاب شد ملازم قبر او باشید تا وقتی که خروج کند، در آن روز از یاران او خواهید بود، این فرشتگان همواره در کنار قبر آن حضرت هستند و برای مظلومیت آن بزرگوار گریه می کنند تا روزی که خارج شود و آنان از یاران و یاوران او می باشند.»^۳

خداوند سبحان در قرآن مجید این چنین نوید داده و می فرماید:

﴿ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَيَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ
أَكْثَرَ نَفِيرًا﴾^۴

«پس از چندی دوباره شما را بر آنان چیره می کنیم و شما را با اموال و

پسران یاری می دهیم و تعداد نفرات شما را بیشتر می گردانیم.»

در همین رابطه خداوند به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نوید داده است که اهل بیتش یکبار دیگر به این جهان باز می گردند و دشمنان خود را می کشند و بر سراسر گیتی حکم می رانند.^۵

خوشا به حال یاوران اهل بیت عصمت و طهارت که عزت خود را خواهند یافت و واحسرتا به حال دشمنان این خاندان شریف که در آن روز وحشت و ذلت

۲ - تفسیر عباشی، ج ۲، ص ۲۸۲.

۱ - تفسیر برهان، ج ۴، ص ۴۲۴.

۴ - سوره اسراء (۱۷) آیه ۶.

۳ - کامل الزیارة، ص ۸۸.

۵ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۵۷، ح ۴۸.

واقعی شامل حالشان خواهد گشت، در همان روزی که در صور دمیده شود و...

﴿فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ، فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ، عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ﴾^۱

«چون در صور دمیده شود پس آن روز، روز ناگواری برای کافران است که در آن هیچ‌گونه راحتی و آسایش نیست.»

در تفسیر آیه شریفه: ﴿فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ﴾ روایت است:

ناقور همان صدای جبرائیل از آسمان است که می‌فرماید: آگاه باشید که ولی شما فلان بن فلان، قائم به حق می‌باشد، درسه ساعت از آن روز جبرائیل چنین ندا می‌کند: «فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ، عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ» مقصود از کافران مرجئه^۲ می‌باشند که به نعمت خداوند و ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام کافر شدند.^۳ به تحقیق در آن روز برای ستمکاران روز سختی خواهد بود هم‌چنان که در قرآن مجید به آن اشاره شده است. از جمله:

﴿مُهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ، يَقُولُ الْكَافِرُونَ هَذَا يَوْمٌ عَسِيرٌ﴾^۴

«به سوی صاحب دعوت (صاحب صیحه) می‌شتابند و کافران گویند: امروز روز دشواری است.»

در جواب این ظالمان گفته می‌شود:

﴿إِنَّ لَنَا يَوْمًا يَخْسِرُ فِيهِ الْمُبْطِلُونَ﴾

«ای اهل باطل زیانتان روز حشر آشکار می‌شود.»

در همان روزی که آتش خشم خدا، منکران حق را در بر می‌گیرد و قرآن خطاب به آنان می‌فرماید:

﴿هَذِهِ النَّارُ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ﴾^۵

«این است آتشی که شما آن را انکار می‌کردید.»

﴿إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ﴾^۶

۱ - سوره مدثر (۷۴) آیه ۱۰ تا ۸.

۲ - مرجئه گروههایی از اهل سنت را گویند.

۳ - ستاره درخشان، ص ۴۸۳.

۴ - سوره قمر (۵۴) آیه ۸.

۵ - سوره طور (۵۲) آیه ۱۴.

۶ - همان، آیه ۷.

«به درستی که عذاب پروردگار تو هر آینه واقع شدنی است.»

﴿ وَيَوْمَ نَخَشِرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجاً مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ ﴾^۱

«و آن روز که از هر امتی گروهی را بر می انگیزیم که آیات ما را تکذیب می کردند پس آنان بازداشته می شوند.»

در این آیه آمده است که از هر امتی گروهی را بر می انگیزیم که به فرموده ائمه معصومان علیهم السلام بر قیامت صغری دلالت داشته و روز رجعت را گوشزد می کند.

﴿ وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَاباً دُونَ ذَلِكَ، وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴾^۲

«بی گمان ستمکاران را عذابی است پیش از آن، ولکن بیشترشان نمی دانند.»

همانان که خواهند گفت: ﴿ يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا ﴾^۳

«ای وای بر ما، چه کسی ما را از خوابگاهمان برانگیخت؟!»

در همین رابطه در قرآن کریم می خوانیم:

﴿ وَلَنَذِيقَنَّهِمُ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَى، دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ، لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴾^۴

«بدون تردید پیش از فرا رسیدن عذاب بزرگتر از عذاب نزدیکتر به آنان می چشانیم، شاید به سوی حق بازگردند.»

امام جعفر صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

منظور از عذاب ادنی رجعت علی بن ابی طالب علیه السلام است.^۵

همچنین آن حضرت می فرماید: عذاب پست تر قحطی و خشک سالی و

(عذاب) بزرگتر قیام قائم با شمشیر در آخر الزمان است.^۶

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«أَوَّلُ مَنْ يُحْكَمُ فِيهِمْ مُحَمَّدٌ بْنُ عَلِيٍّ وَفِي قَاتِلِهِ، ثُمَّ فِي قُنْفُذٍ، فَيُوثِقَانِ هُوَ وَصَاحِبُهُ،

فَيُضْرَبَانِ بِسِيَّاطٍ مِنْ نَارٍ لَوْ وَقَعَ سَوَاطِ مِنْهَا عَلَى الْبِحَارِ لَغَلَّتْ مِنْ مَشْرِقِهَا إِلَى مَغْرِبِهَا وَلَوْ

۱ - سورة نمل (۲۷) آیه ۸۳

۲ - سورة طور (۵۲) آیه ۴۸

۳ - سورة يس (۳۶) آیه ۵۲

۴ - سورة سجده (۳۲) آیه ۲۱

۵ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۳۸

۶ - تفسیر برهان، ج ۳، ص ۲۸۸

وَضِعَتْ عَلَى جِبَالِ الدُّنْيَا لَذَابَتْ حَتَّى تَصِيرَ رَمَاداً، فَيُضْرَبَانِ بِهَا»^۱

«نخستین کسی که درباره او محکمه عدل در حکومت حقه تشکیل می شود، مجسّن فرزند علی است، بین او و قاتلش محکمه برگزار می شود، قنّذ و آفایش آورده می شوند و با تازیانه هایی از آتش شلاق می خورند که اگر یکی از آن شلاق ها بر دریا زده شود همه اقیانوس های جهان از مشرق تا مغرب به جوش می آید و اگر یکی از آنان به یکی از کوه های دنیا بخورد ذوب شده به خاکستر تبدیل می شود، آن دو دشمن خدا با این تازیانه شلاق می خورند.»
قرآن کریم می فرماید:

﴿ وَتَرَى الظَّالِمِينَ لَمَّا رَأَوْا الْعَذَابَ يَقُولُونَ هَلْ إِلَى مَرَدٍّ مِنْ سَبِيلٍ ﴾^۲

«ستمگران را می بینی، هنگامی که عذاب را ببینند، گویند آیا راهی برای بازگشت هست.»

علی بن ابراهیم در تفسیر این آیه روایت کرده است که در این آیه منظور از «عذاب» رجعت علی بن ابی طالب علیه السلام است.^۳
قرآن کریم در جای دیگر می فرماید:

﴿ قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيْمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ ﴾^۴

«بگو که در روز فتح، کافران را ایمان آوردن سودی نمی بخشد و به آنان مهلت داده نمی شود.»

امام موسی بن جعفر علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه فرمود:
«يَوْمَ تَفْتَحُ الدُّنْيَا عَلَى الْقَائِمِ، وَلَا يَنْفَعُ أَحَدًا تَقَرُّبَ بِالْإِيمَانِ مَا لَمْ يَكُنْ قَبْلَ ذَلِكَ مُؤْمِنًا. وَأَمَّا مَنْ كَانَ قَبْلَ الْفَتْحِ مُؤْمِنًا وَمُنْتَظِرًا لِخُرُوجِهِ فَذَلِكَ الَّذِي يَنْفَعُهُ إِيْمَانُهُ، وَيُعْظَمُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عِنْدَهُ قَدْرُهُ وَشَأْنُهُ! وَهَذَا أَجْرُ الْمُؤَالِمِينَ لِأَهْلِ الْبَيْتِ... ثُمَّ لَا يَزَالُ يَقْتُلُ أَعْدَاءَ اللَّهِ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ، وَيَعْلَمَ رِضَى اللَّهِ تَعَالَى عَنْهُ فِي ذَلِكَ حِينَ يُحْسِنُ الرَّحْمَةَ بِقَلْبِهِ.»^۵

۲ - سورة شوری (۴۲) آیه ۴۴.

۱ - کامل الزیارات، ص ۳۳۴.

۴ - سورة سجده (۳۲) آیه ۲۹.

۳ - تفسیر برهان، ج ۴، ص ۱۲۹.

۵ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۱۸، ح ۷.

«روزی که دنیا به دست قائم فتح شود، دیگر ایمان آوردن برای کسی که قبلاً ایمان نداشت سودی نبخشد، اما کسی که پیش از فتح ایمان آورده و انتظار ظهور او را می کشید، ایمانش او را سود خواهد بخشید و خداوند مقام و منزلت او را بالا خواهد برد و این پاداش دوستداران اهل بیت است، سپس (آن حضرت) آن قدر از دشمنان خدا را می کشد تا خداوند راضی شود، آن وقت در دل خود احساس مرحمت می کند و از آنجا می فهمد که پروردگارش راضی شده است.»

روز فتح، روزی است که دنیا بر قائم آل محمد گشوده می شود و جهان به تسخیر آن حضرت در می آید و کسانی که قبل از فتح بر امامت ایشان یقین داشته و منتظر قیام آن سرور بوده اند ایمانشان باعث نجات شده و خداوند قدر و شأن ایشان را بزرگ می گرداند و این پاداش دوستداران و پذیرندگان ولایت اهل بیت علیهم السلام است.

در روایت آمده است: افرادی که برای تنبیه و انتقام رجعت می کنند هرگز به میل و اراده خود بر نمی گردند بلکه آنان را کشان کشان آورده و آنان ناگزیر به رجعت می شوند ولی در مورد مؤمنان اختیار خواهد بود، در این باره در روایتی آمده است.

مفضل بن عمر می گوید: در خدمت امام صادق علیه السلام صحبت از حضرت ولی عصر علیه السلام و افرادی شد که عاشقانه انتظار ظهور او را می کشند و پیش از نیل به چنین سعادتى از دنیا می روند، آنگاه حضرت فرمودند:

«إِذَا قَامَ آتِيَنَّ الْمُؤْمِنِينَ فِي قَبْرِهِ، فَيُقَالُ لَهُ: يَا هَذَا إِنَّهُ قَدْ ظَهَرَ صَاحِبُكَ، فَإِنْ تَشَاءُ أَنْ تَلْحَقَ بِهِ فَالْحَقْ، وَإِنْ تَشَاءُ أَنْ تُقِيمَ فِي كَرَامَةِ رَبِّكَ فَأَقِمْ.»^۱

هنگام ظهور حضرت ولی عصر (عجل الله تعالى فرجه الشريف) «مأموران الهی در قبر با اشخاص مؤمن تماس می گیرند و به آنان می گویند: ای بنده خدا مولایت ظهور کرده است، اگر می خواهی که به او پیوندى آزاد هستی و اگر بخواهی در نعمت های الهی متنعم بمانی باز هم آزاد هستی.»

در همین رابطه بشارتی از ابا عبدالله الحسین علیه السلام نقل شده که فرمودند:
 به خدا قسم این قوم ما را به قتل رسانند، ما به نزد پیامبرمان برمی گردیم آنگاه
 من تا مدت زمانی که خداوند مقرر گرداند، می مانم و نخستین کسی خواهم بود
 که قبرش شکافته می شود و به موازات برانگیخته شدن پدرم امیرالمؤمنین علیه السلام
 از قبر و قیام قائم آل محمد صلی الله علیه و آله، من نیز از قبرم بیرون می آیم، آنگاه جماعتی از
 فرشتگان آسمان به امر الهی فرود می آیند، از جمله: جبرائیل، میکائیل، اسرافیل
 با لشکری از فرشتگان به سوی من نازل می شوند سپس حضرت محمد
 مصطفی صلی الله علیه و آله جدم و حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام پدرم و برادرم امام
 حسن علیه السلام و تمام آنانی که خداوند به واسطه ایمان کامل بر آنان منت نهاده بر
 مرکب های ابلق که همه نورند و تا آن روز آفریده ای بر آنها سوار نگشته، فرود
 می آیم، سپس حضرت رسالت پناه پرچم خود را به اهتزاز درآورده و آن را با
 شمشیر خود به قائم ما می دهد و بدین گونه بعد از آن تا زمانی که خداوند تقدیر
 فرموده در جهان خواهیم زیست و من هر جنبنده حرام گوشت را کشته و نابود
 می گردانم به طوری که جز حیوانات حلال گوشت در روی زمین باقی نماند سپس
 من یهود و نصاری و سایر ملل را به دین اسلام دعوت می کنم و آنان را در
 برگزیدن اسلام و شمشیر مخیر می گردانم هر کس اسلام آورد بروی منت می نهم
 و هر کس امتناع ورزد، خون او را می ریزم.^۱

در همین رابطه قرآن کریم می فرماید:

﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ﴾^۲

«ما فرستادگان خود و کسانی را که ایمان آورده اند، در دنیا و روزی که

شهیدان بر می خیزند، یاری می کنیم.»

در کتاب منتخب البصائر از جمیل بن دراج روایت کرده که گفت: در مورد این

آیه از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم، حضرت فرمود:

«به خدا قسم این واقعه در رجعت است، آیا نمی دانی بسیاری از پیغمبران که در دنیا یاری نشدند و کشته گشتند و ائمه هم کشته شدند و کسی آنان را یاری نکرد؟»

عرض کردم: تاویل این آیه چیست؟ حضرت فرمودند:

﴿وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادُ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ﴾^۱

«روزی که منادی از جایی نزدیک ندا در می دهد به گوش باش، روزی که فریاد (رستاخیز) را به حق می شنوند آنروز، روز بیرون آمدن از زمین است.»

﴿يَوْمَ تَشَقُّ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ذَلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ﴾^۲

«روزی که زمین (از فراز آنان) شتابان شکافته شود، آنروز برای ما حشری آسان است.»

همچنین از حضرت امام جعفر صادق عليه السلام روایت شده که فرمودند:

«چون وقت قیام قائم آل محمد (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بشود در جمادی الآخر و ده روز از ماه رجب بارانی بیارد که خلائق مثل آن را ندیده باشند پس خدا به آن باران گوشت های مؤمنان و بدن های ایشان را در قبرهایشان برویاند و چون قائم ما خروج کند نزد قبر هر مؤمنی ملکی بیاید و او را ندا کند: ای فلانی صاحب و امام تو ظاهر شده است اگر می خواهی به او ملحق شو و در غیر این صورت در نعمت و کرامت خداوند بمان.»^۳

چنانکه در روایت آمده است:

«إِذَا آن قِيَامُهُ مُطِرَ النَّاسَ جَمَادِي الْآخِرَةِ، وَعَشْرَةَ أَيَّامٍ مِنْ رَجَبٍ مَطْرًا لَمْ تَرَ الْخَلَائِقُ مِثْلَهُ، فَيُنْبِتُ اللَّهُ لِحُومِ الْمُؤْمِنِينَ وَأَبْدَانَهُمْ فِي قُبُورِهِمْ. وَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْهِمْ مُتَقَبِلِينَ مِنْ قَبْلِ

۲ - سورة ق (۵۰) آیه ۴۴.

۱ - سورة ق (۵۰) آیه ۴۱ - ۴۲.

۳ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷، ح ۷۷.

جَهَنَّةَ يَنْفُضُونَ شِعُورَهُمْ مِنَ التُّرَابِ! ^۱

«چون ظهور او نزدیک شود مردم از بارانی در ماه جمادی الثانی و ده روز از رجب (مجموعاً چهل روز) برخوردار می‌شوند که هرگز در تاریخ آفرینش نظیر آن دیده نشده است، خداوند با این باران گوشت و پوست مؤمنان را در داخل قبرهایشان می‌رویاند، گویی با چشم خود می‌بینم که از طرف جُهَيْنَه (قبیله‌ای در حوالی مدینه) می‌آیند درحالی که خاک را از سر و صورتشان پاک می‌کنند.»

امیر مؤمنان در ضمن یک خطبه طولانی فرمودند:

«الْعَجَبُ، كُلُّ الْعَجَبِ بَيْنَ جُمَادَى وَرَجَبٍ.»

یکی از مستمعان گفت: ای امیر مؤمنان این چه حادثه شگفت‌انگیزی است که این همه موجب تعجب شما شده است؟

حضرت فرمود: «وای بر تو، چه چیزی شگفت‌انگیزتر از این که مردگان برخیزند و گردن زنده‌ها را بزنند!» ^۲

مستمع پرسید: این حادثه کی اتفاق می‌افتد؟ حضرت فرمود:

«سوگند به خدایی که دانه را شکافت و انسان را آفرید، گویی با چشم خود می‌بینم که شمشیرهای خود را بر شانه‌های خود حمایل کرده‌اند و در کوچه‌های کوفه پراکنده شده، گردن دشمنان خود و پیامبر و مؤمنان را می‌زنند و این است معنای آیه شریفه:

﴿لَا تَسْأَلُوا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ﴾ ^۳

«از گروهی که خداوند بر آنان خشم کرده پیروی نکنید.»

در احادیث بسیاری وارد شده است: رجعت برای مؤمنان اختیاری است و به هنگام ظهور حضرت بقیه الله الاعظم، مؤمنان گروه گروه از قبرها بیرون آیند درحالی که کفن بر تن همه صدا به تلبیه بلند کرده و فوج فوج گویند: «لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ يَا

۱ - ارشاد مفید، ص ۴۲.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۰، ح ۴۸.

۳ - همان، ج ۵۳، ص ۸۱.

ذاهب الله؛ «اجابت کردیم و به خدمت تو ایستاده ایم.»^۱

سپس آنان پس از بیعت به امر ولی خدا شمشیرها بر دوش گذاشته بر سر کافران و جباران و ظالمان اولین و آخرین زنند، خداوند در آن روز گروهی از ظالمان را زنده می‌سازد برای این که پیش از روز قیامت از آنان انتقام کشیده شود و بعضی از آنان به جهت پس دادن انتقام هزار بار زنده شده و هزار بار او را بکشند و به هر کجا که خدا بخواهد آنان را ببرند و معذب گردانند، چنان که در قرآن می‌خوانیم:

﴿وَيَوْمَ يَعْصُ الظَّالِمُ عَلَىٰ يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا﴾^۲

«روزی که ستمگر دست‌های خود را به ندامت می‌گزد و می‌گوید: ای کاش همراه پیامبر راهی را بر می‌گزیدم.»

آری، این غم و اندوه و پریشانی برای کسی است که دیگر وقتی برای جبران ندارد؛ زیرا طعم تلخ بی‌اعتنایی و شوخی پنداشتن حقایقی که بر اثر جهل و غرور و ندانم کاری‌ها بوده آشکار می‌شود و آنگاه نادم به خود آید و فریاد و احسرتا برآرد و گوید: وای بر من، کاش...

﴿أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي عَلَىٰ مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ وَإِنْ كُنْتُ لَمِينًا
السَّخِرِينَ﴾^۳

«آنگاه هر نفسی به خود آید و فریاد و احسرتا برآرد و گوید: وای بر من که جانب امر خدا را فرو گذاشتم و در حق خود ظلم و تفریط کردم و به مسخره‌کنندگان به وعده‌های خدا پیوستم.»

در روایات متعددی از اهل بیت علیهم‌السلام می‌خوانیم: «جنب‌الله به امامان تفسیر شده است.»^۴

۱ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۷، ح ۲۰.

۲ - سورة فرقان (۲۵) آیه ۲۷.

۳ - سورة زمر (۳۹) آیه ۵۶.

۴ - بحار الانوار، ج ۲، ص ۳۰، ح ۱۵.

امام موسی بن جعفر علیه السلام در تفسیر ﴿يَا حَسْرَتِي عَلَىٰ مَا فَرَّطْتُ فِي جَنبِ اللَّهِ﴾
می فرماید:

«جَنبُ اللَّهِ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَكَذَلِكَ مَنْ كَانَ بَعْدَهُ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ بِالْمَكَانِ الرَّفِيعِ إِلَىٰ أَنْ
يَتَّهَى الْأَمْرَ إِلَىٰ آخِرِهِمْ»^۱

«جنب الله امیر مؤمنان و همچنین اوصیای بعد از او هستند که مقام والایی
دارند تا به آخرین نفر آنان (که حضرت مهدی) می باشد.»
امام محمد باقر علیه السلام در این باره می فرماید:

«هر کس در بندگی و اطاعت خدا، خود را به زحمت اندازد، ولی امام و
پیشوایی از سوی خدا نداشته باشد، تلاشش بیهوده و خودش گمراه و سرگردان
و خداوند از عبادت او بیزار است و اگر در این حالت بمیرد، کافر و منافق از دنیا
رفته است.»^۲

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«خداوند دلشاد و خوشحال کند کسی را که گفتار مرا با گوش جان بشنود و
درک نماید و آن را حفظ کرده و به نسل های بعدی برساند، چه بسا حامل فقهی
هست که خود فقیه نیست، چه بسا حامل فقهی است به کسانی که از او فقیه تر
می باشند.»^۳

حضرت ولی عصر علیه السلام در توفیق شریفی چنین فرمودند:

«پشیمانی گروهی از مردمان که مقام والای ما را تحمل نکرده، در دین خدا به
شک و تردید می افتند، پس هر که با ما اقاله^۴ کند ما اقاله او را می پذیریم و ما را
نیازی به دلجویی از صاحبان شک و تردید نیست.»^۵

۱ - بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۱۹۲، ح ۱۰.

۲ - همان، ج ۸، ص ۳۶۹، ح ۴۱.

۳ - همان، ج ۲، ص ۱۴۸، ح ۲۲.

۴ - اقاله، فسخ معامله یا بیعت را گویند.

۵ - اعلام الوری، ص ۴۲۴.

به راستی چه ضرر عظیمی، آخر فسخ با که؟ بر هم زدن معامله با چه کسی؟ آیا فسخ بیعت و جدایی از همان کسی که خداوند به وجود مقدسش افتخار می‌کند، همان امامی که به یمن وجود شریفش، عالم آفرینش برقرار است، او که قبله‌گاه اهل بینش و تقوا و تنها ذخیره خدا برای به کمال رساندن انسان می‌باشد، همان انسانی که در بیچارگی و ظلمت دست و پا می‌زند، در واقع اوست که به سوی بندگان بینوا فرستاده می‌شود تا به آنان حیات دوباره بخشد، همراه با خوشبختی، عزت، امنیت، آزادی، رفاه، سلامت جسم و روح و هر آنچه که انسان امروز در پی آن است و برایش به عنوان یک زندگی الهی و ایده‌آل آرزو شده است. حال بارالها! رو به سوی تو و ولایت کرده‌ایم که در انتظار امرت نشسته و مورد انتظار فرج و گشایش کار دوستان است. الهی! بر حجت زمان درود فرست و هر گسیختگی را با او به وصل رسان و هر پراکندگی را با او منسجم گردان و هر نوع ستم حاکم بر جهان را به وسیله او بمیران و عدالت را در این کره خاکی به وسیله او به ظهور رسان. الهی! دشمنانش را که در پی جنگ با او هستند هلاک فرمای و دوستانش را حیات مجدد ببخش تا او را در عصر ظهور و حضور زیارت کنند؛ زیرا این دیدار، منتهای آرزوی یک منتظر است تا با او و همراه او به پرستش تو خدای مهربان پردازد و به تحقیق زندگی در آن عصر بهترین زندگی برای عالمیان خواهد بود، عصر اطاعت و عبادت، عصر پاکی و سعادت، عصر ایثار و رشادت، عصر انسجام و اتحاد، عصر برابری و برادری و از همه مهمتر عصری که بندگان خدا موفق خواهند بود تا در سایه آموزگاری همچون آقا امام زمان علیه السلام در کسب معرفت نسبت به خالق هستی کوشا بوده و عارف به شوکت و قدرت لایتناهی باری تعالی شوند و به راستی می‌توان گفت: تنها عصری که مردمش همگی از عرفا هستند همین عصر است و شکی نیست در این دوره روحانی، دل هر مؤمن عرش و پایگاه خداوند خواهد شد تا آن زمان که وعده حق تحقق پذیرد و آنان با عشقی که عین توحید است بمیرند و سپس با

ندای حق برخاسته و برای همیشه نظاره‌گر آن عظمت والایی باشند که شکوهش پایان ناپذیر است، حال بارالها! تو را قسم به عزت و جلالت آن روز عزیز را هر چه زودتر برسان و آرزوی ما بندگان حقیرت را با ظهور آقا امام زمان حیات بخش و ندای هر بنده‌ای از بندگان را بشنو که خطاب به تو خدای مهربان می‌گوید:

«وَاحْضُرْنِي مَعَهُ لِبَيْعَتِهِ، وَتَأْكِيدِ عَقْدِهِ، بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، عِنْدَ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، وَوَقْفَتِي يَا رَبِّ لِلْقِيَامِ بِطَاعَتِهِ، وَالْمَشْوَى فِي خِدْمَتِهِ، وَالْمَكْتُوبِ فِي ذَوْلَتِهِ، وَاجْتِنَابِ مَعْصِيَتِهِ، فَإِنْ تَوَفَّيْتَنِي اللَّهُمَّ قَبْلَ ذَلِكَ، فَاجْعَلْنِي يَا رَبِّ فِيمَنْ يَكْرَهُ فِي رَجْعَتِهِ، وَيَمْلِكُ فِي ذَوْلَتِهِ، وَيَتِمَكَّنُ فِي آيَاتِهِ، وَيَسْتَنْظِلُ تَحْتَ أَعْلَامِهِ، وَيَخْشُرُ فِي زُمَرَتِهِ، وَتَقْرَأُ عَيْنُهُ بِرُؤْيَتِهِ، بِفَضْلِكَ وَاحْسَانِكَ وَكَرَمِكَ وَامْتِنَانِكَ، إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ، وَالْمَنْ الْقَدِيمِ وَالْإِحْسَانِ الْكَرِيمِ.»^۱

«خداوندا! مرا در مسجدالحرام و در میان رکن و مقام در مراسم پر شکوه بیعت او حاضر کن تا با او پیمان ببندم و مرا موفق نما تا از او اطاعت کنم و در میان خدمتگزارانش قرار بگیرم و در حکومت حق‌هاش اقامت نمایم و از نافرمانی‌اش دوری گزینم.

خدایا! اگر پیش از ظهور او مرا میراندی، پس مرا از کسانی قرار بده که به هنگام ظهور او رجعت می‌کند و در دولت او مسئولیت می‌پذیرد و در روزگار او نیرو می‌یابد و در زیر سایه پرچمش قرار می‌گیرد و در زمره او محشور می‌شود و دیدگانش با دیدار آن جمال الهی روشن می‌گردد. به فضل و کرم و منت و احسانت که تو صاحب فضل بزرگ، منت قدیم و احسان بی‌پایانی.»

الهی! تو ما را بسنده‌ای و بهترین وکیل هستی و ما نیز همچنان در انتظار اذن ظهور هستیم و در لحظه لحظه‌های زمان چشم‌به‌راه نشانه‌هایی که وقوع رستاخیز صغری را نوید دهد. ان شاء الله

نشانه‌های ظهور حضرت مهدی علیه السلام

﴿ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا ﴾^۱

«آیا چشم براه‌اند جز ساعت قیام را که به ناگهائ بیایدشان؟ همانا نشانه‌های آن آمده است.»

«يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّئُهَا لِوَفْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً يَسْأَلُونَكَ كَأَنَّكَ حَتَّىٰ عَنَّا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ.»^۲

ای رسول ما «از تو درباره ساعت می پرسند کی خواهد بود بگو علم آن نزد پروردگار من است کسی جز او آن ساعت را ظاهر و روشن نتواند کرد (شان) آن ساعت در آسمان‌ها و زمین سنگین و عظیم است، جز ناگهانی شما را نیاید؛ از تو می پرسند که گویی تو کاملاً بدان آگاهی؛ بگو علم آن ساعت محققاً نزد خدا است لیکن اکثر مردم بر این حقیقت آگاه نیستند.»

«وَمَا يُذْرِكُ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ أَلَا إِنَّ الَّذِينَ يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ.»^۳

۱ - سورة محمد (۴۷) آیه ۱۸.

۲ - سورة اعراف (۷) آیه ۱۸۷.

۳ - سورة شوری (۴۲) آیه ۱۸ - ۱۷.

«و تو چه دانی شاید که ساعت نزدیک باشد آنان که به ساعت ایمان ندارند به تمسخر تقاضای زودتر شدن آن را دارند و اما آنان که ایمان آورده‌اند از آن سخت بیمناکند و می‌دانند که آن روز برحق است، توجه کنید آنان که درباره ساعت جدال کنند در گمراهی دوری هستند.»

پیامبر اکرم و امامان معصوم علیهم‌السلام نشانه‌های ظهور را برشمرده و امت خویش را نسبت به آن وقایع آگاه فرموده‌اند از جمله:

«الآيَاتُ كَخَزَائِبِ مَنْظُومَاتٍ فِي سِلْكِ، فَانْقَطَعَ السِّلْكُ يَتَّبِعُ بَعْضُهَا بَعْضًا.»^۱

«نشانه‌های ظهور چون دانه‌های یک تسبیح و یا یک گردنبند است که رشته اتصالش بگسلد و دانه‌های آن یکی به دنبال دیگری فرو ریزد.»

همان‌گونه که راویان اخبار فرموده‌اند زمانی که پهنه گیتی دچار حوادث و فجایع غیر منتظره و غیر قابل تحمل شد در انتظار وقوع رستاخیز صغری باشید؛ به طور مثال نقل شده هنگامی که دنیا را هرج و مرج، ظلم و فساد، فتنه و اضطراب، چپاول و غارت، قحطی و ویرانی، مرگ و بیماری، تقلب و نفاق، دورویی و غیبت، سخن چینی و تهمت، کفر و الحاد و بی‌دینی، بی‌عفتی و بی‌حیایی، قساوت قلب و ناامنی در برگیرد.

کافران بر مسلمانان چیره شده و فرزندان نسبت به پدر و مادر آزار و بی‌حرمتی روا می‌دارند و عهد و پیمان شکسته و حدود الهی تعطیل شود، صف‌ها به هم پیوسته و قلب‌ها از هم دور می‌شود، مستی و غفلت مردمان را فرا گرفته و عدل و داد ضعیف می‌گردد، در مسجدها دور هم نشسته و ذکر ایشان تمام از مال و دنیا باشد، مردگان در قبرهایشان ناامید از خیر بازماندگان شوند، تسلط زنها بر مردها و امارت به دست بچه‌ها افتد، افطار در اول ماه رمضان صورت گیرد و روزه در آخرش گرفته شود، خونریزی را سبک شمارند و از هم بیزار می‌جویند، به کفر یکدیگر شهادت دهند و از اشرار به جهت شرّ زیانشان بترسند، آبادی‌ها خراب و خرابی‌ها ساخته شود، جنگل‌ها خشک شده و شکارچیان به

وحشت افتند، اضطراب‌ها و مهاجرت‌ها و فرار کردن‌ها فراوان شود، رازداران خیانت ورزیده موجب دستگیری شوند، حوادث کمر شکن روی دهد، شکافنده‌ها بشکافند و پیش روند و تیز پروازان حمله کنند، خویشان داری از جامعه رخت بریندد، شیطان بر همه چیره شود، عرب‌ها دچار اختلاف شوند و حوادث پیاپی واقع شود و بلند شود ناله و ضجه و بر ضعفا رحم و بر بزرگان احترام نکنند، پیوند خویشاوندی بریده و همسایه، همسایه خود را از ترس زبانش احترام کند، سرگرمی‌های ناسالم چنان رواج پیدا کند که هیچ کسی جرأت جلوگیری از آن را نداشته باشد و اگر کسی اقدام به امر معروف و نهی از منکر کند به او توصیه کنند که این کار وظیفه تو نیست و از افراد با ایمان چنان سلب آزادی شود که جز با دل نتوانند ابراز تنفر کنند، در این زمان گناهان بسیار و آرزوها طولانی و زمان سریع می‌گذرد که انسان در اثر تراکم مشاغل و کثرت مسؤولیت‌های زندگی و فرورفتن در ناملايمات هرگز احساس نمی‌کند که چطور وقت و عمر خود را از دست می‌دهد، هرگاه خداوند غضب کند بر امتی و عذاب بر ایشان نازل نکند به جای آن گرانی حاکم شود و عمرهاشان کوتاه گردد و تجارتشان سود نکند و میوه‌هاشان نیکو نباشد و سدهايشان کم آب باشد و باران از ایشان حبس شود و اشرار ایشان بر ایشان مسلط شوند، هرگاه زنا بسیار شود مرگ ناگهانی هم زیاد می‌شود، هرگاه کم عیاری و کم فروشی باب شود خداوند ایشان را به سال‌های خشک و قحط مبتلا می‌سازد، هرگاه زکات را منع کنند زمین هم برکات خود را از زراعت و میوه و معادن منع می‌کند، هرگاه عهد و پیمان را نقض کنند خداوند دشمن ایشان را بر ایشان مسلط سازد، هرگاه در حکم جور کنند تعاون بر ظلم و دشمنی خواهد شد، هرگاه قطع رحم‌ها کنند اموال به دست اشرار افتد، پس در این هنگام خوبان ایشان دعا کنند و دعایشان مستجاب نگردد.^۱

حضرت علی علیه السلام در این باره می فرماید:

«پس از این همه فجایع خود را جزء مرده‌ها حساب کنید و زندگی شما را مغرور نکند و به تحقیق مردم دو نوع هستند: یکی متقی و نیکوکار، دیگر شقی و بدکردار؛ و خانه دو خانه است (بهشت و جهنم) و کتاب یکی است که فرو نگذارده نه کوچک و نه بزرگ مگر این که آن را ضبط کرده است.»

آنگاه آن حضرت بعد از شرح بسیاری از فجایع فرمودند:

«ای وای از کمی معرفت شما و ذلت فقیر شما و تکبر اغیار شما و کمی وقار شما ﴿انا لله وانا الیه راجعون﴾ که مصیبت‌ها بر ایشان نازل می شود اما بلاها را بزرگ نمی شمارند، شیطان در بدن‌های ایشان مخالطه کرده و در بدن‌های ایشان جا گرفته و در خون ایشان داخل شده و به دروغ گفتن و افتراء و تهمت و سوسه می کند و به ایشان تلقین می نماید تا این که فتنه‌ها همه شهرها را فراگیرد و مؤمن مسکین و دوست ما بگوید من از مستضعفان هستم.»

پیامبر اکرم و ائمه معصومان در مورد دیگر نشانه‌ها می فرمایند:

«... وَ يَوْضَعُ الدِّينَ، وَ تُرْفَعُ الدُّنْيَا.»^۱

«... دین کم ارج می شود و دنیا ارزش فراوان پیدا می کند.»

«يَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ، الصَّابِرُ مِنْهُمْ عَلَى دِينِهِ كَالْقَابِضِ عَلَى الْجَمْرِ»^۲

«برای امت من زمانی پیش می آید که اگر کسی بر آیین خود استوار باشد،

همانند کسی است که آتش گداخته‌ای را با دست بگیرد!»

«كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا مَرَجَ الدِّينُ وَ ظَهَرَتِ الرَّغْبَةُ وَ حُرِقَ الْبَيْتُ الْعَتِيقُ وَ شَرَفَ الْبُنْيَانُ

وَ اِخْتَلَفَ الْإِخْوَانُ.»^۳

«چگونه می شود حال شما هنگامی که دین بازیچه شود، هوس‌ها آشکار گردد،

کعبه طعمه حریق شود، ساختمان‌ها مرتفع باشد و برادران دچار اختلاف شوند.»

«يَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ، لَا يَبْقَى مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ، وَلَا مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ. يُسَمَّوْنَ بِهِ

۲ - همان، ج ۲۲، ص ۴۵۴، ح ۱۱.

۱ - بحار الانوار، ج ۶، ص ۳۰۸، ح ۶.

۳ - بشارة الاسلام، ص ۱۸۰.

وَهُمْ أَبَعَدُ النَّاسِ عَنْهُ. مَسَاجِدُهُمْ غَامِرَةٌ وَهِيَ خَرَابٌ مِنَ الْهُدَى...»^۱

«برامت من زمانی پیش می‌آید که از قرآن جز نقش آن و از اسلام جز نام آن باقی نباشد، به ظاهر مسلمان نامیده می‌شوند در حالی که بیش از همه مردمان از آن دورند، مساجدشان آباد است ولی از هدایت خالی است.»

«إِذَا اسْتَخَفُّوا بِالْقُرْآنِ، وَكَانَتْ مَسَاجِدُهُمْ مَعْمُورَةً بِالْأَذَانِ، وَقُلُوبُهُمْ خَالِيَةً مِنَ الْإِيمَانِ، وَيَلْعَقُ الْمُؤْمِنُ عِنْدَهُمْ كُلَّ هَوَانٍ.»^۲

«هنگامی که قرآن را سبک بشمارند، مساجدشان با اذان آباد باشد، ولی دل‌هایشان از ایمان تهی شود و مؤمن در میان آنان به هرگونه ذلت و خواری دچار شود.»

«إِذَا بَقِيَ الدِّينُ بَيْنَكُمْ لَفْطاً بِالسِّتِّكُمْ.»^۳

«هنگامی که قرآن به صورت آهنگ تو خالی درآید که با زبان خود آن را تکرار کنند.»

«يُتَّخَذُ الْقُرْآنُ مَزَامِيرَ، وَيُوضَعُ عَلَى الْأَغَانِي، يُقْرَأُ بِالْأَخْشِيَةِ.»^۴

«قرآن بانی و با لحن غنا خوانده می‌شود، بدون این که به هنگام تلاوت خوف و خشیت از پروردگار همراه باشد.»

«وَضُيِّعَتِ الصَّلَاةُ، وَعُوصِرَتِ السَّمَاوَاتُ، فَحِينَئِذٍ تَكُونُ السَّنَةُ كَالشَّهْرِ، وَالشَّهْرُ كَالْأَسْبُوعِ، وَالْأَسْبُوعُ كَالْيَوْمِ، وَالْيَوْمُ كَالسَّاعَةِ.»^۵

«هنگامی که نمازها تباه شود و آسمان‌ها فشرده شوند، در آن زمان سال چون ماه و ماه چون هفته و هفته چون روز و روز چون ساعت می‌گذرد.»

«رَأَيْتَ النَّاسَ قَدْ اسْتَوَوْا فِي تَرْكِ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَتَرْكِ التَّدْيِينِ بِهِ.»^۶

«می‌بینی که مردم در ترک امر به معروف و نهی از منکر یکی شده‌اند و اعراض از دین فراگیر شده و بی‌تقوایی میان مؤمن و جاهل مشترک شده است.»

۱ - بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۰۹، ح ۱۴.

۲ - همان، ج ۵۲، ص ۲۶۴.

۳ - همان، ص ۲۶۳.

۴ - بشارة الاسلام، ص ۲۶.

۵ - همان، ص ۷۵.

۶ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۹، ح ۱۴۷.

«إِذَا كَثُرَ الْجَوْرُ وَالْفَسَادُ، وَظَهَرَ الْمُنْكَرُ وَأَمَرَ النَّاسُ بِهِ، وَنَهَوْا عَنِ الْمَعْرُوفِ، وَكَثُرَ الْقَتْلُ وَاشْتَخَفَّ النَّاسُ بِالدِّمَاءِ.»^۱

«هنگامی که ظلم و فساد بسیار شود، منکرات علنی شود، مردم یکدیگر را به انجام منکرات تشویق نمایند و از انجام کارهای خیر نهی کنند، قتل فراوان باشد و مردم خون را سبک بشمارند.»

امام جعفر صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

«تَقْسُو الْقُلُوبُ، وَتَمْتَلِيءُ الْأَرْضُ جَوْرًا، وَيَكْثُرُ الْقَتْلُ حَتَّى تَحْزَنَ ذَوَاتُ الْأَوْلَادِ، وَتَفْرَحَ الْعَوَاقِرُ فَبَيْنَ يَدَيْ خُرُوجِهِ بَلَوَى أُمَّيُّ بَلَوَى لِلْمُقِيمِينَ عَلَى الْبَاطِلِ، وَهُوَ اِنْتِقَامٌ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى.»^۲

«دل‌ها را قساوت می‌گیرد، زمین پر از ستم می‌شود، کشتار به قدری فراوان می‌شود که مادران از آوردن اولاد غمگین می‌شوند و زنان عقیم از نازایی خود خوشحال می‌شوند، در آستانه ظهور او فتنه سختی است که برای اهل باطل امتحان بزرگ و انتقام خداوندی است.»

امام محمد باقر علیه السلام می فرماید:

«يَقْبَلُ الْوَرَعُ، وَيَكْثُرُ الطَّمَعُ، وَيُرَى الْمُؤْمِنُ ضَامِتًا لَا يُقْبَلُ قَوْلُهُ، وَالْكَاذِبُ يَكْذِبُ وَلَا يُرَدُّ عَلَيْهِ كَذِبُهُ، وَالْفَاسِقُ يُمْتَدِّحُ بِالْفِسْقِ لَا يُرَدُّ عَلَيْهِ قَوْلُهُ.»^۳

«تقوا کم و حرص بسیار می‌شود، مؤمن سکوت می‌کند؛ زیرا از او پذیرفته نمی‌شود، دروغگو، دروغ‌پردازی می‌کند و کسی به او اعتراض نکرده و سخنش را رد نمی‌کند، فاسق و فاجر با کارهای ناشایست و نامشروعش ستایش شده و کسی رد نمی‌کند.»

«إِذَا اسْتَحَلَّوْا الْكَذِبَ، وَاتَّبَعُوا الْأَهْوَاءَ، وَاسْتَعْلَنَ الْفَجُورُ وَقَوْلُ الْبُهْتَانِ، وَصَدَّقَ الْكَاذِبُ وَاتَّثَمَ الْخَائِنُ، وَشَهِدَ الشَّاهِدُ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُسْتَشْهَدَ، وَشَهِدَ الْآخَرُ قَضَاءً لِذِمَامِ بَعْضِ حَقِّ عَرَفَهُ. فَعِنْدَ ذَلِكَ الْوَحَا الْوَحَا.»^۴

«هنگامی که دروغ مباح شمرده شود، از هوای نفس پیروی شود، روابط

۲ - منتخب الانبر، ص ۳۴۸.

۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۱، ح ۲۴.

۴ - همان، ص ۱۹۳، ح ۲۶.

۳ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۶، ح ۱۴۷.

نامشروع علنی شود و بهتان رایج شود، دروغ پردازان راستگو شناخته شوند و خائنان مورد اعتماد قرار گیرند، گواهان بدون این که کسی گواهی بخواهد گواهی دهند و گروهی دیگر برای قرار دادی که بسته‌اند، بدون این که از اصل موضوع مطلع باشند گواهی دهند در چنین زمانی همه جا آتش می‌بارد.»

«يَكُونُ أَشَقَّ النَّاسِ بِالدُّنْيَا لَكَعِ ابْنِ لُكَيْعٍ، لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ.»^۱

«خوشبخت‌ترین مردم در دنیا افراد پست و نادان خواهند بود، که به خدا و رسول ایمان نخواهند داشت.»

«يَزْتَدُّ أَكْثَرُهُمْ، وَيَخْلَعُونَ رِبْقَةَ الْإِسْلَامِ مِنْ أَعْنَاقِهِمْ.»^۲

«بیشتر مردمان از دین مرتد می‌شوند ورشته اسلام را از گردن خود در می‌آورند.»

«يَذْهَبُ الصَّالِحُونَ أَسْلَافًا: الْأَوَّلُ فَالْأَوَّلُ، حَتَّى لَا يَبْقَى إِلَّا حُثَالَةٌ كَحُثَالَةِ الثَّمْرِ وَالشَّعِيرِ،

لَا يُبَالِي اللَّهُ بِهِمْ»^۳

«صالحان یکی پس از دیگری دیده فرو بندند و دیگر نشانه‌ای از صالحان باقی نباشد جز به مقدار تفاله خرما و نخاله جو، دیگر خداوند اعتنایی به آنان نمی‌کند.»
امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«وَرَأَيْتَ أَصْحَابَ الْأَذْيَانِ يُحْتَقِرُونَ، وَيُحْتَقَرُ مَنْ يُحِبُّهُمْ.»^۴

«می‌بینی که پیروان ادیان تحقیر می‌شوند و هر کس آدم دین داری را دوست داشته باشد به همین جرم مورد تحقیر قرار می‌گیرد.»

«يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ هَمُّهُمْ بَطُونُهُمْ، وَشَرُّهُمْ مَتَاعُهُمْ وَقِبْلَتُهُمْ نِسَاؤُهُمْ، وَدِينُهُمْ

دَرَاهِمُهُمْ وَدَنَانِيرُهُمْ. أَوْلَيْكَ شَرُّ الْخَلْقِ، لَا خَلْقَ لَهُمْ عِنْدَ اللَّهِ.»^۵

«برای مردم روزگاری فرا می‌رسد که تنها هم و غمشان شکم آنان، تجملات زندگی شرف آنان، همسرانشان قبله آنان، درهم و دینارشان دین و آیین آنان، آنان بدترین خلائق هستند، برای آنان در نزد خدا ارج و مقامی نیست.»

۲ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۲۰، ح ۹.

۱ - نهج الفصاحه، ج ۲، ص ۵۰۰ و ص ۵۱۷.

۴ - بشارة الاسلام، ص ۱۳۲.

۳ - نهج الفصاحه، ج ۲، ص ۶۴۶.

۵ - بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۶۶، ح ۳۱.

«وَعِنْدَهَا يَظْهَرُ الرِّبَا، وَيَتَعَامَلُونَ بِالْغَيْبَةِ وَالرُّشَى، وَيُوضَعُ الدِّينُ وَتَرْفَعُ الدُّنْيَا.»^۱

«در آن زمان ربا شایع می شود، کارها با رشوه انجام می یابد، مقام و ارزش دین تنزل می نماید و دنیا در نظر آنان ارزش پیدا می کند.»

«لَيَأْتِيَنَّ عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ، لَا يَبْقَى أَحَدٌ إِلَّا أَكَلَ الرِّبَا، فَإِنْ لَمْ يَأْكُلْهُ أَصَابَهُ عُبَاةٌ.»^۲

«برای مردم زمانی پیش می آید که احدی یافت نمی شود جز این که به ربا آلوده گردد، اگر مستقیماً هم ربا نخورد، گرد ربا به او می رسد.»

در عصر حاضر سیستم بانکی حاکم در جهان و کشورهای اسلامی باعث شده تا افرادی که با ربا مبارزه می کنند خود از رهگذر روابط اجتماعی و اقتصادی با آن آلوده می شوند.

«مَا مِنْ قَوْمٍ يَظْهَرُ فِيهِمُ الرِّبَا، إِلَّا أَخَذُوا بِالسِّنَةِ وَمَا مِنْ قَوْمٍ يَظْهَرُ فِيهِمُ الرُّشَى إِلَّا أَخَذُوا بِالرُّغْبِ.»^۳

«هیچ قومی نیست که ربا در میان آنان شایع شود، جز این که دچار غفلت و بی خبری می شوند و هیچ قومی نیست که رشوه در میان آنان رایج شود جز این که دچار ترس و وحشت می شوند.»

«حَتَّى لَا يَقْتَفِي النَّاسُ أَثَرَ نَبِيٍّ، وَلَا يَعْتَقِدُونَ بِعَمَلِ وَصِيِّ، وَلَا يُؤْمِنُونَ بِغَيْبٍ، وَلَا يَعْفُونَ عَنْ غَيْبٍ.»^۴

«دیگر مردم از سنت پیامبر پیروی نکنند و روش اوصیای معصوم را دنبال ننمایند، به غیب ایمان نیاورند و از کارهای ناشایست دامن خود را پاکیزه نگه ندارند.»

امیر مؤمنان در این مورد می فرماید:

«لَتَمْلَأَنَّ الْأَرْضُ ظُلْمًا وَجَوْرًا، حَتَّى لَا يَقُولَ أَحَدٌ «اللَّهُ»، إِلَّا مُسْتَخْفِيًا. ثُمَّ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ صَالِحِينَ يَمْلَأُونَهَا قِسْطًا وَعَدْلًا.»^۵

۱ - بحار الانوار، ج ۶، ص ۳۰۸، ح ۶.

۲ - نهج الفصاحه، ج ۲، ص ۳۷۲.

۳ - الزام الناصب، ص ۱۸۲.

۴ - بحار الانوار، ج ۳۲، ص ۴۳، ح ۲۸.

۵ - منتخب الاثر، ص ۴۸۴.

«زمین پُر از جور و ستم می‌شود، تا جایی که کسی نتواند نام خدا را به زبان جاری کند مگر در پنهانی! آنگاه خداوند قوم صالح و شایسته‌ای را می‌آورد که زمین را پر از عدل و داد نمایند.»

در مورد این حدیث باید گفت: در عصر حاضر این شرایط در بسیاری از کشورها مشاهده شده است از جمله: عده‌ای تابع دین اسلام می‌شوند و عده‌ای دیگر آنان را باز می‌دارند و بدون شک در یک چنین شرایطی خداوند در پنهان یاد خواهد شد و همچنین در روایت آمده است:

«إِذَا ضَارَ لِأَهْلِ الزَّمَانِ وُجُوهُ جَمِيلَةٌ وَضَمَائِرُ رَدِيئَةٌ، فَمَنْ رَأَاهُمْ أَعْجَبُوهُ، وَمَنْ غَامَلَهُمْ ظَلَمُوهُ»^۱

«مردم آن زمان ظاهری زیبا و آراسته و باطنی پست و پوسیده دارند، هر کس آنان را ببیند دچار شگفت می‌شود، ولی چون با آنان معاشرت کند مورد ستم قرار می‌گیرد.»

«وَرَأَيْتَ الْجَارَ يُؤْذِي جَارَهُ خَوْفًا مِنْ لِسَانِهِ»^۲

«همسایه را می‌بینی که همسایه‌اش را اذیت می‌کند و همسایه از زبان او وحشت دارد.»

«يَتَغَيَّرُ أَهْلُ الزَّمَانِ حَتَّى يُعِيدُوا الْأَوْثَانَ، وَيُبْتَلَى الْمُؤْمِنُونَ، وَتَوْلَدَ الشُّكُوكُ فِي الْقُلُوبِ، وَتُخْلَعُ رِبْقَةُ الدِّينِ مِنَ الْأَعْنَاقِ»^۳

«اهل زمانه دگرگون می‌شوند، بت‌پرستی یکبار دیگر رواج پیدا می‌کند، مؤمنان به سختی گرفتار می‌شوند، دل‌ها را شک و تردید فرا می‌گیرد، رشته دین از گردن آنان خارج می‌شود و پیوند آنان با دین قطع می‌گردد.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«لَا يَأْتِي عَلَيْكُمْ زَمَانٌ إِلَّا الَّذِي بَعْدَهُ شَرُّ مِنْهُ»^۴

«هیچ زمانی پیش نمی‌آید جز این‌که زمان بعدی بدتر از آن است.»

۱ - بشارة الاسلام، ص ۷۵.

۲ - الزام الناصب، ص ۱۸۳.

۳ - یوم الخلاص، ص ۸۰۷.

۴ - یوم الخلاص، ص ۷۰۱.

اهل بيت عصمت و طهارت در مورد ديگر نشانه ها مي فرمايند:

«وَأَنَّ لِيُخْرُوجَهُ لَعَلَّمَاتٌ عَشْرًا: - أَوْلَاهَا تَخْرِيقُ الزُّوَايَا فِي سِكَكِ الْكُوفَةِ، وَتَعْطِيلُ الْمَسَاجِدِ، وَانْقِطَاعُ الْحَاجِّ، وَخَسْفٌ وَقَذْفٌ بِخُرَاسَانَ، وَطُلُوعُ الْكَوْكَبِ الْمُدْتَبِّ، وَاقْتِرَانُ النُّجُومِ، وَهَزْجٌ وَمَزْجٌ وَقَتْلٌ وَنَهْبٌ! وَمِنَ الْعَلَامَةِ إِلَى الْعَلَامَةِ عَجَبٌ! فَإِذَا تَمَّتِ الْعَلَامَاتُ قَامَ قَائِمُنَا قَائِمَ الْحَقِّ... طُوبَى لِأَهْلِ وَلَايَتِي الَّذِينَ يُقْتَلُونَ فِيَّ، وَيُطْرَدُونَ مِنِّي أَجْلَى! هُمْ خُرَّانُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ لَا يَفْرَعُونَ يَوْمَ الْفَرَجِ الْأَكْبَرِ!»^۱

«برای ظهور او ده علامت است: ۱ - گشودن زاویه کوچه های کوفه (توسعه معابر و باز کردن کوچه های بن بست) ۲ - تعطیل شدن مسجدها ۳ - بسته شدن راه حج ۴ - زیر آوار رفتن و بمباران در خراسان ۵ - طلوع ستاره دنباله دار ۶ - تراکم ستارگان ۷ - فتنه و فساد ۸ - سرگردانی و سردرگمی ۹ - کشت و کشتار ۱۰ - غارت و چپاول. از هر نشانه ای تا نشانه دیگر شگفتی هاست، چون نشانه ها تحقق یافت، قائم ما قیام می کند، خوشا به حال اهل ولایت ما که در راه ما کشته می شوند و به سبب ما کنار زده می شوند، آنان گنج های خدای تبارک و تعالی در روی زمین هستند، آنان در روز قیامت از فزع اکبر در امان هستند و برای آنان باکی نیست.»

آنچه در این حدیث ذکر شده است همگی ظاهر شده و منظور از توسعه معابر و باز کردن کوچه های بن بست فقط اختصاص به کوفه ندارد بلکه در اکثر کشورها این تغییر و تحول به چشم می خورد و در مورد تعطیل شدن مسجدها، بارها شنیده ایم حاکمان در کشورهای مسلمان نشین دستور تعطیل مساجد آن کشور را صادر کرده اند.

بسته شدن راه حج به روی عده ای از زایران در سال ۱۴۰۸ ه. ق واقع شده است که به مدت سه سال طول کشید، در مورد آوار نیز باید گفت: در عصر حاضر حوادثی همچون زلزله، سیل، طوفان، رانش زمین، جنگ و غیره به طور گسترده روی می دهد که بسیاری از بندگان خدا دچار آن شده و می شوند.

در مورد طلوع ستاره دنباله‌دار اخبار بسیار بوده و جهانیان به اخبار آن واقف‌اند، در مورد تراکم ستاره‌ها نیز هر چند گاه خبر کشف ستاره جدیدی به گوش جهانیان می‌رسد، دیگر حوادثی مانند فتنه و فساد و آدم‌کشی و غیره همچنان در دنیا غوغا به پا کرده و هر روز با شدت بیشتری ادامه می‌یابد. از دیگر نشانه‌های ظهور می‌توان به این موارد اشاره کرد.

«طُلُوعُ الْكَوْكَبِ الْمَذْتَبِ يُفْرِعُ الْعَرَبَ! وَهُوَ نَجْمٌ بِالْمَشْرِقِ يُضِيءُ كَمَا يُضِيءُ الْقَمَرُ، ثُمَّ يَنْعَطِفُ حَتَّى يَلْتَقِيَ طَرْفَاةً. وَتَظْهَرُ حُمْرَةٌ فِي السَّمَاءِ، وَتَنْشُرُ فِي آفَاقِهَا.»^۱

«طلوع ستاره دنباله دار ملت عرب را به وحشت^۲ می‌اندازد! و آن ستاره‌ای است که در طرف مشرق ظاهر می‌شود و همانند ماه می‌درخشد! سپس دنباله‌اش بر می‌گردد و نزدیک می‌شود که دو سرش به یکدیگر برسد! آنگاه سرخی در آسمان پدید می‌آید و جهان را از کران تا کران فرا می‌گیرد.»
امام محمد باقر علیه السلام در حدیث دیگری فرماید:

«أَلَا لَوْ ذَابَ مَا فِي أَيْدِيهِمْ لَقَدْ دَنَا التَّمْحِيصُ لِلْجَزَاءِ وَكُشِفَ الْغِطَاءُ وَانْقَضَتِ الْمُدَّةُ وَأَزِفَ الْمَوْعِدُ وَبَدَأَ الْكُمُ النَّجْمُ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ وَأَشْرَفَ لَكُمْ قَمَرُكُمْ كَمَلٍ شَهْرِهِ وَكَثِيلَةَ تَمَّهِ»^۳
«اگر آنچه در دست آنان است از دستشان برود، دوران امتحان فرا رسد و پرده‌ها کنار رود، وعده الهی نزدیک شود و ستاره (دنباله‌دار) از مشرق زمین طلوع کند و ماه تابان چون قرص قمر در شب بدر ظاهر شود.»
«لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَسِيلَ وَادٍ مِنْ أَوْدِيَةِ الْحِجَازِ بِالنَّارِ»^۴

«قیامت بر پا نشود تا در یکی از وادی‌های حجاز آتش روان شود.»
«إِذَا وَقَعَتِ النَّارُ فِي حِجَازِكُمْ، وَجَرَى الْمَاءُ بِنَجْفِكُمْ، فَتَوَقَّعُوا ظُهُورَهُ.»^۵

۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۰.

۲ - البته وحشت آنان به سبب حوادث جانکاهی است که همزمان با طلوع ستاره دنباله‌دار بر آنان هجوم می‌برد.

۳ - بشارة الاسلام، ص ۶۳؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۱، ح ۶.

۴ - الامام المهدي، ص ۲۲۷. ۵ - الزام الناصب، ص ۱۷۸.

«هنگامی که آتش در حجاز پدید آید و آب در نجف روان شود، منتظر ظهور او باشید.»

«عَامَ الْفَتْحِ يَنْبِئُ الْفَرَاتُ حَتَّى يَدْخُلَ أَرِقَةَ الْكُوفَةِ.»^۱

«در سال فتح و پیروزی، فرات طغیان می کند و به کوفه های کوفه وارد می شود.»
«لَا يُخْرِجُ أَهْلَ مِصْرَ مِنْ مِصْرِهِمْ عَدُوًّا لَهُمْ، وَلَكِنْ يُخْرِجُهُمْ نِيْلُهُمْ هَذَا. يَغُورُ فَلَا تَبْقَى مِنْهُ قَطْرَةٌ، حَتَّى يَكُونَ فِيهِ الْكُثْبَانُ مِنَ الرَّمْلِ!»^۲

«مردم مصر را دشمن خارجی از آب و خاک خودشان بیرون نمی کند، بلکه همین رود نیل آنان را از دیار خود بیرون می کند، آب آن کلاً می خشکد و حتی یک قطره هم نمی ماند و بستر آن به صورت تلی از شن در می آید!»
امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید:

«يَجُفُّ مَاءُ بُحَيْرَةِ طَبْرِيَا، وَيَتَوَقَّفُ التَّخِيلُ عَنِ الشَّمْرِ، وَتَنْصَبُ عَيْنُ زَعْرِ الْوَاقِعَةِ فِي الْجَانِبِ الْقَبْلِيِّ مِنَ الشَّامِ.»^۳

«آب دریاچه طبریه (در فلسطین) می خشکد، درخت های خرما از میوه دادن باز می ایستند، آب چشمه زعر در طرف قبله شام به شدت کاهش می یابد.»
«يَكُونُ جِفَافُ الْأَنْهَارِ وَيَقَعُ الْقَحْطُ وَالْفَلَاءُ ثَلَاثَ سِنِينَ.»^۴
«رودخانه ها خشک می شود و قحطی و گرانی سه سال سایه سنگینش را می گسترانند.»

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«إِزْتِفَاعُ رِيحِ سَوْدَاءَ بِهَا أَوَّلَ النَّهَارِ، وَزَلْزَلَةٌ، حَتَّى يَنْخَسِفَ كَثِيرٌ مِنْهَا.»^۵
«باد سیاهی اول صبح بر می خیزد و آنگاه زلزله ای روی دهد و قسمت اعظم آن (بغداد) زیر آوار بماند.»

«وَأَمَّا الزُّوْرَاءُ فَتَحْرَبُ مِنَ الْوَقَائِعِ وَالْفِتَنِ، وَأَمَّا وَاسِطُ فَيَطْفِئُ عَلَيْهَا الْمَاءَ، وَأَذْرِيْجَانُ

۱ - ارشاد مفید، ص ۳۴۰.

۲ - الملاحم والفتن، ص ۱۴۶.

۳ - الزام الناصب، ص ۲۶۱.

۴ - بشارة الاسلام، ص ۱۹۱ و ۵۷.

۵ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۰، ح ۸۲.

يَهْلِكُ أَهْلُهَا بِالطَّاعُونَ، وَأَمَّا الْمَوْصِلُ فَيَهْلِكُ أَهْلُهَا مِنَ الْجُوعِ وَالْقَلَاءِ... وَأَمَّا حَلَبُ فَتَخْرَبُ مِنَ الصَّوَاعِقِ، وَتَخْرَبُ دِمَشْقُ مِنْ شِدَّةِ الْقَتْلِ... وَأَمَّا بَيْتُ الْمَقْدِسِ فَإِنَّهُ مَحْفُوظٌ لِأَنَّ فِيهِ آثَارَ الْأَنْبِيَاءِ»^۱

«شهر بغداد در اثر شورش‌ها و فتنه‌ها ویران می‌شود، شهر واسط (در عراق) در اثر طغیان آب خراب می‌گردد، مردم آذربایجان به وسیله طاعون هلاک می‌شوند، مردم موصل (در عراق) از گرسنگی و گرانی می‌میرند، شهر حلب (در سوریه) در زیر صاعقه‌ها (توپ‌ها) از بین می‌رود، شهر دمشق (شام) در اثر شدت کشت و کشتار ویران می‌شود، و اما بیت المقدس (اورشلیم) به احترام نشانه‌های پیامبران در امان است.»

«إِنَّ عُمَرَ بْنَ الْوَلِيدِ، خَرَابُ يَثْرِبَ وَخَرَابُ يَثْرِبَ خُرُوجَ الْمَلْحَمَةِ وَخُرُوجَ الْمَلْحَمَةِ فَتَحُ الْقُسْطَنْطِينِيَّةَ وَفَتْحُ الْقُسْطَنْطِينِيَّةِ خُرُوجَ الدَّجَالِ»^۲

«آبادی بیت المقدس خرابی مدینه را به دنبال دارد و خرابی مدینه نبرد بی‌امان را به دنبال دارد و پس از آن قسطنطنیه (استانبول) فتح می‌شود و فتح قسطنطنیه خروج دجال را به همراه دارد.»

«مَلَاجِمُ النَّاسِ خَمْسٌ: قَدْ مَضَتْ إِثْنَتَانِ وَثَلَاثٌ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ: مَلْحَمَةُ التُّرْكِ، وَمَلْحَمَةُ الرُّومِ، وَمَلْحَمَةُ الدَّجَالِ»^۳

«فجایع بزرگ جهان پنج تاست که دو تای آن واقع شده و سه تای آن در این امت واقع می‌شود: فاجعه ترک، فاجعه روم و فاجعه دجال.»

«يَخْرُجُ بَعْدَ جِفَافِ مَاءِ بُحَيْرَةِ طَبْرِيَّةَ»^۴

«دجال پس از خشک شدن دریاچه طبریه خروج می‌کند.»

در حدیث دیگر خبری در مورد این جرثومه تاریخ می‌خوانیم، او که با خروجش سعی دارد تا حق را باطل و خود را حق جلوه دهد و خروج او در زمان قحطی خواهد بود.

۱ - بشارة الاسلام، ص ۵۸

۲ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۷.

۳ - الملاحم و الفتن، ص ۶۹.

۴ - الزام الناصب، ص ۲۶۱.

در حدیث آمده است:

«بَيْنَ يَدَيْهِ ثَلَاثُ سَنَوَاتٍ: سَنَةٌ تُمَسِّكُ السَّمَاءَ فِيهَا ثَلَاثُ قَطْرٍهَا، وَالْأَرْضُ ثَلَاثَ نَبَاتٍهَا، وَسَنَةٌ تُمَسِّكُ فِيهَا السَّمَاءَ ثَلَاثِي قَطْرٍهَا، وَالْأَرْضُ ثَلَاثِي نَبَاتٍهَا وَسَنَةٌ تُمَسِّكُ فِيهَا السَّمَاءَ قَطْرَهَا كُلَّهُ وَالْأَرْضُ نَبَاتَهَا كُلَّهُ، فَلَا يَبْقَى ذَاتٌ ظِلْفٍ وَلَا ذَاتُ خَرِيسٍ مِنَ الْبَهَائِمِ إِلَّا هَلَكَ وَإِنْ مِنْ أَشَدِّ فِتْنَةٍ أَنْ يَأْتِيَ الْأَعْرَابِيَّ يَقُولُ: أَرَأَيْتَ إِنْ أَخَيْتُ لَكَ إِبْلِكَ أَلَسْتُ تَعْلَمُ أَنِّي رَبُّكَ؟ فَيَقُولُ: بَلَى. فَيَمْتَلِ لَهُ نَحْوَ إِبْلِهِ كَأَحْسَنَ مَا يَكُونُ ضُرُوعاً وَأَعْظَمِهِ أُسْنِمَةً وَيَأْتِي الرَّجُلَ قَدْ مَاتَ أَخُوهُ وَمَاتَ أَبُوهُ فَيَقُولُ: أَرَأَيْتَ إِنْ أَخَيْتُ أَبَاكَ وَأَخَاكَ أَلَسْتُ تَعْلَمُ أَنِّي رَبُّكَ؟ فَيَقُولُ: بَلَى. فَيَمْتَلِ الشَّيَاطِينُ نَحْوَ أَبِيهِ أَوْ أَخِيهِ»^۱

«در پیش قدم خروج او (دجال) سه سال خشکی است: در سال اول آسمان یک سوم بارانش را حبس می کند و زمین یک سوم گیاهش را، در سال دوم آسمان دو سوم بارانش را حبس می کند و زمین دو سوم گیاهش را، در سال سوم آسمان همه بارانش را حبس می کند و زمین همه نباتش را، هیچ حیوان سم داری نمی ماند جز این که هلاک می شود، حیوان و زوز کننده ای نمی ماند جز این که نابود می شود، از زشت ترین فتنه های او این است که پیش بادیه نشین می رود و می گوید: اگر شتر تو را زنده کنم باور می کنی که من پروردگار تو هستم؟ می گوید: آری، پس در برابر دیدگان او شترش را به بهترین شکلی مجسم می کند که با پستان های بسیار جالب و کوهان بسیار مرتفع دیده می شود!! به کسی که پدرش یا برادرش مرده است می گوید: اگر پدرت و برادرت را زنده کنم، باور می کنی که من پروردگار تو هستم؟ می گوید: آری، پس شیاطین را به صورت پدر و برادر او در می آورد.»
نقل شده رسول اکرم صلی الله علیه و آله سر نماز از فتنه دجال به خدا پناه برده و خطاب به اصحاب خود فرموده اند:

«إِنَّ مَعَهُ نَاراً وَنُوراً. فَتَارَةٌ مَاءٌ بَارِدٌ، وَمَاؤُهُ نَارٌ. فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَلْيَقِفْ فِي الَّذِي يَرَى أَنَّهَا نَارٌ، فَإِنَّهُ عَذْبٌ بَارِدٌ»^۲

«همراه او آتش و نوری هست، آتش او آب خنک است و آب او آتش است،

هر کس از شما شیعیان آن زمان را درک کند خود را به آنچه که آتش به نظر می‌رسد بیفکند که آنچه آتش تصور شود آب گوارایی است»

همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله امت خود را از شرّ دجال بیم داده و فرمودند:

«أَيُّهَا النَّاسُ، مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا وَقَدْ أَنْذَرَ قَوْمَهُ الدَّجَالَ. وَإِنَّ اللَّهَ قَدْ أَخَّرَهُ إِلَى يَوْمِكُمْ هَذَا. فَمَهْمَا تَشَابَهَ عَلَيْكُمْ فِي أَمْرِهِ فَإِنَّ رَبَّكُمْ لَيْسَ بِأَعْوَرَ إِنَّهُ يَخْرُجُ عَلَى حِمَارٍ عَرَضُ مَا بَيْنَ أذُنَيْهِ مِيلًا يَخْرُجُ وَمَعَهُ جَنَّةٌ وَنَارٌ وَجَبَلٌ مِنْ خُبْرٍ وَنَهْرٌ مِنْ مَاءٍ أَكْثَرُ أَتْبَاعِهِ الْيَهُودَ وَالنِّسَاءَ وَالْأَعْرَابَ. يَدْخُلُ آفَاقَ الْأَرْضِ كُلِّهَا إِلَّا مَكَّةَ وَلَا بَيْتَهَا وَالْمَدِينَةَ وَلَا بَيْتَهَا فَإِنَّهُمَا مَحْرَمَتَانِ عَلَيْهِ.»^۱

«ای مردم! خداوند پیامبری را نفرستاده جز این که قوم خود را از دجال بیم داده است و خداوند او را برای زمان شما ذخیره کرده است، اگر کارهای او بر شما مشتبه شود، این هرگز مشتبه نشود که او کور است و پروردگارتان کور نیست، او بر فراز مرکبی می‌آید که بین دو گوشش یک میل است، او خروج می‌کند در حالی که بهشت و جهنم را با خود یدک می‌کشد و کوهی از نان و رودخانه‌ای از آب را همراه خود حمل می‌کند، بیشترین پیروانش، یهودیان، زنان و بادیه نشینان است، به همه اقطار و اکناف جهان وارد می‌شود جز مکه و حوالی مکه و مدینه و حوالی مدینه، که هر دو (مکه و مدینه) بر او حرام است.»

«إِنَّهُ لَمْ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ، مُنْذُ ذَرَأَ اللَّهُ ذُرِّيَّةَ آدَمَ، أَعْظَمَ مِنْ فِتْنَةِ الدَّجَالِ! وَإِنَّ اللَّهَ لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا إِلَّا حَذَرَ أُمَّتَهُ الدَّجَالَ، وَأَنَا آخِرُ الْأَنْبِيَاءِ وَأَنْتُمْ آخِرُ الْأُمَمِ وَهُوَ خَارِجٌ فِيكُمْ لِمَخَالَةِ»^۲

«از روزی که خداوند اولاد حضرت آدم را آفریده است فتنه‌ای بالاتر از فتنه دجال نیست، خداوند پیامبری نفرستاده جز این که امت خود را از فتنه دجال بیم داده است، من آخرین پیامبر و شما آخرین امت هستید، او بدون تردید در میان شما خروج خواهد کرد.»

دجال نماینده هر تباهی و گمراهی، هر انحطاط و آلودگی، نامش صائد بن صید، نام پدرش صیاد و نام مادرش کاهنه می‌باشد که هر دو یهودی‌اند. دجال مردی چاق، آبله رو، ارزق چشم، ریش دو شاخ طویل و دهان متعفن

دارد، شقی کسی است که ادعاهای او را تصدیق کند و سعادت‌مند کسی است که او را تکذیب نماید.

روایات متعددی در مورد خروج دجال وارد شده است از جمله: خروج دجال یا از اصفهان، سجستان (سیستان)، خراسان و یا از میان شام و عراق است. در هر صورت او خروج خواهد کرد در حالی که چشم راست ندارد و چشم دیگرش در پیشانی اوست^۱ و در میان دو چشم او با خط خوانایی نوشته شده آیس من رحمة الله، یعنی: «مأیوس از رحمت الهی است.» در روایت دیگر آمده که در میان دو چشم او نوشته شده است، هذا کافر حقاً^۲ «او حقاً کافر است.» او ساحری است با ترفندهای مخصوص خودش و در زمان خروج به تمام شهرهای آباد وارد می‌شود و به مدت چهل روز در روی زمین جولان می‌دهد. در روایت آمده است:

«روز نوروز، روزی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در غدیر خم از مردم برای امیرمؤمنان علیه السلام عهد و پیمان گرفت پس افراد اقرار کردند، دیگر این که روز نوروز، روزی است که حضرت علی بر اهل نهروان ظفر یافت و بالاخره روز نوروز، روزی است که امام زمان بر دجال و پیروان او ظفر می‌یابد.»^۳ ان شاء الله بارالها! باتعجیل در فرج حضرت مهدی حکومت عدل و داد را بر جهان حاکم فرما و ما را از فتنه‌های دجال رهایی بخش و درک و فهم آن دوران مقدس را به ما مرحمت کن و امور همه ما را ختم به خیر گردان آمین یا رب العالمین.

حضرت حسین بن علی علیه السلام در مورد دیگر علایم ظهور می‌فرماید:

«إِنَّمَا هُوَ كِنِظَامِ الْخَرْزِ، يَتَّبِعُ بَعْضُهُ بَعْضًا.»^۴

«چون دانه‌های تسبیح یکی به دنبال دیگری تحقق خواهد یافت.»

۱ - شاید بتوان گفت: دجال با شکل ظاهری خود که یک چشم در پیشانی دارد مظهر نظام یک بعدی حاکم بر بعضی از نقاط در جهان باشد.

۲ - در زمان ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) این جمله میان دو چشم همه کافران نوشته خواهد شد.

۳ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۰، ح ۱۲۰

۴ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸، ح ۸۴

۴ - بشارة الاسلام، ص ۸۶

امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید:

«شَارَتَانِ بَيْنَ يَدَيِ هَذَا الْأَمْرِ: خُسُوفُ الْقَمَرِ بِخَمْسِينَ، وَكُسُوفُ الشَّمْسِ بِخَمْسَةِ عَشَرَ. لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ مُنْذُ هَبَطَ آدَمُ إِلَى الْأَرْضِ. فَعِنْدَ ذَلِكَ يَسْقُطُ حِسَابُ الْمُنْجِمِينَ.»^۱

«دو نشانه جالب در پیش قدم این امر: خسوف ماه در پنجم ماه و کسوف خورشید در پانزدهم آن، که چنین وضعی از روز هبوط حضرت آدم به روی زمین اتفاق نیفتاده است، در آن موقع حساب و نظام منجمان به هم می‌خورد.»
«عَمُودٌ نَارٍ يَطْلُعُ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ فِي السَّمَاءِ، يَرَاهَا أَهْلُ الْأَرْضِ، فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ فَلْيَعِدُّ لِأَهْلِهِ طَعَامَ سَنَةٍ.»^۲

«عمودی از آتش طرف مشرق در آسمان پدید می‌آید که همه مردم روی زمین آن را می‌بینند، هر کس آن زمان را درک کند برای خانواده‌اش مواد غذایی یک‌ساله را تأمین کند.»

«تَوَفَعُوا آيَاتِ مَتَوَالِيَاتِ كِنِظَامِ الْخَرْزِ، وَأَوَّلُ الْآيَاتِ الصَّوَاعِقُ.»^۳

«منتظر نشانه‌های پیاپی به سان دانه‌های تسبیح باشید که نخستین آنان صاعقه‌های آسمانی است.»

«وَأَوَّلُ الْآيَاتِ الصَّوَاعِقُ، ثُمَّ الرِّيحُ الصَّفْرَاءُ، ثُمَّ رِيحٌ دَائِمٌ وَصَوْتُ مِنَ السَّمَاءِ يَمُوتُ بِهِ خَلْقٌ كَثِيرٌ.»^۴

«نخستین نشانه صاعقه‌هاست، سپس باد زرد، آنگاه باد مداوم، سپس بانگ آسمانی که گروه فراوانی با آن صیحه از بین می‌روند.»

«وَحَرَابُ التُّرْكِ مِنَ الصَّوَاعِقِ.»^۵

«و سرزمین ترک به وسیله صاعقه‌ها ویران می‌شود.»

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«لَا يَقُومُ الْقَائِمُ إِلَّا عَلَى خَوْفٍ شَدِيدٍ وَزَلَّازِلٍ وَفِتْنَةٍ وَبَلَاءٍ يُصِيبُ النَّاسَ، وَطَاعُونَ قَبْلَ

۲ - الملاحم و الفتن، ص ۱۳۱ و ۳۶.

۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۷، ح ۴۱.

۴ - الملاحم و الفتن، ص ۱۰۲.

۳ - الملاحم و الفتن، ص ۱۰۲.

۵ - بشارة الاسلام، ص ۲۸.

ذَلِكَ. ثُمَّ سَيْفٌ قَاطِعٌ بَيْنَ الْعَرَبِ، وَاخْتِلَافٌ بَيْنَ النَّاسِ وَتَشْتُّتٌ فِي دِينِهِمْ وَتَغْيِيرٌ فِي حَالِهِمْ، حَتَّى يَتَمَتَّى الْمُتَمَتَّى الْمَوْتَ صَبَاحاً وَمَسَاءً مِنْ عَظِيمٍ مَا يَرَى مِنْ كَلْبِ النَّاسِ وَأَكْلِ بَعْضِهِمْ بَعْضاً.^۱

«قائم قیام نمی کند مگر پس از وحشت شدید، زلزله‌ها، فتنه‌ها و بلاهای فراگیری که بر مردم چیره شود و طاعونی پیش از آنان شایع گردد و شمشیر بُرنده‌ای در میان عرب پدید آید و اختلاف در میان مردم درافتد و امور مذهبی مردم مختل شود و حالشان دگرگون گردد و هر صبح و شام آرزوی مرگ کنند و آن در اثر طغیان و پرده‌داری مردم است که به خون یکدیگر تشنه می‌شوند و خون همدیگر را می‌خورند.»

«إِذَا ظَهَرَتْ بِخُرَاسَانَ الزَّلَازِلُ، وَنَزَلَتْ بِهَمْدَانَ النَّوَازِلُ، فَوَجَعَتِ الْأَرَاغِفُ بِالْعِرَاقِ... وَشَمَلَ الشَّامَ الْخِلَافُ، وَاخْتَلَفَتْ أَهْلُ الْيَمَنِ عَلَى الْمَلِكِ.»^۲

«چون در خراسان زلزله‌ها درگرفت و در همدان فاجعه‌ها پدید آمد و در عراق اضطراب‌های شدید سلب آرامش نمود و اختلافات شام را فراگرفت و اهل یمن بر سر حکومت درگیر شدند.»

«ثُمَّ رَجَفَتْ بِالشَّامِ يَهْلِكُ فِيهَا مِثَّةُ أَلْفٍ يَجْعَلُهَا اللَّهُ رَحْمَةً لِلْمُؤْمِنِينَ وَعَذَاباً عَلَى الْكَافِرِينَ.»^۳

«زمین لرزه‌ای در شام اتفاق افتد که صد هزار نفر در اثر آن هلاک می‌شوند، خداوند این زمین لرزه را رحمت برای مؤمنان و عذاب برای کافران قرار دهد.»
رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این مورد می‌فرماید:

«أَبَشِّرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ، يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَى إِخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَزَلْزِلٍ.»^۴

«شما را به مهدی بشارت می‌دهم، هنگامی که اختلاف شدید در میان مردم پدید آید و زلزله‌های سختی واقع شود او قیام می‌کند.»

۱ - غیبت نعمانی، ص ۱۲۳؛ علاوه بر این رک: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۸، ح ۹۳.

۲ - الزام الناصب، ص ۲۰۴. ۳ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۶، ح ۷۳.

۴ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۴، ح ۲۳.

همچنین روایت شده است:

«إِذَا ظَهَرَتِ الْفَاحِشَةُ كَانَتِ الرَّجْفَةُ»^۱

«هنگامی که روابط نامشروع شیوع پیدا کند زلزله زیاد می‌شود.»

«وَإِذَا تَرَكْتُمْ السُّنَّةَ ظَهَرَتِ الْبِدْعَةُ، وَازْتَقَبُوا عِنْدَ ذَلِكَ رِيحاً حَمْرَاءَ، أَوْ خَنْفًا أَوْ مَسْخًا،

أَوْ ظُهُورَ الْعَدُوِّ عَلَيْكُمْ ثُمَّ لَا تُنْصَرُونَ.»^۲

«و هنگامی که سنت را ترک کنید، بدعت ظاهر می‌شود، در چنین زمانی

منتظر بادهای سرخ، خسف، مسخ و غلبه دشمن باشید، و آنگاه به شما یاری

نخواهد شد.»

در همین رابطه امام کاظم علیه السلام می‌فرماید:

«تَكْثُرُ الْفِتْنُ فِي آفَاقِ الْأَرْضِ، وَالْمَسْخُ فِي أَعْدَاءِ الْحَقِّ.»^۳

«فتنه‌ها زمین را از کران تا کران فراگیرد. مسخ شدن در میان دشمنان حق و

حقیقت فراوان شود.»

«وَمَسْخٌ لِقَوْمٍ مِنْ أَهْلِ الْبِدْعِ حَتَّى يَصِيرُوا قِرْدَةً وَخَنَازِيرًا.»^۴

«گروهی از بدعتگزاران مسخ شده به صورت میمون و خوک در می‌آیند.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این مورد می‌فرماید:

«هرگاه بدعت‌ها در امت من ظاهر شد، پس عالم باید دانش خود را آشکار

نماید، هر کس این کار را نکند لعنت خدا بر او خواهد بود.»^۵

«سَيَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ خَسْفٌ وَقَذْفٌ وَمَسْخٌ.»^۶

«در آخر الزمان خسف، قذف و مسخ واقع خواهد شد.»^۷

۱ - نهج الفصاحه، ج ۲، ص ۵۰۰

۲ - بشاره الاسلام، ص ۲۲.

۳ - ارشاد مفید، ص ۳۳۸.

۴ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۹، ح ۸۲.

۵ - اصول کافی، باب البدع، ح ۲.

۶ - نهج الفصاحه، ج ۲، ص ۲۷۲؛ علاوه بر این رک: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۳، ح ۷۱.

۷ - خسف: فرورفتن در زمین و زیرآوار ماندن بر اثر زلزله، طوفان، سیل، جنگ و غیره. قذف: پرتاب چیزی

مانند موشک، بمباران و ... مسخ: دگرگون شدن سیرت و صورت (مبدل شدن) انسان دو پا به حیوان چهارپا.

امام محمد باقر عليه السلام در تفسیر آیه شریفه:

﴿سُئِرِهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ﴾^۱

فرمودند: «نشانه‌های خود را در وجود آنان و در پیرامون آنان نشان

می‌دهیم.»

سپس آن حضرت فرمودند:

«... يُرِيهِمْ فِي أَنْفُسِهِمُ الْمَسْخَ، وَيُرِيهِمْ فِي الْأَفَاقِ اتِّقَاضَ الْأَفَاقِ عَلَيْهِمْ، فَيَرَوْنَ قُدْرَةَ اللَّهِ

فِي أَنْفُسِهِمْ وَفِي الْأَفَاقِ...»^۲

«در وجود آنان مسخ و در پیرامون آنان خسف را بر آنان آشکار می‌کنیم تا

قدرت خدا را در وجود خود و در اطراف خود ببینند و بر آنان روشن شود که او

حق است ﴿حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ﴾ بدانند که ظهور قائم از سوی پروردگار

متعال حق است و مردم به طور حتم آن را خواهند دید و چاره‌ای از آن نیست.»

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مورد افرادی که مورد غضب خدا قرار می‌گیرند، می‌فرماید:

﴿وَالَّذِي بَعَثْنِي بِالْحَقِّ لِيُخَسَفْنَ بِهِمْ وَيَمْسَخُهُمْ قِرْدَةً وَخَنَازِيرًا﴾^۳

«سوگند به خداوندی که مرا به حق برانگیخت، خداوند آنان را در دل زمین

فرو می‌برد و آنان را مسخ کرده به صورت میمون و خوک درمی‌آورد.»

آن حضرت نیز در این رابطه یادآور می‌شود:

«... لَمْ يَجْرِي فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ شَيْءٌ إِلَّا يَكُونُ فِي أُمَّتِي مِثْلَهُ، حَتَّى الْخَسْفُ وَالْمَسْخُ وَالْقَذْفُ...»^۴

«... در میان بنی اسرائیل هیچ حادثه‌ای روی نداده است جز این که در میان

امت من نظیر آن روی خواهد داد، حتی خسف و مسخ و قذف...»

۱ - سورة فصلت (۴۱) آیه ۵۳.

۲ - غیبت نعمانی، ص ۱۴۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۱، ح ۱۱۰.

۳ - الزام الناصب، ص ۱۸۵؛ علاوه بر این رک: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۰ - ۲۲۲، ح ۸۲.

۴ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۳۱، ح ۱۶۱.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه:

﴿وَلَنذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَذْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ﴾^۱

«پیش از عذاب بزرگ، از عذاب کوچک به آنان می‌چشانیم.»

فرمود: «أَيُّ خِزْيٍ أَشَدُّ مِنْ أَنْ يَكُونَ الرَّجُلُ فِي بَيْتِهِ وَأَصْحَابِهِ، وَعَلَىٰ خِوَابِهِ وَسَطَ عِيَالِهِ إِذْ شَقَّ أَهْلُهُ الْجُيُوبَ عَلَيْهِ وَصَرَخُوا، فَيَقُولُ النَّاسُ: مَا هَذَا؟ فَيُقَالُ: مُسِخٌ فَلَانَ السَّاعَةَ! وَقَدْ سَأَلَهُ صَاحِبَةُ أَبُو بَصِيرٍ (رض): يَكُونُ هَذَا قِيَامَ الْقَائِمِ أَوْ بَعْدَهُ؟ فَقَالَ: لَا، قَبْلَهُ.»^۲

«چه ذلت و خواری بالاتر از این که انسان در میان خانه و خانواده‌اش در کنار سفره نشسته باشد و ناگهان اهل خانه گریبان چاک کرده ناله سر دهند، مردم بپرسند: چه شده؟! گفته شود: این فلانی است، همین الان مسخ شد!! ابو بصیر از آن حضرت پرسید: این فجایع پیش از قیام قائم روی می‌دهد یا بعد از قیام او؟! حضرت فرمود: پیش از قیام او.»

﴿يُزَجَرُ النَّاسُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ عَنْ مَفَاصِيهِمْ بِنَارٍ تَطْفَهُرُ فِي السَّمَاءِ، وَحُمْرَةٌ تُجَلَّلُ الْمَاءَ، وَخَسْفٌ بِبَغْدَادَ، وَخَسْفٌ بِبَلَدَةِ الْبَصْرَةِ، وَدِمَاءٌ تُسْفَكُ فِيهَا وَخَرَابٌ دُورِهَا وَفَنَاءٌ يَقَعُ فِي أَهْلِهَا، وَشَمُولٌ أَهْلِ الْعِرَاقِ خَوْفٌ لَا يَكُونُ مَعَهُ قَرَارًا﴾^۳

«پیش از قیام قائم مردم بایک سلسله از نشانه‌های آسمانی بیم داده می‌شوند: ۱ - آتشی که در آسمان پدید آید؛ ۲ - سرخی که افق‌ها را روشن سازد؛ ۳ - خسفی که در بغداد ظاهر شود؛ ۴ - خسفی که در بصره روی دهد؛ ۵ - خون‌هایی که در بصره ریخته شود؛ ۶ - خرابی خانه‌های بصره و نابودی مردمان آن؛ ۷ - فراگیر شدن ترس و وحشت در همه نقاط عراق که آسایش و آرامش را از همه مردم عراق سلب کند.»

«...يَكُونُ عِنْدَ ذَلِكَ ثَلَاثَةُ خُسُوفٍ: خَسْفٌ بِالْمَشْرِقِ، وَخَسْفٌ بِالْمَغْرِبِ، وَخَسْفٌ بِجَزِيرَةِ

الْعَرَبِ...»^۴

۲ - غیبت نعمانی، ص ۱۴۳.

۱ - سورة سجده (۳۲) آیه ۲۱.

۳ - ارشاد مفید، ص ۳۴۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۱، ح ۸۵.

۴ - الملاحم والفتن، ص ۱۱۷؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۰، ح ۱۱.

«در آن هنگام سه خسف روی می دهد: یکی در مشرق، دیگری در مغرب و سومی در جزیره العرب.»

حذیفه روایت می کند در شهر مدینه زیر سایه دیواری نشسته بودیم و پیغمبر ﷺ هم در اتاقی بودند، پس ایشان سر مبارک بیرون آورده و فرمودند: چه می کنید؟ گفتیم: سخن می گوئیم. فرمودند: درباره چه؟ گفتیم: درباره روز قیامت، حضرت فرمودند: قیامت رانخواهید دید مگر پیش از آن ده نشانه ببینید: «طُلُوعُ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا، وَالذَّجَالُ، وَدَابَّةُ الْأَرْضِ وَثَلَاثَةُ خُسُوفٍ تَكُونُ فِي الْأَرْضِ: خُسْفٌ بِالْمَشْرِقِ وَخُسْفٌ بِالْمَغْرِبِ وَخُسْفٌ بِجَزِيرَةِ الْعَرَبِ وَخُرُوجُ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَخُرُوجُ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ وَتَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ نَارٌ تَخْرُجُ مِنَ الْيَمَنِ مِنْ قَعْرِ الْأَرْضِ لَا تَدَعُ خَلْفَهَا أَحَدًا تَسُوقُ النَّاسَ إِلَى الْمَحْشَرِ كُلَّمَا قَامُوا قَامَتْ لَهُمْ تَسْوِئَتُهُمْ إِلَى الْمَحْشَرِ.»^۱

«طلوع خورشید از سمت مغرب، دجال، جنبنده زمین، سه شکاف که در زمین واقع می شود، در مشرق، مغرب و جزیره العرب، ظهور عیسی بن مریم علیه السلام، خروج یاجوج و ماجوج، آتشی در آخرالزمان در عدن از عمق زمین بیرون می آید که کسی را پشت سر خود و انمی گذارد و مردم را به سوی محشر می راند، هر چه توقف کنند، توقف نموده و آنان را به طرف محشر حرکت می دهد.»

خداوند خطاب به مردم آن زمان می فرماید:

﴿ مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ. فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ ﴾^۲

«چشم به راه نیستند جز یک خروش که آنان را بگیرد در حالی که با هم در ستیزند، پس نتوانند وصیت کنند و نه به سوی خانواده خویش بازگردند.»
به تحقیق علایم ظهور یکی پس از دیگری به وقوع خواهد پیوست همان گونه که بسیاری از نشانه های آن سلسله وار به وقوع پیوسته است و ظهور یاجوج و ماجوج^۳ یکی از نشانه های رستاخیز است. در همین رابطه آیاتی چند از سوره

۱ - بحار الأنوار، ج ۶، ص ۳۰۳.

۲ - سوره یس (۳۶) آیه ۴۹، ۵۰.

۳ - یاجوج و ماجوج دو قبیله وحشی و خون خوار بودند که برای ساکنان اطراف مرکز سکونت خود مزاحمت داشتند (تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۵۵۱) به گفته مفسر بزرگ، علامه طباطبایی در المیزان و از مجموع

کهف به سفر ذوالقرنین اشاره کرده و می‌گوید: ذوالقرنین^۱ پس از سفر طولانی به یک منطقه کوهستانی رسید و در آنجا جمعیتی را مشاهده کرد که از نظر تمدن، عقب افتاده بودند و آنان از ناحیه دشمنانی سرسخت به نام یاجوج و ماجوج شکوه داشتند به همین دلیل آنان مقدم ذوالقرنین را مغتم شمرده و دست به دامان آن بزرگوار شده و گفتند:

﴿ يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَىٰ أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا ﴾^۲

«ای ذوالقرنین! همانا یاجوج و ماجوج زمین را به تباهی می‌کشند، آیا برای تو هزینه‌ای قرار دهیم تا میان ما و ایشان سدی^۳ بسازی.»

ذوالقرنین در پاسخ آنان گفت:

«مَا مَكَّنِي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا أَتُونِي زُبَرَ الْحَدِيدِ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انْفُخُوا حَتَّىٰ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ أَتُونِي أُفْرِغْ عَلَيْهِ قَطْرًا فَمَا اسْطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا قَالَ هَذَا رَحْمَةٌ مِنِّي رَبِّي فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي حَقًّا.»^۴

گفته‌های تورات استفاده می‌شود که یاجوج و ماجوج گروه و یا گروه‌هایی بزرگ بودند که در دور دست‌ترین نقطه شمال آسیا زندگی می‌کردند و مردمی جنگ‌جو و غارت‌گر بودند (المیزان ج ۱۳، ص ۲۱۱)

۱ - ذوالقرنین بنده‌ای از بندگان صالح خدا، مردی مهربان و معتقد به خدا و روز رستاخیز، مردی عادل و یار نیکوکاران و دشمن ستمگران بود و به مال و ثروت دنیا علاقه‌ای نداشت و او سدی را میان مردمی مظلوم و قومی ظالم بنا کرد که مصالحش آهن و مس گذاخته بود که به سد ذوالقرنین معروف است و همچنین احتمال داده شده که ذوالقرنین همان کورش کبیر پادشاه هخامنشی باشد. (تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۵۴۳ و...)

۲ - سوره کهف (۱۸) آیه ۹۴.

۳ - طبق تحقیق دانشمندان در سرزمین قفقاز میان دریای خزر و دریای سیاه سلسله کوههایی است همچون یک دیوار که شمال را از جنوب جدا می‌کند، تنها تنگه‌ای که میان این کوه‌های دیوار مانند وجود دارد که به تنگه «داربال» معروف است و در همانجا تاکنون دیوار آهنین باستانی به چشم می‌خورد به همین دلیل بسیاری معتقدند که سد ذوالقرنین همین سد است. (تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۵۵۰)

۴ - سوره کهف (۱۸) آیه ۹۵، ۹۶، ۹۷.

«آنچه را خدا در اختیار من گذارده بهتر است (از آنچه شما پیشنهاد می‌کنید) مرا با نیرویی یاری کنید، تا میان شما و آنان سد محکمی ایجاد کنم، قطعات بزرگ آهن برای من بیاورید (و آنها را به روی هم بچینید) تا کاملاً میان دو کوه را پوشانید، سپس گفت: آتش در اطراف آن بیفروزید و در آتش بدمید، (آنان دمیدند) تا قطعات آهن سرخ و گداخته شد، گفت: (اکنون) مس ذوب شده برای من بیاورید تا به روی آن بریزم، سرانجام آن چنان سد نیرومندی ساخت که آنان قادر نبودند از آن بالا روند و نمی‌توانستند سوراخی در آن ایجاد کنند.»
 آنگاه ذوالقرنین گفت:

«هَذَا رَحْمَةٌ مِّن رَّبِّي فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي حَقًّا.»^۱

«این رحمتی از جانب پروردگار من است، ولی چون وعده پروردگارم فرا رسد آن را درهم کوبد و وعده پروردگارم حق است.»

﴿حَتَّىٰ إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُمْ مِّن كُلِّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ،
 وَأَقْتَرَبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ فَإِذَا هِيَ شَاخِصَةٌ أَبْصَارِ الَّذِينَ كَفَرُوا يَا وَيْلَنَا قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا بَلْ كُنَّا ظَالِمِينَ﴾^۲

«تا روزی که راه یاجوج و ماجوج باز شود و آنان از هر جانب پستی و بلندی زمین شتابان درآیند، آنگاه وعده حق نزدیک شود و ناگهان چشم کافران از حیرت فرو ماند.»

همچنین روایاتی در مورد بنو قنطوره نقل شده است از جمله:

«يُوشِكُ بَنُو قَنْطُورًا أَنْ يَخْرُجُوا بِكُمْ مِنْ أَرْضِ الْعِرَاقِ!»^۳

«نزدیک است که بنو قنطوره^۴ شما را از سرزمین‌های خود از خاک عراق بیرون کنند.»

۱ - سورة كهف (۱۸) آیه ۹۸.

۲ - سورة كهف (۱۸) آیه ۹۶، ۹۷.

۳ - الملاحم و الفتن، ص ۷۴.

۴ - برخی گفته‌اند: قنطوره کنیز حضرت ابراهیم (علیه السلام) بود و نژاد ترک و چین از اوست.

(یوم الخلاص، ص ۹۶۰)

«يُوشِكُ أَنْ يُطَوِّىَ مَلِكُ الْعَرَبِ. يَطْوِيهِ بَنُو قَنْطُورَا، قَوْمٌ عَرَاضُ الْوُجُوهِ، قَطَسُ الْأَنْوَابِ، صِبَاغُ الْأَعْيُنِ، كَأَنَّ وُجُوهُهُمْ الْمَجَانُّ الْمُطْرَقَةُ، يَشْتَعِلُونَ الشَّعْرَ. يَنْزِلُونَ قَرْيَةً قَرِيبَةً مِنْ أَرْضِ الْعَرَبِ، بَلْ هِيَ مِنْ أَرْضِ الْعَرَبِ يُقَالُ لَهَا: جِبَانَةُ اللَّوْنِ، فَيَقَاتِلُهُمُ الْعَرَبُ قِتَالًا شَدِيدًا، فَيَقُولُ التُّرْكُ: اذْفَعُوا إِلَيْنَا إِخْوَانَنَا مِنَ الْعَجَمِ وَلَا تُقَاتِلُكُمْ، فَيَقُولُ الْعَرَبُ لِلْمَوَالِي: اِلْحَقُوا بِإِخْوَانِكُمْ، فَيَقُولُ الْمَوَالِي: وَيَحْكُمُ، إِلَى الْكُفْرِ بَعْدَ الْإِسْلَامِ؟ ثُمَّ تُقَاتِلُهُمُ الْمَوَالِي قِتَالًا شَدِيدًا، فَيَهْزِمُهُمُ اللَّهُ حَتَّى لَا يَبْقَى مِنْهُمْ مُخَبِّرٌ. وَيَجِيءُ الْمَوَالِي بِالْفَنَائِمِ، فَيَقُولُ الْعَرَبُ لِلْمَوَالِي: أَعْطُونَا مِمَّا غَنِمْتُمْ، فَيَقُولُونَ: لَا نُعْطِيكُمْ وَقَدْ خَذَلْتُمُونَا.»^۱

«نزدیک است که سلطنت عرب به دست (بنوقنطوره) برچیده شود، بنوقنطوره قومی هستند با صورت‌های پهن، بینی‌های فرو رفته و دیدگان کوچک، صورت‌هایشان چون سپرهای آهنین است، کفش‌های مویی به پا می‌کنند و در محلی نزدیک سرزمین عرب فرود آیند که از زمین‌های عربی است به آنجا (وادی لون) گفته می‌شود، عرب‌ها سخت با آنان درگیر می‌شوند؛ ترک‌ها می‌گویند: برادران عجم ما را به ما پس دهید ما با شما جنگ نمی‌کنیم، (قوم) عرب به موالی می‌گویند: به برادران خود پیوندید، آنان می‌گویند: وای بر شما، آیا پس از اسلام به سوی کفر برگردیم؟! آنگاه موالی با آنان می‌جنگند و آنان را شکست می‌دهند و گزارشگری از آنان باقی نمی‌ماند، موالی با غنیمت‌های فراوان باز می‌گردند، عرب‌ها به موالی می‌گویند: از آنچه غنیمت گرفته‌اید به ما هم بدهید، آنان می‌گویند: چیزی به شما نمی‌دهیم، چون شما ما را تنها گذاشتید و ما را یاری نکردید.»

«وَيُنْبَلُ لِلْعَرَبِ مِنْ مُخَالَفَةِ الْأَثْرَاكِ، وَيُنْبَلُ لِأُمَّةٍ مُحَمَّدٍ إِذَا تَحَمَّلَ أَهْلُهَا الْبُلْدَانَ، وَعَبَرَ بَنُو قَنْطُورَا سَيْحَانَ وَشَرِبُوا مَاءَ دَجَلَةَ، وَهَمُّوا بِقَضِيبِ الْبَصْرَةِ وَالْأَبْلَةِ، وَأَيُّمُ اللَّهِ لَتَفَرَّقَنَّ بِلْدَاتِكُمْ حَتَّى كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى جَامِعِهَا كَجَوْجُو سَفِينَةٍ أَوْ نُعَامَةٍ جَائِمَةٍ.»^۲

«وای بر عرب از مخالفت ترک‌ها، وای بر امت محمد هنگامی که شهرنشینی

را تحمل کنند و بنوقنطوره از رود سیحان^۱ بگذرند و از آب دجله بخورند و به سوی بصره و ابله^۲ مهاجم کنند. سوگند به خدا که این شهر شما (بصره) بی گمان در زیر امواج دریا غرق خواهد شد، گویی با چشم خود می بینم که همه شهر غرقه گشته و مسجد شما همانند دکل کشتی سر از آب بیرون آورده و یا چون شترمرغی بر بستر آب تکیه داده است.»

«إِذَا قَتَلَ مُلُوكَ بَنِي الْعَبَّاسِ أَصْحَابُ الرَّئِي عَنِ الْأَنْوَابِ بِوُجُوهِ كَالْتُرَابِ.»^۳

«هنگامی که سلاطین بنی عباس را کمانداران تیراندازی با چهره‌های گردی چون سپر به قتل برسانند.»

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید:

«كَأَنِّي أَرَاهُمْ قَوْمًا وَجُوهُهُمْ الْمَجَانُ الْمُطْرَقَةُ، يَلْبَسُونَ السُّرْقَ وَالْدِيَابَجَ، وَيَعْتَقِبُونَ الْخَيْلَ الْعِتَاقَ، وَيَكُونُ هُنَاكَ إِسْتِجْرَارٌ قَتْلٍ، وَيَكُونُ الْمُفْلِتُ أَقْلٌ مِنَ الْمَأْسُورِ. وَلَيْسَ هُوَ بِعِلْمٍ غَيْبٍ. ذَلِكَ عِلْمٌ عَلَّمَهُ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ فَعَلَّمَنِيهِ وَدَعَا لِي بِأَنْ يَعِيَهُ صَدْرِي وَتَضَطَّمَ عَلَيْهِ جَوَانِحِي.»^۴

«گویی آنان را با چشم خود می بینم که چهره‌های آنان چون سپرهایی است که پوست بر روی آن کشیده باشند، جامه‌های حریر و دیبا می پوشند و اسب‌های بسیار زیبایی را یدک می کشند، در آنجا کارزاری سخت روی می دهد و فراریان کمتر از اسیران خواهند بود.»

یکی از یاران گفت: بی گمان به شما علم غیب عطا شده است، (حضرت) فرمود: ای برادر کلبی! این غیب نیست، این دانشی است که آن را خدای تبارک و تعالی به پیامبرش آموخته است و او به من تعلیم کرده و برای من دعا کرده که سینه‌ام گنجینه این علوم بوده و دلم فراگیرنده این دانش‌ها باشد.»

«وَأَكْثَرُ الْعَلَامَاتِ بَنُو قَنْطُورَا، وَمُلْكُهُمُ الْعِرَاقُ وَأَطْرَافُ الشَّامِ.»^۵

«از بیشترین نشانه‌های بنوقنطوره و سلطه آنان بر عراق و شامات است.»

۱ - رودی در جنوب ترکیه است.

۲ - ابله، شهر بزرگی در شرق بصره بوده است.

۳ - منابع الموده، ج ۳، ص ۱۹۳.

۴ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۵، ح ۱۶۸.

۵ - الزام الناصب، ص ۲۱۳.

«إِذَا افْتَرَقَ بَنُو قَنْطُورَاءَ عَلَى اخْتِلَافٍ، وَآلُ بِهِمُ الْوَجَلُ إِلَى الْمَضَافِ، أُمْتَحِنُوا بِالرَّجْفِ وَانْكَشَفَ لِلْأَنَامِ عَلَى مُضْمَرِهِمْ»^۱

«هنگامی که در میان بنوقنطوره اختلاف پدید آید و ترس و وحشت آنان را به صحنه جنگ بکشاند، در آن هنگام دچار زلزله می‌شوند و باطنشان بر همگان آشکار شود.»

از ناحیه مقدسه آقا امام زمان در ضمن توفیق شریفی خطاب به علی بن مهزیار چنین آمده است:

«إِنَّهُ إِذَا فَقَدَ الصِّينَ، وَتَحَرَّكَ الْمَغْرِبِيُّ، وَسَارَ الْعَبَّاسِيُّ، وَبَوَّعَ السُّفْيَانِيُّ، يُؤَذِّنُ لَوْلِيِّ اللَّهِ»^۲

«هنگامی که مرد چینی ناپدید شود، مراکشی قیام کند، عباسی برود و با سفیانی بیعت شود، برای ولی خدا اجازه ظهور داده می‌شود...»

علی بن مهزیار ضمن تشرف به پیشگاه آقا امام زمان علیه السلام از آن حضرت چنین شنیدند:

«يَا ابْنَ مَهْزِيَارَا أَلَا أَنْبَأُكَ؟ إِنَّهُ إِذَا فَقَدَ الصِّينَ وَتَحَرَّكَ الْمَغْرِبِيُّ، وَسَارَ النُّعْمَانِيُّ وَتَرَبَّعَ السُّفْيَانِيُّ، يُؤَذِّنُ لَوْلِيِّ اللَّهِ، فَأَخْرُجُ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ فِي ثَلَاثِمِئَةٍ وَثَلَاثَةِ عَشَرَ رَجُلًا»^۳

«ای پسر مهزیارا! آیا برای تو بازگو نکنم؟! هنگامی که آن مرد چینی ناپدید شود، مغربی حرکت کند، نعمانی برود و سفیانی بر تخت نشیند، به ولی خدا اذن خروج داده می‌شود، آنگاه با ۳۱۳ تن از یارانم، از میان صفا و مروه ظاهر می‌شوم.»

مروست: در این دوران بلاها و فتنه‌ها همچون دانه‌های تسبیح یکی بعد از دیگری تحقق خواهد یافت در همین رابطه علامه محدث مرحوم «سید هاشم حسینی بحرانی» رحمته الله از ام سلمه نقل می‌کند که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: چون خداوند شب معراج مرا به آسمان برد بر عرش نگریستم که نوشته شده بود: معبود به حق جز خدای یکتا نیست، محمد صلی الله علیه و آله رسول و فرستاده خدا است او را به علی علیه السلام تأیید و یاری نمودم و انوار علی، فاطمه، حسن، حسین،

۱ - الزام الناصب، ص ۲۰۴.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۴، ح ۱۳۱.

۳ - بشارة الاسلام، ص ۱۷۴.

علی بن الحسین، محمد بن علی، جعفر بن محمد، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن محمد و حسین بن علی (صلوات الله و سلامه عليهم اجمعين) را دیدم و نور حضرت حجت علیه السلام که همچون ستاره‌ای فروزان بین آنان می درخشید.

عرض کردم: پروردگارا! این نور کیست و این انوار چه کسانی هستند؟
هاتفی ندا سرداد: ای محمد این نور علی و فاطمه و این نور دو فرزندت حسن و حسین و این نور امامان از فرزندت حسین است که پاک و معصوم هستند و این نور حجت است که زمین را سرشار از قسط و عدالت سازد، چنان که مملو از جور و ستم شده باشد.^۱

به راستی چه جور و ستم و خیانتی بالاتر از آن که عده‌ای از شنیدن نام خدای سبحان در مساجد کراهت داشته و سعی در خفه کردن صدای مردم مظلومی را نمایند که طوق بندگی را به گردن کرده و رستگاری را طالب هستند، از جمله:

﴿مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ وَ سَعَى فِي خَرَابِهَا
أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَ لَهُمْ فِي
الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾^۲

«کیست ستمکارتر از آن کس که نگذارد در مساجد خدا، نام وی برده شود و در ویرانی آنها بکوشد؟ آنان حق ندارند جز ترسان، لرزان در آن (مسجد)ها درآیند. در این دنیا ایشان را خواری و در آخرت عذابی بزرگ است.»

امام صادق علیه السلام در این باره فرموده‌اند:

چه کسی ستمگرتر از آن کس که نگذارد در مساجد نام خداوند یاد شود و برای ویرانی آن تلاش کند؟ سپس آن حضرت فرمودند: آنان رومی‌ها (یهودیان) هستند که بخت النصر را در تخریب بیت المقدس یاری کردند، برای آنان روا نیست که وارد مساجد الهی شوند جز با ترس و لرز، آن روز هیچ رومی (یهودی)

وارد بیت المقدس نمی شود جز این که ترس دارد گردنش از پیکرش جدا شود و یا جزیه از او مطالبه گردد و برای آنان در دنیا، خواری و زیونی و در آخرت، عذابی عظیم است و خواری آنان در دنیا کشته شدن آنان به دست مبارک حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا له الفداء در قیام شکوهمند آن حضرت به هنگام فتح قسطنطنیه (استانبول) است.^۱

رسول اکرم ﷺ می فرماید:

«يَنْزِلُ عَلَيَّ أُمَّتِي بِلَاءٍ لَمْ يُسْمَعْ بِبِلَاءٍ أَشَدَّ مِنْهُ، حَتَّى تَضِيقَ بِهِمُ الْأَرْضُ الرَّحْبَةَ!»^۲
 «بر امت من بلایی نازل می شود که بلایی سخت تر از آن شنیده نشده است، زمین با این همه وسعت بر آنان تنگ می شود!»

«بِلَاءٌ يُصِيبُ هَذِهِ الْأُمَّةَ حَتَّى لَا يَجِدَ الرَّجُلُ مَلْجَأً يَلْجَأُ إِلَيْهِ مِنَ الظُّلْمِ. ثُمَّ لَا يَزْدَادُ الْأَمْرُ إِلَّا شِدَّةً، وَلَا الدُّنْيَا إِلَّا إِدْبَارًا، وَلَا النَّاسُ إِلَّا شَحًّا... وَلَا تَقُومُ السَّاعَةُ إِلَّا عَلَى شِرَارِ الْخَلْقِ.»^۳
 «بلائی به این امت می رسد که مردان آن پناهگاهی نمی یابند که از ستم ستمگران به آنجا پناه ببرند، از آن پس هر روز اوضاع سخت تر می شود، دنیا بیشتر پشت می کند، مردم بخیل تر می شوند و قیامت در عهد بدترین مردمان بر پا می شود.»

«إِذَا رَأَيْتَ الْفِتْنَةَ بِالشَّامِ فَالْمَوْتُ الْمَوْتُ حَتَّى يَتَحَرَّكَ بَنُو الْأَصْفَرِ فَيَسِيرُونَ إِلَى بِلَادِ الْعَرَبِ، فَتَكُونُ بَيْنَهُمُ الْوَقَائِعُ.»^۴

«چون فتنه در شام ظاهر شود دیگر همه اش کشت و کشتار است تا نژاد زرد به پا خیزند و به ممالک عربی بتازند و آنگاه حوادثی روی می دهد.»
 در همین رابطه حضرت علی عليه السلام می فرماید:

«وَسَتَأْتِي الْيَهُودُ مِنَ الْعَرَبِ لِإِنشَاءِ دَوْلَتِهِمْ بِفِلِسْطِينَ قَالَ النَّاسُ: يَا أَبَا الْحَسَنِ أَنَّى تَكُونُ الْعَرَبُ أَجَابَ أَنْدَاكَ تَكُونُ مُفَكِّكَةُ الْقُوَى مُفَكِّكَةُ الْعَرَبِ غَيْرَ مُتْكَائِفَةٍ وَغَيْرَ مُتْرَادِفَةٍ. ثُمَّ

۱ - الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۲۳ به نقل از تفسیر طبری.

۲ - المهدي، ص ۲۲۱. ۳ - ينابيع المودة، ج ۳، ص ۹۰.

۴ - الملاحم و الفنن، ص ۱۰۷.

سَبَّلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَيَطْوُلُ هَذَا الْبَلَاءُ قَالَ لَا حَتَّى إِذَا أَطَلَقَتِ الْعَرَبُ أَعْنَتَهَا وَرَجَعَتْ إِلَيْهَا عَوَازِمَ أَخْلَامِهَا عِنْدَيْدٍ يَفْتَحُ عَلَى يَدِيهِمْ فِلِسْطِينَ وَتَخْرُجُ الْعَرَبُ ظَافِرَةً وَمُوجِدَةً وَسَتَاتِي النَّجْدَةَ مِنَ الْعِرَاقِ كَتَبَ عَلَى رَايَاتِهَا الْقُوَّةَ وَتَشْتَرِكُ الْعَرَبُ وَالْإِسْلَامُ كَأَنَّهَا لِيَتَخَلَّصَ فِلِسْطِينَ مَعْرَكَةً وَأَيُّ مَعْرَكَةٍ فِي جَلِّ الْبَحْرِ تَخْوِضُ النَّاسَ فِي الدِّمَاءِ وَيَمْشِي الْجَرِيحُ عَلَى الْقَتِيلِ ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَسَتَفْعَلُ الْعَرَبُ ثَلَاثًا وَفِي الرَّابِعَةِ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي نُفُوسِهِمْ مِنَ الثَّبَاتِ وَالْإِيمَانِ فِيهِ فَرَفَ عَلَى رُؤُسِهِمُ النَّصْرُ ثُمَّ قَالَ وَإِيمَ اللَّهِ يُذَبِّحُونَ ذَبِيحَ النَّعَاجِ حَتَّى لَا يَبْقَى يَهُودِيٌّ فِي فِلِسْطِينَ.»^۱

«زود است یهود از غرب برای تشکیل دولت خود به فلسطین بیاید مردم به حضرت عرض کردند: ای ابا الحسن پس عرب در آن موقع کجا هستند؟ حضرت فرمود: در آن وقت قوای عرب تفکیک شده، دسته دسته شده‌اند، جماعت آنان از هم پراکنده و با هم در یک ردیف نخواهند بود. از حضرت سؤال شد آیا این بلا طول می‌کشد؟ حضرت فرمود: نه آن وقتی که عرب از شکستگی‌های خود برگردد و از خواب‌های خود بیدار شود آن وقت فلسطین به دست آنان فتح می‌شود و عرب خارج شده با هم متحد شوند و مردمان شجاع دلیری هم از عراق می‌آیند که بر پرچم‌های آنان نوشته شده است: قوت و قدرت، آن وقت عرب و سایر مسلمانان با هم متحد می‌شوند و برای نجات فلسطین جنگی خواهد شد و چه جنگی در تمام اطراف دریا مردم در خون فرو می‌روند تا این که حتی مجروهان از روی کشته‌ها عبور می‌کنند.

آنگاه حضرت فرمود: عرب بر سه قسم می‌شود و دسته چهارم که خدا می‌داند چقدر ثبات قدم و ایمان دارند (شاید منظور ایرانی‌ها باشند) پس مانند ابر بر سر آنان یاری خدا فرو می‌ریزد، حضرت فرمود: به خدا قسم سر یهود را می‌برند مانند ذبح کردن میش‌ها تا این که یک نفر یهودی در فلسطین باقی نماند.»

امیر مؤمنان درباره آن شرایط می‌فرماید:

«فَعِنْدَ ذَلِكَ تَخْرُجُ الْعَجَمُ عَلَى الْعَرَبِ، وَيَمْلِكُونَ الْبَصْرَةَ... أَلَا يَا وَيْلَ لِبَصْرَةَ مِمَّا يَجْلُ بِهَا مِنَ الطَّاعُونَ وَمِنَ الْفِتَنِ يَتَّبِعُ بَعْضُهَا بَعْضًا. أَلَا يَا وَيْلَ لِفِلِسْطِينَ وَمَا يَجْلُ بِهِ مِنَ الْفِتَنِ

الَّتِي لَا تُطَاقُ! أَلَا يَا وَيْلَ لِأَهْلِ الدُّنْيَا وَمَا يَجِلُّ بِهَا مِنْ الْفِتَنِ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ وَجَمِيعِ الْبُلْدَانِ: الْغَرْبِ وَالشَّرْقِ وَالْجَنُوبِ وَالشَّمَالِ! أَلَا وَإِنَّهُ تَزَكَّبَ النَّاسُ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ، وَتَنَوَّأَتْ عَلَيْهِمُ الْحُرُوبُ الدَّائِمَةُ، وَذَلِكَ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ، وَمَا رَبُّكَ بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ.»^۱

«در چنین موقعی عجم علیه عرب شورش می‌کند و بصره را اشغال می‌کند، وای به حال مردم بصره که طاعون و فتنه‌های فراوانی در آن پدید می‌آید! وای به حال مردم فلسطین از فتنه‌های غیر قابل تحملی که در آن واقع می‌شود! وای به حال مردم دنیا از فتنه‌های پیاپی که در آن زمان در شرق، غرب، شمال و جنوب جهان در هر شهر و قصبه‌ای اتفاق می‌افتد، هر گروهی علیه گروه دیگر شورش می‌کند و جنگ‌های دایمی یکی پس از دیگری روی می‌دهد، که همه اینها کیفر اعمال خود مردم است و پروردگارت هرگز بر بندگان ستمی روا نمی‌دارد.»

«لَا بُدَّ أَنْ يَكُونَ قُدَّامَ الْقَائِمِ سَنَةٌ تَجُوعٌ فِيهَا النَّاسُ، وَيُصِيبُهُمْ خَوْفٌ شَدِيدٌ مِنَ الْقَتْلِ، وَتَقْصِرُ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالشَّمْرَاتِ، فَإِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابِ اللَّهِ لَبَيِّنٌ.»^۲

«به ناچار پیش از ظهور قائم سالی خواهد بود که مردم دچار گرسنگی بشوند و وحشت شدیدی از کشت و کشتار و کاهش در جان و مال و میوه‌ها داشته باشند. چنان‌که در کتاب خدا به روشنی آمده است.»

﴿وَلَتَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالشَّمْرَاتِ وَيَشْرِ الصَّابِرِينَ﴾^۳

«هر آینه شما را بیازماییم به چیزی از ترس و گرسنگی و کاهش مالها و جانها و میوه‌ها، و مزده بده صبر پیشگان را.»

«الْجُوعُ خُاصٌّ وَعَامٌّ: فَأَمَّا الْخُاصُّ مِنَ الْجُوعِ فَبِالْكُوفَةِ يَخْصُ اللَّهُ بِهِ أَغْدَاءَ آلِ مُحَمَّدٍ فِيهِلِكُهُمْ، وَأَمَّا الْعَامُّ فَبِالشَّامِ، يُصِيبُهُمْ خَوْفٌ وَجُوعٌ مَا أَصَابَهُمْ بِهِ قَطُّ. وَأَمَّا الْجُوعُ فَقَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ، وَأَمَّا الْخَوْفُ فَبَعْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.»^۴

«گرسنگی دو نوع است: گرسنگی خاص و گرسنگی عمومی. گرسنگی ویژه

۱ - الزام الناصب، ص ۱۹۶.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۸، ح ۹۳.

۳ - سورة بقره (۲) آیه ۱۵۵.

۴ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۹، ح ۹۴.

در کوفه واقع می شود و منحصرأً برای دشمنان آل محمد صلی الله علیه و آله پیش می آید و آنان را هلاک می نماید، اما گرسنگی عمومی در شامات پدید آید و آنان را آن چنان دچار وحشت و گرسنگی می کند که هرگز نظیر آن را ندیده باشند، گرسنگی پیش از قیام قائم است ولی وحشت و اضطراب بعد از قیام آن حضرت خواهد بود.»

«وَيَوْمَئِذٍ يَكُونُ اِخْتِلَافٌ كَثِيرٌ فِي الْاَرْضِ وَفِتْنٌ. وَيُضْبِحُ الزَّمَانُ مُكَلِّحاً مُفْصِحاً، يَشْتَدُّ فِيهِ الْبِلَادُ وَيَنْقَطِعُ فِيهِ الرَّجَاءُ.»^۱

«آن روز اختلافات و فتنه ها فراوان شود سختی، قحطی و خشک سالی زمانه را فرا می گیرد، شهرها در تنگنا افتند و امیدها قطع می شود.»
امام محمد صادق عليه السلام می فرماید:

«إِنَّ الْعَذَابَ الْأَذْنَى هُوَ الْقَحْطُ وَالْجَدْبُ وَغَلَاءُ السَّغْرِ قُبَيْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ بِالسَّيْفِ! وَالْعَذَابُ الْأَكْبَرُ: الْمَهْدِيُّ بِالسَّيْفِ فِي آخِرِ الزَّمَانِ.»^۲

«کیفر کوچک قحطی، خشک سالی و گرانی قیمت ها و نیز به شمشیر در آستانه ظهور قائم است، کیفر بزرگ با شمشیر بزرگان حضرت مهدی در آخر الزمان است.»
رسول اکرم در این باره می فرماید:

«بَيْنَ ذَلِكَ قَبِيحٌ أَعْوَجُ، لَيْسُوا مِنِّي وَلَا أَنَا مِنْهُمْ»^۳

«در آن میان اکثریت قاطع از راه منحرف هستند، آنان از من نیستند و من هم از آنان نیستم!»

«لَتَأْتِيَنَّكُمْ بَعْدِي أَرْبَعُ فِتْنٍ: الْأُولَى تُسْتَحَلُّ فِيهَا الدِّمَاءُ، وَالثَّانِيَةُ تُسْتَحَلُّ فِيهَا الدِّمَاءُ وَالْأَمْوَالُ، وَالثَّلَاثَةُ تُسْتَحَلُّ فِيهَا الدِّمَاءُ وَالْأَمْوَالُ وَالْفُرُوجُ، وَالرَّابِعَةُ صَمَاءٌ عَمِيَاءٌ مُطَبَّقَةٌ تَمُورُ مَوْرَ السَّفِينَةِ فِي الْبَحْرِ، حَتَّى لَا يَجِدَ أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ مَلْجَأً، تَطِيرُ بِالشَّامِ، وَتَغْشَى الْعِرَاقَ، وَتَخْبِطُ الْجَزِيرَةَ يَدَهَا وَرِجْلُهَا، يَفْرُكُ الْأَنَامَ الْبَلَاءَ فِيهَا عَزَّكَ الْأَدِيمُ، لَا يَسْتَطِيعُ أَحَدٌ أَنْ يَقُولَ

۱ - يوم الخلاص، ص ۸۹۴

۲ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۹، ح ۵۵

۳ - غيبت شيخ طوسي، ص ۱۱۴

فیها: مه، مه!!! لا تَرْفَعُونَهَا مِنْ نَاجِيَةٍ إِلَّا انْفَتَحَتْ مِنْ نَاجِيَةٍ أُخْرَى.»^۱

«بعد از من چهار فتنه بر شما فرود آید که در اولی خونها مباح می‌شود، در دومی خونها و ثروت‌ها مباح می‌گردد، در سومی خونها و ثروت‌ها و ناموس‌ها مباح می‌شود و در چهارمی آشوبی کور و کور جهان را مضطرب می‌سازد آن‌چنان‌که کشتی غول پیکر آب‌های مجاور را مضطرب کند، این فتنه شام را زیر پر می‌گیرد و عراق را می‌پوشاند و در جزیره العرب دست و پا می‌زند، مردم تلخی حوادث و فشار آشوب را لمس می‌کنند، آن‌چنان‌که پوست به هنگام دباغی شدن، فشار وارده را لمس می‌کند، کسی قدرت یک کلمه سخن گفتن نخواهد داشت! این فتنه در نقطه‌ای آرام نمی‌یابد جز پس از آن‌که در نقطه‌ای دیگر بیداد کند.»

«وَيُخِخُ هَذِهِ الْأُمَّةَ مِنْ مُلُوكِ جَبَابِرَةٍ كَيْفَ يَقْتُلُونَ وَيُخَيِّفُونَ الْمُطِيعِينَ إِلَّا مَنْ أَظْهَرَ طَاعَتَهُمْ. فَالْمُؤْمِنُ التَّقِيُّ يُضَائِعُهُمْ بِلِسَانِهِ وَيَفِرُّ مِنْهُمْ بِقَلْبِهِ. فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يُعِيدَ الْإِسْلَامَ عَزِيزاً قَصَمَ كُلَّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ. وَهُوَ الْقَادِرُ عَلَى مَا يَشَاءُ، لِيُضْلِحَ الْأُمَّةَ بَعْدَ فَسَادِهَا.»^۲

«وای بر این امت از دست پادشاهان ستمگری که بندگان خدا را می‌کشند و می‌ترسانند، جز کسانی را که برای آنان به فرمانبرداری تظاهر کنند! شخص مؤمن پرهیزکار با زبانش با آنان می‌سازد و با دلش از آنان فرار می‌کند، هنگامی که خداوند اراده کند عظمت و احتشام اسلام را بازگرداند همه ستمگران سرکش و عنود را هلاک می‌سازد که او بر هر چه بخواهد قادر است، او این امت را پس از آن‌که تباه شده‌اند، اصلاح می‌کند.»

«لَا يَخْرُجُ حَتَّى لَا يَبْقَى، قِيلَ وَلَا إِبْنٌ إِلَّا هَلَكَ!»^۳

«او (قائم) خارج نمی‌شود جز هنگامی که هیچ شاه و شاه‌زاده‌ای در روی زمین نمی‌ماند جز این‌که هلاک شوند.»

۲ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۳

۱ - الملاحم والفتن، ص ۱۷.

۳ - الملاحم والفتن، ص ۴۷.

امير مؤمنان عليه السلام می فرماید:

«إِنَّ مِنَ السَّنِينَ سَنَوَاتٍ جَوَادِعُ، تُجَدِّعُ فِيهَا عَطَارِقَةٌ وَهَرَاقِلَةٌ.»^۱

«سال‌های خشکی، تنگی، هرج و مرج پیش آید که در آن سال‌ها، کار پادشاهان یکسره شود و ضربه‌های کاری بر آنان وارد می‌شود.»

«يَذْهَبُ مَلِكُ السَّنِينَ، وَيَصِيرُ مَلِكُ الشُّهُورِ وَالْأَيَّامِ فَقِيلَ: هَلْ يَطُولُ ذَلِكَ؟ فَقَالَ: لَا.»^۲

«زمانمداری چندساله از بین می‌رود و زمانمداری چند ماهه و چند روزه معمول می‌گردد، گفته شد: آیا این وضع، مدت زیادی طول می‌کشد؟ فرمود: نه.»

«وَعِنْدَ ذَلِكَ إِخْتِلَافُ السَّنِينَ، وَإِمَارَةٌ مِنْ أَوَّلِ النَّهَارِ وَقَتْلٌ وَخُلْعٌ فِي آخِرِ النَّهَارِ.»^۳

«در آن زمان سال‌ها دگرگون می‌شود، اول صبح حکومتی به قدرت می‌رسد و تا آخر روز کشت و کشتار می‌شود و سقوط می‌کند.»

«ثُمَّ يَكُونُ الثَّقْتُ وَالنَّفَاثُ.»^۴

«آنگاه همه‌اش کینه‌توزی و دغلبازی و سنگ اندازی است.»

«... إِنَّ وِرَاءَكُمْ فِتْنًا مُظْلِمَةً مُنْكَسِفَةً، لَا يَنْجُو فِيهَا إِلَّا الْمُؤْمِنُ النَّوْمَةُ.»^۵

«بعد از شما فتنه تیره و تاری است که در آن جز مؤمن گمنام نجات پیدا نمی‌کند.»

«يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مَحْزُونًا مُحْتَقِرًا لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُنْكِرَ إِلَّا بِقَلْبِهِ يَبْلُغُ عِنْدَهُمْ كُلِّ هَوَانٍ.»^۶

«مؤمن در آن زمان محزون و مورد تحقیر است، او نمی‌تواند منکرات را جز در دلش انکار کند و در معرض هر نوع تحقیر قرار می‌گیرد.»

«الْمُؤْمِنُونَ يُبْتَلَوْنَ، ثُمَّ يَمَيِّزُهُمُ اللَّهُ عِنْدَهُ إِنَّ اللَّهَ لَمْ يُؤْمِنِ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا وَمَزَائِرِهَا

وَلَكِنَّهُ آمَنَهُمْ مِنَ الْعَمَى وَالشَّقَاءِ فِي الْآخِرَةِ.»^۷

۱ - يوم الخلاص، ص ۹۰۸. ۲ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۵.

۳ - الملاحم والفتن، ص ۱۱۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۲، ح ۲۲.

۴ - اعلام الوری، ص ۳۶۲.

۵ - منتخب الاثر، ص ۴۳۵؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۵۷، ح ۱۴۷.

۶ - بشارة الاسلام، ص ۱۳۲؛ علاوه بر این ر.ک: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۷، ح ۱۴۷.

۷ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۷.

«مؤمنان به شدت مبتلا می‌شوند تا خداوند آنان را مورد آزمایش قرار دهد، خداوند آنان را از بلاها و تلخی‌های دنیا امان نداده است، بلکه آنان را از کوری و شقاوت آخرت امان داده است.»

«سَيَأْتِي عَلَيْكُمْ زَمَانٌ لَا يَنْجُو فِيهِ مِنْ ذَوِي الدِّينِ إِلَّا مَنْ ظَنَّنَا أَنَّهُ أَبْلَهُ وَصَبَرَ نَفْسَهُ عَلَى أَنْ يُقَالَ: إِنَّهُ أَبْلَهُ لَا عَقْلَ لَهُ»^۱

«برای شما زمانی پیش می‌آید که از افراد متدین کسی نجات نمی‌یابد، به جز افرادی که مردم آنان را ابله تصور کنند و آنان صبر و شکیبایی داشته باشند بر آنکه آنان را ابله و بی‌خرد بخوانند.»

یکی از اصحاب امام محمد باقر علیه السلام به آن حضرت عرض کرد: حال من چگونه خواهد شد اگر پیش از آنکه قائم آل محمد را درک کنم از دنیا بروم؟ حضرت فرمود:

«الْقَائِلُ مِنْكُمْ: إِنْ أَدْرَكْتُ الْقَائِمَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَصْرْتَهُ، كَالْمُقَارِعِ مَعَهُ بِسَيْفِهِ وَالشَّهِيدِ مَعَهُ وَهُوَ شَهِادَتَانِ»^۲

«کسی که از شما مصمم است اگر قائم آل محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را درک کند، از یاری او دریغ نکند، همچون کسی است که در حضور او شمشیر بزند و در حضور او به شهادت برسد و برای او دو شهادت است.»
امام سجاد در این باره می‌فرماید:

«مَنْ ثَبَّتَ عَلَى وَلَايَتِنَا غَيْبَةً قَائِمًا، أَعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِثْلِ شَهِدَائِهِ بِدْرِ وَأُحْدٍ»^۳
«کسی که در زمان غیبت قائم بر ولایت ما ثابت و استوار بماند، خداوند به او پاداش هزار شهید از شهدای بدر و اُحد عطا می‌فرماید.»

«إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ غَيْبَتِهِ وَالْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَالْمُنْتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ، أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ. لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُتُولِ وَالْأَنْهَامِ وَالْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ، وَجَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالسَّيْفِ أَوْلِيكَ الْمُخْلِصُونَ حَقًّا وَشَيْعَتُنَا صِدْقًا، وَالِدُعَاةَ إِلَى دِينِ اللَّهِ سِرًّا وَجَهْرًا»^۴

۱ - اصول کافی، ج ۲، ص ۱۱۷.

۲ - همان، ج ۵۲، ص ۱۲۶.

۳ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۵، ح ۱۲.

۴ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲، ح ۴.

«اهل زمان غیبت او که قابل به امامت او ومنتظر ظهور او باشند، برتر از مردمان هر زمان دیگر می باشند؛ زیرا خدای تبارک و تعالی به آنان آن قدر عقل، فهم و شناخت عطا فرموده است که غیبت امام در پیش آنان چون زمان حضور است، خداوند اهل آن زمان را همانند مجاهدانی قرار داده که در محضر رسول اکرم صلی الله علیه و آله شمشیر بزنند، آنان مخلصان حقیقی و شیعیان واقعی و دعوت کنندگان به دین خدا در آشکار و نهان می باشند.»

«مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله مَاتَ شَهِيداً وَمَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله لَمْ يَشْمَ رِيحَ الْجَنَّةِ.»^۱

«کسی که با محبت آل محمد صلی الله علیه و آله از دنیا برود پاداش شهید خواهد داشت و کسی که با دشمنی آل محمد صلی الله علیه و آله بمیرد، عطر بهشت به مشام او نخواهد رسید.»
همچنین آن حضرت می فرماید:

«إِنْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَلَا تَيَأَسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ، فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ. أَلَا خِذْ بِأَمْرِنَا مَعَنَا غَدًا فِي حَظِيرَةِ الْقُدْسِ، وَالْمُنْتَظِرُ لِلْفَرَجِ كَالْمُتَشَحِّطِ بِيَدِيهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.»^۲
«منتظر فرج باشید و از روح خدا مأیوس نشوید که محبوبترین اعمال در نزد خدای عزوجل انتظار فرج است، کسی که پذیرای امر ما باشد، فردا در (حظیره القدس) با ماست و کسی که منتظر فرج باشد مانند کسی است که در راه خدا به خون خود آغشته شود.»

رسول اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به اصحاب خود فرمودند:
«سَيَأْتِي قَوْمٌ مِنْ بَعْدِكُمْ، الرَّجُلُ مِنْهُمْ لَهُ أَجْرُ خَمْسِينَ مِنْكُمْ... قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ نَحْنُ كُنَّا مَعَكَ بِبَدْرٍ وَحُنَيْنٍ وَأُحُدٍ وَنَزَلْنَا فِيْنَا الْقُرْآنُ! فَقَالَ: إِنَّكُمْ لَوْ تَحْمِلُونَ مَا حَمَلُوا لَمْ تَضْبِرُوا صَبْرَهُمْ!»^۳

«بعد از شما قومی خواهد آمد که پاداش هر یک از آنان برابر پاداش پنجاه نفر از شماست، (اصحاب) گفتند: یا رسول الله! مگر نه این است که ما در حضور

۱ - نور الابصار، ص ۱۱۴.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۳، ح ۷.

۳ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۰، ح ۲۶.

شما در بدر و حنین و أحد شرکت جستیم و قرآن در میان ما نازل شد؟! آن حضرت فرمودند: اگر آنچه بر آنان روی خواهد داد، بر شما روی می‌داد شما نمی‌توانستید چون آنان صبر و شکیبایی را پیشه خود سازید.

روایت است پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به هنگام تأمل در وضع شیعیان در آخر الزمان دست‌های مبارکشان را به سوی آسمان برافراشته و فرمودند:

«اللَّهُمَّ لَقْنِي إِخْوَانِي! مرتین فقال من حوله من أصحابه أَمَا نَحْنُ إِخْوَانُكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ! فَقَالَ: لَا، إِنَّكُمْ أَصْحَابِي، وَإِخْوَانِي قَوْمٌ فِي آخِرِ الزَّمَانِ آمَنُوا وَلَمْ يَرُونِي لَقَدْ عَرَفْتِهِمْ اللَّهُ بِأَسْمَائِهِمْ وَأَسْمَاءِ آبَائِهِمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُخْرِجَهُمْ مِنْ أَصْلَابِ آبَائِهِمْ وَأَرْحَامِ أُمَّهَاتِهِمْ؛ لِأَحَدِهِمْ أَشَدُّ بَقِيَّةً عَلَى دِينِهِ مِنْ خَرْطِ الْقَتَادِ فِي الْبَيْلَةِ الظُّلْمَاءِ، أَوْ كَالْقَابِضِ عَلَى جَمْرِ الْقَضَاءِ. أُولَئِكَ مَصَابِيحُ الدُّجَى، يُنْجِيهِمُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ غَيْرَاهُ مُظْلِمَةً!»^۱

«خداوند! برادرانم را به من بنمایان، (حضرت) دو بار فرمود، که یکی از اصحاب عرض کرد: ای رسول خدا مگر ما برادران شما نیستیم؟ (حضرت) فرمودند: نه، شما یاران من هستید، برادران من کسانی هستند که در آخر الزمان می‌آیند و به من ندیده ایمان می‌آورند، خداوند آنان را پیش از آن‌که از صلب پدران به رحم مادران درآورد، با نام خود و پدرانشان به من معرفی نموده است که استقامت هر یک از آنان در دین خود، از کندن خارهای گون در شب تاریک و به دست گرفتن آتش گداخته سخت‌تر است، آنان مشعل‌های هدایت هستند که خداوند آنان را از فتنه‌های تیره و تاریک نجات می‌بخشد.»

آن حضرت نیز در مورد مؤمنان فرمودند:

«عِنْدَهَا يَذُوبُ قَلْبُ الْمُؤْمِنِ فِي جَوْفِهِ كَمَا يَذُوبُ الْمِلْحُ فِي الْمَاءِ: مِمَّا يَرَى مِنَ الْمُتَكَبِّرِ فَلَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُغَيِّرَهُ! الْمُؤْمِنُ يَمْشِي بَيْنَهُمْ بِالْمَخَافَةِ، فَإِنْ تَكَلَّمَ أَكَلُوهُ، وَإِنْ سَكَتَ مَاتَ بِغَيْظِهِ!»^۲

«در آن ایام قلب مؤمن در درون خود آب می‌شود، آن‌چنان‌که نمک در آب ذوب می‌شود؛ زیرا منکرات را می‌بینند و قدرت جلوگیری و تغییر آن را ندارند، مؤمن در میان آنان با ترس و لرز راه می‌رود، که اگر حرف بزند او را می‌خورند و اگر ساکت شود غصه مرگ می‌شود.»

آنگاه آن حضرت برای دلداري شیعیان این چنین فرمودند:
 «لَوْ تَعْلَمُونَ مَا لَكُمْ فِي مَقَائِكُمْ بَيْنَ عَدُوِّكُمْ، وَصَبْرِكُمْ عَلَىٰ مَا تَسْمَعُونَ مِنَ الْأَذَى، لَقَرَّثَ
 أُعْيُنِكُمْ»^۱

«اگر شما می دانستید که زندگي شما در میان دشمنان و شکیبایی شما بر آزار آنان
 چه فضیلتی برای شما دارد، دیده هایتان روشن می شد.»
 «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْ كُلِّ مُؤْمِنٍ الْعَاثَةَ، وَرَدَّ إِلَيْهِ قُوَّتَهُ»^۲
 «هنگامی که قائم قیام کند خداوند از هر مؤمنی اندوه و بیماری را می برد و به
 هر مؤمنی توان می بخشد.»

«إِنَّهُ لَوْ قَدْ كَانَ ذَلِكَ، أُعْطِيَ الرَّجُلُ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَجُعِلَتْ قُلُوبُهُمْ كَزُبُرِ الْحَدِيدِ. لَوْ
 قَذَفَ بِهَا الْجِبَالَ لَقَلَعَهَا وَكُنْتُمْ قَوَامَ الْأَرْضِ وَخُرَّانَهَا»^۳

«چون این امر واقع شود برای هر انسان، نیروی چهل مرد داده می شود و
 دل‌هایشان چون قطعه فولاد می گردد، که اگر با آن دل، خود را به کوه بزند از جای
 می کند و شما در آن زمان قائم به قسط در روی زمین و اختیاردار خزاین و معادن
 آن هستید.»

امام محمد باقر علیه السلام در مورد واپسین روزهای زمان می فرماید:

«لَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ حَتَّىٰ يَذْهَبَ ثُلُثَا النَّاسِ. فَقَالَ أَصْحَابُهُ: وَمَنْ يَبْقَى؟ فَقَالَ: أَمَّا
 تَرْضَوْنَ أَنْ تَكُونُوا فِي الثُّلُثِ الْبَاقِي؟»^۴

«این امر ظهور تحقق نمی پذیرد جز هنگامی که دو سوم مردم از بین بروند!
 اصحاب عرض کردند: پس چه کسی باقی می ماند؟! فرمود: آیا شما نمی پسندید
 که از ثلث باقی باشید؟»

«أَمَّا تَرْضَوْنَ أَنْ أَعْدَاءَكُمْ يَقْتُلُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا وَأَنْتُمْ آمِنُونَ فِي بُيُوتِكُمْ؟»^۵

«آیا نمی پسندید که دشمنان شما، یکدیگر را بکشند و شما در خانه‌های
 خود نشسته در امان و آرامش باشید؟»

۱ - منتخب الاثر، ص ۴۷۴.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۴، ح ۱۳۸.

۳ - بشارة الاسلام، ص ۲۴۰.

۴ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۳، ح ۲۷.

۵ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۵، ح ۶۹.

از امام صادق علیه السلام پرسیدند اگر روزی عذاب بیاید آیا مؤمنان را دربر می‌گیرد؟ حضرت فرمود:

«نَعَمْ، وَلَكِنْ يُخْلَصُونَ بَعْدَهُ.»^۱

«آری، ولیکن مؤمنان بعداً رهایی می‌یابند.»

پیامبر اکرم جهت تهنیت خطاب به مؤمنان فرمودند:

«طُوبَى لِمَنْ لَقِيَهِ وَطُوبَى لِمَنْ أَحَبَّهُ، وَطُوبَى لِمَنْ قَالَ بِهِ. يُنَجِّهِمُ اللَّهُ مِنَ الْهَلَكَةِ وَبِالْأَقْرَارِ بِاللَّهِ وَيَرْسُولِهِ، وَيَجْمَعُ الْأَيْمَةَ يَفْتَحُ اللَّهُ لَهُمُ الْجَنَّةَ. مَثَلُهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَثَلِ الْمِسْكِ الَّذِي يَسْطَعُ رِيحُهُ فَلَا يَتَغَيَّرُ أَبَدًا، وَمَثَلُهُمْ فِي السَّمَاءِ كَمَثَلِ الْقَمَرِ الْمُنِيرِ الَّذِي لَا يُطْفَأُ أَبَدًا.»^۲

«خوشا به حال کسی که او را دیدار کند، خوشا به سعادت کسی که او را دوست بدارد و خوشا به حال آن‌که به او معتقد باشد، خداوند آنان را به سبب اقرار به خدا و رسول و امامان معصوم از هلاکت نجات می‌بخشد، خداوند درهای بهشت را به روی آنان باز می‌کند، مثل آنان در روی زمین مثل مثل مشک است که فضا را خوشبو می‌سازد و خود هرگز تغییر نمی‌یابد و مثل آنان در آسمان‌ها مثل ماه تابان است که تابش و درخشش آن هرگز به تاریکی نمی‌گراید.»

«طُوبَى لِلصَّابِرِينَ فِي غَيْبَتِهِ! طُوبَى لِلْمُتَّقِينَ عَلَى مُحَبَّتِهِ! أَوْلِيكَ الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فِي

كِتَابِهِ وَقَالَ: (هُدَى لِلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ).»^۳

«خوشا به حال شکیبایان در غیبت او و پای بر جایان در محبت او، که خدای (تبارک و تعالی) آنان را در کتابش چنین توصیف فرموده است: این قرآن هدایت برای پرهیزکاران است آنان که به غیب ایمان می‌آورند.»

در نامه‌ای که از ناحیه مقدسه حضرت ولی عصر علیه السلام به افتخار شیخ مفید رحمته الله صادر شده است، حوادث آخر الزمان با سلسله مراتب خاصی بیان شده که قسمتی از آن را در اینجا می‌خوانیم:

«فَقِفْ أَمَدَكَ اللَّهُ بِعَوْنِهِ عَلَى أَعْدَائِهِ الْمَارِقِينَ مِنْ دِينِهِ عَلَى مَا تَذَكَّرُهُ وَاعْمَلْ فِي تَأْدِيبِهِ إِلَى

مَنْ تَشْكُرُ إِلَيْهِ.

۲ - بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۱۱، ح ۴.

۱ - اصول کافی، ج ۲، ص ۲۴۷.

۳ - منابع المودة، ج ۳، ص ۱۰۱.

نَحْنُ وَإِنْ كُنَّا ثَاوِينَ بِمَكَانِنَا الثَّانِي عَنْ مَسَاكِينِ الظَّالِمِينَ، حَسَبَ الَّذِي أَرَانَا اللَّهُ تَعَالَى لَنَا مِنَ الصَّلَاحِ وَلِشِيَقَتِنَا الْمُؤْمِنِينَ فِي ذَلِكَ مَا دَامَتِ الدُّنْيَا لِلْفَاسِقِينَ، فَإِنَّا يُحِيطُ عَلِمْنَا بِأَنْبَاءِكُمْ وَلَا يَغْرُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ، وَمَعْرِفَتُنَا بِالزَّلَّلِ الَّذِي أَصَابَكُمْ، قَدْ جَنَعَ كَثِيرٌ مِنْكُمْ إِلَى مَا كَانَ السَّلْفُ الصَّالِحُ عَنْهُ شَايِعًا، وَتَبَدُّوا الْعَهْدَ الْمَأْخُودَ مِنْهُمْ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ، إِنَّا غَيْرُ مُهَوِّلِينَ لِمُرَاغَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ. وَلَوْلَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ الْبَلَاءُ، وَاصْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ، فَاتَّقُوا اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ وَظَاهِرُونَا عَلَى إِيْتِيَانِكُمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَدْ أَنْفَتَ عَلَيْكُمْ، يَهْلِكُ فِيهَا مَنْ حُمَّ أَجَلُهُ وَيُخْمِنُ عَلَيْهِ مَنْ أَدْرَكَ أَمَلُهُ. وَهِيَ إِمَارَةٌ لِأَرْوَفٍ حَرَكَتِنَا وَمُبَائِئِكُمْ بِأَمْرِنَا وَنَهْيِنَا وَاللَّهُ مَتِّمٌ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ...»^۱

«به آنچه تذکر می دهیم توجه کن، طبق آن عمل نما و به هر کس از افراد مورد اعتماد دسترسی پیدا کردی، مضمون آن را بازگو کن.

اگر چه ما در جای مخصوصی به دور از جایگاه ستمگران سکنی گزیده ایم، که خداوند مصلحت ما و شیعیان ما را در این دیده است تا هنگامی که حکومت جهان به دست ستمکاران است این چنین باشیم، ولی به اخبار شما آگاهی داریم و چیزی از اخبار شما از ما پوشیده نیست از نابسامانی هایی که بر شما عارض شده آگاهی این نابسامانی ها از هنگامی آغاز شد که گروهی از شما، دست به کارهایی زدند که سلف صالح از آنان به دور بودند، پیمانی را که خداوند از آنان گرفته، پشت سر انداختند، گویی از این پیمان هیچ اطلاعی ندارند!

ما شما را رها نکرده ایم و یادتان را از خاطر نبرده ایم و گرنه دشواری ها بر شما فرود می آمد و دشمنان شما را لگدمال می کردند، از خداوند بزرگ تقوا پیشه کنید و ما را در رفع گرفتاری هایی که بر شما فرود آمده یاری نمایید، این فتنه که هر کس اجلس فرا رسیده در آن نابود می شود و هر کس به آرزویش رسیده از آن جان سالم به در می برد، نشانه نزدیک شدن نهضت ما و تلاش شما در اجرای اوامر و نواهی ما می باشد، خداوند نور خود را کامل می گرداند، اگر چه مشرکان را خوش نیاید.

خود را به وسیله تقیه از آتش فتنه‌ای که انگیزه‌های جاهلی آن را برافروخته و تعصب‌های نژادی اموی آن را شعله‌ور ساخته و قوم هدایت یافته‌ای را به وحشت انداخته، نگاهدارید من ضامن نجات کسی هستم که خود را در این ورطهٔ هلاکت نیندازد و برای فرار از آن راهی خداپسند برگزیند.

چون ماه جمادی الاولی از همین امسال فرا رسد، از حادثه‌ای که در آن روی می‌دهد عبرت بگیرید و برای حوادث بعدی خود را مهیا سازید و از خواب گران برخیزید.

به زودی نشانه‌ای بزرگ در آسمان برای شما پدیدار می‌شود و آنگاه نشانه‌ای بزرگ در زمین آشکار می‌گردد و در مشرق زمین حوادثی جانکاه روی می‌دهد که موجب تأثر و اضطراب خواهد شد سپس گروه‌هایی منحرف از اسلام بر عراق تسلط می‌یابند و با کردارهای زشت خود موجب کمبود ارزاق در عراق می‌شوند، سپس با هلاکت طاغوتی از طواغیت این فاجعه بر طرف می‌شود و نیکان پرهیزکار از هلاکت او شاداب می‌گردند، آنگاه کسانی که از راه‌های دور و دراز به حج می‌روند به تمام اهداف خود می‌رسند و باموفقیت بر می‌گردند، ما نیز در راه اندازی کار آنان و ایجاد تسهیلات در سفر روحانی آنان برنامه‌ای داریم که بر اساس نظام خاصی به آنان می‌رسد بنابراین، هر یک از شما باید طوری رفتار کنند که به محبت مانزدیکتر شود و از هر چیزی که خوشایند ما نیست و موجب غضب ما می‌شود دوری نماید که فرمان ظهور ما ناگهانی و بدون مقدمه فرا می‌رسد، که دیگر توبه سودی ندارد و پشیمانی از گناه دردی را دوانمی‌کند و از چنگال عدالت رهایی نیابند؛ خداوند راه رشد و هدایت خود را بر شما بیاموزد و با رحمت و اسعهٔ خود شما را مورد توجه و عنایت قرار دهد.»

حضرت ولی عصر که دروذهای خداوند بر او باد در این نامه که هزار سال پیش صادر شده است پس از ذکر حوادث و فجایع و لغزش‌های شیعیان، به آنان راه رشد و هدایت را در سایهٔ تقوا و تقیه توصیه فرموده و از توجه خود نسبت به شیعیان سخن به میان آورده‌اند که نویدی بس عظیم می‌باشد.

امام جعفر صادق عليه السلام در این باره می فرماید:

«اگر یکی از شما دو جان داشت، می توانست با یکی از آنان تجربه اندوخته، با دیگری زندگی جدی نماید ولی برای هیچ کس جز یک جان وجود ندارد، هنگامی که از دستش رفت راه توبه بسته می شود، از این رهگذر هنگامی که کسی به نام ما به سراغ شما می آید خوب بیندیشید که برای چه شما را دعوت می کند و در چه راهی گام برداشته، خروج می نماید؟»^۱

آری، باید در مورد خودمان و هر آنچه که در اطراف ما می گذرد حساس باشیم و این را بدانیم با هر گامی که بر می داریم به فردا نزدیکتر می شویم، فردایی که سرنوشت ما در مقابل دو قضیه قرار دارد، یکی مرگ که برای مؤمنان بسیار مبارک می باشد؛ زیرا آنان نه تنها از مرگ نمی هراسند بلکه یکی از آرزوهایشان تحقق همین واقعه میمون و خجسته می باشد، در واقع آنان واقف اند بر این امر که مؤمنان در این سفر روحانی به خواسته های الهی و معنوی خود دست می یابند، به راستی چه خواسته و هدفی با شکوه تر از آن که مؤمن و مؤمنه پس از مرگ، آفریدگار جهان را درک می کند و زندگی جدید را در کنار خوبان پشت سر می گذارد و دیگر ظهور و حضور بزرگ منجی عالم بشریت حضرت بقية الله الاعظم ارواحنا له الفداء می باشد که هر دو واقعه، قیامت محسوب می شود؛ زیرا با فرا رسیدن مرگ هر انسان، قیامت او نیز آغاز شده و با قیامت حضرت مهدی هم قیامت آغاز می شود و انسان در هر شرایطی مسؤول است و وظیفه ای بس سنگین دارد مخصوصاً مردمی که در واپسین روزهای آخرالزمان به سر می برند، همانان که چشم براه اند و لحظه ها را می شمارند و باور دارند که خداوند به وعده خود وفا خواهد کرد و ان شاء الله با ظهور یگانه منتظر زمان حضرت مهدی مظهر شادی بر پیشانی عالم زده خواهد شد و ما منتظران آن حضرت نیز باور داریم، او که عین نور است در دل شب همچون خورشید طلوع خواهد کرد تا در سایه اش جهان ظلمانی ما بینوایان منور گردد.

آری، باور داریم او که عزیز مهاجر ما شیعیان است به هجرت طولانی خود پایان خواهد بخشید و با حضور و ظهورش بذر این انتظار فراگیر و این فراق طاقت فرسا را همچون خاکستر به باد صبا خواهد سپرد تا رنگ غم از دنیا رخت برسته و فقط شادی بر دلها و چهره‌ها سایه افکند و ما نیز با شاعر عزیزی که این چنین سروده هم نوا می‌شویم و با همه منتظران به امید دیدار می‌خوانیم:

باز می‌گردد پرستویم ز کوچ خانه‌اش در روزن قلب من است
بال‌هایش می‌خورد بر آسمان آسمان از خنده‌هایش روشن است

آری، ای تنها پرستوی خدا برگرد و با آمدنت شادی را بر فرشیان و افلاکیان هدیه کن و پرچم فتح و ظفر را به اهتزاز درآور و با کشتی نجات، تشنگان عدالت و آزادی را به ساحل خوشبختی رهنمون باش و با برقراری حکومت عدل و داد به آنان حیات دوباره ببخش، حیات به آنانی که در دنیای پر از فتنه و آشوب چشم به افق دوخته و به امید رؤیت خورشید حیاتبخش لحظه شماری می‌کنند و ببخش حیات مجدد را به آنانی که در دنیای باقی چشم به راه بوده و هر لحظه در انتظار آن ندای جانفزایی هستند که در اکناف جهان طنین اندازد و بندگان خدا را مخاطب قرار داده و بگوید: ﴿جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾^۱
«حق آمد و باطل نابود شد به درستی که باطل نابود شدنی است و ثبات و بقاء ندارد.»

آری، آن روز مبارک روز رحمت است، رحمت برای تمامی مردان و زنان صالح که در شرق و غرب عالم چشم به راه آقایان حضرت مهدی علیه السلام هستند، چشم به راه تا آن روز که ندای ملکوتی فرشته مقرب حضرت جبرائیل را لبیک گویند که می‌فرماید: «اتی امرالله فلا تستعجلوه هذا المهدی خلیفة الله فاتبعوه.» «امر خدا فرا رسید دیگر شتاب مکنید این است مهدی خلیفه خدا، از او اطاعت کنید.»
امید است ما بندگان خدا با توجه به دیگر علایم و شواهد ظهور، به نتیجه مطلوب دست یافته و آن آمادگی لازم را در خود ایجاد کنیم. ان شاء الله

دیگر نشانه‌های ظهور که در احادیث و روایات آمده چنین است:

«تَكُونُ آيَةٌ فِي رَمَضَانَ، ثُمَّ تَظْهَرُ عِصَابَةٌ فِي شَوَّالٍ، ثُمَّ تَكُونُ مَعْمَعَةٌ فِي ذِي الْقَعْدَةِ، ثُمَّ يُسَلَّبُ الْحَاجُّ فِي ذِي الْحِجَّةِ، ثُمَّ تُنْتَهَكَ الْمُحَارِمُ فِي الْمُحَرَّمِ، ثُمَّ يَكُونُ الضَّرْبُ فِي صَفَرٍ. ثُمَّ تَتَنَازَعُ الْقَبَائِلُ فِي شَهْرِ رَبِيعٍ، ثُمَّ الْعَجَبُ الْعَجَبُ بَيْنَ جُمَادَى وَرَجَبٍ! ثُمَّ نَاقَةٌ مُقَيَّبَةٌ خَفِيفَةٌ خَيْرٌ مِنْ دَسَكْرَةٍ تَغْلُ مِئَةَ أَلْفٍ»^۱

«نشانه‌ای در ماه رمضان روی دهد، گروهی در ماه شوال خروج کنند، هرج و مرجی در ماه ذیقعدة پدید آید، حجاج در ماه ذیحجه غارت شوند، حرمت‌ها در ماه محرم هتک شود، مهاجرت‌ها در ماه صفر واقع شود، جنگ‌های قبیله‌ای در ماه ربیع روی دهد، آنگاه همه شگفتی‌ها در میان جمادی و رجب است! در آن هنگام یک شتر تیز پای سایباندار بهتر از کاخ مجللی است که صد هزار نفر از آن حراست کنند.»

«الرَّاحِلَةُ بِقَبِيلِهَا يَنْجُو عَلَيْهَا الْمُؤْمِنُ، خَيْرٌ مِنْ دَسَكْرَةٍ تَغْلُ مِئَةَ أَلْفٍ»^۲

«مرکبی^۳ که سایبانی داشته باشد و شخص با ایمان بتواند به وسیله آن از مهلکه بگریزد بهتر از یک کاخ با صد هزار نگهبان است.»

امام صادق علیه السلام عده‌ای از شیعیان را یاد کرده و در مورد امنیت ایشان، پیش از ظهور این‌گونه فرمودند:

«بَلَدَةٌ بِالشَّامِ، فَقِيلَ: إِنَّ أَعْمَالَ الشَّامِ مُسَيِّئَةٌ. فَقَالَ: بَلَدَةٌ بِأَعْمَالِ الشَّقِيفِ وَبُيُوتِ وَرُبُوعِ تَعْرِفُ بِسَوَاحِلِ الْبَحَارِ وَأَوْطِئَةِ الْجِبَالِ. قِيلَ هُوَ لَأَمْ شَيْعَتُكُمْ؟ فَقَالَ: هُوَ لَأَمْ شَيْعَتُنَا حَقًّا، وَهُمْ أَنْصَارُنَا وَإِخْوَانُنَا، وَالْمُؤَاسُونَ لِقَرِيبِنَا، وَالْحَافِظُونَ لِسِرِّنَا، وَالْيَتَةُ قُلُوبِهِمْ لَنَا، وَالْقَاسِيَةُ قُلُوبَهُمْ عَلَى أَعْدَائِنَا، وَهُمْ كَسُكَّانِ السَّفِينَةِ فِي حَالِ غَيْبَتِنَا. تَمَحَّلُ الْبِلَادُ دُونَ بِلَادِهِمْ، وَلَا يُضَابُونَ بِالصَّوَاعِقِ. يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَيَعْرِفُونَ اللَّهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ، وَيَسَاوُونَ بَيْنَ إِخْوَانِهِمْ. أُولَئِكَ الْمَخْرُومُونَ، الْمَغْفُورُ لِحَيْثِهِمْ وَمَيْتِهِمْ، وَذَكَرِهِمْ وَأَنْشَاهُمْ، وَالْأَسْوَدِيهِمْ وَأَبْيَضِيهِمْ، وَحَرَّهِمْ وَعَبِيدِهِمْ. وَإِنَّ فِيهِمْ رِجَالًا يَنْتَظِرُونَ، وَاللَّهُ يُجِبُّ الْمُنتَظِرِينَ»^۴

۱ - منتخب الاثر، ص ۴۵۱. ۲ - الملاحم والفتن، ص ۱۳۰.

۳ - شاید منظور اتومبیل و یا هر وسیله دیگری باشد که دارای سقف است.

۴ - الامل الآمل، ص ۱۵.

«شهری در شام هست، گفته شد شهرهای شامات بسیار است، فرمود: شهری است به نام «ارنون»^۱ در منطقه «شقیف» که در اطراف آن قصبات فراوانی در کرانه‌های دریا و مناطق کوهستانی هست.

گفته شد: آنان شیعیان شما هستند؟ فرمود: آری آنان شیعیان حقیقی ما هستند، آنان یاران و برادران ما هستند، آنان غربای ما را مواسات می‌کنند و اسرار ما را محافظت می‌نمایند، دل‌هایشان برای ما نرم و برای دشمنان ما بسیار سخت و سفت است، آنان در زمان غیبت ما همانند سرنشینان کشتی هستند، در همه شهرها خشک‌سالی می‌شود ولی آنجا خشک‌سالی پیش نیاید، هرگز صاعقه به آنان صدمه نمی‌زند، آنان امر به معروف و نهی از منکر کنند و خدا را به شایستگی می‌پرستند و در میان برادرانشان مواسات را رعایت می‌کنند، آنان محرومانند، زنده و مرده‌شان آمرزیده است، مرد و زنشان، سیاه و سفیدشان، آزاد و برده‌شان مورد مغفرت حضرت احدیت است، در میان آنان مردان منتظری هست که هر لحظه انتظار فرج ما را می‌کشند و خداوند منتظران را دوست می‌دارد.»

امام صادق علیه السلام نیز از شهر دیگری به نام قم یاد کرده است که آن شهر در کشور عزیز جمهوری اسلامی ایران واقع است.

«إِنَّ اللَّهَ إِخْتَجَّ بِالْكَوْفَةِ عَلَى سَائِرِ الْبِلَادِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَهْلِهَا عَلَى غَيْرِهِمْ مِنْ أَهْلِ الْبِلَادِ. وَإِخْتَجَّ بِبَلَدَةِ قُمٍ عَلَى سَائِرِ الْبِلَادِ، وَبِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَهْلِهَا عَلَى سَائِرِ أَهْلِ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ مِنَ الْجِنَّ وَالْأَنْسِ. وَلَمْ يَدْعِ اللَّهُ قُمَ وَأَهْلَهَا مُسْتَضْعَفِينَ، بَلْ وَقَفَّهْمُ وَأَيَّدَهُمْ إِنَّ الدِّينَ وَأَهْلَهُ بِقُمٍ ذَلِيلٌ، وَلَوْلَا ذَلِكَ لَأَسْرَعَ النَّاسُ إِلَيْهَا فَخَرِبَتْ قُمٌ وَخَرِبَ أَهْلُهَا فَلَمْ تَكُنْ حُجَّةً عَلَى سَائِرِ الْبِلَادِ. وَإِذَا كَانَ ذَلِكَ لَمْ تَسْتَقِرَّ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَلَمْ يُنظَرُوا. إِنَّ الْبَلَايَا مَدْفُوعَةٌ عَنْ قُمٍ وَأَهْلِهَا. وَسَيَّاتِي زَمَانٌ تَكُونُ بَلَدَةُ قُمٍ وَأَهْلُهَا حُجَّةً عَلَى الْخَلَائِقِ، وَذَلِكَ فِي زَمَنِ غَيْبَةِ قَائِمِنَا إِلَى ظُهُورِهِ، وَلَوْلَا ذَلِكَ لَسَاخَتِ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا إِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَدْفَعُ الْبَلَايَا عَنْ قُمٍ وَأَهْلِهَا، وَمَا يَقْصِدُهَا جَبَّارٌ بِسُوءٍ إِلَّا قَصَمَهُ قَاصِمُ الْجَبَّارِينَ، وَشَفَلَهُ عَنْهُمْ بِدَاهِيَةٍ أَوْ بِمُصِيبَةٍ أَوْ عَدُوٍّ. وَيُنْسِي اللَّهُ الْجَبَّارِينَ مِنْ دَوْلَتِهِمْ ذَكَرَ قُمَ وَأَهْلِهَا كَمَا نَسُوا ذَكَرَ اللَّهَ»^۲

۱ - شهری در جنوب لبنان است که قلعه «شقیف ارنون» در آنجاست.

۲ - منتخب الاثر، ص ۲۶۳.

«خدا به وسیله کوفه بر همه شهرها احتجاج نمود^۱ و با مؤمنان از اهل آن بر اهل دیگر شهرها و به وسیله قم بر همه شهرهای جهان و با مؤمنان از اهل آن، بر همه مردم شرق و غرب از جن و انس.

خدا هرگز قم و اهل قم را به خواری و زبونی ترک نمی‌کند، بلکه آنان را توفیق می‌دهد و تأیید می‌کند ولی همواره دین و اهل دین در قم خوار هستند و اگر چنین نمی‌شد، مردم به سوی آن هجوم می‌بردند و آنجا را ویران می‌ساختند و دیگر حجتی بر دیگر شهرها باقی نمی‌ماند و در این صورت آسمان و زمین بر جای خود ثابت و استوار نبوده و به ساکنان زمین مهلت داده نمی‌شد.

بلاها از قم و اهل قم دفع شده، زمانی فرا می‌رسد که قم و اهل قم بر همه خلائق حجت می‌باشند و آن در زمان غیبت قائم ماست تا موعد ظهور او و اگر قم نبود زمین ساکنانش را در کام خود فرو می‌برد، فرشتگان بلاها را از قم و اهل قم دفع می‌کنند و هیچ ستمگری در حق آنجا تصمیم بد نمی‌گیرد، جز این‌که درهم شکننده ستمگران او را ریشه کن می‌سازد، یا به بلایی سخت گرفتار می‌کند و یا او را با جنگ و دشمن مشغول می‌سازد.

خداوند قم و اهل قم را از یاد زمامداران ستمگر می‌برد، چنان‌که یاد خدا را فراموش کرده‌اند.»

«قُمْ يَجْتَمِعُ فِيهَا عِبَادُ اللَّهِ الْمُؤْمِنُونَ، يَنْتَظِرُونَ مُحَمَّدًا وَشَفَاعَتَهُ لِلْقِيَامَةِ وَالْحِسَابِ، يَجْرِي عَلَيْهِمُ الْهَمُّ وَالْغَمُّ وَالْأَحْزَانُ وَالْمَكَارِهِ.»^۲

«بنندگان مؤمن خدا در شهر قم اجتماع می‌کنند و انتظار شفاعت پیامبر اکرم را در روز قیامت و روز حساب می‌کشند، انبوه غم و اندوه بر آنان سرازیر می‌شود و انواع ناملايمات آنان را فرا می‌گیرد.»

«إِنَّمَا سُمِّيَتْ قُمْ هَكَذَا لِأَنَّ أَهْلَهَا يَجْتَمِعُونَ مَعَ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ، وَيَقُومُونَ مَعَهُ وَيَسْتَقِيمُونَ عَلَى نَصْرَتِهِ.»^۳

۱ - لفظ کوفه شامل نجف اشرف نیز هست ولی احتجاج به مراجع تقلید، نجف اشرف می‌باشد.

۳ - منتخب الاثر، ص ۴۸۵.

۲ - اختصاص مفید، ص ۱۰۱.

«قم، به این جهت (قم) نامیده شده که اهل آن در محضر قائم آل محمد گرد می آیند و با او قیام می کنند و از یاری او منحرف نمی شوند.»
 امام صادق علیه السلام در مورد عده‌ای از ساکنان قم نیز می فرماید:
 «قَمُ عَشْرُ آلِ مُحَمَّدٍ وَ مَاوِئِ شِيعَتِهِمْ وَلَكِنْ سَيَهْلِكُ جَمَاعَةٌ مِنْ شِيَابِهِمْ بِمَقْصِيَةِ آبَائِهِمْ
 وَالْاِسْتِخْفَافِ وَالسَّخْرِيَّةِ بِكِبْرَائِهِمْ وَمَشَايِخِهِمْ وَمَعَ ذَلِكَ يَدْفَعُ اللَّهُ عَنْهُمْ شَرَّ الْأَعَادِي وَ كُلِّ
 سُوءٍ»^۱

«قم قرارگاه آل محمد و پناهگاه شیعیان است لیک گروهی از جوانانشان در اثر گناهان پدران خویش و ارج نهادن و تمسخر بزرگان و پیران به هلاکت درخواهند افتاد ولی با این حال باز هم خداوند شر دشمنان و هر بدخواهی را از آنان دور خواهد ساخت.»

امید است با عنایت خداوند و اعمال خیر از نجات یافتگان باشیم اگرچه در این برهه از زمان شاهدیم که فتنه‌های بی‌امان به اوج خود رسیده، مشکلات و غم و اندوه و نگرانی به معنای واقعی تجربه می شود، از جمله می خوانیم:
 «سَتَوْخِذُكُمْ مِمَّا أَخَذْنَا لَكُمْ قَبْلَهَا شِيبْرًا بِشِيبْرٍ وَ ذُرَاعًا بِذِرَاعٍ. حَتَّىٰ لَوْ دَخَلُوا جُحْرَ ضَبٍّ
 لَأَتَّبَعْتُمُوهُمْ»^۲

«امت‌های پیش از شما هر گونه گرفتاری داشتند شما نیز وجب به وجب گرفتار خواهید شد، اگر آنان به لانه سوسماری وارد شده‌اند، شما نیز بدون تردید وارد خواهید شد.»

«إِذَا أَقْبَلَتْ فِتْنَةٌ مِنَ الْمَشْرِقِ، وَفِتْنَةٌ مِنَ الْمَغْرِبِ، وَالتَّقْوَا، فَبَطْنُ الْأَرْضِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مِنْ ظَهْرِهَا، فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا إِلَّا جُحْرَ عَقْرَبٍ فَادْخُلُوا فِيهِ، فَإِنَّهُ يَكُونُ شَرًّا طَوِيلًا»^۳
 «هنگامی که فتنه‌ای از مشرق روی آورد و فتنه‌ای از مغرب پدید آید و این دو فتنه به یکدیگر برسند، در آن زمان دل زمین بهتر از روی آن است، اگر پناهگاه دیگری جز لانه عقرب پیدا نکنید به آنجا پناه ببرید که فتنه‌های طولانی پدید خواهد آمد.»

۲ - بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۳۰، ح ۳۷.

۱ - سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۴۶.

۳ - الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۶۲.

«أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ فِتْنَةِ الْمَشْرِقِ ثُمَّ مِنَ الْمَغْرِبِ! مَا مِنْ أَهْلِ ذِمَّتِكُمْ قَوْمٌ أَشَدَّ عَلَيْكُمْ فِي تِلْكَ الْبَلَايَا مِنْ أَهْلِ الشَّرْقِيَّةِ أَصْحَابِ الْمِلْحِ وَالْقَسُولِ إِنَّ الْمَرْأَةَ مِنْ نِسَائِهِمْ لَتَطْعَنُ الْمَرْأَةَ مِنْ نِسَاءِ الْمُسْلِمِينَ وَتَقُولُ: أَعْطُوا الْجَزِيَّةَ!»^۱

«پناه می‌بریم به خدای (تبارک و تعالی) از فتنه مشرق و فتنه مغرب در میان هم پیمانان شما، گروهی نیست که از فتنه شرقی‌ها برای شما خطرناکتر باشند که آنان به دنبال نمک و عسل هستند (مگسان‌اند دور شیرینی)، زنهای آنان به زنان مسلمان طعنه می‌زنند و از آنان جزیه مطالبه می‌کنند!»

دیگر فجایع حاکم در عالم را می‌توان با هرج و مرجی که عده‌ای سبب آن می‌شوند یاد کرد از جمله رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«يُوشِكُ أَنْ تَدَاعَى عَلَيْكُمْ الْأُمَمُ تَدَاعَى الْأَكْلَةِ عَلَى قَضَعَتِهَا وَأَنْتُمْ كَثِيرٌ وَلَكِنَّكُمْ غُثَاءٌ كَفُثَاءِ السَّيْلِ وَلَيَنْزِعَنَّ اللَّهُ مِنْ صُدُورِ عَدُوِّكُمْ الْمَهَابَةَ مِنْكُمْ، وَلَيَقْذِفَنَّ فِي قُلُوبِكُمُ الْوَهْنَ، مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا وَكَرَاهِيَةِ الْمَوْتِ»^۲

«نزدیک است که ملت‌ها برای بردن منابع شما در اطراف شما گرد آیند و مانند گوشت قربانی منابع شما را در میان خود تقسیم کنند. آن‌روز تعداد شما بسیار زیاد است ولی همانند خس و خاشاک در روی کف سیل هستید (نه از خود اراده‌ای و نه قدر و قیمتی) خداوند هیبت شما را از دل دشمنانتان در می‌آورد و سستی و تنبلی را بر دل شما می‌افکند، به دنیا علاقمند می‌شوید و از مرگ می‌گریزید!»

«لِلتُّرْكِ خَرْجَتَانِ: خَرْجَةٌ فِيهَا خَرَابٌ أَذْرَبِيْجَانَ وَخَرْجَةٌ يَخْرُجُونَ فِي الْجَزِيرَةِ يُخَيَّفُونَ ذَوَاتِ الْجِبَالِ فَيَنْصُرُ اللَّهُ الْمُسْلِمِينَ. فِيهِمْ ذَبْحُ اللَّهِ الْأَعْظَمِ»^۳

«برای ترک‌ها دو خیزش است که در یکی از آنان آذربایجان ویران می‌شود و در دیگری وارد جزیره العرب می‌شوند و پرده نشینان را به وحشت می‌اندازند، خداوند مسلمانان را پیروز می‌گرداند که کشتار بزرگ الهی در آن‌روز است.»

۱ - الملاحم و الفتن، ص ۳۰.

۲ - همان، ص ۱۲۹ و ۱۶۶.

۳ - همان، ص ۳۲، ۶۹، ۷۲، ۷۴.

«إِذَا رَأَيْتُمْ أَوَّلَ التُّرُكِ بِالْجَزِيرَةِ فَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى تَهْزِمُوهُمْ، أَوْ يَكْفِيَكُمْ اللَّهُ مَوْنَتَهُمْ. فَإِنَّهُمْ يَفْصَحُونَ الْحَرَمَ، وَهُوَ عَلَامَةٌ خُرُوجِ أَهْلِ الْمَغْرِبِ، وَاتِّقَاضِ مُلْكِهِمْ يَوْمَئِذٍ.»^۱

«چون اولین سپاه ترک را در جزیره دیدید با آنان بجنگید تا آنان را شکست دهید، یا خداوند از گزند آنان شما را در امان بدارد وگرنه آنان به حریم حرم تجاوز می‌کنند و آن نشانه خروج اهل مغرب و شکسته شدن شوکت و سلطنت آنان در آن روزگار است.»

«يُسْرِعُ التُّرُكُ عَلَى الْفُرَاتِ. فَكَأَنِّي بَدَوَاتِهِمُ الْمُعْضَفَرَاتِ يَضْطَفِقْنَ عَلَى نَهْرِ الْفُرَاتِ»^۲

«سپاه ترک به سوی فرات می‌شتابند، گویی مرکب‌های^۳ آنان را می‌بینم که همه‌اش به رنگ زرد ارغوانی است و در کنار رودخانه فرات صف کشیده‌اند.»
«لَيَرِدَنَّ التُّرُكُ الْجَزِيرَةَ، حَتَّى تُسْقَى خَيْلُهُمْ مِنَ الْفُرَاتِ. فَيَبْعَثُ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الطَّاعُونَ فَيَقْتُلُهُمْ فَلَا يَنْجُو مِنْهُمْ إِلَّا زَجَلٌ وَاحِدٌ وَيَبْعَثُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ثَلْجاً فِيهَا صِرٌّ وَرِيحٌ وَجَلِيدٌ فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ فَيَرْجِعُ الْمُسْلِمُونَ إِلَى أَصْحَابِهِمْ فَيَقُولُونَ. إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَهُمْ وَكَفَاكُمُ شَرَّهُمْ.»^۴

«بدون تردید سپاه ترک وارد جزیره العرب خواهد شد تا اسب‌هایشان از فرات سیراب شوند، آنگاه خداوند بر آنان طاعون را مسلط می‌کند و همگی به وسیله طاعون از بین می‌روند و به جز یک نفر از آنان باقی نمی‌ماند. خداوند بر آنان برف و تگرگ همراه با سرمای سوزان و طوفان خانمان برانداز فرو می‌فرستد و همگی نقش بر زمین می‌شوند، مسلمانان به یکدیگر نوید می‌دهند که خداوند آنان را هلاک کرد و شرّ آنان را از شما کوتاه نمود.»

«إِذَا اسْتَشَارَتْ عَلَيْكُمْ الرُّومُ وَالتُّرُكُ وَجُهِزَتِ الْجُيُوشُ ثُمَّ يَتَخَالَفُ التُّرُكُ وَالرُّومُ، وَتَكْثُرُ الْحُرُوبُ.»^۵

«هنگامی که ترک‌ها و رومیان علیه شما بسیج شوند و لشکرها بیارایند، آنگاه ترک و روم (یهود) با یکدیگر به نبرد برخیزند و جنگ‌های بسیار روی دهد.»

۲ - همان، ص ۶۴ و ۷۲.

۱ - الملاحم والفتن، ص ۳۳.

۴ - الملاحم والفتن، ص ۳۲، ۶۹، ۷۲.

۳ - شاید منظور خودروهای نظامی باشد.

۵ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۷، ح ۴۵.

«بَيْنَ يَدَيِ السَّاعَةِ فَتْحُ بَيْتِ الْمَقْدِسِ، وَمَوَانٍ فِيكُمْ كَقَصْرِ الْغَنَمِ، وَإِفَاضَةُ الْمَالِ، وَفِتْنَةٌ لَا يَبْقَى بَيْتٌ مِنَ الْعَرَبِ إِلَّا دَخَلَتْهُ وَهَذِهِ فِتْنَةٌ تَكُونُ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ بَنِي الْأَصْفَرِ ثُمَّ يَفْدُرُونَكُمْ فَيَأْتُونَكُمْ تَحْتَ ثَمَانِينَ غَايَةً، تَحْتَ كُلِّ غَايَةٍ اثْنَا عَشَرَ أَلْفًا»^۱

«پیش از قیامت (به هنگام ظهور) بیت المقدس فتح می شود و دو کشتار در میان شما چون سر بریدن گوسفند (یا همانند قیچی کردن پشم گوسفند) پدید آید و ثروت فراوان گردد و فتنه ای روی دهد که به هر خانه ای از خانه های ملت عرب وارد شود و این فتنه در میان شما و نژاد زرد خواهد بود، که به شما حيله می کنند و با هشتاد پرچم به جنگ شما می آیند که در زیر هر پرچم دوازده هزار جنگجو باشد.»

رسول اکرم ﷺ اشاره به وضع موجود کرده و فرمودند:

«سَيَكُونُ بَعْدِي فِتْنٌ مِنْهَا فِتْنَةٌ الْإِجْلَاءِ، يَكُونُ فِيهَا هَرَبٌ وَضَرْبٌ، ثُمَّ مِنْ بَعْدِهَا فِتْنٌ أَشَدُّ مِنْهَا، ثُمَّ فِتْنَةٌ كُلَّمَا قِيلَ انْقَطَعَتْ تَمَادَتْ حَتَّى لَا يَبْقَى بَيْتٌ إِلَّا دَخَلَتْهُ وَبِئْسَ إِلَّا صَكَّتْهُ حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ عِشْرَتِي، الْفِتْنَةُ الرَّابِعَةُ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ عَامًا»^۲

«بعد از من فتنه هایی پدید آید، که یکی از آنان فتنه جلای وطن شدن است، در این فتنه فرارها و درگیری ها روی می دهد و آنگاه فتنه شدیدتری پدید آید، سپس فتنه ای روی دهد که هر وقت بگویند تمام شد ادامه پیدا کند تا جایی که دود آن به هر خانه ای وارد شود و همه راه های صلح را ببندد، تا مردی از عترت من خارج شود، فتنه چهارمی هجده سال ادامه یابد.»

منظور از فتنه، فتنه اسرائیل و اشغال فلسطین است و دیگر هجرت اجباری مردم که همچنان ادامه دارد و درگیری های دراز مدت نیز باعث شده تا دود این فاجعه به هر خانه از خانه هایی که در فلسطین و لبنان است وارد شود و در مورد فتنه چهارم احتمال داده شده، شاید منظور همان پیمان کمپ دیوید باشد که در سال ۱۹۶۷ میلادی میان مصر و اسرائیل بسته شد.

«بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الرُّومِ أَرْبَعُ هَدَنٍ: يَوْمُ الرَّابِعَةِ عَلَى يَدِ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ هِرَقْلٍ، يَدُومُ سَبْعَ سِنِينَ. ثُمَّ يَكُونُ إِمَامُ النَّاسِ الْمَهْدِيُّ»^۳

۱ - بشارة الاسلام، ص ۳۵.

۲ - منتخب الاثر، ص ۴۴۲.

۳ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۰، ح ۳۷.

«در میان شما و روم چهار پیمان صلح امضا می شود که چهارمی آن به دست مردی از اهل هرقل^۱ انجام می پذیرد و هفت سال ادامه می یابد، آنگاه مهدی فرمانروای مردم شود.»

«بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الرُّومِ سَبْعُ سِنِينَ. فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ إِمَامُ النَّاسِ يَوْمَئِذٍ؟ قَالَ: الْمَهْدِيُّ مِنْ وَادِي.»^۲

«میان شما و روم هفت سال است، گفته شد: ای رسول خدا! در آن زمان، امام مردم کیست؟ (حضرت) فرمود: مهدی از اولاد من.»

در مورد احادیث بالا و زمان های تقریبی باید گفت: فرمایش انبیا و اولیا حق است و اگر در تعیین زمان و گفتار ایشان تغییر و تحولی پیش آید به منزله «بداء» می باشد.

بداء عبارت است از تغییر و تحول در عالم تکوین. به عبارت دیگر، دادن و گرفتن، کم و یا زیاد کردن بر خلاف جریان طبیعی را بداء گویند پس هر یک از روایات و احادیث، حکم اتمام حجت و بیدار باش را دارد مگر این که خوانندگان این نوع احادیث گذرا قرائت کرده و توجهی به عمق آن نکنند، حال امیدواریم در عصر سرگردانی و آشوب ما منتظران ظهورش آن روز مسعود و آن دولت کریمه را درک کنیم و توفیق خدمت در حکومت عدل الهی نصیبمان گردد و اما آنچه را که منتظریم با خروج سفیانی عملی خواهد شد. ان شاء الله

«... لا ترون ما تُحِبُّونَ حَتَّى يَخْتَلِفَ بَنُو فُلَانٍ نِيْمًا بَيْنَهُمْ، فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ طَمَعِ النَّاسِ مِنْ فِيهِمْ وَاخْتَلَفَ الْكَلِمَةُ وَخَرَجَ السُّفْيَانِيُّ.»^۳

«... آنچه دوست می دارید واقع نمی شود، جز هنگامی که بنی فلان (بنی عباس) دچار اختلاف شوند، چون دچار اختلاف شدند مردم بر حکومت چشم می دوزند و اختلاف آنان را غنیمت می شمارند، آنگاه سفیانی خارج می شود.»

۱ - (هرقل) نام شهری در اسرائیل است. ۲ - بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۸۰، ح ۲۷.

۳ - بشارة الاسلام، ص ۱۱۳۸ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۱، ح ۹۶.

قیام سفیانی

سفیانی از تبار ابوسفیان و از خاندان اموی است، نام پدرش عنبثه و مادرش از خاندان کلب^۱ است او از اهالی دمشق می باشد و خود را صاحب حق می داند و بالاخره طبق وصیت اجدادش^۲ روزی برای احقاق حق قیام خواهد کرد قیام نامیمون او قبل از قیام حضرت مهدی علیه السلام از امور حتمی می باشد.

در همین رابطه امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید:

«إِنَّا وَآلُ أَبِي سُفْيَانَ أَهْلُ بَيْتَيْنِ تَعَادَيْنَا فِي اللَّهِ قُلْنَا: صَدَقَ اللَّهُ وَقَالُوا: كَذَبَ اللَّهُ! قَاتَلَ أَبُو سُفْيَانَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَقَاتَلَ مُعَاوِيَةَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَقَاتَلَ يَزِيدُ بْنُ مُعَاوِيَةَ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالسُّفْيَانِيُّ يُقَاتِلُ الْقَائِمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ»^۳

«ما و خاندان ابوسفیان، دو خاندانی هستیم که همواره با یکدیگر در ستیز بودیم، ما می گفتیم: خدا راست گفته است و آنان می گفتند: دروغ گفته است! ابوسفیان با رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جنگید، معاویه با حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ جنگید، یزید با امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ جنگید و سفیانی هم با حضرت قائم عَلَيْهِ السَّلَامُ می جنگد.»

«ثُمَّ يَقَعُ التَّدَابُرُ وَالْإِخْتِلَافُ بَيْنَ أَمْرَاءِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ، فَلَا يَزَالُونَ يَخْتَلِفُونَ إِلَى أَنْ يَصِيرَ الْأَمْرُ إِلَى رَجُلٍ مِنْ وُلْدِ أَبِي سُفْيَانَ»^۴

«در میان زمامداران عرب و عجم اختلاف و درگیری شدیدی پدید می آید تا مردی از تبار ابوسفیان بر سریر حکومت تکیه کند.»

«تَوَقَّعُوا الصَّوْتِ يَأْتِيكُمْ بَغْتَةً مِنْ دِمَشْقٍ. فِيهِ لَكُمْ فَرْجٌ عَظِيمٌ يَجِيئُكُمُ الصَّوْتُ مِنْ نَاحِيَةِ دِمَشْقٍ بِالْفَتْحِ»^۵

۱ - خاندان کلب در عصر اموی در اردن سکونت داشتند.

۲ - ابوسفیان، معاویه، یزید.

۳ - الزام الناصب، ص ۱۷۹، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۰، ح ۱۸.

۴ - بشارة الاسلام، ص ۱۹۱. ۵ - غیبت نعمانی، ص ۱۴۹.

«منتظر بانگ سفیانی باشید که به طور ناگهانی از دمشق شنیده می شود، در این بانگ فرج عظیمی برای شما هست؛ زیرا که این بانگ نوید بخش پیروزی بزرگ شماست.»

«أَنْتُمْ لَكُمْ بِالسُّفْيَانِيِّ، حَتَّى يَخْرُجَ قَبْلَهُ الشَّيْبَانِيُّ. يَخْرُجُ بِأَرْضِ كُوفَانَ، يَتَّبِعُ كَمَا يَتَّبِعُ الْمَاءَ، فَيَقْتُلُ وَفَدَكُمْ. فَتَوَقَّعُوا بَعْدَ ذَلِكَ السُّفْيَانِيَّ وَخُرُوجَ الْمَهْدِيِّ.»^۱

«چگونه ممکن است سفیانی بدون (شیببانی)^۲ خروج کند، شیببانی از سرزمین کوفه خروج می کند و مانند آب حرکت می کند و کسان شما را می کشد چون او خروج کند منتظر خروج سفیانی باشید و به دنبال آن منتظر ظهور مهدی باشید.»

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید:

«هُوَ مِنْ وُلْدِ أَبِي سُفْيَانَ، حَتَّى يَأْتِيَ أَرْضَ قَرَارٍ وَمَعِينٍ فَيَسْتَوِي عَلَى مَنبَرِهَا.»^۳
«او از فرزندان ابوسفیان است، به سرزمین آرامش و آسایش وارد می شود و بر منبر آن تکیه می زند.»

«وَيَخْرُجُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، فَيَصْعَدُ مَنبَرَ دِمَشْقٍ، وَهُوَ أَوَّلُ مَنبَرٍ يَصْعَدُهُ، ثُمَّ يَخْطُبُ وَيَأْمُرُهُمْ بِالْجِهَادِ، وَيُبَايِعُهُمْ عَلَى أَنَّهُمْ لَا يُخَالِفُونَ أَمْرَهُ رِضْوَةً أَمْ كَرْهًا.»^۴

«روز جمعه خروج می کند و بر فراز منبر دمشق قرار می گیرد و آن نخستین منبری است که او صعود می کند. آنگاه خطبه می خواند و مردم را به جهاد فرمان می دهد و از آنان بیعت می گیرد که هرگز با او مخالفت نکنند چه بر طبق خواسته شان باشد و یا برخلاف آن.»

«إِنَّ أَمْرَ السُّفْيَانِيِّ مِنَ الْمَحْتَمُونَ، وَخُرُوجُهُ فِي رَجَبٍ، يَأْتِي أَرْضَ قَرَارٍ وَمَعِينٍ وَيَسْتَوِي عَلَى مَنبَرِهَا.»^۵

۱ - غیبت نعمانی، ص ۱۶۲.

۲ - شیببانی شاید یک فرد باشد که با خروجش جنابت می کند و یا شاید طفیان آب فرات باشد که

عده ای را طعمه خود می گرداند. ۳ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۵.

۴ - الزام الناصب، ص ۱۹۸. ۵ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۴، ح ۳۲.

«خروج سفيانی حتمی است و خروجش در ماه رجب خواهد بود، به سرزمین آرامش و آسایش وارد می شود و بر فراز منبر آن (دمشق) قرار می گیرد.»
 «إِمَارَةُ خُرُوجِ السُّفْيَانِيِّ أَنْ يَخْضَلَ خَنْفَ بَغْرَبِيِّ مَسْجِدِ دِمَشْقِ حَتَّى يَخْرُجَ خَائِطُ الْمَسْجِدِ، وَ رَجْفَةً، وَ تُخْصَفَ قَرْيَةً فِي جُنُوبِ دِمَشْقِ تُسَمَّى: الْجَابِيَّةُ؛ وَذَلِكَ بَعْدَ أَنْ يَتْرَكَ الشَّامَ الْمَغْرِبِيَّ بِرَايَاتِهِ.»^۱

«نشانه خروج سفيانی این است که خسفی در سمت غربی مسجد دمشق به وجود می آید و دیوار مسجد فرو می ریزد و زلزله ای می شود و قریه ای به نام «جابه» در جنوب دمشق خسف می شود. این (واقعه) پس از خارج شدن مغربی و سپاهیان‌ش از شام اتفاق می افتد.»

«عَلَامَةُ خُرُوجِ الْمَهْدِيِّ الْوَيْتَةُ تُقْبَلُ مِنَ الْمَغْرِبِ، عَلَيْهَا رَجُلٌ أُعْرِجٌ مِنْ كَنْدَةَ.»^۲

«نشانه ظهور حضرت مهدی پرچم‌هایی است که از مغرب تحت فرماندهی مرد لنگی از کنده به اهتزاز درآید.»

«مِنْ عَلَامَاتِهِ تَفْرُقُ أَهْلَ الْمَغْرِبِ إِلَى مِصْرَ. وَتِلْكَ إِمَارَةُ السُّفْيَانِيِّ.»^۳

«از نشانه‌های او کوچ کردن مغربی‌ها به سوی مصر است و آن در عهد سفيانی است.»

در همین رابطه امام صادق عليه السلام می فرماید:

«وَظُهُورُ الْمَغْرِبِيِّ بِمِصْرَ وَتَمَلُّكُهُ الشَّامَاتِ.»^۴

«مغربی بر مصر چیره می شود و شامات را تحت سیطره خود در می آورد.»

«وَ يَخْرُجُ الْبَرْبَرِيُّ إِلَى سُرَّةِ الشَّامِ.»^۵

«بربر به سوی وادی شام خروج می کنند.»

«تَقْبَلُ الْبَرْبَرِيُّ بِالرَّايَاتِ الصُّفْرِ، عَلَى الْبَرَّادِينَ السُّبْرِ، حَتَّى يَنْزِلُوا مِصْرَ... أَهْلَ الْمَغْرِبِ إِلَى

مِصْرَ... فَإِذَا دَخَلُوا فَتِلْكَ إِمَارَةُ السُّفْيَانِيِّ.»^۶

۱ - غیبت نعمانی، ص ۱۴۹.

۲ - الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۴۴.

۳ - بشارة الاسلام، ص ۱۷۷ و ۱۸۳.

۴ - بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۶۳.

۵ - الملاحم و الفنن، ص ۴۷.

۶ - بشارة الاسلام، ص ۱۸۶.

«سپاه بربر با پرچم‌های زرد بر فراز یابوهای نیرومند^۱ و بی‌شمار روی می‌آورند و وارد مصر می‌شوند و اهل مغرب نیز به سوی مصر حرکت می‌کنند، هنگامی که وارد مصر شوند، سفیانی به حکومت می‌رسد.»

«إِذَا بَلَغَتِ الرَّايَاتُ الصُّفْرَ مِصْرَ، فَأَهْرَبَ فِي الْأَرْضِ جُهْدَكَ هَرْبًا. وَإِذَا بَلَغَكَ أَنَّهُمْ نَزَلُوا الشَّامَ فَهَنَّاكَ الْبَلَاءُ.»^۲

«هنگامی که پرچم‌های زرد به مصر برسد، با تمام قدرت از منطقه فرار کن و آنگاه که آنان وارد شام بشوند دیگر موقع بلا فرا رسیده است.»

«إِنَّ لَوْلِدِ الْعَبَّاسِ وَالْمُرَوَّانِيِّ لَوْقَعَةٌ بِقَرْقِيسِيَا يَشِيبُ فِيهَا الْفَلَامُ الْحَزْرَوُّ وَيَرْفَعُ اللَّهُ عَنْهُمْ النَّصْرَ، وَيُوحِي إِلَى طَيْرِ السَّمَاءِ وَسِبَاعِ الْأَرْضِ: إِشْبَعِي مِنْ لَحُومِ الْجَبَّارِينَ، ثُمَّ يَخْرُجُ السُّفْيَانِيُّ.»^۳

«برای اولاد عباس و مروان حادثه خونینی در (قرقیسیا)^۴ هست که جوان مقاوم را پیر می‌کند، خداوند حمایت خود را از آنان برمی‌دارد و به مرغان هوا و درندگان صحرا فرمان می‌دهد که از گوشت جباران شکمی از عزا درآورید، آنگاه سفیانی خروج می‌کند.»

«مَنْ عَلَمَاتِهِ أَنْ يَكُونَ خَرَابُ الشَّامِ حِينَ الْتِقَاءِ الرَّايَاتِ الثَّلَاثِ فِيهَا: الْأَبْقَعُ، وَالْأَضْهَبُ، وَالسُّفْيَانِيُّ.»^۵

«از نشانه‌های ظهور آن حضرت ویرانی شام به هنگام برخورد سه لشکر در زیر پرچم‌های ابقع، اصهب و سفیانی است.»

«فَأَوَّلُ أَرْضِ تَخْرُجُ أَرْضُ الشَّامِ: يَخْتَلِفُونَ عِنْدَ ذَلِكَ عَلَى ثَلَاثِ رَايَاتٍ: رَايَةُ الْأَضْهَبِ، وَرَايَةُ الْأَبْقَعِ، وَرَايَةُ السُّفْيَانِيِّ. فَيَلْتَقِي السُّفْيَانِيُّ بِالْأَبْقَعِ فَيَقْتُلُونَ وَيَقْتُلُهُ السُّفْيَانِيُّ وَمَنْ مَعَهُ، وَيَقْتُلُ الْأَضْهَبَ.»^۶

۱ - منظور از یابوهای نیرومند همان مرکب‌های جنگی مانند تانک و نفربر و غیره است.

۲ - بشارة الاسلام، ص ۱۰۹. ۳ - بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۳۷.

۴ - قرقیسیا شهری در شمال سوریه است. ۵ - غیبت نعمانی، ۱۳۳.

۶ - بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۳۷.

«نخستین سرزمینی که در آن شورش و کشتار می شود سرزمین شام است که سه لشکر در آن با یکدیگر نبرد می کنند: اصبه، ابقع، سفیانی، این سه لشکر با یکدیگر می جنگند تا سفیانی با ابقع درگیر می شود و او را با همه سپاهیانش می کشد، سپس اصبه را نیز از پای در می آورد.»

«إِذَا دَارَتْ رَحَى بَنِي الْقَبَائِسِ، وَرَبَطَ أَصْحَابُ الرِّايَاتِ خِيُولَهُمْ بِرِزْتُونَ الشَّامِ، يَهْلِكُ اللَّهُ لَهُمُ الْأَصْهَبَ وَ يَقْتُلُهُ وَ عَائَةَ أَهْلِ بَيْتِهِ عَلَى أَيْدِيهِمْ. وَيَجْلِسُ ابْنُ أَكِلَةَ الْأَكْبَادِ عَلَى مِنْبَرِ دِمَشْقٍ.»^۱

«هنگامی که آسیاب بنی عباس بچرخد و پرچمداران، پرچم های خود را بر زیتون های شام بیاویزند، خداوند اصبه را هلاک می کند و همه سپاهیانش را به دست آنان نابود می سازد و آنگاه پسر هند جگرخواره برفراز منبر دمشق می نشیند.»

«لَا يَزَالُ النَّاسُ فِي مَدَّةٍ حَتَّى يُقْرَعَ الرَّأْسُ. فَإِذَا قُرِعَ الرَّأْسُ هَلَكَ النَّاسُ.»^۲

«مردم در وسعت و مهلت هستند تا روزی که مرکز مورد تهاجم قرار نگرفته است، چون مرکز^۳ زده شد نابود می شوند.»

«لَوْ رَأَيْتَ السُّفْيَانِيَّ رَأَيْتَ أَحَبَّ النَّاسِ، أَشَقَرَ أَحْمَرَ أَرْزَقَ، يَقُولُ: ثَارِي ثُمَّ النَّارُ وَ لَقَدْ بَلَغَ مِنْ حُبِّهِ أَنَّهُ يَدْفَنُ أُمَّ وَوَلَدَهُ حَيَّةً مَخَافَةَ أَنْ تَدُلَّ عَلَيْهِ.»^۴

«اگر سفیانی را ببینی او را پلیدترین مردمان می یابی، که چهره ای گلگون، چشمانی کبود و موهایی زرد دارد و بانگ می زند خدایا! اول انتقام و وانگهی آتش. او به قدری خبیث است که همسر و مادر بچه هایش را زنده به گور می کند تا مخفیگاه او را به کسی نگویند!»

«أَشَدُّ خَلْقِ اللَّهِ شَرًّا، وَأَكْثَرُ خَلْقِ اللَّهِ ظُلْمًا، شَرِّسٌ، قَاسَى الْقَلْبِ! يُجْمَعُ لَهُ وَ لَجَيْشِهِ مِنْ كَافَّةِ الْأَقْطَارِ الْإِسْلَامِيَّةِ فَيَهْرَمُهُمْ وَيَقْتُلُهُمْ، وَيُنَادِي بِشِعَارِهِ لَهُ فِي حُرُوبِهِ هُوَ: يَا رَبِّ، ثَارِي ثُمَّ النَّارُ!!! يَا رَبِّ، النَّارُ وَلَا الْغَارُ.»^۵

۲ - الملاحم و الفنن، ص ۳۷.

۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۳، ح ۱۴۴.

۴ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۶.

۳ - منظور از مرکز دمشق است.

۵ - غیبت نعمانی، ص ۱۶۴.

«شروترین مردم، ستمگرترین آنان، که بسیار زشت خوی و سنگدل است، سفیانی است که از همه اقطار و اکناف جهان اسلام، برای مقابله با او و سپاهیان خون آشامش گرد می آیند و او همه را از دم شمشیر می گذراند. در جنگ های او شعاری که همه جا طنین انداز است این شعار است: خدایا خدایا، اول انتقام وانگهی آتش دوزخ. در برخی منابع چنین آمده است: خدایا خدایا، آتش را می پذیریم، سازش نمی پذیریم!»

«إِذَا مَلَكَ رَجُلٌ الشَّامَ، وَآخِرُ مِصْرَ، فَاقْتَتَلَ الشَّامِيَّ وَالْمِصْرِيَّ، وَسَبَى أَهْلَ الشَّامِ قَبَائِلَ مِنْ مِصْرَ. وَأَقْبَلَ رَجُلٌ مِنَ الْمَشْرِقِ بِرَايَاتِ سُودٍ صِفَارٍ قَبْلَ ضَاحِبِ الشَّامِ، فَهُوَ الَّذِي يُؤَدِّي الطَّاعَةَ لِلْمَهْدِيِّ.»^۱

«هنگامی که مردی حکومت شام را به دست آورد و دیگری بر مصر دست بیابد، آنگاه شامی و مصری با یکدیگر به جنگ پردازند و مردم شام قبیله هایی از مصر را به اسارت بگیرند و مردی از خراسان (سید خراسانی) با پرچم های سیاه کوچکی از خراسان به سوی شام حرکت کند و او همان شخصی است که زمینه را برای اطاعت از حضرت مهدی علیه السلام فراهم می آورد.»

«حَتَّى تَقُومَ الْحَرْبُ عَلَى سَاقٍ، بَادِيًا تَوَاجِدُهَا مَمْلُوءَةً أَخْلَاقُهَا، حُلُوءًا رِضَاعُهَا، عَلَقْمًا عَاقِبَتُهَا. أَلَا وَفِي عَيْدٍ، وَسَيَاتِي عَدُوًّا لَا تَعْلَمُونَ. يَأْخُذُ الْوَالِي مِنْ غَيْرِهَا عُمَّالَهَا عَلَى مَسَاوِي وَأَعْمَالِهَا... كَأَنِّي بِهِ قَدْ نَعَقَ بِالشَّامِ وَفَحَصَ بِرَايَاتِهِ فِي ضَوَاحِي كُوفَانَ، فَعَطَفَ إِلَيْهَا عَطَفَ الصُّرُوسِ وَفَرَشَ الْأَرْضِ بِالرُّؤُوسِ. قَدْ نَعَرَتْ فَاغْرَتَهُ وَثَقَلَتْ فِي الْأَرْضِ وَطَأَتْهُ. بَعِيدُ الْجَوْلَةِ، عَظِيمُ الصَّوْلَةِ! وَاللَّهِ لَيُشْرِدَنَّكُمْ فِي أَطْرَافِ الْأَرْضِ حَتَّى لَا يَبْقَى مِنْكُمْ إِلَّا الْقَلِيلُ، كَالْكُحْلِ فِي الْعَيْنِ!»^۲

«تا هنگامی که جنگ آغاز شود و چون شیر خشمگین^۳ دندان تیز کند، ناگهان شما را فراگیرد، همانند شتری که با پستان های پر شیر روی آورد که دوشیدن آن شیرین و فرجام آن بسیار تلخ و ناگوار است حال بدانید که فردا، فردا با چیزی که

۲ - بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۱۵، ح ۳۷.

۱ - الملاحم و الفتن، ص ۴۳.

۳ - سفیانی.

نمی دانید به زودی فرا می رسد، فرمانروای آنان عده‌ای را از غیر خودشان برای شکنجه و کارهای زشت اجیر کنند، گویی او را با چشم خود می بینم که چون حیوانی در شام نعره می کشد و پرچم‌هایش را در اطراف کوفه به اهتزاز در می آورد، پس مانند شتر خشمگین که دوشنده خود را به دندان گزد به آن روی می آورد و زمین را با سرهای کشتگان می پوشاند. دهانش باز، گام‌هایش سنگین، جولانش وسیع و صولتش عظیم است، به خدا سوگند که شما را در اطراف جهان پراکنده سازد و از شما جز تعدادی اندک همانند سرمه‌ای در چشم باقی نباشد.»

در واقع آتش این حوادث بیشتر متوجه مردمی است که در شام و شامات و کشورهای هم‌جوار سکونت دارند اگر چه دود این آتش به چشم همه خواهد رفت. «وَاللَّهُ لَا يَزَالُونَ، حَتَّى لَا يَدْعُوا مُحَرَّمًا إِلَّا اسْتَحْلَوْهُ، وَلَا عَقْدًا إِلَّا أَحَلُّوهُ، وَحَتَّى لَا يَبْقَى بَيْتٌ مَدْرٍ وَلَا وَبَرٍ إِلَّا دَخَلَهُ ظَلْمُهُمْ وَتَبَاهٍ سُوءٌ رَغِيْبُهُمْ! وَحَتَّى يَقُوْمَ بَاكِيَانِ: بَاكٍ يَبْكِي لِدِينِهِ، وَبَاكٍ يَبْكِي لِدُنْيَاةٍ»^۱

«به خدا سوگند سپاه سفیانی به جنایات خود ادامه می دهند تا هیچ حرامی نماند جز این که حلالش بشمارند، هیچ پیمانی نماند جز این که نقض کنند، هیچ خانه‌ای از خشت خام تا سنگ رخام باقی نباشد جز این که دامنه ظلم و ستمشان در آن وارد شود و مردم در اثر سوء تدبیر و کشورداری آنان دستخوش اضطراب و ناامنی شوند، همه مردم اشک حسرت بریزند، یک دسته برای تباه شدن دینشان و دسته‌ای دیگر برای تباه شدن دنیایشان.»

در همین رابطه امام محمد باقر علیه السلام می فرماید:

«إِذَا اِخْتَلَفَ بَنُو فُلَانٍ فِيمَا بَيْنَهُمْ، فَعِنْدَ ذَلِكَ الْفَرَجُ. وَلَيْسَ فَرَجُكُمْ إِلَّا فِي اِخْتِلَافِهِمْ. فَإِذَا كَانَ فَتَوَقَّعُوا الصَّيْحَةَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، وَإِذَا كَانَ ذَلِكَ طَمَعَ النَّاسِ فِيهِمْ، وَاخْتَلَفَتِ الْكَلِمَةُ وَكَانَ خُرُوجُ السُّفْيَانِيِّ، وَيَتَشَتَّتْ أُمْرُهُمْ، وَيَخْرُجُ عَلَيْهِمُ الْخُرَاسَانِيُّ، هَذَا مِنَ الْمَشْرِقِ وَهَذَا مِنَ الْمَغْرِبِ، يَسْتَبِقَانِ إِلَى الْكُوفَةِ كَفَرَسِيِّ رِهَانٍ، هَذَا مِنْ هُنَا، وَهَذَا مِنْ هُنَا، حَتَّى يَكُونَ هَلَاكُ بَنِي فُلَانٍ عَلَى أَيْدِيهِمَا... أَمَا إِنَّهُمَا لَا يُبْقِيَانِ أَحَدًا!»^۲

«چون اولاد فلانی دچار اختلاف شدند، فرج نزدیک است، فرج شما بستگی به اختلاف آنان دارد چون نشانه‌های اختلاف ظاهر شد منتظر ندای آسمانی در ماه رمضان باشید و چون ندا شنیده شد مردم بر آنان جری می‌شوند و سفیانی خروج می‌کند و کارشان پراکنده می‌شود و سید خراسانی علیه آنان خروج می‌کند، خراسانی از مشرق و سفیانی از مغرب به سوی کوفه می‌تازند و هر دو چون دو اسب مسابقه به دنبال یکدیگر وارد کوفه می‌شوند، اولاد فلانی به دست آنان نابود می‌شوند، سپاهیان سفیانی و خراسانی احدی از آنان را زنده نمی‌گذارند.»

«أَلَا يَا وَيْلَ لِكُوفَانِكُمْ هَذِهِ وَمَا يَجُلُّ فِيهَا مِنَ السُّفْيَانِيِّ! يَمْلِكُ حَرِيمَكُمُ، وَيَذْبَحُ أَطْفَالَكُمْ، وَيَهْتِكُ نِسَاءَكُمْ! فَكَأَنِّي بِهِمْ قَدْ قَتَلُوا أَقْوَامًا تَخَافُ النَّاسُ أَصْوَاتَهُمْ وَتَخَافُ شَرَّهُمْ! ثُمَّ يَأْتِي الرُّوزَاءَ الظَّالِمَ أَهْلُهَا، فَيَحْوُلُ اللَّهُ بَيْنَهَا وَبَيْنَ أَهْلِهَا، فَمَا أَكْثَرَ طُغْيَانِهَا وَأَغْلَبَ سُلْطَانِهَا! أَلَا يَا وَيْلَ بَغْدَادَ مِنَ الرَّئِيِّ مِنْ مَوْتٍ وَقَتْلِ وَخَوْفٍ يَشْمَلُ أَهْلَ الْعِرَاقِ إِذَا حَلَّ بَيْنَهُمُ السَّيْفُ.»^۱

«بدا به حال این کوفه شما، از دست سفیانی که چه جنایاتی در آن انجام می‌دهد، به حریم شما تجاوز می‌کند، کودکان شما را سر می‌برد و ناموس‌های شما را هتک می‌کند؛ گویی آنان را با چشم خود می‌بینم که مردان برجسته‌ای را کشته‌اند که مردم از صدای آنان می‌ترسیدند و از صولت آنان در وحشت بودند. آنگاه متوجه بغداد می‌شود که مردمانش بسیار ستمگرند. پس خداوند در میان او و اهل بغداد حایل می‌شود.

آه، چقدر جنایتگر و طغیان پیشه است. بدا به حال بغداد از ری (تهران) چقدر مرگ و میر و کشت و کشتار و وحشت و اضطراب فراوان می‌شود و همه مردم عراق را ترس فراگیرد هنگامی که شمشیر در میان آنان حکم فرما شود.»

«لَا يَظْهَرُ الْقَائِمُ حَتَّى يَشْمَلَ الشَّامَ وَدُورَ أَهْلِ الْبِلَادِ فِتْنَةً يَطْلُبُونَ مِنْهَا الْمَخْرَجَ فَلَا يَجِدُونَهَا وَيَكُونُ قَتْلٌ بَيْنَ الْحَيْرَةِ وَالْكُوفَةِ، قَتْلَاهُمْ سَوَاءٌ.»^۲

۱ - الزام الناصب، ص ۱۹۶؛ يوم الخلاص، ص ۱۰۹۳.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۱.

«قائم هنگامی ظهور می کند که همه شامات و همه خانه های منطقه را فتنه فرا گیرد و همگان به دنبال راه فرار بگردند و نیابند، و کشتاری سخت در میان حیره و کوفه روی دهد که تلفات دو طرف مساوی باشد.»

«لَا يَكُونُ ذَلِكَ حَتَّى يَخْرُجَ خَارِجٌ مِنْ آلِ أَبِي سُفْيَانَ، يَمْلِكُ تِسْعَةَ أَشْهُرٍ كَحَمَلِ الْمَرْأَةِ. وَلَا يَكُونُ حَتَّى يَخْرُجَ مِنْ وُلْدِ الشَّيْخِ، فَيَسِيرَ حَتَّى يَقْتُلَ بَطْنِ النَّجْفِ! فَوَاللَّهِ كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى رِمَاجِهِمْ وَسُيُوفِهِمْ وَأَمْتِعَتِهِمْ إِلَى حَائِطٍ مِنْ حَيْطَانِ النَّجْفِ يَوْمَ الْإِثْنَيْنِ! وَيُسْتَشْهَدُ يَوْمَ الْأَزْتَعَاوِ.»^۱

«امر فرج محقق نمی شود جز هنگامی که خروج کننده ای از آل ابو سفیان خروج کند و نه ماه (به مقدار مدت حمل) حکومت کند، به ناگزیر او باید از تبار این پیرمرد^۲ باشد، حرکت می کند تا در وادی نجف اشرف کشتار کند. به خدا سوگند گویی با چشم خود می بینم که در روز دوشنبه ای نیزه ها، شمشیرها و دیگر ادوات و آلات خود را بر دیوار نجف تکیه داده اند و در روز چهارشنبه خون ها روان می گردد.»

«إِذَا بَلَغَ السُّفْيَانِيُّ الْكُوفَةَ، وَقَتَلَ أَعْوَانَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَقَتَلَ رَجُلًا مِنْ مُسَمِّيهِمْ، خَرَجَ الْمَهْدِيُّ عَلَى لُؤَايِهِ شُعَيْبُ بْنُ صَالِحٍ.»^۲

«هنگامی که سپاه سفیانی وارد کوفه شوند و دوستان آل محمد صلی الله علیه و آله را بکشند و مردی از نامداران آنان را به قتل برسانند، حضرت مهدی خروج می کند و شعیب بن صالح پرچمدار او می باشد.»

«يُخْرِبُ جَيْشُ السُّفْيَانِيِّ بَغْدَادَ، ثُمَّ يَنْحَدِرُ إِلَى الْكُوفَةِ فَيَحْرِقُونَ مَا حَوْلَهَا ثُمَّ يَخْرُجُونَ مُتَوَجِّهِينَ إِلَى الشَّامِ مَعَهُمُ السَّبَايَا وَالْفَنَائِمُ. فَتَخْرُجُ رَأِيَةٌ هُدًى مِنَ الْكُوفَةِ فَيَقْتُلُونَهُمْ، لَا يُفْلِتُ مِنْهُمْ مُخْبِرٌ، وَيَسْتَقْدُونَ مَا فِي أَيْدِيهِمْ مِنَ السَّبِيِّ وَالْفَنَائِمِ.»^۳

«سپاه سفیانی بغداد را ویران می سازند و به سوی کوفه حرکت می کنند و حوالی کوفه را به آتش می کشند و راهی شام می شوند و اسیران و غنیمت های

۱ - ارشاد مفید، ص ۳۴۰.

۲ - ابو سفیان جد سفیانی.

۳ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۸.

۴ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۶، ح ۱۱.

جنگی را با خود می‌برند. آنگاه پرچمی که پرچم هدایت است (پرچم خراسانی) از کوفه حرکت می‌کند و سپاه سفیانی را تار و مار می‌سازد و یک تن گزارشگر هم از آنان باقی نمی‌گذارد و آنچه اسیر و غنیمت در دستشان هست از آنان باز می‌ستاند.»

«إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّايَاتِ السُّودَ تَخْرُجُ مِنْ خُرَاسَانَ فَاتَوْهَا وَلَوْ حَبَوًّا عَلَى الثَّلْجِ. فَإِنَّ حَمَلَتَهَا يَطْلُبُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطَوْنَهُ، فَيُقَاتِلُونَ وَيَنْتَصِرُونَ فَيُعْطُونَ مَا سَأَلُوا فَلَا يَقْبَلُونَ. كَأَنِّي بِهِمْ وَقَدْ وَضَعُوا سُيُوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ حَتَّى يَدْفَعُوا رَايَاتِهِمْ إِلَى الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ. أَلَا إِنَّهُمْ أَنْصَارُ الْمَهْدِيِّ يُوْطِنُونَ لَهُ سُلْطَانَهُ قُلُوبُهُمْ كَزُبْرِ الْحَدِيدِ فَإِذَا رَأَيْتُمُ الرَّايَاتِ السُّودَ تَجِيءُ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ فَأَكْرِمُوا الْقُرْسَ فَإِنَّ دَوْلَتَنَا فِيهِمْ»^۱

«هنگامی که پرچم‌های سیاه از خراسان به راه افتاد به سویس بشتابید ولو با سینه خیز رفتن از روی برف‌ها باشد که صاحبان آن پرچم‌ها طرفداران حق هستند، آنان حق را مطالبه می‌کنند به آنان داده نمی‌شود، نبرد می‌کنند و پیروز می‌شوند، آنچه می‌خواستند به آنان داده نمی‌شود، نبرد می‌کنند و پیروز می‌شوند، آنچه می‌خواستند به آنان داده می‌شود ولی آنان دیگر نمی‌پذیرند، گویی با چشم خود می‌بینم که شمشیرها را بر خود حمایل کرده‌اند و پیش می‌تازند تا پرچم‌ها را به مهدی قائم تسلیم نمایند. آگاه باش که آنان یاران مهدی هستند و زمینه سلطنت جهانی او را فراهم می‌سازند، دل‌های آنان چون قطعات آهن است هنگامی که پرچم‌های سیاه را مشاهده کردید که از سوی مشرق به حرکت درآمده، فارسیان را گرامی بدارید که دولت ما در میان آنان می‌باشد.»

«يَخْرُجُ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ: السُّفْيَانِيُّ فِي عُمَيْرِ دِمَشْقٍ، وَعَامَّةٌ مَنِ يَتَّبَعُهُ مِنْ كَلْبٍ. فَيَقْتُلُ حَتَّى يَبْقُرِبُطُونَ النَّسَاءَ، وَيَقْتُلُ الصَّبِيَّانَ. فَيَجْتَمِعُ لَهُمْ قَيْسٌ فَيَقْتُلُهَا حَتَّى لَا يَمْنَعَ ذَنْبَ تَلْعَقِ، وَيَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فِي الْحَرَمِ، فَيَبْلُغُ ذَلِكَ السُّفْيَانِيَّ فَيَبْعَثُ إِلَيْهِمْ جُنْدًا مِنْ جُنْدِهِ. فَيَسِيرُ حَتَّى إِذَا جَاءَ بَيْتَاءَ مِنَ الْأَرْضِ خُسِفَ بِهِمْ، فَلَا يَفْلَنُ مِنْهُمْ إِلَّا مُخْبِرًا»^۲

۱ - غیبت شیخ طوسی، ص ۲۶۲.

۲ - الزام الناصب، ص ۱۷۹؛ علاوه بر این رک: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳، ح ۸۷.

«مردی از دل دمشق خروج می‌کند که به او سفیانی می‌گویند و همه پیروانش از نژاد کلب هستند، به قدری خون می‌ریزد که نوبت به شکافتن شکم زنان و سر بردن کودکان می‌رسد، تیره قیس (مصری‌ها و مراکشی‌ها) در برابرش قیام می‌کنند و همه آنان را طعمه شمشیر می‌سازد و کسی نمی‌تواند از خودش دفاع کند؛ آنگاه مردی از تبار من در حرم خروج می‌کند، این خبر به سفیانی می‌رسد، سفیانی سپاهی برای رودرویی با او می‌فرستد، چون سپاهیان (او) به سرزمین بیداء می‌رسند، زمین آنان را در کام خود فرو می‌برد که جز گزارشگری از آنان زنده نمی‌ماند.»

در همین باره روایت شده است:

«يَبْعَثُ اللَّهُ جَبْرَائِيلَ فَيَقُولُ: يَا جَبْرَائِيلُ اذْهَبْ فَأَبْدِهِمْ. فَيَضْرِبُهَا بِرِجْلِهِ ضَرْبَةً يَخْشِفُ اللَّهُ بِهِمْ عِنْدَهَا وَلَا يَفْلِتُ مِنْهُمْ إِلَّا رَجُلَانِ مِنْ جُهَيْنَةَ.»^۱

«خداوند جبرائیل را می‌فرستد و به او می‌فرماید: برو نابودشان بساز، پس با پای خود بر زمین می‌زند و خداوند همه آنان را در کام زمین فرو می‌برد و جز دو نفر از اهل جهینه، کسی از آنان زنده نمی‌ماند.»

«إِنَّهُ لَا يَنْجُو سِوَى اثْنَيْنِ مِنْ قَبِيلَةِ جُهَيْنَةَ. وَهَذَانِ الْإِثْنَانِ يُخْبِرَانِ النَّاسَ عَنْ قِصَّةِ الْخَنْفِ، وَاسْمَاهُمَا: بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ.»^۲

«جز دو نفر از قبیله جهینه باقی نمی‌ماند که برای مردم از داستان خسف گزارش ببرند، یکی از آن دو بشیر و دیگری نذیر است.»

حضرت جبرائیل عليه السلام بشیر را نزد حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌فرستد تا بشارت دهد که اهل کفر نابود شدند و نذیر را نزد سفیانی می‌فرستد تا او را از هلاک شدن سپاهیان با خبر کند.

«ثُمَّ يَقْبَلُ عَلَى الْقَائِمِ رَجُلٌ وَجْهَهُ إِلَى قَفَاءٍ، وَيَقِفُ بَيْنَ يَدَيْهِ، وَيَقُولُ: يَا سَيِّدِي: أَنَا بَشِيرٌ، أَمَرَنِي مَلَكٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ أَنْ أَلْحَقَ بِكَ فَأُبَشِّرَكَ بِهَلَاكِ جَيْشِ السُّفْيَانِيِّ بِالْبَيْدَاءِ. فَيَقُولُ الْقَائِمُ: بَيْنَ قِصَّتِكَ وَقِصَّةِ أَخِيكَ، فَيَقُولُ الرَّجُلُ:

كُنْتُ وَأَخِي فِي جَيْشِ السُّفْيَانِيِّ وَخَرَبْنَا الدُّنْيَا مِنْ دِمَشْقَ إِلَى الزُّوْرَاءِ وَتَرَكْنَاهَا جَمَاءَ
 وَخَرَبْنَا الْكُوفَةَ وَخَرَبْنَا الْمَدِينَةَ وَكَسَرْنَا الْمِنْبَرَ فِي حَضْرَةِ الرَّسُولِ، وَرَأَيْتُ بِغَالِنَا فِي مَسْجِدِهِ
 وَخَرَجْنَا مِنْهَا وَعَدَدْنَا ثَلَاثُونَ أَلْفَ رَجُلٍ، نُريدُ خَرَابَ النَّبِيِّ وَقَتْلَ أَهْلِ مَكَّةَ. فَلَمَّا صِرْنَا فِي
 الْبَيْدَاءِ. عَرَّسْنَا فِيهَا، فَصَاحَ بِنَا صَائِحٌ: يَا بَيْدَاءُ، أَيُّدِي الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ! فَأَنْفَجَرَتِ الْأَرْضُ
 وَابْتَلَعَتْ كُلَّ الْجَيْشِ، وَوَاللَّهِ مَا بَقِيَ عَلَيَّ وَجْهَ الْأَرْضِ عِقَالٌ نَاقَةٌ فَمَا سِوَاهُ غَيْرِي وَغَيْرِ أَخِي.
 فَإِذَا نَحْنُ بِمَلِكٍ قَدْ ضَرَبَ وَجْهَيْنَا فَصَارَا إِلَى الْوَرَاءِ كَمَا تَرَى. فَقَالَ لِأَخِي: وَيْلَكَ يَا نَذِيرُ،
 إِمضِ إِلَى السُّفْيَانِيِّ بِدِمَشْقٍ فَأَنْذِرْهُ بِظُهُورِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ، وَعَرِّفْهُ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ
 جَيْشَهُ بِالْبَيْدَاءِ وَقَالَ لِي: يَا بَشِيرُ، الْحَقُّ بِالْمَهْدِيِّ بِمَكَّةَ، وَيَسْرُهُ بِهَلَاكِ الظَّالِمِينَ، وَتُبَّ عَلَيَّ
 يَدِي فَإِنَّهُ يَقْبَلُ تُوْبَتَكَ. فَيَمُرُّ الْقَائِمُ يَدَهُ عَلَيَّ وَجْهَهُ فَيَرُدُّهُ سَالِمًا سَوِيًّا كَمَا كَانَ، وَيُبَايِعُهُ وَيَكُونُ
 مَعَهُ»^۱

«سپس مردی که صورتش به طرف پشت سرش قرار دارد، به سوی قائم
 می شتابد و می گوید: من بشیر هستم و فرشته‌ای به من دستور داد که به نزد تو
 آمده، تو را به هلاک شدن سپاه سفیانی در سرزمین بیداء بشارت دهم؛ قائم
 می فرماید: داستان خود و برادرت را باز گوی.»

او می گوید: من و برادرم در سپاه سفیانی بودیم که شهرها را از دمشق تا زوراء
 (بغداد) خراب کردیم و به تل خاکی مبدل ساختیم، کوفه را خراب کردیم، مدینه
 را خراب کردیم و منبر آن را در مسجدالنبی شکستیم و استرهای خود را در
 مسجدالنبی بستیم، از مدینه با سپاهی بالغ بر سی هزار نفر به قصد تخریب کعبه
 و کشتار مردم مکه بیرون آمدیم، چون به سرزمین بیداء رسیدیم مقداری در آنجا
 اتراق نمودیم، پس ناگهان بانگی برآمد که: ای سرزمین بیداء قوم ستمگر را
 نابودشان ساز! پس زمین شکافته شد و همه سپاه را در کام خود فرو برد، به خدا
 سوگند که به جز من و برادرم چیزی بر روی زمین باقی نماند، حتی افسار شتری
 هم نماند، پس ناگهان فرشته‌ای ظاهر شد و به صورت ما زد و صورت ما به عقب
 برگشت چنان که می بینید، آنگاه به برادرم گفت: ای نذیرا وای بر تو، برو به

دمشق و سفیانی را با ظهور مهدی آل رسول بترسان و به او اطلاع بده که سپاهش در سرزمین بیداء در دل زمین فرورفته است و به من گفت: ای بشیر! خودت را به مکه برسان و مهدی را با هلاکت قوم ستمگر بشارت بده و با دست او توبه کن که او توبهات را می پذیرد، آنگاه حضرت قائم دست مبارکش را به صورت او می کشد و او به حال اولی برمی گردد و با آن حضرت بیعت می کند و به سپاه حق می پیوندد.»
روایت شده سفیانی پس از شنیدن این خبر با بقیه سپاهیانش برای نبرد با حضرت مهدی حرکت می کند و...

«يَخْرُجُ السُّفْيَانِيُّ بِمِئَةِ وَسَبْعِينَ أَلْفًا فَيَنْزِلُ بِحَيْرَةَ طَبْرِيَّةَ. وَيَسِيرُ إِلَيْهِ الْمَهْدِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ يُوَاقِعُهُ هُنَاكَ. وَلَا تَكُونُ سَاعَةٌ حَتَّى يَهْلِكَ اللَّهُ أَصْحَابَهُ وَلَا يَبْقَى إِلَّا هُوَ وَحَدَهُ. فَيَأْخُذُهُ الْمَهْدِيُّ فَيَذْبُحُهُ تَحْتَ الشَّجَرَةِ الَّتِي أَغْصَانُهَا مَدْلَاةٌ عَلَى بَحَيْرَةِ طَبْرِيَّةَ، ثُمَّ يَمْلِكُ مَدِينَةَ دِمَشْقَ.»^۱

«سفیانی با یکصد و هفتاد هزار جنگجو حرکت می کند و در کنار دریاچه طبریه فرود می آید و حضرت مهدی علیه السلام به سوی او حرکت می کند و در کنار دریاچه طبریه بر او می تازد و در کمتر از یک ساعت همه سپاهیانش هلاک می شوند و فقط شخص سفیانی باقی می ماند، آنگاه مهدی او را دستگیر می کند و در کنار دریاچه طبریه در زیر درختی که شاخه هایش به روی دریاچه بال گشوده سر می برد و سپس شام را تحت تصرف خود در می آورد.»

مژده و بشارت باد وعده الهی را که: ﴿جاء الحق وزهق الباطل وان الباطل كان زهوقاً﴾ در راه است و اوست که با ذوالفقار پدر بزرگوارش باطل را از میان برمی دارد و بشر را از زیر سلطه و سیطره جنایتکاران آزاد می نماید و اهل باطل را برای همیشه روانه جهنم می کند.

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ﴾^۲
«آیا به کسانی که (شکر) نعمت خدا را به کفر تبدیل کردند و قوم خود را به سرای هلاکت در آوردند ننگریستی؟»

﴿ مَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ تَشَجَّرُ خَبِيثَةً اجْتَثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ ﴾^۱

«و مثل سخنی ناپاک چون درختی ناپاک است که از روی زمین کنده

شده و قراری ندارد.»

«اللَّهُمَّ الْعَنَّهُمْ جَمِيعاً.»

«پروردگارا! بر همه آنان لعنت فرست.»

آمین یا رب العالمین و اما پرچمهایی که در حول و حوش ظهور حضرت

مهدی به اهتزاز درمی آیند عبارتند از:

قیام عوف سلمی

عوف سلمی از نسل جعفر طیار رضی الله عنه است که به هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام با گروهی از عرب و با گروهی از زنجی ها از سمت جنوب وارد بصره شده و آنجا را ویران می کند و سپس از عراق عبور کرده وارد دمشق می شود و در مسجد شام به قتل می رسد.

امام زین العابدین علیه السلام در این باره می فرماید:

«يَكُونُ قَبْلَ خُرُوجِهِ خُرُوجَ رَجُلٍ يُقَالُ لَهُ: عَوْفُ السَّلْمِيِّ، بِأَرْضِ الْجَزِيرَةِ، وَيَكُونُ مَأْوَاهُ

تَكْرِيتُ، وَقَتْلُهُ بِمَسْجِدِ دِمَشْقِ.»^۲

«پیش از خروج آن حضرت، مردی به نام «عوف سلمی» در سرزمین الجزیره^۳

خروج می کند و در تکریت^۴ مأوی گزیند و در مسجد دمشق به قتل می رسد.»

همچنین روایت شده که رسول اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به جعفر بن ابی طالب علیه السلام

فرموده اند:

۱ - سوره ابراهیم (۱۴) آیه ۲۶. ۲ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۳، ح ۶۵.

۳ - الجزیره گذرگاهی است در شمال سوریه که در میان دو رودخانه فرات و دجله واقع شده و مسافت آن

از ترکیه تا عراق می باشد.

۴ - تکریت شهری در عراق کنار دجله و در شمال سامراست در برخی منابع به آن «کربت» و «کویت» نیز

گفته اند.

«وَخَرَابُ الْبَصْرَةِ عَلَى يَدِ رَجُلٍ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ، يَتَّبَعُهُ الزُّنُوجُ.»^۱

«بصره توسط یکی از فرزندان تو ویران می شود که زنجی ها از او پیروی می کنند.»

حضرت علی علیه السلام نیز به وسعت این فاجعه اشاره کرده و فرموده اند:
 «الْبَصْرَةُ! إِنَّهَا لِأَقْرَبُ الْأَرْضِ خَرَاباً وَأَجْسُهَا تُرَاباً، وَأَشَدُّهَا عَذَاباً. وَإِنَّ لَكُمْ يَا أَهْلَ الْبَصْرَةِ وَمَا حَوْلَكُمْ مِنَ الْقُرَى، مِنَ الْمَاءِ لَيَوْمًا عَظِيماً بَلَاءُ. وَإِنِّي لِأَعْلَمُ مَوْضِعَ مُتَفَجِّرِهِ مِنْ قَرْيَتِكُمْ هَذِهِ. ثُمَّ أُمُورٌ قَبْلَ ذَلِكَ تَذَهَمُكُمْ عَظِيمَةً أُخْفِيتُ عَلَيْكُمْ وَعَلِمْنَاهَا... فَمَنْ خَرَجَ عَنْهَا عِنْدَ ذُنُوقِ عَرْقِهَا فَبِرَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ سَبَقَتْ لَهُ وَمَنْ بَقِيَ فِيهَا غَيْرَ مَرْبُوطٍ بِهَا فَبِدَنْبِهِ، وَمَا اللَّهُ بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ!»^۲

«اما بصره، برای ویرانی از همه جا نزدیکتر، خاکش از همه جا سخت تر، در معرض عذاب الهی از همه جا بیشتر است. ای مردم بصره و ای ساکنان آبادی های اطراف بصره! آگاه باشید که روز سخت و بلای دردناکی از آب در انتظار شماست، من می دانم که این آب از کدام نقطه شهر شما بیرون خواهد زد، پیش از آن نیز فاجعه های سختی بر شما خواهد رسید که علم آن از شما پنهان شده و بر ما عطا شده است، چون موقع انفجار آن فرا رسد هر کس از آنجا زودتر خارج شود رحمت خدا او را فرا گرفته است و هر کس بدون وابستگی در آن بماند، در برابر گناهانش مبتلا شده است و خداوند هرگز به بندگان ستم نمی کند.»

آن حضرت در حدیث دیگری فرموده اند:

«يَا أَهْلَ الْبَصْرَةِ: أَخْلَأُكُمْ دِقَاقٌ، وَدِينُكُمْ نِفَاقٌ، وَمَاؤُكُمْ زُعَاقٌ. بِلَادُكُمْ أَتَنُّ بِلَادِ اللَّهِ تُرْبَةٌ وَأَبْعَدُهَا مِنَ السَّمَاءِ بِهَا تِسْعَةُ أَعْشَارِ الشَّرِّ! وَالْمُحْتَبَسُ فِيهَا بِدَنْبِهِ، وَالْخَارِجُ مِنْهَا بِعَفْوِ رَبِّهِ... كَأَنِّي أَنْظِرُ إِلَى قَرْيَتِكُمْ هَذِهِ وَقَدْ طَبَّقَهَا الْمَاءُ حَتَّى مَا يُرَى فِيهَا إِلَّا شَرْفُ الْمَسْجِدِ كَأَنَّهُ جُوجُؤُ طَيْرٍ فِي لُجَّةِ بَحْرٍ! فَإِذَا هُمْ رَأَوْا الْبَصْرَةَ قَدْ تَحَوَّلَتْ أَحْضَاصُهَا دُورًا، وَأَجَامُهَا قُصُورًا فَالْهَرَبُ الْهَرَبُ فَإِنَّهُ لَا بَصْرَةَ لَكُمْ بَعْدَ الْيَوْمِ!»^۳

۲ - الملاحم والفتن، ص ۱۰۲.

۱ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۰، ح ۱۱.

۳ - بحار الانوار، ج ۳۲، ص ۲۵۴، ح ۱۹۹.

«ای اهل بصره! اخلاقتان پیچیده، آیینتان منافقانه، آبتان تلخ، خاک کشورتان از هر خاکی گندیده‌تر و از آسمان دورتر است نه دهم شرّ در شهر شماست، کسی که در آن درگیر شود در اثر گناهانش مبتلا شده است و هر کس از آن رهایی پیدا کند از رحمت و برکات پروردگار نجات یافته است، گویی با چشم خود می‌بینم که شهر شما را آب فراگرفته است، از ساختمان‌های شهر جز گنبد مسجدتان دیده نمی‌شود که همانند سینه مرغی در اقیانوس بیکران شناور به نظر می‌رسد؛ هنگامی که دیدند کوخ‌های بصره تبدیل به کاخ شده و باغ‌های اطراف آن تبدیل به قصر شده، بدانند که عمر بصره به پایان رسیده، دیگر بصره‌ای وجود نخواهد داشت.»

در حدیث دیگر می‌خوانیم:

«إِذَا خَرِبَتِ الْبَصْرَةُ، وَقَامَ أَمِيرُ الْأَمْرَةِ»^۱

«هنگامی که بصره ویران شود و امیر امیران برخیزد.»

امید به آن روز موعود داریم که امیرامیران برخیزند. ان شاء الله

قیام یمانی

یمانی از شیعیان امیر مؤمنان علیه السلام است و خروج او از علایم ظهور می‌باشد و در حدود چهارده ماه و اندی قبل از ظهور جهت نبرد با سفیانی خروج می‌کند. خروج یمانی همزمان با شورش‌ها و فتنه‌ها و... در سراسر منطقه خواهد بود، سپاه خراسانی نیز جهت یاری او اقدام کرده و هر دو سپاه با لشکر سفیانی به جنگ می‌پردازند که آن جنگ، جنگی سرنوشت ساز و حساس می‌باشد.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:

«خُرُوجُ الثَّلَاثَةِ: السُّفْيَانِيُّ وَالْخُرَّاسَانِيُّ وَالْيَمَانِيُّ فِي سَنَةِ وَاحِدَةٍ، فِي شَهْرِ وَاحِدٍ، فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ. وَلَيْسَ فِيهَا مِنْ زَايَةٍ أَهْدَى مِنْ زَايَةِ الْيَمَانِيِّ، لِأَنَّهُ يَدْعُو إِلَى الْحَقِّ»^۲

«سه پرچم در یک سال، یک ماه و یک روز خروج می‌کنند: سفیانی، خراسانی، یمانی که در میان آنان خالص‌تر از پرچم یمانی نیست، که او برای حق فرا می‌خواند.»

امام صادق علیه السلام در مورد یمانی و نسب او چنین توضیح می‌دهد:

«خُرُوجُ رَجُلٍ مِنْ وُلْدِ عَمِّي زَيْدٍ، بِالْيَمَنِ»^۱

«مردی از اولاد عمویم زید در یمن خروج می‌کند.»

«يُوشِكُ أَنْ تَخْرُجَ نَارٌ بِالْيَمَنِ، تَسُوقُ النَّاسَ إِلَى الشَّامِ»^۲

«زود است آتشی از یمن خارج شود و مردم را به سوی شام سوق دهد.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره سپاه یمانی می‌فرماید:

«الْيَمَانِيُّ يَتَوَلَّى عَلِيًّا. الْيَمَانِيُّ وَالسُّفْيَانِيُّ كَفَرَسَنِ رِهَانٍ»^۳

«یمانی از شیعیان امیر مؤمنان است، خروج یمانی و سفیانی همانند دو اسب

مسابقه همزمان و به دنبال یکدیگر خواهد بود.»

امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید:

«خُرُوجُ السُّفْيَانِيِّ وَالْخُرَّاسَانِيِّ فِي سَنَةٍ وَاحِدَةٍ، وَفِي شَهْرٍ وَاحِدٍ، وَفِي يَوْمٍ وَاحِدٍ.

وَنِظَامٌ كِنِظَامِ الْخَرَزِيِّ يَتَّبِعُ بَعْضُهُ بَعْضًا، فَيَكُونُ الْبَأْسُ فِي كُلِّ وَجْهٍ. وَيُنَالُ لِمَنْ نَاوَاهُمْ. لَيْسَ

فِي الرِّايَاتِ أَهْدَى مِنْ رَايَةِ الْيَمَانِيِّ، هِيَ رَايَةٌ هُدَى لِأَنَّهُ يَدْعُو إِلَى صَاحِبِكُمْ. فَإِذَا خَرَجَ الْيَمَانِيُّ

حَرَّمَ بَيْعَ السَّلَاحِ عَلَى كُلِّ النَّاسِ... إِذَا خَرَجَ الْيَمَانِيُّ فَانْهَضْ إِلَيْهِ فَإِنَّ رَايَتَهُ رَايَةٌ هُدَى، وَلَا

يَجِلُّ لِمُسْلِمٍ أَنْ يَلْتَوِيَ عَلَيْهِ، فَمَنْ فَعَلَ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ، لِأَنَّهُ يَدْعُو إِلَى الْحَقِّ وَالْإِلَى صِرَاطِ

مُسْتَقِيمٍ»^۴

«سفیانی و یمانی و خراسانی در یک سال و یک ماه و یک روز خروج

می‌کنند، خروج آنان چون دانه‌های گردن‌بند به دنبال یکدیگر است. هر سو که

بنگری ترس و وحشت و اضطراب خواهد بود؛ کسی که با آنان درافتد بدا به

حال او، در میان آنان پرچمی خالص‌تر از پرچم یمانی نیست که پرچم هدایت

۱ - بشارة الاسلام، ص ۱۷۵.

۲ - الملاحم والفتن، ص ۷۱.

۳ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۵، ح ۱۷.

۴ - غیبت نعمانی، ص ۱۲۵.

است و شما را به سوی صاحبان دعوت می‌کند، هنگامی که یمانی خروج کند فروش اسلحه بر دیگر مردمان را تحریم می‌کند، چون او خروج کند به سوی بشتاب که پرچم او پرچم هدایت است و بر هیچ مسلمانی جایز نیست که در برابر او بایستد، هر کس این چنین انجام دهد اهل دوزخ می‌شود؛ زیرا او به سوی حق و صراط مستقیم فرا می‌خواند.

امام صادق علیه السلام در مورد نشانه‌های ظهور می‌فرماید:

«خَمْسٌ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ: الْيَمَانِيُّ، وَالسُّفْيَانِيُّ وَالنُّدَاءُ، وَالْخَسْفُ بِالتَّبِيدِ، وَقَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ.»^۱

«پیش از قیام قائم پنج نشانه است: ۱ - خروج یمانی؛ ۲ - خروج سفیانی؛

۳ - ندای آسمانی؛ ۴ - خسف سرزمین بیداء؛ ۵ - قتل نفس زکیه.»

قیام نفس زکیه

نفس زکیه لقب یک جوان هاشمی از آل محمد صلی الله علیه و آله و از تبار سالار شهیدان است و نام او محمد بن حسن می‌باشد.

نفس زکیه در آغاز جنبش سپاه سفیانی و به فرمان حضرت ولی عصر علیه السلام جهت اتمام حجت رهسپار مکه می‌شود و از آنجا به مدینه می‌رود. زمانی که دومین گروه از لشکر سفیانی که برای مقابله با دعوت حق و رویارویی با سپاه حضرت بقية الله الاعظم به سوی مدینه گسیل می‌شوند، نفس زکیه رهسپار مکه می‌شود و در آنجا بانگ دادخواهی و دعوت به سوی آل محمد صلی الله علیه و آله را بلند می‌کند و طبق دستور حضرت مهدی عرض می‌کند: ای اهل مکه من فرستاده حضرت ولی عصر به سوی شما هستم، آن حضرت خطاب به شما مردم فرمودند: «إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ النَّبُوَّةِ، وَمَعْدِنِ الرَّسَالَةِ وَالْخِلَافَةِ. وَنَحْنُ ذُرِّيَّةُ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله وَسَلَالَةُ النَّبِيِّينَ. وَإِنَّا قَدْ ظَلَمْنَا وَاضْطَهَدْنَا، وَقَهَرْنَا وَابْتَرَّ حَقُّنَا مَذْقِيضٌ نَبِيْنَا إِلَى وَقْتِنَا هَذَا... وَنَحْنُ نَسْتَنْصِرُكُمْ فَاَنْصُرُونَا... فَإِذَا تَكَلَّمْ بِهَذَا الْكَلَامِ آتَوْا إِلَيْهِ فَذَبْحُوهُ بَيْنَ الرَّكْنِ وَالْمَقَامِ، وَهُوَ النَّفْسُ الزَّكِيَّةُ.»^۲

«ما اهل بيت نبوت و معدن رسالت و خلافت هستیم، ما عترت پیامبر و سلالة پیامبرانیم، ما مظلوم شدیم، به ما ستم کردند و از روزی که پیامبر رحلت کرد، حق ما را غصب کردند و تا به امروز در دست غاصبان است. ما از شما یاری می طلبیم، ما را یاری کنید، چون پیام آن حضرت را ابلاغ می کند او را می گیرند و در میان رکن و مقام ذبح می کنند، که او همان نفس زکیه است.»

روایت شده نفس زکیه را در روز بیست و پنجم ذیحجه الحرام در بیت الله الحرام بدون هیچ گناه در میان رکن و مقام مظلومانه ذبح می کنند، پس از ارتکاب این جنایت عده ای از مؤمنان به دنبال حضرت مهدی علیه السلام می گردند تا با آن حضرت بیعت کرده و این جنایت را محکوم نمایند بین ذبح نفس زکیه و آغاز قیام شکوهمند حضرت ولی عصر آقا امام زمان پانزده روز فاصله است؛ قیام آن حضرت در دهم ماه مبارک محرم اتفاق می افتد و یک بار دیگر بانگ جبرائیل در فضا طنین انداز می شود که جهانیان را به بیعت با آن حضرت دعوت کرده و می فرماید: «الْبَيْعَةُ لِلَّهِ، الْبَيْعَةُ لِلَّهِ»^۱

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید:

«إِنَّ الْمَهْدِيَّ لَا يَخْرُجُ حَتَّى تُقْتَلَ النَّفْسُ الزُّكِّيَّةُ. فَإِذَا قُتِلَتِ النَّفْسُ الزُّكِّيَّةُ غَضِبَ عَلَيْهِمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ، فَأَنَّى النَّاسُ الْمَهْدِيَّ فَرَفُوهُ كَمَا تُرْفُ الْعُرُوسُ إِلَى زَوْجِهَا لَيْلَةَ عَزْمِهَا»^۲

«مهدی خارج نمی شود تا نفس زکیه کشته شود، چون نفس زکیه کشته شد، ساکنان آسمان و زمین بر آنان غضبناک می شوند، آنگاه مهدی ظهور می کند و مردم در اطراف شمع وجودش گرد آیند آن سان که در شب زفاف در اطراف عروس گرد آیند.»

«وَقَتْلُ النَّفْسِ الزُّكِّيَّةِ مِنَ الْمَحْتَمِمْ»^۳

«قتل نفس زکیه از نشانه های قطعی است.»

۲ - بشارة الاسلام، ص ۱۸۳.

۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۰، ح ۳۰.

۳ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۶، ح ۴۰.

«لَيْسَ بَيْنَ الْقَائِمِ وَقَتْلِ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ سِوَى خَمْسِ عَشْرَةَ لَيْلَةً»^۱

«بین قائم و قتل نفس زکیه جز پانزده روز فاصله نیست.»

در همین رابطه حضرت ولی عصر در توقیعی شریف خطاب به شیخ

مفید علیه السلام می فرماید:

«وَأَيَّةُ حَرَكَتِنَا مِنْ هَذِهِ اللَّوْثَةِ خَادِتَةٌ بِالْحَرَمِ الْمُعْظَمِ مِنْ رَجَسٍ مُنَافِقِي مُذْمَمٍ، مُسْتَجِلٌ لِلدَّمِ الْمُحَرَّمِ. يَعْمُدُ بِكَيْدِهِ أَهْلَ الْإِيمَانِ، وَلَا يَبْلُغُ غَرَضَهُ مِنَ الظُّلْمِ لَهُمْ وَالْعُدْوَانِ، لِأَنَّهَا مِنْ وَرَاءِ حِفْظِهِمْ بِالِدُّعَاءِ الَّذِي لَا يُخَجَّبُ عَنْ مَلِكِ السَّمَاءِ، فَلْيَطْمَئِنِّ بِذَلِكَ مِنْ أَوْلِيَانِنَا الْقُلُوبِ، وَلْيَبْتَقُوا بِالْكَفَايَةِ مِنْهُ وَإِنْ رَاعَتْهُمْ بِهِمُ الْخُطُوبُ، وَالْعَاقِبَةُ لِجَمِيلِ صُنْعِ اللَّهِ تَكُونُ حَمِيدَةً مَا اجْتَنَبُوا الْمَنْهَى عَنْهُ مِنَ الذُّنُوبِ.»^۲

«در این فتنه و آشوب، نشانه‌ای از جنبش و حرکت ما وجود دارد و آن عبارت از رویدادی است که در حرم امن الهی به دست منافقی پلید و تبه‌کار روی می‌دهد، خون حرام را می‌ریزد و بر مؤمنان حيله می‌ورزد ولی به هدف اصلی خود نمی‌رسد؛ زیرا پشت آنان با دعای ما گرم است و هرگز از درگاه خدای آسمان بر نمی‌گردند، دل‌های دوستان ما با آن مطمئن باشد، اگر چه حوادث جانگدازی روی خواهد داد ولی فرجام کار با لطف خدای منان به نیکی پایان خواهد یافت تا هنگامی که مؤمنان از گناهان پرهیز نمایند.»

«فَلَابِدٌ مِنْ قَتْلِ غُلَامٍ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ اسْمُهُ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ

الزَّكِيَّةِ...»^۳

«به ناگزیر جوانی از آل محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ باید در میان رکن و مقام کشته شود و اسم

او محمد بن حسن نفس زکیه است...»

پس از شهادت نفس زکیه ظهور پرمیمنت حضرت مهدی یگانه منجی عالم

بشریت به اذن حق تعالی تحقق خواهد یافت ان شاء الله.

۲ - احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۴۹۹.

۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۳، ح ۳۰.

۳ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۱، ح ۲۴.

قیام سید هاشمی

سید هاشمی که به آن سید قریشی و حسنی هم می‌گویند اهل گیلان است، آن سید بزرگوار مورد تأیید خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام است، او همزمان با خروج سید خراسانی (شعیب بن صالح) از شرق ایران خروج کرده و از جانب سید خراسانی یاری می‌شود. سپس از راه بصره وارد عراق شده و در کوفه مستقر می‌شود و پرچم هدایت را به اهتزاز در می‌آورد. در برخی روایات تصریح شده که سید هاشمی پیش از مراسم بیعت در پشت کوفه به شهادت می‌رسد و سید خراسانی با همه سپاهیان با حضرت ولی عصر علیه‌السلام بیعت می‌کنند. رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این باره می‌فرماید:

«كَأَنِّي بِالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَقَدْ قَادَاهَا، فَيَسَلَّمُهَا الْحُسَيْنِ، فَيُبَايِعُونَهُ.»^۱

«گویی دو سید حسنی و حسینی را با چشم خود می‌بینم که هر دو آنان پرچم هدایت را به اهتزاز در می‌آورند و سید حسینی آن را به امام تسلیم می‌کند و خود با او بیعت می‌نماید.»

«يَقُومُ قَبْلَ السُّفْيَانِيِّ وَاحِدًا هَاشِمِيٌّ بِجِيلَانَ، وَيَأْتِي إِلَى الْبَصْرَةِ فَيُخْرِبُهَا، وَيَأْتِي إِلَى الْكُوفَةِ فَيَعْمُرُهَا. فَيَعِزُّمُ السُّفْيَانِيُّ عَلَى قِتَالِهِ وَيَهُمُّ مَعَ عَسَاكِرِهِ بِاسْتِضَالِهِ.»^۲

«پیش از قیام سفیانی، یک سید هاشمی از گیلان خروج می‌کند و سید مشرقی (خراسانی) او را یاری می‌کند، پس به سوی بصره می‌تازد و آن را ویران می‌کند و به سوی کوفه عزیمت می‌کند و آن را آباد می‌کند، آنگاه سفیانی برای نبرد با او آماده می‌شود و با سپاهیان برای نابودی او حرکت می‌کند.»

«وَيَكُونُ قَتْلُ سَبْعِينَ مِنَ الصَّالِحِينَ، وَعَلَى رَأْسِهِمْ رَجُلٌ عَظِيمُ الْقَدْرِ، يُحْرِقُهُ وَيَذُرُّ رَمَادَهُ فِي الْهَوَاءِ بَيْنَ جَلُولَاءَ وَخَائِفِينَ، بَعْدَ أَنْ يَقْتُلَ فِي الْكُوفَةِ أَرْبَعَةَ آلَافٍ.»^۳

۲ - الزام الناصب، ص ۱۸۸.

۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۰، ح ۵۳.

۳ - يوم الخلاص، ص ۱۰۲۹.

«هفتاد نفر از مردان شایسته کشته می شوند که در رأس آنان شخصیت گران قدری است که سفیانی او را می سوزاند و در میان جلولا و خانقین خاکسترش را بر باد می دهد، پس از آن که چهار هزار نفر را در کوفه به قتل برساند.»
منظور از شخصیت گران قدر همان سید هاشمی است که رسول اکرم و امامان علیهم السلام از او ستایش نموده اند. «انا لله و انا الیه راجعون»

قیام سید خراسانی

جوان تمیمی، همان شعیب بن صالح از بنی تمیم است که به سید خراسانی مشهور و نام او محمد است، احتمالاً اولین بانگ او در کوه های طالقان و در اطراف قزوین طنین می اندازد و جنگ از ایران آغاز می شود. روایت شده سپاه خراسانی پس از نبردی سخت در اصطخر^۱ در نزدیکی شیراز به سوی عراق حرکت می کند و سپس همراه با پیروزی وارد کوفه می شوند و از طریق عراق و سوریه به سوی بیت المقدس می تازند تا زمینه را برای تنها بازمانده از حجت های پروردگار فراهم سازند و آخرین دژهای بنی عباس را می گشایند و بر عمر آخرین آنان خاتمه می دهند.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«تَخْرُجُ مِنَ الْمَشْرِقِ رَايَاتٌ سَوْدٌ، تُقَاتِلُ رَجُلًا مِنْ وُلْدِ أَبِي سُفْيَانَ، وَيُؤَدُّونَ الطَّاعَةَ لِلْمَهْدِيِّ»^۲

«پرچم های سیاهی از خاور زمین به اهتزاز در می آید که با مردی از اولاد ابوسفیان می جنگد و زمینه فرمانبرداری از مهدی را فراهم می آورد.»

۱ - اصطخر معرب «استخر» است، استخر پایتخت داریوش کبیر، خشایارشا و اردشیر اول بوده که در حوالی پرسپولیس است و اسکندر مقدونی آن را آتش زد. خرابه های آن یک قسمتش به تخت جمشید معروف و در حوالی مرودشت در استان فارس باقی است. گویند: معبد آناهیتا در شهر استخر بوده و لذا پادشاهان ساسانی آنجا را گرامی می داشتند. ۲ - الملاحم والفتن، ص ۴۴.

آن حضرت در حدیث دیگر می فرماید:

«يَلْقَى أَهْلَ بَيْتِي بِلَاءَ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ زَايَةً مِنَ الْمَشْرِقِ سَوْدَاءَ، مَنْ نَصَرَهَا نَصَرَ اللَّهُ، وَ مَنْ خَذَلَهَا خَذَلَهُ اللَّهُ، حَتَّى يَأْتُوا رَجُلًا اسْمُهُ كَانِمَى فَيُؤَلِّقُونَهُ أَمْرَهُمْ فَيُؤَيِّدُهُ اللَّهُ بِنَصْرِهِ.»^۱

«اهل بيت من به سختی دچار بلاها و گرفتاری ها می شوند و آنگاه خداوند پرچم های سیاهی را از طرف مشرق می فرستد، هر کس آنان را یاری کند خدا را یاری کرده است و هر کس آنان را زیون سازد خدا را زیون ساخته است، این پرچم ها به اهتزاز در می آید تا با مردی که همنام من است بیعت کنند و او را به رهبری خود انتخاب نمایند و خدایش او را تأیید می کند.»

«إِذَا رَأَيْتُمْ ذَلِكَ فَعَلَيْكُمْ بِالْفَتَى التَّمِيمِي، فَإِنَّهُ يُقْبَلُ مِنْ جَهَةِ الْمَشْرِقِ، وَ هُوَ صَاحِبُ زَايَةِ الْمَهْدِيِّ.»^۲

«وقتی که آن را مشاهده کردید به سوی جوان تمیمی بشتابید که او از طرف مشرق می آید و او پرچمدار حضرت مهدی است.»

امام صادق علیه السلام نشانه های واپسین رادر یک جمله خلاصه کرده و می فرماید:

«الْفَرَجُ كُلُّهُ هَلَاكُ الْفُلَانِيِّ مِنْ بَنِي الْعَبَّاسِ.»^۳

«همه فرج در به هلاکت رسیدن فلانی از بنی عباس است.»

شاید منظور یکی از ستم پیشگانی باشد که در بغداد بر تخت قدرت می نشیند و ستم می کند و خون می ریزد و ویژگی هایی از خود نشان می دهد که در میان دیگر جنایت پیشه ها شناخته می شود و همگان متوجه می شوند که این حدیث اشاره به اوست.

«إِذَا خَرَجَتْ حَيْلُ السُّفْيَانِيِّ إِلَى الْكُوفَةِ، بَعَثَ فِي طَلَبِ أَهْلِ خُرَاسَانَ وَيَخْرُجُ أَهْلُ خُرَاسَانَ فِي طَلَبِ الْمَهْدِيِّ. فَيَلْتَقِي هُوَ وَالْهَاشِمِيُّ بِرَايَاتِ سُودٍ، عَلَى مَقْدَمَتِهِ شُعَيْبُ بْنُ صَالِحٍ، فَيَلْتَقِي هُوَ وَالسُّفْيَانِيُّ بِبَابِ إِصْطَحْرِ، فَيَكُونُ بَيْنَهُمْ مَلْحَمَةٌ عَظِيمَةٌ، فَتَظْهَرُ الرَّايَاتُ السُّودُ وَتَهْرَبُ حَيْلُ السُّفْيَانِيِّ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَتَمَنَّى النَّاسُ الْمَهْدِيَّ وَيَطْلُبُونَهُ، فَيَخْرُجُ مِنْ مَكَّةَ

۱ - يوم الخلاص، ص ۱۰۳۸.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۴، ح ۱۰۰.

۳ - غيبت نعمانی، ص ۱۳۷.

وَمَعَهُ زَايَةٌ رَسُولِ اللَّهِ بَعْدَ أَنْ تَيَأَسَّ النَّاسُ مِنْ خُرُوجِهِ لِمَا طَالَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْبَلَاءِ. وَيَقُولُ بَعْدَ أَنْ يُصَلِّيَ رَكَعَتَيْنِ وَيُظَهِّرَ لِلنَّاسِ: أَيُّهَا النَّاسُ: أَلْحَ الْبَلَاءُ بِأُمَّةٍ مُحَمَّدٍ ﷺ وَبِأَهْلِ بَيْتِهِ خَاصَّةً، وَقَدْ قَهَرْنَا وَبَغَى عَلَيْنَا.»^۱

«هنگامی که سپاه سفیانی به سوی کوفه عزیمت می‌کند، سفیانی گروهی را به جستجوی اهل خراسان می‌فرستد که برای یاری حضرت مهدی خروج کرده‌اند، سپاه سفیانی با سپاه (سید خراسانی) در دروازه اصطخر روبرو می‌شوند که مردی به نام شعیب بن صالح پرچمدار خراسانی‌هاست و پرچم‌های سیاهی در دست دارند، نبرد سختی در میانشان پدید می‌آید که سرانجام صاحبان پرچم‌های سیاه پیروز می‌شوند و سپاه سفیانی پا به فرار می‌گذارند، در آن هنگام مردم به دیدار حضرت مهدی مشتاق‌تر می‌شوند و به جستجوی او می‌پردازند، حضرت مهدی در آن زمان در مکه ظهور می‌کند و پرچم رسول اکرم را در دست می‌گیرد و آن وقت است که مردم به کلی از ظهور او ناامید شده و حوادث فراوانی بر آنان رخ نموده است، چون حضرت ظهور کند دو رکعت نماز می‌گزارد و می‌فرماید: هان ای مردم! بلاها بر امت محمد ﷺ فرود آمد و به اهل بیت ما به خصوص بلاهای فراوان نازل شد، ما مظلوم شدیم و به ما ستم فراوان رفت.»

در روایتی آمده است از امیرمؤمنان علیه السلام پرسیدند به هنگام بروز فتنه‌ها و بلاها به کجا پناه ببریم، آن حضرت چنین فرمودند:

«أَسْلَمَ الْمَوَاضِعِ يَوْمَئِذٍ أَرْضُ الْجَبَلِ. فَإِذَا اضْطَرَبَتْ خُرَاسَانَ، وَوَقَعَ الْحَرْبُ بَيْنَ أَهْلِ جُرْجَانَ وَطَبْرِسْتَانَ وَخَرَجَتْ سَجِسْتَانَ، فَأَسْلَمَ الْمَوَاضِعِ يَوْمَئِذٍ قَصَبَةٌ قَمَ تِلْكَ الْبَلْدَةُ الَّتِي يُخْرَجُ مِنْهَا أَنْصَارُ خَيْرِ النَّاسِ أَبَا وَأَمَّا وَجَدًا وَجَدَّةً وَعَمَّا وَوَعَمَّةً تِلْكَ الَّتِي تُسَمَّى الرَّهْزَاءَ بِهَا مَوْضِعٌ قَدَمِ جَبْرَائِيلَ وَهُوَ الْمَوْضِعُ الَّذِي تَبَعَ مِنْهُ الْمَاءُ الَّذِي مَنْ شَرِبَ مِنْهُ أَمِنَ مِنَ الدَّاءِ وَمِنْ ذَلِكَ الْمَاءِ عُجْنُ الطَّيْنِ الَّذِي جُعِلَ مِنْهُ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ وَمِنْهُ يَغْتَسِلُ الرِّضَا وَمِنْ ذَلِكَ الْمَاءِ يُخْرَجُ كَبْشُ إِبْرَاهِيمَ وَعَصَا مُوسَى وَخَاتَمُ سُلَيْمَانَ!»^۲

«سالم‌ترین مناطق روی زمین در آن روز کوهستان است هنگامی که در خراسان اضطراب شد و در میان گرگان و طبرستان (مازندران) جنگ درگرفت و در سجستان (سیستان) شورش شد، در آن روز سالم‌ترین مناطق، شهرستان «قم» است که یاران بهترین مردم از جهت پدر و مادر و جد و جده و عم (یعنی حضرت مهدی) از آنجا بر می‌خیزند، در این شهر پر نور و شکوفان جای پای جبرائیل است و آن نقطه‌ای است که از آنجا آبی بیرون زده است که هر کس از آن بخورد از هر بیماری در امان می‌ماند، این همان آبی است که با آن شکل مرغ ساخته (و به دست حضرت عیسی علیه السلام روح در آن دمیده شد) و آبی است که حضرت رضا در آن غسل کرد و این آبی است که قوچ ابراهیم عصای موسی و انگشتر سلیمان از آن در می‌آید.»

امام محمد باقر علیه السلام درباره سید خراسانی و سپاهیانش می‌فرماید:
 «وَلَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَىٰ صَاحِبِكُمْ قَتْلَاهُمْ شُهَدَاءُ، أَمَا إِنِّي لَوَأْذَرْتُكَ ذَلِكَ لَأَبْقَيْتُ نَفْسِي لِصَاحِبِ الْأَمْرِ»^۱

«پرچم‌ها را جز به دست صاحب الامر نمی‌دهند، کشته‌هایشان شهید است اگر من آن روز را درک کنم، جانم را برای صاحب این امر نگه می‌دارم.»
 به امید آن فجر صادق که با ندای جبرائیل امین همگان به سوی آن پادشاه آسمانی دعوت خواهند شد. ان شاء الله

بانگ آسمانی

وقتی اجازه ظهور صادر شود پیک وحی جبرائیل امین از جانب خداوند در میان زمین و آسمان برخاسته و صدایش به گوش عالمیان می‌رسد که ای مردمان آگاه باشید امیر شما مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله است و حق با علی و شیعیان اوست. پس مردم چه دوست و چه دشمن ندای ملکوتی آن فرشته مقرب را خواهند شنید. امیرمؤمنان علیه السلام در تفسیر آیه: ﴿فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ﴾^۲ فرمود: «از میانشان احزاب دست به اختلاف زدند.»

آن حضرت در این باره فرمودند:

«إِنْتظِرُوا الْفَرَجَ مِنْ ثَلَاثٍ: إِخْتِلَافِ أَهْلِ الشَّامِ فِيمَا بَيْنَهُمْ، وَالرَّيَاثِ السُّودِ مِنْ خُرَاسَانَ، وَالْفَرَغَةَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ...»^۱

«از مشاهده سه نشانه منتظر فرج باشید: اختلاف شامیان، پرچم‌های سیاه از خراسان، صیحه آسمانی در ماه رمضان.»

رسول اکرم ﷺ می‌فرماید:

«أَلَا أَيُّهَا النَّاسُ: إِنَّ اللَّهَ قَدْ قَطَعَ مِدَّةَ الْجَبَّارِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَأَتْبَاعَهُمْ، وَوَلَّيَكُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ مُحَمَّدٌ ﷺ فَالْحَقُّوهُ بِمَكَّةَ فَإِنَّهُ الْمَهْدِيُّ.»^۲

هنگام خروج مهدی، منادی آسمانی از آسمان بانگ می‌زند: «هان ای مردمان! خداوند مهلت ستمگران، منافقان و پیروانشان را قطع کرد و بهترین امت محمد ﷺ را به پیشوایی و سرپرستی شما برگزید، خود را در مکه به او برسانید که او مهدی است.»

«سَيَكُونُ فِي رَمَضَانَ صَوْتُ، وَفِي شَوَّالٍ مَغَمَّةٌ، وَفِي ذِي الْحِجَّةِ تَحَارُبُ الْقَبَائِلِ. وَعَلَامَتُهُ أَنْ يُنْهَبَ الْحَاجُّ، وَتَكُونُ مَلْحَمَةٌ مِني وَتَكْثُرُ فِيهَا الْقَتْلَى وَتَسِيلُ فِيهَا الدَّمَاءُ، حَتَّى تَسِيلَ دِمَاؤُهُمْ عَلَى الْجَمْرَةِ.»^۳

«بانگی در ماه رمضان شنیده می‌شود، آتش جنگی در ماه شوال برافروخته می‌گردد، قبیله‌ها در ماه ذیحجه به جنگ بر می‌خیزند و نشانه آن این است که حجاج را غارت کنند و فاجعه بزرگی در منی روی می‌دهد و افراد بی‌شماری کشته می‌شوند و خون‌ها روان می‌شود و بر جمرات می‌ریزد.»

امیرمؤمنان علیؑ در این باره می‌فرمایند:

«أَمَّا سَمِعْتُمْ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ: «إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمِ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ: آيَةٌ تُخْرِجُ الْفِتَاةَ مِنْ خُدْرِهَا، وَتُوقِطُ النَّائِمَ، وَتُفْرِغُ الْيَقْظَانَ.»^۴

«آیا نشنیده‌اید که خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: اگر بخواهیم برای شما از

۱ - المهدی، ص ۹.

۲ - ارشاد مفید، ص ۳۳۶.

۳ - الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۶۱.

۴ - غیبت نعمانی، ص ۱۳۳.

آسمان نشانه‌ای می‌فرستیم، نشانه‌ای که دختر پرده‌نشین را وحشت زده از سرا پرده بیرون فرستد، خفته را بیدار سازد و بیدار را به وحشت اندازد.»

امام زین العابدین علیه السلام نیز می‌فرماید:

«وَاللَّهِ إِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابِ اللَّهِ لَبَيِّنٌ حَيْثُ يَقُولُ: وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ، يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمَ الْخُرُوجِ. فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ أَحَدٌ إِلَّا خَضَعَ وَذَلَّتْ رَقَبَتُهُ لَهَا. وَيُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ عَلَى الْحَقِّ، وَهُوَ النِّدَاءُ الْأَوَّلُ. وَيَزْتَابُ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ حِينَ النِّدَاءِ الثَّانِي.»^۱

«به خدا سوگند! این مطلب در کتاب خدا بسیار صریح بیان شده، آنجا که می‌فرماید: گوش فراده، هنگامی که منادی از نقطه نزدیکی ندا سر می‌دهد، آن روز به حق آن صیحه را می‌شنوند که آن روز، روز خروج است)،^۲ در روی زمین احدی باقی نمی‌ماند جز این که در برابر این بانگ آسمانی خاضع و منقاد می‌شود، آنان که ایمان آورده‌اند، خداوند آنان را روی ایمان راسخ و عقیده حق، ثابت و پا بر جا نگاه می‌دارد و این بانگ نخستین است، ولی کسانی که در دل‌هایشان بیماری هست در بانگ دوم دچار شک و تردید می‌شوند.»

«الصَّيْحَةُ لَا تَكُونُ إِلَّا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، لِأَنَّ شَهْرَ رَمَضَانَ شَهْرُ اللَّهِ، وَهِيَ صَيْحَةُ جِبْرَائِيلَ إِلَى الْحَقِّ»^۳

«ندای آسمانی جز در ماه رمضان نخواهد بود که ماه رمضان ماه خداست و آن بانگ جبرائیل است که به سوی حق فرا می‌خواند.»

«يُنَادِي مُنَادٍ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ عِنْدَ الْفَجْرِ، مِنْ نَاحِيَةِ الْمَشْرِقِ: يَا أَهْلَ الْهُدَى اجْتَمِعُوا، وَيُنَادِي مُنَادٍ مِنْ قِبَلِ الْمَغْرِبِ، بَعْدَ مَغِيبِ الشَّمْسِ: يَا أَهْلَ الْبَاطِلِ اجْتَمِعُوا.»^۴

«در ماه رمضان به هنگام صبح، منادی آسمانی از طرف مشرق بانگ برمی‌آورد: ای اهل هدایت! گرد آید. بعد از غروب آفتاب منادی دیگری از طرف مغرب بانگ برمی‌آورد: ای اهل باطل! گرد آید.»

۲ - سوره ق (۵۰) آیه ۴۱ و ۴۲.

۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۲.

۴ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۵.

۳ - غیبت نعمانی، ص ۱۳۴.

در مورد این حدیث باید گفت: دو ندا در یک روز به گوش عالمیان خواهد رسید، ندایی که در صبح روز ظهور به گوش همگان می‌رسد حق است و باید لبیک گفت و سپس سجده کرده و چند بار این دعا خوانده شود: «سُبُوْحُ قُدُّوسٍ، رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوْحِ»^۱ اما در مورد ندای بعد از ظهر که ندای شیطان است باید خود را مخفی کرده و گوش‌ها را گرفته و به خدا پناه برد که در عصر آن روز بسیاری از بندگان خدا لبیک گوی این ندای جهنمی خواهند شد و با این بیعت به صفوف فشردهٔ هلاک شوندگان خواهند پیوست. پس باید در این مورد حساس، آگاه بود؛ زیرا با ندای بعد از ظهر ناآگاهان و گنهکاران به سرنوشت شومی دچار می‌شوند، امید است که همگی به ندای صبح آن روز درخشان لبیک گوئیم و ندای بعد از ظهر آن روز را رد نماییم. ان شاء الله

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«يُنَادِي مِنَ السَّمَاءِ أَوَّلَ النَّهَارِ: أَلَا إِنَّ الْحَقَّ مَعَ عَلِيٍّ وَشِيعَتِهِ، ثُمَّ يُنَادِي إِبْلِيسَ فِي آخِرِ النَّهَارِ مِنَ الْأَرْضِ: أَلَا إِنَّ الْحَقَّ مَعَ فَلَانٍ وَشِيعَتِهِ، فَعِنْدَ ذَلِكَ يَزْتَابُ الْمُبْطِلُونَ.»^۲

«منادی آسمانی در اول صبح بانگ بر می‌آورد: ای مردمان! آگاه باشید که حق با علی و شیعیان اوست. شیطان در آخر همان روز بانگ بر می‌آورد: حق با فلانی و پیروان اوست! آنجاست که اهل باطل دچار شک و تردید می‌شوند.»

امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید:

«إِذَا نَادَى مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ: إِنَّ الْحَقَّ فِي آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَعِنْدَ ذَلِكَ يَفْطَرُ الْمَهْدِيُّ عَلَى أَفْوَاهِ النَّاسِ، وَيُشْرَبُونَ حُبَّةً وَلَا يَكُونُ لَهُمْ ذِكْرٌ غَيْرُهُ.»^۳

«هنگامی که منادی آسمانی بانگ برآورد که حق با آل محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است، نام مهدی بر سر زبان‌ها می‌افتد و محبت او در دل‌ها جای می‌گزیند و دیگر کاری جز یاد او نخواهند داشت.»

۱ - بسیار منزّه و پاک از هر عیب و آلابش و آفرینندهٔ فرشتگان و روح است.

۲ - منتخب الاثر، ص ۱۶۳.

۳ - بحار الانوار، ج ۳۸، ص ۲۸، ح ۱.

«يَنْزِلُ جِبْرَائِيلُ يَوْمَئِذٍ عَلَى صَخْرَةٍ بَيْنَ الْمُقَدِّسِ، فَيَصِيحُ فِي أَهْلِ الدُّنْيَا: (وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ، إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا).^۱

«آن روز جبرائیل امین بر فراز سنگی در بیت المقدس فرار گرفته، بر مردم جهان بانگ زده می فرماید: بگو: حق آمد و باطل از بین رفت، که باطل از بین رفتنی است.»

«الصَّيْحَةُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ، لَيْلَةَ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ، فَلَا تُشْكُوا فِي ذَلِكَ وَاسْتَمِعُوا وَأَطِيعُوا. وَفِي آخِرِ النَّهَارِ صَوْتُ إِبْلِيسَ اللَّعِينِ يُنَادِي: أَلَا إِنَّ فَلَانًا قُتِلَ مَظْلُومًا يُشَكِّكُ النَّاسَ وَيَفْتِنُهُمْ! فَكَمْ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ مِنْ شَاكٍ مُتَحَيِّرٍ قَدْ هَوِيَ فِي النَّارِ! وَعَلَامَةُ ذَلِكَ أَنَّ جِبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُنَادِي بِاسْمِ الْقَائِمِ وَاسْمِ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، حَتَّى تَسْعَدَ الْقُدْرَاءُ فِي خِدْرِهَا فَتَحْرَضَ آبَاها وَأَخَاها عَلَى الْخُرُوجِ.»^۲

«ندای آسمانی در ماه رمضان، در شب جمعه، شب ۲۳ رمضان است که هرگز در مورد آن دچار شک و تردید نشوید، گوش فرا دهید و اطاعت کنید و در پایان روز، صدای ابلیس لعین بلند می شود که می گوید: فلانی مظلوم کشته شد! با این بانگ نابهنگام گروهی را به شک می اندازد و گروه کثیری با شک و تردید وارد آتش می شوند، نشانه بانگ جبرائیل این است که به نام قائم و نام پدرش عليه السلام ندا می کند، دختران پرده نشین نیز با شنیدن آن خوشحال می شوند و پدران و برادرانشان را تشویق می کنند که خروج کنند.»

«الْغَامُ الَّذِي فِيهِ الصَّيْحَةُ، قَبْلَهُ الْآيَةُ فِي رَجَبٍ. فَقِيلَ لَهُ: وَمَاهِي؟ قَالَ وَجْهٌ يَطْلُعُ فِي الْقَمَرِ، وَيَدُّ بَارِزَةً، وَتَطْلُعُ كَفٌّ تُشِيرُ. وَالنِّدَاءُ الَّذِي مِنَ السَّمَاءِ يَسْمَعُهُ أَهْلُ الْأَرْضِ: كُلُّ أَهْلِ لُغَةٍ يَلْفَتُهُمْ.»^۳

«سالی که صیحه آسمانی در آن شنیده می شود، نشانه ای پیش از آن در ماه رجب دیده می شود، گفته شد: آن نشانه چیست؟ فرمود: سیمایی در قرص ماه دیده می شود، دست و کف دست روشنی در فضا ظاهر می گردد و به سوی او اشاره می کند، ندایی از آسمان بلند می شود و همه مردم روی زمین، هرکسی به زبان خودش آن را می شنود.»

۱ - بشارة الاسلام، ص ۲۲۰.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۰.

۳ - همان، ص ۲۳۳، ح ۹۷.

این بانگ به دنبال بانگ اولی که در ماه رمضان بلند شده و گوش جهانیان را نوازش داده، هرگونه شک و تردید را از بین می‌برد و دل‌ها را به سوی آن کعبه موعود جلب می‌کند و طومار جنایت‌ها و خیانت‌ها برای همیشه درهم پیچیده می‌شود.

«إِذَا سَمِعُوا الصَّوْتِ أَصْبَحُوا كَأَنَّمَا عَلَى رُؤُوسِهِمُ الطَّيْرُ. أَمَا لَوْ كَانَتِ الصَّيْحَةُ خَضَعَتْ لَهَا أَعْنَاقُ أَغْدَاءِ اللَّهِ. فَإِنَّ أَشْكَلَ عَلَيْهِمْ مِنْ ذَلِكَ شَيْءٌ، فَإِنَّ الصَّوْتِ لَا يُشْكَلُ عَلَيْهِمْ إِذَا نُودِيَ بِاسْمِهِ وَاسْمِ أَبِيهِ وَجَدِّهِ.»^۱

«هنگامی که بانگ آسمانی را بشنوند، همانند کسی که بر سرش مرغ نشسته باشد خشکشان می‌زند، گردن همه دشمنان خدا در برابر صیحه آسمانی خاضع و منقاد می‌شود، اگر در چیزی هم دچار شک و تردید شده باشند در مورد صیحه آسمانی هیچ تردیدی نخواهند داشت که با نام، نام پدر و نام اجداد طاهرین او ندا خواهد شد.»

در روایت آمده است: بانگ آسمانی در پگاه روز جمعه بیست و سوم ماه مبارک رمضان خواهد بود در همین رابطه توصیه شده برای جلوگیری از عوارض آن بانگ آسمانی گوش‌های خود را گرفته و پس از شنیدن آن ندای ملکوتی و با شکوه خدا را شکرگذار باشیم. ان شاء الله

«فَإِذَا صَلَّيْتُمْ الْفَجْرَ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ الْمَذْكُورِ، فَادْخُلُوا بُيُوتَكُمْ، وَأَغْلِقُوا أَبْوَابَكُمْ، وَسَدُّوا الْكُؤُوبَ، وَذَثَرُوا أَنْفُسَكُمْ، وَسَدُّوا آذَانَكُمْ. فَإِذَا أَحْسَسْتُمْ بِالصَّيْحَةِ فَخَرُّوا سُجَّدًا وَقُولُوا: سُبْحَانَ رَبِّنَا الْقُدُّوسِ، فَإِنَّهُ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ نَجَا. وَمَنْ بَرَزَ لَهَا هَلَكَ.»^۲

«چون نماز صبح را در روز جمعه یاد شده خواندید، وارد خانه‌های خود شوید و درها و پنجره‌ها را ببندید، خود را بپوشانید و گوش‌های خود را بگیرید، هنگامی که بانگ آسمانی را شنیدید به سجده افتاده بگویید: «سُبْحَانَ رَبِّنَا الْقُدُّوسِ» هر کس چنین رفتار کند نجات پیدا می‌کند و هر کس روی در روی آن بایستد هلاک می‌شود.»

«فَلَا يَبْقَى شَيْءٌ خَلَقَ اللَّهُ فِيهِ الرُّوحَ إِلَّا سَمِعَ الصَّيْحَةَ، وَلَا يَبْقَى رَاقِدٌ إِلَّا اسْتَيْقَظَ، وَلَا قَائِمٌ إِلَّا قَعَدَ، وَلَا قَاعِدٌ إِلَّا قَامَ عَلَى رِجْلَيْهِ فَرَعَا مِنْ ذَلِكَ الصَّوْتِ، هِيَ صِيحَةُ جُبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ.»

[الأمين! فَرَجِمَ اللَّهُ مَنْ سَمِعَ ذَلِكَ الصَّوْتَ فَأَجَابَ.]^۱

«هیچ موجود جاننداری نمی ماند جز این که آن بانگ آسمانی را می شنود، هیچ خفته ای نمی ماند جز این که بیدار می شود، هیچ ایستاده ای نمی ماند جز این که می نشیند و هیچ نشسته ای نمی ماند جز این که می ایستد و از شنیدن آن بانگ آسمانی این چنین وحشت زده می شوند و آن بانگ جبرائیل امین است، خدای رحمت کند کسی را که این صدا را بشنود و لبیک بگوید.»

«... لَا بُدَّ مِنْ هَذَيْنِ الصَّوْتَيْنِ قَبْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ: صَوْتٍ مِنَ السَّمَاءِ، وَهُوَ صَوْتُ جِبْرَائِيلَ، وَصَوْتٍ مِنَ الْأَرْضِ، وَهُوَ صَوْتُ إِبْلِيسَ اللَّعِينِ...»^۲

«... به ناچار این دو صیحه پیش از قیام قائم شنیده خواهد شد، یکی از آسمان که صدای جبرائیل امین است و دیگری از زمین که صدای شیطان لعین است.»
امام صادق علیه السلام در مورد بانگ شیطان می فرماید:

«فَإِذَا ذَتَّ الشَّمْسُ لِلْفُرُوبِ. صُرْخٌ صَارِخٌ مِنْ مَغْرِبِهَا: «يَا مَعْشَرَ الْخَلَائِقِ، قَدْ ظَهَرَ رَبُّكُمْ بِوَادِي الْيَابِسِ مِنْ أَرْضِ فِلِسْطِينَ وَهُوَ عَثْمَانُ بْنُ عَنَسَةَ... فَبَايِعُوهُ تَهْتَدُوا، وَلَا تُخَالِفُوا عَلَيْهِ.»^۳

«چون خورشید نزدیک غروب شود، فریادگری از محل غروب آفتاب بانگ برمی آورد: ای گروه مردمان! صاحب شما از صحرای بی آب و علفی در سرزمین فلسطین ظهور کرده و او عثمان بن عنسه^۴ است با او بیعت کنید تا هدایت شوید و با او مخالفت نکنید.»

از امام صادق علیه السلام پرسیدند: چه کسی به این ندا ایمان می آورد و چه کسی به آن ندا؟! حضرت فرمود:

«کسی که قبلاً به آن ایمان آورده بود همچنان به آن ایمان می آورد، او بانگ آسمانی را می شنود و می فهمد که حق است و آن را تصدیق می کند.^۵ سپس

۱ - منتخب الاثر، ص ۱۴۴۸، ر.ک: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۹، ح ۴۸.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۰ - ۲۳۱، ح ۹۶.

۳ - الزام الناصب، ص ۴۷، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۸، ح ۱.

۴ - منظور سفیانی از تبار ابوسفیان معاویه و یزید است.

۵ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۴.

آن حضرت این آیه را تلاوت فرمود:

﴿أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدَىٰ، فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ﴾^۱

«آیا کسی که به سوی حق رهبری می‌کند شایسته پیروی است، یا کسی که خود هدایت نمی‌یابد جز این که دیگری او را هدایت کند؟! شما را چه شده، چگونه داوری می‌کنید؟»

سپس آن حضرت فرمودند: صدای جبرائیل از آسمان است و صدای شیطان از زمین است، شما از صدای اولی پیروی کنید، مبادا به صدای دومی بگرایید و فریب بخورید! بانگ آسمانی حق است و سوگند به خدا، هر قومی به زبان خود آن را می‌شنود، هیچ موجود زنده‌ای نمی‌ماند جز این که آن را می‌شنود.

در همین رابطه حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام می‌فرماید:

﴿يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ بِأَسْمَاءِ يَسْمَعُهُ جَمِيعُ أَهْلِ الْأَرْضِ بِالدُّعَاءِ إِلَى الْقَائِمِ، فَيَقُولُ: «الْأَنَّ حُجَّةَ اللَّهِ قَدْ ظَهَرَ عِنْدَ بَيْتِ اللَّهِ، فَاتَّبِعُوهُ فَإِنَّ الْحَقَّ مَعَهُ وَفِيهِ.»^۲

«منادی از آسمان ندا سر می‌دهد، همه مردم روی زمین می‌شنوند که آنان را به سوی قائم فرا می‌خواند و می‌گوید: آگاه باشید که حجت خدا در کنار خانه خدا ظاهر شده، از او پیروی کنید که حق با اوست و انحصار به او دارد.»

روایت است: در آن روز مبارک نخستین نغمه‌ای که از حضرت مهدی، یگانه امید مشتاقان به گوش می‌رسد این آیه شریفه است. ﴿بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾^۳ «بقیه‌الله بهتر است برای شما اگر مؤمن باشید.»

آنگاه آن حضرت می‌فرماید:

﴿أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ وَحُجَّتُهُ وَخَلِيفَتُهُ عَلَيْكُمْ﴾^۴

«من بقیه‌الله، حجة‌الله و خلیفه‌الله در میان شما هستم.»

دومین نغمه آسمانی، صدای فرشته‌ای است که بالای سر او بانگ بر می‌آورد: ﴿إِنَّهَا تَكُونُ صَيْحَةً تَتَّبَعُهَا هَدًى﴾^۵

۱ - سوره بونس (۱۰) آیه ۳۵.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۳۱، ح ۲۹.

۳ - سوره هود (۱۱) آیه ۸۶.

۴ - يوم الخلاص، ص ۳۰۴.

۵ - الملاحم و الفتن، ص ۱۱۷.

«صیحه‌ای برخیزد و سپس حادثه‌ای بس بزرگ به دنبالش واقع شود.»
 آنگاه قطعه‌ی ابری بر سر مبارک آن حضرت سایه می‌اندازد و بالای سرش حرکت می‌کند فرشته‌ای در این ابر قرار می‌گیرد و خطاب به عالمیان بانگ بر می‌آورد.
 «هَذَا الْمَهْدِيُّ خَلِيفَةُ اللَّهِ فَاتَّبِعُوهُ»^۱

«این مهدی است که خلیفه‌ی خداوند است از او پیروی کنید.»
 امید است آن توفیق و لیاقت لازم را دارا باشیم تا از تنها حجت خدا پیروی کرده و در عصر ظهور و حضور لیبیک گوی ندایی شویم که از کنار خانه‌ی خدا به گوش جهانیان خواهد رسید، همان ندا و بشارتی که سبب شادی عرشیان و فرشیان می‌گردد، پرنندگان هوا، ماهیان دریا و وحوش صحرا به خاطرش شادی می‌کنند و هیچ مؤمنی از مؤمنان در گذشته و حال نمی‌ماند جز این که شادی و فرح در دنیای فانی و باقی او را شادمان می‌سازد و باری تعالی این چنین با ولایت قائم آل محمد صلی الله علیه و آله نور خود را به کمال می‌رساند، اگرچه منکران اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام آن را خوش ندارند، به امید روزی که دنیا به دست مبارک بقیه‌ی الله الاعظم ارواحنا له الفداء فتح و گستره‌ی زمین پهنه‌ی داد و دادگری شود، در همان روزی که عالمیان زبان به ستایش خداوند هستی گشوده و او را بر آن نعمت بزرگ سپاسگزار خواهند شد، همانان که در لحظه‌ی لحظه‌های آن روز خواهند گفت: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾^۲ «ستایش خدای را که پروردگار جهانیان است.»

حال پروردگارا! از تو خواستاریم که رحمت و درود فرستی بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله، درودی روز افزون و رحمتی پایدار که به آن فرج آقا امام زمان علیه السلام را سرعت بخشی و پیروزش را با ظهور مبارکش محقق گردانی و ما را نیز در شمار اهل ولایت محشور فرمایی که به تحقیق تو خوب می‌دانی آرزوی هر مؤمن و مؤمنه است که در خدمت حجت زمان مهدی موعود باشد و ان شاء الله با عنایت تو خدای مهربان نام مؤمنان در صف یاران و سربازان آقا امام زمان ثبت شود و امید است مؤمنان عصر حاضر توفیق یابند تا با اعمال شایسته به عنوان سربازی وفادار با آقا و سرور خود بیعت کرده و تا آخرین لحظه به عهد و پیمان خود پایدار باشند. ان شاء الله

۲ - قسمتی از دعای ندبه.

۱ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۹۵، ح ۳۸.

فصل چہارم

یاران حضرت ولی عصر علیہ السلام

وقوع رستاخیز صغری

رجعت حضرت عیسیٰ علیہ السلام

یاران حضرت ولی عصر علیه السلام

یاران حضرت مهدی افراد صالحی هستند که از گذشته‌های دور برای هدفی والا برگزیده شده و آنان در زمان موعود و طبق قرار قبلی انجام وظیفه خواهند کرد، آنان مردانی مؤمن به قرآن و عترت و متعهد به مسؤلیت خود هستند و خدا را به شایستگی شناخته و همه وجودشان تهی از شک و شبهه و پراز عشق و شوق نسبت به آقا امام زمان می‌باشد.

آنان پارسایان شب و دلیران روزند، آنان ارکان محکمی هستند برای جهادی که در پیش است، سلحشورانی فولاد دل که اگر بر کوه‌ها بگذرند آن را درهم فرو ریزند، آنان در آن پیکار سرنوشت ساز آن قدر می‌جنگند تا خداوند از آنان راضی شود، آنان پرچمدار و فرمانروایان حضرت ولی عصر علیه السلام هستند.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«الْمَهْدِيُّ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ، يُصَلِّحُهُ اللَّهُ فِي لَيْلَةٍ.»^(۱)

«مهدی از ما اهل بیت است، خداوند کار او را در یک شب فراهم می‌آورد.»

امام صادق علیه السلام در همین باره می‌فرماید:

«إِذَا أُذِنَ لِلْإِمَامِ دَعَا اللَّهَ بِاسْمِهِ الْعِبْرَانِي فَأَتِيحَتْ لَهُ صَحَابَتُهُ... وَ هُمْ أَصْحَابُ الْأَلْوِيَةِ مِنْهُمْ مَنْ يُفَقِّدُ عَنْ فِرَاشِهِ لَيْلًا فَيُضْبِحُ فِي مَكَّةَ وَمِنْهُمْ مَنْ يُرَى يَسِيرًا فِي السَّحَابِ نَهَارًا...»^(۲)

۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۰ - ۲۸۱، ح ۷.

۲ - بشارة الاسلام، ص ۲۰۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۸، ح ۱۵۳.

«هنگامی که به امام فرمان ظهور برسد، خدا را با اسم عبرانی می خواند و همه یارانش از سراسر جهان گرد می آیند... که آنان یاران پرچمدار او هستند، گروهی از آنان شبانه از رختخوابشان ناپدید می شوند و صبح در مکه حاضر شده و برخی از آنان آشکارا دیده می شوند که روی ابرها راه می روند...»

آن حضرت در حدیث دیگر می فرماید:

«يَجْمَعُهُمُ اللَّهُ فِي لَيْلَةٍ، فَمَنْ اسْتَطَاعَ الْمَسِيرَ سَارَ وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَقَدَ عَنْ فِرَاشِهِ»^(۱)

«خداوند آنان را در یک شب گرد می آورد، هر کس بتواند به سوی او می شتابد و هر کس نتواند شبانه در رختخوابش ناپدید می شود.»

امیر مؤمنان با تأکید در این مورد می فرماید:

«...إِنَّهُمْ لَمُتَّقِدُونَ عَنْ فِرَاشِهِمْ لَيْلًا، فَيُصْبِحُونَ بِمَكَّةَ، وَبَعْضُهُمْ يَسِيرُ فِي السَّحَابِ نَهَارًا، يُعْرِفُ إِسْمَهُ وَإِسْمَ أَبِيهِ وَخَلِيَّتَهُ وَنَسَبَهُ...»^(۲)

«...آنان شبانه از رختخواب هایشان ناپدید و صبح در مکه حاضر می شوند و برخی از آنان در روز روشن بر فراز ابرها راه می روند، آنان با نام، نام پدر، لقب و دیگر خصوصیاتشان شناخته می شوند...»

آن حضرت به هنگام گفتگو از آنان می فرماید:

«أَلَا يَا بِي وَأُمِّي مِنْ عِدَّةِ أَسْمَائِهِمْ فِي السَّمَاءِ مَعْرُوفَةٌ وَفِي الْأَرْضِ مَجْهُولَةٌ»^(۳)

«پدر و مادرم فدای گروهی باد که اسامی آنان در آسمان معروف است و در زمین ناشناخته هستند.»

«قَوْمٌ لَمْ يَمْنُوا عَلَى اللَّهِ بِالصَّبْرِ، وَلَمْ يَسْتَعْظِمُوا بَدَلْ أَنْفُسِهِمْ فِي الْحَقِّ، حَتَّى إِذَا وَافَى وَارِدَ الْقَضَاءِ وَانْقَطَعَ الرَّجَاءُ جَلَوْا بِصَابِرِهِمْ عَنْ أَشْيَائِهِمْ، وَذَانُوا لِرَبِّهِمْ بِأَمْرٍ وَاعْظِمِهِمْ. كُلُّهُمْ لَيْوْثٌ قَدْ خَرَجُوا مِنْ غَابَاتِهِمْ، لَوْ أَنَّهُمْ هَمَّوْا بِإِزَالَةِ الْجِبَالِ لِأَزَالُوهَا مِنْ مَوَاضِعِهَا. فَهَمُّ الَّذِينَ وَحَدُوا اللَّهَ حَقَّ تَوْحِيدِهِ. لَهُمْ فِي اللَّيْلِ أَصْوَاتٌ كَأَصْوَاتِ الثَّوَاكِلِ حُزْنًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ، قُؤَامٌ بِاللَّيْلِ صُؤَامٌ بِالنَّهَارِ، كَأَنَّمَا ذَابَّ ذَابُّهُمْ ذَابُّ وَاحِدٌ. قُلُوبُهُمْ مُجْتَمِعَةٌ بِالْمَحَبَّةِ وَالنَّصِيحَةِ»^(۴)

۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۶.

۲ - همان، ص ۲۸۶، ح ۲۱.

۳ - نهج البلاغه، ج ۲، ص ۱۲۶.

۴ - بشارة الاسلام، ص ۲۲۰.

«آنان قومی هستند که با صبر و شکیبایی خود بر خدا منت نمی نهند و جانبازی خود را در راه حق بزرگ نمی شمارند، هنگامی که حادثه‌ای روی دهد و زمینه یأس پیش آید، دیده‌هایشان را از برق شمشیر جلوه می دهند و به فرمان امامشان به پروردگار خود تقرب می جویند، آنان همگی شیرهای ژبانی هستند که از جنگل‌های خود بیرون آمده‌اند، اگر اراده کنند که کوه‌ها را از جای خود برکنند، بی تردید انجام می دهند، آنان به حقیقت توحید خدا راه یافته‌اند. برای آنان در دل شب از ترس خدا ناله‌هایی است چون ناله مادران داغ پسر دیده، که شب زنده‌داران در دل شب و روزه داران در طول روز هستند، گویی اخلاق و آداب آنان یکی است، دل‌های آنان بر محبت و شفقت و خیر خواهی گرد آمده است.»

«إِذَا قَامَ تَجْتَمِعُ إِلَيْهِ أَصْحَابُهُ عَلَى عِدَّةِ أَهْلِ بَدْرٍ وَأَصْحَابِ طَالُوتَ، وَهُمْ ثَلَاثُمِئَةٌ وَثَلَاثَةٌ عَشَرَ رَجُلًا، كُلُّهُمْ لِيُوتَ.»^(۱)

«هنگامی که قیام کند، اصحاب او که به تعداد اصحاب بدر و اصحاب طالوت ۳۱۳ نفر هستند، به دور او گرد می آیند که آنان شیر ژبانی هستند که از بیشه‌های خود خارج شده‌اند.»

«إِنَّهُمْ يَجْتَمِعُونَ مِنْ مَطْلَعِ الشَّمْسِ وَمَغْرِبِهَا، فِي نِصْفِ لَيْلَةٍ، إِلَى مَكَّةَ.»^(۲)

«آنان در نیمی از یک شب از شرق و غرب دنیا به سوی مکه می شتابند و در آنجا گرد می آیند.»

مولای متقیان اجتماع یاران حضرت مهدی را این‌گونه بیان می کند:

«كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْهِمْ، وَالرَّيُّ وَاحِدٌ، وَالْقَدُّ وَاحِدٌ، وَالْجَمَالُ وَاحِدٌ، وَاللِّبَاسُ وَاحِدًا. كَأَنَّمَا يَطْلُبُونَ شَيْئًا ضَاعَ مِنْهُمْ. فَهُمْ مُتَخَيِّرُونَ فِي أَمْرِهِمْ، حَتَّى يَخْرُجَ إِلَيْهِمْ مِنْ تَحْتِ سِتَارِ الْكَفْبَةِ فِي آخِرِهَا، رَجُلٌ أَشْبَهَ النَّاسَ بِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ خُلُقًا وَخُلُقًا وَحُسْنًا وَجَمَالًا، فَيَقُولُونَ: أَنْتَ الْمَهْدِيُّ؟!! فَيَجِيبُهُمْ وَيَقُولُ: أَنَا الْمَهْدِيُّ، يَا يَعُوبُ.»^(۳)

«گویی آنان را با چشم خود می بینم که همه یک رنگ و یک قد، جمالشان

۱ - الزام الناصب، ص ۱۹۹.

۲ - بشارة الاسلام، ص ۲۲۳.

۳ - الملاحم والفتن، ص ۱۲۲.

یکی و جامه‌شان یکی است، گویی همه یک دل و یک جهت به دنبال گمشده‌ای می‌گردند و در حق خود حیران و در کار خود شتابان هستند، که یک مرتبه مردی از آخر دیوار کعبه پدیدار می‌شود که از زیر پرده کعبه بیرون می‌آید، که از نظر سیما، سیرت، صورت، خلقت و اخلاق شبیه‌ترین مردم به رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌باشد. از او می‌پرسند: آیا تو مهدی هستی؟ می‌فرماید: آری، من مهدی هستم. پس همگی با او بیعت می‌کنند.»

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ، فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ﴾^(۱)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر کس از شما از دین خود بازگردد، خداوند به زودی قومی دیگر می‌آورد که او را دوست می‌دارند و او نیز آنان را دوست می‌دارد، (آنان) در برابر مؤمنان زبون (متواضع) و در برابر کافران سخت و خشن، در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش سرزنش‌کنندگان باکی ندارند.»

عده‌ای در محضر رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مورد تفسیر این آیه سؤال کردند، حضرت فرمودند:

«هَذَا وَذَوُوهُ! ثُمَّ قَالَ: لَوْ كَانَ الدِّينُ مُعْلَقًا بِالثَّرِيَا لَتَنَاقَلَهُ رِجَالٌ مِنْ أُمَّةٍ فَارِسٍ.»^(۲)

«او و منسوبان او هستند (او و کسان او هستند)، سپس فرمود: اگر علم در ثریا باشد، مردانی از اهل فارس (ایران) به آن دسترسی پیدا می‌کنند.»
حضرت علی رضی الله عنه در مورد مردان طالقان می‌فرماید:

«وَيُحَا لِلطَّالِقَانِ! فَإِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِهَا كُنُوزًا لَيْسَتْ مِنْ ذَهَبٍ وَلَا فِضَّةٍ، وَلَكِنْ بِهَا رِجَالٌ

عَرَفُوا اللَّهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ، وَهُمْ أَيْضاً أَنْصَارُ الْمَهْدِيِّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ.»^(۳)

۱ - سورة مائده (۵) آیه ۵۴

۲ - بحار الانوار، ج ۶۴، ص ۱۱۷.

۳ - همان، ج ۵۱، ص ۸۷، ح ۳۸.

«خوشا به حال طالقان! که برای خدا در آن کنزهایی است، ولی نه از طلا و نقره، بلکه مردانی است که خدا را به حق شناخته‌اند، آنان یاوران حضرت مهدی در آخرالزمان می‌باشند.»

آن حضرت دربارهٔ اصحاب کهف نیز می‌فرماید:

«إِنَّ أَهْلَ الْكَهْفِ كُلَّهُمْ أَعْجَامٌ، وَلَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا بِالْعَرَبِيَّةِ.»^(۱)

«اصحاب کهف همه‌شان عجم هستند ولی جز به عربی سخن نمی‌گویند.»

امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید:

«وَيَجِيءُ وَاللَّهِ ثَلَاثُمِئَةً وَبِضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا، مِنْهُمْ خَمْسُونَ امْرَأَةً، يَجْتَمِعُونَ فِي مَكَّةَ.»^(۲)

«به خدا سوگند که سیصد و ده و اندی نفر می‌آیند که در میان آنان پنجاه زن

هست و در مکه گرد می‌آیند.»

«يُبَايِعُ الْقَائِمَ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ ثَلَاثُمِئَةً وَتَيْفَ رَجُلٍ، عِدَّةُ أَهْلِ بَدْرِ. فِيهِمُ النَّجَبَاءُ مِنْ

أَهْلِ مِصْرَ، وَالْأَبْدَالُ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ، وَالْأَخْيَارُ مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ.»^(۳)

«سیصد و اندی نفر، به تعداد اهل بدر (۳۱۳ نفر) در میان رکن و مقام با

قائم بیعت می‌کنند. که نجبای مصر، ابدال شام و اخیار اهل عراق در میان

آنان است.»^(۴)

حضرت امام رضا علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«وَاللَّهِ لَوْ أَنَّ قَائِمَنَا قَامَ، يَجْمَعُ اللَّهُ إِلَيْهِ شِيعَتَهُ مِنْ جَمِيعِ الْبُلْدَانِ.»^(۵)

«به خدا سوگند، اگر قائم ما قیام کند، خداوند شیعیانش را از همه شهرهای

جهان به سوی او گرد می‌آورد.»

۱ - منتخب الاثر، ص ۴۸۵.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳.

۳ - همان، ص ۳۱۱.

۴ - نجباء، نجیبان از اهل مصر هستند و ابدال مردم شریفی از شام می‌باشند، اخیار نیکوکاران و برگزیدگان

۵ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۱.

از اهل عراق هستند.

آن حضرت در حدیث دیگر می فرماید:

«وَتَصِيرُ إِلَيْهِ شِيعَتُهُ مِنْ أَطْرَافِ الْأَرْضِ، تُطَوِّئُ لَهُمُ الْأَرْضَ طَيًّا حَتَّى يُبَايِعُوهُ»^(۱)

«شیعیان او از اطراف و اکناف جهان به سوی او می شتابند و زمین زیر پای

آنان طی می شود، تا به محضر او رسیده بیعت نمایند.»

امام صادق علیه السلام در یک حدیث طولانی از اجتماع یاران حضرت ولی

عصر علیه السلام و واکنش مردم مکه چنین سخن می گوید:

«يَجْمَعُهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِمَكَّةَ فِي لَيْلَةٍ وَاحِدَةٍ، وَهِيَ لَيْلَةُ جُمُعَةٍ. فَيُضِيحُونَ بِمَكَّةَ فِي بَيْتِ

اللَّهِ الْحَرَامِ، لَا يَتَخَلَّفُ مِنْهُمْ رَجُلٌ وَاحِدٌ. فَيَنْتَشِرُونَ بِمَكَّةَ فِي أَرْقَاتِهَا، وَيَطْلُبُونَ مَنَازِلَ

يَسْكُنُونَهَا فَيُنَكِّرُهُمْ أَهْلُ مَكَّةَ، وَذَلِكَ أَنَّهُمْ لَمْ يَعْلَمُوا بِقَافِلَةٍ قَدْ دَخَلَتْ مِنَ الْبُلْدَانِ لِحَجِّ وَلَا

لِعُمْرَةٍ وَلَا لِتِجَارَةٍ. فَيَقُولُ مَنْ يَقُولُ مِنْ أَهْلِ مَكَّةَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ: مَا تَرَوْنَ قَوْمًا مِنَ الْغُرَبَاءِ فِي

يَوْمِنَا هَذَا لَمْ يَكُونُوا قَبْلَ هَذَا؟ لَيْسَ هُمْ مِنْ أَهْلِ بَلَدَةٍ وَاحِدَةٍ، وَلَا هُمْ مِنْ قَبِيلَةٍ وَاحِدَةٍ، وَلَا

مَعَهُمْ أَهْلٌ وَلَا دَوَابٌّ! فَيَبْهَتُهُمْ كَذَلِكَ، إِذْ أَقْبَلَ رَجُلٌ مِنْ مَخْرُومٍ، فَيَتَخَطَّى رِقَابَ النَّاسِ

وَيَقُولُ: رَأَيْتُمْ فِي لَيْلَتِي هَذِهِ رُؤْيَا عَجِيبَةً، وَأَنَا خَائِفٌ وَقَلْبِي مِنْهَا وَجَلٌّ، فَيَقُولُونَ: سِرْبِنَا إِلَى

فُلَانِ الثَّقَفِيِّ. فَيَقُولُ الْمَخْرُومِيُّ: رَأَيْتُمْ سَحَابَةً انْقَضَتْ مِنْ عِنَانِ السَّمَاءِ، فَلَمْ تَزَلْ حَتَّى

انْحَطَّتْ إِلَى الْكَعْبَةِ فَدَارَتْ فِيهَا، وَإِذَا فِيهَا جَرَادٌ ذُو أَجْنِحَةٍ حُضِرَ طَافَتْ بِالْكَعْبَةِ مَا شَاءَ اللَّهُ،

ثُمَّ تَطَايَرَتْ يَمِينًا وَشِمَالًا لَا تَمُرُّ بِبَلَدٍ إِلَّا أَحْرَقَتْهُ، وَلَا بِحِضْنٍ إِلَّا حَطَمَتْهُ، فَاسْتَيْقَظْتُ وَأَنَا

مَدْعُورٌ وَجَلٌّ! فَيَقُولُ الثَّقَفِيُّ: لَقَدْ طَرَقَكُمْ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ جُنْدٌ مِنْ جُنُودِ اللَّهِ جَلٌّ وَعَزٌّ، لَا قُوَّةَ

لَكُمْ بِهِ. فَيَقُولُونَ: أَمَا وَاللَّهِ لَقَدْ رَأَيْنَا عَجَبًا، وَيُحَدِّثُونَهُ بِأَمْرِ الْقَوْمِ. ثُمَّ يَنْهَضُونَ مِنْ عِنْدِهِ

وَيَهْمُونَ بِالْوُثُوبِ عَلَيْهِمْ، وَقَدْ مَلَأَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ رُغْبًا وَخَوْفًا. فَيَقُولُ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ وَهُمْ

يَأْتِمِرُونَ بِذَلِكَ: لَا تَعَجَلُوا عَلَى الْقَوْمِ، إِنَّهُمْ لَمْ يَأْتُواكُمْ بَعْدَ بُنْكَرٍ وَلَا شَهْرًا السَّلَاحِ، وَلَا

أَظْهَرُوا الْخِلَافَ. وَلَعَلَّهُ أَنْ يَكُونَ فِي الْقَوْمِ رَجُلٌ مِنْ قَبِيلَتِكُمْ. فَإِنْ بَدَأَ لَكُمْ مِنَ الْقَوْمِ شَيْءٌ

فَأَيْتَكُمْ وَهُمْ. إِنَّا نَرَاهُمْ مُتَنَسِّكِينَ سِيَاهُمْ حَسَنَةً، وَهُمْ فِي حَرَمِ اللَّهِ جَلٌّ وَعَزٌّ، الَّذِي لَا يُبَاخُ مَنْ

دَخَلَهُ حَتَّى يُحَدِّثَ حَدَثًا، وَلَمْ يُحَدِّثِ الْقَوْمُ مَا يُوجِبُ مُحَارَبَتَهُمْ! فَيَقُولُ الْمَخْرُومِيُّ،

وَهُوَ عَمِيدُ الْقَوْمِ: أَنَا لَا أَمَنْ أَنْ يَكُونَ وَرَاءَهُمْ مَادَّةٌ وَإِنْ أَتَتْ إِلَيْهِمْ انْكَشَفَ أَمْرُهُمْ وَعَظُمَ

شأنهم. فَتَهَضُّمُوهُمْ وَهُمْ فِي قَلْبِهِ مِنَ الْعَدَدِ وَغِرَّةٍ بِالْبَلَدِ قَبْلَ أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَادَّةُ. وَمَا أَحْسِبُ تَأْوِيلَ رُؤْيَا ضَاحِكِكُمْ إِلَّا حَقًّا. فَيَقُولُ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ: إِنْ كَانَ مِنْ يَأْتِيَكُمْ مِثْلُهُمْ، فَإِنَّهُ لَا خَوْفَ عَلَيْكُمْ مِنْهُمْ، لِأَنَّهُ لَا سِلَاحَ مَعَهُمْ وَلَا كِرَاعَ، وَلَا حِصْنَ يُلْجَأُونَ إِلَيْهِ، وَهُمْ غُرَبَاءُ وَمُحْتَاجُونَ. فَإِنْ أَتَى جَيْشٌ لَهُمْ تَهَضُّمٌ إِلَى هَؤُلَاءِ فَيَكُونُونَ كَثْرَتِيَّةً ظَمَانًا... فَلَا يَزَالُونَ فِي هَذَا الْكَلَامِ وَنَحْوِهِ، حَتَّى يَخْجَزَ اللَّيْلُ بَيْنَ النَّاسِ، فَيَضْرِبُ عَلَى آذَانِهِمْ بِالنُّومِ، فَلَا يَجْتَمِعُونَ بَعْدَ انْصِرَافِهِمْ إِلَى أَنْ يَقُومَ الْقَائِمُ فَيَلْقَى أَصْحَابَهُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا كَأَبْنَاءِ أَبِي وَاحِدٍ وَأُمَّ وَاحِدَةٍ إِفْتَرَقُوا عُدْوَةً وَاجْتَمَعُوا عَشِيَّةً^(۱)

«خداوند آنان را در یک شب جمعه در مکه معظمه در بیت الله الحرام گرد می آورد، که حتی یک نفر نیز از آنان تخلف نمی کند، آنگاه در کوجه های مکه به راه می افتند، تا برای خود محل اقامتی پیدا کنند، مردم مکه افراد ناشناسی را در میان خود می بینند، درحالی که از ورود هیچ قافله ای به قصد حج، عمره، تجارت و غیره اطلاعی ندارند، از این رهگذر به یکدیگر می گویند: افراد غریبی را می بینیم که تا به امروز آنان را در این شهر ندیده ایم! اینها اهل یک شهر و یک قبیله و یک تیره و یک نژاد نیستند و خود هیچ اهل و عیال و وسیله و مرکبی همراه ندارند! درحالی که آنان مطالبی در این مقوله بازگو می کنند، مردی از قبیله مخزوم وارد می شود و می گوید: من خوابی دیده ام که بسیار پریشان و نگران هستم، مردم می گویند: بیا به نزد فلان ثقیفی برویم، چون به پیش او می روند، مرد مخزومی چنین می گوید: من ابری را دیدم که از اعماق آسمان ظاهر شد و به تدریج پایین آمد تا به نزدیکی کعبه رسید و آنگاه دور کعبه طواف نمود، در این ابر ملخ های فراوانی با بال های سبز بودند که تا مدتی بس دراز دور خانه خدا طواف کردند، آنگاه به چپ و راست پراکنده شدند، به هیچ آبادی نمی رسیدند جز این که به خاکستر می نشاندند، به هیچ قلعه ای نمی رسیدند جز این که ویران می کردند، سپس از خواب بیدار شدم و چون بیدار شدم و تاکنون هم در ترس و وحشت هستم.

مرد ثقیفی می گوید: امشب لشکری از لشکرهای الهی به شهر شما وارد شده، که شما را برای مقاومت در برابر آنان نیست، مردم مکه از شنیدن این مطلب هراسان می شوند و با یکدیگر می گویند: چیز عجیبی پیش آمده است! آنگاه درحالی که همگی از این سپاه الهی سخن می گویند از نزد مرد ثقیفی بیرون می آیند و به جستجوی آن لشکر می پردازند. درحالی که خداوند قلبشان را از رعب و وحشت پر کرده است، آنان به عنوان مشاوره و خیرخواهی با یکدیگر می گویند: در مورد این سپاه شتاب نکنید که آنان در شهر شما کار خلافی انجام نداده اند و به روی کسی شمشیر نکشیده اند و کار ناشایستی از آنان دیده نشده است و شاید در میان آنان از تیره و نژاد شما هم کسی باشد و اگر بخواهید در مورد آنان تصمیمی بگیرید توجه داشته باشید که آنان مشغول عبادت هستند و سیمای صالحان را دارند و خود در حرم امن الهی حضور دارند که هر کس داخل آن شود خونس در امان است تا وقتی که حادثه ای بیافرینند و آنان تاکنون حادثه ای ایجاد نکرده اند که بهانه ستیزه جویی باشد، زعیم مردم مکه که یک نفر مخزومی است می گوید: من مطمئن نیستم که پشت سر آنان نیرویی نباشد، شاید نیروی وسیعتری به دنبال آنان باشد که با ورود آنان مسأله بسیار حساس و مهم شود، از این رهگذر مصلحت آن است که تا نیرو نرسیده اینها را درهم شکنید که تعدادشان اندک و به وضع شهر نا آشنا هستند و خیال می کنم رؤیای دوستان حق است.

برخی از آنان به برخی دیگر می گویند: اگر نیرویی هم به اینها ملحق شود و اگر آنان نیز مثل اینها باشند که نه اسب دارند و نه اسلحه و نه سنگری که به آن پناه ببرند و خود نیز در این شهر غریب و بی چیز هستند، پس ترسی برای شما نیست و اگر سپاه مجهزی به یاری آنان بیاید با یک حمله اینها را نابود می سازید که برای شما چون یک جرعه آب در کام انسان تشنه است، سخنانی از این قبیل با یکدیگر بازگو می کنند تا پاسی از شب می گذرد و خواب بر دیده ها چیره می شود و تاریکی شب و سنگینی خواب در میان آنان جدایی می اندازد، بعد از پراکنده شدن دیگر فرصت اجتماع پیدا نمی کنند، که حضرت قائم قیام می کند.

یاران قائم یکدیگر را طوری ملاقات می کنند که گویی از یک پدر و یک مادر به دنیا آمده اند و صبح از خانه بیرون آمده، پراکنده شده اند و شبانگاه همه به خانه برگشته با یکدیگر گرد آمده اند!»

امام صادق علیه السلام درباره حضرت قائم علیه السلام می فرماید:

«يَقِفُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، فَيَصْرُخُ صُرْحَةً فَيَقُولُ: يَا مَعْاشِرَ نَقَبَائِي وَأَهْلَ خَاصَّتِي وَمَنْ أَدْخَرَهُمُ اللَّهُ لِنُصْرَتِي قَبْلَ ظَهْوَري عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ: إِثْنُونِي طَائِعِينَ! فَتَرِدُ صَنِيعَتَهُ عَلَيْهِمْ وَهُمْ فِي مُخَارِبِهِمْ وَعَلَى فُرُشِهِمْ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَمَغْرِبِهَا، فَيَسْمَعُونَهُ فِي صَنِيعَةٍ وَاحِدَةٍ فِي أُذُنِ كُلِّ رَجُلٍ، فَيَجِئُونَ نَحْوَهَا.»^(۱)

«در میان رکن و مقام می ایستد، آنگاه بانگ برمی آورد: ای فرماندهان من! ای نزدیکان من! ای کسانی که خداوند پیش از ظهور من شما را برای یاری من در روی زمین ذخیره کرده است! به سوی من بشتابید و به فرمان من گردن نهید، صدای آن حضرت در شرق و غرب جهان به گوش یارانش می رسد و آنان که در محراب های خود و یا بر فراز رختخواب های خود هستند، در یک لحظه بانگ امام را می شنوند و به سوی او می شتابند.»

امام صادق علیه السلام در این مورد می فرماید:

«... هُمْ وَاللَّهُ الْأُمَّةُ الْمَعْدُودَةُ... التي قال الله في كتابه ﴿وَلَمَّا أَخْرَجْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ﴾ قال: ... يَجْتَمِعُونَ فِي سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ قُرْعاً كَقُرْعِ الْخَرِيفِ... فَيُتَابِعُونَهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، وَمَعَهُ عَهْدٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ يَتَوَارَثُهُ الْأَبْنَاءُ عَنِ الْأَبَاءِ.»^(۲)

«به خدا سوگند آنان امت معدوده هستند که در یک ساعت چون قطعه های ابر پاییزی گرد آمده، در میان رکن و مقام با او بیعت می کنند و همراه او پیمان نامه ای از رسول اکرم صلی الله علیه و آله است که آن را (امامان معصوم) یکی پس از دیگری به ارث می برند.»

۱ - بشارة الاسلام، ص ۲۵۶.

۲ - الزام الناصب، ص ۱۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۲.

آن حضرت در این باره می فرمایند:

«أَنَا إِنِّي لَوَأْذَرَكْتُ ذَلِكَ لَأَسْتَبَقِيَتْ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ»^(۱)

«به خدا سوگند، من اگر آن روز را درک می نمودم جانم را برای حضرت صاحب الامر فدا می کردم.»

به امید آن روز موعود و عهد مسعود که در بامداد خجسته آن، بیعت با یگانه پرچمدار حق و عدالت انجام پذیرد و سنگرهای ظلم و فساد متلاشی شده و کابوس یأس و نومیدی به فراموش سپرده شود و به تحقیق معنای «ان الله لا يخلف الميعاد» در آن روز بزرگ تحقق خواهد پذیرفت و ما نیز در انتظار آن روز هستیم که پس از ظهور حضرت ولی عصر بانگی رسا از بام کعبه برآید که عرشیان و فرشیان آن ندا را بشنوند، ندا از همان خانه‌ای که اولین بار حضرت آدم ابوالبشر عليه السلام بنیادش کرد و حضرت ابراهیم عليه السلام از آن خانه ندای توحید را به گوش عالمیان رساند و سپس حضرت محمد مصطفی صلى الله عليه وآله نیز از همان مبدأ به فرمان خدا و با شعار «قولوا لا اله الا الله تفلحوا» خلق را به طرد از همه قدرت‌های غیر الهی دعوت کردند و بشر متمرّد را از کام خودپرستی، بت پرستی و ترویج هر نوع اعمال ناپسند رهایی بخشیدند و با حجت و برهان بندگان خدا را به فطرت اصیل متوجه کرده و عهد و پیمان بسته شده را یادآور شدند و بالاخره از همان خانه است که در روز موعود ندای ملکوتی «خاتم الاوصياء قائم آل محمد ارواحنا له الفداء» در سراسر جهان طنین خواهد انداخت و جهان به دست یداللهی آخرین سفیر کبیر خداوند فتح می گردد.

آری، در روز موعود که بسیار مبارک است، یگانه ملجاء و امید ستم‌دیدگان از خانه خدا و به فرمان خدا و برای اجرای فرامین یگانه قادر متعال قیام می کند و جهان را از پلیدی و شرک والحاد کافران، ظلم و ستم ظالمان، فساد و آلودگی گنهکاران پاک خواهد ساخت، ما نیز از خداوند سبحان می خواهیم تا هر چه زودتر ردای فرج یرقامت و لیش بپوشاند و او را از قید و بند غیبت رهایی بخشد

حال به امید روزی که صدای ملکوتی فرشته مقرب حضرت جبرائیل علیه السلام از بالای سر مبارک حضرت مهدی علیه السلام به گوش جهانیان رسد و ندای «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا»^(۱) را نوید دهد که به تحقیق در آن روز، رستاخیز صغری به اذن و فرمان پروردگار بزرگ تحقق خواهد پذیرفت. ان شاء الله

وقوع رستاخیز صغری

رستاخیز رویدادی عظیم است که تحولی بنیادین را به دنبال دارد، در رستاخیز میزان عدل الهی برپا می‌گردد تا به حساب مردمان رسیدگی شود، مردمی که در رستاخیز باطنشان آشکار شده و از آنان قدرت هر نوع عکس‌العملی سلب می‌شود. روایت است در جهان دو رستاخیز به وقوع می‌پیوندد که به رستاخیز صغری و رستاخیز کبری مشهورند. در رستاخیز کبری پس از به وقوع پیوستن حوادثی چند که در قرآن کریم مطرح شده، خداوند تمام خلق بشر را فرا می‌خواند تا به حساب آنچه گفته‌اند و کرده‌اند رسیدگی نماید، روزی که بیشتر مردم سرافکننده، پریشان و نگرانند مگر مؤمنان و صالحان که اندکی خوشحال به نظر می‌رسند. البته علت عدم خوشحالی آنان به‌طور کامل برای آن است که عده‌ای از آنان متوجه می‌شوند که عمرشان را به بهایی اندک فروخته‌اند در صورتی که می‌توانستند در مسیر تکامل با تلاش و خیر کثیر بیشتر به موفقیت نایل شوند.

قیامت صغری پس از به وقوع پیوستن علایم بی‌شمار در طول سال‌های متمادی و فشرده شدن حوادث یاد شده که در واپسین روزهای آخر الزمان همه را بر آن می‌دارد که ببینید، بشنوید، متوجه باشید که وقوع رستاخیز صغری نزدیک است، در واقع مردمی که موفق به درک این تحول عظیم می‌شوند، آنان می‌توانند با انجام یک برنامه ویژه خود را برای آن روز مبارک آماده کنند مگر آن افرادی که به علت عدم توفیق، نداشتن مطالعه و نرسیدن به آن شناخت و

۱ - سوره زمر (۳۹) آیه ۶۹: «و زمین به نور پروردگار خویش درخشیدن گرفت.»

معرفت لازم به زیان جبران ناپذیری دچار می شوند از جمله: هستند مردمی که از دیدن این همه حوادث و شواهد موجود به خود نیامده و این همه دگرگونی حاکم در جهان ذره‌ای به حال و روز آنان اثر نگذاشته و به نظر می‌رسد آنان در خود گم شده که آخر الامر متوجه می‌شوند وقت و فرصتشان به پایان رسیده و وقوع آن واقعه عظیم نزدیک گشته است و شاید همین مردم گم‌گشته و سرگردان بارها با تمسخر و تکذیب از همدیگر این‌گونه سؤال کرده ﴿أَيَّانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ﴾ «روز قیامت کی خواهد بود.» و آیا خبر هولناک قیامت بر تو هم رسیده است؟

در همین رابطه در قرآن کریم می‌خوانیم:

﴿هَلْ أَتَيْكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ﴾ (۱)

«آیا داستان آن فروگیرنده به تو رسیده است.»

در این باره شیخ صدوق رحمته الله می‌گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم ﴿هل أتيتك حديث الغاشية﴾ یعنی چه؟

حضرت فرمود: مقصود «قائم ماست که اهل باطل را با شمشیر فرو می‌گیرد.»

گفتم: ﴿وَجُودٌ يُؤْمِنُ خَاشِعَةً﴾ چیست؟

حضرت فرمود: «صورت آنان در آن روز خاضع است.»

گفتم: ﴿تَضَلَّى نَارًا خَامِيَةً﴾؛ «در آتش سوزنده بیفتند» یعنی چه؟

حضرت فرمود: «موقع ظهور قائم ما، در آتش جنگ بسوزند و یا در سرای

دیگر به دوزخ درافتند.» (۲)

قرآن مجید در این باره خطاب به عالمیان می‌فرماید:

﴿أَقْرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ﴾ (۳)

«روز حساب مردم بسیار نزدیک شده ولی مردم سخت غافل‌اند و (از

یاد قیامت و مهیای حساب شدن) اعراض می‌کنند.»

۱ - سورة غاشیه (۸۸) آیه ۱.

۲ - بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۲۵۷.

۳ - سورة انبیاء (۲۱) آیه ۱.

﴿وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَّأَرْبَابِ فِيهَا﴾ (۱)

«محققاً ساعت قیامت بی هیچ شک بیاید.»

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید:

«لَوْلَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي...» (۲)

«اگر از عمر دنیا یک روز مانده باشد خداوند آن روز را آن قدر طولانی خواهد کرد تا مردی از اهل بیت من زمامدار آن شود...»

آقا امام زمان علیه السلام نیز در این باره می فرماید:

«إِنَّ أَمْرَنَا بَفْتَةٍ فَجَاءَتْ، (۳) وَإِنِّي أَخْرُجُ حِينَ أَخْرُجُ وَلَا بَيْعَةَ لِأَحَدٍ مِنَ الطَّوَاغِيتِ فِي عُنُقِي، وَبِي يَدْفَعُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الْبَلَاءَ عَنْ أَهْلِي وَشِيعَتِي، (۴) وَإِنِّي لَأَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ.» (۵)

«همانا ظهور ما ناگهانی است و من به پا خواهم خواست درحالی که پیمان هیچ یک از گردنکشان بر گردنم نیست و خداوند به سبب من از خاندان و

شیعیان بلا را دور می گرداند و همانا من برای مردم جهان امان از عذابم.»

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرسیده شد: که ای پیامبر خدا، قائم خاندان تو کی ظهور

می کند؟ حضرت فرمودند:

«مَثَلُهُ مَثَلُ السَّاعَةِ لَا يُجَلِّئُهَا لَوَقْتِهَا إِلَّا اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ، لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَفْتَةٍ.» (۶)

«مثل (ظهور) او همچون مسأله قیامت است که زمانش جز به اراده خدای

عزوجل معین نمی شود و یکباره و به طور ناگهانی بر شما فرا می رسد.»

امام رضا علیه السلام در این مورد می فرماید:

«هُوَ الَّذِي سَتَطْوِي لَهَ الْأَرْضَ.» (۷)

«اوست که زمین از برایش درنوردیده خواهد شد.»

۱ - سوره حج (۲۲) آیه ۷.

۲ - امام مهدی، ص ۶۹.

۳ - تاریخ الغیبة الكبرى، ص ۴۲۸.

۴ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰.

۵ - همان، ج ۵۳، ص ۱۸۱.

۶ - تاریخ الغیبة الكبرى، ص ۴۲۸.

۷ - منتخب الاثر، ص ۲۲۰.

﴿ وَتَرَى اللَّهَ الْوَاحِدَ الْقَهَّارَ ﴾^(۱)

« همه در پیشگاه خداوند یگانه غالب حاضر شوند.»

آری، افراد بشر در عرصه قیامت صغری در پیشگاه حجت حق به پای خواهند ایستاد در حالی که گروهی از مؤمنان و اطاعت کنندگان از حق، از شدت شادی در پوست خود نمی گنجند و گروهی دیگر که یک عمر فریب ظواهر زودگذر دنیا را خورده بودند با اندوه و وحشت عجیبی به دنبال پناهگاه می گردند، اگر چه تنها پناهگاهی که بتوان به آن پناهنده شد همان ریسمانی است که یک سر آن به قرآن و عترت وصل است و سر دیگر آن به عرش حق تعالی متصل می باشد.

امام جعفر صادق علیه السلام در مورد جهانی بودن حکومت حضرت مهدی علیه السلام

نیز این چنین می فرماید:

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ لَا تَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا تُودَى فِيهَا بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا

رَسُولُ اللَّهِ.»^(۲)

«چون مهدی قائم قیام کند سرزمینی یافت نخواهد شد مگر این که بانگ لا اله

الا لله و محمد رسول الله در آن طنین افکن باشد.»

ما نیز باور داریم؛ زیرا بارها در قرآن کریم خوانده ایم:

﴿ وَعَدَ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ ﴾^(۳)

«این وعده الهی است و خدا هرگز خلف وعده نمی کند.»

﴿ وَ يُؤْتِيذُ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصْرِ اللَّهِ، يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ، وَ هُوَ الْعَزِيزُ

الرَّحِيمُ ﴾^(۴)

«در آن روز مؤمنان به نصرت خدا شاد شوند و خدا هر که را خواهد

یاری کند و او عزیز و رحیم است.»

۱ - سوره ابراهیم (۱۴) آیه ۴۸.

۲ - در انتظار امام، ص ۶۶.

۳ - سوره روم (۳۰) آیه ۶.

۴ - همان، آیه ۴ و ۵.

امیر مؤمنان می فرماید:

«بِنَا فُتِحَ الْأَمْرُ، وَبِنَا يُخْتَمُ وَبِنَا اسْتَنْقَذَ اللَّهُ النَّاسَ فِي أَوَّلِ الزَّمَانِ وَبِنَا يَكُونُ الْعَدْلُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ»^(۱)

«این امر به دست ما آغاز شد و به دست ما پایان می یابد، خداوند به وسیله ما انسان ها را در آغاز زمان رهایی بخشید و به وسیله ما در پایان جهان، عدالت گسترده می شوند.»

امام محمد باقر علیه السلام در این باره می فرماید:

«يَطْلُعُ عَلَيْكُمْ كَمَا تَطْلُعُ الشَّمْسُ أَيَّمَا تَكُونُونَ، فَإِيَّاكُمْ وَالشُّكَّ وَالْإِزْتِيَابَ. أَنْفُوا عَنْ أَنْفُسِكُمُ الشُّكُوكَ، وَقَدْ حَذَرْتُكُمْ فَاخْذَرُوا»^(۲)

«هر کجا باشید چون مهر تابان بر شما طلوع می کند، پس هرگز در حق او شک و تردید به خود راه ندهید، از صفحه دل هر گونه شک و تردید را بزدايید. من شما را بر حذر کردم، سخت از آن بپرهیزید.»

«إِذَا تَمَنَّى أَحَدُكُمْ الْقَائِمَ فَلْيَتَمَنَّهُ فِي عَافِيَةٍ. فَإِنَّ اللَّهَ بَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَحْمَةً، وَيَبْعَثُ الْقَائِمَ نِقْمَةً»^(۳)

«چون یکی از شما ظهور قائم را آرزو کند، آن را همراه با عافیت آرزو نماید، که خدای (تبارک و تعالی) حضرت محمد صلی الله علیه و آله را رحمة للعالمین قرار داد، ولی او (حضرت مهدی) را برای انتقام خواهد فرستاد.»

حضرت صادق علیه السلام فرمود: گویی قائم را در پشت نجف می بینم که زره پیغمبر صلی الله علیه و آله را پوشیده و چون زره جمع شده، آن را می تکاند تا به اندامش رسد، آنگاه آن را با پارچه ای از استبرق می پوشاند و سوار اسب ابلقی (سیاه و سفید) شده که میان دو چشمش سفید است و طوری آن را به حرکت در می آورد که سفیدی پیشانی اسبش را مردم شهرها ببینند و خود علامت ظهور او باشد،

۱ - کشف الغمة، ج ۳، ص ۲۶۳.

۲ - بشارة الاسلام، ص ۱۵۳ به نقل از غیبت نعمانی.

۳ - الزام الناصب، ص ۱۴۰.

سپس پرچم رسول خدا را می‌گشاید و از گشودن آن نوری می‌جهد که ما بین شرق و غرب را روشن می‌کند. (۱)

در همین رابطه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: گویا قائم را می‌بینم بر اسب سیاهی که میان پیشانی‌اش از سفیدی می‌درخشد سوار است و از وادی السلام به طرف مسجد سهله می‌رود و این دعا را می‌خواند:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَصِدْقًا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَعَبُّدًا وَرِقًّا، اللَّهُمَّ مُعِزُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَحَافِظُ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ. أَنْتَ كَتَبْتَنِي حِينَ تَفَيَّنِي الْمَذَاهِبُ وَتَضَيَّقُ عَلَيَّ الْأَرْضُ بِمَا رَحَّبْتَ اللَّهُمَّ خَلَقْتَنِي وَكُنْتَ عَلَيَّ غَنِيًّا عَنِ خَلْقِي وَأَوْلَا نَصْرِكَ إِثْنًا لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ، يَا مُنْشِرَ الرَّحْمَةِ مِنْ مَوَاضِعِهَا وَمُخْرِجَ الْبَرَكَاتِ مِنْ مَعَادِنِهَا، وَيَأْمَنُ حَصَّ نَفْسَهُ بِشُمُوحِ الرَّفْعَةِ فَأَوْلِيَاؤُهُ بِعِزِّهِ يَتَمَرَّزُونَ. يَا مَنْ وَضَعْتَ لَهُ الْمُلُوكَ نِيرَ الْمَدْلَةِ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ فَهَمَّ مِنْ سَطْوَتِهِ خَائِفُونَ. أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي فَطَرْتَ بِهِ خَلْقَكَ فَكُلُّ لَكَ مُذْعِنُونَ. أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُجِزِلِي أَمْرِي وَتُعَجِّلَ الْفَرَجَ وَتُكْفِيَنِي وَتُغْفِرَ لِي وَتَقْضِي حَوَائِجِي، السَّاعَةَ السَّاعَةَ، اللَّيْلَةَ اللَّيْلَةَ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.» (۲)

«خدایی جز او که حقاً آفریننده همه عالم هستی است وجود ندارد، او بر حق است، از روی ایمان و صادقانه به خداوندی او اعتراف می‌کنم و درکمال عبودیت و بندگی او را می‌ستایم، خداوندا! تو عزت دهنده هر مؤمن بی یار و تنهایی و خوارکننده هر ستمگر سرکشی، بار خدایا تنها پشت و پناه من هنگام هجوم اجانب و حمله ستمگران تویی، در وقتی که کره زمین با این وسعت بر من تنگ می‌شود، یار منحصر به فرد من تو هستی، خداوندا! تو مرا آفریدی درحالی که نیازی به آفرینش من نداشتی و اگر نصرت و یاری تو نبود، مغلوب حوادث می‌شدم، ای کسی که رحمت بی نهایت خود را از مرکز به تمام عالم وجود منتشر می‌سازی و برکات خود را از مرکز آن خارج می‌کنی و در اختیار بندگان قرار می‌دهی.

ای خداوند که عظمت را مخصوص به ذات پاک خود قرار دادی بنابراین، عزت اولیای الهی از عزت تو سرچشمه می‌گیرد، ای آفریننده‌ای که پادشاهان در مقابل قدرت تو، خود را خوار و ذلیل می‌بینند و از توانایی و قدرت زوال ناپذیرت هراسناک‌اند، (الهی) تو را بدان اسمی می‌خوانم که همه مخلوقات و موجودات عالم هستی را به وسیله آن آفریدی و همه آنان در مقابل ذات پاک تو اعتراف و اقرار دارند، از پیشگاه مقدس تو استدعا می‌کنم که به روان تابناک جدم و خاندان عزیزش سلام و درود فرستی و امر قیام مرا روا کرده و در ظهورم تعجیل فرمایی و امور مرا خود کفایت کنی و در تمام ابعاد، عافیت نصیب گردانی و خواسته‌های مرا برآورده نمایی، البته در همین ساعت، آری در همین ساعت. در همین شب، آری در همین شب، می‌دانم که ذات پاک تو به هر کاری تواناست.»

روایت است:

«يُنَادِي بِاسْمِ الْقَائِمِ فِي لَيْلَةِ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ (من شهر رمضان) وَيَقُومُ فِي يَوْمِ عَاشُورَاءَ، وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي قُتِلَ فِيهِ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَكَانِي بِهِ يَوْمَ السَّبْتِ الْعَاشِرِ مِنَ الْمُحَرَّمِ قَائِمًا بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، عَنْ يَمِينِهِ جِبْرَائِيلُ يُنَادِي: أَلْبَيْعَةَ الْبَيْعَةِ»^(۱)

«در شب ۲۳ (رمضان) از آسمان به نام قائم ندا می‌شود و در روز عاشورا به روز شهادت امام حسین علیه السلام قیام می‌کند، گویی او را با چشم خود می‌بینم که در روز شنبه دهم محرم الحرام در میان رکن و مقام ایستاده و جبرائیل در طرف راست او فریاد می‌زند: بیعت، بیعت»

در روایت دیگر آمده است:

«يُظَهِّرُ وَحْدَهُ، وَيَأْتِي الْبَيْتَ وَحْدَهُ، وَيَلِجُ الْكَعْبَةَ وَحْدَهُ، وَيَجْنُ اللَّيْلَ عَلَيْهِ وَحْدَهُ، فَإِذَا نَامَتِ الْعُيُونُ وَعَسَى اللَّيْلُ نَزَلَ إِلَيْهِ جِبْرَائِيلُ وَمِيكَائِيلُ وَالْمَلَائِكَةُ صُفُوفًا، فَيَقُولُ جِبْرَائِيلُ: يَا سَيِّدِي قَوْلِكَ مَقْبُولٌ وَأَمْرُكَ جَائِزٌ فَيَمْسَحُ يَدَهُ عَلَى وَجْهِهِ وَيَقُولُ (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَّهُ، وَأَوْزَنَّا الْأَرْضَ نَتَبَوُّا مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ)»^(۲)

«به تنهایی ظاهر می شود، به تنهایی به مسجد الحرام می آید، به تنهایی وارد کعبه می شود، در حال تنهایی شب را سپری می کند، چون پاسی از شب گذشت و چشم ها در خواب فرو رفت، جبرائیل و میکائیل و فرشتگان درحالی که صف کشیده اند بر او فرود می آیند، جبرائیل می گوید: ای سرور من، فرمان تو مطاع و امر تو نافذ است، امام دستش را به صورت او می کشد و این آیه را تلاوت می فرماید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَّهُ، وَأَوْزَنَّا الْأَرْضَ تَتَّبُوا مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ، فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَابِلِينَ.»^(۱)

«تمامی حمد مخصوص خداوندی است که وعده اش را در حق ما تحقق بخشید و ما را وارث زمین گردانید، از بهشت هر کجا بخواهیم مسکن می گزینیم، که پاداش عمل کنندگان چقدر نیکوست.»

«فَيَقُولُ جِبْرَائِيلُ: أَنَا أَوَّلُ مَنْ يُبَايِعُكَ. أَبْطُ يَدَكَ فَيَمْسَحُ عَلَى يَدِهِ.»^(۲)

«پس جبرائیل می گوید: من نخستین کسی هستم که با تو بیعت می کنم، دستت را بده. پس خود را به دست مبارک او می کشد.»

«أَوَّلُ مَنْ يُبَايِعُ الْقَائِمَ جِبْرَائِيلُ، فَيَنْزِلُ فِي صُورَةِ طَيْرٍ أبيضَ فَيُبَايِعُهُ. ثُمَّ يَضَعُ رِجْلًا عَلَى الْبَيْتِ الْحَرَامِ وَرِجْلًا عَلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى وَيُنَادِي بِصَوْتٍ طَلِقٍ ذَلِكَ تَسْمَعُهُ الْخَلَائِقُ: «أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَفْجِلُوهُ» ثُمَّ يَصِيحُ صَائِحٌ بِالْخَلَائِقِ مِنْ عَيْنِ الشَّمْسِ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ يُسْمَعُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِينَ: يَا مَعْاشِرَ الْخَلَائِقِ، هَذَا مَهْدِيٌّ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ بَايِعُوهُ وَلَا تُخَالِفُوا أَمْرَهُ.»^(۳)

«نخستین کسی که با قائم بیعت می کند، جبرائیل است که به صورت پرنده سفید رنگی نازل شده با او بیعت می کند، آنگاه یک پای خود را بر بیت الحرام و پای دیگرش را بر مسجد الاقصی می گذارد و با صدای روشن و فصیح ندا می کند، که همه مردمان می شنوند: ﴿أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَفْجِلُوهُ﴾^(۴) «امر خدا فرا

۱ - سورة زمر (۳۹) آیه ۷۴.

۲ - سورة نحل (۱۶) آیه ۱.

۳ - الزام الناصب، ص ۲۳.

۴ - بشارة الاسلام، ص ۲۳۱.

رسید دیگر شتاب نکنید» آنگاه صدای دیگر از سوی قرص خورشید شنیده می شود که همه مخلوقات در آسمان ها و زمین آن را می شنوند، بانگ می زند: «هَذَا مَهْدِيَّ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَايَعُوهُ وَلَا تُخَالِفُوا أَمْرَهُ»^(۱)؛ این مهدی آل محمد علیه السلام است با او بیعت کنید و از فرمان او سرپیچی نکنید.

در روایت آمده است: اصحاب از حضرت صادق علیه السلام درباره فرموده حق تعالی ﴿إِنِّي أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ﴾ سؤال کرده و آن حضرت فرمودند: هرگاه پیغمبر صلی الله علیه و آله تحقق یافتن قضیه ای را در وقت معینی اطلاع دهد، آن از فرموده خداوند است که: «امر الهی آمد پس در آن شتاب مکنید» تا آن وقت فرارسد.

همچنین حضرت صادق علیه السلام فرمودند:

«اگر خداوند وقوع واقعه ای را خبر دهد که واقع شدنی است انگار که آن واقع شده است.»^(۲)

در همین رابطه امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

«تلاش کردن برای ازجا برکنندن کوه ها آسانتر است از تلاش کردن برای برانداختن حکومتی که وقت معینی دارد و از خداوند یاری بخواهید و صبر کنید که زمین از آن خداوند است به هر کس از بندگان بخواند آن را به ارث می سپارد و عاقبت (خوب و پیروزی نهایی) برای تقوا پیشگان است، درباره امری پیش از رسیدن وقتش شتاب مکنید که پشیمان خواهید شد و مدت را طولانی شمارید که دل هایتان را قساوت می گیرد.»^(۳)

نقل شده^(۴) مفضل بن عمر از امام جعفر صادق در مورد تأویل آیه ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ سؤال کرد. «چگونه امام زمان به همه ادیان غالب می شود» حضرت فرمودند: تأویل آن این آیه است:

۱ - الزام الناصب، ص ۲۳.

۲ - تفسیر برهان، ج ۲، ص ۳۶۰، ح ۶.

۳ - همان.

۴ - ر.ک: بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۱۱۴۸ - ۱۱۶۰.

﴿ وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ ﴾

«چندان از مشرکان بکشید که دیگر فتنه‌ای در میان مردم نباشد و همه دین برای خدا باشد.»

ای مفضل به خدا قسم! اختلاف را از میان ملل و ادیان برمی‌دارد و همه دین‌ها یکی می‌شود چنان‌که خدا فرموده است:

﴿ وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴾^(۱)

«هر کس دینی جز دین اسلام بپذیرد، هرگز از وی پذیرفته نمی‌شود و وی در آخرت از زیانکاران است.»

مفضل گفت: آقا! آیا دینی که پدران او ابراهیم و نوح و موسی و عیسی و محمد داشتند، همان دین اسلام بود؟ حضرت فرمود: آری همین دین اسلام بود، نه غیر آن!

مفضل عرض کرد: دلیلی از قرآن بر این مطلب دارید؟ حضرت فرمود: آری از اول تا آخر قرآن پر از دلیل است، از جمله آیه ﴿ إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ ﴾^(۲)؛ «در حقیقت، دین نزد خدا همان اسلام است.»

دیگر این آیه: ﴿ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ ﴾^(۳)

«اسلام دین پدر شما ابراهیم است و اوست که شما را مسلمان نامید.»
دیگر آیه‌ای است که خداوند در داستان ابراهیم و اسماعیل از زبان آنان بیان کرده و آن آیه این است:

﴿ رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً ﴾^(۴)

«خدایا ما دو نفر را دو تن مسلمان و تسلیم شده خود قرار ده و از اولاد ما نیز مردمی مسلمان بیرون آور.»

۱ - سورة آل عمران (۳) آیه ۸۵

۲ - همان، آیه ۱۹.

۳ - سورة حج (۲۲) آیه ۷۸.

۴ - سورة بقره (۲) آیه ۱۲۸.

خداوند در داستان فرعون می فرماید:

﴿ حَتَّىٰ إِذَا أَذْرَكَ الْفَرَقَ قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ
وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴾ (۱)

«وقتی فرعون می خواست غرق شود، گفت: ایمان آوردم که جز
خداوند یگانه‌ای که بنی اسرائیل به او ایمان آوردند، خدایی نیست و
اینک من از مسلمانان هستم.»

حضرت عیسی علیه السلام در مقام سؤال فرمودند: کسانی که می خواهند با پذیرش
دین خدا، مرا یاری نمایند، کیست‌اند؟

﴿ قَالَ الْخَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَأَشْهَدُ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ ﴾ (۲)

«خواریون گفتند: ما یاوران دینی تو هستیم، ما به خدا ایمان آوردیم و
شاهد باش که ما مسلمان هستیم.»

خداوند متعال علیه السلام در آیه دیگر می فرماید:

﴿ وَلَهُ اسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ ﴾ (۳)

«آیا جز دین خدا را می جویند؟ حال آن‌که هر که در آسمان‌ها و زمین
است خواه و ناخواه سر به فرمان او نهاده است و به سوی او باز
گردانیده می شوید.»

مفضل عرض کرد: آقا! ادیان چندتا است؟ حضرت فرمود: چهار دین و هر
کدام دین جداگانه‌ای است، عرض کرد: چرا مجوس را مجوس می گویند؟
حضرت فرمود: برای این‌که در سریانی، خود را مجوسی نامیدند و دعوی کردند
که حضرت آدم و شیث ازدواج با مادران، خواهران، دختران، خاله‌ها، عمه‌ها و
سایر محارم را برای آنان حلال کرده و ادعا می کنند که آدم و شیث به آنان دستور
داده‌اند که در وسط روز آفتاب را سجده کنند و وقتی برای نماز آنان قرار
نداده‌اند، در صورتی که این ادعا افترا بر خدا و دروغ بستن بر آدم و شیث است.

۲ - سورة آل عمران (۳) آیه ۵۲

۱ - سورة یونس (۱۰) آیه ۹۰

۳ - سورة آل عمران (۳) آیه ۸۳

مفضل گفت: آقا! چرا قوم موسی را یهود می‌گویند؟ حضرت فرمود: برای این که خداوند از زبان آنان نقل کرده که گفتند: «انا هدنا اليك»؛ یعنی «ما به سوی تو رجوع کرده‌ایم».

مفضل عرض کرد: چرا نصاری را نصرانی می‌گویند؟ حضرت فرمود: به سبب این آیه است که به عیسی گفتند: ﴿نحن انصار الله﴾؛ «ما یاوران خداییم»، دین خدا را نصرت می‌دهیم.

مفضل گفت: آقا! چرا صابئین را به این نام می‌نامند؟ حضرت فرمود: برای این که آنان معتقد بودند وجود پیغمبران و فرستادگان الهی و ادیان و شرایع آسمانی بیهوده است و هر چه انبیا گفته‌اند باطل است و از این راه یگانگی خداوند و نبوت پیغمبران و رسالت فرستادگان الهی و جانشینی آنان را انکار نموده و گفتند: نه دینی و نه کتابی و نه پیغمبری است و به اعتقاد آنان، جهان آفرینش هیچ‌گونه رابطه‌ای با مبدأ وجود و مدبر عالم ندارد. مفضل عرض کرد: سبحان الله! چقدر این اطلاعات مهم است؟ حضرت فرمود: آری، ای مفضل! آنچه گفتم: به شیعیان ما برسان تا در امر دین خود شک نکنند. مفضل گفت: (حضرت مهدی) در طول غیبت با چه کسی انس می‌گیرد و با چه کسانی گفتگو می‌کند و چه کسی با او سخن می‌گوید؟ حضرت فرمود: فرشتگان خدا، افراد با ایمان و طایفه جن که با وی سخن می‌گویند و دستورات و توقیعات آن حضرت برای موثقان و نمایندگان و کلایش صادر می‌شود.

مفضل گفت: آیا به صورت جوان برمی‌گردد یا پیر ظهور می‌کند؟ حضرت فرمود: سبحان الله مگر از حالا کسی می‌داند، وقتی خدا فرمان ظهورش را صادر کند او به هر صورتی که خدا صلاح بداند ظاهر می‌شود.

مفضل گفت: آقا! از کجا ظاهر می‌شود و چگونه آشکار می‌گردد؟ حضرت فرمود: ای مفضل او به تنهایی آشکار می‌گردد و تنها به طرف خانه خدا می‌رود و تنها داخل کعبه می‌شود و چون شب فرا رسد همچنان تنهاست، وقتی چشم‌ها به خواب رفت و شب کاملاً تاریک شد جبرائیل و میکائیل و

دسته دسته فرشتگان بر وی فرود می آیند و در آن میان جبرائیل به وی می گوید:
ای آقای من هر چه بفرمایی پذیرفته است و فرمانت رواست.

حضرت قائم دست بر رخسارش می کشد و می گوید:

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَّهُ، وَأَوْزَنَّا الْأَرْضَ نَتَّبُوا مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ، فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ﴾^(۱)

«خدا را سپاس می گذارم که وعده اش را درباره ما تحقق بخشید و ما را وارث زمین گردانید، از بهشت هر کجا بخواهیم مسکن می گزینیم، که پاداش عمل کنندگان چقدر نیکوست.»

آنگاه در بین رکن و مقام می ایستد و با صدای رسا می فرماید: ای نقبا و ای مردمی که به من نزدیک هستید، و ای کسانی که خداوند شما را پیش از ظهور من در روی زمین برای یاری من ذخیره کرده است، برای اطاعت از من به سویم بیایید. صدای او به این افراد می رسد و آنان در شرق و غرب عالم بعضی در محراب عبادت و گروهی خوابیده، که با یک ندا صدای او را می شنوند و با یک چشم به هم زدن در بین رکن و مقام نزد او خواهند بود.

سپس خداوند به نور دستور می دهد: به صورت عمودی از زمین تا آسمان جلوه کند و هر که ساکن زمین است، از آن نور روشنی گیرد و نور از میان خانه اش بر وی بدرخشد و از این نور دل های مؤمنان مسرور شود، در حالی که هنوز آنان نمی دانند که قائم ما اهل بیت ظهور کرده است، ولی چون صبح شود همه در برابر حضرت قائم خواهند بود و آنان سیصد و سیزده مرد به تعداد لشکر پیغمبر صلی الله علیه و آله در جنگ بدر هستند.

مفضل گفت: آقا! آیا آن هفتاد و دو نفر که با امام حسین علیه السلام در کربلا شهید شدند، رجعت می کنند؟

حضرت فرمود: ابا عبدالله الحسین علیه السلام با دوازده هزار نفر از شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام رجعت می کند در حالی که حضرتش عمامه سیاه پوشیده است.

مفضل عرض کرد: آقا! آیا مردم قبل از ظهور و قیام حضرت جز از روش و سنت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با امام حسین علیه السلام بیعت می کنند؟ حضرت فرمود: ای مفضل! هر بیعتی قبل از ظهور قائم کفر و نفاق و نیرنگ است، خداوند بیعت کننده و بیعت گیرندگان آن را لعنت کند، بلکه ای مفضل! تکیه به خانه خدا می دهد و دستش را دراز می کند و نوری از آن می جهد و می گوید: این دست خدا و از جانب خدا و به امر خداست سپس این آیه را می خواند: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ تَكَثَّ فَإِنَّمَا يَتَكَبَّرُ عَلَىٰ نَفْسِهِ﴾^(۱) «در حقیقت، کسانی که با تو بیعت می کنند، جز این نیست که با خدا بیعت می کنند؛ دست خدا بالای دست های آنان است، پس هر که پیمان شکنی کند، تنها به زیان خود پیمان می شکند.»

اول کسی که دست او را می بوسد، جبرائیل است و سپس سایر فرشتگان و نجبای جن و بعد از آنان، نقیبان از وی متابعت می کنند.

این واقعه در آغاز طلوع آفتاب آن روز خواهد بود، درست وقتی که آفتاب طالع شد، گوینده ای از چشمه خورشید به زبان عربی فصیح بانگی می زند که اهل آسمان ها و زمین آن را می شنوند و می گوید:

ای مردم عالم! این مهدی آل محمد است و سپس او را به نام و کنیه جدش پیغمبر صلی الله علیه و آله می خواند و به پدرش حضرت امام حسن علیه السلام پیشوای یازدهم تا حسین بن علی علیه السلام نسبت می دهد.

آنگاه گوینده می گوید: با وی بیعت کنید که رستگار می شوید و مخالفت امر او ننمایید که گمراه خواهید شد، سپس به ترتیب فرشتگان و جن و نقبا دست او را می بوسند و می گویند: شنیدیم و اطاعت می کنیم، هیچ صاحب روحی در میان مخلوق خدا نمی ماند جز این که آن صدا را می شنوند، کسانی که در جای دور و نزدیک و دریا و خشکی می باشند، برای یکدیگر نقل می کنند که ما با گوش خود چنین صدایی را شنیدیم.

هنگام غروب آفتاب، کسی دیگر از سمت مغرب زمین فریاد می‌زند: ای مردم دنیا! خداوند شما، در بیابان خشکی از سرزمین فلسطین به نام عثمان بن عنبثه اموی از اولاد یزید بن معاویه ظهور کرده، با او بیعت کنید تا رستگار شوید و با وی سر به مخالفت بر ندارید که گمراه خواهید شد. در آن وقت فرشتگان و جن و نقبا گفته او را رد کرده و او را تکذیب می‌کنند و به صاحب آن صدا می‌گویند: شنیدیم و نافرمانی می‌کنیم. هر کس شک و تردیدی به دلش راه یافته باشد، با صدای دوم گمراه می‌گردد.

در آن وقت آقای ما حضرت قائم تکیه به خانه خدا می‌دهد و می‌فرماید: «آگاه باشید ای اهل عالم! هر کس می‌خواهد آدم و شیث را ببیند، بداند که من همان آدم و شیث هستم، هر کس می‌خواهد نوح و پسرش سام را ببیند، بداند که من همان نوح و سام هستم.

هر کس می‌خواهد ابراهیم و اسماعیل را ببیند، بداند که من همان ابراهیم و اسماعیل هستم.

هر کس می‌خواهد موسی و یوشع را ببیند، بداند که من همان موسی و یوشع هستم، هر کس می‌خواهد عیسی و شمعون را ببیند، بداند که من همان عیسی و شمعون هستم.

هر کس می‌خواهد حضرت محمد و امیرالمؤمنین صلوات الله علیهما را ببیند، بداند که من همان محمد و علی هستم، هر کس می‌خواهد حسن و حسین را ببیند، بداند که من همان حسن و حسین می‌باشم.

هر کس می‌خواهد امامان از اولاد حسین را ببیند، بداند که من همان ائمه اطهار هستم، دعوت مرا بپذیرید و به نزد من جمع شوید که هر چه خواهید به شما اطلاع خواهم داد.

هر کس کتاب‌های آسمانی و صحف الهی را خوانده است اینک از من می‌شنود. آنگاه آن حضرت شروع می‌کند به قرائت صحفی که خداوند بر آدم و شیث نازل فرمود، پیروان آدم و شیث می‌گویند: به خدا قسم! این صحف حقیقی آدم و شیث است.

سپس صحف نوح و ابراهیم و زبور، تورات و انجیل را می خواند پیروان زبور و تورات و انجیل می گویند: به خدا قسم! این همان صحف حقیقی نوح و ابراهیم است، سپس قرآن می خواند، مسلمانان می گویند: به خدا قسم! این همان قرآن حقیقی است که خداوند بر پیغمبر ما نازل کرده، چیزی از آن کم نشده و تحریف و تبدیل نگردیده است.»

مفضل عرض کرد: قائم با اهل مکه چه می کند؟

حضرت فرمود: آنان را به حکمت و موعظه حسنه دعوت می کند، آنان هم از وی اطاعت می کنند، سپس حضرت قائم، مردی از خاندان خود را در آنجا به نیابت منصوب داشته و مکه را به قصد مدینه ترک می گوید.

مفضل عرض کرد: آقا! با خانه خدا چه می کند؟

حضرت فرمود: آن را می شکند و بر همان پایه ای که روز نخست در عهد حضرت آدم برای مردم بنا شده و ابراهیم و اسماعیل بالا برده بودند، بر پای می دارد و آنچه که بعد از آن در مسجد الحرام تعمیر شده که پیغمبری و جانشین پیغمبری آن را نساخته است، آن طور که خدا می خواهد آن را می سازد و هر آثاری که در مکه و مدینه و عراق و سایر جاها از ستمگران باقی مانده باشد همه را ویران می کند، مسجد کوفه را نیز خراب کرده و بر اساس اولی آن بنا می نماید و همچنین قصر عتیق را ویران می کند، خدا سازنده آن را لعنت کند.

مفضل گفت: آقا بفرمایید خانه مهدی در کجا خواهد بود و مؤمنان در کجا جمع می شوند؟

حضرت فرمود: مقر سلطنت وی شهر کوفه است و محل حکومتش مسجد جامع کوفه و بیت المال و محل تقسیم غنایمش مسجد سهله واقع در زمین های صاف و مسطح و روشن نجف و کوفه است.

آنگاه حضرت صادق علیه السلام آهی کشید و فرمود: ای مفضل! تمام مکان های روی زمین بر یکدیگر فخر کردند، از جمله کعبه در مسجد الحرام بر زمین کربلا فخر نمود، خداوند وحی فرستاد که ای کعبه ساکت باش و بر کربلا فخر مکن؛ زیرا کربلا بقعه مبارکی است که در آنجا از جانب خداوند به وسیله درخت به

موسی بن عمران وحی شد، همان تلی است که مریم و عیسی منزل کردند و مریم عیسی را شست و خودش هم بعد از ولادت وی غسل کرد؛ و محلی است که سر حسین علیه السلام را در آن شستشو دادند، کربلا بهترین سرزمین هاست، پیغمبر هنگام غیبتش از آنجا به آسمان بالا رفت و آنجا تا موقع ظهور قائم خیر و برکت زیادی برای شیعیان ما دارد.

«وَجَعَلْنَا وَابِئَاتِكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بِئَارِهِ»

«خداوند ما و شما را از خون خواهان او (امام حسین علیه السلام) قرار دهد.»

ان شاء الله

پیش از قیام قائم آل محمد صلی الله علیه و آله به ناچار دو صیحه شنیده خواهد شد از جمله: امام محمد باقر علیه السلام می فرماید:

«يُنَادِي مِنَ السَّمَاءِ أَوَّلَ النَّهَارِ: أَلَا إِنَّ الْحَقَّ مَعَ عَلِيٍّ وَشِيعَتِهِ، ثُمَّ يُنَادِي إِبْلِيسُ فِي آخِرِ النَّهَارِ مِنَ الْأَرْضِ: أَلَا إِنَّ الْحَقَّ مَعَ فُلَانٍ وَشِيعَتِهِ، فَعِنْدَ ذَلِكَ يَزْتَابُ الْمُبْطِلُونَ» (۱)

«منادی آسمانی در اول صبح بانگ بر می آورد: ای مردمان! آگاه باشید که حق با علی و شیعیان اوست. شیطان در آخر همان روز بانگ بر می آورد: حق با فلانی و پیروان اوست! آنجاست که اهل باطل دچار شک و تردید می شوند.»

روزی زراره از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا آن بانگ آسمانی عمومی است یا خصوصی؟ آن حضرت فرمود: عمومی است، هر قومی آن را به زبان خود می شنود.

زراره از روی تعجب پرسید: هنگامی که جبرائیل امین برای قائم علیه السلام با نام و نشان و با چنین وضعی ندا کند، دیگر چه کسی با او مخالفت می کند؟

امام صادق علیه السلام در پاسخ فرمود:

«لَا يَدْعُهُمْ إِبْلِيسُ حَتَّى يُنَادِيَ فِي آخِرِ النَّهَارِ يُشَكُّكَ النَّاسُ» (۲)

«شیطان آنان را ترک نمی کند، بلکه در آخر همان روز بانگی برآورده آنان را دچار شک و تردید می نماید.»

یکی از یاران امام صادق علیه السلام در این باره از پیشگاه آن حضرت پرسید: ما در

شگفتیم که حضرت قائم پس از خسف لشکر سفیانی در بیداء و بانگ آسمانی و عجایب دیگر، چگونه ممکن است گروهی پیدا شده، روی در روی او بایستند؟! فرمود:

«إِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَدْعُهُمْ حَتَّى يُنَادِيَ كَمَا نَادَى بِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ يَوْمَ الْعَقَبَةِ!»^(۱)

«شیطان آنان را فروگذار نمی‌کند و بر آنان بانگ می‌زند چنان‌که در روز عقبه برای رسول اکرم ﷺ بانگ زد.»

در روایت آمده است: در یک چنین شرایطی حضرت مهدی علیه السلام برای بیعت با خلق خدا آمادگی خود را اعلام می‌دارد هم چنان‌که می‌خوانیم:

«يُسْنِدُ الْقَائِمُ ظَهْرَهُ إِلَى الْحَرَمِ، وَيَمُدُّ يَدَهُ إِلَى الْبَيْعَةِ فَتَرَى بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ، لَدَى طُلُوعِ الشَّمْسِ، وَيَقُولُ: هَذِهِ يَدُ اللَّهِ، وَعَنِ اللَّهِ، وَيَأْمُرُ اللَّهَ: ثُمَّ يَتْلُوا آيَةَ: (إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِذَا مَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ، يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ، فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ). فَيَكُونُ أَوَّلَ مَنْ يُبَايِعُهُ جِبْرَائِيلُ، ثُمَّ الْمَلَائِكَةُ وَتَجْبَاءُ الْجِنِّ، ثُمَّ نَقْبَاؤُهُ وَأَصْحَابُهُ.»^(۲)

«قائم به هنگام طلوع خورشید پشتش را به حرم (کعبه) تکیه می‌دهد و دستش را برای پذیرش بیعت دراز می‌کند، دست او سفید خیره‌کننده دیده می‌شود، می‌فرماید: این دست خداست، از سوی خداست و به فرمان خداست، سپس این آیه را تلاوت می‌کند: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِذَا مَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ﴾^(۳) «به راستی آنان‌که با تو بیعت می‌کنند با خدا بیعت می‌کنند، دست خدا بالای دست آنان است پس هر کس بیعت خود را بشکند به ضرر خود شکسته است.»

همچنین در روایت آمده است:

«يُؤَيِّدُهُ اللَّهُ بِثَلَاثَةِ أَجْنَادٍ: بِالْمَلَائِكَةِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ وَبِالرُّعْبِ.»^(۴)

«خداوند او را به سه نیرو تأیید می‌کند: فرشتگان، مؤمنان، رعب و وحشت.»
در مورد فرشتگانی که آن حضرت را یاری می‌دهند آمده است:

۲ - الزام الناصب، ص ۲۱۶.

۱ - غیبت نعمانی، ص ۱۴۱.

۴ - غیبت نعمانی، ص ۲۴۳.

۳ - سورة فتح (۴۸) آیه ۱۰.

«الَّذِينَ كَانُوا مَعَ نُوحٍ فِي السَّفِينَةِ وَالَّذِينَ كَانُوا مَعَ إِبْرَاهِيمَ حِينَ أُلْقِيَ فِي النَّارِ وَالَّذِينَ كَانُوا مَعَ مُوسَى حِينَ فَلَقَ الْبَحْرَ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ، وَالَّذِينَ كَانُوا مَعَ عِيسَى حِينَ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ، وَأَزْبَعَهُ آفَ مَلِكٍ مَعَ النَّبِيِّ ﷺ مَسُومِينَ وَأَلْفَ مُزْدَفِينَ وَثَلَاثِمِائَةَ وَثَلَاثَةَ عَشَرَ مَلَائِكَةَ بَدْرَيْنِ وَأَزْبَعَهُ آفَ مَلِكٍ هَبَطُوا يُرِيدُونَ الْقِتَالَ مَعَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَلَمْ يُؤَدِّنْ لَهُمْ فِي الْقِتَالِ... كُلُّ هَؤُلَاءِ فِي الْأَرْضِ يَنْتَظِرُونَ قِيَامَ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى وَقْتِ خُرُوجِهِ»^(۱)

«همه فرشتگانی که با حضرت نوح در کشتی بودند، همه فرشتگانی که به هنگام افتادن حضرت ابراهیم در میان آتش، با او بودند، همه فرشتگانی که به هنگام شکافتن رود نیل برای فرعونیان با حضرت موسی بودند، همه فرشتگانی که به هنگام عروج حضرت عیسی با او بودند، چهار هزار فرشته مسومین که در خدمت رسول اکرم ﷺ بودند، هزار فرشته مردفین که در محضر پیامبر ﷺ بودند، سیصد و سیزده فرشته‌ای که در بدر حضور داشتند، چهار هزار فرشته‌ای که برای یاری امام حسین علیه السلام در روز عاشورا فرود آمدند و به آنان اجازه پیکار داده نشد... همه آنان در زمین انتظار قیام قائم علیه السلام را می‌کشند تا وقتی خروج کند.»

از امام محمد باقر علیه السلام در این باره روایت شده که فرمود:

«لَوْ قَدْ خَرَجَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ لَنَصَرَهُ اللَّهُ بِالمَلَائِكَةِ المَسُومِينَ وَالمُزْدَفِينَ وَالمُنْزِلِينَ وَالمَكْرُوبِينَ. يَكُونُ جِبْرَائِيلُ عَلَى مُقَدِّمَتِهِ، وَمِيكَائِيلُ عَلَى سَاقَتِهِ، وَإِسْرَافِيلُ عَنْ يَسَارِهِ. وَالرُّعْبُ يَسِيرُ أَمَامَهُ وَخَلْفَهُ وَعَنْ يَمِينِهِ وَشِمَالِهِ وَالمَلَائِكَةُ المَقْرَبُونَ خُدَّامُهُ. أَوَّلُ مَنْ يُبَايِعُهُ شَيْعَةُ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ. يَأْتِي وَلِلَّهِ سَيْفٌ مُخْتَرَطٌ يَفْتَحُ اللَّهُ لَهُ الرُّومَ وَالصِّينَ وَالتُّرْكَ وَالسِّنْدَ وَالمِندَ وَكَبْلَ شَاةٍ وَالمَخْزَرَ»^(۲)

«هنگامی که قائم آل محمد قیام کند خداوند او را با فرشتگان نشاندار، مقرب و فرستاده شده در صف‌های فشرده یاری می‌دهد، جبرائیل در پیشاپیش آنان و میکائیل از پشت سر آنان و اسرافیل از طرف چپ آنان حرکت می‌کند، ابهت و رعب و وحشت از جلو، عقب، چپ و راست آنان پیش می‌تازد، فرشتگان

مقرب خدمتگزاران او هستند. نخستین گروهی که با او دست بیعت می دهند شیعیان محمد و علی هستند به خدا سوگند که آن شمشیر برنده خدا می آید. خداوند روم، چین، ترک، سند، هند، کابل و خزر را برای او فتح می کند.

«يُنزِلُ جِبْرَائِيلُ يَوْمَئِذٍ عَلَى صَخْرَةٍ بَيْنَ الْمَقْدِسِ، فَيَصيحُ فِي أَهْلِ الدُّنْيَا: (وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ، إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا)»^(۱)

«آن روز جبرائیل امین بر فراز سنگی در بیت المقدس قرار گرفته، بر مردم جهان بانگ زده می فرماید: ﴿وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ، إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾»
«بگو: حق آمد و باطل از بین رفت، که باطل از بین رفتنی است.»

امام حسین علیه السلام در این باره می فرماید:

«يُنَادِي مُنَادٍ بِاسْمِ الْمَهْدِيِّ، فَيَسْمَعُ مَنْ بِالْمَشْرِقِ وَمَنْ بِالْمَغْرِبِ!»^(۲)

«منادی آسمانی به نام مهدی ندا می کند، هر کسی که در شرق و غرب جهان باشد آن ندا را می شنود!»

آن روز که عالمیان صبحه رامی شنوند روز خروج و ظهور حضرت مهدی است. در روایت آمده است:

«يَقُفُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، فَيَصْرُحُ صُرْحَةً فَيَقُولُ: يَا مَعَاشِرَ نَقْبَائِي، وَأَهْلَ خَاصَّتِي وَمَنْ أَدْخَرَهُمُ اللَّهُ لِتُصْرَتِي قَبْلَ ظَهْوَرِي عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ: إِيْتُونِي طَائِعِينَ! فَتَرِدُ صَيْحَتُهُ عَلَيْهِمْ وَهُمْ فِي مُحَارِبِهِمْ وَعَلَى فُرُشِهِمْ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَمَغْرِبِهَا، فَيَسْمَعُونَهُ فِي صَيْحَةٍ وَاحِدَةٍ فِي أُذُنِ كُلِّ رَجُلٍ، فَيَجِئُونَ نَحْوَهَا.»^(۳)

[آن حضرت] «در میان رکن و مقام می ایستد، آنگاه بانگ بر می آورد: ای فرماندهان من! ای نزدیکان من!، ای کسانی که خداوند پیش از ظهور من شما را برای یاری من در روی زمین ذخیره کرده است!، به سوی من بشتابید و به فرمان من گردن نهید، صدای آن حضرت در شرق و غرب جهان به گوش یارانش می رسد و آنان که در محراب های خود و یا بر فراز رختخواب های خود هستند، در یک لحظه بانگ امام را می شنوند و به سوی او می شتابند.»

۱ - بشارة الاسلام، ص ۲۲۰.

۲ - غیبت نعمانی، ص ۱۳۴.

۳ - بشارة الاسلام، ص ۲۵۶.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«إِنَّ الْقَائِمَ إِذَا خَرَجَ دَخَلَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ، فَيَسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةَ وَيَجْعَلُ ظَهْرَهُ إِلَى الْمَقَامِ ثُمَّ يُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ، ثُمَّ يَقُومُ فَيَقُولُ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ، أَنَا أَوْلَى بِآدَمَ، أَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ، أَنَا أَوْلَى بِإِسْمَاعِيلَ، أَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِمُحَمَّدٍ... وَيَدْعُو وَيَتَضَرَّعُ.»^(۱)

«هنگامی که قائم ظاهر شود، وارد مسجد الحرام شده و روی به سوی کعبه و پشت به مقام می کند و آنگاه دو رکعت نماز می خواند، سپس می فرماید: ای مردم! من برای آدم از همه نزدیکترم، برای ابراهیم از همه نزدیکترم، برای اسماعیل از همه نزدیکترم، برای محمد از همه نزدیکترم،... آنگاه دعا می خواند و با خدای خود مناجات می کند.»

«يُنْتَهِي إِلَى الْمَقَامِ فَيُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ، وَيُنشِدُ اللَّهَ وَيَقُولُ: (أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ، أَلَيْهَ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ).»^(۲)

«به مقام ابراهیم (در نزدیکی کعبه) می رود و دو رکعت نماز می خواند و با تلاوت این آیات: ﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ...﴾ با خدای خود راز و نیاز می نماید.»

امام محمد باقر علیه السلام صحنه با شکوه ظهور حضرت مهدی را چنین ترسیم می فرماید:

«وَاللَّهُ لَكَأَنِّي أَنْظَرُ إِلَيْهِ وَقَدْ أَسْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَى الْحَجَرِ، ثُمَّ يَقُولُ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّا نَسْتَنْصِرُ النَّاسَ عَلَى مَنْ ظَلَمْنَا وَسَلَبَ حَقَّنَا. إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَنَحْنُ أَوْلَى النَّاسِ بِمُحَمَّدٍ. مَنْ يُحَاجُّنَا فِي اللَّهِ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِاللَّهِ، وَمَنْ يُحَاجُّنَا فِي آدَمَ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِآدَمَ، وَمَنْ يُحَاجُّنَا بِنُوحٍ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِنُوحٍ، وَمَنْ يُحَاجُّنَا بِإِبْرَاهِيمَ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ، وَمَنْ يُحَاجُّنَا بِمُحَمَّدٍ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِمُحَمَّدٍ، وَمَنْ يُحَاجُّنَا بِالنَّبِيِّينَ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِالنَّبِيِّينَ، وَمَنْ يُحَاجُّنَا فِي كِتَابِ اللَّهِ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِكِتَابِ اللَّهِ، أَلَيْسَ يَقُولُ اللَّهُ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ: ﴿إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ. ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ، وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ ۱۲»

فَأَنَا بَقِيَّةٌ مِنْ آدَمَ، وَذَخِيرَةٌ مِنْ نُوحٍ، وَمُصْطَفَى مِنْ إِبْرَاهِيمَ، وَصَفْوَةٌ مِنْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ... أَلَا وَمَنْ حَاجَّني فِي سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ فَأَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، فَأَنْشِدُ اللَّهَ مَنْ سَمِعَ كَلَامِي الْيَوْمَ، لَمَا بَلَغَ الشَّاهِدُ مِنْكُمْ الْغَائِبَ. وَأَسْأَلُكُمْ بِحَقِّ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَبِحَقِّي فَإِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقُّ الْقُرْبَى مِنْ رَسُولِ اللَّهِ، إِلَّا أَعْتَمُونَا وَمَتَعْتُمُونَا مِمَّنْ يَظْلِمُونَا، فَقَدْ أَخْفْنَا وَظَلَمْنَا، وَطَرَدْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَائِنَا، وَبَغِي عَلَيْنَا وَدَفَعْنَا عَنْ حَقِّنَا، فَأَفْتَرَى أَهْلُ الْبَاطِلِ عَلَيْنَا.

فَاللَّهُ اللَّهُ فِينَا لَا تَخَذَلُونَا، وَانصُرُونَا يَنْصُرْكُمْ اللَّهُ، إِنَّا نَسْتَنْصِرُ الْيَوْمَ كُلَّ مُسْلِمٍ. ثُمَّ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَسُنَّةِ نَبِيِّهِ وَالْوِلَايَةِ، وَمَعَهُ عَهْدُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. فَيَقُومُ رَجُلٌ فَيُنَادِي: أَيُّهَا النَّاسُ، هَذَا طَلِبَتُكُمْ قَدْ جَاءَكُمْ يَدْعُوكُمْ إِلَى مَا دَعَاكُمْ إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. فَيَقُومُ هُوَ فَيَقُولُ: أَنَا ابْنُ نَبِيِّ اللَّهِ، أَدْعُوكُمْ إِلَى مَا دَعَاكُمْ إِلَيْهِ نَبِيُّ اللَّهِ،^(۱)

«به خدا سوگند، گویی او را می بینم که پشت خود را به (حجر الاسود) تکیه داده، می گوید: ای مردم! ما از همه مردمان یاری می خواهیم علیه کسانی که به ما ستم کردند و حق ما را غصب نمودند، ما اهل بیت پیامبر شما حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هستیم و ما نزدیکترین مردمان به او هستیم، هر کس با ما در مورد خدا محاجه^(۲) کند، ما از همه به او نزدیکتریم.

هر کس در مورد آدم محاجه کند؛ ما از همه به او نزدیکتریم. هر کس در مورد نوح محاجه کند؛ از همه به او نزدیکتریم. هر کس در مورد ابراهیم محاجه کند؛ از همه به او نزدیکتریم. هر کس در مورد محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با ما محاجه کند؛ ما از همه به او نزدیکتریم. هر کس در مورد پیامبران با ما محاجه کند؛ ما از همه به آنان نزدیکتریم. هر کس در مورد کتاب خدا با ما محاجه کند؛ ما به کتاب خدا از همه نزدیکتریم، مگر نه این است که قرآن کریم در آیات محکم خود می فرماید: به یقین، خداوند آدم و نوح و خاندان عمران را بر مردم جهان برتری داده است، فرزندان که بعضی از آنان از نسل بعضی دیگرند و خداوند شنوای داناست.

۱ - الامام المهدي، ص ۲۲۵.

۲ - محاجه به معنی مخاصمه کردن (پیکار کردن با یکدیگر)

من بازمانده آدم، ذخیره نوح، برگزیده ابراهیم و از تبار محمد صلی الله علیه و آله هستم، آگاه باشید هر کس در مورد سنت رسول الله با من محاجه کند؛ من برای (احیا و اجرای) سنت رسول خدا از همه شایسته ترم، پس شما را به خدا سوگند می دهم هر کس امروز گفتار مرا می شنود به آنان که حضور ندارند (خبر را) برساند، شما را سوگند می دهم به حق خدا و حق رسول خدا و حق خودم، که حق ذوی القربی (خویشاوندی با رسول اکرم) برگردن شما دارم، ما را یاری کنید و از ما در برابر ستمگران حمایت نمایید، ما مورد وحشت و ستم قرار گرفتیم، از دیار و فرزندان خود دور افتادیم، به ما ستم کردند و ما را از حقوق خود محروم ساختند و اهل باطل به ما افتراء بستند، در حق ما از خدا بترسید، ما را خوار نسازید، ما را یاری کنید که خداوند شما را یاری کند، ما امروز از هر مسلمانی یاری می طلبیم.

آنگاه (آن حضرت) مردم را به سوی قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ولایت اهل بیت عصمت و طهارت دعوت می کند، عهد و پیمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز همراه او خواهد بود.

آنگاه مردی بر می خیزد و خطاب به مردم می گوید: ای مردم! این خواسته و آرزوی دیرینه شماست، به سوی شما آمده و شما را به چیزی که رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد، فرا می خواند آنگاه آن حضرت بلند می شود و می فرماید: من پسر پیامبر شما هستم، شما را به چیزی فرا می خوانم که پیامبر خدا شما را به سوی آن فرا می خواند.

حضرت امام محمد باقر علیه السلام در همین باره می فرماید:

«أَوَّلُ مَنْ يُبَايِعُهُ جِبْرَائِيلُ عليه السلام، ثُمَّ الْأَنْصَارُ.»^(۱)

«نخستین کسی که با او بیعت می کند جبرائیل است، سپس یاران (۳۱۳ نفر)

بیعت می کنند.»

امیرمؤمنان در ضمن بیعت حضرت مهدی با یاران چنین می فرماید:

«يُبَايِعُونَ عَلَى أَنْ لَا يَسْرِقُوا، وَلَا يَزْنُوا، وَلَا يَسُبُّوا مُسْلِمًا، وَلَا يَقْتُلُوا مُحْرِمًا، وَلَا يَهْتِكُوا حَرِيمًا مُحْرِمًا، وَلَا يَهْجُمُوا مَنْزِلًا، وَلَا يَضْرِبُوا أَحَدًا إِلَّا بِالْحَقِّ، وَلَا يَكْتَبُوا ذَهَبًا وَلَا فِضَّةً وَلَا بُرًّا وَلَا شَعِيرًا، وَلَا يَأْكُلُوا مَالَ الْيَتِيمِ، وَلَا يَشْهَدُوا بِمَا لَا يَعْلَمُونَ، وَلَا يُخْرِبُوا مَسْجِدًا، وَلَا يَشْرَبُوا مُسْكِرًا، وَلَا يَلْبَسُوا الْخَزَّ وَلَا الْحَرِيرَ، وَلَا يَتَمَنَّقُوا بِالذَّهَبِ، وَلَا يَقْطَعُوا طَرِيقًا، وَلَا يُخَيِّفُوا سَبِيلًا ... وَلَا يَخْبِسُوا طَعَامًا مِنْ بُرٍّ وَلَا شَعِيرٍ. وَيَرْضُونَ بِالْقَلِيلِ وَيَشْتَمُونَ عَلَى الطَّيِّبِ، وَيَكْرَهُونَ التَّجَاوَةَ، وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَيَلْبَسُونَ الْخَشِينَ مِنَ الثِّيَابِ، وَيَتَوَسَّدُونَ التُّرَابَ عَلَى الْخُدُودِ، وَيُجَاهِدُونَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ... وَيَشْتَرِطُ عَلَى نَفْسِهِ لَهُمْ: أَنْ يَمْشِيَ حَيْثُ يَمْشُونَ، وَيَلْبَسَ كَمَا يَلْبَسُونَ، وَيَزَكَّبَ كَمَا يَزَكَّبُونَ، وَيَكُونَ مِنْ حَيْثُ يُرِيدُونَ، وَيَرْضَى بِالْقَلِيلِ، وَيَمْلَأَ الْأَرْضَ بِعَوْنِ اللَّهِ عَدْلًا كَمَا مَلِثَتْ جَوْرًا، يَعْبُدَ اللَّهَ حَقَّ عِبَادَتِهِ، وَلَا يَأْخُذَ حَاجِبًا وَلَا بَوَابًا.»^(۱)

«با او بیعت می کنند که هرگز دزدی نکنند، زنا نکنند، مسلمانان را دشنام ندهند، خون کسی را به ناحق نریزند، به آبروی کسی لطمه نزنند، به خانه کسی هجوم نبرند، کسی را به ناحق نزنند، طلا، نقره، گندم و جو ذخیره نکنند، مال یتیم را نخورند، در مورد چیزی که یقین ندارند، گواهی ندهند، مسجدی را خراب نکنند، مشروب نخورند، حریر و خز نپوشند، در برابر سیم وزر سر فرود نیاورند، راه را بر کسی نبندند، راه را ناامن نکنند، ... و خوراکی را از گندم و جو انبار نکنند، به کم قناعت کنند، طرفدار پاکی باشند، از پلیدی گریزان باشند، به نیکی فرمان دهند، از زشتی ها باز دارند، جامه های خشن بپوشند، خاک را متکای خود سازند، در راه خدا حق جهاد را ادا کنند و... او نیز خود تعهد می کند که از راه آنان برود، جامه ای مثل جامه آنان بپوشد، مرکبی همانند مرکب آنان سوار شود، آن چنان باشد که آنان می خواهند، به کم راضی و قانع شود، زمین را به یاری خدا پر از عدالت کند همان طور که پر از ستم شده است، خدا را آن چنان پرستد که شایسته است، برای خود دربان و نگهبان اختیار نکند.»

حضرت امام حسن عسکری علیه السلام می فرماید:

«وَكَانَكَ يَا بُنَيَّ، بِتَأْيِيدِ نَصْرِ اللَّهِ وَقَدْ أَنْ وَبِتَيْسِيرِ الْفَرْجِ وَعُلُوِّ الْكَفْبِ وَقَدْ حَانَ، وَبِالزَّيَايَاتِ الصُّفْرِ وَالْأَغْلَامِ الْبَيْضِ تَخْفِقُ عَلَى أَثْنَاءِ أَعْطَافِكَ مَا بَيْنَ الْحَطِيمِ وَزَمْزَمَ. وَكَانَكَ بِتَرَادُفِ الْبَيْعَةِ، وَتَضَادِفِ الْوَلِيِّ، يَتَنَاطَمُ عَلَيْكَ تَنَاطَمَ الدُّرِّ فِي مَثَانِي الْعُقُودِ وَتَضَافِقِي الْأَكْفِ عَلَى جَنَابَاتِ الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ تَلُوذُ بِفِنَاكَ، مِنْ مَلَأَ بَرَأَهُمُ اللَّهُ فِي طَهَارَةِ الْوِلَادَةِ وَتَفَاسَةِ التَّرْبَةِ، مُقَدَّمَةً قُلُوبُهُمْ مِنْ دَنَسِ النُّفَاقِ، مُهَذَّبَةً أَفْئِدَتُهُمْ مِنْ رِجْسِ الشَّقَاقِ، لَيْتَةَ عَرَائِكُهُمْ لِلدِّينِ، حَسْبَةً ضَرَائِبُهُمْ عَلَى الْمُعْتَدِينَ، وَاضِحَةً بِالْقَبُولِ وَجُوهُهُمْ، نَصْرَةً بِالْفَضْلِ عُيُونُهُمْ، يَدِينُونَ بِدِينِ الْحَقِّ وَأَهْلِهِ... فَإِذَا اشْتَدَّتْ أَرْكَانُهُمْ، وَتَقَوَّمَتْ أَعْمِدَتُهُمْ، قَدِمَتْ بِمَكَانَتِهِمْ طَبَقَاتُ الْأَمَمِ إِلَى مُبَايَعَتِكَ، فِي ظِلَالِ دَوْحَةٍ بَسَقَتْ عُصُونُهَا عَلَى حَاقَاتِ بَحِيرَةِ الطَّبْرِتِيَّةِ فَعِنْدَهَا يَتَلَأَأُ لِأَصْبَحِ الْحَقِّ، وَيَتَجَلَّى ظَلَامُ الْبَاطِلِ، وَيَقْصِمُ اللَّهُ بِكَ الطُّغْيَانَ، وَيُعِيدُ مَعَالِمَ الْإِيمَانِ. فَيَطْهَرُ بِكَ أَقْسَامَ الْأَفَاقِ، وَيُظْهِرُ بِكَ السَّلَامَ لِلرِّفَاقِ. يُوَدُّ الطُّفْلُ فِي الْمَهْدِ لَوِاسْتِطَاعَ إِلَيْكَ نَهْوضًا. وَنَوَاشِطُ الْوُحْشِ لَوِوَجَدَ نَحْوَكَ مَجَازًا. تَهْتَرُّ بِكَ أَطْرَافُ الدُّنْيَا بِهَجَّةٍ، وَتَهْتَرُّ بِكَ أَعْطَافُ الْعُرِّ نَصْرَةً، وَتَسْتَقِرُّ بَوَاقِي الْحَقِّ فِي قَرَارِهَا، وَتَثُوبُ شَوَارِدُ الدِّينِ إِلَى أَوْكَارِهَا. تَتَهَاوَلُ عَلَيْكَ سَحَابُ الظُّفْرِ، وَيُخْتَقُّ كُلُّ عَدُوٍّ، وَيُنْصَرُّ كُلُّ وَلِيٍّ، فَلَا يَبْقَى عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ جَبَّارٌ قَاسِطٌ، وَلَا جَاحِدٌ غَامِظٌ، وَلَا شَانِيَةٌ مُبْغِضٌ، وَلَا مُعَانِدٌ كَاشِحٌ - وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ، إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ، قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا.»^(۱)

«فرزندم! گویی تو را می بینم هنگامی که نصرت خدا بر تو نازل شده و فرج هموار گشته و شکوه و عظمت تو اوج گرفته، پرچم های سفید و زردی بالای سرت به هنگام گردش تو بین حطیم (میان رکن و مقام) و زمزم به اهتزاز درآمده، دست ها پیاپی به عنوان بیعت به سوی تو دراز می شود و دوستان یکی پس از دیگری با تو مصادف می شوند و کارها و گام ها با نظم خاصی در ضمن پیام های مکرر پیموده می شود و دست ها در کنار حجرالاسود به آستانت سوده می شود، از سوی گروهی که خداوند آنان را با پاکی نطفه و پاکیزگی سرشت، پاک و پاکیزه نموده است، دل های آنان از آلودگی نفاق پیراسته، قلب های آنان از تیرگی

اختلاف پاکیزه، روح و روانشان برای پذیرش احکام دین آماده، مشت‌هایشان در برابر تجاوزگران گره کرده، چهره‌هایشان برای پذیرش حق گشاده، دیده‌گانشان از فضل خدا خیره کننده، به آیین حق گرویده و در راه اهل حق گام سپرده‌اند، چون شالوده کارشان استوار شود و پایه‌های دعوتشان محکم گردد، با دستیاری آنان همه طبقات مردم، از هر تیره و نژادی به بیعت تو می‌شتابند و در زیر درختان سر به فلک کشیده باغی که شاخه‌های درختانش روی دریاچه طبریه (در شمال فلسطین) سایه انداخته، دست بیعت با تو می‌دهند، در این هنگام فجر دولت حق می‌دمد و تاریکی باطل از صحنه گیتی برچیده می‌شود، خداوند با دست تو کمر ستمگران را می‌شکند، شعایر دین را باز می‌گرداند، آفاق جهان را روشن می‌سازد، آرامش و صلح را از کران تا کران برقرار می‌کند، کودکی که در گهواره آرمیده، آرزو می‌کند که بتواند به سوی تو بشتابد، وحشیان صحرا آرزو می‌کنند که بتوانند به سویت راهی بیابند، اقطار و اکناف جهان سبز و خرم می‌شود، چهره دنیا خندان و قلّه‌های شرف و عظمت از تو شاداب و خرامان می‌گردد، شالوده حق استوار شده و فراری‌های احکام دین به آشیانه‌های خود باز می‌گردند، ابرهای پیروزی، باران نصرت را سیل آسا بر تو فرو می‌ریزند، دشمنانت خوار و زبون و دوستانت عزیز و پیروز می‌شوند، در روی زمین از ستمگران جنایتگر و منکران طغیانگر و دشمنان تجاوزگر و مخالفان عنادگر، احدی باقی نمی‌ماند و هر کس به خدا توکل کند، خداوند او را بس است، خداوند امر خود را به پایان می‌رساند، که خداوند برای هر چیزی اندازه‌ای مقرر نموده است.»

امام صادق علیه السلام در مورد آن روز خجسته می‌فرماید:

«أَوَّلُ مَا يَنْطِقُ بِهِ هَذِهِ الْآيَةُ: (بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ)، ثُمَّ يَقُولُ: أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ وَحُجَّتُهُ وَخَلِيفَتُهُ عَلَيْكُمْ، فَلَا يُسَلَّمُ عَلَيْهِ مُسْلِمٌ إِلَّا قَالَ: فَإِذَا اجْتَمَعَ عَلَيْهِ الْعَقْدُ: وَهُوَ عَشْرَةٌ أَلْفٍ رَجُلٍ، لَمْ يَبْقَ فِي الْأَرْضِ مَعْبُودٌ دُونَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ صَنَمٍ أَوْ وَثْنٍ أَوْ غَيْرِهِ إِلَّا وَقَعَتْ فِيهِ نَارٌ فَأَخْرَقَتْهُ.»^(۱)

«نخستین کلامی که به زبان می آورد، تلاوت این آیه شریفه است: ﴿بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾^(۱) سپس می فرماید: بقیه الله من هستم، حجت خدا و جانشین او در میان شما من هستم، هیچ مسلمانی در روی زمین نمی ماند جز این که عرضه می دارد: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ». سلام بر تو ای یکتا بازمانده خدا بر روی زمین، آنگاه اهل حل و عقد که ده هزار نفر هستند، در اطراف او حلقه می زنند، در روی زمین جز خدای تبارک و تعالی هیچ معبودی از بت و غیر آن نمی ماند، جز این که آتشی بر آن افتاده، آن را می سوزاند.»

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ هَدَمَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ حَتَّى يَرُدَّهُ إِلَى أَسَاسِهِ، وَحَوَّلَ الْمَقَامَ إِلَى الْمَوْضِعِ الَّذِي كَانَ فِيهِ، وَقَطَعَ أَيْدِي بَنِي شَيْبَةَ وَعَلَّقَهَا عَلَى بَابِ الْكَعْبَةِ وَكَتَبَ عَلَيْهَا: هُوَ لَأِ سُرَاقِ الْكَعْبَةِ!»^(۲)

«چون قائم قیام کند، مسجد الحرام را خراب می کند و به پایه اولی باز می گرداند، مقام ابراهیم را به محل سابق خود برمی گرداند و دست های بنی شیبه را قطع کرده، از در کعبه آویزان می کند و بر روی آن می نویسد: اینها دزدان کعبه هستند!»

امام صادق در مورد روش تدریس قرآن می فرماید:

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ قَرَأَ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى حَدِّهِ، وَأَخْرَجَ الْمُصْحَفَ الَّذِي كَتَبَهُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ.»^(۳)

«چون قائم قیام کند، کتاب خدای تبارک و تعالی را آن چنان که هست، تلاوت

می کند و قرآنی را که امیرمؤمنان علیه السلام نوشته بیرون می آورد.»

در همین رابطه روایت شده است:

«أَخْرَجَهُ عَلِيُّ إِلَى النَّاسِ حِينَ فَرَّغَ مِنْهُ وَكَتَبَهُ، فَقَالَ لَهُمْ: هَذَا كِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ كَمَا أَنْزَلَهُ

اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ صلوات الله عليه وآله فَقَدْ جَمَعْتُهُ مِنَ اللَّوْحَيْنِ فَقَالُوا: هُوَذَا عِنْدَنَا مُصْحَفٌ جَامِعٌ فِيهِ الْقُرْآنُ،

لَا حَاجَةَ لَنَا فِيهِ! فَقَالَ: أَمَا وَاللَّهِ مَا تَرَوْنَهُ بَعْدَ يَوْمِكُمْ هَذَا أَبَدًا!!! إِنَّمَا كَانَ عَلِيٌّ أَنْ أَخْبَرَكُمْ حِينَ

جَمَعْتُهُ لِتَقْرَأُوهُ.»^(۴)

۲ - ارشاد مفید، ص ۳۴۳.

۱ - سوره هود (۱۱) آیه ۸۶.

۴ - همان، ص ۶۳۳.

۳ - اصول کافی، ج ۲، ص ۶۳۳.

«هنگامی که امیرمؤمنان از نوشتن قرآن کریم فارغ شد، آن را بر مردم عرضه کرد و فرمود: این کتاب خدای عزوجل است، آن را از دو لوح آن چنان که خدایش بر محمد صلی الله علیه و آله فرو فرستاده، گرد آورده‌ام، مردم گفتند: ما مصحفی داریم که همه آیات قرآنی را در بردارد، دیگر نیازی به قرآن شما نداریم، امیرمؤمنان فرمود: به خدا سوگند، دیگر بعد از امروز آن را نخواهید دید! من وظیفه داشتم هنگامی که از نوشتن آن فارغ شدم، آن را بر شما عرضه کنم تا شما آن را بخوانید.»

بارالها! سلام و تحیت ما را بر امیر و سالار مؤمنان بپذیر که با دستان مبارکشان کتاب آسمانی قرآن را به ثمر رساندند و به راستی اگر دیروز نااهلان قدرناشناسی کرده و غم و اندوه بر قلب پاک ابرمردی همچون امیرمؤمنان افکندند و غربت را بدرقه راهشان نمودند، در فردایی نه چندان دور، شیعیان، محبان و عاشقان آن حضرت، گل‌های عشق و شادی را بر مقدمشان نثار خواهند کرد.

همانان که در روز موعود با قطره قطره خونی که در رگ‌هایشان جاری است راه والی یزدان را خواهند شست و با اشک چشمانشان، گلاب عطرآگین عشق را بر جاده سرسبز ایثار و رشادت خواهند پاشید.

آری ای علی، ای شافع فردای قیامت همه منتظریم تا بار دیگر با نهال عرش الهی بیایی، بیایی تا عاشقان کویت غبار قدمگاهتان را سرمه چشمانشان نمایند و هزاران بوسه بر آن دست‌ها بزنند که کلام وحی را به نگارش درآورده و برای سعادت بشر پابرنه سرمایه‌ای بس عظیم قرار داده است و تو ای علی، ای دادرس مظلومان با کتاب آسمانی قرآن بیا، بیا تا با تو ای یدالله فوق ایدیهم پیروزی و بهروزی را که خداوند وعده داده است جشن بگیریم و خط بطلان بر ظلم ظالمان زنیم و یاد و نامشان را برای همیشه از خاطره برده و میان حق و باطل پرده‌ای آهنین کشیم.

آری بیا، با فرزندان برومندت حسین و مهدی بیا.

بیا با صدای خوش محمد، بیا اگر دیروز بها و ارزش کار و تلاشت را نفهمیدند در فردایی درخشان‌تر از همیشه، همه آنانی که در انتظارت هستند با عبادت و

اطاعت و با فرمانبرداری از کلام حق ثابت خواهند کرد که عزت و شرف مکتب امید بخش اسلام و قرآن تا بی نهایت ادامه خواهد داشت.

. بیا تا آیه آیه های آن کتاب آسمانی را به عنوان تبرک بر چشمانمان گذاریم و همچنان به فرمان خدای لایزال گردن نهیم که وظیفه یک شیعه واقعی همین است و بس.

اما تو ای شیعه علی ابن ابی طالب خوب می دانی که برای حفظ و حراست از این نهال آسمانی چه خون ها ریخته شده و چه کسانی مظلوم واقع شده اند، آیا به راستی دنیا مظلوم تر از مظلومه ای همچون خانم حضرت زهرا علیها السلام به چشم دیده است، تا آنجا که حضرت علی همسر و یار وفادار حضرت زهرا می فرماید: به شیعیانم بگوئید زهرای من آنقدر سیلی خورده که صورتش کبود شده، از آنان بپرسید به راستی چرا کبود شده است؟

آری، باید از شیعیان علی پرسید چرا صورت همچون گل زهرای اطهر، آن بانوی دو سرا و آن محبوبه پروردگار کبود شده است، همان بانویی که سعی می کرد تا از ناطق قرآن و آن ابر مرد تاریخ که مظلوم واقع شده بود دفاع کند، خدایا تو را قسم به آن دوران پر از غم و اندوه این دو بزرگوار، خدایا تو را قسم به آن مظلوم و مظلومه، همان مظلومه ای که قره عین الرسول بود، تو را قسم به آن مظلومه ای که ام ابیها بود، تو را قسم به اشک های پر خون آن مظلومه که در خلوت جاری شد دیگر اذن ظهور مهدی آل محمد را فرمان ده، پروردگارا! تو را قسم به پنج تن آل عبا دیگر ظهور مهدی را به همه بیچارگان عالم هدیه نما.

آری، ای خدای سبحان و ای خدای دو جهان تو را به نام تو می خوانیم.
 «اللهم انی استلک بسمک یا الله، یا الله، یا رحمن، یا رحمن، یا رحمن، یا رحمن، یا رحیم، یا رحیم، یا ذالجلال والاکرام، یا ذالجلال والاکرام، سبحانک یا لا اله الا انت.»

منزهی ای پروردگار، ای آن که معبودی جز تو نیست، سپاس بی انتها تو را سزااست، ای آن که آگاهی به آشکار و پنهان این جهان ره گم کرده در بحر بلا، پس الهی مددی، الهی یا حمید به حق محمد، یا عالی به حق علی، یا فاطر به حق فاطمه، یا محسن به حق الحسن، یا قدیم الاحسان به حق الحسین.

پروردگارا! تو را قسم به حرمت و آبروی پنج تن آل عبا، دیگر دعای رنج‌دیدگان عالم را به اجابت رسان که به تحقیق تویی خدای ارجمند حکیم، خدایی که هم اول است و هم آخر، هم ظاهر است و هم باطن و اوست که به هر چیزی آگاه و داناست، با امید بی‌نهایت در انتظار آن رحمت بی‌پایان هستیم.

همچنین امیرمؤمنان در مورد آن کتاب آسمانی فرمودند:

«وَاللَّهِ لَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْهِ بَيْنَ الرَّكْنِ وَالْمَقَامِ، يُبَايِعُ النَّاسَ بِأَمْرِ جَدِيدٍ، وَكِتَابٍ جَدِيدٍ، وَسُلْطَانٍ جَدِيدٍ مِنَ السَّمَاءِ.»^(۱)

«به خدا سوگند، گویی او را در میان رکن و مقام با چشم خود می‌بینم که از مردم برای امری تازه، کتابی تازه و حکومت آسمانی تازه بیعت می‌گیرد.»
در دیگر روایات نیز آمده است: حضرت مهدی در آن روز حساس و سرنوشت ساز شخصی را به عنوان نایب در شهر مکه می‌گذارد و به قصد مدینه شهر را ترک می‌کند اهل مکه نایب آن حضرت را می‌کشند حضرت به سوی آنان بر می‌گردد، آنان سرشکسته و گریه کنان التماس کرده و توبه می‌کنند، حضرت مهدی آنان را موعظه کرده و از غضب خدا می‌ترساند و شخصی از اهل مکه را به نیابت خود انتخاب می‌کند و سپس از مکه خارج می‌شود این بار اهل مکه نیز هجوم می‌آورند و نایب آن حضرت را می‌کشند، حضرت مهدی هم از قضیه با خبر شده آنگاه یاوران خود از طایفه جن را به سوی مکه فرستاده و سفارش می‌کند جز افراد با ایمان یک نفر از آنان را باقی نگذارید؛ زیرا آنان از خداوند و من فاصله گرفته و هرگونه پیوندی را قطع کرده‌اند، در همین رابطه سپاه حضرت مهدی به سوی اهل مکه بازگشته و از هر هزار نفر یک نفر را هم باقی نگذاشته و همه آنان را به هلاکت می‌رسانند.^(۲)

امام محمد باقر در مورد سپاه حضرت مهدی و حرکت آنان به سوی کوفه می‌فرماید:

«إِذَا قَامَ بِمَكَّةَ وَأَزَادَ أَنْ يَتَوَجَّهَ إِلَى الْكُوفَةِ نَادَى مُنَادِيَهُ: أَلَا لَا يَخْمِلُنَّ أَحَدٌ طَعَاماً وَلَا

شَرَاباً. وَيُحْمَلُ مَعَهُ حَجَرٌ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ قَرَبَعِيرٍ، فَلَا يَنْزِلُ مَنْزِلاً إِلَّا انْفَجَرَتْ مِنْهُ عِيُونَ، فَمَنْ كَانَ جَائِعاً شَبَعٌ، وَمَنْ كَانَ ظَامِئاً رَوِي، وَرَوَيْتَ دَوَابَّهُمْ. فَهَوَّزَادُهُمْ حَتَّى يَنْزِلُوا النَّجْفَ مِنْ ظَهْرِ الْكُوفَةِ. فَيَخْرُجُ بِهَا بِضْعَةُ عَشْرٍ أَلْفاً يَدْعُونَ الثَّبْرَةَ مِنْهُ وَيَقُولُونَ: إِزْجِعْ مِنْ حَيْثُ أَتَيْتَ، فَلَا حَاجَةَ لَنَا فِي بَنِي فَاطِمَةَ، فَيَضَعُ فِيهِمُ السَّيْفَ حَتَّى يَأْتِي عَلَى آخِرِهِمْ، فَيَقْتُلُ كُلَّ مُزْنَابٍ، وَيَقْتُلُ مُقَاتِلِيهِ، ثُمَّ يَنْزِلُ النَّجْفَ.»^(۱)

«هنگامی که در مکه قیام کرده، عازم حرکت به سوی کوفه شود، منادی ندا می‌کند که هیچ کس خوردنی و آشامیدنی با خود برندارد، آنگاه سنگ حضرت موسی را بر شتری حمل کرده با خود می‌برند. در هر محلی که منزل کنند از آن سنگ، چشمه‌ها سرازیر می‌شود افراد سپاه از آن می‌خورند، هر کس گرسنه باشد سیر می‌شود و هر کس تشنه باشد رفع عطش می‌کند، چارپایان نیز از آن خورده سیر می‌شوند، آن توشه آنان است تا وقتی که در پشت کوفه وارد نجف شوند، در آنجا ده هزار و اندی نفر خارج می‌شوند و از آن حضرت اظهار براءت می‌کنند و می‌گویند: از هر کجا آمده‌ای برگرد! ما را به اولاد فاطمه نیازی نیست! آنگاه (حضرت) شمشیر می‌کشد و همه را طعمه شمشیر می‌سازد، هر کس را که بعد از مشاهده آن همه آیات و بینات دچار تردید شود می‌کشد و هر کسی را که در برابر آن حضرت شمشیر بکشد، طعمه شمشیر می‌سازد، آنگاه در نجف اشرف فرود می‌آید.»

روایت است آن حضرت برای سفرهای خود در خیمه‌هایی از نور قرار می‌گیرند هم‌چنان‌که می‌خوانیم:

«يَنْزِلُ الْقَائِمُ يَوْمَ الرَّجْفَةِ بِسَبْعِ قِبَابٍ مِنْ نُورٍ وَلَا يُعْلَمُ فِي أَيِّهَا هُوَ، حَتَّى يَنْزِلَ ظَهْرَ الْكُوفَةِ.»^(۲)

«قائم به روز ظهور در هفت خیمه از نور فرود می‌آید، که معلوم نمی‌شود در کدام یک می‌باشد تا در پشت کوفه می‌نشیند.»

امير مؤمنان عليه السلام می فرماید:

«كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى شِيعَتِنَا بِمَسْجِدِ الْكُوفَةِ، وَقَدْ ضَرَبُوا الْفَسَاطِيطَ، يُعَلِّمُونَ الْقُرْآنَ كَمَا أَنْزَلَ! أَمَا إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ كَسَرَهُ وَسَوَّى قَبْلَتَهُ»^(۱)

«گویی با چشم خود می بینم که شیعیانم در مسجد کوفه خیمه زده، برای مردم قرآن را آنچنان که نازل شده آموزش می دهند، هنگامی که قائم ما ظهور کند، آن را تخریب می کند و قبله اش را درست می نماید.»

آن حضرت در حدیث دیگر می فرماید:

«طُوبَى لِمَنْ شَهِدَ هَذَا مَسْجِدِ الْكُوفَةِ مَعَ قَائِمِ أَهْلِ بَيْتِي! أَوْلَيْكَ خِيَارُ الْأُمَّةِ مَعَ أَبْرَارِ الْعِثْرَةِ»^(۲)

«خوشا به حال کسانی که به هنگام تخریب مسجد کوفه در کنار قائم اهل بیت ما حضور داشته باشند، آنان بهترین این امت هستند که در کنار بهترین عترت خواهند بود.»

امام باقر عليه السلام در ضمن روایتی می فرماید:

«فَإِذَا كَانَتِ الْجُمُعَةُ الثَّانِيَةَ قَالَ النَّاسُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ: الصَّلَاةُ خَلْفَكَ تُضَاهِي الصَّلَاةَ خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ، وَالْمَسْجِدُ لَا يَسَعُنَا. فَيَقُولُ: أَنَا مُرْتَادٌ لَكُمْ. فَيَخْرُجُ إِلَى الْغَرِيِّ وَيُصَلِّي هُنَاكَ وَيَأْمُرُ أَنْ يُحَطَّ مَسْجِدُ لَهُ أَلْفَ بَابٍ، يَسَعُ النَّاسَ، عَلَى أَصِيصٍ، وَيَأْمُرُ فَيُخْفَرُ خَلْفَ الْقَبْرِ الْحُسَيْنِيِّ نَهْرٌ يَجْرِي إِلَى الْغَرِيِّينَ حَتَّى يَنْبَدَ بِالنَّجْفِ. وَيَعْمَلُ عَلَى قَوْهَتِهِ فَنَاطِرٌ وَأَرْحَاءٌ فِي السَّبِيلِ وَكَأَنِّي بِالْعَجُوزِ عَلَى رَأْسِهَا مِكْتَلٌ فِيهِ بُرٌّ حَتَّى تَطْحَنَهُ بِلَاكِرَاءٍ ثُمَّ تَسْهِلُ بِيُوثِ الْكُوفَةِ بِنَهْرِ كَرْبَلَاءَ»^(۳)

در هفته دوم (از ورود قائم به کوفه) مردم می گویند: «ای فرزند پیامبر! نماز پشت سر شما با نماز در پشت سر رسول اکرم برابری می کند و مسجد جواب گوی این همه مردم نمی باشد.»

(حضرت) به سوی نجف اشرف حرکت می کند و نماز را آنجا اقامه می کند و

۱ - يوم الخلاص، ص ۶۱۶

۲ - بشارة الاسلام، ص ۲۰۷ و ۳۹

۳ - همان، ص ۲۰۶

دستور می دهد مسجد با شکوهی با هزار در بنیاد کنند تا گنجایش آن همه جمعیت را داشته باشد، آنگاه دستور می دهد که از پشت حرم امام حسین علیه السلام نهری حفر کنند که کربلا را به نجف اشرف متصل نماید، آنگاه پل هایی روی آن و آسیاب هایی در کنار آن تأسیس می کند، گویی با چشم خود پیرمردانی را می بینم که گندم هایی را روی سرشان حمل کرده، در این آسیاب ها به طور رایگان آرد می کنند، در آن موقع خانه های کوفه به نهر کربلا (فرات) متصل می شود.»

امام محمد باقر علیه السلام در حدیث دیگر می فرماید:

«كَانِي بِالْقَائِمِ عَلَى نَجَفِ الْكُوفَةِ، وَقَدْ سَارَ إِلَيْهَا مِنْ مَكَّةَ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ: جِبْرَائِيلُ عَنْ يَمِينِهِ، وَمِيكَائِيلُ عَنْ يَسَارِهِ، وَشُعَيْبُ بْنُ صَالِحٍ عَلَى مُقَدَّمَتِهِ، وَالْمُؤْمِنُونَ بَيْنَ يَدَيْهِ، وَهُوَ يَفْرُقُ الْجُنُودَ فِي الْأَمْصَارِ، فَيَفْتَحُ الْقُسْطَنْطِينِيَّةَ وَالصِّينَ وَجِبَالَ الدَّيْلَمِ.»^(۱)

«گویی قائم را در نجف کوفه می بینم که با پنج هزار فرشته از مکه به سوی نجف شتافته، جبرائیل از دست راست و میکائیل از دست چپ و شعیب بن صالح در پیشاپیش و مؤمنان در پیرامون او حرکت می کنند و او سپاهیان را در شهرها پخش می کند، قسطنطنیه (استانبول)، چین و کوه های دیلم را فتح می نمایند.»

«حَتَّى إِذَا صَعَدَ النَّجْفَ قَالَ لِأَصْحَابِهِ: تَعَبَدُوا بَيْنَ لَيْلَتِكُمْ هَذِهِ، فَيَبْتَغُونَ رَاكِعًا وَسَاجِدًا يَتَضَرَّعُونَ إِلَى اللَّهِ، حَتَّى إِذَا أَصْبَحَ قَالَ: خُذُوا بِنَا طَرِيقَ النَّخِيلَةِ، وَعَلَى الْكُوفَةِ خَنْدَقٌ مُخَنْدَقٌ، حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى مَسْجِدِ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام بِالنَّخِيلَةِ، فَيُصَلِّي فِيهِ رَكَعَتَيْنِ، فَيَخْرُجُ إِلَيْهِ مَنْ كَانَ بِالْكَوْفَةِ مِنْ مُزَجِّتَةٍ وَغَيْرِهِمْ مِنْ جَيْشِ السُّفْيَانِيِّ، فَيَقُولُ لِأَصْحَابِهِ: اسْتَطْرِدُوا لَهُمْ، ثُمَّ يَقُولُ: كُرُّوا عَلَيْهِمْ، فَلَا يَجُوزُ الْخَنْدَقُ مِنْهُمْ مُخْبِرٌ، وَيَدْخُلُ الْكُوفَةَ.»^(۲)

«چون وارد نجف اشرف شود به یاران خود می فرماید: امشب را با عبادت سپری کنید، آن شب را در حال رکوع، سجود، گریه و مناجات با خدا سپری می کنند، چون صبح شود می فرماید: به سوی نخيله حرکت کنید، آن روز در اطراف کوفه خندق خواهد بود، به سوی نخيله حرکت می کنند و در نخيله به مسجد حضرت ابراهیم عليه السلام می رسند و در آنجا دو رکعت نماز می گذارند، پس

هر چه مرجئه و غیر آن از سپاه سفیانی باشند به سوی آن حضرت هجوم می آورند، امام به اصحاب خود فرمان می دهد عقب نشینی کنید و به دشمن فرصت دهید، سپس فرمان حمله صادر می کند، حتی یک نفر هم از آنان، از خندق نمی گذرد تا گزارش ببرد، آنگاه داخل کوفه می شود.

«ثُمَّ يَسِيرُ الْمَهْدِيُّ إِلَى مَدِينَةِ جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ، فَإِذَا وَرَدَهَا كَانَ لَهُ فِيهَا مَقَامٌ عَجِيبٌ، يَظْهَرُ فِيهَا سُورُ الْمُؤْمِنِينَ وَخِزْيُ الْكَافِرِينَ»^(۱)

«سپس مهدی به مدینه جدبزرگوارش رسول اکرم وارد می شود و در آنجا برای او مقام شگفتی است، تا آنجا که شادی مؤمنان و خواری کافران ظاهر می شود.»
امیر مؤمنان علیه السلام در این باره می فرماید:

«يَدْخُلُ الْمَدِينَةَ فَيَغِيبُ عَنْهُمْ عِنْدَ ذَلِكَ قُرَيْشٌ وَهُوَ قَوْلُ عَلِيِّ عليه السلام: وَاللَّهِ لَوَدِدْتُ قُرَيْشٌ أَنْ لِي عِنْدَهَا مَوْقِفًا جَزَرَ جَزُورٍ بِكُلِّ مَا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ أَوْ غَرَبَتْ»^(۲)

«وارد مدینه می شود و قریش از او پنهان می شوند و این است معنی سخن علی علیه السلام که فرمود: به خدا سوگند قریش آرزو می کنند که همه آنچه خورشید بر آن طلوع می کند و از آن غروب می کند مال قریش باشد و آن را بدهند تا من به مدت نحر یک شتر در کنار آنان باشم!»

«ثُمَّ يُحَدِّثُ حَدَثًا.. فَإِذَا فَعَلَ قَالَتْ قُرَيْشٌ: أَخْرُجُوا بِنَا إِلَى هَذَا الطَّائِفَةِ فَوَاللَّهِ لَوْ كَانَ مُحَمَّدِيًّا مَا فَعَلَ! وَلَوْ كَانَ عَلَوِيًّا مَا فَعَلَ! وَلَوْ كَانَ فَاطِمِيًّا مَا فَعَلَ! فَيَمْنَحُهُ اللَّهُ أَكْتَانَهُمْ فَيَقْتُلُ الْمُقَاتِلَةَ وَيَسْبِي الذُّرِّيَةَ»^(۳)

«آنگاه (حضرت مهدی) حادثه‌ای پدید می آورد که قریش می گوید: ما را نزد این افراط گر ببرید که اگر از تبار محمد بود چنین نمی کرد! و اگر از نسل علی بود چنین نمی کرد و اگر از اولاد فاطمه بود چنین نمی کرد! خداوند او را برگرداند آنان مسلط می سازد، جنگجوهای آنان را می کشد و خردسالان آنان را اسیر می گیرد.»

۱ - الزام الناصب، ص ۲۱۷.

۲ - بشارة الاسلام، ص ۲۲۸.

۳ - الملاحم و الفتن، ص ۵۲.

«يَقُولُ فِي الْمَدِينَةِ مُخَاطِباً جَدَّهُ ﷺ: يَا جَدَّاهُ، وَصَفْتَنِي وَدَلَلْتَ عَلَيَّ، وَنَسَبْتَنِي وَسَمَّيْتَنِي وَكَنَيْتَنِي، فَجَحَدْتَنِي الْأُمَّةَ وَقَالَتْ: مَا وُلِدَ، وَلَا كَانَ، وَأَيْنَ هُوَ؟ وَمَتَى كَانَ؟ وَأَيْنَ يَكُونُ؟ وَقَدْ مَاتَ وَلَمْ يُعَقَّبْ (أي أبوه) وَلَوْ كَانَ صَاحِباً مَا أَخْرَجَهُ اللَّهُ تَعَالَى إِلَى هَذَا الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ، فَصَبَرْتُ مُخْتَسِباً، وَقَدْ أَذِنَ اللَّهُ لِي فِيهَا بِإِذْنِهِ»^(۱)

«در مدینه منوره (در کنار ضریح مقدس پیامبر اکرم) خطاب به جد بزرگوارش، عرضه می‌دارد: ای جد بزرگوار! مرا با نام و نشانی معرفی کردی، اسم و کنیه‌ام را بیان فرمودی، همه را به سوی من رهنمون شدی، ولی امت مرا انکار کرد و گفت: متولد نشده، وجود نداشته، کجاست کی و کجا بوده؟ پدرش در گذشته، فرزندی نداشته! و اگر صحت داشت تاکنون دیر نمی‌کرد! من در برابر همه اینها صبر کردم و شکیبایی نمودم و اینک خداوند به من اذن داده است.»

در روایت آمده است: مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام در مورد حضرت مهدی علیه السلام سؤال کرد: ^(۲) حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از مکه به کجا می‌رود؟ حضرت فرمودند: مهدی آل محمد به مدینه جدم رسول خدا می‌رود و باعث مسرت مؤمنان و ندمت کفار می‌شود، مفضل گفت: یا بن رسول الله آن مقام عجیب چیست؟ آن حضرت فرمود: کنار قبر پیغمبر می‌آید و صدا می‌زند آیا این قبر جد من است؟

مردم می‌گویند: آری، ای مهدی آل محمد این قبر پیغمبر جد تو است.

سپس آن حضرت می‌پرسد! چه کسانی با وی در اینجا مدفون هستند؟

مردم می‌گویند: دو نفر از اصحاب و انیس او.

آنگاه آن حضرت سؤال می‌کند: آنان چه کسانی‌اند؟ چطور شد که در میان

تمام مردم فقط این دو نفر با جد من پیغمبر خدا در این مکان دفن شده‌اند! شاید

کسان دیگری مدفون باشند؟

مردم می‌گویند: ای مهدی آل محمد کسی غیر از این دو نفر در اینجا مدفون

نیست اینها هم از این جهت در اینجا دفن شده‌اند که خلیفه پیغمبر و پدر زن

او هستند.

حضرت مهدی سه بار این سؤال را تکرار می‌کند سپس دستور می‌دهد آن دونفر را از قبر بیرون بیاورند؛ مردم هم طبق دستور آن حضرت، آنان را بیرون می‌آورند در حالی که بدن آنان تر و تازه است و اصلاً نپوسیده و تغییر نکرده‌اند. بار دیگر حضرت مهدی می‌پرسد، آیا کسی در میان شما هست که اینان را بشناسد؟ مردم می‌گویند: ما آنان را به اوصافشان می‌شناسیم، اینان انیس جد شما هستند.

حضرت می‌پرسد: آیا در میان شما کسی هست جز این بگوید یا درباره اینان شک کند؟ مردم می‌گویند: نه! حضرت مهدی بیرون آوردن آنان را از قبر سه روز به تأخیر می‌اندازد و این خبر در میان مردم منتشر می‌شود، سپس حضرت مهدی به آن مکان مقدس آمده و روی قبرهای آنان را بر می‌دارد و به نقبای خود می‌فرماید: قبرهای اینان را بشکافید و نقبا، آنان را تر و تازه از قبر بیرون می‌آورند، حضرت دستور می‌دهد کفن‌های آنان را در بیاورید و سپس دستور می‌دهد تا آنان را بر درخت پوسیده و خشکی بر دار کنند، بلافاصله درخت سرسبز و پرشاخ و برگ و خرم شود، دوستان آنان با مشاهده این وضع می‌گویند: به خدا قسم این شرافت حقیقی است که اینها دارند و ما هم به دوستی اینان فائز شده‌ایم و هر کس اندک محبتی داشت با دیدن آن منظره فریفته گشته تا آنجا که یکی از اصحاب به دستور حضرت مهدی خطاب به مردم می‌گوید: هر کس این دو صحابه پیغمبر و انیس او را دوست می‌دارد در یک سمت بیايستند، در این لحظه مردم دو دسته می‌شوند، دسته‌ای به عنوان دوست و دسته‌ای به عنوان دشمن. سپس حضرت مهدی به دوستان آن دونفر دستور می‌دهد از آنان بیزاری بجوید؛ آنان می‌گویند: ای مهدی آل محمد، ما پیش از آنکه بدانیم اینان در نزد خدا و تو چنین مقامی دارند از آنان بیزاری نجستیم، اکنون که فضل و مقام آنان برای ما ظاهر شده، چگونه با دیدن بدن تر و تازه آنان و سبز شدن درخت پوسیده از آنان بیزاری بجویم؟ به خدا قسم، ما از تو و کسانی که عقیده به تو دارند و آنانی که به اینان ایمان ندارند و از قبر بیرون آورده و بر دار زده‌اند بیزاری می‌جویم. در این وقت حضرت مهدی به امر خداوند

دستور می دهد باد سیاهی بر آنان بوزد و آنان را مانند ریشه های پوسیده درخت نخل از میان می برد، سپس دستور می دهد آنان را از بالای دار، پایین بیاورند و سپس به امر خداوند آنان را زنده می گرداند و دستور می دهد تمام مردم جمع شوند آنگاه اعمال آنان را در هر کوره و دوره ای شرح می دهد، داستان کشته شدن هابیل فرزند آدم و برافروختن آتش برای ابراهیم و انداختن یوسف در چاه و زندانی شدن یونس در شکم ماهی و قتل یحیی و دار کشیده شدن عیسی و شکنجه دادن جرجیس و دانیال پیغمبر و زدن سلمان فارسی و آتش زدن در خانه امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا و حسن و حسین علیهم السلام و تازیانه زدن به بازوی صدیقه کبری فاطمه زهرا و در به پهلوی مبارک آن حضرت زدن و سقط شدن محسن بچه او و سم دادن به امام حسن و کشتن امام حسین و اطفال و عمو زادگان و یاوران آن حضرت و اسیر کردن فرزندان پیغمبر صلی الله علیه و آله و ریختن خون آل محمد و هر خونی که به ناحق ریخته شده و هر زنی که مورد تجاوز قرار گرفته و هر خیانت و اعمال زشت و گناه و ظلم و ستم که از زمان حضرت آدم تا موقع قیام قائم از بنی آدم سر زده همه و همه را به گردن اولی و دومی انداخته و بر آنان ثابت می کند و ملزم می گرداند و آنان هم اعتراف می کنند، آنگاه دستور می دهد هر کس حاضر است و از آنان ظلمی دیده قصاص کند، آنان هم قصاص می کنند، سپس آنان را دوباره بر همان درخت به دار می کشد و امر می کند آتشی از زمین بیرون آمده آنان را با درخت می سوزاند، آنگاه به باد دستور می دهد تا خاکسترشان را به آب دریاها بپاشد.

مفضل عرض کرد: آقا! آیا این عذاب آخر آنان است؟ حضرت فرمودند: نه! ای مفضل به خدا قسم فردای قیامت هر مؤمن و کافری به صحرای محشر می آیند و آقای بزرگ رسول خدا صلی الله علیه و آله و صدیق اکبر امیرالمؤمنین و فاطمه و حسن و حسین و ائمه اطهار علیهم السلام نیز حاضر می شوند و همه آنان از آن دو نفر قصاص می کنند، تا جایی که آن دو نفر را در هر شبانه روز هزار بار می کشند و باز به امر خداوند به صورت اول بر می گردانند تا بار دیگر عذاب شوند.

﴿يُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ﴾^(۱)

«خداوند ستمگران را بی راه می‌گذارد و هر چه بخواهد انجام می‌دهد.»

﴿جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا وَيَشْسُ الْقَرَارُ﴾^(۲)

«(در آن سرای هلاکت که) جهنم است وارد می‌شوند و چه بدقرار گاهی

است.»

امیرمؤمنان مسیر جنگ‌های حضرت مهدی را این‌گونه ترسیم می‌فرمایند:

«ثُمَّ يَتَوَجَّهُ الْمَهْدِيُّ إِلَى الْقُدْسِ الشَّرِيفِ بِأَلْفِ مَرْكَبٍ، فَيَنْزِلُونَ الشَّامَ وَفَلَسْطِينَ بَيْنَ

صُورٍ وَعَكَا وَعَزَّةَ وَعَسْقَلَانَ. وَيَنْزِلُ الْمَهْدِيُّ بَيْتَ الْمُقَدِّسِ.»^(۳)

«آنگاه مهدی با هزار مرکب به سوی قدس شریف حرکت می‌کند و در شام،

فلسطین، صور، عکا، غزه و عسقلان منزل می‌گزیند، سپس مهدی وارد بیت

المقدس می‌شود.»

آن حضرت در حدیث دیگر می‌فرماید:

«وَيَتَوَجَّهُ إِلَى الْأَفَاقِ، فَلَا يَبْقَى مَدِينَةٌ وَطَنُهَا ذُو الْقَرْنَيْنِ إِلَّا حَلَّهَا وَأَصْلَحَهَا. وَلَا يَبْقَى كَافِرٌ

إِلَّا هَلَكَ عَلَى يَدَيْهِ، وَيَشْفِي اللَّهُ قُلُوبَ أَهْلِ الْإِسْلَامِ.»^(۴)

«آنگاه متوجه اقطار و اکناف جهان می‌شود، هیچ شهری نمی‌ماند از

شهرهایی که ذوالقرنین وارد شده بود، جز این‌که در آن گام نهاده، آن را اصلاح

می‌کند و هیچ کافری بر کفر خود باقی نمی‌ماند مگر این‌که به دست او هلاک

می‌شود، خداوند به دست او دل‌های مسلمانان را تسکین می‌بخشد.»

«أَوَّلُ لِقَاءِ يَنْقُذُ الْمَهْدِيَّ، يَبْعَثُهُ إِلَى التُّرْكِ فَيَهْزِمُهُمْ، وَيَأْخُذُ مَا مَعَهُمْ مِنَ السَّبْيِ وَالْأَمْوَالِ.

ثُمَّ يَسِيرُ إِلَى الشَّامِ فَيَنْتَحِبُهَا، ثُمَّ يُغْتَبِقُ كُلَّ مَمْلُوكٍ وَيَعْوِضُ عَلَى أَصْحَابِهِ.»^(۵)

«نخستین پرچمی را که مهدی ترتیب می‌دهد، به سوی ترک‌ها می‌فرستد و

آنان را شکست می‌دهد و تمام اسیران و اندوخته‌های آنان را بر می‌دارد و به

۱ - سورة ابراهيم (۱۴) آیه ۲۷.

۲ - همان، آیه ۲۹.

۳ - الزام الناصب، ص ۲۲۸.

۴ - همان، ص ۲۲۸.

۵ - بشارة الاسلام، ص ۱۸۵.

سوی شام حرکت می کند و آنجا را فتح می نماید، سپس همه بردگان را آزاد می کند و قیمت آنان را به یارانش می پردازد.

امام باقر علیه السلام در همین باره می فرماید:

«يُقَاتِلُ السُّفْيَانِيَّ التُّرْكُ، ثُمَّ يَكُونُ اسْتِثْصَالَهُمْ عَلَى يَدِ الْمَهْدِيِّ. وَأَوَّلُ لُؤَاءِ يَغْقَدُهُ الْمَهْدِيُّ يُبْعَثُ إِلَى التُّرْكِ.»^(۱)

«سفیانوی با ترکها می جنگد، ولی شکست آنان به دست مهدی است، نخستین پرچمی را که مهدی ترتیب می دهد به سوی ترکها می فرستد.»

امیر مؤمنان در مورد حرکت مسیر آن حضرت می فرماید:

«وَيَسِيرُ إِلَى الْبَصْرَةِ حَتَّى يُشْرِفَ عَلَى بَحْرِهَا، وَمَعَهُ التَّابُوتُ وَعَصَا مُوسَى. فَيَعْرِمُ عَلَيْهِ فَيَزْفُرُ فِي الْبَصْرَةِ زَفْرَةً فَتَصِيرُ بَحْرًا لُجِّيًّا، لَا يَبْقَى فِيهَا غَيْرَ مَسْجِدِهَا كَجُوجِ السَّفِينَةِ عَلَى ظَهْرِ الْمَاءِ.»^(۲)

«به سوی بصره حرکت می کند تا به دریای آن (خلیج فارس) مشرف می شود و به سوی آن عزیمت می کند و در بصره انفجاری رخ می دهد که تبدیل به یک دریای ژرف می شود که چیزی از آن نمی ماند مگر مسجد آن که همانند دکل کشتی بر روی آب دیده می شود.»

امام صادق در مورد درگیری آن حضرت با قوم یهود می فرماید:

«وَمِنَ الْقَدِّ عِنْدَ الظُّهْرِ تَتَلَوَّنُ الشَّمْسُ وَتَصْفَرُّ فَتَصِيرُ مُظْلِمَةً. وَيَوْمَ الثَّلَاثِ يَفْرُقُ اللَّهُ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ، وَتَخْرُجُ دَابَّةُ الْأَرْضِ، وَتَنْزِلُ الرُّومُ إِلَى سَاحِلِ الْبَحْرِ عِنْدَ كَهْفِ الْفِتْيَةِ فَيُبْعَثُ اللَّهُ الْفِتْيَةَ مِنْ كَهْفِهِمْ مَعَ كَلْبِهِمْ. مِنْهُمْ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ: مِلْحَاءٌ، وَآخَرٌ: حَمْلَاهَا، وَهُمَا الشَّاهِدَانِ الْمُسْلِمَانِ لِلْقَائِمِ. قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا، وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ﴾ وَهَؤُلَاءِ هُمُ الْأَشْهَادُ: أَيِ الشُّهُودِ الَّذِينَ يُسَلَّمُونَ عَلَى الْقَائِمِ بِاسْمِهِ.»^(۳)

«به هنگام ظهر، روز بعد خورشید رنگین و زرد و تیره می شود و در روز سوم خداوند حق و باطل را از یکدیگر جدا می سازد. "دابة الارض" خارج می شود و

رومیان در کرانه دریا در نزدیکی غار اصحاب کهف فرود می آیند و خداوند اصحاب کهف را همراه با سگشان بر می انگیزد، یکی از آنان "میلخاء" نام دارد و یکی دیگر "حملاها" این دو نفر، دو شاهدی هستند که بر حضرت مهدی شهادت می دهند و سلام می گویند، چنان که خدای تبارک و تعالی می فرماید: "ما پیامبران خود را نصرت می دهیم و کسانی که در دنیا ایمان آورده اند و در روزی که گواهان برخیزند." (۱) اینها همان گواهان هستند که به حضرت قائم به اسم سلام می دهند.

«يَبْعَثُ الْمَهْدِيَّ بَعَثًا لِقِتَالِ الرُّومِ وَيُرْسِلُ مَعَهُ عَشْرَةَ تَسْتَخْرِجُ تَابُوتَ السَّكِينَةِ (۲) مِنْ غَارِ انْطَاكِيَّةٍ فِيهِ التَّوْرَةُ الَّتِي أَنْزَلْتَ عَلَى مُوسَى وَالْإِنْجِيلُ الَّذِي أَنْزَلْتَ عَلَى عِيسَى، يَحْكُمُ بَيْنَ أَهْلِ (۳) التَّوْرَةِ بِتَوْرَاتِهِمْ، وَيَبَيِّنُ أَهْلَ الْإِنْجِيلِ بِإِنْجِيلِهِمْ فَيُسَلِّمُونَ.» (۴)

«مهدی سپاهی را برای نبرد با رومیان گسیل می دارد و ده نفر از فرماندهان خود را با آنان می فرستد که تابوت سکینه را از غار انطاکیه (در جنوب شرقی ترکیه) بیرون آورند، توراتی که بر موسی فرود آمده و انجیلی که بر عیسی نازل شده در همان غار است، در میان یهود با تورات خودشان داوری می کند و در میان مسیحیان با انجیل آنان حکم می کند پس اسلام می آورند.»

ائمة اطهار علیهم السلام در مورد فرماندهان آن حضرت می فرمایند:

«يَكُونُ أَهْلُ هَمْدَانَ وَزُرَّاءَهُ، وَخَوْلَانَ جُنُودَهُ، وَجَمِيرَ أَعْوَانَهُ، وَمِصْرَ قُوَادَهُ. وَيَكْثُرُ اللَّهُ جَمْعَهُ وَيَشُدُّ ظَهْرَهُ، فَيَسِيرُ بِالْجُيُوشِ حَتَّى يَصِيرَ إِلَى الْعِرَاقِ وَالنَّاسِ خَلْفَهُ وَأَمَامَهُ.» (۵)

۱ - سورة مؤمن (۴۰) آیه ۵۱

۲ - در مورد تابوت سکینه و دیگر موارد، احادیث متعددی وجود دارد. در روایاتی آمده: تابوت سکینه در دریاچه طبریه و یا در بیت المقدس و یا در غار انطاکیه است در هر صورت، در زمان موعود به دستور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، فرشته، جن، انس موظف می شوند تا آن وسایل را از مکان مورد نظر بیرون آورده و در خدمت حضرت قرار دهند.

۳ - حکم آن حضرت بر مردم یهود و نصاری با تورات و انجیلی که تحریف نشده جاری می شود.

۴ - الزام الناصب، ص ۲۰۱.

۵ - منتخب الاثر، ص ۳۰۹.

«وزیران او از اهل همدان، و سپاه او از خولان (شمال یمن)، و معاونان او از حمیر^(۱) و فرماندهان او از مصر می‌باشند، خداوند افراد او را بسیار فراوان و پشت او را بسیار محکم می‌گرداند، پس با لشکریان خود به سوی عراق حرکت می‌کند و مردم از هر طرف شمع وجودش را در میان می‌گیرند.»

خضر پیامبر صلی الله علیه و آله نیز یکی از همراهان حضرت می‌باشد و در روایتی آمده است: «يَمْشِي الْخَضْرُ بَيْنَ يَدَيْهِ، وَيَقْفُوا ثَرَّ رَسُولِ اللَّهِ... لَهُ مَلَكٌ يُسَدُّهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَرَاهُ... يَفْتَحُ الْمَدِينَةَ الرُّومِيَّةَ بِالتَّكْبِيرِ مَعَ سَبْعِينَ أَلْفًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ يَشْهَدُونَ الْمَلْحَمَةَ الْعَظِيمَةَ، مَأْدَبَةَ اللَّهِ بِمَرْجِ عَكَا، يُبِيدُ الظُّلْمَ وَأَهْلَهُ، يُقِيمُ الدِّينَ.»^(۲)

«خضر در پیشاپیش او حرکت می‌کند و از مرام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیروی می‌نماید، برای او فرشته‌ای است، از جایی که خود نمی‌بیند یاریش می‌کند، شهر روم را تکبیر گویان فتح می‌کنند، هفتاد هزار نفر از مسلمانان این پیروزی حماسه انگیز را مشاهده خواهند کرد، الطاف بیکران خدا در صحرای "عکا" ست که ستم و ستمگران را ریشه کن کرده و دین را استوار می‌نماید.»

امام صادق علیه السلام در مورد خسف بیداء می‌فرماید: «إِذَا بَعَثَ السُّفْيَانِيُّ جَيْشَهُ مِنْ اثْنَيْ عَشَرَ أَلْفِ رَجُلٍ يَطْلُبُ الْمَهْدِيَّ مِنَ الْمَدِينَةِ إِلَى مَكَّةَ. تَنْخِيفُ بِهِ الْبَيْدَاءَ.»^(۳)

«هنگامی که سفیانی دوازده هزار نفر از سپاهش را از مدینه به دنبال حضرت مهدی رهسپار مکه می‌کند، در سرزمین بیداء به زمین کشیده می‌شوند.»
امیر مؤمنان نیز در این مورد می‌فرماید:

«... ثُمَّ يُقْبَلُ عَلَى الْقَائِمِ رَجُلٌ وَجْهُهُ إِلَى قَفَاةٍ، وَيَقِفُ بَيْنَ يَدَيْهِ، وَيَقُولُ: يَا سَيِّدِي: أَنَا بَشِيرٌ، أَمَرَنِي مَلِكٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ أَنْ أَلْحَقَ بِكَ فَأُبَشِّرَكَ بِهَلَاكِ جَيْشِ السُّفْيَانِيِّ بِالْبَيْدَاءِ. فَيَقُولُ الْقَائِمُ: بَيْنَ قِصَّتِكَ وَقِصَّةِ أَخِيكَ، فَيَقُولُ الرَّجُلُ:

كُنْتُ وَأَخِي فِي جَيْشِ السُّفْيَانِيِّ وَخَرَبْنَا الدُّنْيَا مِنْ دِمَشْقَ إِلَى الزُّوزَاءِ وَتَرَكْنَاهَا جَمَاءً،

۱ - حمیر نام قبیله‌ای از عرب فحطانیه است. ۲ - بشارة الاسلام، ص ۲۹۷.

۳ - الملاحم و الفتن، ص ۵۳.

وَخَرَّبْنَا الْكُوفَةَ، وَخَرَّبْنَا الْمَدِينَةَ وَكَسَّرْنَا الْمِنْبَرَ فِي حَضْرَةِ الرَّسُولِ، وَرَأَيْتُ بِغَالَتَا فِي مَسْجِدِهِ. وَخَرَجْنَا مِنْهَا وَعَدَدْنَا ثَلَاثُونَ أَلْفَ رَجُلٍ، نُريدُ خَرَابَ الْبَيْتِ وَقَتْلَ أَهْلِ مَكَّةَ. فَلَمَّا صِرْنَا فِي الْبَيْدَاءِ عَرَّسْنَا فِيهَا، فَصَاحَ بِنَا صَاحٌ: يَا بَيْدَاءُ، أَيْدِي الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ! فَانْفَجَرَتِ الْأَرْضُ وَابْتَلَعَتْ كُلَّ الْجَيْشِ، وَوَاللَّهِ مَا بَقِيَ عَلَيَّ وَجْهِ الْأَرْضِ عِقَالُ نَاقَةٍ فَمَا سِوَاهُ غَيْرِي وَغَيْرِ أَخِي. فَإِذَا نَحْنُ بِمَلِكٍ قَدْ ضَرَبَ وَجْهَيْنَا فَصَارَا إِلَى الْوَرَاءِ كَمَا تَرَى. فَقَالَ لِأَخِي: وَيْلَكَ يَا نَذِيرُ، إِمضِ إِلَى السُّفْيَانِيِّ بِدِمَشْقٍ فَأَنْذِرْهُ بِظُهُورِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ، وَعَرِّفْهُ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ جَيْشَهُ بِالْبَيْدَاءِ، وَقَالَ لِي: يَا بَشِيرُ، الْحَقُّ بِالْمَهْدِيِّ بِمَكَّةَ، وَبَشْرُهُ بِهَلَاكِ الظَّالِمِينَ، وَتُبَّ عَلَى يَدَيْهِ فَإِنَّهُ يَقْبَلُ تُوْبَتَكَ. فَيَمِرُّ الْقَائِمُ يَدَهُ عَلَى وَجْهِهِ فَيَرُدُّهُ سَالِمًا سَوِيًّا كَمَا كَانَ، وَيَبَايَعُهُ وَيَكُونُ مَعَهُ. (۱)

«... مردی که صورتش به طرف پشت سرش قرار دارد، به سوی قائم می شتابد و می گوید: من بشیر هستم و فرشته ای به من دستور داد که به نزد تو آمده، تو را به هلاک شدن سپاه سفیانی در سرزمین بیداء بشارت دهم، قائم می فرماید: داستان خود و برادرت را باز گوی، او می گوید: من و برادرم در سپاه سفیانی بودیم که شهرها را از دمشق تا زوراء (بغداد) خراب کردیم و به تل خاکی مبدل ساختیم، کوفه را خراب کردیم، مدینه را خراب کردیم و منبر آن را در مسجد النبی شکستیم و استرهای خود را در مسجد النبی بستیم، از مدینه با سپاهی بالغ بر سی هزار نفر به قصد تخریب کعبه و کشتار مردم مکه بیرون آمدیم، چون به سرزمین بیداء رسیدیم مقداری در آنجا اتراق نمودیم، پس ناگهان بانگی برآمد که ای سرزمین بیداء قوم ستمگر را نابودشان ساز! پس زمین شکافته شد و همه سپاه را در کام خود فرو برد، به خدا سوگند که به جز من و برادرم چیزی بر روی زمین باقی نماند، حتی افسار شتری هم نماند، پس ناگهان فرشته ای ظاهر شد و به صورت ما زد و صورت ما به عقب برگشت چنان که می بینید، آنگاه به برادرم گفت: ای نذیر! وای بر تو، برو به دمشق و سفیانی را با ظهور مهدی آل رسول بترسان و به او اطلاع بده که سپاهش در سرزمین بیداء در

دل زمین فرو رفته است و به من گفت: ای بشیرا خودت را به مکه برسان و مهدی را با هلاکت قوم ستمگر بشارت بده و با دست او توبه کن که او توبهات را می پذیرد، آنگاه حضرت قائم دست مبارکش را به صورت او می کشد و او به حال اولی بر می گردد و با آن حضرت بیعت می کند و به سپاه حق می پیوندد.»
امام صادق علیه السلام در مورد سفیانی و این جنگ سرنوشت ساز این چنین می فرماید:

«فَيَخْرُجُ بِخَيْلِهِ وَقَوْمِهِ وَرِجَالِهِ وَجَيْشِهِ، وَمَعَهُ مِئَةُ أَلْفٍ وَسَبْعُونَ أَلْفًا، فَيَنْزِلُ بِحَيْرَةَ طَبْرِيَّةَ. وَيَسِيرُ إِلَيْهِ الْمَهْدِيُّ فِي اللَّيْلِ وَيَكْمُنُ فِي النَّهَارِ وَالنَّاسُ يَتَّبِعُونَهُ حَتَّى يُوَاقِعَ السُّفْيَانِيَّ عَلَى بَحَيْرَةِ طَبْرِيَّةَ، فَيَغْضِبُ اللَّهُ عَلَى السُّفْيَانِيَّ، وَيَغْضِبُ خَلْقَ اللَّهِ لِعِزَابِ اللَّهِ تَعَالَى فَتَرْشَقُهُمُ الطَّيْرُ بِأَجْنِحَتِهَا، وَالْجِبَالُ بِصُخُورِهَا، وَالْمَلَائِكَةُ بِأَصْوَاتِهَا، وَلَا تَكُونُ سَاعَةٌ حَتَّى يُهْلِكَ اللَّهُ أَصْحَابَ السُّفْيَانِيَّ كُلَّهُمْ، وَلَا يَبْقَى عَلَى الْأَرْضِ غَيْرُهُ وَخَدَهُ، فَيَأْخُذُهُ الْمَهْدِيُّ فَيَذْبَحُهُ تَحْتَ الشَّجَرَةِ الَّتِي أُعْضَانُهَا مُدَلَاةٌ عَلَى بَحَيْرَةِ طَبْرِيَّةَ، وَيَمْلِكُ مَدِينَةَ دِمَشْقَ»^(۱)

[سفیانی] «با سپاه و قوم و اسب سوارانش که تعداد آنان بالغ بر صد و هفتاد هزار نفر است به نزدیکی دریاچه طبریه [فلسطین] می رود و آنجا فرود می آید، مهدی نیز به سوی او حرکت می کند، شب ها راه می رود و روزها مخفی می شود تا در کنار دریاچه طبریه با سپاه سفیانی روبرو می شود، آنگاه خشم خدا بر سپاه سفیانی فرود می آید و به سبب آن خشم، مخلوقات خدا نیز بر آنان برانگیخته می شوند پرندگان آنان را با بال های خود می زنند، کوه ها، سنگ های خود را بر سر آنان فرو می فرستند، فرشتگان با صدای خود بر آنان نهیب می زنند، یک ساعت نمی گذرد مگر این که خداوند همه سپاه سفیانی را هلاک می سازد، از سپاه او کسی نمی ماند مگر شخص او که تنها می شود، پس مهدی او را گرفته و در زیر درخت پر باری که شاخه هایش به سوی دریاچه طبریه فرو ریخته، سر می برد و شهر دمشق را به تصرف خود در می آورد.»

بدین ترتیب سفیانی آخرین جرثومه فساد و تباهی از خاندان بنی امیه به همراه سپاه خون خوار خویش راهی جهنم می شود تا خبر هلاکت خود و همراهانش را به اجداد کافر و معاندش برساند، کاش می شد او را در واپسین لحظات عمر پلیدش نظاره کرد که پی در پی می گوید: خدایا انتقام از خونم، خدایا انتقام از خونم! حال کدام خون معلوم نیست اگر چه این خاندان خون آشام ظلم و فساد را به معنای واقعی در لحظه لحظه های زمان به یادگار گذاشته و صفحات تاریخ را با وجود نحس خود کدر و آلوده کرده اند. آنان با اعمال شوم خود قلب بندگان خدا را شکستند و بذر غم و اندوه ابدی را در زمین دل انسان های پاک افشاندند و به راستی لعن و نفرین همیشگی بر آنان باد به سبب ظلم و ستمی که نسبت به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام روا داشتند.

خداوند در همین باره در قرآن مجید به این جنایتکاران اشاره کرده و عاقبت به شری آنان را، برای شادی قلب پاک پیامبر عظیم الشأن اسلام و خاندان بزرگوار ایشان علیهم السلام بیان فرموده و از جمله در سوره اشراء می خوانیم:

﴿ وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ وَمَا جَعَلْنَا الرِّءُوسَ الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَنُحَوِّفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا ﴾ (۱)

[یاد کن] «هنگامی را که به تو گفتیم: به راستی پروردگارت بر مردم احاطه دارد و آن رؤیایی را که به تو نمایاندیم، و (نیز) آن درخت لعنت شده در قرآن را جز برای آزمایش مردم قرار ندادیم و ما آنان را بیم می دهیم، ولی جز بر طغیان بیشتر آنان نمی افزاید.»

شیخ مفید رحمته الله در ارشاد از مسعدة بن صدقه روایت کرده که گفت: (۲) از امام جعفر صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در کوفه برای مردم خطبه خواند و پس از حمد و ثنای الهی فرمود: من سرور پیران

می‌باشم و سنتی از ایوب در من است.^(۱) به زودی خداوند کسان مرا با گذشت زمان و تغییر اوضاع روزگار مانند اولاد یعقوب گرد آورد و چون روزگار طولانی گردد، خواهید گفت: او گم شده یا مرده است.^(۲)

آگاه باشید و پیش از آن موقع صبر پیشه سازید و عذر تقصیر به پیشگاه خدا آورید شما پاکی و قدس خود را بدین وسیله از کف دادید و چراغ ایمان خود را خاموش نمودید و از کسی پیروی کردید که مالک نفس خود و شما نیست و چشم و گوش بسته بر شما حکومت می‌کند (مقصود معاویه بن ابی سفیان است) به خدا قسم، هم آنان نقص دارند و هم شما کار خلاف نمودید، اگر در انجام وظایف دینی خود ضعف نشان ندهید و در نصرت دین پیغمبر صلی الله علیه و آله یکدیگر را زیون ننمایید و در محو باطل سستی نکنید، آنان که در شجاعت به پای شما نمی‌رسند، شجاعت و نیروی خود را به رخ شما نمی‌کشند و بر شما مسلط نمی‌گردند و وظیفه دینی خود را زیر پا نمی‌گذارند و مردم را از اطاعت خداوند باز نمی‌دارند و دیگر مانند بنی اسرائیل عهد حضرت موسی حیران و سرگردان نخواهید شد.

به راستی می‌گوییم: چون اولاد مرا مقهور کنید مانند بنی اسرائیل حیران و سرگردان می‌شوید و چون از سلطه شجره ملعونه که در قرآن ذکر شده^(۳) پی در پی سیراب گردید و از کسی پیروی خواهید کرد که مردم را به گمراهی سوق می‌دهد و دعوت باطل را می‌پذیرد.^(۴) پیمانی که با دعوت کننده بسته بودید، می‌شکنید و رشته ارتباط خود را با اهل جهاد قطع می‌کنید و به کسانی

۱ - سنت ایوب، بهبودی بعد از گرفتاری بوده است.

۲ - منظور این است که مردم از بس در انتظار امام زمان صبر می‌کنند، آنان که ایمانی ضعیف دارند از گذشت زمان و نیامدن حضرت مایوس می‌شوند و می‌گویند: پس چرا نمی‌آید؟ گم شده و یا مرده است.

۳ - اشاره به آیه «وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ» است (اسراء، آیه ۶۰) که به بنی امیه تفسیر شده است.

۴ - مقصود سر سلسله بنی عباس و خلفای این دودمان است که پس از بنی امیه، مردم به آنان گرویدند و مجدداً ارتباط خود را با ائمه طاهربین (علیه السلام) که خلفای واقعی پروردگار بودند قطع کردند.

می پیوندید که اهل جنگ و جهاد در راه خدا نیستند و چون وعده‌ها و بخششی که برای جلب شما در دست دارند آب شود، وقت امتحان و پاک شدن هر کس نزدیک می‌شود و انتظار به پایان می‌رسد و وعده‌ها تحقق می‌پذیرد! و برای شما ستاره‌ای از جانب شرق^(۱) آشکار شود، سپس ماه شما ظاهر می‌شود و مانند شب چهاردهم برای شما می‌درخشد.

چون این علایم آشکار شود، توبه کنید و گناه را از خود دور سازید و بدانید که اگر از آن ستاره که از مشرق طلوع می‌کند پیروی کنید، او شما را به طریقه (شریعت) پیغمبر اسلام ﷺ رهبری نماید و از کژی و گرسنگی شفا خواهید یافت و بار سنگین تحمل را از گردن‌ها فرود می‌آورید.

خداوند در آن روز هیچ کس را بی نصیب نمی‌کند، جز آن کس که از رحمت او سرباز زند و خویشتن دار نباشد.^(۲)

﴿ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ ﴾^(۳)

«کسانی که ستم کرده‌اند به زودی خواهند دانست به کدام بازگشتگاه
بر خواهند گشت.»

«وَلَعَنَ اللَّهُ بَنِي أُمِّيَّةٍ قَاطِبَةً.»

«خداوند همه بنی امیه را لعنت کند.»

همچنین روایت است:

«ثُمَّ يَأْمُرُ الْمَهْدِيُّ بِإِنشَاءِ مَرَائِبَ، يُبْنِي أَرْبَعِينَ سَفِينَةً فِي سَاحِلِ عَكَا وَيُوَافِي الْمَهْدِيُّ

طَرَطُوسَ فَيَفْتَحُهَا، وَيَتَقَدَّمُ إِلَى أَنْطَاكِيَّةَ فَيَفْتَحُهَا.. وَيُهَاجِمُ الْقُسْطَنْطِينِيَّةَ فَيَفْتَحُهَا، وَيَتَوَجَّهُ

إِلَى بِلَادِ الرُّومِ فَيَفْتَحُ رُومِيَّةَ مَعَ أَصْحَابِهِ.»^(۴)

«مهدی فرمان می‌دهد مرکب‌هایی ایجاد کنند [فرمان ساختن وسایل نقلیه

جدیدی صادر می‌کند] و در کرانه عکا چهارصد کشتی می‌سازد، در مسیر خود

۱ - «وَبَدَا لَكُمْ النُّجُومُ ذُوذَنْبٍ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ»؛ «برای شما ستاره دنباله‌دار از جانب شرق ظاهر و طالع

می‌شود.»

۲ - بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۳۳۴ - ۳۳۶.

۴ - الزام الناصب، ص ۲۲۴.

۳ - سورة شعراء (۲۶) آیه ۲۲۷.

به طرطوس [از شهرهای بندری سوریه] می‌رسد و آنجا را فتح می‌کند، به انطاکیه می‌رود و فتح می‌کند، به قسطنطنیه [استانبول] حمله می‌برد و آنجا را فتح می‌کند و از آنجا با یاران خود به سوی کشورهای رومی [ممالک غرب] رهسپار می‌شود و همه آن کشورها را فتح می‌کند.»

«ثُمَّ لَا يَلْبَثُ قَلِيلًا حَتَّى تَخْرُجَ عَلَيْهِ مَارِقَةٌ مِنَ الْمَوَالِي بِرُمَيْلَةِ الدَّشْكَرَةِ، فَيَدْعُو رَجُلًا مِنَ الْمَوَالِي فَيَقْلُدُهُ سَيْفَهُ فَيَخْرُجُ إِلَيْهِمْ حَتَّى لَا يَبْقَى أَحَدًا.»^(۱)

«خیلی طول نمی‌کشد که یک گروه شورشگر از "موالی" در تپه‌های دستگرد^(۲) بر او خروج می‌کنند، پس یک نفر از "موالی" را می‌خواند و شمشیرش را بر او حمایل می‌کند، پس او به سوی آنان خارج می‌شود و همه را از دم شمشیر می‌گذرانند.»

در روایت آمده است:

«إِنَّهُ أَوَّلُ قَائِمٍ يَقُومُ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ. يُحَدِّثُكُمْ بِحَدِيثٍ لَا تَحْتَمِلُونَهُ، فَتَخْرُجُونَ عَلَيْهِ بِرُمَيْلَةِ الدَّشْكَرَةِ فَتَقَاتِلُونَهُ فَيَقْتُلُكُمْ. وَهِيَ آخِرُ خَارِجَةٍ تَكُونُ.»^(۳)

«او نخستین قائم از ما اهل بیت است که قیام می‌کند و به شما سخنانی می‌گوید که نمی‌توانید آن را تحمل کنید، از این رهگذر در تپه‌های دستگرد علیه او خروج کرده، با او می‌جنگید و [او] شما را طعمه شمشیر می‌سازد و آن آخرین گروهی است که علیه او خروج می‌کنند.»

«كَيْفَ يَخْتِاجُ الْجَبَّارُ تَعَالَى إِلَى مَعْرِفَةِ خَلْقِ أَنْشَأِهِمْ وَهُمْ خَلْقُهُ؟ لَوْ قَامَ قَائِمُنَا أَعْطَاهُ اللَّهُ السِّمِّيَاءَ، فَيَأْمُرُ بِالْكَافِرِ ثُمَّ يُخَبِّطُ بِالسَّيْفِ خَبْطًا.»^(۴)

«چگونه خداوند تبارک و تعالی که مخلوقات را آفریده به شناخت آنان نیاز دارد؟ هنگامی که قائم ما قیام کند خداوند به او علم قیافه‌شناسی عطا می‌کند، پس کافران را دستور می‌دهد که با شمشیر گردن بزنند.»

۱ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۷۵.

۲ - دستگرد نام آبادیهایی در حوالی بغداد، مرو، طوس، بلخ، بروجن و فلاورجان است.

۳ - بشارة الاسلام، ص ۱۲۳۰ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۳ - ۳۷۵.

۴ - اختصاص مفید، ص ۳۰۴.

«يُعِزُّ اللَّهُ بِهِ الْإِسْلَامَ بَعْدَ ذَلِكَ، وَيُخَيِّبُهُ بَعْدَ مَوْتِهِ. وَيَضَعُ الْجِزْيَةَ وَيَدْعُو إِلَى اللَّهِ بِالسَّيْفِ، فَمَنْ أَبِي قَتِيلٍ، وَمَنْ نَازَعَهُ خُدَيْلٌ. يُظْهِرُ مِنَ الدِّينِ مَا هُوَ عَلَيْهِ الدِّينُ فِي نَفْسِهِ، مَا لَوْ كَانَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَحْكُمُ بِهِ. يَرْفَعُ الْمَذَاهِبَ مِنَ الْأَرْضِ فَلَا يَبْقَى إِلَّا الدِّينُ الْخَالِصُ»^(۱)

«خداوند به وسیله او اسلام را پس از ذلت به عزت می‌رساند و پس از افسردنش زنده می‌سازد، جزیه را کنار گذاشته، با شمشیر به سوی خدا دعوت می‌کند، هر کس نپذیرد کشته می‌شود و هر کس با او در افتد، زبون می‌شود، از دین خدا ظاهر می‌کند آنچه را که در واقع دین بود و آنچه را که اگر رسول اکرم ﷺ در میان مردم باشد به آن فرمان می‌دهد، مذاهب دیگر را از روی زمین بر می‌چیند و در روی زمین چیزی جز دین خالص نمی‌ماند.»

«ثُمَّ يَسِيرُ إِلَى مِصْرَ فَيَدْخُلُهَا، وَيَضَعُ مِنْبَرَهَا فَيَخْطُبُ النَّاسَ، فَتَسْتَبِيرُ الْأَرْضُ بِالْعَدْلِ وَتُغْطِي السَّمَاءَ مَطَرَهَا وَالشَّجَرُ ثَمَرَهَا، وَالْأَرْضُ نَبَاتَهَا وَتَنْزِينَ لِأَهْلِهَا.. وَيَقُولُ الْقَائِمُ: ﴿كُلُوا وَأَشْرَبُوا هَنِيئًا، بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ﴾»^(۲)

سپس به سوی مصر حرکت می‌کند و وارد مصر می‌شود، بر فراز منبر قرار گرفته، برای مردم خطبه ایراد می‌کند، زمین نوید عدالت را می‌شنود، آسمان باران رحمتش را فرو می‌ریزد، درختان میوه‌هایش را ارزانی می‌دارد و زمین سبز و خرم شده، برای اهل زمین خود را آرایش می‌دهد و قائم می‌فرماید: «به گوارایی بخورید و بیاشامید، به سبب آنچه در روزهای گذشته پیش فرستادید.»

«ثُمَّ يَسِيرُ إِلَى مَدِينَةِ الرَّنَجِ وَيَفْتَحُهَا وَيَعُودُ إِلَى سَوَاحِلِ فَلَسْطِينَ، وَيَمُرُّ بِعَكَا وَيَفْرَةَ وَعَسْقَلَانَ، وَيَقْتَرِبُ مِنَ الْقُدْسِ»^(۳)

«سپس به سوی شهر زنجی‌ها حرکت کرده و آنجا را فتح می‌کند [در شمال آفریقا و برخی از مناطق میانه‌ای آن] و به سوی فلسطین باز می‌گردد. از عکا، غزه و عسقلان می‌گذرد و به قدس نزدیک می‌شود.»

به راستی چه مبارک است ظهور حضرت عیسی علیه السلام و دیدار دو بزرگوار که در بیت المقدس تحقق می‌یابد.

۱ - الملاحم والفتن، ص ۱۰۸.

۲ - سورة حاقه، سورة ۶۹، آیه ۲۴.

۳ - الزام الناصب، ص ۲۰۲.

رجعت حضرت عیسی علیه السلام

در روایات آمده است: به اذن خداوند متعال، حضرت عیسی و جمعی از فرشتگان از آسمان فرود می آیند و در بیت المقدس با امام زمان علیه السلام ملاقات می کنند. در همین رابطه حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«ثُمَّ إِنَّ الْمَهْدِيَّ يَرْجِعُ إِلَى بَيْتِ الْمَقْدِسِ فَيُصَلِّي بِالنَّاسِ أَيَّامًا. فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَقَدْ أَقِمَتِ الصَّلَاةُ يَنْزِلُ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ فِي تِلْكَ السَّاعَةِ مِنَ السَّمَاءِ وَعَلَيْهِ ثَوْبَانِ أَحْمَرَانِ، كَأَنَّمَا يَقْطُرُ مِنْ رَأْسِهِ الدُّهْنُ وَهُوَ رَجُلٌ صَبِيحُ الْمَنْظَرِ وَالْوَجْهِ، أَشْبَهُ الْخَلْقِ بِإِبْرَاهِيمَ، فَيَأْتِي الْمَهْدِيَّ وَيُضَافِحُهُ وَيُبَشِّرُهُ بِالنَّصْرِ، فَعِنْدَ ذَلِكَ يَقُولُ لَهُ الْمَهْدِيُّ: تَقَدَّمَ يَا رُوحَ اللَّهِ وَصَلَّ بِالنَّاسِ، فَيَقُولُ عَيْسَى: بَلِ الصَّلَاةُ لَكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ. فَعِنْدَ ذَلِكَ يُؤَدُّنُ عَيْسَى وَيُصَلِّي خَلْفَ الْمَهْدِيَّ.»^(۱)

«آنگاه مهدی به بیت المقدس باز می گردد و چند روزی با مردم نماز می خواند، چون روز جمعه فرا رسد و نماز بر پا گردد، عیسی بن مریم در آن ساعت از آسمان فرود آید، به هنگام نزول دو جامه سرخ بر تن او خواهد بود و از سر او قطره های عرق چون روغن خواهد چکید، او مردی زیبا و خوش اندام و شبیه ترین مردم به حضرت ابراهیم علیه السلام است، به سوی مهدی می آید و با او مصافحه می کند و به او نوید پیروزی می دهد، آن هنگام حضرت مهدی به او می گوید: ای روح الله! جلو بیاست و با مردم نماز بخوان، عیسی می گوید: ای فرزند پیامبر! نماز برای تو برپا شده است، آنگاه حضرت عیسی اذان می گوید و پشت سر مهدی نماز می خواند.»

امام محمد باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریفه می فرماید:

﴿وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ، إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ، ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا﴾^(۲)

«هیچ کس از اهل کتاب نیست جز آنکه پیش از مرگ به وی [عیسی]

ایمان خواهد آورد و روز قیامت او بر نیک و بد آنان گواه خواهد بود.»

«إِنَّ عِيسَى، قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ، يَنْزِلُ إِلَى الدُّنْيَا، فَلَا يَتَّبِعِي أَهْلَ مِلَّةٍ، يَهُودِيٍّ وَلَا غَيْرُهُ، إِلَّا آمَنَ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ، وَيُصَلِّي خَلْفَ الْمَهْدِيِّ.»^(۱)

«به طور مسلم، عیسی پیش از قیامت به این جهان فرود خواهد آمد، پیرو هیچ آیینی از یهود و غیر آن در روی زمین نمی ماند جز این که پیش از وفاتش به او ایمان می آورد و او در پشت سر مهدی نماز می خواند.»
در انجیل یوحنا چنین آمده است:

«به او قدرت بخشیده است که داوری هم بکند؛ زیرا که پسر انسان است و از این تعجب مکنید؛ زیرا ساعتی می آید که در آن جمیع کسانی که در قبرها می باشند آواز او را خواهند شنید و بیرون خواهند آمد، هر که اعمال نیکو کرد برای قیامت حیات و هر که اعمال بد کرد، به جهت قیامت داوری.»^(۲)
در انجیل متی نیز نقل شده است:

«شما حاضر باشید؛ زیرا در ساعتی که گمان نبرید پسر انسان می آید، خوشا به حال آن غلامی که چون آقايش آید او را در چنین کار مشغول یابد.»^(۳)
«در آن زمان ملکوت آسمان مثل ده باکره خواهد بود که مشعل های خود را برداشته به استقبال داماد بیرون رفتند، چون آمدن داماد به طول انجامید همه پینکی زده خفتند و در نصف شب صدایی بلند شد که اینک داماد می آید به استقبال وی بشتابید پس بیدار باشید؛ زیرا آن روز و ساعت را نمی دانید.»^(۴)
«اگر شما را گویند اینک در صحراست بیرون مروید، یا آنکه در خلوت است باور مکنید؛ زیرا هم چنان که برق از مشرق ساطع شده تا به مغرب ظاهر می شود، ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد شد، آنگاه علامت پسر انسان در آسمان پدیدار گردد و در آن وقت جمیع طایفه های زمین سینه زنی کنند و پسر انسان را ببینند که بر ابرهای آسمان با قوت و جلال عظیم می آید.»

۲ - انجیل یوحنا، بند ۲۶ - ۲۸.

۱ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۵۰.

۴ - انجیل متی، بند ۲۶ - ۲۷ و ۳۰.

۳ - انجیل متی، بند ۴۴ - ۴۶.

در مکاشفه یوحنا می خوانیم:

«اینک با ابرها می آید و هر چشمی او را خواهد دید و آنان که او را نیزه زدند و تمامی امت های جهان برای وی خواهند نالید.»^(۱)

«آسمان را گشوده دیدم و ناگاه اسبی سفید که سوارش امین و حق نام دارد و به عدل داوری و جنگ می نماید و چشمانش چون شعله آتش، بر سرش افسرهای بسیار و اسمی مرقوم دارد که جز خودش هیچ کس آن را نمی داند و جامه خون آلود سرخ در بردارد و نام او را کلمه خدا می خوانند و لشکرهایی که در آسمان اند بر اسب های سفید و به کتانهای سفید و پاک ملبس از عقب او می آیند و از دهانش شمشیری تیز بیرون می آید تا به آن امت ها را بزند و آنان را به عصای آهنین حکمرانی خواهد نمود و فرشته ای را دیدم که در آفتاب ایستاده و به آواز بلند تمامی مرغانی را که در آسمان پرواز می کنند ندا کرده و می گوید: بیایید و به جهت ضیافت عظیم خدا فراهم شوید، تا گوشت پادشاهان و گوشت سپهسالاران و گوشت جباران را بخورید.»^(۲)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مورد حضرت عیسی علیه السلام می فرماید:

«يَكُونُ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ فِي أُمَّتِي حَكَمًا مُقْسِطًا، يَرْفَعُ الشَّخْنَاءَ وَالتَّبَاغُضَ وَيُفِيضُ الْمَالَ حَتَّى لَا يَقْبَلَهُ أَحَدًا. وَتُنزَعُ حُمَةٌ كُلُّ ذَابَّةٍ وَتَكُونُ الْأَرْضُ كَفَاتُورِ الْفِضَّةِ»^(۳)

«عیسی بن مریم در میان امت من داور دادگری خواهد بود، کینه و دشمنی را از میان مردم بر می دارد و آن قدر ثروت می ریزد که دیگر کسی آن را نمی پذیرد، خشم و آزار هر جنبنده ای گرفته می شود و سرتاسر زمین به نر می نقره می گردد.»
«هُوَذَا الْآنَ وَقْتُ مَقْبُولٍ، هُوَذَا الْآنَ يَوْمُ الْخَلَاصِ»^(۴)

«آن زمان، وقت مناسبی است آن روز، روز نجات است.»

عبدالله بن سلیمان قسمتی از انجیل را این گونه نقل می کند:

«من در اناجیل خواندم که خداوند به عیسی فرمود: من تو را به سوی خود

۱ - مکاشفه یوحنا رسول، بند ۷.

۲ - مکاشفه یوحنا رسول، بند ۱۱ - ۱۸.

۳ - بشاره الاسلام، ص ۲۷۹.

۴ - یوم الخلاص، ص ۵۶۱.

بالا می برم، سپس تو را در آخرالزمان فرو می فرستم تا از امت این پیامبر شگفتی ها ببینی و آنان را در کشتن دجال یاری دهی، تو را در وقت نماز می فرستم، تا با آنان نماز بخوانی که آنان امت رحمت شده^(۱) هستند.»^(۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد نزول حضرت عیسی علیه السلام می فرماید:

«فَبَيْنَا هُوَ كَذَلِكَ إِذْ هَبَطَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ بِشَرْقِي دِمَشْقٍ. عِنْدَ الْمِنَارَةِ الْبَيْضَاءِ، بَيْنَ مَهْرُودَتَيْنِ وَاضِعاً يَدَيْهِ عَلَى أَجْنِحَةِ مَلَكَئِنٍ، إِذَا طَاطَأَ رَأْسَهُ قَطَرَ وَإِذَا رَفَعَهُ تَحَدَّرَ مِنْهُ جَمَامُهُ كَاللُّؤْلُؤِ، وَلَا يَجِدُ رِيحَ نَفْسِهِ أَحَدٌ إِلَّا مَاتَ. وَرِيحُ نَفْسِهِ مَدُّ بَصَرِهِ، فَيَطْلُبُ الدَّجَالَ فَيُذْرِكُهُ بِبَابٍ لُدٍّ فَيَقْتُلُهُ.»^(۳)

«در چنین حالی عیسی در شرق دمشق، در نزد مناره سفید، در میان دو ابر رنگین، در حالی که دو دست خود را روی بال های دو فرشته نهاده فرود می آید، چون سرش را پایین بیندازد آب از آن می چکد و چون سرش را بلند کند، قطره های عرق چون دانه های لؤلؤ از سر و صورتش می ریزد، بوی نفس او به هر کس از کفار برسد نابود می شود، و بوی نفس او تا مقدار دید او پیش می رود، دجال را دنبال می کند، در باب "لد" به او می رسد و او را به هلاکت می رساند.»

همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره این دیدار از قبل تعیین شده فرموده اند:

«وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا، لَوْلَمْ يَبْقِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ، لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فِيهِ وَلَدِي الْمَهْدِيُّ، فَيَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ فَيُصَلِّي خَلْقَهُ، وَتُشْرِقُ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا، وَيَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ.»^(۴)

«سوگند به آن کسی که مرا مژده آور راستین قرار داد، اگر از عمر جهان، جز یک روز نمانده باشد، خداوند همان یک روز را آن قدر طولانی می کند، تا فرزندم مهدی خروج کند پس از خروج او، عیسی روح الله فرود می آید و در پشت سروی نماز می گزارد، آنگاه زمین با فروغ پروردگار خویش روشن می شود و حکومت مهدی به شرق و غرب گیتی می رسد.»

۱ - منظور از امت رحمت شده، امت رسول اکرم و شیعیان علی بن ابی طالب (علیهما السلام) هستند که

۲ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۱.

آمرزیده خواهند شد. ان شاء الله

۴ - کمال الدین، ص ۱۶۳.

۳ - منتخب الاثر، ص ۳۱۶ و ۳۱۸.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیث دیگری فرماید:

«مِنَّا الَّذِي يُصَلِّي عَيْسَى بْنِ مَرْيَمَ خَلْفَةً»^(۱)

«کسی که عیسی بن مریم در پشت سر او نماز می خواند از ماست.»

«لَنْ تَهْلِكَ أُمَّةٌ أَنَا فِي أَوَّلِهَا، وَعَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ فِي آخِرِهَا، وَالْمَهْدِيُّ فِي وَسْطِهَا.»^(۲)

«امتی که من در آغاز آن، عیسی بن مریم در پایان آن و مهدی در میان آن

ست، هرگز هلاک نمی شود.»

﴿وَإِذْ قَالَ عَيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا

لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنَ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدٌ فَلَمَّا

جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ﴾^(۳)

«هنگامی که عیسی پسر مریم گفت: ای فرزندان اسرائیل، من فرستاده

خدا به سوی شما هستم. تورات را که پیش از من بوده تصدیق می کنم و

به فرستاده ای که پس از من می آید و نام او "احمد" است بشارتگرم

پس وقتی برای آنان دلایل روشن آورد، گفتند: این سحری آشکار

است.»

این آیه مبارکه صریحاً بشارت انجیل مقدس را اعلام می کند که حضرت

عیسی مسیح صلی الله علیه و آله ظهور حضرت ختمی مرتبت رسول اکرم صلی الله علیه و آله را وعده داده

است و او را با نام فارقلیط معرفی نموده که معنای فارقلیط، «احمد» است.

حضرت عیسی پس از ظهور و حضور مبارکش، همگان را به پذیرش ولایت

حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا له الفداء فرا خواهد خواند و آنگاه آن دو

بزرگوار با همراهان خود به کوفه عزیمت می کنند.

امام باقر علیه السلام در این باره می فرماید:

«وَيَسِيرُ نَحْوَ الْكُوفَةِ، وَيَنْزِلُ عَلَى سَرِيرِ النَّبِيِّ سُلَيْمَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَيَمِينِهِ عَصَا مُوسَى، وَجَلِيسُهُ

الرُّوحُ الْأَمِينُ وَعَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ، مُشْحَاً بِبُرْدِ النَّبِيِّ، مُتَقَلِّدًا بِذِي الْفِقَارِ، وَوَجْهَهُ كَدَائِرَةِ الْقَمَرِ

في ليالي كماله، يخرج من بين ثناياه نور كالبزق الساطع، على رأسه تاج من نور»^(۱)
 «به سوی کوفه عزیمت می کند و بر تخت سلیمان پیامبر می نشیند، عصای موسی را در دست می گیرد و روح الامین (جبرائیل) و حضرت عیسی بن مریم همنشین او هستند، بُرد پیامبر را به تن دارد و ذوالفقار را حمایل کرده و صورتش چون قرص قمر در شب بدر می درخشد و از میان دندان های ثناپایش نوری چون برق ساطع می شود و بر سر مبارکش تاجی از نور قرار دارد.»
 امام محمد باقر علیه السلام در جای دیگر می فرماید:

«كَأَنِّي بِقَائِمِ أَهْلِ بَيْتِي قَدْ أَشْرَفَ عَلَيَّ نَجْفَكُمْ هَذَا وَأَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى نَاحِيَةِ الْكُوفَةِ - فَإِذَا هُوَ أَشْرَفَ، نَشَرَ زَايَةَ رَسُولِ اللَّهِ، فَإِذَا هُوَ نَشَرَهَا إِنَّحَطَّتْ عَلَيْهِ مَلَائِكَةٌ بِدُرِّ عُرُودِهَا مِنْ عَمَدِ عَرْشِ اللَّهِ وَرَحْمَتِهِ، وَسَائِرُهَا مِنْ نَصْرِ اللَّهِ، لَا يُهْوِي بِهَا إِلَى شَيْءٍ إِلَّا أَهْلَكَهُ اللَّهُ يَأْتِيهِ بِهَا جِبْرَائِيلُ عليه السلام»^(۲)

«گوئی قائم اهل بیتم را می بینم که وارد این نجف شما شده و با دست مبارکش به منطقه ای از کوفه اشاره کرده و پرچم رسول اکرم صلی الله علیه و آله را برافراشته، فرشتگان بدر بر او نازل شده اند، چوب آن پرچم از ستون عرش خداست، رحمت و نصرت خدا بر حاملان آن پرچم است با آن پرچم به هیچ چیزی هجوم برده نمی شود جز این که خداوند آن را نابود می سازد جبرائیل آن را [به پیشگاه حضرت مهدی] می آورد.»

«الْقَائِمُ مِنَّا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ، مُؤَيَّدٌ بِالنُّصْرِ، تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ وَتَنْظَهُرُ لَهُ الْكُنُوزُ وَيَبْلُغُ سِلْطَانَهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ»^(۳)

«قائم ما به وسیله رعب [در دل دشمنان] یاری شده و با نصرت الهی تأیید شده است، زمین زیر پایش پیچیده می شود و گنج های زمین برای او ظاهر می گردد و دولت او به شرق و غرب جهان می رسد.»

۱ - الزام الناصب، ص ۲۰۸.

۲ - غیبت نعمانی، ص ۱۶۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۶ و ۳۲۸ و ۳۸۷.

۳ - کشف الغمه، ج ۳، ص ۱۳۲۴ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۱.

«يُجْرَدُ السَّيْفَ عَلَى عَاتِقِهِ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ هَزْجاً حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ»^(۱)

«هشت ماه تمام شمشیر بر دوش نهاده، [دشمنان خدا را] می‌کشد تا خدا خشنود شود.»

«إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ سَارَ فِي أُمَّتِهِ بِاللَّيْنِ وَالْمَنْعِ وَكَانَ يَتَأَلَّفُ النَّاسَ وَالْقَائِمُ يَسِيرُ بِالْقَتْلِ وَلَا يَسْتَيْبُ أَحَدًا بِذَلِكَ أَمْرٌ فِي الْكِتَابِ الَّذِي مَعَهُ. وَيُلِّ لِمَنْ نَأْوَاهُ»^(۲)

«رسول اکرم در میان امتش به نرمش و ملاطفت مأمور بود و با محبت و مودت در میان آنان الفت ایجاد می‌کرد، ولی قائم (با زورمداران) با منطق شمشیر سخن می‌گوید و از آنان توبه مطالبه نمی‌کند، (آن حضرت) در کتابی که نزد اوست به چنین شیوه‌ای مأمور است بدا به حال کسی که با او سرستیز داشته باشد.»

«لَوْ قَدْ خَرَجَ قَائِمٌ آلِ مُحَمَّدٍ، لَنَصَرَهُ اللَّهُ بِالمَلَائِكَةِ الْمُسَوِّمِينَ وَالْمُرْدِفِينَ وَالْمُنْزِلِينَ وَالْكَرُوبِينَ يَكُونُ جِبْرَائِيلُ عَلَى مَقْدَمَتِهِ، وَمِيكَائِيلُ عَلَى سَاقَتِهِ وَإِسْرَافِيلُ عَنْ يَسَارِهِ وَالرُّعْبُ يَسِيرُ أَمَامَهُ وَخَلْفَهُ وَعَنْ يَمِينِهِ وَشِمَالِهِ وَالمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ خُدَامُهُ. أَوَّلُ مَنْ يُبَايِعُهُ شَيْعَةُ مُحَمَّدٍ وَعَلِيُّ يَأْتِي وَلِلَّهِ سَيْفٌ مُخْتَرَطٌ يَفْتَحُ اللَّهُ لَهُ الرُّومَ وَالصِّينَ وَالتُّرْكَ وَالسَّنْدَ وَالْهِنْدَ وَكَابِلَ شَاهِ وَالْخَزَرَ»^(۳)

«هنگامی که قائم آل محمد ظهور کند، خداوند او را با فرشتگان نشاندار، مقرب و فرستاده شده در صف‌های فشرده یاری می‌کند، جبرائیل در پیشاپیش آنان حرکت می‌کند و میکائیل از پشت سر آنان و اسرافیل از طرف چپ آنان، ابهت و رعب و وحشت از جلو، عقب، چپ و راست آنان پیش می‌تازد، فرشتگان مقرب خدمتگزاران او هستند؛ نخستین گروهی که به او دست بیعت می‌دهند شیعیان محمد و علی عليهما السلام می‌باشند، به خدا سوگند که آن شمشیر برنده خدا می‌آید خداوند روم، چین، ترک، سند، هند، کابل و خزر را برای او فتح می‌کند.»

۱ - الزام الناصب، ص ۱۸۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۳.

۲ - غیبت نعمانی، ص ۱۲۱.

۳ - الزام الناصب، ص ۲۲۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۸ - ۳۳۳.

آری، به خدا سوگند آن شمشیر برنده خدا می آید تا انتقام خون مظلومان را بگیرد، آن سرچشمه فیض ازلی می آید تا سنت خدا و رسول خدا را اشاعه دهد، آن فاتح بزرگ گیتی می آید تا برای تأمین سعادت بشر حرکت نوینی را آغاز کند، بشری که در نهایت یأس و نومیدی، فتح و ظفر نهایی را طلب می نماید.

قافله سالار کاروان اهل بیت عصمت و طهارت می آید تا مجوز مرگ ابلیس و ابلیس صفتان را به سوی دوزخ صادر نماید، ابلیس که از روز ازل سرکشی کرده و بنای عصیان را گذاشت و آفرینش خود را از نظر مادی با آفرینش آدم مقایسه کرد و برتری آتش را بر خاک دلیل برتری همه جانبه خود عنوان نمود.

خداوند در این باره در سوره اعراف می فرماید:

﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُن مِّنَ السَّاجِدِينَ﴾^(۱)

«ما شما را آفریدیم سپس صورت بندی کردیم، آنگاه به فرشتگان گفتیم: برای آدم خضوع کنید، آنان سجده کردند جز ابلیس که از سجده کنندگان نبود.»

﴿قَالَ مَا مَنَّكَ إِلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ﴾^(۲)

«خداوند به او فرمود: چه چیز تو را مانع شد آن هنگام که به تو فرمان دادم سجده کنی. [ابلیس] گفت: من از او بهترم، مرا از آتش آفریده‌ای و او را از خاک.»

پس خداوند فرمود:

﴿فَأهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ﴾^(۳)

«از آن [مقام و مرتبه‌ات] فرود آی! تو حق نداری در آن [مقام و رتبه] تکبر بورزی، بیرون رو که تو از زمره پست‌ترین فرومایگانی.»

۱ - سوره اعراف (۷) آیه ۱۱.

۲ - همان، آیه ۱۲.

۳ - همان، آیه ۱۳.

ابلیس گفت:

﴿ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴾^(۱)

«مرا تا روز رستاخیز مهلت ده (و زنده بگذار)»

خداوند فرمود:

﴿ إِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ ﴾^(۲)

«تو از مهلت داده شدگانی!»

ابلیس گفت:

﴿ فَبِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ ﴾

«اکنون که مرا گمراه ساختی من نیز بندگان را از راه راست (که شرع و

آیین توست) گمراه گردانم.»

بار دیگر ابلیس گفت:

﴿ ثُمَّ لَا يَتَّبِعُهُمُ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا

تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ ﴾

«از پیش رو و از پشت سر و از طرف راست و از طرف چپ به سراغ

آنان می‌روم و اکثر آنان را شکرگزار نخواهی یافت.»

خداوند فرمود:

﴿ أَخْرِجْ مِنْهَا مَذْءُومًا وَمَا مَذْحُورًا لَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ

أَجْمَعِينَ ﴾^(۳)

«از آن (مقام) با ننگ و عار و خواری بیرون شو که تو راننده درگاه مایی

و سوگند یاد می‌کنم که هر کس از آنان از تو پیروی کند جهنم را از شما

همگی پر خواهم کرد.»

آری، به خدا سوگند ماوی ابلیس و کسانی که از ابلیس لعین پیروی کنند جهنم

خواهد بود. هم چنان که در قرآن می‌خوانیم که خطاب به ابلیس فرموده است:

﴿ وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ ﴾^(۴)

«لعنت و دوری خدا تا روز رستاخیز بر تو خواهد بود.»

۲ - همان، آیه ۱۵.

۱ - سورة اعراف (۷) آیه ۱۴.

۴ - سورة حجر (۱۵) آیه ۳۵.

۳ - همان، آیه ۱۸.

ابلیس گفت: پروردگارا! پس مرا تا روز قیامت که خلق مبعوث می شوند، مهلت و طول عمر عطا فرما.

خداوند فرمود: تو را مهلت خواهد بود.

﴿إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ﴾^(۱)

«تا به وقت معین و روز معلوم.»

امام صادق علیه السلام از امیرمؤمنان روایت می کند که این آیه تحقق نمی یابد مگر در رجعت.^(۲)

در روایت آمده است: وقت معلوم روز قیام قائم آل محمد صلی الله علیه و آله است، هرگاه خداوند حضرت مهدی علیه السلام را برانگیزد ابلیس به مسجد کوفه می آید در حالی که بر زانوهایش راه می رود و با خود می گوید: ای وای از این روزگار، آنگاه از پیشانیاش گرفته شده، گردنش زده می شود، آن هنگام روز وقت معلوم است که مدت او به پایان می رسد.^(۳)

امام صادق علیه السلام در مورد ابلیس و پیروانش چنین توضیح می فرماید:
«سپاه ابلیس در سرزمین "روحا" در نزدیکی کوفه اجتماع می کنند واصحاب امیرمؤمنان علیه السلام برای نبرد با آنان آماده می شوند و مهمترین جنگ تاریخ بشری در آن روز واقع می شود و سرانجام سپاهیان ابلیس شکست می خورند و خود ابلیس پا به فرار می گذارد و رسول اکرم صلی الله علیه و آله او را دنبال می کند و سپس یک ضربت کاری بر شانه هایش وارد می کند، آنگاه او را به هلاکت می رساند.»^(۴)
پس از هلاکت ابلیس^(۵) و پیروانش، دیگر کسی جز خدا را نمی پرستد و هرگز کسی به خداوند شرک نمی ورزد.

۱ - سوره حجر، آیه ۳۸.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۱۸.

۳ - همان، ج ۵۲، ص ۳۷۶.

۴ - همان، ج ۵۳، ص ۴۲.

۵ - در مورد کشته شدن ابلیس به دست مبارک رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و یا آقا امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) باید گفت: از احادیث و روایات یاد شده این گونه برداشت می شود که در آن روز خجسته حضرت مهدی پیشانی ابلیس لعین را گرفته و با دست پر قدرت رسول اکرم گردنش زده می شود، اگر چه همان بس که او و رعیت پستش به اسفل السافلین وارد می شوند.

امام محمد باقر علیه السلام در این مورد می فرماید:

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ ذَهَبَتْ دَوْلَةُ الْبَاطِلِ»^(۱)

«هنگامی که قائم قیام کند، دولت باطل نابود می شود.»

به تحقیق با ظهور حضرت بقیه الله الاعظم یگانه جلوه حق در عصر تاریکی، باطل برای همیشه نابود می شود و حق برای همیشه بر کرسی صدارت می نشیند. آری، حق بر کرسی صدارت می نشیند، حتی روشن و ارکانی استوار که هیچ گونه خدشه و خللی در آن راه ندارد و هر کس از ولایتش روی گرداند و راه نادانی در معرفت آن بزرگوار پیشه کند خداوند او را در آتش غضب خویش فرو خواهد افکند در حالی که بسیاری از بندگان خوب خدا به فردا می اندیشند به فردایی پر امید، به فردایی که ان شاء الله محرومان و دردمندان و انسان های ستم کشیده عالم شاهد ظهور قطب عالم امکان شده و با یک دنیا عشق و محبت رو به سوی تنها حجت زمان خواهند برد؛ زیرا باور دارند که تنها فرمانده عالم حضرت مهدی است که در سایه مبارکش همه دردها و رنج های بشر به فراموشی سپرده خواهد شد و آرزوهای دیرینه این بشر خسته از دردهای بی درمان به رواق نور خواهد پیوست و دل خستگان عالم در آن روز خجسته جشن رهایی سرگرفته و شهد شیرین آزادی را خواهند چشید و حال ای برادران و خواهران صالح و ای تقوا پیشگان عصر حاضر و ای منتظران تنها حجت ناپنهان الهی باید به مقدسات قسم یاد کرد که در این برهه از زمان وقت آن رسیده است تا به کمک هم شتافته و باید بایاری هم آن بناهای معاصی و معضل راویران کنیم که روسیاهان با خستی به نام گناه روی هم چیده اند، باید دسیسه های شیاطین جن و انس را از هم بپاشیم که بر دین و فرهنگ و اخلاق جامعه بشریت اثر سوء گذاشته اند.

آری، باید با کمک هم به سوی دشمنان اسلام یورش برده و صف پلیدان یزیدی را درهم شکنیم و در سنگر جهاد برای گشودن راه بسته آقا و سرورمان حضرت مهدی تلاش کنیم و یک بار دیگر برای رسیدن به سر منزل مقصود و به

امید موفقیت به انجام توبه نصوح^(۱) مبادرت ورزیده تا توفیق آن را بیابیم که در محراب عبادت از خدای منان مدد جسته و او را به یاری خود طلب کنیم و در سایه تهجد و راز و نیازهای شبانه^(۲) با خالق یکتا زمینه‌ای برای عروج معنوی خود به عالم ملکوت مهیا کرده و عامل نزول رحمت الهی شویم، ما وظیفه داریم تا در لحظه لحظه‌های سکوت و خلوت خویش از آفریدگار هستی استعانت جسته و خطاب به معبود عالمیان بگوییم: الهی! ای آفریننده ارجمند،

- ۱ - با توبه‌ای همراه با اخلاص میهمان خدا شویم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا»
 «برای توبه ابتدا باید غسل کرد و سپس وضو گرفت و بعد چهار رکعت نماز (دو تا دو رکعت) و در هر رکعت یک مرتبه سوره حمد و سه مرتبه سوره توحید و یک مرتبه معوذتین (سوره ناس و فلق) را خواند و بعد از نماز هفتاد مرتبه استغفار فرستاده و به (لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظيم) ختم شود و سپس هفت بار یا عزیز یا غفار اغفر لی ذنوبی و ذنوب جميع المؤمنین و المؤمنات فانه لا یغفر الذنوب الا انت» خوانده شود امید است با توبه به موقع، آن شایستگی لازم را به دست آوریم که از نجات یافتگان باشیم. ان شاء الله
- ۲ - وان شاء الله با خواندن نماز شب دلهایمان را صیقل دهیم و برات سوار شدن به کشتی نجات را بگیریم.
 «نماز شب شامل: هشت رکعت نافله شب، که در هر دو رکعت به یک سلام تمام می‌شود (مانند نماز صبح):
 سپس دو رکعت نماز «شفع» (مانند نماز صبح) و یک رکعت هم «نماز وتر» خوانده می‌شود، در نماز وتر، یک مرتبه سوره حمد، سه مرتبه سوره توحید، یک مرتبه معوذتین که (سوره‌های فلق و ناس را گویند) خوانده می‌شود، سپس دست چپ مقابل صورت قرار گرفته و چهل نفر مؤمن را نام برده و بگوید: «اللهم اغفر... و یا چهل بار بگوید: «اللهم المغفر للمؤمنین و المؤمنات و المسلمین و المسلمات» و بعد از آن هفتاد مرتبه «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ» گفته و پس از آن هفت بار بگوید: «هَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ» و سپس سیصد مرتبه «الهِی الْعَفْو» گفته و آخر بار بگوید: «رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ أَرْحَمْنِي وَ ثَبِّ عَلَيَّ أَنْتَ التَّوَابُ الرَّحِيم» و چون از قنوت فارغ شد به رکوع رود و سجود را هم بجا آورد، تشهد و سلام بخواند و نماز را تمام کند.»
 پس از سلام بلافاصله تسبیح حضرت فاطمه زهرا (علیه السلام) بجا آورده و به سجده رفته پنج مرتبه بگوید: «سُبُوحٌ قُدُوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ» و بنشینند آیه الکرسی بخواند و باز به سجده رود و همان ذکر «سُبُوحٌ قُدُوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ» را پنج بار تکرار نماید، بدین ترتیب نماز پایان می‌یابد. امید است نماز شب مؤمنان کلیدی برای گشودن درهای بسته و براتی برای آزادی همه انسان‌های درد کشیده باشد. ان شاء الله

الهی! ای صاحب بزرگی و عزت، الهی! ای آگاه به اسرار نهان و آشکار، الهی! ای اجابت کننده هر دعا و ثنا، تنها تویی نجات بخش یوسف از دل چاه، تویی همان خدایی که دست‌های ابراهیم خلیل را از ذبح فرزندش باز داشت و دعای ذکریا را به اجابت رساند و برای شادی قلبش یحیی را به او هدیه کرد.

آری، تو همان خدایی هستی که یونس را از شکم ماهی بیرون آوردی و دریا را برای موسی بشکافتی تا از آن عبور کرده و نجات یابند و به راستی تویی پاک و منزّه از هر عیب و آلایش که برای بندگان جز خیر و نیکی نمی خواهی و خوب می دانیم در آنچه که فرموده‌ای، خلف وعده نمی کنی و حتماً وعده حق به اذن و اجازه تو خدای مهربان تحقق خواهد پذیرفت، پس تو ای پناه بی پناهان برای ما همان را بخواه که سعادت ما در آن تأمین می شود، ای عطا بخش گدایان برای ما همان را بخواه که رضا و قضای تو در آن است، همان قضایی که با برپایی دولت حق، اسلام و اسلامیان به عزت و سربلندی رسیده تا والایی و کرامت دنیا و آخرت از آن آنان گردد.

الهی! تو را به عزت و جلالت قسم که پایانی برای آن نیست.

الهی! تو را به مهر و عطوفت قسم که بی منتها و لطیف است دیگر دعای ما بیچارگان و رنجدیدگان این جهان نفرین شده را بشنو و ما را بیش از این امتحان مکن و به ضعف و زبونی گنهکاران نظری افکن و همچنین به بزرگی و عظمت خود چشم انداز که ما نیز چشم امید به تو داریم و از تو خدای مهربان می خواهیم ما را ببخشایی و به ما توفیق عطا فرمایی تا با شناخت واقعیت‌ها به آن حقیقت والایی که در حال شکفتن است پی برده و در این تنها فرصت باقی مانده به خود آیم و خودمان را برای آن هدف مقدس آماده کرده و آن قصر شادی را بنا کنیم که هر خشت آن یاقوتی از عشق و ایثار و مرواریدی از اشک و انتظار همراه با صلوات بر محمد و آل محمد و عجل فرجهم و فرجنا بهم است.

آری، باید آن کاخ خوشبختی را بنا کنیم در حالی که باور داریم به امید خدا و به زودی زود وعده حق تحقق خواهد یافت، ما نیز باور داریم و تا آن روز چشم به راه می مانیم، امید است در آن روز خجسته و میمون، یگانه امین خالق منان، ما را از پرتو نور وجود نازنینش روشنی بخشد و به خاطر خدا ما بندگان عاصی را

مشمول رحمت و احسانش قرار داده و مهربانیش را شامل حال ما گرداند که بسیار خسته و سرخورده و سرگردانیم و خوب می دانیم خواسته و آرزوهای ما در ظهور مبارک آن یگانه بازمانده حق تعالی تجلی خواهد یافت و حال بارالها! به حق خودت ای بخشنده مهربان و به جان پاک و مقدس آن قائد عظیم الشأن آفرینش سوگندت می دهیم که دعاهایمان را به اجابت رسانی و اذن ظهور یگانه سرور کون و مکان حضرت مهدی را صادر فرمایی و این غم و اندوه جانکاه را با پیروزی حق بر باطل به شادی مبدل گردانی که مسلماً بعد از این غم و اندوه، پیروزی عجیبی است.

آری، ای خدای مهربان! ای زداینده غم‌های بزرگ از تو می خواهیم تا با وجود تکسوار حق و عدالت، دین خود و سنت پیامبرت را به گونه‌ای آشکار فرمایی که به انگیزه خوف از خلق هیچ‌گونه حقی در پرده نماند که به تحقیق بعد از هر سختی، آسانی و بعد از هر غمی، شادی است به امید آن روز درخشان و شنیدن بانگ جبرائیل امین که از میان آسمان و زمین بر تمام گستره گیتی طنین انداز شود و خطاب به عالمیان بگوید: ای اهل ایمان مژده، مژده که ولی عصر و ناموس دهر ظهور کرد، به راستی مژده باد آن لحظه موعود که گشاینده پریشانی و زداینده هم و غم و بر طرف کننده بلا و گرفتاری، ردای فرج بر تن کند و به اذن و اجازه تو یکتا خالق هستی ظهور کرده و تمام جوامع بشری را از این همه آوارگی و گرفتاری نجات دهد.

بارالها! رحمت و درودهای خجسته خویش را بر محمد و آل محمد فرست، بالاخص بر امام بزرگواری که صاحب دعوت محمدی و صولت حیدری است، بارالها! درود فرست بر او و پدران طاهرینش تا مادامی که ستارگان در سحرگاهان می درخشند و درختان برگ می آورند و میوه‌ها می رسند و شب و روز در حال گذارند و پرندگان در حال نغمه سرایی اند.

بارالها! حمد و ثنای تو را می گوئیم و از تو خدای مهربان نصرت حق و نابودی باطل را خواهانیم. به امید رحمتت ای مهربان‌ترین مهربانان و به امید پیروزی حق بر کفر جهانی.

«آمین یا رب العالمین برحمتک یا ارحم الراحمین»

«به نام نامی مهر و به یاد الیتام بخش دل دردمندان

که در اوج پنهانی، پیدا اوست»

پروردگارا! پاک و منزهی و معبودی جز تو نیست، حلم تو بزرگ است و ذکر نام مقدست شفاست، بارالها حمد و ثنای تو را می‌گویم و تا بی‌نهایت از تو خدای مهربان سپاسگزارم که حقیر را مورد مرحمت قرار داده و توفیق شایانی عنایت کرده‌ای تا موفق به تدوین مصحف البیعة لله باشم و آن را به سر منزل مقصود رسانده و همچون شاخه گلی تقدیم به پیشگاه مبارک قلب عالم امکان حضرت بقیة الله الاعظم ارواحنا له الفداء نمایم که نام درخشان آن حضرت در سراپرده قلبمان و یاد عزیزش بر تارک هستیمان و محبت بی‌پایانش در یاخته یاخته‌های وجودمان جای دارد، باشد که آن حضرت از سر لطف نظری به ما منتظران کرده و به حرمت خون پاک شهیدان قدم بر چشمان گریان ما گذارند تا در سایه آن بزرگوار حیات مجدد یافته و شاهد آن همه پیروزی و بهروزی باشیم که در شرف تحقق یافتن است. ان شاء الله

«به امید پیروزی حق بر باطل»

«ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم»

«۲۴ شعبان المبارک سال ۱۴۱۸ ه.ق. برابر با سال ۱۳۷۶ ه.ش.»

فهرست آیات

فهرست روایات

فهرست موضوعی کتاب

منابع

فهرست آیات

- ﴿ اتى امر الله فلا تستعجلوه ﴾ ٢٧٠
- ﴿ احسب الناس ان يتركوا ان يقولوا امنا وهم لا يفتنون ﴾ ١٢٨
- ﴿ اذ اخذ ربك من بنى ادم من ظهورهم ذريتهم... ﴾ ١٩
- ﴿ اذ اخذ ربك من بنى ادم من ظهورهم ذريتهم... ﴾ ٢٢
- ﴿ اذ قال ربك للملائكة اني جاعل في الارض خليفة... ﴾ ١٤
- ﴿ اذ قلنا للملائكة اسجدوا لادم فسجدوا الا ابليس... ﴾ ١٥
- ﴿ اضفأت اخلام وما نحن بتأويل الاخلام بغالمين ﴾ ١١٠
- ﴿ اعلموا ان الله يخفي الارض بعد موتها ﴾ ٢٤ - ٢٥
- ﴿ افمن يهدى الى الحق احق ان يتبع امن لا يهدى الا ان يهدى... ﴾ ٢٤٩
- ﴿ الحمد لله الذي صدقنا وعده، واورثنا الارض تتبوا من الجنة... ﴾ ٢٧٥
- ﴿ الحمد لله الذي صدقنا وعده، واورثنا الارض تتبوا من الجنة حيث نشاء... ﴾ ٧٨
- ﴿ الحمد لله رب العالمين ﴾ ٢٥٠
- ﴿ الله الذي رفع السموات بغير عمد ترونها ﴾ ١٦
- ﴿ ألم تر الى الذين بدلوا نعمت الله كفرا واحلوا قومهم دار البوار ﴾ ٢٣٠
- ﴿ الى يوم الوقت المعلوم ﴾ ٣٢٠
- ﴿ ان الدين عند الله الاسلام ﴾ ١٣٠
- ﴿ ان الدين عند الله الاسلام ملة ابيكم ابراهيم هو سماكم المسلمين ﴾ ٢٧٢
- ﴿ ان الذي فرض عليك القرآن لرادك الى معاد ﴾ ١٤٥

- ٢٧٦ ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ...﴾
- ٢٨٠ ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ...﴾
- ٨٤ ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾
- ١٥٧ ﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ﴾
- ٨٥ ﴿أَنْ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُتَّبِعِينَ﴾
- ١٨ ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾
- ٢٦ ﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾
- ١٦ ﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ...﴾
- ١٥٣ ﴿إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ﴾
- ٣١٩ ﴿إِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ﴾
- ١٤٩ ﴿إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْيُنُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ﴾
- ١٠٩ ﴿إِنِّي أَرَىٰ سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَسَبْعٌ سُثُلَاتٍ...﴾
- ٧٧ ﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾
- ١٣٠ ﴿إِذِ ابْتِغَىٰ فِجْرًا مِّنَ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ﴾
- ١٢٣ ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِن دِيَارِهِمْ وَهُمْ أَلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ...﴾
- ١٧ ﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا...﴾
- ٧٦ ﴿أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ﴾
- ٨٦ ﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ...﴾
- ٢٨٣ ﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ...﴾
- ١٦٠ ﴿أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي عَلَىٰ مَا فَرَطْتُ فِي جَنبِ اللَّهِ وَإِنْ كُنْتُ لَمِنَ السَّاجِدِينَ﴾
- ٢٠ ﴿أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ﴾
- ٣١٩ ﴿أَنْظِرْنِي إِلَىٰ يَوْمٍ يُبْعَثُونَ﴾
- ٧٤ ﴿أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَىٰ قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا...﴾
- ١٨ ﴿أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ...﴾
- ٣١٩ ﴿أَخْرِجْ مِنْهَا مَذَّةً وَمَا مَذْهُورًا لِّمَن تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنكُمْ أَجْمَعِينَ﴾
- ٨٩ ﴿أَرْكُضْ بِرِجْلِكَ هَذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ﴾
- ٢٦٤ ﴿أَقْرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ﴾
- ١٧ ﴿الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنسَانِ مِن طِينٍ...﴾

- ۱۶ ﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً...﴾
- ۵۱ ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعِفُوا فِي الْأَرْضِ...﴾
- ۷۰ ﴿بَقِيَّةَ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ﴾
- ۸۲ ﴿بَقِيَّةَ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾
- ۸۲ ﴿بَقِيَّةَ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾
- ۲۴۹ ﴿بَقِيَّةَ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾
- ۲۸۹ ﴿بَقِيَّةَ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾
- ۱۴۲ ﴿بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ يَلْعَبُونَ﴾
- ۱۳ ﴿تَبَارَكَ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَعِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ﴾
- ۲۶۴ ﴿تَصَلَّى نَارًا حَامِيَةً﴾
- ۱۵۲ ﴿ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا﴾
- ۳۱۹ ﴿ثُمَّ لَا يَنبَغِي لَهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ...﴾
- ۵۱ ﴿جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾
- ۲۰۹ ﴿جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾
- ۲۳۰ ﴿جاء الحق وزهق الباطل وان الباطل كان زهوقا﴾
- ۳۰۰ ﴿جَهَنَّمَ يَصَلَوْنَهَا وَيَبْسُ الْقَرَارُ﴾
- ۲۷۳ ﴿حَتَّىٰ إِذَا أَدْرَكَهُ الْغَرَقُ قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ...﴾
- ۱۹۰ ﴿حَتَّىٰ إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُمْ مِنْ كُلِّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ...﴾
- ۱۴۸ ﴿حَتَّىٰ إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ إِذَا هُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ﴾
- ۱۸۶ ﴿حَتَّىٰ يَبَيِّنَ لَهُمُ اللَّهُ الْحَقُّ﴾
- ۱۴۱ ﴿حَمِّ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ﴾
- ۱۴۳ ﴿رَبَّنَا اكشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ﴾
- ۲۷۲ ﴿رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً﴾
- ۱۷ ﴿سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا، مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ﴾
- ۱۴ ﴿سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ﴾
- ۱۸۶ ﴿سَتْرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ﴾
- ۱۴۸ ﴿سَتْسِئِمُهُ عَلَى الْخُرْطُومِ﴾
- ۳۰۸ ﴿سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ﴾

- ﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ...﴾ ٨٤
- ﴿عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ...﴾ ١٤
- ﴿فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ﴾ ٢٤٢
- ﴿فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ﴾ ١٥٣
- ﴿فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ، فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ، عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ﴾ ١٥٣
- ﴿فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُبِينٍ...﴾ ١٤٢
- ﴿فَأَسْتَجِبْنَا لَهُ فَعَشِفْنَا مَاهِهِ مِنْ ضُرٍّ وَأَتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً...﴾ ٩٠
- ﴿فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ، قُلُوبُهُمْ مُنْكَرَةٌ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ﴾ ٩٥
- ﴿فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ﴾ ٣١٨
- ﴿فِيمَا أَهْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطِيكَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ ٣١٩
- ﴿فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ ٧٩
- ﴿فَسَتَذْكُرُونَ مَا أَقُولَ لَكُمْ وَأَفَوضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ...﴾ ٩٢
- ﴿فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَابَ﴾ ٨٨
- ﴿فَطَوَّاتِ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا﴾ ٢٠
- ﴿فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمْ عَذَابٌ يَوْمَ الظُّلَّةِ إِنَّهُ كَانَ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ ٨٣
- ﴿فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنُوسِ، الْجَوَارِ الْكُنُوسِ﴾ ١٣٧
- ﴿فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ ١٣
- ﴿فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ، لَلَبَثَ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ﴾ ٧٣
- ﴿فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ﴾ ٢٣
- ﴿فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ مُؤْمِنٌ﴾ ٢٣
- ﴿فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا﴾ ١٦٧
- ﴿فِي غَايَةِ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحَ الْعَقِيمَ﴾ ٧٨
- ﴿قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَأَشْهَدُ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ﴾ ٢٧٣
- ﴿قَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا...﴾ ٩١
- ﴿قَالَ مَا مَنَّكَ إِلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ﴾ ٣١٨
- ﴿قَالُوا يَا لَوْ طُ إِنَّا نُرْسِلُ رَبَّكَ لِنَ يَصِلُوا إِلَيْكَ﴾ ٨٠
- ﴿قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى إِبْرَاهِيمَ﴾ ٧٩
- ﴿قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ﴾ ١٥٥

- ١٤٣ ﴿لَئِنْ أَخْرْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ...﴾
- ١٥٩ ﴿لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ﴾
- ١٠٨ ﴿لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ...﴾
- ٦٣ ﴿لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾
- ٢٧٢ ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ...﴾
- ٨٤ ﴿لِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ﴾
- ١٤٥ ﴿مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَلِمَةً لِلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا﴾
- ٧٦ ﴿مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَلِمَةً لِلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا...﴾
- ٩٢ ﴿مَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَٰكِن شُبِّهَ لَهُمْ﴾
- ١٨٨ ﴿مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ...﴾
- ٢٣١ ﴿مَثَلُ كَلِمَةٍ خَيِّثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَيْثَةٍ اجْتَثَّتْ مِن فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِن قَرَارٍ﴾
- ١٨ ﴿مِن آيَاتِهِ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافَ أَلْسِنَتِكُمْ وَالْوَاوِيكُم...﴾
- ١٩٤ ﴿مَنْ أَظْلَمُ مِمَّن مَتَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ...﴾
- ١٥٣ ﴿مُهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ، يَقُولُ الْكَافِرُونَ هَذَا يَوْمَ عَسِيرٍ﴾
- ٧٢ ﴿نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ﴾
- ١٥٠ ﴿وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ...﴾
- ٢٣ ﴿وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِن بَنِي آدَمَ...﴾
- ٩٣ ﴿وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِي﴾
- ٣١٥ ﴿وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ...﴾
- ٣٠٦ ﴿وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ وَمَا جَعَلْنَا الرُّءْيَا...﴾
- ١٥٨ ﴿وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ...﴾
- ٨٣ ﴿وَاعْذُرْنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَّمْنَاهَا بِعَشْرِ فِتْمٍ مِيقَاتٍ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً﴾
- ٩٥ ﴿وَاقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ...﴾
- ١٤٦ ﴿وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا، وَالْقَمَرُ إِذَا تَلَّيْنَاهَا، وَالنَّهَارُ إِذَا جَلَّيْنَاهَا﴾
- ١٠٤ ﴿وَالْمَغَابَةِ لِلْمُتَّقِينَ﴾
- ٣١٩ ﴿وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ﴾
- ١٥٤ ﴿وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ، وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾
- ٣١١ ﴿وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ، إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ...﴾

- ﴿وَأَنَّهُ لَعَلَّمَ لِلشَّاعَةِ﴾ ١٠٤
- ﴿وَأَنَّ السَّاعَةَ بَآيَةٌ لَّا رَيْبَ فِيهَا﴾ ٢٦٥
- ﴿وَيَبْرَزُ اللَّهُ الْوَاحِدَ الْقَهَّارَ﴾ ٢٦٦
- ﴿وَتَرَى الظَّالِمِينَ لَمَّا رَأَوْا الْعَذَابَ يَقُولُونَ هَلْ إِلَى مَرَدٍّ مِنْ سَبِيلٍ﴾ ١٥٥
- ﴿وَتُعَرِّضُ مَنْ تَشَاءُ وَتُدْخِلُ مَنْ تَشَاءُ﴾ ٨٥
- ﴿وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَآيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ ١٣٦
- ﴿وَجُودٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ﴾ ٢٦٤
- ﴿وَحَرَامٌ عَلَى قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ﴾ ١٤٣
- ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ...﴾ ٦٣
- ﴿وَعَدَ اللَّهُ لَّا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ﴾ ٢٦٦
- ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾ ٧٧
- ﴿وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ، إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾ ٢٨٢
- ﴿وَلَئِنْ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْمِتُمْ لَMَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ﴾ ١٥١
- ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَآخْتَلَفَ فِيهِ﴾ ٨٥
- ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا...﴾ ٣١٨
- ﴿وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ﴾ ١٣٠
- ﴿وَلَنذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَى دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ﴾ ١٨٧
- ﴿وَلَنذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَى، دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ، لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ ١٥٤
- ﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ...﴾ ١٩٧
- ﴿وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ﴾ ١٥٠
- ﴿وَلَهُ اسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ﴾ ٢٧٣
- ﴿وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَن يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ ٢٧٢
- ﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ...﴾ ٦٢
- ﴿وَتُرِيدُونَ أَنْ تَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ ٦٢
- ﴿وَيَسْتَشِيبُونَكَ أَحَقُّ هُوَ؟ قُلْ: إِي وَرَبِّي إِنَّهُ لَحَقٌّ وَمَا أَنتُمْ بِمُعْجِزِينَ﴾ ٣٦
- ﴿وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصْرِ اللَّهِ، يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ...﴾ ٢٦٦
- ﴿وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ﴾ ١٥٤
- ﴿وَيَوْمَ يَعْصُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا﴾ ١٦٠

- ﴿ هَذَا تَذِيرٌ مِّنَ التَّذِيرِ الْأُولَى ﴾ ٢٢
- ﴿ هَذِهِ النَّارُ الَّتِي كُنتُمْ بِهَا تُكذَّبُونَ ﴾ ١٥٣
- ﴿ هل أتيتك حديث الفاشية ﴾ ٢٦٤
- ﴿ هل أتى على الإنسان حين من الدهر لم يكن شيئاً مذكوراً... ﴾ ١٨
- ﴿ هل أتيتك حديث الفاشية ﴾ ٢٦٤
- ﴿ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ... ﴾ ١٤٦
- ﴿ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ﴾ ٦٣
- ﴿ هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ... ﴾ ١٦
- ﴿ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ... ﴾ ١٤
- ﴿ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي رُؤْيَايَ إِنْ كُنْتُمْ لِلرُّؤْيَا تَعْبُرُونَ ﴾ ١١٠
- ﴿ يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ، ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً... ﴾ ١٥
- ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ نُصِرْكُمْ وَيُغْفِرْ أَسْمَاءَكُمْ ﴾ ٢٤
- ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ ﴾ ٢٦
- ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَزِدْكُمْ مِنْ دِينِهِ... ﴾ ٢٥٦
- ﴿ يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ، قُمْ فَأَنْذِرْ ﴾ ١٤٦
- ﴿ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا... ﴾ ١٧
- ﴿ يَا حَسْرَتِي عَلَىٰ مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ ﴾ ١٦١
- ﴿ يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ ﴾ ٨٦
- ﴿ يَا ذَا الْقُرْآنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ... ﴾ ١٨٩
- ﴿ يَا وَيْلَتَا مَنْ بَعَثْنَا مِنْ مَرْقَدِنَا ﴾ ١٥٤
- ﴿ يُضِلُّ اللَّهُ الضَّالِّمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ ﴾ ٣٠٠
- ﴿ يَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ... ﴾ ٧٦
- ﴿ يَوْمَ تَشَقَّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ذَلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ ﴾ ١٥٨
- ﴿ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا ﴾ ١٤٧

فهرست احاديث و روايات

- «أَمِنُوا بِبَلِيَّةِ الْقَدْرِ، فَإِنَّهُ يُنَزَّلُ فِيهَا أَمْرَ السَّنَةِ...» ١٠٧
- «اتى امرالله فلا تستمجلوه هذاالمهدى خليفة الله فاتبعوه.» ٢٠٩
- «إِذَا آنَ قِيَامُهُ مُطِرَ النَّاسَ جَمَادِيَ الْآخِرَةِ، وَعَشْرَةَ أَيَّامٍ مِنْ رَجَبٍ...» ١٥٩
- «إِذَا اخْتَلَفَ بَنُو فَلَانٍ فِيمَا بَيْنَهُمْ، فَعِنْدَ ذَلِكَ الْفَرَجُ...» ٢٢٤
- «إِذَا اسْتَشَارَتْ عَلَيْكُمْ الرُّومُ وَالتُّرْكُ وَجُهِزَتِ الْجُيُوشُ ثُمَّ يَتَخَالَفُ التُّرْكُ وَالرُّومُ...» ٢١٥
- «إِذَا اسْتَحَلَّوْا الْكُذِبَ، وَاتَّبَعُوا الْأَهْوَاءَ، وَاسْتَفْلِنَ الْفَجُورُ وَقَوْلُ الْبُهْتَانِ...» ١٧٢
- «إِذَا اسْتَحَفُّوْا بِالْقُرْآنِ، وَكَانَتْ مَسَاجِدُهُمْ مَعْمُورَةً بِالْأَذَانِ...» ١٧١
- «إِذَا افْتَرَقَ بَنُو قَنْطُورَاءَ عَلَى اخْتِلَافٍ، وَآلُ بِهِمُ الْوَجَلُ إِلَى الْمُصَافِ...» ١٩٣
- «إِذَا أُذِنَ لِلْإِمَامِ دَعَا اللَّهَ بِاسْمِهِ الْعِبْرَانِي فَاتِيحَتْ لَهُ صَحَابَتُهُ...» ٢٥٣
- «إِذَا أَقْبَلَتْ فِتْنَةٌ مِنَ الْمَشْرِقِ، وَفِتْنَةٌ مِنَ الْمَغْرِبِ...» ٢١٣
- «إِذَا بَعَثَ الشُّفْيَانِيُّ جَيْشَهُ مِنْ إِثْنَيْ عَشَرَ أَلْفِ رَجُلٍ...» ٣٠٣
- «إِذَا بَقِيَ الدِّينُ بَيْنَكُمْ لَفْطاً بِالسُّنَّتِكُمْ.» ١٧١
- «إِذَا بَلَغَ الشُّفْيَانِيُّ الْكُوفَةَ، وَقَتَلَ أَهْوَانَ آلِ مُحَمَّدٍ...» ٢٢٦
- «إِذَا بَلَغَتِ الرَّايَاتُ الصُّفْرَ مِصْرًا، فَاهْرَبْ فِي الْأَرْضِ جُهْدَكَ هَرَبًا...» ٢٢١
- «إِذَا تَمَنَّى أَحَدُكُمْ الْقَائِمَ فَلْيَسْمَنْهُ فِي عَافِيَةٍ...» ٢٦٧
- «إِذَا خَرِبَتِ الْبَصْرَةُ، وَقَامَ أَمِيرُ الْأَمْرَةِ.» ٢٣٣
- «إِذَا خَرَجَتْ خَيْلُ الشُّفْيَانِيِّ إِلَى الْكُوفَةِ، بَعَثَ فِي طَلَبِ أَهْلِ خُرَاسَانَ...» ٢٤١
- «إِذَا دَارَتْ رَحَى بَنِي الْعَبَّاسِ، وَرَبَطَ أَصْحَابُ الرَّايَاتِ خِيُولَهُمْ بِزَيْتُونِ الشَّامِ...» ٢٢٢
- «إِذَا رَأَيْتَ الْفِتْنَةَ بِالشَّامِ فَالْمَوْتُ الْمَوْتُ حَتَّى يَتَحَرَّكَ بَنُو الْأَصْفَرِ...» ١٩٥

- ٢٢٧ «إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّاياتِ السُّودَ تَخْرُجُ مِنْ خُرَاسَانَ...»
- ٢١٤ «إِذَا رَأَيْتُمُ أَوَّلَ التُّرُكِ بِالْجَزِيرَةِ فَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى تَهْزِمُوهُمْ...»
- ٢٤٠ «إِذَا رَأَيْتُمُ ذَلِكَ فَقَلِّبْكُمْ بِالْفَتَى الشَّمِيمِ، فَإِنَّهُ يُقْبَلُ مِنْ جِهَةِ الْمَشْرِقِ...»
- ٢٤٧ «إِذَا سَمِعُوا الصَّوْتَ أَصْبَحُوا كَأَنَّمَا عَلَى رُؤُوسِهِمُ الطَّيْرُ...»
- ١٧٥ «إِذَا صَارَ لِأَهْلِ الرُّمَانَ وَجُوهٌ جَمِيلَةٌ وَضَمَائِرُ رَدِيئَةٌ، فَمَنْ رَأَاهُمْ أَعْجَبُوهُ...»
- ١٨٥ «إِذَا ظَهَرَتِ الْفَاجِئَةُ كَانَتْ الرَّجْفَةُ...»
- ١٨٤ «إِذَا ظَهَرَتْ بِخُرَاسَانَ الرِّزَالِزِلُ، وَنَزَلَتْ بِهَمْدَانَ التَّوَارِزِلُ...»
- ١٥٦ «إِذَا قَامَ آتِي الْمُؤْمِنِ فِي قَبْرِهِ، يُقَالُ لَهُ: يَا هَذَا إِنَّهُ قَدْ ظَهَرَ صَاحِبُكَ...»
- ٢٦٦ «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ لَا تَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا تُودِي فِيهَا بِشَهَادَةٍ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ...»
- ٢٠٤ «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْ كُلِّ مُؤْمِنٍ الْعَاقَةَ، وَرَدَّ إِلَيْهِ قُوَّتَهُ...»
- ٣٢١ «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ ذَهَبَتْ دَوْلَةُ الْبَاطِلِ...»
- ٢٨٩ «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ قَرَأَ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى حَدِّهِ، وَأَخْرَجَ الْمُصْحَفَ الَّذِي كَتَبَهُ عَلِيُّ...»
- ٢٨٩ «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ هَدَمَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ حَتَّى يَرُدَّهُ إِلَى أُسَاسِهِ...»
- ٢٩٣ «إِذَا قَامَ بِمَكَّةَ وَأَرَادَ أَنْ يَتَوَجَّهَ إِلَى الْكُوفَةِ...»
- ٢٥٥ «إِذَا قَامَ تَجَمَّعَ إِلَيْهِ أَصْحَابُهُ عَلَى عِدَّةِ أَهْلِ بَدْرٍ وَأَصْحَابِ طَلُوتٍ...»
- ١٠٥ «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ...»
- ١٩٢ «إِذَا قَتَلَ مُلُوكَ بَنِي الْعَبَّاسِ أَصْحَابُ الرَّمِيِّ عَنِ الْأَقْوَامِ بِوُجُوهِ كَالْتَّرَاسِ...»
- ١٧٢ «إِذَا كَثُرَ الْجُورُ وَالْفَسَادُ، وَظَهَرَ الْمُتَكَبَّرُ وَأَمَرَ النَّاسَ بِهِ...»
- ٢٢٣ «إِذَا مَلَكَ رَجُلٌ الشَّامَ، وَأَخْرَجَ مِصْرًا، فَاتَّسَلَ الشَّامِيُّ وَالْمِصْرِيُّ...»
- ٢٤٥ «إِذَا نَادَى مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ: إِنَّ الْحَقَّ فِي آلِ مُحَمَّدٍ...»
- ١٧٧ «إِذَا وَقَعَتِ النَّارُ فِي حِجَازِكُمْ، وَجَرَى الْمَاءُ بِتَجْفِيكُمْ، فَتَوَقَّعُوا ظُهُورَهُ...»
- ١٧٨ «إِذَا تَفَاعَ رِيحٌ سَوْدَاءَ بِهَا أَوَّلَ النَّهَارِ، وَرَزَلَتْ، حَتَّى يَتَخَسِفَ كَثِيرٌ مِنْهَا...»
- ٥٠ «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ وَأَنَّ أَبِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ...»
- ٤٤ «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ...»
- ٢٠ «أَصْلُ الْإِنْسَانِ لُبُّهُ وَعَقْلُهُ دِينُهُ وَمَرْوَتُهُ حَيْثُ يَجْعَلُ لِنَفْسِهِ...»
- ١٦٨ «الْأَيَاتُ كَحُرُوفَاتِ مَنْظُومَاتٍ فِي سِلْكِ، فَانْقَطَعَ السِّلْكُ يَسْبُغُ بَعْضُهَا بِبَعْضٍ...»
- ٢٢٥ «أَلَا يَا وَيْلَ لِكُوفَانِكُمْ هَذِهِ وَمَا يَجِلُّ فِيهَا مِنَ الشُّفْيَانِيِّ...»
- ٢٣٦ «الْبَيْعَةُ لِلَّهِ، الْبَيْعَةُ لِلَّهِ...»

- ۲۷۰ «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَّهُ، وَأَوْزَنَّا الْأَرْضَ نَتَّبِعُوا مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ...»
- ۵۰ «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ.»
- ۲۸۱ «الَّذِينَ كَانُوا مَعَ نُوحٍ فِي السَّفِينَةِ وَالَّذِينَ كَانُوا مَعَ إِبْرَاهِيمَ حِينَ أَلْقَى فِي النَّارِ...»
- ۱۰۹ «الرُّؤْيَا الصَّالِحَةُ جُزْءٌ مِنْ سِتَّةٍ وَأَرْبَعِينَ جُزْءًا مِنَ التَّوْبَةِ.»
- ۱۰۸ «الرُّؤْيَا الصَّالِحَةُ يَرَاهَا الْمَرْءُ الصَّالِحُ أَوْ يَرَاهَا لَهُ.»
- ۶۴ «السَّلَامُ عَلَى الْمَهْدِيِّ الَّذِي وَعَدَّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ الْأُمَّةَ أَنْ يَجْمَعَ بِهِ الْكَلِمَ...»
- ۹۵ «السَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا رَسُولِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ...»
- ۸۲ «السلام عليك يا بقية الله في ارضه.»
- ۶۲ «السَّلَامُ عَلَى مَهْدِيِّ الْأُمَّةِ وَجَامِعِ الْكَلِمِ.»
- ۱۵۹ «العَجَبُ، كُلُّ الْعَجَبِ بَيْنَ جُمَادَى وَرَجَبٍ.»
- ۱۰۶ «العلمُ سبعةَ وعشرونَ حرفاً فجميعُ ما جئتُ به الرُّسُلُ حرفانِ...»
- ۲۰۱ «الْقَائِلُ مِنْكُمْ: إِنْ أَدْرَكْتُ الْقَائِمَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ نَصَرْتَهُ...»
- ۳۱۶ «الْقَائِمُ مِنَّا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ، مُؤَيَّدٌ بِالنُّصْرِ، تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ...»
- ۷۱ «الْقَائِمُ مِنْ وَلَدِي إِسْمُهُ إِسْمِي وَكُنْيَتُهُ كُنْيَتِي وَشِمَائِلُهُ شِمَائِلِي...»
- ۱۱۳ «اللَّهُمَّ احْجُبْنِي عَنْ عِيُونِ أَعْدَائِي وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَوْلِيَائِي.»
- ۲۳۱ «اللَّهُمَّ الْعَنَّهُمْ جَمِيعاً.»
- ۱۱۶ «اللَّهُمَّ اتَّقِمْ بِي مِنْ أَعْدَائِي.»
- ۱۱۶ «اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي.»
- ۵۰ «اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي وَعْدِي وَأَتِمِّمْ لِي أَمْرِي وَتَبِّثْ وَطْأَتِي وَأَمْلَأْ الْأَرْضَ بِي عَدْلًا وَقِسْطاً.»
- ۲۹۱ «اللهم انى اسئلك بسمك يا الله، يا الله، يا الله...»
- ۹ «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ مَا اخْتَلَفَ الْمَلَوَانِ...»
- ۱۰۴ «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّ أَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَالْعَدْلِ الْمُشْتَظَرِ.»
- ۳۸ «اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ وَأَجْعَلْ فَرَجَنَا مَعَ فَرَجِهِمْ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.»
- ۱۲۲ «الْمُتَّقِرِينَ مِنْ مُؤْمِنِينَ وَالْمُنْكَرِينَ لَهُمْ كَافِرِينَ.»
- ۶۷ «الْمَهْدِيُّ خَاشِعٌ لِلَّهِ كَخَشْوَةِ النَّسْرِ لِجَنَاحِهِ.»
- ۶۶ «الْمَهْدِيُّ طَاوُؤُسٌ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَجَهَةٌ كَالْقَمَرِ الدُّرِيِّ عَلَيْهِ جَلَابِيبُ الثُّورِ...»
- ۶۴ «الْمَهْدِيُّ مِنَّا أَهْلُ الْبَيْتِ يُصْلِحُهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي لَيْلَةٍ.»
- ۳۷ «الْمَهْدِيُّ مِنْ عِزَّتِي مِنْ وَلَدِ فَاطِمَةَ يُقَاتِلُ عَلَى سُنَّتِي كَمَا قَاتَلْتُ أَنَا عَلَى الْوَحْيِ.»

- ١٣٦ «الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي إِسْمُهُ إِسْمِي وَكُنْيَتُهُ كُنْيَتِي...»
- ٩٥ «الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي إِسْمُهُ إِسْمِي وَكُنْيَتُهُ كُنْيَتِي، أَشْبَهُ النَّاسِ بِي خَلْقًا وَخُلُقًا...»
- ١١ «الْمُؤْمِنُ إِذَا مَاتَ وَتَرَكَ وَرَقَةً وَاحِدَةً عَلَيْهَا هِلْمٌ تَكُونُ تِلْكَ الْوَرَقَةُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ سِتْرًا...»
- ١٢٤ «إِلَى اللَّهِ أَشْكُو الْمُكْذِبِينَ لِي فِي أَمْرِهِ، وَالْجَاحِدِينَ لِقَوْلِي فِي شَأْنِهِ...»
- ٢٢٠ «إِمَارَةُ خُرُوجِ السُّفْيَانِيِّ أَنْ يَحْضَلَ خَنْفٌ بِفَرْبِ مَسْجِدِ دِمَشْقٍ...»
- ٢٣٥ «إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ النُّبُوَّةِ، وَمَعْدِنِ الرُّسَالَةِ وَالْخِلَافَةِ...»
- ٢٤٩ «أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ وَحُجَّتُهُ وَخَلِيفَتُهُ عَلَيْكُمْ...»
- ٢٧ «إِنَّ الْإِسْلَامَ بَدَأَ غَرِيبًا، وَسَيَعُودُ غَرِيبًا كَمَا بَدَأَ فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ...»
- ١٣١ «إِنَّ الْإِمَامَ بَعْدِي أَبِي، أَمْرُهُ أَمْرِي، وَقَوْلُهُ قَوْلِي، وَطَاعَتُهُ طَاعَتِي...»
- ١٠٩ «رَأَى الرَّؤُوسَ الصَّادِقَةَ جُزْءَ سَبْعِينَ جُزْءٍ مِنَ النُّبُوَّةِ...»
- ٢٨٠ «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَدْعُهُمْ حَتَّى يُنَادِيَ كَمَا نَادَى بِرَسُولِ اللَّهِ يَوْمَ الْعَقَبَةِ...»
- ١٩٨ «إِنَّ الْعَذَابَ الْأَذْنَى هُوَ الْقَحْطُ وَالْجَدَبُ...»
- ٢٨٣ «إِنَّ الْقَائِمَ إِذَا خَرَجَ دَخَلَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ، فَيَسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةَ...»
- ١٠٢ «إِنَّ الْقَائِمَ يَمْلِكُ ثَلَاثِينَ وَتِسْعَ مِائَةٍ، كَمَا لَبِثَ أَهْلُ الْكَهْفِ فِي كَهْفِهِمْ...»
- ٢١١ «إِنَّ اللَّهَ إِحْتَجَّ بِالْكُوفَةِ عَلَى سَائِرِ الْبِلَادِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ...»
- ٧٢ «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِيُصْلِحَ أَمْرَهُ فِي أَمْرِهِ فِي لَيْلَةٍ وَاحِدَةٍ...»
- ٧٥ «...إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَدَارَ فِي الْقَائِمِ مِثْلًا ثَلَاثَةً أَدَارَهَا لِثَلَاثَةٍ مِنَ الرُّسُلِ...»
- ١٢٥ «إِنَّ اللَّهَ هَزَّوَجَلَّ بَعَثَ مُحَمَّدًا إِلَى النَّاسِ أَجْمَعِينَ رَسُولًا لِلَّهِ...»
- ٢٣٦ «إِنَّ الْمَهْدِيَّ لَا يَخْرُجُ حَتَّى تُقْتَلَ النَّفْسُ الزَّكِيَّةُ...»
- ٩٧ «إِنَّ الْمَهْدِيَّ يَسْتَخْرِجُ كُتُبًا مِنْ غَارِ أَنْطَاكِيَّةٍ...»
- ٢٤٥ «إِنَّ أَمْرَنَا بَفْتَةٍ فَجَاءَتْ...»
- ٢١٨ «إِنَّا وَآلُ أَبِي سُفْيَانَ أَهْلُ بَيْتَيْنِ تَعَادَيْنَا فِي اللَّهِ قُلْنَا: صَدَقَ اللَّهُ وَقَالُوا: كَذَبَ اللَّهُ...»
- ٢١٩ «إِنَّ أَمْرَ السُّفْيَانِيِّ مِنَ الْمَخْتُومِ، وَخُرُوجُهُ فِي رَجَبٍ...»
- ٢٥٧ «إِنَّ أَهْلَ الْكَهْفِ كُلَّهُمْ أَعْجَامٌ، وَلَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا بِالْعَرَبِيَّةِ...»
- ٢٠١ «إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ غَيْبِي وَالْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِي وَالْمُنْتَظِرِينَ لِظُهُورِي...»
- ٢٤٣ «إِنْتَظِرُوا الْفَرَجَ مِنْ ثَلَاثٍ: اخْتِلَافِ أَهْلِ الشَّامِ فِيمَا بَيْنَهُمْ...»
- ٢٠٢ «إِنْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَلَا تَيَأَسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ...»
- ١٠٤ «إِنْتِهَاءُ مُلْكِهِ مِنْ أَشْرَاطِ السَّاعَةِ، إِذْ جَاءَ فِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ...»

- ۱۲۲ «إِنَّ خُلَفَائِي وَأَوْصِيَائِي وَحُجَجَ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ بَعْدِي، الْإِثْنَا عَشَرَ...»
- ۵۶ «إِنَّ دَلَّتْهُمْ عَلَى الْإِسْمِ أَذَاعُوهُ وَإِنْ عَرَفُوا الْمَكَانَ دَلُّوا عَلَيْهِ.»
- ۳۱۷ «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ سَارَ فِي أُمَّتِهِ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَكَانَ يَتَأَلَّفُ النَّاسَ...»
- ۱۷۹ «إِنَّ حُمْرَانَ بَيْتِ الْمُقَدِّسِ، خَرَابٌ يَشْرَبُ...»
- ۳۱۲ «إِنَّ حَيْسَى، قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ، يَنْزِلُ إِلَى الدُّنْيَا...»
- ۱۱۲ «إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ بَيْتًا، يُقَالُ لَهُ: بَيْتُ الْحَمْدِ...»
- ۱۳۸ «إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً، فَلْيَسِّرِ اللَّهُ عَبْدًا...»
- ۱۳۱ «إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً لَا بَدَّ مِنْهَا يَرْتَابُ فِيهَا كُلُّ مُبْطِلٍ...»
- ۹۹ «إِنَّ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ رَايَةً، مَنْ تَقَدَّمَهَا سُرِقَ، وَمَنْ تَأَخَّرَ عَنْهَا زَهَقَ...»
- ۱۵۳ «إِنَّ لَنَا يَوْمًا يَحْسُرُ فِيهِ الْمُبْطِلُونَ.»
- ۲۲۱ «إِنَّ لَوْلِيَةَ الْعَبَّاسِ وَالْمَرْوَانِيِّ لَوْ قَعَّةٌ بِقَرْطَبِيَا...»
- ۲۱۳ «إِنَّمَا سُمِّيَتْ قُمْ هَكَذَا لِأَنَّ أَهْلَهَا يَجْتَمِعُونَ مَعَ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ...»
- ۱۸۲ «إِنَّمَا هُوَ كِنِيزَامُ الْخَزَرِ، يَتَّبِعُ بَعْضُهُ بَعْضًا.»
- ۱۸۰ «إِنَّ مَعَهُ نَارًا وَنُورًا فَتَارَةٌ مَاءٌ بَارِدٌ، وَمِائَةٌ نَارٌ...»
- ۲۰۰ «إِنَّ مِنَ السَّنِينَ سَنَوَاتٍ جَوَادِعُ، تُجَدِّعُ فِيهَا عَطَارِفَةٌ وَهَرِاقِلَةٌ.»
- ۲۰۰ «... إِنَّ وِرَاءَكُمْ فِتْنًا مُظْلِمَةً مُنْكَسِفَةً، لَا يَنْجُو فِيهَا إِلَّا الْمُؤْمِنُ التَّوَمَةُ.»
- ۷۵ «إِنَّ وَلِيَّ اللَّهِ يُعَمَّرُ: عُمَرُ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ عِشْرِينَ وَمِائَةً سَنَةً...»
- ۲۴۹ «إِنَّهَا تَكُونُ صَيْحَةً تَتَّبِعُهَا هَدَّةٌ.»
- ۱۹۳ «إِنَّهُ إِذَا فُقِدَ الصَّيْنُ، وَتَحَرَّكَ الْمَغْرِبِيُّ، وَسَارَ الْعَبَّاسِيُّ، وَيَوُيَعِ السُّفْيَانِيُّ...»
- ۳۰۹ «إِنَّهُ أَوَّلُ قَائِمٍ يَقُومُ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ...»
- ۱۲۲ «إِنَّ هَذَا أَمْرٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ. وَسِرٌّ مِنْ سِرِّ اللَّهِ. حِلَّةٌ مَطْوِيَّةٌ عَنْ عِبَادِ اللَّهِ...»
- ۲۲۸ «إِنَّهُ لَا يَنْجُو سِوَى اثْنَيْنِ مِنْ قَبِيلَةِ جُهَيْنَةَ...»
- ۱۸۱ «إِنَّهُ لَمْ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ، مُنْذُ ذَرَأَ اللَّهُ ذُرِّيَّةَ آدَمَ، أَعْظَمَ مِنْ فِتْنَةِ الدَّجَالِ...»
- ۲۰۴ «إِنَّهُ لَوْ قَدْ كَانَ ذَلِكَ، أُعْطِيَ الرَّجُلُ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا...»
- ۲۵۴ «... إِنَّهُمْ لَمُفْتَقِدُونَ عَنْ فَرَشِهِمْ لَيْلًا، فَيُضِحُّونَ بِمَكَّةَ...»
- ۲۵۵ «إِنَّهُمْ يَجْتَمِعُونَ مِنْ مَطْلَعِ الشَّمْسِ وَمَغْرِبِهَا، فِي نِصْفِ لَيْلَةٍ، إِلَى مَكَّةَ.»
- ۱۰۰ «إِنَّهُ يَخْرُجُ مَوْتُورًا غَضْبَانَ أَسِيفًا لِيَقْضِيَ اللَّهُ عَلَى هَذَا الْخَلْقِ...»
- ۱۵۵ «أَوَّلُ مَنْ يُحْكَمُ فِيهِمْ مُحْسِنُ بْنُ عَلِيٍّ وَفِي قَاتِلِهِ...»

- ١٤٤ «أَيَّامُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ ثَلَاثَةٌ يَوْمٌ يَقُومُ الْقَائِمُ وَيَوْمَ الْكُرَّةِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ.»
- ١٨٤ «أَبَشَّرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ، يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَى إِخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَزَلَّازِلٍ.»
- ٢٨٩ «أَخْرَجَهُ عَلَيَّ إِلَى النَّاسِ حِينَ فَرَعَ مِنْهُ وَكَتَبَهُ...»
- ٢٤١ «أَسْلَمَ الْمَوَاضِعَ يَوْمَئِذٍ أَرْضَ الْجَبَلِ...»
- ٢٢٢ «أَشَدُّ خَلْقِ اللَّهِ شَرًّا، وَأَكْثَرُ خَلْقِ اللَّهِ ظُلْمًا...»
- ٢١٣ «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ فِتْنَةِ الْمَشْرِقِ ثُمَّ مِنَ الْمَغْرِبِ...»
- ٢٠ «أَفْضَلُ الْمَعْرِفَةِ مَعْرِفَةُ الْإِنْسَانِ نَفْسَهُ.»
- ٢٤٣ «أَلَا أَيُّهَا النَّاسُ: إِنَّ اللَّهَ قَدْ قَطَعَ مِدَّةَ الْجَبَّارِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَأَتْبَاعَهُمْ...»
- ٢٥٤ «أَلَا يَا أَبِي وَأُمِّي مِنْ عِدَّةِ أَسْمَائِهِمْ فِي السَّمَاءِ مَعْرُوفَةٌ وَفِي الْأَرْضِ مَجْهُولَةٌ!»
- ١٧٧ «أَلَا لَوْ ذَابَ مَا فِي أَيْدِيهِمْ لَقَدْ دَنَا التَّمْحِيصُ لِلْجَزَاءِ وَكُفِّفَ الْفِطَاءُ...»
- ٢٣١ «الْبَصْرَةُ! إِنَّهَا لِأَقْرَبُ الْأَرْضِ خَرَابًا وَأَجْشًا تُرَابًا...»
- ١٩٧ «الْجُوعُ خَاصٌّ وَغَامٌّ: فَأَمَّا الْخَاصُّ مِنَ الْجُوعِ فَبِالْكُوفَةِ...»
- ٥٦ «الْخَلْفُ مِنْ بَعْدِي ابْنِي الْحَسَنُ. فَكَيْفَ بِكُمْ بِالْخَلْفِ بَعْدَ الْخَلْفِ...»
- ٢١٠ «الرَّاحِلَةُ بِقَبْلِهَا يَنْجُو عَلَيْهَا الْمُؤْمِنُ، خَيْرٌ مِنْ دَسَكْرَةٍ تَعْلُ مِئَةَ أَلْفِ!»
- ٢٤٦ «الصَّيْحَةُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ، لَيْلَةٌ ثَلَاثٌ وَعِشْرِينَ...»
- ٢٤٤ «الصَّيْحَةُ لَا تَكُونُ إِلَّا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، لِأَنَّ شَهْرَ رَمَضَانَ شَهْرُ اللَّهِ...»
- ٢٤٦ «الْغَامُ الَّذِي فِيهِ الصَّيْحَةُ، قَبْلَهُ الْآيَةُ فِي رَجَبٍ...»
- ٢٤٠ «الْفَرَجُ كُلُّهُ هَلَاكُ الْفُلَايِيِّ مِنَ بَنِي الْعَبَّاسِ.»
- ٢٠٣ «اللَّهُمَّ لَقِّنِي إِخْوَانِي! مَرَّتَيْنِ فَقَالَ مِنْ حَوْلِهِ مِنْ أَصْحَابِهِ...»
- ٦٥ «الْمَهْدِيُّ أَقْبَلُ أَجْعَدُ، هُوَ صَاحِبُ الْوَجْهِ الْأَقْمَرِ، وَالْجَبِينِ الْأَزْهَرِ...»
- ٦٩ «الْمَهْدِيُّ سَمَّحٌ بِالنَّالِ، شَدِيدٌ عَلَى الْعَمَالِ رَحِيمٌ بِالْمَسَاكِينِ.»
- ٢٥٣ «الْمَهْدِيُّ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ، يُضْلِحُهُ اللَّهُ فِي لَيْلَةٍ.»
- ٦٥ «الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي، وَجْهُهُ كَالْقَمَرِ الدُّرِّيِّ، أَلْوَنُ لَوْنِ عَرِيٍّ...»
- ٢٠٠ «الْمُؤْمِنُونَ يُبْتَلَوْنَ، ثُمَّ يُمَيِّرُهُمُ اللَّهُ حِنْدَهُ إِنَّ اللَّهَ لَمْ يُؤْمِنْ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا...»
- ٢٣٤ «الْيَمَانِيُّ يَتَوَلَّى عَلِيًّا. الْيَمَانِيُّ وَالسُّفْيَانِيُّ كَفَرَسَى رِهَانٍ.»
- ٢٦٢ «أَمَا إِنِّي لَوَادَرَكْتُ ذَلِكَ لِاسْتَبَقَيْتُ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ!»
- ٢٠٤ «أَمَا تَرْضَوْنَ أَنَّ أَعْدَاءَكُمْ يَقْتُلُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا وَأَنْتُمْ آمِنُونَ فِي بُيُوتِكُمْ!؟»
- ٢٤٣ «أَمَا سَمِعْتُمْ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ: «إِنَّ نَشَأَ نُزِّلَ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ...»»

- ٢١٩ «أُنِي لَكُمْ بِالسُّفْيَانِي، حَتَّى يَخْرُجَ قَبْلَهُ الشَّيْبَانِيُّ...»
- ٣٠٠ «أَوَّلُ لُؤَاءٍ يَفْقُدُهُ الْمَهْدِيُّ، يَبْعَثُهُ إِلَى التُّرْكِ فَيَهْزِمُهُمْ...»
- ٩٦ «أَوَّلُ مَا يَبْدَأُ الْقَائِمُ بِأَنْطَاكِيَّةٍ...»
- ٢٨٨ «أَوَّلُ مَا يَنْطِقُ بِهِ هَذِهِ الْآيَةُ: ﴿بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾...»
- ٢٧٠ «أَوَّلُ مَنْ يُبَايِعُ الْقَائِمَ جِبْرَائِيلُ، فَيَنْزِلُ فِي صُورَةِ طَيْرٍ أَيْضَ فَيُبَايِعُهُ...»
- ٢٨٥ «أَوَّلُ مَنْ يُبَايِعُهُ جِبْرَائِيلُ، ثُمَّ الْأَنْصَارُ...»
- ١٨٧ «أَيُّ خِزْيٍ أَشَدُّ مِنْ أَنْ يَكُونَ الرَّجُلُ فِي بَيْتِهِ وَأَصْحَابِهِ...»
- ٨٦ «أَيُّنَ الْمُضْطَرِّ الَّذِي يُجَابُ إِذَا دَعِيَ...»
- ١٨١ «أَيُّهَا النَّاسُ، مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا وَقَدْ أَنْذَرَ قَوْمَهُ الدَّجَالَ...»
- ١٢١ «بِقَائِهِ بَقِيَتِ الدُّنْيَا وَرَزَقَ الْوَرَى وَبُجُودِهِ ثَبَّتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ...»
- ٢٩ «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ...»
- ١٠٨ «بَعْدَ وَفَاتِي يَنْقَطِعُ الْوَحْيُ وَلَا يَنْقَطِعُ الْمُبَشِّرَاتُ...»
- ١٩٥ «بَلَاءٌ يَصِيبُ هَذِهِ الْأُمَّةَ حَتَّى لَا يَجِدَ الرَّجُلُ مَلْجَأً يُلْجَأُ إِلَيْهِ مِنَ الظُّلْمِ...»
- ٢١٠ «بَلَدَةٌ بِالشَّامِ. فَقِيلَ: إِنَّ أَعْمَالَ الشَّامِ مَسِيعةٌ...»
- ١٠١ «بَلْ هُوَ دَائِمٌ أَبَدًا وَمُلْكٌ لَا يَنْفَدُ وَحُكْمٌ لَا يَنْقَطِعُ وَأَمْرٌ لَا يَنْطَلُ...»
- ٢٦٧ «بِنَا فَتِحَ الْأَمْرُ، وَبِنَا يُخْتَمُ وَبِنَا اسْتَنْقَذَ اللَّهُ النَّاسَ فِي أَوَّلِ الزَّمَانِ...»
- ١٩٨ «بَيْنَ ذَلِكَ تَبَجَّ أَهْوَجُ، لَيْسُوا مِنِّي وَلَا أَنَا مِنْهُمْ...»
- ٢١٦ «بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الرُّومِ أَرْبَعُ هُدُنٍ: يَوْمَ الرَّابِعَةِ عَلَى يَدِ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ هِرَقْلٍ...»
- ٢١٧ «بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الرُّومِ سَبْعُ سِنِينَ. فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ إِمَامُ النَّاسِ يَوْمَئِذٍ...»
- ٢١٥ «بَيْنَ يَدَيِ السَّاعَةِ فَتْحُ بَيْتِ الْمَقْدِسِ، وَمَوَانٍ فِيكُمْ كَقَصِّ الْغَنَمِ...»
- ١٨٠ «بَيْنَ يَدَيْهِ ثَلَاثُ سَنَوَاتٍ: سَنَةٌ تُمِيكُ السَّمَاءَ فِيهَا ثَلَاثُ قَطْرِهَا...»
- ٢٣٩ «تَخْرُجُ مِنَ الْمَشْرِقِ رَايَاتٌ سَوْدٌ، تُقَاتِلُ رَجُلًا مِنْ وُلْدِ أَبِي سُفْيَانَ...»
- ٦٩/ «تَعْرِفُونَ الْمَهْدِيَّ بِالسُّكِينَةِ وَالْوَقَارِ وَبِمَعْرِفَةِ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ...»
- ٢٢٠ «تَقْبَلُ الْبَرَبَرُ بِالرَّايَاتِ الصُّفْرِ، عَلَى الْبَرَاذِينِ السُّبْرِ...»
- ١٧٢ «تَقْسُو الْقُلُوبُ، وَتَمْتَلِيءُ الْأَرْضُ جَوْرًا، وَيَكْثُرُ الْقَتْلُ...»
- ١٨٥ «تَكْثُرُ الْفِتْنُ فِي آفَاقِ الْأَرْضِ، وَالْمَنْعُ فِي أَهْدَاءِ الْحَقِّ...»
- ٢١٠ «تَكُونُ آيَةٌ فِي رَمَضَانَ، ثُمَّ تَظْهَرُ عِصَابَةٌ فِي شَوَّالٍ...»
- ١٨٣ «تَوَفَّعُوا آيَاتِ مَسْأَلَاتِ كَنْظَامِ الْخَوَزِ، وَأَوَّلُ آيَاتِ الصَّوَاعِقِ...»

- ٢١٨ «تَوَقَّعُوا الصَّوْتِ يَأْتِيكُمْ بَغْتَةً مِنْ دِمَشْقٍ...»
- ٣١١ «ثُمَّ إِنَّ الْمَهْدِيَّ يَرْجِعُ إِلَى بَيْتِ الْمَقْدِسِ فَيُصَلِّي بِالنَّاسِ أَيَّامًا...»
- ١٨٤ «ثُمَّ رَجَفَتْ بِالشَّامِ يَهْلِكُ فِيهَا مِثَّةُ أَلْفٍ يَجْعَلُهَا اللَّهُ رَحْمَةً لِلْمُؤْمِنِينَ...»
- ٣٠٩ «ثُمَّ لَا يَلْبَثُ قَلِيلًا حَتَّى تَخْرُجَ عَلَيْهِ مَارِقَةٌ مِنَ الْمَوَالِي بِرُمِيْلَةِ الدَّشْكِرَةِ...»
- ٣٠٨ «ثُمَّ يَأْمُرُ الْمَهْدِيُّ بِإِنشَاءِ مَرَائِبٍ، يُبْنِي أَرْبَعِينَ سَفِينَةً فِي سَاحِلِ عَكَّا...»
- ٣٠٠ «ثُمَّ يَتَوَجَّهُ الْمَهْدِيُّ إِلَى الْقُدْسِ الشَّرِيفِ بِأَلْفِ مَرْكَبٍ...»
- ٢٩٦ «ثُمَّ يُخْبِرُ حَدَثًا.. فَإِذَا فَعَلَ قَالَتْ قُرَيْشٌ: أَخْرُجُوا بِنَا إِلَى هَذَا الطَّاغِيَةِ...»
- ٢٩٦ «ثُمَّ يَسِيرُ الْمَهْدِيُّ إِلَى مَدِينَةِ جَدِي رَسُولِ اللَّهِ...»
- ٣١٠ «ثُمَّ يَسِيرُ إِلَى مَدِينَةِ الرَّنْجِ وَيَفْتَحُهَا وَيَعُودُ إِلَى سَوَاحِلِ فَلَسْطِينَ...»
- ٣١٠ «ثُمَّ يَسِيرُ إِلَى مِصْرَ فَيَدْخُلُهَا، وَيَضَعُ مِنْبَرَهَا فَيَخْطُبُ النَّاسَ...»
- ٢٢٩ «ثُمَّ يَقْبَلُ عَلَى الْقَائِمِ رَجُلٌ وَجْهَهُ إِلَى قَفَاهُ...»
- ٣٠٤ «... ثُمَّ يَقْبَلُ عَلَى الْقَائِمِ رَجُلٌ وَجْهَهُ إِلَى قَفَاهُ، وَيَقِفُ بَيْنَ يَدَيْهِ...»
- ٢١٨ «ثُمَّ يَقَعُ التَّدَابُرُ وَالْإِخْتِلَافُ بَيْنَ أَمْرَاءِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ...»
- ٢٠٠ «ثُمَّ يَكُونُ الثُّفْتُ وَالنُّفَاثُ.»
- ١٦١ «جَنَّبَ اللَّهُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَكَذَلِكَ مَنْ كَانَ بَعْدَهُ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ بِالْمَكَانِ الرَّفِيعِ...»
- ٢٩٥ «حَتَّى إِذَا صَعَدَ النَّجْفَ قَالَ لِأَصْحَابِهِ: تَعَبَّدُوا بَيْنَ لَيْلَتِكُمْ هَذِهِ...»
- ٢٢٣ «حَتَّى تَقُومَ الْحَرْبُ عَلَى سَاقٍ، بِأَدْيَا تَوَاجِدُهَا مَمْلُوءَةٌ أَخْلَافُهَا...»
- ١٧٤ «حَتَّى لَا يَقْتَفِي النَّاسُ أَثَرَ نَبِيٍّ، وَلَا يَعْتَقِدُونَ بِعَمَلٍ وَصِيٍّ...»
- ٩ «حَسْبُنَا اللَّهُ نِعْمَ الْوَكِيلُ نِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ.»
- ٢٣٣ «خُرُوجُ الثَّلَاثَةِ: الشُّفْيَانِيُّ وَالْخُرَاسَانِيُّ وَالْيَمَانِيُّ فِي سَنَةِ وَاحِدَةٍ، فِي شَهْرِ وَاحِدٍ...»
- ٢٣٤ «خُرُوجُ الشُّفْيَانِيِّ وَالْيَمَانِيِّ وَالْخُرَاسَانِيِّ فِي سَنَةِ وَاحِدَةٍ، وَفِي شَهْرِ وَاحِدٍ...»
- ٢٣٤ «خُرُوجُ رَجُلٍ مِنْ وُلْدِ عَمَى زَيْدٍ، بِالْيَمَنِ.»
- ٢٣٥ «خَمْسٌ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ: الْيَمَانِيُّ، وَالشُّفْيَانِيُّ وَالنُّدَاءُ...»
- ١٠٣ «دَارُ مُلْكِهِ الْكُوفَةُ، وَمَجْلِسُ حُكْمِهِ جَامِعُهَا...»
- ١٠٣ «دَوْلَتُهُ آخِرُ الدَّوَلِ، وَخَيْرُ الدَّوَلِ، تَعَقَّبَ جَمِيعَ الْمُلُوكِ...»
- ٩٨ «رَأَيْتَهُ مِرْطٌ مُخَمَلَةٌ سَوْدَاءٍ، مُرَبَّعَةٌ فِيهَا جَمَمٌ...»
- ١٧١ «رَأَيْتَ النَّاسَ قَدْ اسْتَوَوْا فِي تَرْكِ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ...»
- ١٠٦ «سُئِلَ عَلَى عَنِ عِلْمِ النَّبِيِّ فَقَالَ: عِلْمُ النَّبِيِّ عِلْمٌ جَمِيعِ النَّبِيِّينَ...»

- ٢٤٧ «سُبْحَانَ رَبِّنَا الْقُدُّوسِ»
- ٢٤٥ «سُبُوْحُ قُدُّوسٍ، رَبِّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوْحِ»
- ٢١٣ «سَتَوْخَذُكُمْ مِمَّنْ قَبْلَهَا: شَيْبًا بِشَيْبٍ وَذِرَاعًا بِذِرَاعٍ...»
- ٣٤ «سَيَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ، وَيَمْلِكُ مَنْ هُوَ بَيْنَهُمْ حَرِيبٌ...»
- ٢٠١ «سَيَأْتِي عَلَيْكُمْ زَمَانٌ لَا يَنْجُو فِيهِ مِنْ ذَوِي الدِّينِ...»
- ٢٠٢ «سَيَأْتِي قَوْمٌ مِنْ بَعْدِكُمْ، الرَّجُلُ مِنْهُمْ لَهُ أَجْرٌ خَسِيفٌ مِنْكُمْ...»
- ٢١٦ «سَيَكُونُ بَعْدِي فِتْنٌ مِنْهَا فِتْنَةٌ الْإِجْلَاءُ، يَكُونُ فِيهَا هَرَبٌ وَضَرْبٌ...»
- ١٨٥ «سَيَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ خَنْفٌ وَقَذْفٌ وَمَسْخٌ»
- ٢٤٢ «سَيَكُونُ فِي رَمَضَانَ صَوْتٌ، وَفِي سُؤَالٍ مَغْمَعَةٌ...»
- ١٨٣ «شَارَتَانِ بَيْنَ يَدَيْ هَذَا الْأَمْرِ: خُسُوفُ الْقَمَرِ بِخَمْسِينَ...»
- ١٨٨ «طُلُوعُ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا، وَالذَّجَالُ، وَدَابَّةُ الْأَرْضِ...»
- ١٧٧ «طُلُوعُ الْكَوْكَبِ الْمَذْنَبِ يُفْزِعُ الْعَرَبَ! وَهُوَ نَجْمٌ بِالْمَشْرِقِ يُضِيءُ كَمَا يُضِيءُ الْقَمَرُ...»
- ٢٠٥ «طُوبَى لِلصَّابِرِينَ فِي غَيْبَتِهِ! طُوبَى لِلْمُقِيمِينَ عَلَى مُحَبَّتِهِ...»
- ٢٩٤ «طُوبَى لِمَنْ شَهِدَ هَذَا مَسْجِدِ الْكُوفَةِ مَعَ قَائِمِ أَهْلِ بَيْتِي...»
- ٢٠٥ «طُوبَى لِمَنْ لَقِيَهُ وَطُوبَى لِمَنْ أَحَبَّهُ، وَطُوبَى لِمَنْ قَالَ بِهِ...»
- ١٧٨ «عَامَ الْفَتْحِ يَنْبِئُ الْفُرَاتُ حَتَّى يَدْخُلَ أَرَقَّةَ الْكُوفَةِ...»
- ٦٦ «عَلَامَةٌ أَنْ يَكُونَ شَيْخُ السَّنِّ، شَابًّا الْمُنْظَرِ...»
- ٢٢٠ «عَلَامَةٌ خُرُوجِ الْمَهْدِيِّ الْوَيْتَةِ تُقْبَلُ مِنَ الْمَغْرِبِ، عَلَيْهَا رَجُلٌ أُعْرِجٌ مِنْ كِنْدَةَ...»
- ١٨٣ «عَمُودٌ نَارٍ يَطْلُعُ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ فِي السَّمَاءِ، يَرَاهَا أَهْلُ الْأَرْضِ...»
- ٢٠٣ «عِنْدَهَا يَذُوبُ قَلْبُ الْمُؤْمِنِ فِي جَوْفِهِ كَمَا يَذُوبُ الْمِلْحُ فِي الْمَاءِ...»
- ١٠٤ «فَإِذَا تَمَّ الْأَمْرُ أَتَى الْحُجَّةَ الْمَوْتُ، فَقَتَلَتْهُ أَمْرَاءٌ مِنْ بَنِي تَمِيمٍ...»
- ٢٤٨ «فَإِذَا دَنَتِ الشَّمْسُ لِلْمَغْرِبِ، صَرَخَ صَارِخٌ مِنْ مَغْرِبِهَا...»
- ٢٤٧ «فَإِذَا صَلَّيْتُمُ الْفَجْرَ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ الْمَذْكُورِ، فَادْخُلُوا بُيُوتَكُمْ...»
- ٢٩٤ «فَإِذَا كَانَتِ الْجُمُعَةُ الثَّانِيَةَ قَالَ النَّاسُ: يَا أَبْنَ رَسُولِ اللَّهِ...»
- ٩٩ «فَإِذَا هَرَّتْ رَأْيَتُهُ أَضَاءَ لَهَا مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ...»
- ٢٢١ «فَأَوَّلُ أَرْضٍ تَخْرُجُ أَرْضُ الشَّامِ: يَخْتَلِفُونَ عِنْدَ ذَلِكَ عَلَى ثَلَاثِ رَأْيَاتٍ...»
- ٣١٤ «فَبَيْنَا هُوَ كَذَلِكَ إِذْ هَبَطَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ بِشَرْقِي دِمَشْقٍ...»
- ١٥٣ «فَذَلِكَ يَوْمٌ عَسِيرٌ، عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ»

- ١٩٧ «فَعِنْدَ ذَلِكَ تَخْرُجُ الْعَجَمُ عَلَى الْعَرَبِ، وَيَمْلِكُونَ الْبَصْرَةَ...»
- ٧٠ «فَعِنْدَ ذَلِكَ تَفْرُخُ الطُّيُورُ فِي أَوْكَارِهَا وَالْحَيْتَانُ فِي بَحَارِهَا...»
- ٦٨ «قَالَ يَسِيرُ بِسِيرَةِ مَا سَارَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ حَتَّى يُظْهِرَ الْإِسْلَامَ...»
- ٢٠٦ «فَقِفْ أَمَدَكَ اللَّهُ بِعَوْنِهِ عَلَى أَعْدَائِهِ الْمَارِقِينَ مِنْ دِينِهِ...»
- ٢٣٧ «فَلَابُدَّ مِنْ قَتْلِ غُلَامٍ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ...»
- ٢٤٨ «فَلَا يَبْقَى شَيْءٌ خَلَقَ اللَّهُ فِيهِ الرُّوحَ إِلَّا سَمِعَ الصَّيْحَةَ...»
- ٧٥ «فِي الْقَائِمِ مِثَا سِتْنِ مِنْ سِتْنِ الْأَنْبِيَاءِ... فَأَمَّا مِنْ آدَمَ وَمِنْ نُوحٍ فَطُولَ الْعُمُرِ.»
- ١٣٢ «فِي الْقَائِمِ مِثَا سِتْنِ مِنْ سِتْنِ الْأَنْبِيَاءِ سَنَةً مِنْ آدَمَ سِتَّةً مِنْ نُوحٍ...»
- ٣٠٥ «فَيَخْرُجُ بِخَيْلِهِ وَقَوْمِهِ وَرِجَالِهِ وَجَيْشِهِ، وَمَعَهُ مِثَةُ أَلْفٍ وَسَبْعُونَ أَلْفًا...»
- ٦٥ «فِي شَعْرِهِ قَطَطٌ أَفْرَقَ الشَّيَاطِنَ، أَبْلَجُهَا، وَاضِحُ الْجَبِينِ.»
- ٢٧٠ «فَيَقُولُ جِبْرَائِيلُ: أَنَا أَوَّلُ مَنْ يُبَايِعُكَ. أَبْشَطُ يَدَكَ فَيَمْنَعُ عَلَى يَدِهِ.»
- ١٠٢ «فَيَسْكُتُ فِي الْأَرْضِ أَرْبَعِينَ سَنَةً...»
- ١٢٣ «قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: وَأَعْطَيْتُكَ يَا مُحَمَّدُ مَنْ أَخْرَجَ مِنْ صُلْبِهِ ﴿يَعْنِي عَلِيًّا﴾...»
- ٢١٣ «ثُمَّ عَشَى آلَ مُحَمَّدٍ وَ مَاوَى شِيعَتَهُمْ...»
- ٢١٢ «ثُمَّ يَجْتَمِعُ فِيهَا عِبَادُ اللَّهِ الْمُؤْمِنُونَ، يَنْتَظِرُونَ مُحَمَّدًا وَشَفَاعَتَهُ لِلْقِيَامَةِ وَالْحِسَابِ...»
- ٢٥٤ «قَوْمٌ لَمْ يَمْنُوا عَلَى اللَّهِ بِالصَّبْرِ، وَلَمْ يَسْتَعْظِمُوا بِذَلِّ أَنْفُسِهِمْ فِي الْحَقِّ...»
- ٢٠ «قِيمَةُ كُلِّ أَمْرٍ مَا يُحْسِنُهُ.»
- ٩٨ «كَانَتْ عَصَا مُوسَى قَضِيبَ آسٍ مِنْ: الْجَنَّةِ، أَتَاهُ بِهِ جِبْرَائِيلُ لَمَّا تَوَجَّهَ لِتَلْقَاءِ مَدْيَنَ...»
- ٩٨ «كَانَتْ عَصَا مُوسَى لِأَدَمَ، فَصَارَتْ إِلَى شُعَيْبٍ...»
- ١٩٢ «كَانِي أَرَاهُمْ قَوْمًا وَجُوهَهُمُ الْمَجَانُّ الْمَطْرَقَةُ، يَلْبَسُونَ الشَّرْقَ وَالْدِيْبَاغَ...»
- ٢٩٤ «كَانِي أَنْظُرُ إِلَى شِيعَتِنَا بِمَسْجِدِ الْكُوفَةِ...»
- ٢٥٥ «كَانِي أَنْظُرُ إِلَيْهِمْ، وَالرُّؤْيُ وَاحِدٌ، وَالْقَدُّ وَاحِدٌ...»
- ٢٣٨ «كَانِي بِالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَقَدْ قَادَاهَا، فَيَسْلَمُهَا الْحُسَيْنِيُّ، فَيُبَايِعُونَهُ.»
- ٢٩٥ «كَانِي بِالْقَائِمِ عَلَى نَجْفِ الْكُوفَةِ، وَقَدْ سَارَ إِلَيْهَا مِنْ مَكَّةَ بِخَمْسَةِ أَلْفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ...»
- ٣١٦ «كَانِي بِقَائِمِ أَهْلِ بَيْتِي قَدْ أَشْرَفَ عَلَى نَجْفِكُمْ هَذَا وَأَوْمَأَ يَدَهُ إِلَى نَاحِيَةِ الْكُوفَةِ...»
- ١٩ «كَيْفَ الطَّرِيقُ إِلَى مَعْرِفَةِ الْحَقِّ...»
- ١١٢ «كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا بَقِيتُمْ بِإِمامٍ هُدَى وَلَا عِلْمَ يُرَى...»
- ١٧٠ «كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا مَرَجَ الدِّينَ وَظَهَرَتِ الرَّغْبَةُ وَحُرِقَ الْبَيْتُ الْعَتِيقُ...»

- «كَيْفَ يَخْتَا جِبَارُ تَعَالَى إِلَى مَعْرِفَةِ خَلْقِ أَنْشَأْتُمْ وَمَنْ خَلَقَهُ...» ۳۰۹
- «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَصِدْقًا...» ۲۶۸
- «لَا بُدَّ أَنْ يَكُونَ قُدَامَ الْقَائِمِ سَنَةٌ تَجُوعُ فِيهَا النَّاسُ...» ۱۹۷
- «لَا بُدَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ عَزَلَةٍ، وَلَا بُدَّ فِي عَزَلَتِهِ مِنْ قُوَّةٍ...» ۱۱۱
- «لَا بُدَّ لِلْعُلَامِ مِنْ عَيْبَةٍ... يُخَافُ فِيهَا الْقَتْلَ.» ۱۲۶
- «...لَا بُدَّ مِنْ هَذَيْنِ الصَّوْتَيْنِ قَبْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ: صَوْتٍ مِنَ السَّمَاءِ...» ۲۴۸
- «... لَا تَرُونَ مَا تُحِبُّونَ حَتَّى يَخْتَلِفَ بَنُو فُلَانٍ فِيمَا بَيْنَهُمْ...» ۲۱۷
- «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَسِيلَ وَادٍ مِنْ أَوْدِيَةِ الْحِجَازِ بِالنَّارِ.» ۱۷۷
- «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَقُومَ قَائِمٌ لِلْحَقِّ مِنَّا...» ۳۶
- «لَا يَأْتِي عَلَيْكُمْ زَمَانٌ إِلَّا الَّذِي بَعْدَهُ شَرُّ مِنْهُ.» ۱۷۵
- «لَا يَخْرُجُ الْقَائِمُ إِلَّا فِي وَتْرٍ مِنَ السَّنِينَ. سَنَةٌ إِحْدَى أَوْ ثَلَاثٌ، أَوْ خَمْسٌ، أَوْ سَبْعٌ، أَوْ تِسْعٌ.» ۱۰۳
- «لَا يُخْرِجُ أَهْلَ مِصْرَ مِنْ مِصْرِهِمْ عَدُوًّا لَهُمْ، وَلَكِنْ يُخْرِجُهُمْ نِيْلَهُمْ هَذَا...» ۱۷۸
- «لَا يُخْرِجُ حَتَّى لَا يَبْقَى، قِيلَ وَلَا ابْنَ إِلَّا هَلَكًا.» ۱۹۹
- «لَا يَدْعُهُمْ إِبْلِيسُ حَتَّى يُنَادِيَ فِي آخِرِ النَّهَارِ يُشَكِّكُ النَّاسَ.» ۲۷۹
- «لَا يَزَالُ النَّاسُ فِي مُدَّةٍ حَتَّى يُقْرَعَ الرَّأْسُ. فَإِذَا قُرِعَ الرَّأْسُ هَلَكَ النَّاسُ.» ۲۲۲
- «لَا يَطَّلِعُ عَلَى مَوْضِعِهِ أَحَدٌ مِنْ وَلِيِّ وَلَا غَيْرِهِ، إِلَّا الَّذِي يَلِي أَمْرَهُ.» ۱۱۱
- «لَا يَظْهَرُ الْقَائِمُ حَتَّى يَشْمَلَ الشَّامَ وَدُورَ أَهْلِ الْبِلَادِ فِتْنَةً يَطْلُبُونَ مِنْهَا الْمَخْرَجَ...» ۲۲۵
- «لَا يَقُومُ الْقَائِمُ إِلَّا عَلَى خَوْفٍ شَدِيدٍ وَزَلْزَلٍ وَفِتْنَةٍ وَبَلَاءٍ يُصِيبُ النَّاسَ...» ۱۸۴
- «لَا يَكُونُ ذَلِكَ حَتَّى يَخْرُجَ خَارِجٌ مِنْ آلِ أَبِي سُفْيَانَ...» ۲۲۶
- «لَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ حَتَّى يَذْهَبَ ثُلَاثَا النَّاسِ...» ۲۰۴
- «لَا يَنْجُوا مِنْهَا إِلَّا مَنْ دَعَا دُعَاءَ الْفَرِيقِ.» ۱۳۹
- «لَبَّيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ.» ۱۵۹
- «لَبَّيْكَ يَا رُوحَ اللَّهِ وَكَلِمَتَهُ.» ۹۳
- «لَتَأْتِيَنَّكُمْ بَعْدِي أَرْبَعُ فِتْنٍ: الْأُولَى تُسْتَحَلُّ فِيهَا الدِّمَاءُ...» ۱۹۹
- «لَتَمْلَأَنَّ الْأَرْضُ ظُلْمًا وَجَوْرًا، حَتَّى لَا يَقُولَ أَحَدٌ «اللَّهُ»، إِلَّا مُسْتَخْفِيًا...» ۱۷۴
- «لِلشُّرِكِ خَوْجَتَانِ: خَرِجَةٌ فِيهَا خَرَابٌ أَذْرِيحَانٌ...» ۲۱۴
- «لِلْقَائِمِ عَيْنَتَانِ: إِحْدَاهُمَا صَغِيرَةٌ وَالْأُخْرَى طَوِيلَةٌ...» ۱۱۲
- «لَمْ أَرَقُطْ فِي حُسْنِ صُورَتِهِ وَاعْتِدَالِ قَامَتِهِ.» ۶۶

- ١٨٦ «... لَمْ يَجْرَفِ بَنِي إِسْرَائِيلَ شَيْءٌ إِلَّا يَكُونُ فِي أُمَّسٍ مِثْلَهُ...»
- ٣١٥ «لَنْ تَهْلِكَ أُمَّةٌ أَنَا فِي أَوْلِيهَا، وَعِيسَى بْنُ مَرْيَمَ فِي آخِرِهَا، وَالْمَهْدِيُّ فِي وَسْطِهَا.»
- ١٢١ «لَوْ أَنَّ الْإِمَامَ رُفِعَ مِنَ الْأَرْضِ سَاعَةً لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا وَمَا جِثَ كَمَا يَمْوجُ الْبَحْرُ بِأَهْلِهِ.»
- ٢٠٤ «لَوْ تَعْلَمُونَ مَا لَكُمْ فِي مَقَامِكُمْ بَيْنَ عَدُوِّكُمْ...»
- ٢٢٢ «لَوْ رَأَيْتَ السُّفْيَانِيَّ رَأَيْتَ أَخْبَثَ النَّاسِ، أَشَقَرَ أَحْمَرَ أَرْزَقَ...»
- ٢٨١ «لَوْ قَدْ خَرَجَ قَائِمٌ آلِ مُحَمَّدٍ لَنَصَرَهُ اللَّهُ بِالْمَلَائِكَةِ الْمُسَوِّمِينَ...»
- ٣١٧ «لَوْ قَدْ خَرَجَ قَائِمٌ آلِ مُحَمَّدٍ، لَنَصَرَهُ اللَّهُ بِالْمَلَائِكَةِ الْمُسَوِّمِينَ...»
- ١٠٨ «لَوْ كَانَ لِأَلْسِنَتِكُمْ أَوْكِيَةٌ لَحَدَّثَتْ كُلَّ امْرَأَةٍ بِمَا لَهَا وَعَلَيْهِ.»
- ١٢٣ «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ. لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ...»
- ٢٦٥ «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ...»
- ١٢٧ «لَهُ غَيْبَةٌ يَطْوُلُ أَمَدُهَا، خَوْفًا عَلَى نَفْسِهِ مِنَ الْقَتْلِ، يَزِيدُ فِيهَا قَوْمٌ وَيَنْبُثُ آخَرُونَ.»
- ١٧٤ «لَيَأْتِيَنَّ عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ، لَا يَبْقَى أَحَدٌ إِلَّا أَكَلَ الرَّبَا، فَإِنْ لَمْ يَأْكُلْهُ أَصَابَهُ خُبَارَةٌ.»
- ٢١٥ «لَيَبْرُدَنَّ التُّرُكُ الْجَزِيرَةَ، حَتَّى تُسْقَى خَيْلُهُمْ مِنَ الْفُرَاتِ...»
- ٢٣٧ «لَيْسَ بَيْنَ الْقَائِمِ وَقَتْلِ النَّفْسِ الزُّكِّيَّةِ سِوَى خَمْسِ عَشْرَةَ لَيْلَةً.»
- ١٢٧ «لَيَغِيْبَنَّ عَنْهُمْ حَتَّى يَقُولَ الْجَاهِلُ: مَا لِلَّهِ فِي آلِ مُحَمَّدٍ حَاجَةٌ.»
- ١٨٩ «مَا مَكَّنِي فِيهِ رَبِّي خَيْرًا فَاصْبِرْ بِي قُوَّةَ أَجْمَلِ بَيْنِكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا...»
- ١٧٤ «مَا مِنْ قَوْمٍ يَظْهَرُ فِيهِمُ الرَّبَا، إِلَّا أَخَذُوا بِالسِّنَةِ...»
- ٢٦٥ «مِثْلَهُ مِثْلُ السَّاعَةِ لَا يُجَلِّئُهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً.»
- ١٩ «مَعْرِفَةُ النَّفْسِ»
- ١٧٩ «مَلَا حِمُّ النَّاسِ خَمْسٌ: قَدْ مَضَتْ إِثْنَتَانِ وَثَلَاثٌ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ...»
- ١١٦ «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ أَخْرَجَ الْعِشَاءَ حَتَّى تُشْتَبِكَ التُّجُومُ...»
- ٥٥ «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ سَمَّانِي فِي مَجْمَعٍ مِنَ النَّاسِ بِاسْمِي.»
- ٣١٥ «مِنَا الَّذِي يُصَلِّي عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ خَلْفَهُ!»
- ١٢٥ «مِنَ الْمَحْتَمِ الَّذِي حَتَمَهُ اللَّهُ، قِيَامٌ قَائِمِينَ...»
- ١٢٤ «مَنْ أَصْبَحَ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ لَا إِمَامَ لَهُ مِنَ اللَّهِ، أَصْبَحَ تَائِبًا مَتَّحِيرًا ضَالًّا...»
- ١٢٤ «مَنْ أَنْكَرَ الْقَائِمَ مِنْ وُلْدِي أَثْنَاءَ غَيْبَتِي، مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً!»
- ١٢٤ «مَنْ أَنْكَرَ خُرُوجَ الْمَهْدِيِّ فَقَدْ كَفَرَ بِمَا أَنْزَلَ عَلَى مُحَمَّدٍ!»
- ٢٠١ «مَنْ ثَبَّتَ عَلَيَّ وَلَا يَتَّانِي غَيْبَةَ قَائِمِي، أَعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِثْلِ شَهْدَائِي بَدْرٍ وَأَحَدٍ.»

- ٢٢١ «مَنْ عَلَمَاتِهِ أَنْ يَكُونَ خَرَابُ الشَّامِ حِينَ الْبِقَاءِ الرَّايَاتِ الثَّلَاثِ فِيهَا...»
- ٢٢٠ «مِنْ عَلَمَاتِهِ نَفْرُ أَهْلِ الْمَغْرِبِ إِلَى مِصْرَ. وَتِلْكَ إِمَارَةُ السُّفْيَانِيِّ.»
- ١١ «مَنْ كَتَبَ عَنِّي عِلْمًا أَوْ حَدِيثًا لَمْ يَزَلْ يُكْتَبُ لَهُ الْأَجْرُ مَا بَقِيَ ذَلِكَ الْعِلْمُ وَالْحَدِيثُ.»
- ٧٦ «مَنْ كَذَّبَ بِالْمَهْدِيِّ فَقَدْ كَفَرَ.»
- ٢٠٢ «مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيدًا...»
- ١٢٤ «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ فَلَيْمَتْهُ إِنْ شَاءَ يَهُودِيًّا وَإِنْ شَاءَ نَصْرَانِيًّا.»
- ٣٧ «مِنْ هَذَا مَهْدِيُّ هَذِهِ الْأُمَّةِ... لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَقُومَ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ...»
- ٣٧ «مِنْهُمَا مَهْدِيُّ هَذِهِ الْأُمَّةِ.»
- ١٠٥ «نَحْنُ وَوَلَاةُ أَمْرِ اللَّهِ وَخَزَنَةُ عِلْمِ اللَّهِ وَعَيْبَةُ وَحْيِ اللَّهِ.»
- ٢٠٥ «نَعَمْ، وَلَكِنْ يُخَلَّصُونَ بَعْدَهُ.»
- ٢٣٧ «وَأَيَّةُ حَرَكَتِنَا مِنْ هَذِهِ اللَّوْثَةِ خَادِئَةٌ بِالْحَرَمِ الْمُعَظَّمِ مِنْ رَجَبٍ مُتَأَفِّفٍ مُذَمَّمٍ...»
- ١٦٣ «وَاحْضُرْنِي مَعَهُ لِيَبْقِيَ، وَتَأَكِيدَ عَقْدِهِ، بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ...»
- ١٨٥ «وَإِذَا تَرَكْتُمْ السُّنَّةَ ظَهَرَتِ الْبِدْعَةُ، وَارْتَقَبُوا هِنْدَ ذَلِكَ رِيحًا حَمْرَاءَ...»
- ٣٨ «وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ، إِنَّ مِنْهُمَا مَهْدِيُّ هَذِهِ الْأُمَّةِ...»
- ١٣٠ «وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا، إِنَّ الثَّابِتِينَ عَلَى الْقَوْلِ بِهِ زَمَانَ غَيْبِي...»
- ٣١٤ «وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا، لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ...»
- ١٨٦ «وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ لِيُخَفِّنَ بِهِمْ وَيَمَسِّحَهُمْ قِرْدَةً وَخَنَازِيرًا.»
- ١٠٥ «وَاللَّهِ إِنَّا لَخُرَّانُ اللَّهِ فِي سَمَائِهِ وَأَرْضِهِ لَا عَلَى ذَهَبٍ وَلَا عَلَى فِضَّةٍ إِلَّا عَلَى عِلْمِهِ.»
- ٢٤٤ «وَاللَّهُ إِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابِ اللَّهِ لَبَيِّنٌ حَيْثُ يَقُولُ...»
- ٢٢٤ «وَاللَّهُ لَا يَزَالُونَ، حَتَّى لَا يَدْعُوا مُحَرَّمًا إِلَّا اسْتَحْلَوْهُ...»
- ١٢٩ «وَاللَّهُ لَتُكْسِرَنَّ كَسْرَ الرُّجَاجِ! وَإِنَّ الرُّجَاجَ يُعَادُ فَيَعُودُ كَمَا كَانَ...»
- ١٢٩ «وَاللَّهُ لَتَمَيِّزَنَّ، وَاللَّهُ لَتَمَحَّصَنَّ، وَاللَّهُ لَتَقْرَبَنَّ كَمَا يُقْرَبُ الزُّوَانُ مِنَ الْقَمَحِ.»
- ٢٩٢ «وَاللَّهُ لَكَأَنِّي أَنْظَرُ إِلَيْهِ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ...»
- ٢٥٧ «وَاللَّهُ لَوَأَنَّ قَائِمَنَا قَامَ، يَجْمَعُ اللَّهُ إِلَيْهِ شِيعَتَهُ مِنْ جَمِيعِ الْبُلْدَانِ.»
- ١٤٧ «وَاللَّهُ مَا نَزَلَ تَأْوِيلُهَا بَعْدَ، وَلَا يَنْزِلُ تَأْوِيلُهَا...»
- ١٧٦ «وَإِنَّ لِيخْرُوجَهُ لَعَلَمَاتٍ عَشْرًا: - أَوَّلُهَا تَحْرِيقُ الزُّوَانِ فِي سِكَكِ الْكُوفَةِ...»
- ١٢١ «وَإِنِّي لِأَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ.»
- ٢٦٣ «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا.»

- «وَأَكْثَرُ الْعَلَامَاتِ بَنُو تَنْطُورًا، وَمُلْكُهُمُ الْعِراقُ وَأَطْرَافُ الشَّامِ» ١٩٢
- «وَأَمَّا الرَّؤُءَاءُ فَتَحْرَبُ مِنَ الْوَقَائِعِ وَالْفِتَنِ...» ١٧٩
- «وَأَمَّا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الْخِضْرُ، فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مَا طَوَّلَ عُمُرَهُ لِنُبُوءَةٍ...» ٨١
- «وَأَمَّا جِلَّةُ مَا وَقَعَ مِنَ الْغَيْبَةِ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا... ﴾» ١٣٣
- «وَأَوَّلُ الْآيَاتِ الصَّوَاعِقُ، ثُمَّ الرِّيحُ الصَّفْرَاءُ، ثُمَّ رِيحٌ دَائِمٌ وَصَوْتُ مِنَ السَّمَاءِ...» ١٨٣
- «وَاللَّهِ لَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْهِ وَقَدْ أَسْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَى الْحَجَرِ...» ٢٨٤
- «وَتُشْرِقُ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا، وَيَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ» ١٠٣
- «وَتَصِيرُ إِلَيْهِ شِيعَتُهُ مِنْ أَطْرَافِ الْأَرْضِ، تُطَوِّى لَهُمُ الْأَرْضَ طَيًّا حَتَّى يَبَايَعُوهُ» ٢٥٨
- «وَجَعَلْنَا وَآيَاتِكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بِشَارِهِ» ٢٧٩
- «وَحَتَّى لَا يَبْقَى مِنْكُمْ إِلَّا كَالْكُحْلِ فِي الْعَيْنِ...» ١٢٩
- «وَحَرَابُ الْبَصْرَةِ عَلَى يَدِ رَجُلٍ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ، يَتَّبِعُهُ الرُّنُوجُ» ٢٣٢
- «وَحَرَابُ الثُّرَكِ مِنَ الصَّوَاعِقِ» ١٨٣
- «وَرَأَيْتَ الْجَارَ يُؤْذِي جَارَهُ خَوْفًا مِنْ لِسَانِهِ» ١٧٥
- «وَرَأَيْتَ أَصْحَابَ الْأَذْيَانِ يُحْتَقِرُونَ، وَيُحْتَقَرُ مَنْ يُحِبُّهُمْ» ١٧٣
- «وَسَتَّانِي الْيَهُودُ مِنَ الْغَرْبِ لِإِنشَاءِ دَوْلَتِهِمْ بِفِلِسْطِينَ...» ١٩٦
- «وَضُيِّعَتِ الصَّلَوَاتُ، وَعُوصِرَتِ السَّمَاوَاتُ، فَحِينَئِذٍ تَكُونُ السَّنَةُ كَالشَّهْرِ...» ١٧١
- «وَيُظْهِرُ الْمَغْرِبِيُّ بِمِصْرَ وَتَمْلِكُهُ الشَّامَاتِ» ٢٢٠
- «وَعِنْدَ ذَلِكَ إِخْتِلَافُ السِّنِينَ، وَإِمَارَةٌ مِنْ أَوَّلِ النَّهَارِ وَقَتْلٌ وَخَلْعٌ فِي آخِرِ النَّهَارِ» ٢٠٠
- «وَعِنْدَهَا يَظْهَرُ الرُّبَا، وَيَتَغَامَلُونَ بِالْغَيْبَةِ وَالرُّشَى، وَيُوضَعُ الدِّينُ وَتَرْفَعُ الدُّنْيَا» ١٧٤
- «وَقَتْلُ النَّفْسِ الرُّكِيَّةِ مِنَ الْمَحْتَمِمْ» ٢٣٦
- «وَكَأَنَّكَ يَا بَنِيَّ، بِتَأْيِيدِ نَصْرِ اللَّهِ وَقَدْ آنَ وَيَتَشِيرُ الْفَرَجُ...» ٢٨٧
- «وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» ١٣٦
- «وَلَا يَبْقَى مُؤْمِنٌ مَيِّتٌ إِلَّا دَخَلَتْ عَلَيْهِ تِلْكَ الْفَرَحَةُ فِي قَبْرِهِ» ٧١
- «وَلَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ قَتْلَاهُمْ شُهَدَاءُ...» ٢٤٢
- «وَلَا يَكُونُ مُلْكٌ إِلَّا لِلْإِسْلَامِ وَتَكُونُ الْأَرْضُ كَفَاتُورِ الْفِضَّةِ» ٧١
- «وَلَعَنَ اللَّهُ بَنِي أُمِّيَّةٍ قَاطِبَةً» ٣٠٨
- «... وَلَهَا نُورٌ سَاطِعٌ، فِي قَلْبِكَ وَقُلُوبِ أَوْصِيَائِكَ، إِلَى مَطْلَعِ فَجْرِ الْقَائِمِ» ١٠٧
- «وَلَيَبْعَثَنَّ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ وُلْدِي يُطَالِبُ بِدِمَائِنَا، وَلَيَغَيِّبَنَّ عَنْهُمْ تَمَيِّزَ الْأَهْلِ الضَّلَالَةِ...» ١٣٠

- ١٦٧ «وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا...»
- ١٨٥ «وَمَنْعَ لِقَوْمٍ مِنْ أَهْلِ الْبَدْعِ حَتَّى يَصِيرُوا قِرْدَةً وَخَنَازِيرًا.»
- ٣٠١ «وَمِنَ الْغَدِ حِنْدَ الظُّهْرِ تَلَوُّنُ الشَّمْسِ وَتَضْفَرُ قَتَصِيرٌ مُظْلِمَةٌ...»
- ١٢٥ «وَمَنْ أَبْغَضَنَا وَرَدَّنَا أَوْرَدًا وَاحِدًا مِنَّا، فَهُوَ كَأَنَّهُ بِاللَّهِ وَبِآيَاتِهِ.»
- ٣٠٠ «وَيَتَوَجَّهُ إِلَى الْأَفَاقِ، فَلَا يَبْقَى مَدِينَةٌ وَطَنٌهَا ذُو الْقَرْيَتَيْنِ إِلَّا حَلَّهَا وَأَصْلَحَهَا...»
- ٢٥٧ «وَيَجِيءُ وَاللَّهُ ثَلَاثِينَ وَبِضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا، مِنْهُمْ خَمْسُونَ امْرَأَةً، يَجْتَمِعُونَ فِي مَكَّةَ.»
- ٢٥٦ «وَيُنْحَأ لِلطَّالِقَانِ! فَإِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِهَا كَنْزًا لَيْسَتْ مِنْ ذَهَبٍ وَلَا فِضَّةٍ...»
- ١٩٩ «وَيُنَحُّ هَذِهِ الْأُمَّةَ مِنْ مَلُوكِ جَبَابِرَةٍ كَيْفَ يَقْتُلُونَ وَيُخَيِّفُونَ الْمُطِيعِينَ...»
- ٢٢٠ «وَيَخْرُجُ الْبَرْبَرِيُّ إِلَى سُرَّةِ الشَّامِ.»
- ٢١٩ «وَيَخْرُجُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، فَيَضَعُ مِثْرَ دِمَشْقٍ، وَهُوَ أَوَّلُ مِثْرٍ يَضَعُهُ...»
- ١٠٠ «﴿وَيَسْتَخْرِجُ﴾ جَلِيَّةَ بَيْتِ الْمَقْدِسِ، وَالتَّابُوتَ الَّذِي فِيهِ الشَّكِينَةُ...»
- ٣٠١ «وَيَسِيرُ إِلَى الْبَصْرَةِ حَتَّى يُشْرِفَ عَلَى بَحْرِهَا...»
- ٣١٦ «وَيَسِيرُ نَحْوَ الْكُوفَةِ، وَيَنْزِلُ عَلَى سَرِيرِ النَّبِيِّ سَلِيمَانٍ...»
- ٢٣٨ «وَيَكُونُ قَتْلُ سَبْعِينَ مِنَ الصَّالِحِينَ، وَعَلَى رَأْسِهِمْ رَجُلٌ عَظِيمُ الْقَدْرِ...»
- ١٩١ «وَيُنَلُّ لِلْعَرَبِ مِنْ مُخَالَفَةِ الْأَثْرَاكِ، وَوَيْلٌ لِأُمَّةٍ مُحَمَّدٍ...»
- ١٧٠ «... وَ يُوضَعُ الدِّينُ، وَتُرْفَعُ الدُّنْيَا.»
- ١٩٨ «وَيَوْمَئِذٍ يَكُونُ إِخْتِلَافٌ كَثِيرٌ فِي الْأَرْضِ وَفِتْنٌ...»
- ٢٥٠ «هَذَا الْمَهْدِيُّ خَلِيفَةُ اللَّهِ فَاتَّبِعُوهُ.»
- ١٩٠ «هَذَا رَحْمَةٌ مِّن رَّبِّي فَإِذَا جَاءَ وَعَدُّ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي حَقًّا.»
- ١٠٣ «هَذَا مَوْضِعُ مَنَزِلِ الْقَائِمِ.»
- ٢٧١ «هَذَا مَهْدِيُّ آلِ مُحَمَّدٍ بَايَعُوهُ وَلَا تُخَالِفُوا أَمْرَهُ.»
- ٢٥٦ «هَذَا وَذَوُوهُ! ثُمَّ قَالَ: لَوْ كَانَ الَّذِينَ مُعَلِّقًا بِالشَّرِيَا لَتَنَاولَهُ رِجَالٌ مِنْ أَتْبَاءِ فَارِسٍ.»
- ٢٦١ «... هُمْ وَاللَّهُ الْأُمَّةُ الْمُعْتَدُونَ...»
- ٢٦٥ «هُوَ الَّذِي سَتَطْوِي لَه الْأَرْضَ.»
- ٧٠ «هُوَ الَّذِي يَجْمَعُ الْكَلِمَ وَيَتِمُّ النَّعْمَ، وَيُجِئُ اللَّهَ بِهِ الْحَقُّ وَيُزْهِقُ الْبَاطِلَ...»
- ١٠٤ «هُوَ الْمَهْدِيُّ، يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَيَعْدُ خُرُوجِهِ يَكُونُ قِيَامُ السَّاعَةِ...»
- ٣١٣ «هُوَذَا الْآنَ وَقْتُ مَقْبُولٍ، هُوَذَا الْآنَ يَوْمُ الْخَلَاصِ.»
- ٦٦ «هُوَ شَبِيهِ وَشَبِيهُ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ جَلَابِيبُ الثُّورِ...»

- «هُوَ مِنْ وُلْدِ أَبِي سُفْيَانَ، حَتَّى يَأْتِيَ أَرْضَ قَرَارٍ وَمَعِينٍ فَيَسْتَوِيَ عَلَى مِثْبَرِهَا.» ٢١٩
- «هُوَ مِنْ وُلْدِي وَلَدُهُ يَزِدُ جِرْدُ بْنُ شَهْرِيَارَ.» ٣٧
- «يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّثْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ.» ١٣٩
- «يَا أَهْلَ الْبَصْرَةِ: أَخْلَاقُكُمْ دِقَاقٌ، وَدِينُكُمْ بَفَاقٌ، وَمَاؤُكُمْ رُحَاقٌ...» ٢٣٢
- «يَا أَبْنَ مَهْرِيَارَا أَلَا أَنْتَ تَكُ ١٩. إِنَّهُ إِذَا فَقَدَ الصِّينِيَّ وَتَحَرَّكَ الْمَغْرِبِيُّ...» ١٩٣
- «... يَا حَيْسَى مَا كَانَ لَكَ أَنْ تَرَأَى لَوْلَا الْمُكَذَّبُونَ الْقَائِلُونَ بِأَيْنِ هُوَ...» ١١٥
- «يَا مَعْشَرَ الشَّيْعَةِ! خَاصِمُوا بِسُورَةِ ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾...» ١٠٧
- «يَأْوِي إِلَى الْمَهْدِيِّ أُمَّةٌ كَمَا تَأْوِي النَّخْلُ إِلَى يَغْسُوبِيهَا...» ٧٠
- «يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ مَهْمُهُمْ بَطُونُهُمْ، وَشَرَفُهُمْ مَسَاعُهُمْ وَقِيْلَتُهُمْ نِسَاؤُهُمْ...» ١٧٣
- «يَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ، الصَّابِرُ مِنْهُمْ عَلَى دِينِهِ كَالْقَابِضِ عَلَى الْجَمْرِ.» ١٧٠
- «يَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ، لَا يَبْقَى مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ...» ١٧١
- «يَأْمُرُ اللَّهُ تَعَالَى الْفَلَكَ بِاللُّبُوثِ وَفِيْلَةِ الْحَرَكَةِ، فَتَطُولُ الْأَيَّامُ لِذَلِكَ وَالسَّنُونَ.» ١٠٢
- «يُبَايِعُ الْقَائِمَ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ ثَلَاثِينَ وَتَيْفَ رَجُلٍ...» ٢٥٧
- «يُبَايِعُونَ عَلَى أَنْ لَا يَسْرَقُوا، وَلَا يَزْنُوا، وَلَا يَسُبُّوا مُسْلِمًا...» ٢٨٦
- «يَبْعَثُ اللَّهُ جِبْرَائِيلَ فَيَقُولُ: يَا جِبْرَائِيلُ اذْهَبْ فَأَبْدُهُمْ...» ٢٢٨
- «يَبْعَثُ الْمَهْدِيُّ بَعَثًا لِقِتَالِ الرُّومِ وَيُرْسِلُ مَعَهُ عَشْرَةَ...» ٣٠٢
- «يَبْلُغُ رَدُّ الْمَهْدِيِّ الْمَظَالِمَ حَتَّى وَلَوْ كَانَ تَحْتَ ضَرْبِ إِنْسَانٍ شَيْءٌ انْتَزَعَهُ حَتَّى يَرُدَّهُ.» ٦٩
- «يَتَّخِذُ الْقُرْآنُ مَزَامِيرًا، وَيُوضَعُ عَلَى الْخَانِ الْأَغَانِي، يُشْرَأُ بِالْأَخْشِيَةِ.» ١٧١
- «يَتَغَيَّرُ أَهْلُ الزَّمَانِ حَتَّى يُعِيدُوا الْأَوْثَانَ، وَيَبْتَلِي الْمُؤْمِنُونَ...» ١٧٥
- «يُجَرِّدُ السَّيْفَ عَلَى عَاتِقِهِ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ مَرَجًا حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ.» ٣١٧
- «يُجْفُ مَاءُ بَحِيرَةِ طَبْرِيَا، وَيَتَوَقَّفُ النَّخِيلُ عَنِ الشَّمْرِ...» ١٧٨
- «يُجْمَعُهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِمَكَّةَ فِي لَيْلَةٍ وَاحِدَةٍ...» ٢٥٨ - ٢٥٩
- «يُجْمَعُهُمُ اللَّهُ فِي لَيْلَةٍ، فَمَنْ اسْتَطَاعَ الْمَسِيرَ سَارَ وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَقَدَ عَنْ فِرَاشِهِ.» ٢٥٤
- «يُخْرِبُ جَيْشَ السُّفْيَانِيِّ بَغْدَادًا، ثُمَّ يَنْحَدِرُ إِلَى الْكُوفَةِ...» ٢٢٦
- «يُخْرِجُ السُّفْيَانِيُّ بِمِئَةِ وَسَبْعِينَ أَلْفًا فَيَنْزِلُ بِحَيْرَةِ طَبْرِيَةِ...» ٢٣٠
- «يُخْرِجُ بَعْدَ جَفَافِ مَاءِ بَحِيرَةِ طَبْرِيَةِ.» ١٧٩
- «يُخْرِجُ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ: السُّفْيَانِيُّ فِي عَمَقِ دِمَشْقٍ...» ٢٢٧
- «يَدْخُلُ الْمَدِينَةَ فَيَغِيبُ عَنْهُمْ عِنْدَ ذَلِكَ قُرَيْشٌ وَهُوَ قَوْلُ عَلِيٍّ...» ٢٩٦

- ١٧٣ «يَذْهَبُ الصَّالِحُونَ أَسْلَافًا: الْأَوَّلُ فَالْأَوَّلُ، حَتَّى لَا يَبْقَى...»
- ٢٠٠ «يَذْهَبُ مَلِكُ السَّنِينَ، وَيَصِيرُ مَلِكُ الشُّهُورِ وَالْأَيَّامِ قَعِيلًا: هَلْ يَطُولُ ذَلِكَ؟ فَقَالَ: لَا.»
- ١٧٣ «يَزِيدُ أَكْثَرَهُمْ، وَيَخْلَعُونَ رِبْقَةَ الْإِسْلَامِ مِنْ أَحْسَانِيهِمْ.»
- ١٨٦ «... يُرِيهِمْ فِي أَنْفُسِهِمُ الْمَسْخَ، وَيُرِيهِمْ فِي الْأَفَاقِ اتِّقَاضَ الْأَفَاقِ عَلَيْهِمْ...»
- ١٨٧ «يُزْجِرُ النَّاسَ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ عَنْ مَعَاصِيهِمْ بِنَارٍ تَظْهَرُ فِي السَّمَاءِ...»
- ١٦٧ «يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسِلُهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي...»
- ١٠٠ «يَسْتَخْرِجُ الْكُنُوزَ، وَيَفْتَحُ مَدَائِنَ الشُّرُكِ.»
- ٢١٥ «يُسْرِعُ التُّرُكُ عَلَى الْفُرَاتِ. فَكَانَ بِدَوَابِّهِمُ الْمُعْصَفَرَاتِ يَضْطَفِفْنَ عَلَى نَهْرِ الْفُرَاتِ!»
- ٢٨٠ «يُسْنِدُ الْقَائِمُ ظَهْرَهُ إِلَى الْحَرَمِ، وَيَمُدُّ يَدَهُ إِلَى الْبَيْعَةِ فَتَرَى بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ شَوْءٍ...»
- ٦٩ «يَطْلُبُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ: مَنْ يَصِلُهُ بِمَالِهِ وَيَأْخُذُ مِنْ زَكَاتِهِ...»
- ٢٦٧ «يَطْلُعُ عَلَيْكُمْ كَمَا تَطْلُعُ الشَّمْسُ أَيُّنَمَا تَكُونُونَ...»
- ٩٧ «يَظْهَرُ عَلَى يَدَيْهِ تَابُوتُ السَّكِينَةِ مِنْ بُحَيْرَةِ طَبْرِيَّةٍ...»
- ٢٦٩ «يَظْهَرُ وَحْدَهُ، وَيَأْتِي الْبَيْتَ وَحْدَهُ، وَيَلِجُ الْكَفَّةَ وَحْدَهُ...»
- ٣١٠ «يُعِزُّ اللَّهُ بِهِ الْإِسْلَامَ بَعْدَ ذَلِكَ، وَيُخَيِّبُهُ بَعْدَ مَوْتِهِ...»
- ٢٥ «يَعْنِي بِمَوْتِهَا كُفْرَ أَهْلِهَا، وَالْكَافِرُ مَيِّتٌ يُخَيِّبُهَا اللَّهُ بِالْقَائِمِ...»
- ٣٠١ «يُقَاتِلُ السُّفْيَانِيُّ التُّرُكَ، ثُمَّ يَكُونُ اسْتِصْغَالُهُمْ عَلَى يَدِ الْمَهْدِيِّ...»
- ٢٦١ «يُقِفُّ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، فَيَصْرُخُ صُرْخَةً فَيَقُولُ...»
- ٢٨٢ «يُقِفُّ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، فَيَصْرُخُ صُرْخَةً فَيَقُولُ: يَا مَعَاشِرَ نَقْبَانِي...»
- ١٧٢ «يُقِلُّ الْوَرَعُ، وَيَكْثُرُ الطَّمَعُ، وَيُرَى الْمُؤْمِنُ ضَامِتًا لَا يُقْبَلُ قَوْلُهُ...»
- ٢٩٧ «يُقُولُ فِي الْمَدِينَةِ مُخَاطِبًا جَدَّهُ: يَا جَدَّاهُ...»
- ٢٣٨ «يُقِيمُ قَبْلَ السُّفْيَانِيِّ وَاحِدًا هَاشِمِيًّا بِجِيلَانَ، وَيُعِينُهُ الْمَشْرِقِيُّ...»
- ٢٠٠ «يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مَحْزُونًا مُحْتَقِرًا لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُنْكِرَ إِلَّا بِقَلْبِهِ يَبْلُغُ عِنْدَهُمْ كُلُّ هَوَانٍ.»
- ١٧٣ «يَكُونُ أَسْعَدَ النَّاسِ بِالْدُّنْيَا لَكَعُ ابْنِ لُكَيْعٍ، لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ.»
- ٦٨ «يَكُونُ أَعْلَمَ النَّاسِ، وَأَحْكَمَ النَّاسِ، وَأَتْقَى النَّاسِ، وَأَحْلَمَ النَّاسِ...»
- ٦٧ «يَكُونُ أَوْلَى بِالنَّاسِ مِنْ أَنْفُسِهِمْ، وَأَشْفَقَ عَلَيْهِمْ مِنْ آبَائِهِمْ وَأُمَّهَاتِهِمْ...»
- ٣٠٢ «يَكُونُ أَهْلُ هَمْدَانَ وَزُرَّاءَهُ، وَحَوْلَانَ جُنُودَهُ...»
- ١٧٨ «يَكُونُ جِفَافَ الْأَنْهَارِ وَيَقَعُ الْقَحْطُ وَالْفَلَاءُ ثَلَاثَ سِنِينَ.»
- ١٨٧ «... يَكُونُ عِنْدَ ذَلِكَ ثَلَاثَةَ خُسُوفٍ: خُسْفٌ بِالْمَشْرِقِ، وَخُسْفٌ بِالْمَغْرِبِ...»

- ٣١٣ «يَكُونُ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ فِي أُمَّتِي حَكَمًا مُقْسِطًا...»
- ١٠١ «يَكُونُ فِي أُمَّتِي الْمَهْدِيُّ، إِنْ طَالَ عُمُرُهُ أَوْ قَصُرَ، مَلَكَ سَبْعَ سِنِينَ...»
- ٢٣١ «يَكُونُ قَبْلَ خُرُوجِهِ خُرُوجُ رَجُلٍ يُقَالُ لَهُ: عَوْفُ السَّلْمِيِّ...»
- ٦٩ «يَكُونُ مِنَ اللَّهِ عَلَى حَدْبٍ، لَا يَفْتَرُّ بِقَرَابَةِ وَلَا يَضَعُ حَجْرًا عَلَى حَجَرٍ...»
- ٢٤٠ «يَلْقَى أَهْلَ بَيْتِي بِلَاءً حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ رَايَةً مِنَ الْمَشْرِقِ سَوْدَاءً...»
- ٣٠٣ «يَمْشِي الْخِضْرُ بَيْنَ يَدَيْهِ، وَيَتَفَوَّاتِرُ رَسُولَ اللَّهِ...»
- ١٠٢ «يَمُكُّثُ الْمَهْدِيُّ فِيهِمْ سَبْعًا وَثَلَاثِينَ سَنَةً، يَقُولُ الصَّغِيرُ...»
- ١٠١ «يَمُكُّثُ عَلَى ذَلِكَ سَبْعَ سِنِينَ. تَطُولُ لَهُ الْأَيَّامُ وَاللَّيَالِي...»
- ١٠٢ «يَمْلِكُ الْقَائِمُ سَبْعَ عَشْرَةَ سَنَةً وَأَشْهُرًا...»
- ١٠١ «يَمْلِكُ سَبْعًا وَعَشْرًا وَالسَّنَةُ مِنْ سِنِيهِ تَكُونُ مِقْدَارَ عَشْرِ سِنِينَ...»
- ١٠٢ «يَمْلِكُ سَبْعِينَ سَنَةً...»
- ٢٦٩ «يُنَادِي بِاسْمِ الْقَائِمِ فِي لَيْلَةِ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ...»
- ٢٨٢ «يُنَادِي مُنَادٍ بِاسْمِ الْمَهْدِيِّ، فَيَسْمَعُ مَنْ بِالْمَشْرِقِ وَمَنْ بِالْمَغْرِبِ!»
- ٢٤٤ «يُنَادِي مُنَادٍ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ عِنْدَ الْفَجْرِ، مِنْ نَاحِيَةِ الْمَشْرِقِ...»
- ٢٤٩ «يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِهِ يَسْمَعُهُ جَمِيعُ أَهْلِ الْأَرْضِ بِاللُّدْغَاءِ إِلَى الْقَائِمِ...»
- ٢٤٥ «يُنَادِي مِنَ السَّمَاءِ أَوَّلَ النَّهَارِ: أَلَا إِنَّ الْحَقَّ مَعَ عَلِيٍّ وَشِيعَتِهِ...»
- ٢٧٩ «يُنَادِي مِنَ السَّمَاءِ أَوَّلَ النَّهَارِ: أَلَا إِنَّ الْحَقَّ مَعَ عَلِيٍّ وَشِيعَتِهِ...»
- ٢٨٣ «يَنْتَهِي إِلَى الْمَقَامِ فَيُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ، وَيَشْهَدُ اللَّهَ...»
- ٢٩٣ «يَنْزِلُ الْقَائِمُ يَوْمَ الرَّجْفَةِ بِسَبْعِ قِيَابٍ مِنْ نُورٍ وَلَا يُعْلَمُ فِي أَيِّهَا هُوَ...»
- ٢٤٦ «يَنْزِلُ جِبْرَائِيلُ يَوْمَئِذٍ عَلَى صَخْرَةٍ بَيْنَ الْمُقَدِّسِينَ...»
- ٢٨٢ «يَنْزِلُ جِبْرَائِيلُ يَوْمَئِذٍ عَلَى صَخْرَةٍ بَيْنَ الْمُقَدِّسِينَ، فَيَصِيحُ فِي أَهْلِ الدُّنْيَا...»
- ١٩٥ «يَنْزِلُ عَلَى أُمَّتِي بِلَاءٌ لَمْ يُسْمَعْ بِبِلَاءٍ أَشَدَّ مِنْهُ، حَتَّى تَضِيقَ بِهِمُ الْأَرْضُ الرَّحْبَةَ!»
- ٢١٤ «يُوشِكُ أَنْ تَدَاعَى عَلَيْكُمْ الْأُمَّمُ تَدَاعَى الْأَكَلَةَ عَلَى قَصْعَتِهَا...»
- ٢٣٤ «يُوشِكُ أَنْ تَخْرُجَ نَارٌ بِالْيَمَنِ، تُسَوِّقُ النَّاسَ إِلَى الشَّامِ...»
- ١٩١ «يُوشِكُ أَنْ يُطَوِّىَ مَلِكُ الْعَرَبِ...»
- ١٩٠ «يُوشِكُ بَنُو قَنْطُورًا أَنْ يَخْرُجُوا بِكُمْ مِنْ أَرْضِ الْعِرَاقِ!»
- ١٥٥ «يَوْمَ تُفْتَحُ الدُّنْيَا عَلَى الْقَائِمِ، وَلَا يَنْفَعُ أَحَدًا تَقَرُّبٌ بِالْإِيمَانِ...»
- ٢٨٠ «يُؤَيِّدُهُ اللَّهُ بِثَلَاثَةِ أَجْنَادٍ: بِالْمَلَائِكَةِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ وَبِالرُّعْبِ...»

فهرست موضوعی کتاب

۹	پیش‌گفتار:
۱۳	مقدمه:
۱۴	آفرینش
۱۹	عالم ذر
۲۴	حیات زمین
۲۷	غربت اهل بیت
۳۱	یاور دین خدا(علی)
۳۷	او از نسل من و...
۴۱	اجداد حضرت مهدی:
۴۳	شاهزاده ملیکا
۵۱	تولد صاحب الامر
۵۵	نام‌ها و لقب‌های حضرت مهدی:
۵۵	نهی از بردن نام حضرت مهدی
۵۷	ادیان در آخرالزمان:
۵۷	آیین زردشتی
۵۸	آیین هندویی
۶۰	آیین بودایی
۶۰	آیین یهودی
۶۱	آیین مسیحیت
۶۲	آیین اسلام
۶۵	سیمای ملکوتی:

۶۷ روش حضرت مهدی
۷۳ راز طول:
۷۷ شباهت حضرت مهدی:
۷۷ شباهت به آدم
۷۸ شباهت به نوح
۷۸ شباهت به هود
۷۹ شباهت به ابراهیم
۸۰ شباهت به لوط
۸۰ شباهت به یوسف
۸۱ شباهت به خضر
۸۲ شباهت به شعیب
۸۳ شباهت به موسی
۸۵ شباهت به یوشع
۸۶ شباهت به داوود
۸۸ شباهت به سلیمان
۸۸ شباهت به ایوب
۹۲ شباهت به عیسی
۹۵ شباهت به خاتم الانبیاء
۹۶ موارد انبیا:
۱۰۰ مدت حکومت:
۱۰۵ موقعیت علمی:
۱۰۹ رؤیای صادق
۱۱۱ اقامتگاه حضرت مهدی:
۱۱۵ تشرف:
۱۲۱ ضرورت وجود امام:
۱۲۶ دوران زندگی حضرت مهدی:
۱۲۷ حکمت غیبت:
۱۲۹ امتحان سنت خدا
۱۳۴ نواب اربعه:
۱۳۵ غیبت کبری:

۲۵۷	فهرست موضوعی کتاب
۱۳۹	انتظار فرج
۱۴۱	رجعت در رستاخیز صغری:
۱۴۵	رجعت حضرت رسول اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small>
۱۴۸	رجعت حضرت علی <small>علیه السلام</small>
۱۵۱	رجعت حضرت حسین <small>علیه السلام</small>
۱۵۵	محکمه عدل
۱۵۷	روز رجعت
۱۶۱	فسخ بیعت
۱۶۳	مراسم پر شکوه بیعت
۱۶۷	نشانه‌های ظهور:
۱۷۹	خروج دجال
۱۸۵	خسف - قذف - مسخ
۱۸۹	یاجوج و ماجوج
۱۹۱	بنوقنطوره
۱۹۵	فتنه‌های پیاپی
۲۰۱	مؤمنان...
۲۰۳	شیعیان در آخرالزمان
۲۰۵	خوشا به حال شکیبایان
۲۰۵	نامه حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> به شیخ مفید(ره)
۲۰۹	روز رحمت
۲۱۰	دیگر نشانه‌ها
۲۱۱	شهر مقدس قم
۲۱۵	سپاه ترک
۲۱۷	قیام سفیانی:
۲۲۷	فارسیان
۲۲۹	سرزمین بیداء
۲۳۱	قیام عوف سلمی:
۲۳۳۸	قیام یمانی:
۲۳۵	قیام نفس زکیه:
۲۳۸	قیام سید هاشمی:

۳۵۸ البيعة لله

- ۲۳۹ قیام سید خراسانی:
- ۲۴۲ بانگ آسمانی:
- ۲۵۳ یاران ولی عصر:
- ۲۶۳ وقوع رستاخیز صغری:
- ۲۶۹ شب ۲۳ رمضان
- ۲۷۱ اتی امرالله
- ۲۷۵ رکن و مقام
- ۲۷۷ ای اهل عالم
- ۲۷۹ دو صیحه
- ۲۸۱ فرشتگان
- ۲۸۳ مسجدالحرام
- ۲۸۵ بیعت
- ۲۸۷ نصرت خدا
- ۲۸۹ بقية الله خير لكم ان كنتم مؤمنين
- ۲۹۳ سنگ حضرت موسی
- ۲۹۵ نجف اشرف
- ۲۹۷ مدینه منوره
- ۲۹۹ آقای بزرگ رسول خدا
- ۳۰۱ دابة الارض
- ۳۰۳ خضر پیامبر
- ۳۰۵ هلاکت سفیانی
- ۳۰۷ شجرة ملعونه
- ۳۰۹ تپه‌های دستگرد
- ۳۱۱ رجعت حضرت عیسی:
- ۳۱۳ عیسی داوری دادگر
- ۳۱۵ نام او (احمد) است
- ۳۱۷ فرشتگان نشاندار
- ۳۱۹ ابلیس لعین
- ۳۲۱ حق بر کرسی صدارت
- ۳۲۳ کاخ خوشبختی

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

مفاتیح الجنان: تألیف مرحوم حاج شیخ عباس قمی رحمۃ اللہ علیہ.

منتہی الامال: تألیف مرحوم حاج شیخ عباس قمی رحمۃ اللہ علیہ.

اصول کافی: تألیف الكلینی الرازی رحمۃ اللہ علیہ.

عنوان الکلام: تألیف حجة الاسلام والمسلمین آخوند ملا محمد باقر فشارکی رحمۃ اللہ علیہ.

حقایق: تألیف محمد بن مرتضی مشهور به مولی محسن فیض کاشانی رحمۃ اللہ علیہ؛ ترجمہ محمد

باقر ساعدی خراسانی.

مکیال المکارم: تألیف آیت الله محمد تقی موسوی اصفهانی رحمۃ اللہ علیہ؛ ترجمہ: سید مهدی

حائری قزوینی.

نجم الثاقب: تألیف طبرسی نوری رحمۃ اللہ علیہ.

تحف العقول: تألیف ابو محمد الحسن بن علی بن الحسین بن شعبة الحرانی رحمۃ اللہ علیہ.

جامع النورین مشهور به انسان: تألیف مرحوم حاج ملا اسماعیل سبزواری رحمۃ اللہ علیہ.

مفتاح الفلاح: تألیف علامه شیخ بهاء الدین محمد العاملی؛ ترجمہ علی بن طیفور بسطامی.

قصص قرآن: تألیف صدرالدین بلاغی رحمۃ اللہ علیہ.

انسان از دیدگاه قرآن و عترت: تألیف سید حسن صدر رحمۃ اللہ علیہ.

منتقم حقیقی: تألیف حسین عماد زاده رحمۃ اللہ علیہ.

یوم الخلاص: تألیف کامل سلیمان؛ ترجمہ علی اکبر مهدی پور.

یأتی علی الناس: تألیف سید محمود بن السید مهدی الموسوی.

علی آینه عرفان: تألیف سید اصغر ناظم زاده قمی.

آفرینش و رستاخیز: تألیف شینیا ماکینو؛ ترجمہ دوست خواه.